۹۳

ترجمہ

بحار الانوار

الجامعۃ لدرر اخبار الائمۃ الاطہار

از محدث کبیر شیخ علامہ محمد باقر مجلسی رحمۃ اللہ علیہ

ناشر: [illegible]

ترجمه بحارالانوار جلد 93: زکات و خمس و روزه

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 978-600-7150-71-9 : ؛ ج.6 978-600-7150-72-6 : ؛ ج.7 978-600-7150-73-3 : ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 978-600-7150-76-4 : ؛ ج.11 978-600-7150-83-2 : ؛ ج.12 978-600-7150-66-5 : ؛ ج.13 978-600-7150-85-6 : ؛ ج.14 978-600-7150-86-3 : ؛ ج.15 978-600-7150-87-0 : ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ص: 2

ترجمه

بحار الانوار

جلد 93

زکات و خمس و روزه

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار،جلد 93

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

تمام حقوق این اثر برای نهاد کتابخانه های عمومی کشور محفوظ است

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

باب های کتاب زکات و امور مربوط به آن

باب اول: واجب بودن زکات، فضیلت آن و مجازات ترک آن و علت وجوب زکات و نیز در این باب به فضیلت صدقه پرداخته شده است.....9

باب دوم: کسی که زکات بر او واجب است و چیزهایی که زکات آن واجب است و چیزهایی که پرداخت زکات در آن مستحب است و شرایط وجوب زکات مانند سال و غیره، و زکات مال قرضی و مال غایب.....46

باب سوم: زکات طلا و نقره و زکات تجارت.....56

باب چهارم: زکات غلات و شرایط آن و مقداری که از آن گرفته میشود و حبوباتی که پرداخت زکات آن مستحب است.....65

باب پنجم: زکات چهارپایان.....68

باب ششم: انواع مسحق زکات و احکام مربوط به آنها.....75

باب هفتم: حرام بودن زکات بر بنی هاشم 95

باب هشتم: چگونگی تقسیم زکات و آداب آن و حکم زکاتی که فرد ستمگر میگیرد و زمان اخراج زکات و کمترین مقداری که به فقیر میتوان داد.....101

باب نهم: آداب مربوط به گردآورنده زکات.....105

باب دهم: حق برداشت محصول و میوه چینی درخت خرما و دیگر حقوق اموال به جز زکات.....118

باب یازدهم: داستان باغ دارانی که از پرداخت حق خداوند در اموالشان خودداری کردند..... 129

باب دوازدهم: واجب بودن زکات فطر و فضیلت آن.....133

باب سیزدهم: مقدار زکات فطره و کسی که بر او واجب است و کسانی که از طرف آنها باید پرداخت شود و مستحقان آن.....136

باب های صدقه

باب چهاردهم: فضیلت صدقه و انواع آن و آداب آن.....143

باب پانزدهم: باز هم در آداب صدقه، اضافه بر آنچه در باب سابق گذشت .....176.....

باب شانزدهم: نکوهش گدایی به ویژه با دست و از مخالفان، و آنچه گدایی در آن جایز است.....192

باب هفدهم: ادامه نعمت با تحمل بار (رسیدگی به امور مردم)، و کمک به اندازه خرج و انفاق نازل میگردد.....205

باب هجدهم: مصارف انفاق و نهی از اسراف در آن و صدقه دادن با مال حرام..... .....207.....

باب نوزدهم: کراهت رد کردن گدا و فضیلت سیر کردن و سیراب کردن او و فضیلت آب..... .....216.

باب بیستم: پاداش کسی که به صدقه سفارش و راهنمایی کند یا سعی کند به بینوایی صدقه بده.....222

باب بیست و یکم: درباره انواع صدقه و اقسام آن از جمله صدقه شب و روز و پنهان و آشکار و دیگر انواع آن و بهترین انواع صدقه.....223

باب های خمس و آنچه بدان ارتباط دارد

باب بیست و دوم: واجب بودن خمس و کیفر کسی که آن را ترک میکند و حکم آن در زمان غیبت و حکم آنچه در اختیار امام علیه السلام است.....230

باب بیست و سوم: آنچه خمس در آن واجب است و دیگر احکام آن....237

باب بیست و چهارم: اصناف مستحقین خمس و چگونگی تقسیم کردن...245

باب بیست و پنجم: انفال.....256

باب بیست و ششم: فضیلت هدیه دادن به امام علیه السلام 272

باب بیست و هفتم: مدح ذریه پاک و پاداش صله دادن به آنها.....275

باب بیست و هشتم: تطهیر مال حلال مخلوط با حرام 298

باب بیست و نهم: حکم خمس و زکات کسانی که از جهت مادری به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میرسند.....301

کتاب روزه

بابهای مربوط به روزه

باب سی ام: فضیلت روزه.....308

باب سی و یکم: اقسام روزه و روزهایی که روزه در آن مستحب است و روزهایی که روزه گرفتن در آن حرام است و انواع روزه اذن.....321

باب سی و دوم: احکام روزه.....332

باب سی و سوم: کسی که به گمان فرا رسیدن شب افطار کند.....342

باب سی و چهارم: آنچه که کفاره در آن واجب است و احکام مربوط

به آن حکم آنچه پیاپی روزه گرفتن (تتابع) در آن لازم میآید.....343

باب سی و پنجم: کسی که در شب جماع کند یا افطار کند یا صبح هنگام محتلم شود یا در روز محتلم شود.....352

باب سی و ششم: آداب مربوط به روزهدار.....356

باب سی و هفتم: آنچه که با آن هلال ماه ثابت میشود و اینکه ماه رمضان ناقص میشود یا نه، و حکم روزه یوم الشک.....366

باب سی و هشتم: دعاهای هنگام افطار و سحر و آداب مربوط به آن...375

باب سی و نهم: پاداش کسی که مؤمنی را افطار دهد یا در ماه رمضان صدقه بدهد.....382

باب چهلم: زمانی که کودک به روزه گرفتن وادار میشود.....386

باب چهل و یکم: زن باردار و شیرده و فردی که به بیماری تشنگی دچار شود و پیرمرد و پیرزن.....387

باب چهل و دوم: حکم روزه در سفر و در بیماری و حکم سفر در ماه رمضان.....390

باب چهل و سوم: احکام قضای روزه برای خود و دیگری و حکم زن

حائض و مستحاضه و زن نفساء.....401

باب چهل و چهارم: رسیدن مسافر از سفر و پاک شدن زن حائض

باب چهل و پنجم: احکام روزه کفارهها و نذر.....407

بابهای روزه ماه رمضان و آنچه بدان ارتباط و مناسبت دارد

باب چهل و ششم: واجب بودن روزه ماه رمضان و فضیلت آن.....412

باب چهل و هفتم: فضیلت جمعههای ماه رمضان.....454

باب چهل و هشتم: دلیل اینکه این ماه رمضان نامیده شده است.....455

باب چهل و نهم: دعا در هنگام رؤیت هلال ماه رمضان و آنچه در شبها و روزهای آن خوانده میشود و آدابی که شایسته است در این ماه رعایت گردد...457

باب پنجاهم: دعا کردن در آغاز این ماه و در اولین شب آن.....463

باب پنجاه و یکم: نوافل ماه رمضان.....464

باب پنجاه و دوم: فضیلت قرائت قرآن در ماه رمضان.....467

باب اول : واجب بودن زکات، فضیلت آن و مجازات ترک آن و علت وجوب زکات؛ و نیز در این باب به فضیلت صدقه پرداخته شده است

آیات:

- وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ،{و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.} و خداوند میفرماید: وَآتُواْ الزَّكَاةَ ،{و زکات را بدهید.} و نیز میفرماید: وَآتَى الزَّكَاةَ، {و زکات را بدهد.} (1)

- وَلاَ يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَلِلّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. (2)

{و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود. میراث آسمانها و زمین از آنِ خداست، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.}

- لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاَةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنتُم بِرُسُلِى وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ. (3)

{اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید، قطعاً گناهانتان را از شما می زدایم.}

1- . بقره/ 2، 43، 83، 110، 177، 277
2- . آل عمران/ 180
3- . مائده/ 12

- وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ فَسَأَکْتُبُهَا لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَالَّذِینَ هُم بِآیَاتِنَا یُؤْمِنُونَ.(1)

{و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر می دارم. }

خُذِ الْعَفْوَ.(2)

{گذشت پیشه کن. }

- وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنفِقُونَ.(3)

{و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. }

- فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلاَهَ وَآتَوُاْ الزَّکَاهَ فَخَلُّواْ سَبِیلَهُمْ. (4)

{پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند، راه برایشان گشاده گردانید. }

- إِنَّمَا یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلاَهَ وَآتَی الزَّکَاهَ.(5)

{مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده. }

- وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّهَ وَلاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ * یَوْمَ یُحْمَی عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوَی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا کَنَزْتُمْ لأَنفُسِکُمْ فَذُوقُواْ مَا کُنتُمْ تَکْنِزُونَ.(6)

{و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ

1- . اعراف/ 156
2- . اعراف/ 199
3- . انفال/ 3
4- . توبه/ 5
5- . توبه/ 18
6- . توبه/ 34 و 35

بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می اندوختید بچشید». }

- وَيُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ أُوْلَئِکَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ.(1)

{و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد. }

- قُل لِّعِبَادِیَ الَّذِينَ آمَنُواْ يُقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِیَ يَوْمٌ لاَّ بَيْعٌ فِيهِ وَلاَ خِلاَلٌ.(2)

{به آن بندگانم که ایمان آورده اند بگو: «نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستیی». }

- وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ.(3)

{و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن]. }

- وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاهِ وَالزَّكَاهِ مَا دُمْتُ حَيًّا.(4)

{و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. }

- وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاهِ وَالزَّكَاهِ.(5)

{و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد. }

- وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاهِ وَإِيتَاء الزَّكَاهِ.(6)

{و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم. }

- الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاهَ وَآتَوُا الزَّكَاهَ.(7)

1- . توبه/ 71
2- . ابراهیم/ 31
3- . اسری/ 26 و مانند همین آیه در سوره روم/ 28 آمده است.
4- . مریم/ 31
5- . مریم/ 55
6- . أنبیاء/ 73
7- . حجّ/ 41

{همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند. }

- فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ.(1)

{پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید. }

- وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ.(2)

{و آنان که زکات می پردازند. }

- رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْع عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاء الزَّكَاةِ.(3)

{مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد. }

- وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ.(4)

{و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید. }

- هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ.(5)

{که [مایه] هدایت و بشارت برای مؤمنان است. همانان که نماز برپا می دارند و زکات می دهند. }

- وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ.(6)

{و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی گیرد [ولی] آنچه را از زکات - در حالی که خشنودی خدا را خواستارید - دادید، پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود]. }

- هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ.(7)

1- . حجّ/ 78
2- . مؤمنون/ 4
3- . نور/ 37
4- . نور/ 56
5- . نمل/ 2 و 3
6- . روم/ 39
7- . لقمان/ 4

{[که] برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است. [همان] کسانی که نماز برپا می دارند و زکات می دهند. }

- وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ.(1)

{و وای بر مشرکان. همان کسانی که زکات نمی دهند و آنان که به آخرت ناباورند. }

- وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.(2)

{و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. }

- فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ.(3)

{پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید. }

- وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ * وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاء أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.(4)

{و از آنچه روزیِ شما گردانیده ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدّتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟» [ولی] هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی افکند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. }

- وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا.(5)

{و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید. }

- وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ.(6)

{و بینوایان را غذا نمی دادیم. }

- فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى.(7)

1- . فُصلت/ 6 و 7
2- . شوری/ 38
3- . مجادله/ 13
4- . منافقون/ 10 و 11
5- . مزّمل/20
6- . مدّثر/ 44
7- . قیامه/ 31

{پس [گویند] تصدیق نکرد و نماز برپا نداشت.}

- وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ.(1)

{و نماز برپا دارند و زکات بدهند.}

تفسیر:

مقصود خداوند از «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ». {و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند} این است که از آنچه به ایشان از اموال و داراییها و تواناییها و نیروی بدنی و مقام و موقعیت و دانش روزی دادیم انفاق میکنند و صدقه میدهند، رفع نیاز ضعیفان را متحمل میشوند، حق و حقوق مردم را به آنها پرداخت میکنند، قرض میدهند، نیازها را برطرف میکنند، از بینوایان دستگیری میکنند، نابینایان را راهنمایی میکنند، آنها را از هلاکتگاهها و خطرات نجات میدهند، بار و بنه و وسایلشان را حمل میکنند، پیادگان را سوار بر مرکبهایشان میکنند، با مال و جان خود کسانی را که از لحاظ ایمانی از آنها برتر هستند بر خود ترجیح میدهند و افرادی را که از نظر ایمان همتراز آنها هستند با خود مساوی میدانند. علم و دانش را به اهلش آموزش میدهند و فضیلتهای اهل بیت علیهم السلام را برای دوستداران و کسانی که به هدایت آنها امید دارند نقل میکنند. این مطالب در تفسیر امام علیه السلام آمده است. (2)

طبرسی رحمه الله گفته است: مقصود خداوند از «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»، {و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند} این است: آنچه به آنها دادیم و به تصاحبشان درآوردیم را در راه طاعت و بندگی صرف میکنند. از ابن عباس نقل شده است: مقصود آیه، زکات واجب است و ابن مسعود گفته است: مراد از آن نفقه مرد به خانواده اش است زیرا این آیه پیش از واجب شدن زکات نازل شده است. از ضحّاک نیز روایت شده است که گفته است: مقصود از آن داوطلب شدن برای پرداخت نفقه است. محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت میکند که

1- . بیّنه/ 5
2- . تفسیر امام حسن عسکری: 36

«معنی آیه این است که آنچه را به ایشان تعلیم دادیم منتشر میکنند.» اما بهتر و شایسته تر آن است که آیه را بر معنای عام در نظر بگیریم. پایان. (1)

مؤلف: در معانی الاخبار(2) و تفسیر عیاشی(3)

نیز همین حدیث از امام صادق علیه السلام روایت شده است. ترجیحی که طبرسی داده و معنای آیه را عام دانسته است کاملا درست و بجاست، اما معنایی که از تفسیر منقول از امام برداشت میشود جامعتر است و روایت محمد بن مسلم با آن منافاتی ندارد و همان طور که واضح است میتوان آن را به صورت عام در نظر گرفت.

بیضاوی گفته است: آمدن «مِن» تبعیض (بعضیه) به جهت بازداشتن از اسراف کردن ناروا است.

در باره این سخن خداوند «وَآتُواْ الزَّكَاةَ» {و زکات را بدهید} بیضاوی گفته است: زکات از فعل «زکی الزرع» {هرگاه کِشت رشد کند} میباشد. در حقیقت دادن زکات موجب برکت در مال، و کرامت و بزرگ منشی نفس انسان میشود. یا اینکه زکات از «زکاء» به معنای پاکی است چرا که زکات مال و دارایی را از آلودگی و نفس را از بخل و تنگ نظری پاک میکند. پایان.

طبرسی گفته است: زکات، نماء و زیادت، از لحاظ معنای لغوی مانند هم هستند. نویسنده کتاب «العین» گفته است: زکاه یعنی تزکیه مال و آن پاک کردن مال است و «زکا الزرع و غیره یزکو زکاء ممدوداً» یعنی زراعت رشد کرد و فزونی یافت و «هذا لا یزکو بفلانٍ» یعنی شایسته او نیست، و «زکا» به معنای زوج و «خسا» به معنای فرد است. اصل آن به معنای فزونی دادن مال با برکتی است که خداوند در آن قرار میدهد. پایان. (4)

تفاوت این دو سخن آشکار است.

سپس طبرسی گفته است: این سخن خداوند «وَآتُواْ الزَّكَاةَ» {و زکات را بدهید} به این معنا است که آنچه را که خداوند بر اموال شما واجب کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شما تبیین نموده است بپردازید. در واقع همه احکام قرآن به

1- . مجمع البيان 1 : 39
2- . معانى الاخبار : 23
3- . تفسير عياشى 1 : 26
4- . مجمع البيان 1 : 97

صورت مختصر و کوتاه آمده است و تبیین جزییات آن بر عهده پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم واگذار شده است همان طور که خداوند پاک و منزه میفرماید: «وَمَا آتَاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاکُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا» ،(1) {و

آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید.} از این جهت آنها را سربسته و به صورت مختصر به نماز و زکات امر فرموده است و بیان جزییات آن را به پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم واگذار کرده است. پایان. (2)

خلاصه مطالبی که در تفسیر امام علیه السلام در این رابطه آمده است این میباشد که زکات بپردازید از مال و دارایی، هرگاه واجب شد و از جسمهایتان، هرگاه لازم گردید و از کمک و یاری شما، هرگاه خواسته شد. (3)

در کافی از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که از او در باره صدقه عید فطر سؤال شد که آیا فطریه از جمله آن چیزی است که خداوند فرموده است: «فَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ» ،{پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید.} ؟ ایشان فرمود: بله. (4)

در تفسیر عیاشی نیز همین حدیث روایت شده است. (5) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: این فطریه ای است که خداوند بر مؤمنان واجب قرار داده است. و در روایت دیگری آمده است : حکم زکات در حالی نازل شد که مردم هیچ مالی نداشتند و بدین ترتیب فقط فطره به آنها تعلّق می گرفت نه زکات مال. (6)

«وَآتَی الزَّکَاةَ»: ابتدای آیه به این صورت آمده است: «لَّیْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَالْمَلآئِکَهِ وَالْکِتَابِ وَالنَّبِیِّینَ وَآتَی الْمَالَ عَلَی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ وَالسَّآئِلِینَ وَفِی الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَی الزَّکَاةَ»،(7) {نیکوکاری

آن نیست که روی

1- . حشر/ 7
2- . مجمع البیان 1 : 97
3- . تفسیر امام : 112
4- . در کافی این حدیث را نیافتیم بلکه در تهذیب 1 : 373 این حدیث را می بینید.
5- . تفسیر عیاشی 1 : 42
6- . تفسیر عیاشی 1 : 43 و کافی ج 4 : 171 که هشام بن الحکم آن را روایت کرده است.
7- . بقره/ 177

خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آوَرَد، و مال [خود] را با وجودِ دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راهِ آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد.} بیشتر مفسران بر این باورند که این آیه زمانی نازل شد که قبله تغییر کرد، و در باره منسوخ شدن این آیه مطالب زیادی عنوان شده است و یهودیان و مسیحیان در این باره زیاد سخن گفته اند. مشرق قبله مسیحیها و مغرب قبله یهودیها بوده است.

در تفسیر امام علیه السلام از امام سجاد علیه السلام روایت شده که گفته است: یهودیان گفتند: ما به سوی این قبله نمازهای زیادی خوانده ایم و برخی از ما تمام شب را به سوی این قبله نماز گزارده است و این قبله ای است که موسی ما را به (نماز خواندن به سوی آن) امر فرموده است، و مسیحیان گفتند: ما به سوی این قبله نمازهای زیادی خوانده ایم و برخی از ما تمام شب را به سوی این قبله نماز گزارده است و این قبله ای است که عیسی ما را به (نماز خواندن به سوی آن) دستور داده است، و هر کدام از این دو گروه گفتند: آیا گمان میکنی پروردگار این اعمال زیاد ما و نماز خواندن به سوی قبله مان را باطل میکند، به این سبب که از محمد صلی الله علیه و آله و سلم که هواهای نفسانی خویش را در مورد خود و برادرش محور قرار داده است، پیروی نمیکنیم؟ پس خداوند این آیه را نازل کرد که ای محمد! بگو نیکوکاری و طاعت و بندگی ای که بتوانید با آن به بهشت دست یابید و سزاوار و شایسته بخشش و خشنودی خدا گردید این نیست که با نماز خواندن روی خود را ای مسیحیان به سوی مشرق و ای یهودیان به سوی مغرب بگردانید حال آنکه مخالف دستورات خداوند هستید و نسبت به دوستدار خداوند خشمگین هستید بلکه «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ» یعنی نیکی آن است که کسی ایمان آورد یا اینکه نیکوکار کسی است که به خداوند ایمان بیاورد. (1)

روایات:

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 271

1. مصباح الشریعه: امام صادق علیه السلام فرموده است: بر هر یک از اعضای تو زکاتی برای خداوند عزیز و بلند مرتبه واجب شده است و بلکه بر هر تار موی انسان و بر هر لحظه ای که سپری میکند زکات واجب شده است. پس زکات چشم، نگاه کردن با عبرت و پند پذیری و فروخواباندن چشم از شهوتها و مانند آن است. زکات گوش شنیدن دانش، حکمت، قرآن و فایدههای دینی همچون حکمت، موعظه و نصیحت و نیز شنیدن آنچه که سبب نجات و رستگاری تو میشود، با دوری و روی گردانی از چیزهایی که مخالف آن است همچون دروغ و غیبت و مانند اینها. زکات زبان پند دادن مسلمانان و آگاه کردن انسانهای غافل، و تسبیح و ذکر فراوان خداوند و چیزهای دیگر است. زکات دست کمک و بخشش از آن چیزی است که خداوند به تو ارزانی داشته است، و نیز زکات دست به حرکت درآوردن آن برای نوشتن علوم و منفعتهایی است که مسلمانان در طاعت و بندگی خداوند بلند مرتبه از آن سود میبرند و نیز دست نگه داشتن از بدیها. زکات پا سعی و تلاش در راستای ادای حقوق خداوند از جمله دیدار با انسانهای صالح، رفتن به مجالس ذکر، اصلاح مردم، برقراری روابط خویشاوندی، جهاد در راه خدا و انجام کارهایی که مایه اصلاح قلب و سلامت دین تو میشود.

این موارد چیزهای است که قلبها توانایی درک آن را دارند و نفسها قادر به کار گیری آن هستند و اما آنچه که تنها بندگان نزدیک و مخلص خداوند بر آن توان دارند قابل شمارش نخواهد بود. این افراد صاحبان این اعمال هستند و این امور به جز آنها شعار و سرلوحه کسی نخواهد بود. (1)

توضیح: «نوشتن علوم» بیانگر ارزش نگارش قرآن مجید و دعاها و کتابهای حدیثی منقول و دیگر کتاب هایی است که در علوم دینی نگاشته میشود و در کل بیانگر اهمیت همه کتابهایی است که به نوعی در راستای علوم دینی نوشته میشود. مقصود از مجالس ذکر مجالسی است که بر اساس قانون پاک شریعت برپا میشود.

1- . مصباح الشریعه : 271

2. عیاشی: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هر کسی که زکات شتر و گاو و گوسفند بر او واجب باشد و از پرداخت آن ممانعت ورزد در روز قیامت در دشتی بی آب و علف اقامت داده میشود و حیوانات شاخ دار او را شاخ میزنند، هر جانور نیش داری او را نیش میزنند و حیوانات سُم دار او را لگد مال میکنند و این کار ادامه مییابد تا زمانی که خداوند به حساب و کتاب همه بندگان رسیدگی کند و هر کسی زکات خرما و مویز و گندم و جو را نداده باشد آن قطعه باغ یا زمین تا روز قیامت تا عمق هفت طبقه زمین در گردنش آویخته میشود. (1)

توضیح: الجوهریّ در مورد عبارت «بقاع قفر» گفته است: قاع، به زمین هموار و پست گویند. «ینهشه» در قاموس به این صورت آمده است: نهشَهُ : او را گزید و نیش زد یا او را با دندان گرفت.

3. یوسف الطاطری از امام باقر علیه السلام شنیده که در مورد زکات فرموده است: کسی که از پرداخت زکات خودداری کند، خداوند در روز قیامت مال و اموال او را به شکل ماری از آتش که دو نقطه سیاه در بالای چشم دارد تبدیل میکند و آن را بر گردن او میپیچد. سپس به آن مار گفته میشود: ملازم او باش همان طور که در دنیا ملازم و همراه تو بود. این مصداق سخن خداوند است که میفرماید: «سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ»، (2) {به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود.}

همچنین از آنان - امامان علیهم السلام - نقل شده است که: شخصی که زکات نمیدهد با ماری بسیار سمی، احاطه میگردد که از گوشت این شخص میخورد. و این مصداق سخن خداوند است: «سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ»،(3) {به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود.} (4)

1- . تفسیر عیاشی 1 : 207
2- . آل عمران/ 180
3- . آل عمران/ 180
4- . تفسیر عیاشی 1 : 208

4. تفسیر امام عسکری علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هر کس زکات را به افراد مستحق بدهد و نماز را بر اساس حد و حدود آن به پا دارد و با انجام گناهان کبیره این دو عمل را باطل نسازد، در روز قیامت حضور مییابد در حالی که همه حاضران صحرای محشر بر او غبطه میخورند تا جایی که نسیم بهشت او را با خود به بالاترین غرفه های بهشت در حضور کسانی که آنها را دوست میدارد یعنی محمد و خاندان پاکش، بالا میبرد.

و اگر کسی در دادن زکات بخل ورزد و نمازش را ادا کند، نمازش کمیپایین تر از آسمان نگه داشته میشود تا اینکه خبر زکاتش برسد. اگر او زکات را داده باشد زکات او همچون مرکبی خوب برای نمازش میشود و نماز را با خود به ساق عرش خداوند حمل میکند. پس خداوند عزیز و بلند مرتبه میگوید: به سوی بهشت برو و در آنجا تا روز قیامت بدو. پس هر جایی که دویدن تو به پایان برسد و به هر جایی برسی از آنِ تو خواهد بود. او به راه میافتد و هر بار حرکت او به اندازه مسیر یک سال در یک چشم برهم زدن از آن روز تا روز قیامت است تا اینکه در روز قیامت به جایی که خداوند اراده کرده است میرسد و همه آنجا به او اختصاص خواهد یافت و به همان اندازه از سمت راست و چپ و جلو و عقب و بالا و زیر از آنِ او خواهد شد.

اگر در دادن زکات بخل ورزد و آن را پرداخت نکند به نماز دستور داده میشود به سوی او باز گردد و همان طور که لباس کهنه پیچیده میشود، نمازش درهم پیچیده میشود سپس با آن بر صورت او زده می شود و به او گفته میشود: ای بنده خدا! با این یکی بدون دیگری چه کار میکنی؟ (1)

5. تفسیر امام عسکری: این سخن خدواند «وَآتُوا الزَّكَاةَ» به این معنا است که از دارایی و منزلت (نفوذ اجتماعی) و توان بدنی خود زکات بدهید. از جمله زکات مال و دارایی این است که برادران مومن خویش را در مال خود شریک سازی، و از جمله زکات جاه و منزلت این است که به آنهایی که به خاطر ضعف و ناتوانی در برآورده ساختن نیازهای موجود در دلهایشان از برخی نیازها می گذرند، کمک و

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 36

یاری برسانی. و از جمله زکات توان بدنی این است که به برادری که الاغ یا شترش در بیابان و یا در راه هلاک شده است و طلب یاری نموده اما کسی او را یاری نکرده، کمک کنی تا بار و بنه اش را حمل کرده و او را سوار بر مرکبش نمایی و او را کمک کنی تا به کاروانش برسد و در همه این کارها به دوستی و محبت محمد و خاندان پاکش باور داشته باشی و به اینکه خداوند اعمال تو را پاک میگرداند و به سبب دوستی با آنان (پیامبر و خاندانش) و بیزاری از دشمنانشان اجر کارهای تو را چند برابر خواهد کرد. (1)

6. تفسیر امام عسکری: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: زکات اموال و دارایی خود را به انسانهای مستحق زکات مانند بینوایان و ناتوانها بدهید و در پرداخت زکات به آنها کوتاهی نکنید و از ارزش و مقام آنها نکاهید و چیز پست و پلید به آنان ندهید، چراکه هر کس زکاتش را با رضایت و طیب خاطر بدهد، خداوند در ازای هر دانه ای که به عنوان زکات میبخشد، در بهشت قصری از طلا، قصری از نقره، قصری از مروارید، قصری از زبرجد، قصری از زُمرد، قصری از جواهرات و قصری از نور خداوندی به او میدهد. اگر در پرداخت زکات کوتاهی کند خداوند به او میگوید: ای بنده ام! آیا من را بخیل میدانی یا اینکه مرا متهم میکنی یا اینکه گمان کردی در دادن پاداش تو ناتوانم؟ روزی خواهد آمد که اگر زکات را آن طور که به تو دستور داده شد پرداخت کنی، نیازمندترین نیازمندان به این زکاتی که پرداختهای خواهی بود. و اگر (در دادن زکات) بخل پیشه کنی روزی خواهد آمد که در آن روز زیان کار ترین زیانکاران خواهی بود. امام حسن عسکری فرمود: مسلمانان این سخنان را شنیدند و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم ای فرستاده خدا. (2)

7. تفسیر عیاشی: سماعه میگوید از امام صادق علیه السلام در مورد این سخن خداوند پرسیدم: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ»(3)،

{و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند.} او فرمود: آن چیزی غیر از زکات است که

1- . تفسیر امام حسن عسکری : 166
2- . تفسیر امام حسن عسکری: 240

3- . رعد/ 21

خداوند در اموال و دارایی فرض کرده است و هر کس آنچه را خداوند بر او واجب کرده پرداخت کند، تکلیفی که بر او مقدر شده را به انجام رسانده است. (1)

8. تفسیر عیاشی: سماعه گفته است: خداوند در اموال ثروتمندان برای فقرا فریضهای واجب کرده است که با پرداخت آن ستوده نمیشوند (نباید توقع ستایش داشته باشند). این فریضه، زکات است که با دادن آن، خونشان حفظ میشود و مسلمان خوانده میشوند. اما خداوند در اموال و دارایی، حقوقی غیر از زکات واجب کرده است. از جمله مواردی که خداوند در اموال و دارایی، حقوقی غیر از زکات فرض کرده است این سخن خداوند است: «وَالَّذِینَ یَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ»، {و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند.}. هر کس آنچه را که خداوند بر او واجب کرده انجام دهد، مسئولیتش را به اتمام رسانده است و شکر و سپاس اموالی که خداوند به او ارزانی داشته به جا آورده است چرا که او خداوند را به خاطر اینکه با دادن توانگری و فراخی بیشتر نسبت به دیگران بر او نعمت ارزانی داشته و توفیق انجام فریضه الهی را به او داده است، حمد و سپاس کرده است. (2)

9. مناقب آل أبی طالب: از حسن بن علی علیه السلام در مورد آغاز زکات سؤال شد. او در جواب فرمود: خداوند به آدم وحی کرد که ای آدم، زکات نفس خود را بپرداز. آدم گفت: ای پروردگار زکات چگونه است؟ خداوند فرمود: ده رکعت نماز برایم بخوان. او نماز را خواند سپس گفت: ای پروردگار آیا این زکات بر من و خلق است؟ خداوند فرمود: این زکات بر تو در نماز است و بر فرزندانت، زکات در مال است، آن دسته از فرزندانت که به جمع آوری مال و اموال میپردازند. (3)

10. عوالی اللئالی: ابوایوب الانصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله سلّم نقل میکند که فرمود: هر فردی که اموالی داشته باشد و حق خداوند را از آن ندهد، خدواند در روز قیامت اموال او را به صورت ماری از آتش که دو نقطه سیاه در بالای چشم دارد تبدیل میکند و تا زمانی که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود او را نیش می زند. آن شخص به مار میگوید: مرا چه شده است که با تو سروکار

1- . تفسير عياشى 2 : 209
2- . تفسير عياشى 2 : 210
3- . مناقب آل أبى طالب 4 : 10

دارم؟ مار میگوید: من گنجی هستم که تو برای امروز جمع کردی. پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن شخص دستش را در دهان مار قرار میدهد و مار دست او را میجود.

ابوذر روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که در سایه کعبه نشسته بود و می فرمود: سوگند به پروردگار کعبه فقط آنان زیانکارترین انسانها هستند. من گفتم: ای پیامبر خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: هر صاحب شتر یا گوسفندی که زکات مالش را پرداخت نکند، در روز قیامت (آن شتر و گوسفند) در نهایت بزرگی و چاقی حاضر میشوند و با شاخهایش او را شاخ میزنند و با سمهایش او را لگد مال میکنند. هر بار که آخرین آنها بیایند و کارشان را انجام بدهند، دوباره از اول شروع میکنند تا اینکه بین مردم حساب رسی میشود.(1)

11. معانی الاخبار(2)

،امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مالش را پرداخت میکند و بخیل ترین مردم کسی است که در اموالی که خداوند (زکات آن را) بر او فرض کرده است بخل بورزد. (3)

12. تفسیر قمی: امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس از پرداخت یک قیراط (یک بیست و چهارم دینار) از زکات ممانعت ورزد مؤمن و مسلمان نیست و هیچ کرامتی ندارد. (4)

13. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بیمارانتان را با صدقه دادن درمان کنید و درهای بلا و مصیبت را با دعا کردن ببندید و مال و اموالتان را با دادن زکات محافظت کنید چراکه

1- . این حدیث را در المستدرک 1 : 508 استخراج کرده است.
2- . معانی الاخبار : 195
3- . امالی صدوق : 14
4- . تفسیر قمی : 444

آن دسته از پرندگانی که شکار میشوند بدین خاطر است که تسبیح خداوند را ضایع کرده اند.(1)

14. معانی الاخبار،(2)

امالی صدوق: علی بن معلی گوید از امام صادق علیه السلام به من خبر رسید که برای خدا زمینهایی است به نام انتقام گیرنده، چون خدا مالی به بنده ای دهد و حق خدای عز و جل را از آن بیرون نکند، خدا یکی از آن مکان ها را بر او مسلط سازد تا آن مال را در آن تلف کند و سپس بمیرد و آن را به جا گذارد. (3)

15. الخصال : اسماعیل بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: دزدان بر سه گونه اند: خود داری کننده از پرداخت زکات، و کسی که خوردن مهریه زنان را حلال شمارد، و نیز آن کس که وامی بگیرد و نخواسته باشد پس بدهد.(4)

16. الخصال : امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: آتش جهنم در روز قیامت با سه نفر سخن میگوید: متولی امور مردم، قاری قرآن و ثروتمند. آتش به شخصی که متولی امور مردم بوده میگوید: ای کسی که خداوند به تو قدرت و مکنت عطا کرد اما با عدالت رفتار نکردی! پس او را میبلعد همان طور که پرنده، دانه کنجد را میبلعد؛ و به قاری قرآن میگوید: ای کسی که در میان مردم شخصیت آراسته ای داشتی اما در برابر خداوند گناهان آشکاری مرتکب میشدی! پس او را میبلعد؛ و به شخص ثروتمند میگوید: ای کسی که خداوند مال و دارایی زیاد و وسیعی به او بخشید و خداوند از او چیز اندک و ناچیزی را به عنوان قرض درخواست کرد اما بخل ورزید؛ پس او را نیز میبلعد. (5)

1- . قرب الاسناد : 74
2- . معانی الاخبار : 235
3- . امالی صدوق : 22
4- . الخصال1 : 74
5- . الخصال 1 : 55

17. عیون الاخبار، (1)الخصال: حارث بن دلهاث از پدرش و او از امام رضا علیه السلام روایت میکند که فرمود: خداوند دستور به سه چیز را مقرون و مرتبط به سه چیز دیگر قرار داده است: خداوند به همراه نماز به زکات امر کرده است. پس هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نمیشود؛ و دستور داده است که شکر خداوند و شکر پدر و مادر به جا آورده شود. پس هر کس شکر پدر و مادر را ادا نکند خداوند را نیز شکر نکرده است؛ و همراه با تقوای خداوند به برقراری پیوند خویشاوندی دستور داده است. پس هر کس صله رحم و پیوند خویشاوندی را برقرار نکند تقوای خداوند عزیز و بلند مرتبه را به جا نیاورده است. (2)

18. ابوامامه از پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمودند: ای مردم! هیچ پیامبری پس از من و هیچ امتی پس از شما نخواهد آمد، پس پروردگارتان را عبادت کنید و نمازهای پنج گانه را برپا دارید و ماه رمضان را روزه بگیرید و حج خانه خدا را به جا آورید و زکات مال و اموالتان را بدهید تا خودتان را با دادن آن پاک کنید و از اولوا الامر اطاعت کنید تا وارد بهشت خداوند گردید. (3)

19. الخصال: عبد الرحمن از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: هرگاه چهار چیز رواج پیدا کند، چهار چیز ظاهر میشود: هرگاه زنا منتشر شود زلزله ظاهر میشود، و هرگاه زکات مال پرداخت نشود چهارپایان هلاک میشوند، و هرگاه حاکمان در قضاوت ظلم و ستم پیشه کنند باران از آسمان قطع میشود، و هرگاه عهد و پیمانها شکسته شود مشرکان بر مسلمانان پیروز میشوند. (4)

مؤلف: در مبحث ارکان اسلام و مبحث حقوق مؤمن و مباحث موعظهها و مبحث جامع بزرگیها و دیگر مباحث، روایتها و احادیث مربوط به زکات را نقل کردیم پس در اینجا آن را تکرار نمیکنیم. در مبحث نماز حدیثی از امام صادق علیه السلام از پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم نقل کردیم که فرموده است: خداوند نماز

1- . عیون الاخبار 1 : 258
2- . الخصال1 : 70
3- . الخصال1 : 156

4- . الخصال1 : 115

هشت گروه از مردم را قبول نمیکند، یکی از این هشت گروه را کسانی ذکر کرده است که از دادن زکات ممانعت میکند. (1)

20. الخصال: از جمله وصیتهای پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام این بود که فرمودند: یا علی! ده گروه از این امّت به خدای بزرگ کفر ورزیدند: کسی که بی جهت میجنگد و آدم می کشد، و ساحر، و دیوث، و کسی از پشت با زن به حرام نزدیکی کند، و کسی که با حیوانات رابطه جنسی داشته باشد و کسی که با محرم خود آمیزش کند و روشن کننده آتش فتنه، و فروشنده اسلحه به محاربان با مسلمین، و کسی که زکات ندهد و کسی که مستطیع شود و بمیرد و حج نگزارد.(2)

21. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مال و داراییهایتان را با دادن زکات محافظت کنید. (3)

22. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اولین کسی که وارد جهنم میشود فرمانروایی است که متولی امور مردم بوده اما عدالت پیشه نکرده است، و فرد ثروتمندی که حق مال و اموالش را پرداخت نکرده است و تهیدست فخر فروش. (4)

23. عیون الاخبار: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امت من در مسیر خیرند تا وقتی که همدیگر را دوست داشته باشند، به همدیگر هدیه بدهند، امانت را ادا کنند، از کارهای حرام دوری گزینند، مهمان نوازی کنند و نماز به پا دارند و زکات را پرداخت کنند که اگر چنین نکنند، به قحطی و خشکسالی مبتلا می گردند. (5)

24. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امت من در مسیر خیرند تا وقتی که

1- . الخصال2 : 38
2- . الخصال2 : 62

3- . الخصال2 : 161
4- . عيون الاخبار 2 : 28
5- . عيون الاخبار 2 : 29

همدیگر را دوست داشته باشند، امانت را ادا کنند و زکات را بپردازند که اگر چنین نکنند، به قحطی و خشکسالی مبتلا می گردند. (1)

25. امالی طوسی: از جمله وصیتهای امیر المومنین علیه السلام در هنگام وفات این بود که فرمود: ای پسرم تو را به برپایی نماز در سر وقت و دادن زکات به مستحقان در موقعیت آن (هنگام تکلیف) سفارش میکنم. (2)

26. امالی طوسی: یاسر از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرموده است: هرگاه والیان دروغ بگویند باران نمیبارد و هرگاه حاکم ظلم کند حکومت سست میشود و هرگاه زکات پرداخت نشود چهارپایان تلف میشوند. (3)

27. امالی طوسی: امام باقر علیه السلام به جابر جعفی این گونه سفارش کرد: زکات روزی را افزایش میدهد.(4)

28. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام فرمود: سخاوتمند کسی نیست که با اسراف، مال و دارایی اش را در جایی که شایسته نیست میبخشد بلکه سخاوتمند و بخشنده واقعی کسی است که زکات و موارد دیگری که خداوند عزّ و جلّ در مال و دارایی او واجب کرده است ادا میکند و بخیل کسی است که حق خداوند را در اموالش ادا نمیکند. (5)

29. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که از دادن زکات امتناع میورزد قُصب (یعنی روده اش) را در آتش میکشند و مال و اموال او به صورت ماری بسیار سمی که دو خال سیاه در بالای چشمانش دارد پدیدار میگردد. آن شخص از مار میگریزد و مار او را دنبال میکند تا اینکه او را همانند تُرُب میجود و به او میگوید: من مال و دارایی تو هستم که در بخشیدن آن بخیل بودی. (6)

1- . ثواب الاعمال : 225
2- . امالی طوسی 1 : 6
3- . امالی طوسی 1 : 77

4- . امالی طوسی 1 : 302
5- . امالی طوسی 2 : 89
6- . امالی طوسی 2 : 133

30. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرشان روایت میکند که از ایشان در باره دینار و درهم (پول) و وظیفه مردمان در قبال آن سؤال شد. فرمود: اینها سکّه های خداست در زمین، خداوند آنها را مایه سامان یابی زندگی خلق قرار داده است، و به وسیله آنهاست که کارهای مردمان روبه راه می شود و نیازهای آنان بر آورده میگردد. پس هر کس درهم و دینار (طلا و نقره - مال) فراوان داشته باشد، و حقّ خدای متعال را بپردازد، و زکات آنها را بدهد، این گونه مالی پاکیزه است و به خود او تعلّق دارد. و هر کس با داشتن مال فراوان بخل ورزد و از دادن حقوق واجب خودداری کند و از آنها ظروف (طلا و نقره) فراهم آورد، این گونه کسی مستحق عذاب خدای بزرگ است که در کتاب خود فرموده است: «يَوْمَ يُحْمى عَلَيْها فِي نارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوى بِها جِباهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ، هذا ما كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ، فَذُوقُوا ما كُنْتُمْ تَكْنِزُون»،(1) {روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند وپیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می اندوختید بچشید». }

31. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که امیرالمومنین علیه السلام فرموده است: شما را به پرداخت زکات سفارش می کنم زیرا از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: زکات پل اسلام است؛ پس هر کس آن را بپردازد از پل میگذرد (و به اسلام میرسد)، و هر کس نپردازد در کنار پل میماند. و همین زکات آتش غضب پروردگار را خاموش می کند. (2)

32. علل الشرایع: امام باقر میگوید: در نامه علی علیه السلام چنین یافتیم: هرگاه زکات ندهند، زمین برکت خود را از کشته ها و میوه ها و کانیها برگیرد. (3)

مؤلف: صورت کامل حدیث و احادیث مشابه آن در باب گناهان ذکر شده است.

33. معانی الأخبار: برقی از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: هنگامی که زکات داده نشود وضع فقیر و ثروتمند هر دو بد خواهد شد. گفتم: فقیر از این رو که

1- . امالی طوسی 2 : 135
2- . امالی طوسی 2 : 136
3- . علل الشرایع 2 : 271

حقش ادا نمیشود وضعیتش بد خواهد شد اما وضع ثروتمند چگونه ناگوار میشود؟ فرمود: ثروتمندی که زکات نمیدهد در آخرت وضعیت بد و ناگواری خواهد داشت.(1)

34. معانی الاخبار: امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرموده است: بخیل کسی نیست که زکات واجب شده بر اموالش را میپردازد و مصیبت و گرفتاری (پرداخت غرامت و دیه) قومش را رفع میکند، بلکه بخیل واقعی کسی است که زکاتی که در مال و اموالش واجب شده نمیپردازد و مصیبت و گرفتاری (پرداخت دیه و غرامت) قومش را برطرف نمیکند و در غیر این موارد اسراف و زیاده روی میکند. (2)

35. معانی الاخبار: زراره از امام صادق علیه السلام نقل میکند که گفته است: همانا بخیل کسی است که از پرداخت حق خداوند (برای بینوایان) ممانعت میورزد و در غیر حق خداوند عزّ و جلّ انفاق میکند. (3)

36. معانی الاخبار: احمد بن سلیمان از موسی بن جعفر علیه السلام روایت میکند که فرموده است: بخیل واقعی کسی است که در آنچه خداوند بر او واجب گردانیده است بخل ورزد. (4)

37. معانی الاخبار: حریز روایت می کند که امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: هر صاحب مال طلا و نقره که زکات بر آن واجب شده باشد و زکات آن مال را ندهد، البته حق سبحانه و تعالی در روز قیامت او را حبس نماید در صحرایی که زمینش سخت و لغزنده باشد و ماری سمی بر او مسلط گرداند. این مار به دنبال او میرود و او میگریزد و چون ببیند که از دست او خلاصی ندارد، دست خود را به دهان او دهد. چون مار آن دست را در دندان گرفت آن را مانند ترب میجود و بعد از آن در گردنش می پیچد و این مصداق این سخن خداوند خواهد

1- . معانی الاخبار : 260
2- . معانی الاخبار: 245
3- . معانی الاخبار : 246
4- . معانی الاخبار : 246

شد: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ»، (1) {به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود} و هر کس مال او شتر یا گاو یا گوسفند باشد و زکات آن را نداده باشد، حق سبحانه و تعالی او را در صحرایی لغزنده حبس میکند و او در در زیر سم این حیوانات میافتد و جانوران نیش دار او را نیش میزنند و هر که زکات خرما و مویز و گندم و جو را نداده باشد، حق سبحانه و تعالی آن قطعه باغ یا زمین را تا روز قیامت تا عمق هفت طبقه زمین در گردن وی میآویزد. (2)

ثواب الاعمال: برقی از پدرش مانند این حدیث را روایت کرده است. (3)

المحاسن : خلف بن حماد نیز این این حدیث را روایت کرده است. (4)

معانی الاخبار: اصمعی گفته است: «قاع» مکان مسطحی است که پستی و بلندی ندارد. ابوعبید گفته است: «قاع» همان «قیعه» است که در این سخن خداوند آمده است: «كَسَرَابٍ بِقِيعَهٍ»،(5) {چون سرابی در زمینی هموار است} جمع قیعه قاع است. خداوند میفرماید: «فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا»،(6) {پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد} «قرقر» به معنای مسطح و لغزنده است و همچنین به صورت «بقاع قفر» و «بقاع قرق» روایت شده است که با «قرقر» به یک معنا به کار میروند. شاعر سروده است:

گویی دستان آنها در زمین پهن و هموار

دستان دوشیزگان زیبارویی است که برگ داد و ستد میکنند.

38. علل الشرایع،(7) عیون الاخبار: ابن سنان از امام رضا علیه السلام نقل میکند که فرموده است: علّت (وجوب) زکات، فراهم شدن روزی فقیران و محفوظ ماندن اموال ثروتمندان است، چون که خداوند متعال، تندرستان را به سرپرستی زمینگیرشدگان و مبتلایان مکلّف ساخته است. خداوند میفرماید: «لَتُبْلَوُنَّ فِی

1- . آل عمران/ 180
2- . معانی الاخبار : 235

3- . ثواب الاعمال : 211
4- . المحاسن : 87
5- . نور/ 39
6- . طه/ 106
7- . علل الشرايع 2 : 57

أَمْوَالِكُمْ»(1)، {قطعاً در مالهایتان آزموده خواهید شد.} با دادن زکات «وَ فی أَنفُسِكُمْ» {و جانهایتان} با رسیدگی به فقرا و مساکین و تفقد احوال ایشان همراه با صبر، که با این کار سپاس نعمتهای خداوند عزّ و جلّ را ادا کرده است و خود را در معرض فراوانی نعمتهای الهی در آورده است و رحمت و عطوفت خود را شامل حال بیچارگان و ضعیفان گردانیده و در حق درویشان مهربانی کرده است و آنان را به مساوات و تقویت کردن فقرا، و مدد رساندن به آنان بر انگیخته است، تا بتوانند به تکالیف دینی خود عمل کنند. فقرا پند و عبرتی برای ثروتمندان هستند تا بر فقر (از اعمال صالح) در روز قیامت دلالت کنند و اینان سبب میشوند تا افراد توانگر به شکر و سپاس نعمتهای که خداوند عزّ و جلّ به آنان ارازانی داشته است رغبت پیدا کنند و به درگاه الهی دعا و تضرع و زاری کنند و از این بترسند که مانند آنان شوند و آنها را برای انجام کارهای بسیاری همچون دادن زکات واجب و صدقات مستحب و احسان کردن به خویشان و نیکی کردن بر میانگیزند. (2)

39. علل الشرایع: عقرقوفیّ میگوید از موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که میفرمود: حق سبحانه و تعالی زکات را مقرر گردانید تا قوْت فقراء و سبب زیادتی اموال اغنیاء باشد. (3)

المحاسن : یونس نیز این حدیث را روایت کرده است. (4)

40. علل الشرایع: ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده است: خدای بزرگ، زکات را به همان گونه واجب کرد که نماز را واجب کرد؛ پس اگر کسی زکات را با خود می برد و آشکارا به مستحقّان می رساند هیچ سرزنشی بر او نیست. و پرداخت زکات از آن رو لازم است که خدای بزرگ بر اموال توانگران، پرداخت مقداری که زندگانی فقیران را اداره کند واجب کرده است. و اگر خداوند می دانست که آن مقدار بسنده آنان نیست بر آن می افزود. پس بلایی که به فقیران

1- . آل عمران/ 186
2- . عیون الاخبار 2 : 89
3- . علل الشرایع 2 : 57
4- . المحاسن : 319

می رسد از طرف کسانی است که حق آنان را پرداخت نمی کنند و نه از جهت آنچه خداوند مقرر کرده است. (1)

41. علل الشرایع: قثم میگوید به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، من را از این با خبر ساز که چرا از هر هزار درهم بیست و پنج درهم زکات تعیین شده است نه کمتر نه بیشتر. دلیل آن چیست؟ فرمود: خداوند عزیز و بلند مرتبه همه مخلوقات را آفرید و از بزرگ و کوچک آنها و توانگر و ناتوان آنان آگاه بود. پس از هر هزار نفر از انسانها بیست و پنج فقیر و تهیدست قرار داد. اگر میدانست که آن مقدار بسنده آنان نیست بر آن می افزود، زیرا او آفریدگار انسانها است و از خودشان به آنها داناتر است. (2)

المحاسن: محمد بن جعفر از صباح الحذاء مانند این حدیث را روایت کرده است. (3)

42. ثواب الاعمال: مهدی از موسی بن جعفر علیه السلام روایت میکند که فرموده است: هر کسی زکات مال خود را به صورت کامل پرداخت و به مورد واقعی مصرفش برساند، از او سؤال نخواهد شد که مالش را از کجا به هم رسانیده است. (4)

43. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هرگاه خداوند متعال خیر بندهای را بخواهد یکی از فرشتههای خزانه دار بهشت را به نزد او میفرستد و قلب او را لمس میکند و نَفْس او را با زکات بخشنده میکند. (5)

نوادر الراوندی: موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همین حدیث را روایت کرده است. (6)

1- . علل الشرایع 2 : 57
2- . علل الشرایع 2 : 58
3- . المحاسن : 327
4- . ثواب الاعمال : 42
5- . ثواب الاعمال : 42

6- . نوادر الراوندى : 24

44. ثواب الاعمال: امیر المومنین علیه السلام در وصیت خود فرموده است: خدا را خدا را در مورد زکات به یاد داشته باشید، زیرا پرداختن آن موجب خاموش کردن غضب پروردگار است. (1)

45. ثواب الاعمال: ابن شمر میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: امولتان را با دادن زکات مصونیت بخشید و مریضان خود را با صدقه علاج کنید، چرا که هر مال و اموالی که در دریا و خشکی تلف میشود به دلیل ندادن زکات است.(2)

46. ثواب الاعمال: محمد بن مسلم میگوید از امام باقر علیه السلام در مورد این سخن خداوند: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ»(3) ، {به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود.} پرسیدم، فرمودند: هر بنده که چیزی از زکات مالش را ندهد البته حق سبحانه و تعالی آن مال را در روز قیامت اژدهایی می کند که مانند طوقی در گردنش افتاده باشد و دندان در گوشت او گذاشته، او را میگزد تا حق سبحانه و تعالی از حساب خلایق فارغ شود و این است آن چه خداوند فرموده است: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ»، {به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود.} سپس فرمود: مراد الهی از آنچه که بخل ورزیده اند، زکات است. (4)

تفسیر عیاشی: محمد بن مسلم نیز این حدیث را روایت کرده است. (5)

47. ثواب الاعمال: ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: در اسلام دو خون است که هیچ کس در مورد آن به حکم خدای عز و جل قضاوت نمی کند تا قائم ما قیام کند (وحکم او را اجرا میکند) و آن زنا کاری است که همسر داشته باشد . حضرت او را سنگسار می کند، و دیگری کسی است که زکات مال خود را ندهد، او را گردن می زند.

1- . ثواب الاعمال: 42
2- . ثواب الاعمال : 42
3- . آل عمران/ 180
4- . ثواب الاعمال : 210
5- . تفسیر عیاشی 1 : 207

در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: هر کس در زندگی زکات دارایی اش را نپردازد، پس از مرگش درخواست کند که به دنیا بازگردد.

و فرموده است: اگر کسی قیراطی از زکاتش را نپردازد، یا باید یهودی بمیرد یا مسیحی (مسلمان نخواهد مُرد).(1)

المحاسن دو روایت فوق را از قول محمد بن علی از موسی بن سعدان روایت کرده است.(2)

48. ثواب الاعمال: برقی از پدرش نقل میکند که یکی از اصحاب ما گفته است: هر کس قیراطی از زکاتش را نپردازد مؤمن و مسلمان نیست.

امام صادق علیه السلام فرموده است: مالی ضایع نشده است، نه در دریا و نه در خشکی، مگر به خاطر خود داری از پرداخت زکات.

و فرموده است: هر گاه قائم آل محمد برانگیخته شود کسی را که زکات نمیپردازد گرفته و گردن او را قطع میکند.

المحاسن : پدرم از برخی اصحاب ما این حدیث را روایت کرده است. (3)

49. ثواب الاعمال: ابو الجارود از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: خدای عزّ و جلّ در روز رستاخیز مردمانی را که دستانشان بر گردنشان بسته شده از گورهایشان برانگیزاند آن گونه که نتوانند چیز کوچکی را هم برگیرند، همراه آنان فرشتگانی باشند که آنان را به سختی سرزنش کنند و گویند: اینان کسانی هستند که خیری اندک را از خیر بسیار بازداشتند، اینان کسانی هستند که خدای گرامی و بزرگ بر آنان نعمت عطا فرمود و آنان حقّ خدا را از دارایی خویش پرداخت نکردند. (4)

50. ثواب الاعمال: صفوان بن یحیی از داود از برادرش عبدالله روایت میکند که گفته است: کسی مرا نزد امام صادق علیه السّلام فرستاد و ادّعا می کرد از زنی که

1- . ثواب الاعمال : 211

2- . المحاسن : 87-88
3- . المحاسن : 88
4- . ثواب الاعمال : 210

در خوابش می آید، می هراسد و می گفت که شبی چنان نعره زدم که همسایگان صدایم را شنیدند. امام صادق علیه السّلام فرمود: بازگرد و به او بگو: تو زکات دارایی ات را نمی پردازی. گفت: به خدا سوگند که بی تردید زکاتم را می پردازم. امام علیه السّلام دیگر بار فرمود: پس او را بگو که اگر آن را می پردازی لا بدّ به مستحقّش نمی دهی.

احمد بن ابی عبدالله گفته است در روایت ابوبصیر آمده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: کسی که زکات را نپردازد هنگام مرگ درخواست بازگشت (به دنیا) کند و این همان سخن خدای تعالی است که فرموده است: «حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صالِحاً فِيما تَرَكْت»،(1) {تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید شاید من در آنچه وانهاده ام کار نیکی انجام دهم. }(2)

المحاسن : داود از برادرش همین حدیث را روایت کرده است.

51. جمیل از رفاعۀ نیز این حدیث را از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

با این سند از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: خداوند چیزی سخت تر از زکات بر این امت فرض نکرده است و در امر زکات بیشتر آنان هلاک میشوند. (3)

52. مجالس الشیخ: ایوب بن راشد میگوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که زکات نمیدهد ماری در گردنش انداخته میشود که موی سرش از بسیاری زهرش ریخته باشد و این مار از مغز سر او می خورد و این مضمون سخن خداوند بلند مرتبه است که میفرماید: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، (4) {به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت طوق گردنشان می شود. } (5)

1- . مؤمنون / 99
2- . ثواب الاعمال : 211
3- . کافی 2 : 304

4- . آل عمران/ 180
5- . امالی طوسی 2 : 304

با همین سند از رفاعۀ بن موسی نقل شده که گفته است از امام صادق شنیدم که فرمود: خدواند چیزی سخت تر از زکات بر این امت فرض نکرده است و در امر زکات است که بیشتر امت اسلامی هلاک می شوند. (1)

53. نهج البلاغۀ: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاهدارید و امواج بلا را با دعا از خود برانید. (2)

همجنین فرموده است: همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال توانگران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمیماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید. (3)

و نیز حضرت فرموده اند: همانا پرداخت زکات و اقامه نماز عامل نزدیک شدن مسلمانان به خداست، پس آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد کفاره گناهان او میشود و بازدارنده و نگاهدارنده او از آتش جهنم است، پس نباید به آنچه پرداخته با نظر حسرت نگاه کند و برای پرداخت زکات افسوس خورد، زیرا آن کس که زکات را از روی رغبت نپردازد و انتظار بهتر از آنچه را پرداخته، داشته باشد، به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نادان است، و در پاداش زیانکار است و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود. (4)

54. اعلام الدین: امیر المؤمنین از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: اگر میخواهی خداوند مال تو را فزونی بخشد زکات آن را پرداخت کن و اگر میخواهی خداوند جسمت را سالم نگه دارد صدقه زیاد بده.

55. کتاب الامامۀ و التبصرۀ: جعفر بن محمد از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: زکات پُل (رسیدن به) اسلام است.

56. دعائم الاسلام: حسن بن علی علیه السلام فرموده است: زکات هرگز از مال و دارایی نمیکاهد.

1- . امالی طوسی 2 : 305
2- . نهج البلاغه : حکمت 146
3- . نهج البلاغه : حکمت 328
4- . نهج البلاغه : خطبه 197

از محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام نقل شده، هنگامی که پدرش علی بن الحسین علیه السلام را غسل می داد، به سجده گاههای او در زانو و پشت پا نظر کردند که همچون زانوی شتر می نمود، بر شانه او نیز همانند آن دیدند. به امام باقر علیه السلام گفتند: ای پسر پیامبر! آنها را می دانیم که از فراوانی نماز و طول سجده پدید آمده است ولی این که بر شانه او می بینیم از چیست؟ گفت: اگر زنده می بود چیزی در این باره به شما نمی گفتم. روزی براو نمی گذشت که در آن یک یا چند بینوا را سیر نکند و چون شب فرا می رسید آنچه را که از خوراک عیالش در آن روز زیاد مانده بود در انبانی می نهاد و هنگامی که مردمان در خانه های خود آرام می گرفتند آن انبان را بر دوش می گرفت و در شهر به راه می افتاد و به سراغ کسانی می رفت که نیازمند بودند و روی گدایی نداشتند و آن را میان آنها بخش می کرد و آنان او را نمی شناختند و از خاندان او کسی جز من از این امر آگاه نبود و مقصودش از این کار آن بود که فضیلت و ثواب با دست خود و در پنهانی صدقه دادن را ببرد.

و می گفت: صدقه پنهانی خشم خدا را فرو می نشاند (همان طور که آب آتش را خاموش میکند. پس هرگاه یکی از شما صدقه داد و با دست راست چیزی بخشید، از دست چپش آن را پنهان دارد).

علی علیه السلام فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند: همانا صدقه مؤمن از دستش برون نیاید جز آنکه پیش از او از دهان هفتاد شیطان در آید (مانع او میشوند.) صدقه پنهانی خشم خدا را فرو می نشاند همان طور که آب آتش را خاموش میکند. پس هرگاه یکی از شما صدقه داد و با دست راست چیزی بخشید، از دست چپش آن را پنهان دارد.

جعفر بن محمد علیه السلام فرموده است: بهترین صدقه، نماز، روزه و اعمال نیکی که به صورت اختیاری انجام میشود آن است که به صورت پنهانی انجام پذیرد و بهترین این اعمال اگر واجب باشند آن است که به صورت آشکار انجام شود.

علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمودند: (خداوند) به سبب صدقه، درد و دبیله (دملی چند است که در جوف به هم می رسد و

غالبا می کشد) و سوختن و غرق شدن و خانه بر سر فرو آمدن و دیوانگی را دفع میکند و آن حضرت هفتاد نوع از بلاها را شمردند.

امام باقر علیه السلام فرموده است: در میان قوم بنی اسرائیل مردی ثروتمند بود که فقط یک پسر به او عطا شده بود. این شخص دوستدار و دلسوز پسرش بود. زمانی که به سن مردانگی رسید دختر عمویش را به ازدواج او درآورد. شخصی به خواب او آمد و به او گفت: شبی که پسر تو با این زن همبستری کند میمیرد. مرد از این خواب بسیار اندوهگین شد اما غم و اندوهش را پنهان کرد و شبِ همبستری با زن را به تاخیر میانداخت تا اینکه زن و پسرش و خانواده زن بر او اصرار کردند. هنگامی که مرد چاره ای ندید استخاره کرد و گفت: چه بسا این امر از جانب شیطان باشد، پس زن (عروس) را به نزد او فرستاد و شب همبستری پسرش با زن بیدار ماند و منتظر بود تا ببیند سرانجام پسرش چه میشود. چون صبح فرار رسید پسرش را در بهترین وضعیت ممکن دید. پس خداوند را سپاس و ستایش کرد. با فرا رسیدن شب به خواب رفت. آن شخصی که پیشتر به خوابش آمده بود به نزدش آمد و به او گفت: خداوند عزّ و جلّ (مرگ) را از پسرت دور کرد و به سبب کاری که در حق شخصی تهیدست انجام داده بود اجلش را به تاخیر انداخت.

صبح روز بعد نزد پسرش رفت و به او گفت: ای پسرم! آیا در شبی که با زنت همبستر شدی در حق گدایی کاری انجام دادی؟ پسر گفت: مقصودت از این سخنان چیست؟ (پدر) گفت: من را از آن باخبر ساز. پسر از روی پدر خجالت کشید. (پدر) گفت: باید من را از ماجرا با خبر کنی. او گفت: بله، پس از آنکه از غذا دادن به مردم فارغ شدیم مقدار زیادی غذا باقی ماند و زن به نزد من آمد و زمانی که با او خلوت کردم و به او نزدیک شدم گدایی در مقابل در ایستاد و گفت: ای صاحب خانه، ما را در آنچه خداوند به شما رزق داده شریک سازید. پس به سوی او رفتم و دستش را گرفتم و او را به داخل خانه آوردم و نزدیک غذا بردم و به او گفتم: (از غذا) تناول کن. او غذا خورد تا اینکه سیر شد. به او گفتم: آیا خانواده ای داری؟ گفت: بله، گفتم: هر چه میخواهی برای آنها بردار. او به اندازه ای که توانست غذا

با خود بُرد و بیرون رفت و من نیز به نزد زنم بازگشتم. پدر خداوند را سپاس گفت و ماجرای (خواب) را برای او بازگو کرد.

از علی بن حسین علیه السلام روایت شده که او به کبوتر مکه نگاه کرد و فرمود: آیا میدانید چرا این کبوتر در حَرَم است؟ گفتند: دلیل وجود کبوتر چیست ای پسر رسول خدا؟ گفت: در زمانهای نخستین مردی بود که خانهای داشت که در آن درخت نخلی بود و کبوتری در شکاف تنه آن لانه کرده بود. هر وقت کبوتر جوجه دار میشد آن مرد به بالای درخت میرفت و جوجههای او را میگرفت و ذبح میکرد. او برای مدتهای مدیدی این کار را انجام میداد به نحوی که نسلی از کبوتر به جا نمیماند. آن کبوتر از آنچه مرد بر سر او آورده بود پیش خداوند شکایت کرد. پس به او گفته شد: از این پس اگر آن مرد از درخت بالا بیاید و جوجهای از جوجههای تو را بگیرد، از درخت میافتد و میمیرد.

زمانی که جوجههای کبوتر بزرگ شدند آن مرد از درخت بالا رفت تا جوجهها را بگیرد. کبوتر در انتظار نشست تا بلایی را که قرار بود بر سر او بیاید، ببیند. هنگامی که به وسط تنه درخت رسید، گدایی در مقابل در ایستاد. مرد از درخت پایین رفت و چیزی به او بخشید سپس از درخت بالا رفت و جوجههای کبوتر را گرفته از درخت پایین آمد و جوجهها را ذبح کرد و بلایی بر او نازل نشد.

کبوتر گفت: خدایا! چرا این طور شد؟ به او گفته شد: آن مرد با صدقه دادن نفس خویش را از بلا دور ساخت و بلا و خطر از او برطرف شد، اما خدواند نسل تو را زیاد خواهد کرد و تو و نوادگانت را در جایی قرار میدهد که تا روز قیامت چیزی آنها را نمیترساند. پس او را به حرم مکه آورد و مکانش را در آنجا قرار داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: شخص گدا و بینوا فرستاده پروردگار جهانیان است، هر کس به او چیزی ببخشد در حقیقت به خداوند بخشیده است و هر کس دست ردّ بر سینه او بزند خداوند را رد کرده است.

علی علیه السلام فرمود: از دادن بخشش به نیازمند و گدا خودداری نکنید حتی اگر نیم دانه خرما هم باشد و به نیازمند کمک کنید حتی اگر سوار بر اسب باشد، و

ص: 39

دست ردّ بر سینه گدایی که شب هنگام پیش شما میآید نزنید چراکه گاهی اوقات فردی که نه از جنس بشر و نه از قوم جنیان است از شما چیزی میطلبد، اما خداوند میخواهد خیر و برکت بیشتری به شما برساند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که به کنیزش فرمود: از کمک به گدا امتناع نورزید. یکی از حاضران گفت: ای پسر رسول خدا، گاهی شخصی که مستحق نیست گدایی میکند. امام گفت: اگر دست رد بر کسی که گمان میکنیم مستخق نیست بزنیم، از این میترسیم که مبادا از دادن کمک به شخص مستحقی خودداری کرده باشیم که در این صورت بلایی که بر یعقوب پیامبر علیه السلام نازل شد بر ما نیز نازل شود.

به او گفتند: ای پسر رسول خدا، چه بلایی بر او نازل شد؟ فرمود: یکی از پیامبران که خود را ناشناس جلوه داده بود، در مقابل در خانه او ایستاد. این پیامبر هر تلاش و کوششی که در دنیا میکرد برای (کسب رضایت) خداوند بود، هرگاه گرسنگی او را خسته و درمانده میکرد به در خانه انبیاء و صالحان میرفت و از آنها طلب کمک میکرد و چون خوراک اندکی به او میدادند دست از گدایی بر میداشت. شبی در مقابل خانه یعقوب ایستاد. او مدت زیادی منتظر ماند و غذا طلب کرد اما آنها از او غافل شدند، نه به او چیزی میدادند و نه او را میراندند تا اینکه گرسنگی و ضعف بر او چیره شد. پس بر زمین افتاد و بیهوش شد. یکی از رهگذران او را دید و با دادن طعام اندکی او را به هوش آورد و دور شد.

در آن شب شخصی به خواب یعقوب آمد و به او گفت: ای یعقوب، پیامبری که در نزد خدا بسیار بزرگوار بود به در خانه تو آمد اما تو و خانواده ات از او روی گرداندید، در حالی که از فضل خداوندی نعمتهای زیادی به شما عطا شده است. قطعا خداوند عقوبتی بر تو نازل میکند که به سبب آن مایه عبرت و زبانزد مردم خواهی شد.

یعقوب هراسان شد و در آن روز پسرانش نزد او آمدند و در مورد آن چیزی که در باره یوسف میخواستند، پرسیدند. او یوسف را از همه آنان بیشتر دوست میداشت و به دلش آمد آن بلایی که خداوند او را بدان وعده داده بود در مورد یوسف

اتفاق افتد. پس یوسف به برادرانش آنچه را باید میگفت، گفت. امام باقر داستان حضرت یوسف را تا آخر بازگو کرد.

علی علیه السلام نقل میکند که سه نفر به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله سلّم آمدند. یکی از آنان گفت: ای رسول خدا من صد اَوقیه طلا دارم، ده اوقیه آن را به عنوان صدقه میگذارم. نفر دوم آمد و گفت: من صد دینار دارم، ای رسول خدا! ده دینار آن را به عنوان صدقه میگذارم. نفر سوم آمد و گفت: ای رسول خدا من ده دینار دارم یک دینار از آن را به عنوان صدقه میگذارم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: همه شما در ثواب برابر هستید زیرا هر کدام یک دهم مال خود را صدقه داده اید.

از جعفر بن محمد علیه السلام در مورد این سخن خداوند پرسش شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَلاَ تَيَمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ»،(1) {ای

کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.} فرمود: زمانی که مردم ایمان آوردند اموالی را از طریق ربا و از اموال به دست میآوردند و مقداری را در نظر میگرفتند و آن را به عنوان صدقه پرداخت مینمودند، پس خداوند آنها را از انجام این کار منع کرد.

در حضور حسین بن علی علیه السلام از مردی از بنی امیه نام برده شد که مال و اموال زیادی را صدقه داده است. امام علیه السلام فرمود: او مانند کسی است که از حُجّاج دزدی کند و از مال دزدی صدقه بدهد. صدقه واقعی صدقه کسی است که برای به دست آوردن آن عرق جبین ریخته و صورتش خاکی شده باشد - مقصود او علی علیه السلام بود - و چه کسی به مانند او میتواند صدقه بدهد؟ (2)

57. دعائم الاسلام: جعفر بن محمد علیه السلام از پدرانش روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه خداوند متعال خیر بنده ای را

1- . بقره/ 267
2- . دعائم الاسلام 1 : 241 - 244

بخواهد یکی از فرشتههای خزانه دار بهشت را به نزد او میفرستد، فرشته قلب او را لمس میکند و نفْس او را با زکات بخشنده میکند.

علی علیه السلام فرموده است: شخص عبادت کننده سه نشانه دارد: نماز، روزه و زکات.

علی علیه السلام در وصیت خود فرموده است: و فرزندانم و خانوادهام و همه مردان و زنان مومن را به تقوای خداوند وصیت میکنم، و خدا را خدا را در مورد زکات به یاد داشته باشید، زیرا پرداختن آن موجب خاموش کردن غضب پروردگارتان میشود.

علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که در مورد زکات فرموده است: هر کدام از شما اگر خواست مقداری از آنچه که خدا به او اعطا کرده، ببخشد، میبایست با رضایت خاطر آن مال را ببخشد و هر کس زکات مالش را بدهد، خود را از حرص و بخل نفس خویش نگاه داشته است.

علی علیه السلام میفرماید: هر مال و اموالی که در دریا و خشکی تلف میشود به دلیل ندادن زکات است؛ پس امولتان را با دادن زکات مصونیت بخشید و مریضان خود را با صدقه علاج کنید و بلا و مصیبت را با دعا کردن از خود دور کنید.

محمد بن علی علیه السلام فرمود: زکات، هرگز چیزی از مال نمیکاهد و هر مالی در خشکی و دریا که زکات آن پرداخت شود از بین نمیرود.

علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم نقل میکند که فرمودند: هر بنده ای که در نزد خدا عزیز شود، بلا و مصیبت را بر او بیشتر میکند، و هیچ فردی نیست که زکات مالش را بدهد و مال و دارایی اش کم شود و هیچ شخصی با ندادن زکات، مال و اموالش زیاد نمیشود و هر دزدی که چیزی دزدی میکند (به همان اندازه) از روزی اش کم میشود.

از حسن بن علی علیه السلام روایت شده که گفته است: زکات هرگز از مال و دارایی نمیکاهد. (1)

1- . دعائم الاسلام 1 : 240

جعفر بن محمد علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: قیامت برپا نمیشود مگر اینکه نماز، منّتگذاشتن شود و امانت غنیمت به شمار آید و زکات به عنوان غرامت محسوب گردد... ادامه روایت.

جعفر بن محمد از پدرانش از علی علیه السلام نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: خدا بر مردمان ثروتمند واجب کرده است که به اندازه نیاز فقیران به ایشان بدهند؛ پس اگر فقیر از دست برود، یا رنج کار او را از پا در آورد، یا برهنه بماند، سبب آن خودداری ثروتمندان از رساندن حقّ فقیران به آنان میباشد. خدا در روز قیامت در این باره به حساب ایشان خواهد رسید و با عذابی دردناک کیفرشان خواهد داد.

جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: خدای بزرگ بر اموال توانگران، پرداخت مقداری که زندگانی فقیران را اداره کند واجب کرده است. و اگر خداوند می دانست که آن مقدار بسنده آنان نیست بر آن می افزود. پس بلایی که به فقیران می رسد از مقدار تعیین شده الهی نیست، بلکه از نپرداختن آن و از گروهی است که نمی پردازند.

از علی علیه السلام روایت شده است که از اینکه شخص زکاتش را از اِمام خود پنهان دارد نهی کرده است و فرموده است: پنهان داشتن آن از جمله نِفاق است. (1)

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که فرمودند: اولین کسی که وارد جهنم میشود فرمانروایی است که متولی امور مردم است اما عدالت پیشه نکرده است و نیز ثروتمندی که حق مال و اموالش را پرداخت نمیکند و بخیل و تنگ نظری که گناه و معصیت پیشه میکند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: خداوند مکانهایی به نام انتقام گیرندهها دارد که شخصی را که از پرداخت حق مالش امتناع میورزد گرفتار آن مکانها کرده و مال آنان را در آنها هزینه میکند.

1- . دعائم الاسلام 1 : 245

از جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده است که فرمود: خدواند چیزی سخت تر از زکات بر این امت فرض نکرده است و بیشتر امت اسلامی در امر زکات هلاک میشوند.

جعفر بن محمد علیه السلام در مورد این سخن خداوند عزّ و جلّ «حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» ،(1) {تا

آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید شاید من در آنچه وانهاده ام کار نیکی انجام دهم.} فرموده است: مقصود خداوند از آن، زکات است.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که مال و دارایی اش زیاد شود و حق مالش را ادا نکند، اموال او در روز قیامت به مارهایی تبدیل میشوند که او را نیش میزنند.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: خداوند نماز کسی را که زکات نمیدهد قبول نمیکند.

علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمودند: نماز فقط با دادن زکات کامل میشود و صدقه ای که با دزدی و خیانت به دست آمده باشد مورد قبول واقع نمیشود و کسی که زکات ندهد نمازش پذیرفته نمیشود و کسی که پرهیزگار نباشد زکاتش مورد قبول واقع نمیشود.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که شخصی از او در مورد این سخن خداوند سؤال کرد: «وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (2)

{و وای بر مشرکان همان کسانی که زکات نمی دهند و آنان که به آخرت ناباورند.} پیامبر فرمود: خداوند مشرکان را سرزنش نمیکند، آیا این سخن پروردگار را نشنیده ای که میفرماید: «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»،(3)

{پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند آنان که ریا می کنند و از [دادن] زکات [و وسایل و ما یحتاج خانه]

1- . مؤمنون/ 99- 100
2- . فصلت/ 5- 6
3- . ماعون/ 4- 7

خودداری می ورزند.} بدانید که «ماعون» همان زکات است. سپس فرمود: سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، جز مشرک به خدا کسی دیگر در ادای زکات مال خویش خیانت نمیکند.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: ماعون، زکات واجب شده است، و کسی که زکات نمیدهد مانند ربا خوار است و هر کس زکات مالش را پرداخت نکند مسلمان نیست.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که ایشان کسی را که زکات نمیدهد و شخص ربا خوار را لعنت کرده است.

ص: 45

باب دوم : کسی که زکات بر او واجب است و چیزهایی که زکات آن واجب است و چیزهایی که پرداخت زکات در آن مستحب است و شرایط وجوب زکات مانند سال و غیره، و زکات مال قرضی و مال غایب

1. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زکات را برای نه چیز مقرّر کرد و جز آنها را معاف داشت؛ این نه چیز عبارت است از: گندم، جو، خرما، مویز، طلا، نقره،گاو و گوسفند و شتر. شخصی پرسید: پس ذرت؟ امام خشمگین شد سپس فرمود: سوگند به خدا در زمان پیامبر کنجد، ذرت و ارزن و همه اینها بوده است. سپس گفته شد که (مردم) میگویند: این چند مورد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبوده است و زکات در این نه چیز مقرّر شده است، زیرا در محیط ایشان این چیزها نبوده است. ایشان خشمگین شد و فرمود: دروغ گفتهاند، مگر جز این است که عفو و بخشش در چیزهایی است که وجود داشته است؟ نه، سوگند به خدا من چیزی غیر از این موارد نمیبینم که زکات در آن واجب شده باشد. هرکس میخواهد باور داشته باشد و هرکس میخواهد کفر بورزد. (1)

معانی الاخبار: پدرم از محمد العطار همین حدیث را روایت کرده است.

2. الخصال: جمیل گفته است از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زکات در چند چیز واجب شده است؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم زکات را برای نه چیز مقرّر کرد و جز آنها را معاف داشت. طیار به او گفت: ما دانه ای به نام برنج

1- .الخصال2 : 46

داریم. امام صادق علیه السلام به او فرمود: ما نیز دانههای زیادی داریم. طیار گفت: آیا این دانه زکات بر آن تعلق میگیرد؟ امام فرمود: آیا به تو نگفتم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم زکات غیر از این موارد را معاف داشته است. این نه چیز شامل: طلا و نقره، و سه دسته از حیوانات: شتر، گوسفند و گاو، و از چیزهایی که در زمین میروید که شامل گندم، جو، مویز و خرما میباشد. (1)

3. قرب الاسناد: علا نقل میکند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا در مال یتیم زکات مقرّر شده است؟ فرمود: خیر، گفتم: آیا به زیورآلات زکات تعلق میگیرد؟ فرمود: خیر، گفتم: شخصی مالی دارد که آن را قرض گرفته است و یک سال از آن میگذرد، آیا زکات در آن واجب است؟ فرمود: بله. (2)

4. قرب الاسناد: علاء روایت میکند که به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی به من بدهکار است و چهارپایان و آسیابهایی دارم و چه بسا او در پرداخت بدهی درنگ کند. اگر بدهی ام را گرفتم، چه زمانی زکات آن بر من واجب میشود؟ فرمود: بعد از یک سال کامل. او گفت: به امام گفتم: پس چهارپایان و آسیابهایی که دارم، زکات آنها بر من واجب است؟ فرمود: خیر. سپس دستم را گرفت و فشار داد و فرمود: پدرم میفرمود: زکات در طلا مقرر شده است، زمانی که در اختیار تو قرار گیرد. به او گفتم: کالا در نزد من است و آن را به عنوان سرمایه قرار نداده ام. آیا زکات به آن تعلق میگیرد؟ فرمود: خیر. (3)

5. قرب الاسناد: عبدالخالق نقل میکند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا به مال قرضی زکات تعلق میگیرد؟ فرمود: خیر، مگر اینکه بخواهد از (دادن زکات) فرار کند، (4)

پس اگر مال او یک سال یا کمتر یا بیشتر از او غایب شود (در

1- . الخصال 2 : 46
2- . قرب الاسناد : 23
3- . قرب الاسناد : 23

4- . فرار از قرض به این معنی است که شخص مال خود را به عنوان قرض به کسی بدهد تا از پرداخت زکاتی که در آن مال واجب است، فرار کند، زکات این قرض واجب است اما اگر با نیت دیگری مال را قرض دهد و مالش از او غایب شود و یک سال بر آن نگذرد هیچ مشکلی ندارد.

اختیار او نباشد) لازم نیست زکات بدهد، مگر اینکه در سالی باشد که زکات پرداخت می کنی. (1)

6. قرب الاسناد: علی از برادرش نقل میکند که گفته است: زکات بر برده واجب نیست، مگر با اجازه صاحبش و گفت: بر مال قرضی زکات واجب نیست مگر اینکه صاحب قرض (خود) بخواهد زکات آن را بپردازد.

گفت: و از او در مورد شخصی که بدهکار است پرسیدم. گفت: او زکات مالش را می دهد و نه زکات بدهی را، زیرا زکات بر صاحب مال واجب است.

و از او در مورد قرضی پرسیدم که بر گردن ثروتمندان است، اگر صاحب قرض بخواهد بدهی اش را پس بگیرد، می تواند بگیرد، آیا زکات در آن واجب است؟ فرمود: خیر، مگر این که آن را پس گیرد و یک سال از آن بگذرد. (2)

7. علل الشرایع: عبدالله بن سنان روایت میکند که به امام صادق علیه السلام گفتم: برده ای مالی دارد، آیا باید زکات آن مال را بپردازد؟ فرمود: خیر. گفتم: آیا بر صاحبش نیز واجب نیست؟ فرمود: خیر، اگر به صاحبش نرسیده است. و بردهها مالی از خود ندارند.(3)

8. عیون الاخبار: از جمله نامههای که امام رضا علیه السلام برای مامون نوشت این بود: زکات بر مال و دارایی واجب نمیگردد تا اینکه یک سال بر آن بگذرد. (4)

9. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: صدقه اسبان و بردگان را بر شما معاف کردم. (5)

10. علل الشرایع: عبدالله بن سنان گفته است، از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: پدرم از هشام بن عبد الملک زمینی را به چند هزار دینار خرید و با او

1- . قرب الاسناد : 79

2- . قرب الاسناد : 135
3- . علل الشرايع 2 : 61
4- . عيون الاخبار 2 : 123
5- . عيون الاخبار 2 : 61

شرط کرد که زکات ده سال آن مال را هشام بدهد. این شرط را به این خاطر کرد که هشام والی بود. (1)

11. الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: زکات بر هیچ مالی واجب نمیشود مگر اینکه از روزی که صاحب مال آن را به دست میآورد، یک سال بگذرد. (2)

مؤلف: در باب آداب صدقه دهنده، برخی احادیث ذکر خواهد شد.

12. علل الشرایع: زرارۀ نقل میکند که به امام باقر علیه السلام عرض کردم: مردی چند ماهی چند درهم در اختیار داشته سپس آنها را تبدیل به دینار کرده و از زمان در اختیار داشتن درهمها مدت یک سال می گذرد؛ آیا زکات این دینارها را باید بدهد؟ حضرت فرمودند: خیر.

بعد فرمود: اگر شخصی صد شتر به شما بدهد و به جایش دویست گاو بگیرد و این گاوها نزد او چند ماه مانده و شترها نیز نزد تو چند ماه بمانند، سپس شتران او نزد تو مرده و گاوهای تو نیز پیش او بمیرند آیا شما دو نفر زکات آنها را خواهید داد؟ من عرض کردم: خیر. حضرت فرمود: طلا و نقره هم همین طور می باشند. سپس فرمود: و اگر طلا و نقره به گندم و جو تبدیل شدند و پس از مدّتی دوباره گندم و جو به طلا و نقره مبدّل گشتند زکات بر تو نمی باشد، مگر آنکه همان طلا و نقره اوّلی برگردند که در این صورت البته موظّف هستی زکات آن را بدهی، زیرا فرض آن است که یک سال مالک آن بوده ای.

عرضه داشتم: اگر طلای اوّلی یک روز هم از دستم خارج نشد حکمش چیست؟ فرمود: اگر با غیر خودش مخلوط شده پس اشکالی نداشته و در آنچه به تو برگشته زکات نیست و اگر طلای اوّلی تماما به تو بازگشت، پس از آن که از بازگشت آن مأیوس شده بودی، در مورد آن زکاتی بر تو واجب نیست، مگر آن که یک سال از بازگشت آن بگذرد.

1- . علل الشرایع 2 : 63
2- . الخصال 2 : 152

حریز می گوید: زراره از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: در مقداری که کمتر از نصاب است زکات نمی باشد مگر آنکه مقدار مال زکات به حدّی برسد که در آن یک رأس یا یک عدد را به عنوان زکات بشود اخراج کرد.

و نیز در صدقه و زکات، کسر (خُرده) نمی باشد، لذا اگر کسی مالک هفت رأس و نیم گوسفند بود وی را مکلّف نمی کنند که یک رأس و نیم به عنوان زکات بدهد. چنانچه اگر مالک صد و بیست و پنج رأس شتر بود موظّف نیست دو رأس و نیم شتر به عنوان زکات اخراج نماید. همچنین اگر کسی مالک 220 درهم بود شرعا واجب نیست برای دویست درهم 5 درهم و جهت بیست درهم دیگر، نیم درهم بدهد. یا اگر مالک شصت دینار طلا باشد نباید یک دینار و نیم به عنوان زکات خارج کند، بلکه حکم آن است که برای مقداری که به حدّ نصاب اوّل رسیده واحد زکات را اخذ کرده و مبلغ اضافی را ساقط کنند تا به حدّ نصاب بعدی برسد آنگاه از تمام مال، واحد زکات بعدی را اخراج نمایند.

حریز می گوید: زراره و محمّد بن مسلم نقل کردند که امام صادق فرمود: هر کسی که مال داشته و سال بر آن بگذرد لازم است زکات آن را بدهد. زراره می گوید: عرض کردم: اگر یک ماه یا یک روز به سال مانده این مال را به دیگری هبه کند حکمش چیست؟ فرمود: در این صورت، چیزی بر او واجب نیست.

حریز می گوید: زراره نقل کرد که امام علیه السّلام فرمود: این شخصی که سال رسید و بعد از آن مالش را هبه کرد، به منزله کسی است که در ماه رمضان یک روز از ایّام اقامتش را که باید روزه بگیرد افطار کرده سپس در آخر روز به منظور باطل کردن کفّاره ای که در عهده اش آمده به سفر برود؛ پس همان طوری که در اینجا سفر کفّاره را ساقط نمی کند، هبه نیز زکات را ساقط نمی نماید.

و نیز امام علیه السّلام فرمودند: شخص زمانی که هلال ماه دوازدهم را دید زکات بر او واجب می شود ولی اگر پیش از دیدن هلال، مالش را هبه کند جایز است و بر او تکلیفی نیست؛ مانند کسی که از محلّ اقامتش خارج شود و سپس افطار کند. باری صاحب مال بعد از حلول سال حق ندارد و نمی تواند مستحقّین زکات را از آن منع کند امّا مادامی که سال فرا نرسیده می تواند زکات را از اهل زکات منع کرده و

ص: 50

آن را به شخص دلخواهش هبه کند و اگر با این مال که قبل از رسیدن سال، هبه اش می کند مال دیگری که سال از آن گذشته و زکات به آن تعلّق گرفته همراه باشد، صرف این همراهی، صاحب مال را از هبه مزبور منع ننموده و جلو او را نمی گیرد.

زراره عرض می کند: دویست درهم است که به پنج یا ده نفر تعلّق دارد و سال از این مبلغ گذشته ،آیا بر این افراد زکات این مال واجب است یا نه؟ فرمود: خیر، این مال به منزله آن مال است - همان جوابی که در حرث و غلّات که گندم و جو و خرما و کشمش است داده می شود - یعنی بر هیچ یک از این نفرات زکات نیست مگر وقتی که هر کدام به تنهایی مالک دویست درهم باشند. زراره می گوید: عرضه داشتم: گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره و تمام اموال همین حکم را دارند؟ حضرت فرمودند: آری.

زراره می گوید: عرض کردم: شخصی دویست درهم دارد و آن را به برخی از برادران خود یا فرزند و یا همسرش هبه می کند و بدین وسیله از دادن زکات فرار می نماید، ناگفته نماند یک ماه قبل از حلول سال مال را هبه کرده؟ امام فرمود: وقتی ماه دوازدهم داخل شد سال فرا رسیده و آن وقت زکات واجب می شود. عرض کردم: اگر این کار پیش از حلول سال انجام شود؟ فرمود: این امر جایز است. عرض کردم: او این کار را برای فرار از زکات انجام داده است؟ فرمود: ضرری که به خود وارد کرده به مراتب بیشتر از آن نفع موهومی است که به واسطه ندادن زکات تصوّرش را می کند. عرض کردم: وی قدرت بر آن مال داشته و می تواند به دستش بیاورد؟ فرمود: چگونه می داند که بر آن مال قادر است و حال آنکه از ملکش خارج گشته؟ عرض کردم: او مال را با شرط به آن شخص هبه کرده. فرمود: وقتی نام آن مال را هبه گذارده، هبه اش جایز است و شرط ساقط شده و نسبت به زکات ضامن می باشد. گفتم: چگونه شرط ساقط و هبه، اجرا و نسبت به زکات ضامن بوده و پرداخت آن واجب است؟ فرمود: شرطش فاسد و غیر مؤثّر است و هبه ضمانت شده، اجرای هبه و زکات از باب عقوبت و جریمه بر وی لازم است. سپس فرمود: صرف مال زکات (قبل از حلول سال به منظور فرار از زکات) زمانی موجب سقوط زکات می باشد که با آن خانه یا زمین یا متاعی بخرد. زراره می گوید: عرض کردم:

پدر بزرگوارتان به من فرمود: کسی که به واسطه صرف مال زکوی از دادن زکات فرار کند بر او لازم است که زکات را اداء نماید. فرمود: پدرم صحیح و درست فرمودند ولی منظورشان زکاتی است که بر او واجب گردیده امّا زکاتی که هنوز واجب نشده پرداختش لازم نیست، سپس فرمودند: ببین ! اگر شخصی تمام روز را به حالت اغماء درآمد و قبل از این که تکالیف واجب را که به واسطه اغماء از او فوت شده بجا آورد فوت کرد، آیا بر عهده اش چیزی هست؟ عرض کردم: خیر، زمانی تکالیف فوت شده در عهده اش می آید و وی باید آن را انجام دهد که در همان روز از حالت اغماء به هوش آمده و افاقه پیدا کند. سپس فرمود: اگر شخصی در ماه رمضان مریض شود، سپس در همان ماه از دنیا برود، آیا وارث او باید روزه وی را قضاء کند یا نه؟ عرض کردم: خیر. فرمود: همچنین است شخصی که صاحب مال است یعنی وی صرفا زکات آن مقداری از مالش را که سال بر آن گذشته باید بدهد نه غیر آن را.

13. المحاسن : ابو ابراهیم علیه السلام گفته است: هر آنچه شمش طلا و نقره باشد زکات در آن واجب نیست. گفتم: اگر به خاطر فرار از زکات آن را به صورت شمش درآورده باشد چه؟ گفت: آیا نمیبینی که (طلا و نقره ای) که به صورت شمش درآمده دیگر منفعت و بهره ای ندارد،(1) از این جهت زکات بر آن واجب نیست. (2)

14. فقه الرضا علیه السلام: بدان که خداوند بر ثروتمندان زکات را به اندازه توان و حساب مشخص واجب گردانیده است. پس شمار ثروتمندان را صد و نود و پنج و شمار تهیدستان را پنج قرار داده است و زکات را بر همین اساس گمارده است. پس از هر دویست، پنج تای آن را به عنوان حقوق ضعفا و پاسداری از اموال آنها قرار داده است. صاحب مال هیچ بهانه و عذری برای نپرداختن آن ندارد و خداوند (پرداخت زکات) را مقرون به اقامه نماز کرده است.

1- . از این جهت منفعت و سود آن از بین میرود که طلا و نقره گداخته از طلا و نقره ای که نقش نگاری شده ارزان تر است و تا زمانی که آن را به صورت منقوش درنیاورند، برای معاملات کارایی ندارد.
2- . المحاسن : 319

و خداوند زکات را در هر سال یک بار فرض کرده است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم بر نه قسم وضع کرده است: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، مویز، شتر، گاو و گوسفند. و در باره جواهر و عطر و همه اموالی که به این نه قسم شباهت داشته باشند و هر آنچه وارد پیمانه و ترازو شود، روایت شده است که بیست و پنج صدم آن زکات است، اگر با آنها به شیوه طلا و نقره معامله و تجارت شود؛ اما اگر به غیر از شیوه طلا و تقره از آن استفاده شود، در جایی که صدقه به آن تعلق میگیرد، فقط صدقه پرداخت میشود و در غیر از آن، در اوقات مخصوص آن یک دهم و یک بیستم تعلق میگیرد. خداوند جز این موارد را برای زکات معاف داشته است.

در مال غایب و مال یتیم زکات واجب نشده است و اگر مال غایب باشد پس بر تو زکات نیست تا وقتی که مال برگردد و سال بر آن بگذرد و آن مال در دست تو باشد مگر آن که مال بر شخصی باشد که هر گاه خواهی از او بگیری ممکن باشد، در این صورت زکات بر تو واجب است. پس حتی اگر منفعتش به تو برنگشت زکات آن بر تو لازم است.

و اگر از شخصی مالی را قرض کنی و در نزد تو بماند تا سال بر آن بگذرد زکات بر تو واجب است؛ و اگر چیزی را بفروشی و بهای آن را بگیری و شرط کنی بر مشتری که زکات یک سال یا دو سال یا بیشتر را او بدهد، پس لازم است که او زکات بدهد نه تو.

بر مال یتیم زکاتی نیست مگر آن که با آن تجارت کنی پس اگر با آن مال تجارت کردی، در آن زکات واجب است و در چیزهای دیگری مثل پنبه، زعفران، سبزیها، میوهها و دانهها زکات واجب نیست جز مواردی که برای تو بیان کردم؛ مگر اینکه فروخته شود و بر بهای آن یک سال بگذرد. زکات بدهی بر کسی واجب میگردد که قرض گرفته است، اگر نزد کسی مالی داشته باشی زکات آن بر عهده تو نیست تا اینکه آن را پرداخت کند و از زمانی که مال در دست تو قرار میگیرد، یک سال بر آن بگذرد مگر اینکه سودی از تجارت از او بگیری که در این صورت پرداخت زکات آن بر عهده تو میباشد.

15. نهج البلاغه: روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است که هرگاه انسان طلبی دارد که نمی داند وصول می شود یا نه، پس از دریافت آن واجب است زکات آن را برای سالی که گذشته، بپردازد. (1)

سید رضی گفته است: (دین ظنون) آن است که طلبکار نمی داند آیا می تواند از بدهکار وصول کند یا نه؟ گویا طلبکار در حال ظن و گمان است، گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی نه. این از فصیح ترین سخنان است؛ همچنین هر کاری که طالب آن هستی و نمی دانی در چه موضعی نسبت به آن خواهی بود، آن را (ظنون) گویند، و گفته اعشی (2)

شاعر عرب از همین باب است، آنجا که می گوید:

چه کسی چاهی که معلوم نیست آب دارد یا نه، و از محلی که باران گیر باشد دور است را

با نهری همچون فرات که پر از آب است و کشتی و شناگر ماهر را از پا در می آورد، مقایسه میکند.

«جد» چاه قدیمی بیابانی را گویند، و ظنون آن است که معلوم نیست آب دارد یا نه.

16. البیان شهید قدّس سرّه: در جعفریات از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کسی مالی داشته باشد و مال قرضی نزد او باشد، مال خود و قرضش را محاسبه میکند؛ اگر مالش دویست درهم بیشتر از قرضش باشد، باید پنج درهم را به عنوان زکات پرداخت کند.

17. الهدایۀ: از امام صادق علیه السلام در مورد زکات سؤال شد که در چه چیزهایی واجب است؟ فرمود: در گندم، جو، خرما، مویز، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم زکات غیر از این موارد را معاف کرده است.

1- . نهج البلاغه : حکمت های شگفتی آور 6
2- . در مورد أعشی کبیر در اغانی ح : 108 مطالبی ذکر شده است.

شخص پرسشگر به او گفت: ما دانههایی مثل برنج و کنجد و چیزهایی شبیه آنها داریم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: به تو میگویم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم زکات غیر از اینها را معاف کرده است و تو باز از من سؤال میکنی!

18. کتاب زید النرسی: امام جعفر صادق علیه السلام در مورد شخصی که شتر و گاو و گوسفند و کالا دارد و یک سال بر او بگذرد و شتر و گاوهایش بمیرند و کالایش بسوزد، گفت: اگر یک سال بر او بگذرد و در دادن زکات مالش کوتاهی کند، او ضامن زکاتش است و باید آن را بپردازد و اگر پیش از فرا رسیدن یک سال باشد، زکاتی بر او واجب نمیگردد.

مؤلف: در باب (کسانی که زکات بر آنها واجب میشود) برخی اخبار و احادیث را ذکر کردیم.

1. قرب الاسناد: علی علیه السلام از برادرش نقل میکند که از او در مورد زکات زیورآلات پرسیدم. او در جواب فرمود: زکات به کمتر از دویست درهم تعلق نمیگیرد و طلا تا بیست دینار و به غیر از این موارد زکات تعلق نمیگیرد.

و در مورد شخصی از او سؤال کردم که زکات درهم را با دینار، و زکات دینار را با درهم پرداخت میکند، آیا این کار برای او حلال است؟ فرمود: اشکالی ندارد. (1)

2. قرب الاسناد: بزنطی گفته: از امام رضا علیه السلام در مورد شخصی پرسیدم که کالایی دارد که از رونق افتاده و اگر بفروشد چیزی کمتر از سرمایه اش را به او میدهند، آیا زکات بر او واجب است؟ فرمود: خیر. گفتم: او آن کالا را ده سال نزد خود نگه داشته سپس آن را فروخته است، زکات چند سال را باید بپردازد؟ فرمود: یک سال.(2)

3. قرب الاسناد: عبد الخالق میگوید: سعید الاعرج السمان از امام صادق علیه السلام سؤالی پرسید و من نیز در آنجا حضور داشتم: او گفت: ما روغن و چربی را نگه میداریم و با آن تجارت میکنیم، چه بسا این روغن دو سال یا چندین سال نگه داشته شود، آیا زکات بر آن تعلق میگیرد؟ فرمود: اگر از آن سود به دست آوری یا سرمایهات از آن به دست آید، باید زکات آن را بپردازی، و اگر آن را به این دلیل که سرمایه ات را نمییابی، نگه داری، تا زمانی که به طلا و نقره تبدیل نشود زکات بر

1- . قرب الاسناد : 135
2- . قرب الاسناد : 223

تو واجب نیست، پس اگر به طلا و نقره تبدیل شد، زکات آن سالی را که در آن زکات می دهی، پرداخت کن. (1)

4. الخصال : اسماعیل بن مهران میگوید: از جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که میگفت: به خدا سوگند، خداوند تکلیفی که بر بندگان واجب کرده است کمتر از آن چیزی است که میتوانند از عهده آن برآیند. در حقیقت خداوند در هر شبانه روز پنج نماز را بر عهده آنها گذاشته و در هر هزار درهم زکات بیست و پنج درهم و سالانه روزه سی روز را بر آنها واجب کرده است و نیز یک بار حج رفتن را بر آنان فرض کرده است، درحالی که بندگان توانایی انجام کارهای بیشتری را دارند. (2)

5. الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: زکات فریضه ای است که در هر دویست درهم بر پنج درهم آن واجب شده است و در نقره در مقدار کمتر از آن واجب نیست و تا یک سال از روزی که مال در اختیار صاحبش قرار میگیرد، نگذرد زکات بر مال واجب نمیشود و حلال نیست که زکات به غیر از اهل ولایت و معرفت پرداخت شود و زمانی که طلا به بیست مثقال برسد زکات آن واجب است و زکات آن نصف دینار است. (3)

6. عیون الاخبار: از جمله نامههای که امام رضا علیه السلام برای مامون نوشت این بود: زکات واجب در هر دویست درهم، پنج درهم میباشد و در غیر از آن واجب نیست. (4)

7. ابوالحسن از ابو ابراهیم (امام موسی بن جعفر) علیه السلام نقل میکند که فرمود: هر آنچه شمش طلا و نقره باشد زکات در آن واجب نیست. گفتم: اگر به خاطر فرار از زکات آن را به صورت شمش درآورده باشد. گفت: آیا نمیبینی که (طلا و نقره ای) که به صورت شمش درآمده دیگر منفعت و بهره ای ندارد، از این جهت زکات بر آن واجب نیست.(5)

1- . قرب الاسناد : 79
2- . الخصال 2 : 107
3- . الخصال 2 : 152
4- . عیون الاخبار 2 : 123

5- . علل الشرايع 2 : 58

8. هارون بن خارجه نقل میکند که به امام صادق علیه السلام گفتم: برادرم یوسف برخی کارهای این افراد را بر عهده گرفت و از این راه مال زیادی به دست آورد، و این اموال را به زیورآلات مبدل کرد تا از پرداخت زکات آن فرار کند. آیا زکات بر او واجب است؟ فرمود: زکات در زیورآلات نیست و ضرر و نقصانی که شخص با تبدیل آن به زیور و خودداری از دادن زکات به خود وارد میکند، بیشتر از چیزی است که از پرداخت زکات مالش میترسد. (1)

9. علل الشرایع: علی بن یقطین از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل میکند که فرمود: در آنچه از طلا و نقره به قصد فرار از زکات تبدیل به شمش شده زکات نیست. آیا نمیبینی که (طلا و نقره ای) که به صورت شمش درآمده دیگر منفعت و بهره ای ندارد، از این جهت زکات بر آن واجب نیست. (2)

10. معانی الاخبار: مفضّل بن عمر می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که کسی از او پرسید: در چه اندازه از مال، زکات واجب است؟ فرمود: مقصودت کدام زکات است: ظاهری (رسمی) یا باطنی (غیر رسمی)؟ گفت: هر دو را در نظر دارم. فرمود: امّا ظاهری، در هر هزار درهم بیست و پنج درهم است؛ و امّا باطنی آن است که از برادرت آنچه را که بیش از خود تو به آن نیازمند است دریغ نکنی. (3)

11. علل الشرایع: حبیب خثعمی گفته است: ابو جعفر خلیفه به محمّد بن خالد بن عبد اللّه قسری که کارگزار وی در مدینه بود نوشت: از اهل مدینه سؤال کن: چطور پنج درهم در زکات از دویست درهم، معادل با هفت درهم گردیده و حال آنکه در عصر رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلم چنین نبود و نیز به وی فرمان داد که بپرسد و از جمله کسانی که از آنها می پرسد، عبد اللّه بن الحسن و حضرت جعفر بن محمّد علیهما السّلام باشند.

محمّد بن خالد از اهل مدینه راجع به این موضوع پرسید. آنها گفتند: کسانی که پیش از ما بودند نیز به همین اعتقاد داشته اند. سپس از عبد اللّه بن الحسن پرسید. او نیز همچون اهل مدینه جواب داد. پس از آن به محضر مبارک امام صادق علیه

1- . علل الشرايع 2 : 58
2- . علل الشرايع 2 : 59
3- . معانى الاخبار : 153

السّلام رسید و از آن سرور پرسید: شما در باره این موضوع چه می فرمایید؟ فرمود: نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم در هر چهل اوقیه از غلّات یک اوقیه به عنوان زکات واجب فرمود و وقتی آن را محاسبه نمودیم، از نظر وزن، هر پنج اوقیه آن زمان را موافق هفت اوقیه این زمان یافتیم.

حبیت خثعمی می گوید: ما نیز محاسبه کردیم، همان طوری که امام علیه السّلام فرموده بودند آن را یافتیم. پس عبد اللّه بن الحسن به محضر امام علیه السّلام رسید و عرضه داشت: این را از کجا اخذ کرده و به دست آورده اید؟ حضرت فرمودند: در کتاب مادرت فاطمه سلام اللّه علیها آن را خواندم.

سپس عبد اللَّه از خدمت امام علیه السّلام برگشت.

پس محمّد بن خالد کسی را نزد امام علیه السّلام فرستاد و از آن جناب درخواست کرد که کتاب فاطمه علیهما السّلام را نزد او بفرستد. امام علیه السّلام در جواب فرمودند: من به تو فقط این خبر را دادم که موضوع مزبور را در کتاب فاطمه خواندم امّا نگفتم که نوشته فاطمه سلام اللّه علیها نزد من می باشد. حبیب می گوید: محمّد بن خالد گفت: من هرگز جوابی مثل این جواب ندیدم. (1)

12. فقه الرضا: در مقدار کمتر از بیست دینار زکات واجب نیست، اگر به بیست برسد نصف دینار واجب است تا بیست و چهار دینار که یک دهم دینار (اضافه) واجب می شود و بر این حساب بالا می رود، و بر مال غایب زکات واجب نیست و بر مال یتیم نیز زکات واجب نیست. اولین وقت زکات پس از گذشت شش ماه از سال است برای کسانی که میخواهند پرداخت زکات را مقدم بدارند و پیش از سال پرداخت کنند.

و روایت میکنیم که در طلا زکات واجب نیست تا چهل مثقال شود و چون چهل مثقال شود، یک مثقال واجب است و در کمتر از حد نصاب واجب نیست تا به چهل درهم رسد و جایز نیست که زکات کمتر از نصف دینار باشد، و هر گاه مالت را در تجارت به کار گیری و با آن کالایی بخری و کالا را فقط به قیمت سرمایه از شما بخرند و به سرمایه نفروشی و بخواهی که بیشتر از رأس المال (سرمایه) بفروشی،

1- . علل الشرايع 2 : 61

واجب است که زکات آن مال را بدهی هر گاه سال بر او بگذرد، و اگر کالا را به کمتر از سرمایه آن از تو بخرند، زکات آن بر تو واجب نیست.

در زیور زکات نیست و لیکن به مؤمنی که از تو عاریت طلبد، به او به عاریت می دهی که این عاریه دادن زکات آن است، و بر شمش طلا و نقره زکاتی نیست مگر آن که آن را به قصد گریختن از زکات شمش کرده باشی که اگر به قصد فرار از زکات شمش کرده باشی، زکات بر تو واجب است.

13. السرائر: در یکی از نامههای معاویه ابن عمار آمده که گفته است: به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی صد دینار و دویست دینار از زیورآلات را برای خانواده اش قرار داده است و گفت: به نظرم می آید که من به امام گفتم: سیصد دینار، آیا زکات بر او واجب است؟ معاویه گفت: امام فرمود: اگر برای فرار از زکات آن را به عنوان زیور استفاده میکند، زکات بر او واجب است؛ اما اگر برای زینت از آن استفاده میکند زکات بر او واجب نیست. (1)

14. دعائم الاسلام: امام صادق از پدرانش از علی علیهم السلام نقل میکند که فرمود: پیامبر در میان ما برخاست و زکات را بیان کرد و فرمود: یک چهارم از یک دهم را بیاورید، از بیست مثقال، نصف مثقال زکات واجب است و در مقدار کمتر از این زکات نیست. مقصود ایشان طلا بود.

از جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده است که در مورد صدقات از او سؤال شد، و ایشان در جواب گفتند: طلا اگر به بیست مثقال برسد نصف مثقال آن زکات واجب است و به کمتر از بیست مثقال زکات تعلق نمیگیرد.

از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: در بیست دینار نصف دینار زکات است و در کمتر از آن زکات تعلق نمیگیرد و اگر بیشتر از بیست دینار باشد، بر همین حساب از هر آنچه اضافه میشود یک چهلم به عنوان زکات گرفته میشود.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم من را به سوی یمن روانه کرد به من فرمود: وقتی با مردم آنجا ملاقات کردی به آنها بگو: آیا میخواهید زکات اموالتان را پرداخت کنید تا پاک گردید - و همه

1- . سرائر : 464

حدیث را ذکر کرد - و در این حدیث فرمود: در هر دویست درهم، پنج درهم زکات است و به مقدار کمتر از دویست درهم زکات تعلق نمیگیرد.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: در مقدار کمتر از دویست درهم زکات نمیباشد و از هر آنچه بر دویست درهم اضافه شود، یک چهلم آن زکات است. و هر کس نزد او طلایی کمتر از بیست دینار یا نقره ای کمتر از دویست درهم باشد، زکات بر او واجب نیست و بر او واجب نیست که طلا را با نقره اضافه کند و آن دو را یک جنس به شمار آورد، زیرا خداوند عزّ و جلّ بین آن دو فرق گذشته است و رسول خدا صلی الله علیه و آله سلّم تبیین نموده است که در هر کدام از آن دو (طلا و نقره) زکات نیست تا اینکه به اندازه و مقداری برسد که پیامبر آن را مشخص نموده است.

جعفر بن محمد علیه السلام فرموده است: ایرادی ندارد اگر شخصی که زکات طلا بر او واجب است، معادل آن درهم (ضرب خورده) بپردازد و نیز ایرادی ندارد اگر کسی که زکات درهم بر او واجب است، معادل آن، طلا زکات بدهد.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: در زیور زکات نیست و مقصودشان زیوری است که برای زینتهایی همچون زیورآلات زنان و شمشیرها و چیزهایی شبیه آن استفاده شود، البته مادامی که هدف و مقصود صاحب آن فرار از زکات نباشد؛ بدین صورت که مال و دارایی اش را به صورت زیور درآورد و یا با مالش زیورآلات خریداری کند تا زکات مال خود را پرداخت نکند. این امر برای احدی شایسته نیست. پس اگر شخصی این کار را انجام داد زکات بر او واجب است و نیز میبایست زکات زیورآلات مبدل شده ای را بپردازد که در خرید و فروش با آن معامله میکند و یا برای چیزی غیر از زینت لباس در نزد خود نگه داشته است.

از جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: زکات در مواردی که اعلام شده است واجب نیست، مگر اینکه یک سال از رسیدن به حد نصاب که زکات در آن واجب میشود، بر آن بگذرد.

با همان اسناد قبلی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که ایشان زکات را از مروارید، یاقوت و همه جواهر ساقط کرده است، مادامی که مقصود از آن تجارت نباشد. این موارد نیز شبیه آن چیزی است که در رابطه با زیورآلات ذکر کردیم و حکم و دستور آن همانند زیور آلات است.

از جعفر بن محمد علیه السلام نقل شده که گفته است: از مرواریدی که از دریا استخراج میشود، و عنبر، یک پنجم به عنوان زکات گرفته میشود و در سایر شرایط، مانند اموال دیگر میباشد.

و از ایشان نقل شده که فرمود: از رکازی (دفینه) که در معدنها و گنجینههای قدیمی است خمس گرفته میشود و بقیه آن متعلق به کسی است که آن را در زمین خود پیدا کند و اگر گنج از مال و دارایی جدید باشد و اهل خانه آن را ادعا کنند، متعلق به آنها خواهد بود.

از ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام نقل شده که از او در مورد معدنهای طلا و نقره و آهن و فلز برنج و سُرب سؤال شد. فرمود: بر همه آنها خمس واجب است.

و از ایشان روایت شده که فرمود: هرگاه دینار یا طلا، و درهم یا نقره از جنس مرغوب نباشد زکات آن از خود آن پرداخت میشود.

امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که ایشان خانهها، خدمتکارها، پوشاک و وسایل را از زکات معاف کرده است مادامی که مقصود از آنها تجارت نباشد.

جعفر بن محمد علیه السلام فرموده است: آنچه که برای تجارت خریداری شود و به اندازه سرمایه یا بیشتر در قبال آن پرداخت شود و یک سال از آن بگذرد و آن را نفروشد، زکات در آن واجب است و اگر بازار آن کساد شد و سرمایه اش را به دست نیاورد، زکات به آن تعلق نمیگیرد تا زمانی که آن را بفروشد.

و از ایشان نقل شده که فرمود: در مال یتیم و مال انسان کم عقل زکات نیست مگر درصورتی که با آن کار شود. پس اگر با آن مال کار شود زکات واجب میگردد.

ص: 62

و از ایشان روایت شده که در مورد مالی که شخصی از دیگری طلب دارد، فرمودند: اگر از گرفتن آن منع نشود و هر وقت بخواهد، آن را بدون دشمنی و درگیری بگیرد، این مال مانند سایر اموال در دسترس اوست و باید زکات آن را بپردازد، و در صورتی که شخص بدهکار مقاومت کند و او فقط با دشمنی بتواند به مالش برسد، زکات آن، بر شخص بدهکار است که مال در دست اوست. همچنین مال غایب و مهریه زن بر همسر بدین گونه میباشد.

از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: در مال مستفاد زکات نیست تا اینکه یک سال بر آن بگذرد؛ مگر این که در اختیار کسی باشد که مالی در اختیار اوست که زکات آن واجب است، پس او مال مستفاد را با مال خود یکی میکند و سر سالی که زکات مالش را میپردازد، زکات آن را نیز پرداخت میکند.

جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: در مال مکاتب(1) زکات تعلق نمیگیرد.

و از ایشان نقل شده که فرمود: شخص ضامن زکات است تا زمانی که آن را در جای مناسب خود پرداخت کند.

بر اساس این گفته، همه کسانی که زکات بر آنها واجب بوده و زکات را به مستحقین زکات که خداوند دستور داده به آنها پرداخت شود، نداده اند، لازم است آنها دوباره زکات را به کسانی بدهند که خداوند پرداخت زکات را به آنها واجب کرده است. به امید خدا در جای خود کارهایی را که در این رابطه واجب است ذکر خواهیم کرد.

کمترین چیزی که بر اساس این روایت لازم میگردد این است که هرکس زکات مالش را اخراج کند و پیش از آنکه آن را بپردازد، از دستش برود، میبایست از مال خود آن را اخراج کند و از بین رفتن زکات قبل از رسیدن به دست مستحق آن، از زکات واجب مجزی نیست و کفایت نمی کند.

و از ایشان روایت شده که در مورد شخصی که زکات مالش را پرداخت نکرده تا اینکه وقت مرگ او رسید؛ پس وصیت کرد که زکات مالش را بپردازند، فرمودند:

1- 1. مکاتب برده ای است که مبلغی را با کار خود جمع می کند و در قبال آزادیش به صاحب خود می پردازد. (مترجم)

زکات از همه اموال او پرداخت میشود مگر اینکه وصیت کرده باشد که از یک سوم مال زکات بدهند و و این زمانی جایز است که دانسته شود. و اگر فهمیده شود که او قصد داشته که به ورثه خود ضرر برساند و میراث آنان را تلف کند، فقط از یک سوم آن جایز است مگر اینکه ورثه این کار را که به زیان آنان است، اجازه دهند. (1)

15. الهدایۀ: بدانید که در طلا زکات واجب نیست تا اینکه به بیست دینار برسد، اگر به بیست دینار برسد نصف دینار واجب است تا اینکه به بیست و چهار دینار میرسد که در آن نصف دینار و یک دهم دینار واجب است و بر این حساب هر بار که بر بیست، چهار چهار اضافه شد، در هر چهار دینار یک دهم دینار واجب است تا اینکه به چهل دینار برسد، پس هرگاه به چهل مثقال برسد یک مثقال واجب است.

و بدانید که در نقره زکات نیست تا اینکه به دویست درهم برسد، اگر به دویست درهم برسد پنج درهم واجب است و هرگاه بر آن، چهل درهم اضافه شد یک درهم واجب است.

1- . دعائم الاسلام : 248 - 251

باب چهارم : زکات غلات و شرایط آن و مقداری که از آن گرفته میشود و حبوباتی که پرداخت زکات آن مستحب است

1. الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: زکات بر گندم، جو، خرما و کشمش هر گاه به پنج وسق رسید، واجب است و آن یک دهم است، اگر با آب جاری آبیاری شود و اگر با سطل آبیاری شود یک بیستم است. و هر وسق شصت صاع و هر صاع چهار مُدّ است. (1)

2. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام در یکی از نامههای خود به مامون فرمود: زکات بر گندم، جو، خرما و کشمش هر گاه به پنج وسق رسید، واجب است و هر وسق شصت صاع و هر صاع چهار مدّ است. (2)

3. فقه الرضا: بر گندم و جو چیزی از زکات نیست تا به پنج وسق برسد و وسق شصت صاع است و هر صاع چهار مد است و مدی دویست و نود و دو درهم و نصف درهم است، و چون گندم و جو هر یک به غیر از خراج سلطان و آنچه هزینه آباد کردن و خرج شهر و روستا میگردد، به این مقدار برسد، یک دهم می دهند اگر با آب باران آبیاری شده باشد، و اگر با سطل آبیاری شده باشد یک بیستم می دهند و در خرما و مویز نیز همین حکم گندم و جو جاری است. پس اگر بعد از پرداخت زکات گندم و جو چیزی باقی بماند و یک سال بر آن بگذرد، زکات به آن تعلق نمیگیرد تا اینکه آن را بفروشند و یک سال بر قیمت آن بگذرد.

4. تفسیر عیاشی: ابوبصیر نقل میکند که از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم: «وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الأَرْضِ»،(3)

{واز آنچه برای شما از زمین

1- . الخصال 2 : 152
2- . عیون الاخبار 2 : 123
3- . بقره / 267

برآورده ایم.} فرمودند: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند که زکات نخل را بدهند، جماعتی از مردم نوعی از بدترین خرما را آوردند تا آن را به عنوان زکات بپردازند، به این نوع خرما جعرور و معافارهٔ میگفتند. این دو نوع خرما بدنه نازک و هسته بزرگی داشت. گروهی از آنها به جای خرمای مرغوب این نوع خرما را آورده بودند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود: این دو نوع خرما را به عنوان زکات برآورد نکنید و چیزی از آن را به عنوان زکات نیاورید. و خداوند در این رابطه این آیه را نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ»، {ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید انفاق کنید،} تا این عبارت که میفرماید: «إِلاَّ أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ»،(1) {جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید.} و اغماض به این معنا است که این دو نوع خرما گرفته شود. و فرمودند: صدقه ای که از راه حرام به دست آمده باشد، به خداوند نمیرسد. (2)

5. تفسیر عیاشی: رفاعهٔ از امام صادق علیه السلام نقل میکند که در مورد این سخن خداوند: «إِلاَّ أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ»، {جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید.} فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عبدالله بن رواحه را روانه کرد و فرمود: جعرور و معافارهٔ را (برای زکات) تخمین نزنید و مردمی بودند که خرمای بد و نامرغوب را میآوردند، پس خداوند سبحان این آیه را نازل کرد: «وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلاَّ أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ»، {در حالی که آن را [اگر به خودتان می دادند] جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید.} و ذکر کرد که عبدالله بن رواحه خرمای نامرغوب آنها را برآورد کرد پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای عبدالله! جعرور و معافارهٔ را (به عنوان زکات) محاسبه و برآورد نکن. (3)

6. تفسیر عیاشی: اسحاق بن عمار از جعفر بن محمد علیه السلام نقل میکند که فرمود: مردم مدینه صدقه عید فطر را به مسجد پیامبر میآوردند، در میان این

1- . بقره / 267
2- . تفسیر عیاشی 1 : 148

3- . تفسير عياشى 1 : 149

صدقهها خوشههایی از درخت خرما به نام جعرور و خوشههایی به نام معافارهٔ بود. این خوشههای خرما هسته بزرگ و بدنه نازک و مزه تلخی داشت. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم به شخصی که مسئول برآورد زکات بود گفت: این دو نوع خرما را برای آنها برآورد نکن شاید شرم کنند و از این دو نوع خرما نیاورند. سپس خداوند آیه: {ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.} را نازل کرد.

7. الهدایهٔ: بر گندم و جو چیزی از زکات نیست تا به پنج وسق برسد و وسق شصت صاع است و هر صاعی چهار مد است و هر مدی دویست و نود و دو درهم و نصف درهم است. چون گندم و جو هر یک به غیر از خراج سلطان و آنچه خرج شهر و روستا میگردد به این مقدار برسد، یک دهم می دهند اگر با آب باران یا آب روان آبیاری شده باشد، و اگر با سطل آبیاری شده باشد یک بیستم می دهند و در خرما و مویز نیز همین حکم گندم و جو است. پس اگر بعد از پرداخت زکات گندم و جو، چیزی باقی بماند، زکات به آن تعلق نمیگیرد تا اینکه آن را بفروشند و یک سال بر قیمت آن بگذرد.

1. علی از برادرش نقل میکند که از او در مورد زکات گوسفندان پرسیدم. ایشان فرمود: از هر چهل گوسفند یک گوسفند زکات است و در هر صد گوسفند یک گوسفند. و در گوسفند کسور (خُرده، مثلا یک گوسفند و نیم) زکات وجود ندارد. (1)

2. معانی الاخبار: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: در زکات شتر در هر پنج شتر یک گوسفند تا به بیست و پنج شتر برسند وقتی به بیست و پنج رسید باید یک ابنهٔ مخاض (کره شتر ماده که یک سالش تمام شده و داخل سال دوم گردیده) زکات بدهد. بعد از آن زکات ندارد تا به سی و پنج شتر برسد. چون به سی و پنج رسید در آن باید یک ابنه لبون (شتر بچه ماده ای که سنش بین دو تا سه سال است) و بعد چیزی در آن نیست تا به چهل و پنج شتر برسد. چون به چهل و پنج شتر رسید زکات آن یک حقه (شتر ماده ایست که سنش بین سه سال تمام تا چهار سال باشد، چون در این سن شایستگی باربری، یا جفت گیری با شتر نر را دارد به آن حقه می گویند)، بعد زکات در آن نیست تا به شصت شتر برسد، و چون مالک شصت شتر گردید باید یک جذعه (شتری که چهار سالش تمام شده و داخل سال پنجم گشته باشد) زکات بدهد، بعد در آن زکات ندارد تا مالک هفتاد و پنج شتر گردد، آنگاه که به هفتاد و پنج شتر رسید، زکات آن دو شتر بچه بنت لبون می باشد، و بعد زکات ندارد تا به نود شتر برسد، و چون به نود شتر رسید زکات آن دو شتر حقه می باشد که جفت گیری نموده باشند، سپس چیزی در آنها نیست تا به یک صد و بیست شتر برسند. و چون به یک صد و بیست شتر

1- . قرب الاسناد : 135

رسید در آن دو شتر حقه ای باید زکات بدهد. و چون بر صد و بیست یکی افزوده شد پس در هر پنجاه شتر باید یک شتر حقه و در هر چهل شتر یک شتر ابنه لبون باید زکات بدهد. بعد از آن باید به مقدار عمر شتران (که بیان شد) رجوع شود. و بر مقداری زیادتر یا کمتر از حد نصاب زکات نیست و شترهای بارکش زکات ندارند و زکات فقط در شترهایی است که در تمام سال از علف و گیاه بیابان بچرد.

راوی گوید: عرض کردم در شتر بختی که در بیابان می چرد چطور؟ فرمود: زکات آن هم مانند شتر عربی است.

صدوق گوید: نوشته ای به دست خط سعد بن عبد الله بن ابی خلف رضی الله عنه یافتم که در آن چنین نگاشته شده بود: و عربها برای هر دوره عمر شتر نامی نهاده اند: از لحظه ای که از مادر زائیده شده تا پایان یک سال را حوار نامند، و چون به سال دوم وارد شد ابن مخاض گویند، چون مادرش می تواند حامله شود؛ و چون به سال سوم رسید ابن لبون نامیده می شود، و آن بدین جهت است که مادرش بچه آورده و پستانهایش شیر دارد. وقتی وارد سال چهارم شد نرینه اش را حقّ و مادینه اش حقّه نامند، زیرا توانایی بار بردن دارد. و چون وارد سال پنجم شد جذع نامیده می شود و چون به سال ششم در آمد ثنی نامیده می شود، چون دو دندان پیشین آن می افتد؛ و چون به سال هفتم در آید رباع مینامند، چون چهار دندان آن که بین ثنایا و أنیاب قرار دارد می افتد؛ و چون وارد سال هشتم گردد، سدیس نامند و دندانی که بعد از رباعیه به نام سدیس است می افتد؛ و وقتی نه ساله شد، دندان نیش در آورده و بازل نامیده شود؛ و چون در سال دهم در آید مخلف نامیده می شود، و بعد از این دیگر نامی ندارد. و مقدار عمرهایی که در زکات مقرر گردیده از ابن مخاض شروع و به جذع خاتمه یافته است.

3. الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: زکات بر گوسفند واجب میشود، هرگاه به چهل گوسفند رسد و چون یک گوسفند بر آن اضافه شود یک گوسفند واجب است تا صد و بیست، و چون به صد و بیست رسد و یکی زیاد شود، دو گوسفند واجب است تا دویست، پس اگر یکی زیاد شود سه

گوسفند زکات واجب است تا سیصد، سپس بعد از این، در هر صد گوسفند یک گوسفند زکات تعلق میگیرد.

زکات در گاو واجب میشود زمانی که به سی گاو برسد؛ و چون به سی گاو برسد که همه از یک ساله کوچک تر نباشند، در آن تبیع حولی (گوساله یک ساله) واجب است تا به چهل گاو برسد؛ چون به چهل گاو رسد در آن مسنّه (گوساله پا در سه سال) واجب است تا شصت گاو، پس اگر شصت تمام شود دو مسنه می دهد تا نود؛ و چون به نود می رسد سه تبیع می دهد و پس از این تعداد، در هر سی گاو یک تبیع و در هر چهل گاو یک مسنه واجب است.

و بر شتر زکات واجب است هر گاه به پنج برسد، پس یک گوسفند در آن واجب می شود؛ پس چون به ده شتر رسید دو گوسفند و چون به پانزده رسید سه گوسفند در آن واجب می شود؛ و چون به بیست رسید چهار گوسفند و چنانچه به بیست و پنج رسید پنج گوسفند به آن تعلّق می گیرد. هنگامی که یک شتر بر این شمار افزوده شد یک بنت مخاض در آن لازم می آید و چون یک شتر بر سی و پنج شتر افزوده شود، یک بنت لبون؛ و چون به چهل و پنج برسد و یک شتر بر آن افزوده شد، یک حقّۀ به آن تعلّق میگیرد؛ و چون به شصت برسد و یکی بر این شمار اضافه شود، یک جذعۀ به آن تعلق میگیرد تا به هشتاد برسد، پس اگر یکی بر این شمار اضافه شود یک ثنی به آن تعلق میگیرد تا به نود برسد؛؛ و اگر به نود برسد یک بنت لبون به آن تعلق میگیرد و اگر از صد و بیست شتر یکی اضافه شود، دو حقه که آماده جفت گیری با نر باشند تعلق میگیرد و هرگاه تعداد شتران زیاد شد، در هر چهل شتر یک بنت لبون و در هر پنجاه شتر یک حقه تعلق میگیرد و پس از این تعداد گوسفند ساقط میشود و باید به مقدار عمرهای شتران (که بیان شد) رجوع شود. (1)

4. فقه الرضا: بر گوسفند زکات نیست تا به چهل گوسفند رسد؛ پس چون به چهل رسد و یک گوسفند زیاد شود، یک گوسفند واجب است تا صد و بیست؛ پس چون یکی زیاد شود دو گوسفند می دهد تا دویست؛ پس اگر یکی زیاد شود سه

1- .الخصال2 : 152

گوسفند می دهد تا سیصد؛ پس هرگاه گوسفند زیاد شود دیگر این حساب ساقط است و از هر صد تا یکی می دهد.

عاملی که گیرنده زکات است، آن موضعی را که گوسفند در آنجاست قصد میکند و ندا می کند که ای گروه مسلمانان! آیا خدا را در اموال شما حقی هست؟ پس اگر بگویند: بلی، امر کند که گوسفندها را بیرون آورند و آن را دو گروه کند و صاحب گوسفندان را مخیّر سازد که هر یک از این دو گروه را که می خواهد اختیار کند و عامل زکات از میان گروه دوم برمی دارد. پس اگر صاحب گوسفندان دوست داشته باشد آنچه را عامل برداشته به او بدهد و آن چه او دارد عامل بردارد، می تواند، و اگر همان گروه اول را نخواهد بردارد که عامل بردارد، این مقدور نیست. و عامل اجازه ندارد گوسفندانی را که گردهم آمده اند متفرق کند و نیز اجازه ندارد گوسفندان متفرق را گردهم آورد.

در گاو زکات واجب نیست تا به سی گاو برسد و چون به سی گاو برسد در آن تبیع حولی واجب است، چون به چهل گاو می رسد در آن مسنّه یعنی تا شصت گاو، پس اگر شصت تمام می شود دو تبیعه می دهد تا هفتاد؛ پس چون به هفتاد رسید یک تبیع و یک مسنه می دهد تا هشتاد؛ پس چون به هشتاد می رسد در آن دو مسنه است تا نود؛ و چون به نود می رسد سه تبیع می دهد و چون گاو بسیار شد این عدد ساقط است و صاحب گاو از هر سی گاو دو تبیع می دهد و از هر چهل گاو یک مسنه می دهد.

و به کمتر از پنج شتر چیزی تعلّق نمی گیرد، پس چون به پنج رسید، یک گوسفند و چون به ده شتر رسید دو گوسفند و چون به پانزده بالغ شد سه گوسفند در آن واجب می شود؛ و چون به بیست رسید چهار گوسفند و چنانچه به بیست و پنج رسید پنج گوسفند به آن تعلّق می گیرد، هنگامی که یک شتر بر این شمار افزوده شد یک بنت مخاض در آن لازم می آید. پس اگر بنت مخاض در اختیار نداشت یک ابن لبون به جای آن قرار می گیرد، تا به سی و پنج بالغ شود و چون یک شتر بر سی و پنج شتر افزوده شد یک بنت لبون در آن لازم می آید؛ پس اگر بنت لبونی نداشته باشد و بنت مخاض داشته باشد، بنت مخاض را به عامل میدهد و همراه با آن یک

گوسفند میدهد و هرگاه بنت مخاض بر او واجب شد و آن را نداشته باشد و بنت لبون داشته باشد آن را میدهد و گوسفند را از عامل پس میگیرد تا به چهل و پنج برآید؛ پس چنانچه یک شتر بر آن افزوده شد، یک حقّۀ به آن تعلّق می گیرد - و آن حقّۀ نامیده شده از آن جهت که می توان از او سواری گرفت - تا به شصت برسد و چون یکی بر این شمار اضافه شود، یک جذعۀ به آن تعلق میگیرد تا به هشتاد برسد؛ پس اگر یکی بر این شمار اضافه شود یک ثنی به آن تعلق میگیرد.

5. المعتبر: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که فرمودند: در گاو، در هر سی گاو یک تبیع یا تبیعه زکات واجب است و در کمتر از این تعداد زکات نیست. سپس در آن زکات نیست تا به چهل برسد و چون به چهل گاو می رسد در آن یک مسنّه واجب است و در آن زکات نیست تا به شصت گاو برسد؛ پس اگر به شصت رسید، دو تبیع یا دو تبیعه زکات لازم است؛ سپس در هفتاد گاو یک تبیع یا تبیعه و یک مسنه واجب است و در هشتاد، دو مسنه و در نود، سه تبیعه زکات واجب است.

6. الهدایۀ: بدان بر شتر زکات واجب نیست تا اینکه به پنج برسد پس چون به پنج رسید، یک گوسفند در آن واجب می شود. در ده شتر دو گوسفند و در پانزده شتر سه گوسفند و در بیست شتر چهار گوسفند و در بیست و پنج شتر پنج گوسفند زکات واجب است. هنگامی که یک شتر بر این شمار افزوده شد یک بنت مخاض در آن لازم می آید. اگر بنت مخاض نداشته باشد یک ابن لبون لازم میآید تا به سی و پنج برسد و چون یک شتر بر سی و پنج شتر افزوده شود یک بنت لبون در آن واجب است و در صورتی که بنت لبون نداشته باشد و بنت مخاض در نزد او باشد، بنت مخاض را به عامل زکات میدهد و همراه با آن یک گوسفند نیز میدهد. زمانی که بنت مخاض بر او واجب شد و بنت مخاض نداشت و بنت لبون نزد او بود، بنت لبون را به عامل میدهد و گوسفند را پس میگیرد. و چون به چهل و پنج برسد و یک شتر بر آن افزوده شد، یک حقّه به آن تعلّق میگیرد و از این جهت به آن حقه میگویند که در این سن شایستگی سوار شدن بر آن دارد. و چون به شصت برسد و یکی بر این شمار اضافه شود، یک جذعه به آن تعلق میگیرد تا به هشتاد برسد.

پس اگر یکی بر این شمار اضافه شود یک ثنی به آن تعلق میگیرد تا به نود برسد و اگر به نود برسد دو بنت لبون به آن تعلق میگیرد و اگر از صد و بیست شتر یکی اضافه شود، دو حقه که آماده جفت گیری با نر باشند تعلق میگیرد و هرگاه تعداد شتران زیاد شد در هر چهل شتر یک بنت لبون و در هر پنجاه شتر یک حقه تعلق میگیرد.

شتر پیر و عیب دار برای زکات گرفته نمیشود مگر اینکه عامل زکات بخواهد و او کوچک و بزرگ شتران را به شمارش در میآورد.

و بدانید در گاو زکات واجب نیست تا اینکه به سی گاو برسد و چون به سی گاو رسید در آن تبیع حولی واجب است و در کمتر از سی گاو زکاتی تعلق نمیگیرد. چون به چهل گاو می رسد در آن مسنّه است تا شصت گاو، پس اگر شصت تمام شود دو تبیعه واجب است تا هفتاد؛ پس چون هفتاد تمام شود یک تبیع و یک مسنه واجب است تا هشتاد؛ پس چون به هشتاد رسد در آن دو مسنه است تا نود؛ و چون به نود می رسد سه تبیع لازم میآید؛ و چون گاو بسیار شد این عدد ساقط است و صاحب گاو از هر سی گاو یک تبیع می دهد و از هر چهل گاو یک مسنه می دهد.

بر گوسفند زکات نیست تا به چهل گوسفند رسد؛ پس چون به چهل رسد و یک گوسفند زیاد شود دو گوسفند واجب است تا دویست، پس اگر یکی زیاد شود سه گوسفند می دهد تا سیصد، پس هرگاه گوسفند زیاد شود، دیگر این حساب ساقط است و از هر صد گوسفند یکی را به عنوان زکات می دهد.

7. کتاب عاصم بن حمید: ابوبصیر میگوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که میفرمود: در کمتر از چهل گوسفند زکات نیست، پس هرگاه به چهل گوسفند برسد یک گوسفند واجب است تا صد و بیست، پس چون بر صد و بیست یکی اضافه شود دو گوسفند واجب است تا دویست، پس اگر بر دویست یکی اضافه شود سه گوسفند واجب است تا سیصد، پس هرگاه گوسفند زیاد شود، از هر صد تا یکی به عنوان زکات داده میشود. و گوسفند پیر و عیب دار برای زکات گرفته نمیشود، مگر اینکه عامل زکات بخواهد و او کوچک و بزرگ گوسفندان را به شمارش در

میآورد و گوسفندان گرده آمده را متفرق نمیکند و گوسفندان پراکنده شده را گرد نمیآورد.

ابوبصیر میگوید: از امام صادق علیه السلام در مورد زکات سؤال کردم ایشان فرمودند: از هر چهل درهم یک درهم و در کمتر از دویست درهم زکات تعلق نمیگیرد و چون به دویست برسد پنج درهم زکات واجب است و هر چه بر دویست درهم اضافه شود بر این اساس محاسبه میشود.

ابوبصیر میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در کمتر از پنج شتر زکات واجب نیست، پس هرگاه به پنج رسید یک گوسفند در آن واجب می شود تا ده. اگر ده شتر شد دو گوسفند واجب است تا پانزده شتر، و هرگاه پانزده شتر شد سه گوسفند واجب است تا بیست شتر، و هرگاه به بیست شتر رسید چهار گوسفند تا بیست و پنج، و اگر به بیست و پنج شتر رسید پنج گوسفند زکات واجب است. هنگامی که یک شتر بر بیست و پنج افزوده شد یک بنت مخاض در آن لازم می آید تا سی و پنج، اگر بنت مخاض نداشته باشد یک ابن لبون و چون یک شتر بر سی و پنج شتر افزوده شود یک بنت لبون در آن واجب است تا چهل و پنج؛ و چون به چهل و پنج برسد و یک شتر بر آن افزوده شد، یک حقّه به آن تعلّق میگیرد تا شصت؛ و چون یکی بر این شمار اضافه شود، یک جذعه به آن تعلق میگیرد تا هفتاد و پنج؛ و چون به هفتاد و پنج برسد و یکی بر این شمار اضافه شود دو بنت لبون به آن تعلق میگیرد تا نود؛ و اگر یکی بر نود اضافه شود دو حقه واجب است تا صد و بیست. و هرگاه تعداد شتران زیاد شد، در هر پنجاه شتر یک حقه تعلق میگیرد.

و شتر پیر و عیب دار برای زکات گرفته نمیشود مگر اینکه عامل زکات بخواهد و او کوچک و بزرگ شتران را به شمارش در میآورد.

و گفت: از امام صادق شنیدم که فرمود: در کمتر از سی گاو زکات واجب نیست؛ پس اگر به سی برسند یک تبیع یا تبیعه واجب میگردد و اگر به چهل برسد یک مسنه به زکات تعلق میگیرد.

آیات:

- لِلْفُقَرَاء الَّذِينَ أُحصِرُواْ فِی سَبِيلِ اللّهِ لاَ يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِی الأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاء مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لاَ يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِيمٌ. (1)

{این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده اند، و نمی توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدّت خویشتن داری، فرد بی اطلاع، آنان را توانگر می پندارد. آنها را از سیمایشان می شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.}

- إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِی سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. (2)

{صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدای دانا و حکیم است.}

- أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِی الْبَحْرِ. (3)

{اما آن کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می کردند.}

- وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِی آتَاكُمْ. (4)

1- . بقره / 273
2- . توبه / 60
3- . کهف / 79
4- . نور / 33

{و از آن مال که خدا به شما ارزانی داشته است به آنان بدهید.}

1. تفسیر عیاشی: اسحاق بن غالب گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای اسحاق، تعداد اهل این آیه را: «فَإِنْ أُعْطُواْ مِنْهَا رَضُواْ وَإِن لَّمْ يُعْطَوْاْ مِنهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ»، (1) {پس اگر از آن [اموال] به ایشان داده شود خشنود می گردند و اگر از آن به ایشان داده نشود به ناگاه به خشم می آیند.} چقدر برآورد میکنی؟ گفتم نمی دانم: سپس فرمود: آنان بیشتر از دو سوم مردم هستند. (2)

2. تفسیر عیاشی: از سماعه نقل کرده است که

گفت: از ایشان درباره زکات پرسیدم که چه کسانی برای گرفتن آن صلاحیت دارند؟ فرمود: کسانی که خدا در باره آنان در کتابش چنین فرموده است: «لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَاب وَالْغَارِمِينَ وَفِی سَبِيلِ اللّهِ وَابنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ»، {به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست.} و ممکن است زکات برای کسی که مبلغ سیصد درهم داشته باشد جایز باشد و بر کسی که پنجاه درهم داشته باشد، حرام باشد.

به او عرض کردم: چگونه ممکن است؟ فرمود: اگر صاحب سیصد درهم عیال وار باشد و اگر آن را میان آنان تقسیم کند کفایت نمی کند، پس خود را از آن محروم کند و همه را برای عیالش بردارد. اما صاحب پنجاه درهم اگر تنها باشد، و صاحب حرفهای باشد که از طریق آن امرار معاش کند و به خواسته خدا از طریق آن مبلغی کسب می کند که برای او کافی باشد، بر او حرام است. (3)

1- . توبه / 58
2- . تفسیر عیاشی 2 : 89
3- . تفسیر عیاشی 2 : 90

3. تفسیر عیاشی: از محمد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در باره فقیر و مسکین، فرمود: فقیر کسی است که طلب کمک می کند و مسکین از او بدتر است و سؤال نمی کند. (1)

4. تفسیر عیاشی: از ابی بَصیر نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ» {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان اختصاص دارد.} چیست؟ فرمود: فقیر کسی است که طلب کمک می کند، و مسکین از او بدتر است، و بینوا کسی است که از همه آنان بیچارهتر است. (2)

5. تفسیر عیاشی: از ابو مریم، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که درباره این فرموده خدا: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ» تا آخر آیه ... فرمود: زکات را چه در میان همه ایشان و چه برای یک نفر قرار دهی، به تکلیف خود عمل کرده ای. (3)

6. تفسیر عیاشی: از زراره، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: عرض کردم: در باره این فرموده خدای تبارک و تعالی: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ» تا آخر آیه، چه می گویید، آیا به همه آنان زکات پرداخته می شود حتی اگر معرفت [به اسلام و امام] نداشته باشند؟ فرمود: همانا امام به همه آنان از مبلغ صدقه می پردازد زیرا که به اطاعت از او گردن نهاده اند. گفت: به او عرض کردم: پس اگر معرفت نداشته باشند؟ پس فرمود: ای زراره! اگر قرار بود به کسی که معرفت داشته باشد بدهد و به کسی که معرفت نداشته باشد ندهد، هیچ جایی برای پرداخت آن پیدا نمیکرد، و همانا او به کسی که معرفت نداشت از این رو می داد که به اسلام تشویق شود و بر آن استوار باشد و اما امروز، تو و یارانت فقط به کسانی که معرفت دارند بدهید. (4)

1- . تفسیر عیاشی 2 :90
2- . تفسیر عیاشی 2 : 90
3- . تفسیر عیاشی 2 : 90
4- . تفسیر عیاشی 2 : 90

7. تفسیر عیاشی: از محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در باره این فرموده خدای تبارک و تعالی: «وَالْعَامِلِینَ عَلَیْهَ» فرمود: آنان کارگزاران (جمع آوری زکات و صدقات) هستند. (1)

8. تفسیر عیاشی: از زراره نقل شده است که گفت: از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ» پرسیدم. فرمود: آنها کسانی هستند که موحد شدند و از پرستش آنچه غیر خدا پرستیده می شود جدا شدند، و گواهی دادند که خدایی جز الله نیست و این که محمد رسول خدا است و آنان پس از آن، به آن چه را محمد که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، آورده است، شک دارند. پس خدا به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که آنان را با مال و عطا جذب کند تا اسلامشان نیکو باشد و بر دینشان که به آن گرویدند و به آن اقرار کردند، استوار بمانند.

همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در روز حنین، سران آنان را از قریش جذب کرده بود که از جمله آنان ابو سفیان بن حرب و عیینه بن حصین فزاری و مانند آنان از مردم بودند. پس انصار به خشم آمدند و نزد سعد بن عباده گردهم آمدند. سعد آنان را پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله در جعرانه(2)

برد و گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه سخن گفتن می دهی؟ فرمود: بلی. گفت: اگر این امر، یعنی اموالی که شما میان قوم تقسیم کردید، چیزی باشد که خدا تو را به آن امر کرده است، پس راضی هستیم و اگر چیزی جز این باشد، راضی نیستیم.

زراره گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای گروه انصار! آیا همه تان با قول سعد موافقید؟ گفتند: سرور ما خدا و رسول او است. و از آنها خواست تا سه بار این سخن را تکرار کنند و پس از آن گفتند: ما با قول و نظر سعد موافقیم. زراره گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: پس خدا نورشان را از بین برد، و در قرآن برای «مؤلّفه قلوبهم» سهمی قرار داده است. (3)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 91
2- . جعرانه مکانی میان مکه و طایف است که در هفت مایلی مکه واقع شده است.
3- . تفسیر عیاشی 2 : 91 و 92

9. تفسیر عیاشی : از زراره و حمران و محمد بن مسلم، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که در باره «وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ»، فرمود: آنان قومی اند که رسول خدا که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، دلهای آنان را جذب نمود و اموال را میان آنان تقسیم کرد. امام باقر فرمود: هنگامی که سال بعد فرا رسید، دو برابر چیزی را که گرفته بودند، آوردند و بسیاری از مردم نیز اسلام آوردند. - فرمود:- پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایراد سخنرانی پرداخت و فرمود: آیا این بهتر است یا چیزی را که گفته بودید. آنان فلان تعداد و فلان تعداد از شتران آورده اند (یعنی) دو برابر آن چه را به آنان دادم و مردم بسیاری هم اسلام آورده اند، قسم به آن که جان محمد در دست اوست، من دوست دارم آن قدر داشته باشم تا دیه هر انسانی را بدهم، تا این که تسلیم خدا که پروردگار جهانیان است، باشد. (1)

10. تفسیر عیاشی: از ابو اسحاق، از برخی از اصحاب ما، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: از ایشان در باره بردهای که از دادن اقساط آزادیاش عاجز شده است (برده مکاتب) در حالی که قسمتی از آن را ادا کرده است سؤال شد. فرمود: از مال صدقه ادا می کند، همانا خداوند تبارک و تعالی در کتابش می فرماید: «وَفِی الرِّقَاب». (و برای آزادی بندگان) (2)

11. تفسیر عیاشی: از زراره نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حکم برده ای که زنا می کند چیست؟ فرمود: نصف حد بر او جاری می شود. عرض کردم اگر تکرار کرد؟ فرمود: باز هم نصف حد بر او جاری می شود. عرض کردم: و اگر باز هم تکرار کند؟ فرمود: بیش از نصف حد شلاق نمی خورد. عرض کردم: آیا سنگسار شدن حتی برای یکی از گناهانش بر او واجب نمی شود؟ فرمود: بلی، در بار هشتم باید کشته شود، اگر آن کار را هشت بار تکرار کند. عرض کردم: پس فرق بین او و آزاده چیست، در حالی که گناهشان یکی است؟ فرمود: خدای عز و جل به او رحم کرده و خواری بردگی و حدّ انسان آزاده را (با هم) بر

1- . تفسیر عیاشی 2 : 92
2- . تفسیر عیاشی 2 : 93

وی تحمیل نکرد. سپس فرمود: بر امام مسلمانان است که بهای او را از سهم الرقاب به اربابش بپردازد.(1)

12. تفسیر عیاشی: از صبّاح بن سیابه نقل شده است که گفت: هر مسلمانی که بمیرد و بدهکاری در گردن او باشد و آن دین بر اثر فساد و اسراف نبوده باشد، بر امام واجب است که دینش را ادا کند، و اگر ادا نکند گناهش به گردن او (امام) است. همانا خدا می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَآب وَالْغَارِمِينَ»، {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد.} پس او از بدهکاران است و نزد امام سهمی دارد. و اگر آن را به او ندهد، گناهش به گردن اوست. (2)

13. تفسیر عیاشی: از عبد الرحمان بن حجاج نقل شده است که: محمد بن خالد از امام صادق علیه السلام در باره صدقات پرسید، فرمود: آن را در میان کسانی که خدا تعیین کرده است تقسیم کنید و از سهم بدهکاران به کسانی که ندای جاهلیت سر میدهند، داده نمی شود. عرض کردم: ندای جاهلیت چیست؟ فرمود: مردی که می گوید: ای آل بنی فلان! و سپس کشتار و خونریزی در میان آنان رخ می دهد و این از سهم بدهکاران ادا نمی شود و کسانی که مهر زنان را بدهکارند. گفت: آن را نمیدانم تا اینکه گفت: و همچنین کسانی که در مورد اموال مردم سهل انگاری می کنند. (3)

14. تفسیر عیاشی: محمد القسری از امام صادق علیه السلام نقل میکند که از او در مورد صدقه سؤال کردم: فرمود: آن را در میان کسانی که خدا تعیین کرده است تقسیم کنید و از آن سهم، به بدهکارانی که مهر زنان را بدهکارند و کسانی که ندای جاهلیت دارند، داده نمیشود. عرض کردم: ندای جاهلیت چیست؟ فرمود: مردی که می گوید: ای آل بنی فلان! و سپس کشتار و خونریزی در میان آنان رخ می دهد و

1- . تفسیر عیاشی 2 : 93 و 94
2- . تفسیر عیاشی 2 : 94

3- . تفسير عياشى 2 : 94

این از سهم بدهکاران ادا نمی شود و همچنین به اموال مردم اعتنایی نمی کنند؛ یعنی در مورد اموال مردم سهل انگاری کردهاند. (1)

15. السرائر: سماعه میگوید از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی پرسیدم که لوازم جنگی دارد درحالی که نیازمند است، آیا آن را بفروشد و خرج عیالش کند یا صدقه بگیرد؟ فرمود: آن را بفروشد و خرج عیالش کند. (2)

16. قرب الاسناد: یونس بن یعقوب میگوید به امام صادق علیه السلام گفتم: از مال زکات به خانواده های مسلمانان میدهم، پس از زکات لباس و غذا برای آنها خریداری میکنم و به نظرم این امر برای آنها بهتر است. گفت: ایشان فرمود: ایرادی ندارد. (3)

17. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: صدقه دادان به ثروتمند و شخص نیرومند تندرست روا نیست. (4)

18. قرب الاسناد: علی از برادرش نقل میکند که از او در مورد اینکه آیا زکات فقط برای اهل ولایت است؟ پرسید، فرمود: این مطلب در نامههای زیادی برای شما تبیین شد. (5)

19. قرب الاسناد: یونس نقل میکند که از موسی بن جعفر علیه السلام در مورد شخصی از اصحاب ما سؤال کردم که بمیرد و چیزی که با آن کفن شود به جای نگذارد، آیا از اموال زکات برای او کفن خریداری کنم؟ فرمود: به خانواده اش بده، به اندازه ای که بتوانند مقدمات دفن او را آماده کنند تا بدین وسیله آنان کسانی باشند که مقدمات دفن او را فراهم کرده باشند. عرض کردم: اگر فرزند یا کسی نداشته باشد که کارهایش را انجام دهد و من از مال زکات مقدمات دفن او را آماده کنم؟ گفت: ایشان فرمود: پدرم رضای خداوند بر او باد میگوید: حرمت عورت مؤمن و حرمت بدنش در حال مرده همچون حرمت او در هنگام زنده بودنش است،

1- . تفسیر عیاشی 2 : 94
2- . سرائر : 472

3- . قرب الاسناد : 34
4- . قرب الاسناد : 95
5- . قرب الاسناد : 135

پس عورت و بدنش را بپوشان و مقدمات دفن او را فراهم کن و او را در کفن بگذار و او را حنوط کن و این کار را به عنوان زکات به حساب آور.

گفتم: اگر یکی از دوستانش کفن دیگری به او بدهد و قرضی نزد او باشد، آیا در یکی از کفنها کفن شود و با کفن دیگر قرض او داده شود؟ گفت: ایشان فرمود: این کفن میراثی نیست که او به جا گذاشته باشد بلکه این چیزی است که پس از وفات آن مرد به عیالش رسیده است، پس باید در کفنی که به آنها بخشیده شده است او را کفن کنند و با کفنی را که از زکات به آنها داده شده، امورات خویش را سر و سامان دهند. (1)

20. قرب الاسناد: موسی بن بکر نقل میکند که موسی بن جعفر علیه السلام به من گفت: هر که روزی از راه حلال طلب کند تا بر خود و خانواده اش انفاق کند، مانند مجاهد در راه خدای عز و جل است. پس اگر دچار تنگنایی شد، با توکل به خدا و رسولش که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، مبالغی را قرض بگیرد که هزینه خانواده اش را تأمین کند. و اگر بمیرد و نتواند آن را ادا کند، بر امام است که آن را ادا کند. و اگر ادا نکرد، بار مسئولیت به دوش او (امام) است. همانا خدای عز و جل می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْغَارِمِينَ»، {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، اختصاص دارد.} پس این، فقیر مسکین و بدهکار است. (2)

21. تفسیر قمی: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»،(3) {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.} خداوند همه مردم به جز این هشت گروه را که خداوند آنان را نامگذاری کرده، خارج ساخته است و امام صادق علیه السلام بیان

1- . قرب الاسناد : 175
2- . قرب الاسناد : 197

3- . توبه / 60

کرد که چه کسانی هستند؟ پس فرمود: آنان همان کسانی هستند که کمک نمی طلبند و هزینه خانواده هایشان به دوش آنان است و دلیل بر این که آنان کمک نمی طلبند و هزینه خانواده هایشان بر دوش آنان است، این فرموده خدا در سوره بقره: «لِلْفُقَرَاء الَّذِينَ أُحصِرُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ لاَ یَسْتَطِیعُونَ ضَرْبًا فِی الأَرْضِ یَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِیَاء مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِیمَاهُمْ لاَ یَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا»،(1) {(این صدقات) برای آن (دسته از) نیازمندانی است که در راه خدا فرو مانده اند، و نمی توانند (برای تأمین هزینه زندگی) در زمین سفر کنند. از شدّت خویشتن داری، فرد بی اطلاع، آنان را توانگر می پندارد. آنها را از سیمایشان می شناسی. با اصرار، (چیزی) از مردم نمی خواهند و هر مالی (به آنان) انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است. }

«وَالْمَسَاکِینِ» منظور از آنان کسانی هستند که به ضعف و بیماری مبتلا هستند مانند نابینایان و لنگان و جذامیها و همه انواع بیماران از مردان و زنان و کودکان و «وَالْعَامِلِینَ عَلَیْهَا» منظور از آنان کسانی هستند که متولی جمع آوری صدقات و محافظت از آن هستند تا به قسمت کنندگان آن برسد. «وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ» آنان عبارتند از قومی که خدا را یگانه پنداشتند اما معرفت در دل آنان جای نگرفته است که محمد که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، رسول خدا است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنان را جذب می کرد و به آنان می آموخت تا حق را بشناسند، پس خدا بهرهای از صدقات را برای آنان قرار داده است تا به اسلام تشویق شوند.

و در روایت ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ» یعنی ابوسفیان بن حرب بن امیه، و سهیل بن عمرو، که از بنی عامر بن لُوی بود، و هَمّام بن عمرو و برادرش، و صفوان بن امیه بن خلف قرشی سپس جُمحی، و اقرع بن حابس تمیمی، سپس یکی از بنی حازم، و عُیینه بن حِصین فزاری، و مالک بن عوف، و علقمه بن عُلاثه، و به من خبر رسید که رسول خدا که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، به هر کدام از آنان صد تا شتر با شتربانان آنها، یا بیشتر یا

کمتر می داد.

1- 3. بقره/273.

به تفسیر علی بن ابراهیم در مورد «وَفِی الرِّقَاب» برگشت. آنها قومی هستند که کفاره قتل اشتباه و کفاره ظهار و کفاره کشتن شکار در حرم و کفاره شکستن قسم بر گردن آنان باشد، ولی مبلغ کفاره را نداشته باشند، در حالی که آنان مومنند، پس خدا سهمی را از صدقات برای آنان اختصاص داده است تا کفاره ایشان باشد. «وَالْغَارِمِینَ» مردمانی که دین به گردن آنها است و آن را در اطاعت از خدا و بدون اسراف انفاق کردند، پس بر امام است که دین آنان را از طریق مال الصدقات بپردازد. «وَفِی سَبِیلِ اللّهِ» یعنی کسانی که برای جهاد خارج می شوند در حالی که چیزی ندارند که در راه جهاد خرج کنند، یا گروهی از مسلمانان که هزینه رفتن به حج را نداشته باشند، و یا در سایر راههای خیر. پس بر امام است که مبالغی را از صدقات به آنان بپردازد تا به وسیله آن بتوانند حج و جهاد را به جا آورند.

«وَابن السَّبِیلِ» یعنی فرزندان راه که در مسافرتی باشند که برای اطاعت از خدا است، ولی در بین راه به علت از بین رفتن یا تمام شدن توشه سفر، از سفر باز مانند. پس بر امام است که آنان را از طریق پرداختن مبالغی از مال الصدقات، به دیارشان برگرداند. صدقات به هشت قسمت تقسیم می شود. به هر انسانی از این هشت قسمت مبلغی به اندازه نیازش، نه زیادتر و نه کمتر، داده می شود. این کار بر عهده امام است و به صلاحدید خود عمل می کند. (1)

22. الخصال: از برخی از اصحاب ما از امام صادق روایت شده که فرمود: به پنج نفر از زکات داده نشود: فرزند، پدر و مادر، همسر و برده. زیرا شخص مجبور است نفقه آنها را بپردازد. (2)

علل الشرایع: ماجیلویه از محمد بن عطار مثل این حدیث را روایت کرده است.(3)

23.الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: پرداخت زکات فقط به اهل ولایت و معرفت جایز است. (4)

1- . تفسیر قمی : 274
2- .الخصال1 : 136
3- . علل الشرایع 2 : 59

4- . الخصال2 : 152

24. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام در یکی از نامههای خود به مامون مینویسد: جایز نیست که زکات به کسانی غیر از افراد شناخته شده اهل ولایت داده شود. (1)

25. عیون الاخبار: هروی از امام رضا علیه السلام نقل میکند که فرمود: هر کس قائل به جبر باشد به او زکات ندهید. (2)

26. علل الشرایع: امام صادق فرمود: به کسی که هفتصد درهم دارد و مالک آن می باشد دادن زکات حلال است به شرطی که شغل و حرفه ای نداشته باشد، این شخص زکات هفتصد درهم را اخراج کرده و با مقداری از آن قوت و روزی عیالات خود را تهیه نموده و بقیّه آن را به مستحقّین می دهد ولی کسی که پنجاه درهم دارد و صاحب حرفه ای است که به واسطه آن قوت عیالات خود را تهیّه می کند بر او زکات روا نیست و نمی توان به وی زکات داد. (3)

27. علل الشرایع: ابوالمغرا از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: خداوند متعال فقیران و ثروتمندان را در اموال شریک قرار داده است، پس ثروتمندان حق ندارند، اموال را جز در مورد شریکان خویش به مصرف برسانند. (4)

28. الخصال : ابن سنان از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: صدقه حیوانات سم دار و پهن پا مانند شتر به مسلمانان متجمل و با شخصیت پرداخت میشود و صدقه طلا و نقره و هر آنچه با قفیز (پیمانه) اندازه گیری می شود از آنچه زمین میروياند (غلات) به افراد بسیار فقیر و غیر متشخص اختصاص داده شده است. گفتم: چگونه حکم بدین صورت تشریع شده است؟ فرمود: آن افراد شکیبایی پیشه میکنند و گدایی نمیکنند و از مردم شرم میکنند، از این رو بهترین این دو نوع صدقه از نظر مردم را باید به آنها اختصاص داد و هر دو نوع آن جزء صدقه میباشد. (5)

1- . عیون الاخبار 2 : 123
2- . عیون الاخبار 1 : 143
3- . علل الشرایع 2 : 58
4- . علل الشرایع 2 : 59

5- . علل الشرايع 2 : 59

29. علل الشرایع: اسماعیل الدغشی نقل میکند که از موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم: کسی که قوت یک روز خود را دارد جایز است درخواست دریافت زکات را بکند و نیز به چنین کسی پیش از آنکه درخواست کند، اگر زکات داده شود جایز است قبول کند؟ حضرت فرمودند: اگر به وی زکات داده شد اگر چه قوت یک ماه و نیز مایحتاج یک سال را هم داشته باشد، آن را قبول کند، زیرا زکات بابت خرجی یک سالِ مستحقّین به آنها داده می شود.(1)

30. علل الشرایع: ایوب ابن حر نقل میکند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مملوکی است که به آنچه ما معتقدیم (اعتقاد به ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام و یازده فرزندش علیهم السّلام) معتقد است، حال او را از مال زکات می خرم و آزادش می کنم، آیا جایز است؟ امام فرمود: او را بخر و آزاد کن. عرض کردم: اگر آن مملوک مرد و مالی از خود به جا گذارد، این مال تعلّق به چه کسی دارد؟ حضرت فرمودند: میراثش به مستحقّین زکات تعلّق دارد، زیرا مملوک مزبور را با سهم مستحقّین خریده اند، پس اموالش مال مستحقین می باشد. (2)

31. علل الشرایع: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام پرسیدند: شخصی که مسلک حروریّه یا مرجئه یا عثمانیه و یا قدریّه داشته سپس توبه کرده و مذهب حق را اختیار کرده و رأیش نیکو گشته است، آیا نمازهایی را که خوانده و روزهایی را که گرفته یا زکات هایی را که داده و حجّی را که انجام داده باید اعاده کند؟ امام علیه السّلام فرمودند: اعاده هیچ یک از این واجبات لازم نیست مگر زکات؛ زیرا آن را در غیر موردش صرف کرده، چه آنکه مورد و موضع آن، اهل ولایت می باشند.(3)

32. معانی الاخبار: حسن بن راشد میگوید: از امام حسن عسکری علیه السلام در مدینه، در باره مردی که مالی را در راه خدا وصیت کند، سؤال کردم. فرمود: راه خدا، شیعه ما هستند. (4)

1- . علل الشرایع 2 : 60
2- . علل الشرایع 2 : 60
3- . علل الشرایع 2 : 61
4- . معانی الاخبار : 167

33. معانی الاخبار: از حسن بن عمر نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی در راه خدا به من مالی را وصیت کرد. - گفت:- به من فرمود: آن را در انجام مراسم حج خرج کن. عرض کردم: او در سبیل الله وصیت کرد. فرمود: در حج خرج کن، چرا که من هیچ راهی از راه های خدا را بهتر از حج گزاردن سراغ ندارم.

34. معانی الاخبار: زراره از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: صدقه دادن به ثروتمند و به نیرومند تندرست و صاحب حرفه و انسان قادر بر کار روا نیست. گفتم: مقصود از این سخن چیست؟ فرمود: بر کسی که میتواند از گرفتن صدقه خودداری کند، گرفتن آن حلال نیست.

در روایت دیگری از امام صادق آمده است که: صدقه دادن به ثروتمند روا نیست و نفرمود: صدقه برای شخص تندرست نیرومند. (1)

35. التوحید: از علی بن محمد و امام باقر علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: هر کس قائل به تجسیم باشد چیزی از زکات به او ندهید و پشت سر او نماز نخوانید. (2)

36. قرب الاسناد: بزنطی گفت: از امام رضا علیه السلام در باره قانع و معتر پرسیدم. ایشان فرمود: قانع کسی است که هر چه به او بدهی قانع میشود و معتر کسی است که بر تو میگذرد و درخواست میکند.(3)

37. ثواب الاعمال: برخی از اصحاب ما از امام صادق علیه السلام نقل کردند که فرمود: تارک زکات که گرفتن آن بر او واجب شده است (و نمی گیرد)، همچون مانع زکات است که زکات واجب خود را نمی دهد. (4)

المحاسن : عبدالعظیم همین روایت را از ایشان نقل کرده است. (5)

1- . معانی الاخبار : 262
2- . التوحید: 59
3- . قرب الاسناد : 207
4- . ثواب الاعمال 212

5- . المحاسن : 88

38. المحاسن : عبید بن زراره گفت: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، در مورد شخصی که هزار درهم از زکات مال خود بیرون کرد و مومنی نیافت که به او بدهد و دید که بردهای را می فروشند، پس این مرد آن هزار درهم را داد و آن بنده را خرید و آزاد کرد. آیا این کاری که کرده است برایش جایز است؟ فرمود: بلی باکی نیست. گفتم: اگر بعد از آزادی، از تجارت و حرفه، مالی به دست آورد و سپس بمیرد و وارثی نداشته باشد که از او ارث ببرد، چه کسی از او ارث میبرد؟ فرمود: مومنان فقیری که مستحق زکات هستند، چون آن برده را از مال ایشان (مومنان) خریده اند. (1)

39. فقه امام رضا علیه السلام: آگاه باش که مبادا زکات را به غیر اهل ولایت بدهی و از میان اهل ولایت نیز به پدر و مادر و همسر و برده زکات پرداخت نمیشود و هر کس که در نفقه توست، زکات به او نده. اگر شخصی پدر خویش را با زکات مالش بخرد سپس او را آزاد کند، جایز است. هر گاه شخص مؤمنی بمیرد و دوست داشتی که او را از زکات مالت کفن کنی، آن زکات را به ورثه او بده تا او را به آن کفن کنند و اگر ورثه ای نداشت خودت او را کفن کن و از زکات حساب کن. پس اگر جمعی دیگر بهای کفن به ورثه او بدهند، در این صورت مالی که آن جماعت به ورثه او داده اند، برای گذراندن امورات خویش میگیرند. و اگر قرضی بر میت بوده باشد بر ورثه لازم نیست که قرض میت را از مالی که تو به آنها اعطا کردی و از مالی که آن جماعت به آنها بخشیده اند، بپردازند، زیرا این اموال میراث میت نیست بلکه چیزی است که پس از مرگ او به ورثه اش رسیده است.

و اگر برده آزاد شده مال و اموالی به دست آورد (و بمیرد) مال او برای کسی است که او را آزاد کرده است، زیرا او (برده) با مال آن شخص خریداری شده است. و توفیق از خداوند است.

40. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم گفته شد: مستحقین زکات چه کسانی هستند؟ فرمود: مستضعفانی از پیروان محمد و خاندانش هستند که بینش و بصیرت قوی ندارند. اما کسی که بصیرتش قوی

1- . المحاسن : 305

گردد و شناخت او از ولایت و پیروان آن و بیزاریش از دشمنان ولایت، نیکو گردد. این چنین شخصی برادر دینی شماست و از لحاظ رحم و مهربانی و از پدران و مادران مخالف، سزاوارترند. پس به او زکات و صدقه ندهید چراکه دوستداران و شیعیان ما همانند یک کالبد واحد هستند و زکات و صدقه بر جماعت ما حرام است و میبایست آنچه که به برادران با بصیرت خود میدهید به عنوان نیکی باشد و آنها را از دادن زکات و صدقات بالاتر بدانید و از اینکه چرکهایتان را بر آنان بریزید، پاک و منزه شان بدارید. آیا کسی از شما دوست دارد چرک بدنش را بشوید سپس آن را بر برادر مومنش بریزد؟ همانا چرک گناهان از چرک بدن بزرگتر است پس با چرک گناهان، برادران مومن خویش را آلوده نکنید و درصدد آن نباشید که زکات و صدقات خود را به کسانی که دشمن خاندان محمد صلی الله علیه و آله و دوستدار دشمنان آنها هستند، بدهید. همانا کسی که به دشمنان ما صدقه بدهد مانند کسی است در حرم پروردگار عزیز و بلند مرتبه و حرم من دزدی کند.

گفتند: ای رسول خدا! مستضفان از مخالفان که از روی جهل و نادانی با ما مخالفت میورزند و از روی بصیرت و بینش با ما مخالفت و دشمنی نمیکنند چه حکمی دارند (آیا میتوان به آنان زکات داد؟). فرمود: هر یک از شما در زکات درهم، کمتر از یک درهم بدهد و در زکات نان، کمتر از یک گرده نان ببخشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم: سپس هر کار خیری که پس از این در راستای حفظ آبرویتان از زبان مردمان سگ صفت مانند شاعران و کسانی که به آبرو ضربه میزنند، انجام دهید تا آنها را از این کار بازدارید، به عنوان صدقه برای شما محسوب میشود. (1)

41. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: در باره این سخن خداوند «فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»،(2) {پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید.} امام فرمود: زکات را به مستحق آن بدهید و به کافر و منافق ندهید، چراکه پیامبر صلی الله علیه و آله و

1- . تفسیر امام حسن عسکری : 38
2- . حجّ/ 78

سلّم فرمودند: کسی که به دشمنان ما صدقه بدهد بسان شخصی است که در حرم خداوند دزدی کند. (1)

42. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: «وَآتَی الْمَالَ عَلَی حُبِّهِ»، (2) {و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش بدهد.} یعنی در راه خدا به مومنان مستحق میبخشد علی رغم اینکه مال را دوست میدارد و به شدت به آن نیازمند است. «ذَوِی الْقُرْبَی» {خویشاوندان} به خویشاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم به عنوان هدیه و نیکی میبخشد نه به عنوان صدقه، چراکه خداوند عزّ وجلّ آنان را از صدقه گرفتن بزرگ تر دانسته است و تقرب خودش را به عنوان صدقه و نیکی داده است، به هر شیوهای که خود بخواهد. «وَالْیَتَامَی» و به یتیمان بنی هاشم که فقیر هستند نیکی (هدیه) میبخشد نه صدقه، و به دیگر یتیمان هم هدیه و هم صدقه میدهد. «وَالْمَسَاکِینَ» از مردم بینوا «وَابْنَ السَّبِیلِ» شخص مسافری که راه دشواری را پیموده و توشه ای همراه ندارد، «وَالسَّآئِلِینَ» کسانی که دست خود را برای درخواست چیزی به سوی مردم دراز میکنند و درخواست صدقه میکنند. «وَفِی الرِّقَابِ» بردگانی که آنها را کمک میکند تا بهای خود را پرداخت کنند و آزاد شوند. فرمود: اگر مالی نداشته باشد که با آن بتواند همدردی و همیاری کند، میبایست مجددا به یگانگی خداوند و نبوت محمد فرستاده خدا صلی الله علیه و آله و سلّم اقرار کند و به صورت آشکار، برتری ما را نسبت به خاندان دیگر پیامبران و برتری محمد را بر دیگر پیامبران، و نیز دوستی اش را با دوستداران ما و دشمنی خود را با دشمنان ما اعلام کند. (3)

43. رجال الکشی: یوسف بن یعقوب گفته است: به امام رضا علیه السلام گفتم: به این افرادی که گمان میکنند پدرتان زنده است، زکات داده شود؟ فرمود: به آنها چیزی ندهید زیرا آنان کافر، مشرک و زندیق هستند. (4)

1- . تفسیر امام حسن عسکری : 238
2- . بقره / 177
3- . تفسیر امام حسن عسکری : 272
4- . رجال الکشی : 388

44. الهدایه: خدا شما را رحمت کند، بدانید که جایز نیست زکات به غیر اهل ولایت داده شود و از میان اهل ولایت نیز به پدر و مادر و زن و شوهر و برده زکات پرداخت نمیشود و هر کس که شخص مجبور است نفقه آنها را بپردازد، زکات به او تعلق نمیگیرد، و به یقین خداوند با تحریم زکات بر بنی هاشم آنها را برتری داده است؛ اما امروز زکات برای برای آنان حلال میشود زیرا از گرفتن خمس منع شده اند.

45. دعائم الاسلام: ولید بن صبیخ گفته است: شهاب به من گفت: من شبها خوابهای وحشتناکی میبینم و زنی را میبینم که مرا میترساند، پس از جعفر بن محمد علیه السلام برایم در مورد آن بپرس. من از ایشان پرسیدم و فرمود: این شخصی است که زکات مالش را پرداخت نمیکند. او را (از گفته امام) باخبر کردم. پس گفت: البته سوگند به خدا من زکات را میپردازم. امام را از سخن او با خبر کردم. ایشان فرمود: اگر این طور باشد، او زکات را در موضع شایسته آن قرار نداده است. گفته امام را برای شهاب نقل کردم. او گفت: راست فرموده است.

از امام علی علیه السلام روایت شده که ایشان مخنف بن سلیم را مسئول گردآوری صدقههای (قبیله) بکر بن وائل کرد و دستوری را برای او نوشت که در آن آمده بود: هر کس از مردم جزیره و مناطق ما بین کوفه و سرزمین شام تحت اطاعت ما باشد و ادعا کند صدقه اش را به کارگزاران شام داده است، در حالی که این کار در حوزه (حکومت) ما ممنوع باشد، سپاهیان ما از او حمایت میکنند و این کار برایش جایز نیست و اگر گمان او حقیقت باشد، پس حق ندارد در سرزمین ما ساکن شود درحالی که صدقه مالش را به دشمن ما بدهد.

از امام جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده است که از او در باره این سخن خداوند «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ»، {زکات تنها به تهیدستان و بینوایان اختصاص دارد} سؤال شد. فرمود: فقیر کسی است که طلب کمک نمی کند، و حال مسکین از او بدتر است و بینوای فقیر کسی است که از همه آنان بیچارهتر است، و زکات فقط به مومنانی که اهل ولایت هستند داده میشود.

به او گفته شد: اگر در آن مکان اهل ولایتی نباشد که نیازمند زکات باشد؟ فرمود: مال زکات به مکان دیگری فرستاده میشود تا در میان اهل ولایت تقسیم گردد و به مردمی که اگر آنها را برای کاری فراخواندی و دعوت را اجابت نکردند، حتی اگر کشته شوند - و با دستش به گلویش اشاره کرد - زکات داده نمیشود

به او گفتند: اگر مومن مستحقی نباشد؟ فرمود: به مستضعفانی که کسی کاری به آنها محوّل نمیکند و از کار کردن ناتوانند داده میشود. و به مومن از زکات آن اندازه داده میشود که از آن بخورد و بیاشامد و بپوشد و همسر اختیار کند و به حج خانه خدا برود و صدقه بدهد و دین و قرض خود را بپردازد.

و از ایشان نقل شده است که در باره این سخن خداوند عزیز و بلند مرتبه «وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا»، {متصدیان آن} فرمود: آنان کسانی هستند که در جمع آوری زکات میکوشند و امام هر اندازه که روا بداند به آنان میدهد. در این خصوص زمان و اندازه ای مشخص نشده است.

علی علیه السلام فرمود: از یمن طلایی در پوست دباغی شدهای که با برگ درخت سَلَم دباغی شده بود، فرستادند که از خاکش پاک نشده بود. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم آن را بین پنج نفر تقسیم کرد: اقرع بن حابس، عیینه بن بدر، زید الخیل، علقمه بن علاثه و عامر بن طفیل. گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم گفتند: ما برای گرفتن آن مستحق تر بودیم. این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم رسید. پس فرمود: آیا به من اطمینان ندارید حال آن که من امانت دار آسمانیها هستم و اخبار آسمان شب و روز به من میرسد؟.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در باره این سخن خداوند «وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» فرمود: آنان گروهی از رؤسای قبایل هستند که به سوی اسلام جذب میشوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها زکات میداد تا آنان را به سوی اسلام جذب کند.

و همچنین ایشان درباره این سخن خداوند «وَفِی الرِّقَابِ» فرمود: هر گاه زکات مال از پانصد درهم عبور کرد با آن برده ای خریداری میشود و آزاد میگردد.

جعفر بن محمد علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم روایت میکند که فرمودند: صدقه دادن به ثروتمند روا نیست مگر برای پنج نفر: متولی جمع آوری زکات، و غارم: آن کسی است بدهی داشته باشد یا دیه و غرامتی را متحمل شده باشد یا شخصی است که با مالش دیه ای را خریده باشد و یا شخصی است که دیه و غرامت به او هدیه بدهند.

همچنین از پیامبر که درود و سلام خداوند بر او باد نقل شده که فرمود: «وَفِی سَبِیلِ اللّهِ» در راه جهاد و حج و دیگر راههای خیر است. «وَابْنَ السَّبِیلِ» شخصی است که در سفر باشد و نفقه اش قطع میگردد یا از او ساقط میشود و یا دزدان بر او چیره میشوند.

و از ایشان نقل شده که فرمودند: امام نظر خود را چنان که خدا به او می نماید ابراز می کند، پس اگر چنان بهتر ببیند که زکات را به سهمهایی که خدا تقسیم کرده است بخش کند چنین می کند، و اگر چنان شایسته بداند که همه را به گروه واحدی به سبب نیازی که دارند بدهد، همین کار را می کند. و ایرادی ندارد اگر مقداری از زکات را به کسی بدهد که خانه و خدمتکار و دویست درهم دارد. و همه آنچه را ذکر کردیم. (1)

46. کتاب زید النرسی: از امام صادق علیه السلام نقل شده که از ایشان سؤال کردند، هرگاه اهل ولایت نباشند جایز است به دیگران صدقه بدهیم؟ فرمود: اگر در منطقه ای که در آن سکونت دارید اهل ولایت را نیافتید، زکات واجب شده را برای کسانی از مناطق دیگر که اهل ولایتند بفرستید. اما صدقههای غیر از زکات واجب شده را در صورتی که اهل ولایت نیافتید، باکی بر شما نیست اگر آن را به کودکان یا کسانی بدهید که کودک خرد هستند و از جمله افرادی باشند که ناصبی نبوده و از عقیده و باور شما آگاه نباشد تا با شما دشمنی بورزد و بر عقیده ای خلاف عقیده شما واقف نباشد تا از آن پیروی کند و از آن فرمانبرداری کند و اینان مردان، زنان و فرزندان مستضعفی هستند که کمتر از درهم و پایین تر از گرده نان به آنها میدهید. اما درهم کامل فقط به اهل ولایت داده میشود.

1- . دعائم الاسلام : 260 - 261

گفت: من عرض کردم: فدایت بشوم، در باره کسی که در پشت در و در راه طلب کمک میکند و ما نمیدانیم او کیست چه میگویید؟ فرمود: به او چیزی اعطا نکن - و او را کرامتی نیست - و به غیر از اهل ولایت چیزی نده مگر اینکه قلبت برایش رقّت پیدا کند، پس تکه نانی و قطعه برگی (تکهای گوشت) به او ببخشی. اما قلبت برای ناصبی به رقّت نیاید و حتی اگر از گرسنگی و تشنگی بمیرد او را اطعام و سیراب نکن و اگر در حال غرق شدن یا سوخته شدن بود او را یاری نرسان و اگر طلب یاری کرد او را در آب فرو ببر و به او کمک نکن. چراکه پدرم که بهترین مسلمان محمدی بود، میگفت: هر کس ناصبی ای را سیر کند خداوند در روز قیامت شکمش را پر از آتش میکند، چه آن شخص اهل عذاب باشد و چه اهل غفران.

1. عیون الاخبار ،(1) امالی صدوق: از الریان نقل شده که از جمله دلیل و برهانهایی که امام رضا علیه السلام برای اهل سنت در حضور مامون برای برتری و فضیلت عترت پاک اهل بیت آورد این بود که فرمود: زمانی که داستان صدقه پیش آمد، خداوند، خود و پیامبر و اهل بیتش را منزه گردانید و فرمود: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِی سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ»،(2) {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.} آیا در این آیه چیزی میبابی که خداوند عزّ و جلّ سهمی را برای خود یا پیامبرش و یا خویشاوندان او قرار داده باشد؟ زیرا آنسان که خود و فرستاده اش را از صدقه منزه گردانید، اهل بیتش را نیز منزه گردانید و حتی (صدقه) را بر آنان حرام کرد، چراکه صدقه بر محمد و خاندانش حرام میباشد و صدقه چرک دستهای مردم است و برای آنها حلال نیست، زیرا از هر چرک و آلودگی پاک شده اند. پس هنگامی که آنان را پاک گردانید و آنان را برگزید، آنچه را برای خود پسندید، برای آنها نیز پسندید و آنچه را برای خود ناپسند دانسته برای آنها نیز ناپسند دانسته است. (3)

1- . عیون الاخبار 1 : 215
2- . توبه / 60
3- . امالی صدوق : 428

2. قرب الاسناد: ابوالکرام جعفری در روزگار مامون گفت: من به همراه بعضی از غلامانمان به سوی یکی از گردشگاههای مدینه مانند عقیق یا چیزی شبیه آن بیرون رفتیم. پس کسی را برای آب آوردن برای ابوعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام فرستادیم. در آنجا خرمایی از مال صدقه بود. پس من خرمایی را برداشتم و در دهانم گذاشتم. غلامی که با من بود برخاست و انگشتش را در دهانم فرو برد و خواست خرما را از دهانم بیرون آورد. ابوعبدالله به او گفت: تو را چه شده است چه کار میکنی؟ غلام به او گفت: فدایت شوم این خرمای صدقه است و صدقه برای بنی هاشم روا نیست. ابوعبدالله گفت: اگر دیگران صدقه بدهند حرام است، اما در صورتی که برخی از ما به برخی دیگر بدهیم مشکلی ندارد. (1)

3. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله سلم دو چیز را در مورد بریره دستور داد: یکی اینکه ولایت بر کنیز مال کسی است که او را آزاد کرده است و دوم اینکه وقتی کنیز آزاد شود مخیر است که با شوهر قبلی خود باشد و یا از او جدا شود؛ سوم صدقه ای را که گرفته و به دیگری هدیه داده، تبدیل به هدیه می شود و حکم صدقه را ندارد و خوردن آن اشکالی ندارد. (2)

4. محمد ابن عبدالله جعفری گفته است: ما در زمان کودکی راه میرفتیم و از آب صدقه ای که در مسجد بود مینوشیدیم. جعفر ابن محمد علیه السلام ما را صدا زد و گفت: ای پسرانم از این آب ننوشید بلکه از آب من بنوشید. (3)

5. قرب الاسناد: بزنطی روایت میکند که از امام رضا علیه السلام در مورد صدقه پرسیدم که آیا برای بنی هاشم حلال است؟ فرمود خیر اما صدقه برخی از آنان برای برخی دیگر حلال است. پس به او گفتم: فدایت شوم، اگر از مکه بیرون رفتم، این آبهایی که بین مکه و مدینه است و عموم آن از صدقه است چه حکمی

1- . قرب الاسناد : 17
2- . قرب الاسناد : 61
3- . قرب الاسناد : 99

دارد؟ فرمود: چیزی از این آبها نامگذاری شده است؟ گفتم: یکی از آن چشمه ها چشمه ابن بزیع نام دارد و مانند آن. فرمود: این آبها متعلق به آنها است. (1)

6 . الخصال: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که فرمود: صدقه بر بنی هاشم حلال نیست مگر در دو صورت: هنگامی که تشنه باشند و به آبی برسند و بنوشند و نیز صدقه دادن بعضی از آنها به بعضی دیگر. (2)

7. الخصال: عبید اللَّه بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: بریره کنیزی بود که شوهر داشت و عایشه او را خرید و آزاد کرد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را مخیّر کرد که اگر بخواهد نزد شوهرش باشد و اگر بخواهد از وی جدا شود، و صاحبان قبلی این کنیز با عایشه شرط کرده بودند که ولایت او با آنهاست، پیامبر فرمود: ولایت مال کسی است که او را آزاد کرده است. گوشتی را به او صدقه دادند و او آن را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم هدیه کرد، عایشه آن را در جایی آویخت و گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم صدقه نمی خورد، پیامبر آمد در حالی که آن گوشت آویزان بود، فرمود: چرا این گوشت پخته نشده؟ عایشه گفت: یا رسول اللَّه، آن را به بریره صدقه دادند و او هم به ما هدیه کرده و تو صدقه نمی خوری، فرمود: آن برای او صدقه و برای ما هدیه است، سپس دستور داد آن را بپزند و در او سه سنّت جاری شد. (3)

8. امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه آله و سلّم فرمود: صدقه برای ما اهل بیت حلال نیست. (4)

صحیفه الرضا علیه السلام: از ایشان همین حدیث روایت شده است. (5)

9. امالی طوسی: زید بن ارقم نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم در روز غدیر فرمود: صدقه برای من و برای اهل بیتم حلال نیست. (6)

1- . قرب الاسناد : 217

2- . الخصال 1 : 32
3- . الخصال 1 : 89
4- . عيون الاخبار 2 : 29
5- . صحيفه امام رضا عليه السلام : 25
6- . امالى طوسى 1 : 231

10. امالی طوسی: ابن ابی رافع نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم شخصی از بنی مخزوم را برای جمع آوری صدقه فرستاد. آن شخص به ابی رافع گفت: همراه من بیا تا مقداری از آن به تو برسد. او گفت: (اجازه بده) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم بیاید و از او بپرسم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. پس او از ایشان پرسید. پیامبر فرمود: خدمتکار و برده مردم از خود آنها است و صدقه نیز برای ما حلال نیست. (1)

11. تفسیر العیاشی: عیص بن قاسم از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: همانا مردمی از بنی هاشم نزد رسول خدا که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، آمدند و از او خواستند که آنان را به عنوان مسئول جمع آوری صدقات چهار پایان و شتران بگمارد. آنان گفتند: این سهمی که خدا برای مسئولین جمع آوری آن و مؤلّفه قلوبهم قرار داده است، ما به آن سزاوارتریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه برای من و شما جایز نیست، اما خدا مرا به شفاعت وعده داده است. - و سپس فرمود: من گواهی می دهم که او وعده داده است -

هرگاه حلقه درِ بهشت را به دست گیرم، فکر می کنید چه خواهم کرد، آیا غیر از شما را ترجیح خواهم داد؟

12. نوادر راوندی: موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش نقل میکند که علی علیه السلام فرمود: درباره بریره چهار قضیه وجود دارد. یکی از آنها این است که هنگامی که عایشه او را خریداری کرد، او در کوچه ها می گشت و گدایی می کرد و به خانه عایشه پناه می برد و نان و گوشت را به عنوان هدیه به عایشه می داد! رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به خانه وارد شد و خطاب به عایشه گفت: آیا در خانه چیزی هست که بخوریم؟ عایشه پاسخ داد: نه، مگر آنچه را بریره برای ما آورده است. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: همان را بیاور، زیرا آن برای بریره صدقه است و برای ما هدیه محسوب می گردد. پس آن را خورد. (2)

مؤلف: تمام داستان در باب ازدواج کنیزان آمده است.

1- . امالی طوسی 2 : 17
2- . نوادر راوندی : 54

13. نهج البلاغه: امیرالمومنین در یکی از خطبهها میفرماید: و از این حادثه شگفت آورتر اینکه شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت، معجونی که از آن تنفر داشتم، گویا آن را با آب دهان مار سمی، یا قی کرده آن مخلوط کردند، به او گفتم: هدیه است؟ یا زکات یا صدقه؟ که همه اینها بر ما اهل بیت پیامبر (ص) حرام است. تا آخر خطبه. (1)

14. دعائم الاسلام: از امیرالمومنین علی علیه السلام روایت شده است که ایشان به امام حسن علیه السلام درحالی که کودکی خردسال بود نگاه کرد و خرمایی از خرمای صدقه را گرفته و در دهانش گذاشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم خرما را از دهانش بیرون آورد درحالی که آب دهانش بر خرما بود، و آن را روی خرمای صدقه انداخت و فرمود: صدقه برای ما اهل بیت حلال نیست. (2)

از حسن بن علی علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم دست من را گرفت و همراه با او به راه افتادم و ما بر خرمایی تازه گذر کردیم و من در آن موقع کودکی خردسال بودم، پس سریعاً دویدم و خرما را گرفته و در دهانم گذاشتم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم شتاب کرد و انگشتش را در دهانم گذاشت و خرما را با آب (دهانم) بیرون آورد و آن را در (بقیه) خرما انداخت. این خرما از خرمای صدقه بود. سپس فرمودند: صدقه برای ما اهل بیت حلال نیست.

جعفر ابن محمد علیه السلام میگوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: صدقه برای من و اهل بیتم حلال نیست جراکه صدقه چرکهای (دست) مردم است. به امام صادق علیه السلام گفته شد: آیا زکاتی که مردم می پردازند از همین نوع است؟ فرمود: بله و خداوند در عوض آن، خمس را برای ما مقرر گردانیده است. به او گفتند: در صورتی که از خمس منع شدید آیا صدقه برای شما حلال میشود؟ فرمود: خیر، به خدا سوگند، چیزی که خداوند بر ما حرام کرده است، حلال نمیشود

1- . نهج البلاغه : خطبه 222
2- . دعائم الاسلام : 246

همچنین از ایشان نقل شده که فرمود: زکات واجب برای ما حلال نیست و برای من یکسان است که از زکات بخورم یا شراب بنوشم، همانا خداوند صدقههای مردم را بر ما حرام گردانید چه آن را بخوریم یا با آن کار کنیم، و صدقه برخی از ما به برخی دیگر را در صورتی که از زکات نباشد حلال کرده است. (1)

1- . دعائم الاسلام : 258 - 259

باب هشتم : چگونگی تقسیم زکات و آداب آن و حکم زکاتی که فرد ستمگر میگیرد و زمان پرداخت زکات و کمترین مقداری از آن که به فقیر می توان داد

آیات:

- توبه: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ. (1)

{از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن.}

1. امام صادق علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: در زکاتت آنچه را که عشار از تو میگیرد حساب کن و کمتر از آن، هر چه توانستی بپرداز. (2)

2. اسحاق بن عمار میگوید: امام صادق علیه السلام به من گفت: اسحاق! چون وقت زکات مالت فرا رسد آن را چگونه می پردازی؟ گفتم: مستحقّین آن خود به من مراجعه کرده به ایشان می پردازم، حضرت فرمود: تو را جز این نمی بینم که مؤمنین را خوار ساخته ای! زنهار زنهار که خداوند متعال می فرماید: کسی که دوست مرا خوار سازد با من به دشمنی برخاسته است. (3)

مجالس المفید: جعابی همین حدیث را روایت کرده است. (4)

1- . توبه / 103
2- . قرب الاسناد : 94
3- . امالی طوسی 1 : 198
4- . مجالس المفید : 113

3. معانی الاخبار: بشر بن بشار میگوید: به شخصی - مقصودش موسی بن جعفر علیه السلام بود - گفتم: چه مقدار از زکات به مومن داده میشود؟ فرمود: به مومن سه هزار داده میشود. سپس گفت: ده هزار، و به شخص فاجر مقدار ناچیزی داده میشود زیرا مومن مال زکات را در راه طاعت و بندگی خداوند خرج میکند اما فاجر آن را در معصیت خداوند هزینه میکند. (1)

4. احتجاج: ابن عتبه روایت کرده است که از جمله دلیل و برهانهایی که امام صادق علیه السلام در برابر عمرو ابن عبید و گروهی از معتزلیها ذکر کرد بدین صورت بود که به عمرو گفت: در مورد تقسیم زکات، چه می گویی؟ عمرو بن عبید، این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ»(2)، {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، اختصاص دارد.} و تا آخر آیه را تلاوت کرد. امام گفت: بلی. اما تو چگونه آن را تقسیم می کنی؟ عمرو بن عبید گفت: صدقات را به هشت بخش تقسیم می کنم و هر بخشی را به گروهی می دهم. امام فرمود: گرچه یک گروه آنان ده هزار تن شوند و یک گروه دیگر از یک تن و دو تن و یا سه تن تجاوز نکنند؟ تو برای این چند نفر معدود به اندازه آن ده هزار نفر، سهم برابر مقرر می کنی؟ عمرو بن عبید گفت: بلی. امام صادق فرمود: و حتما زکات شهریان را با زکات بادیه نشینان جمع می کنی و بین مستحقین شهری و مستحقین بیابانی به طور مساوی تقسیم می کنی؟ عمرو بن عبید گفت: بلی. امام صادق فرمود: تو از همه جهت با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به مخالفت برخاسته ای. رسول خدا زکات بادیه نشینان را میان مستحقین بادیه نشین تقسیم می کرد، و زکات شهریان را میان مستحقین شهری. رسول خدا سهام مستحقین را برابر نمی دانست بلکه به مقداری که از آنها حاضر می شد و مقداری که از آنان حاضر بود، مطابق صلاحدید خود، به هر گروهی مقداری عطا می کرد. و اگر در سخن من تردید داری، (بدان که) فقهای مدینه و مشایخ آنجا در اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این گونه عمل مینمود هیچ اختلافی با هم ندارند. (3)

1- . این حدیث در معانی الاخبار موجود نیست و آن را در علل الشرایع 2 : 60 میبینی.
2- . توبه / 60

3- . احتجاج : 196

5. علل الشرایع: ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: پدرم از هشام بن عبد الملک زمینی را به فلان و فلان هزار دینار خریده و شرط کردند که زکات ده سال آن مال را هشام بدهد و این شرط به خاطر آن صورت گرفت که هشام والی بود. (1)

6. المحاسن : ابن سنان روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: صدقه حیوانات پهن پا و سم دار به مسلمانان متجمل پرداخت میشود و صدقه طلا و نقره و هر آنچه زمین میرویاند (غلات) به فقرا داده شود. گفتم: چگونه حکم بدین صورت تشریع شده است؟ فرمود: آن افراد ظاهر آراسته دارند و از مردم شرم میکنند از این رو بهترین این دو نوع صدقه از نظر مردم را باید به آنها اختصاص داد و هر دو نوع آن جزء صدقه میباشد. (2)

7. المحاسن : ابی ولاد از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: به هیچ کسی کمتر از پنج درهم به عنوان زکات پرداخت نمیشود و این کمترین مقداری است که خداوند در زکات واجب کرده است. (3)

8. فقه الرضا: اولین اوقات پرداخت زکات پس از گذشت شش ماه از سال است برای کسی که میخواهد پرداخت زکات مالش را مقدم دارد و جایز نیست که در زکات، کمتر از نصف دینار پرداخت شود.

من از پدرم عالم اهل البیت در مقدم داشتن زکات و مؤخر داشتن آن به مدت چهار ماه و شش ماه روایت میکنم. لیکن مقصود این است که چون واجب شود، باید بدهی و تقدیم و تاخیر آن جایز نیست زیرا حق سبحانه و تعالی دستور به زکات را مقرون دستور به نماز کرده است و چنانکه مقدم داشتن و مؤخر داشتن نماز جایز نیست مگر به عنوان قضا، زکات نیز این چنین است، پس اگر دوست داشتی که پرداخت مقداری از زکات مالت را مقدم داری که مومنی را به وسیله آن از غم و مصیبت نجات دهی، آن را به عنوان قرض به او بده و زمانی که وقت زکات برسد، آن مالی را که به او دادی به عنوان زکات خود حساب کن و این مال به عنوان زکات

1- . علل الشرایع 2 : 63
2- . المحاسن : 304

3- . المحاسن : 319

مال تو به حساب میآید و ثواب قرض و زکات برای تو نوشته میشود. و اگر در نزد شخصی مالی داری و این شرایط برایت فراهم نشود که مال را از او بگیری، پس اگر خواهی آن را زکات حساب کن.

من از پدرم روایت میکنم که فرمود: نیکو چیزی است قرض دادن، اگر قرض گیرنده تمکن یابد آن را خواهد پرداخت و اگر پرداخت قرض برای او دشوار شود، به عنوان زکات مالت به حساب بیاور.

9. تفسیر عیاشی: حلبی از امام صادق علیه السلام روایت میکند که از او درباره این سخن خداوند: «وَإِن تُخْفُوها وَتُؤْتُوها الْفُقَرَاء فَهوَ خَیرٌ لَّکمْ»،(1) {اگر صدقه ها را آشکار کنید، این، کارِ خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است.} پرسیدم، فرمود: آن زکات نیست، بلکه آن صدقه ای است که شخص خودش می پردازد. زکات آشکارا است و نه پنهانی. (2)

10. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام نقل شده که فرمود: عیبی ندارد که پرداخت زکات را پیش از وقت لزوم آن، به اندازه یک ماه یا بیشتر - در هنگام ضرورت - مقدم بداری. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم، زکات عبّاس (عموی خود) را، در امری که به آن نیازمند بود، پیش از وقت آن گرفت. (3)

1- . بقره / 271
2- . تفسیر عیاشی 1 : 151
3- . دعائم الاسلام 1 : 259

آیات:

- توبه: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاَتَکَ سَکَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (1)

{از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی، و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست.}

1. امالی طوسی: عمرو بن شعیب از پدرش از جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: هر عهد و پیمانی که در زمان جاهلیت بوده است اسلام آن را تقویت کرد و عهد و پیمانی در اسلام نیست(2)، چرا که مسلمانان علیه غیر مسلمانان متحد هستند؛ به طوری که اگر دورترین آنان به غیر مسلمانان امان دهد، نزدیکترین مسلمان به بلاد کفر، آن امان را رعایت میکند. جنگجویان مسلمان، غنایم را با کسانی که در خانه نشستهاند تقسیم میکنند. انسان مؤمن به خاطر انسان کافر کشته نمیشود؛ چرا که دیه کافر نصف دیه مومن است وجلَب و جنَب در اسلام نیست(3) و صدقههای آنها فقط در خانههایشان گرفته میشود.

1- . توبه / 103
2- . در کتاب النهایه آمده است که : مراد از آن عقد و پیمانهایی است که در زمان جاهلیت برای فتنه و جنگ و غارت با هم میبستند و از این جهت در اسلام از آن نهی شده است و پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلم میفرماید: لا حلف فی الاسلام. (هیچ عهد و پیمانی در اسلام نیست)
3- . «جلب» در زکات این است که گیرنده صدقه در میان قوم نیاید، بلکه در مکانی نزدیک آنان مستقرّ شود و کسی را بفرستد تا صدقات را بگیرد و نزد او آورد. «جنب» در زکات، یعنی شخص در نقاط دوری از محلّ سکونت مردمی که صدقه می پردازند، اطراق کند، بعد دستور دهد اموال را نزد او ببرند، که این کار هم نهی شده است. برخی گفته اند این دو واژه به معنای نوعی نیرنگ در شرطبندی است. به معانی الأخبار ص 274 مراجعه کنید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم این حدیث را در خطبه روز جمعه ایراد کرد و فرمود: ای مردم... (1)

2. معانی الاخبار: قاسم ابن سلام به سندی که تا پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله رسیده است، گفت که: رسول اکرم صلی اللَّه علیه و آله به وائل بن حجر حضرمی و قبیله اش چنین نگاشت:

«نوشته ایست از محمّد، فرستاده خدا به سوی ملوک و زمامدارانی که همواره بر سریر حکومت برقرارند از اهالی حضر موت، که موظّفند به خواندن نماز، و دادن زکات، اوّلین نصاب گوسفند (چهل گوسفند) یک گوسفند، و گوسفندی که برای شیرش در خانه نگهداشته می شود از آن مالکش می باشد، و از معادن (که استخراج شود) یک پنجم ثابت است، و جایز نیست «خلاط» (مخلوط کردن چهارپایان) و «وراط» (فریفتن مصدّق با بدر کردن گوسفند از میان گوسفندان، پراکنده کردن گله را یا پنهان کردن مواشی خود، در میان مواشی دیگران یا مخفی کردن در کوه و صحرا، (تا صدقه گیرنده مطلع نشود) و نه «شناق» (گرفتن زکات چیزی از میان دو نصاب) و نه «ازدواج به مبادله» یعنی دو شخص، دختر یا خواهر یکدیگر را بدون مهریّه به همسری در آورند، و هر کس کِشت را قبل از رسیدن بفروشد، ربا خورده است، و هر نوع مست کننده ای حرام است».

ابو عبید گوید: «أقیال» پادشاهانی بودند در یمن، که مرتبه شان پائین تر از پادشاه بزرگ بود و به تک تک آنان «قیل» گفته می شد، که او مهتر و پادشاه قبیله خود بود. «عباهله» (ملوک حمیرند) که پیوسته بر اورنگ سلطنت تکیه دارند و هر بیکار و سر خود رهاشده ای را که از هر کاری که اراده اوست منع نشود، «معبهل» گویند و تأبط شرا گفته است:

تا وقتی که زنده هستم، هر وقت به دنبال من باشی

مرا با پیش رو گله و اشخاص بیکار و سرخود رها شده مییابی.

«مسترعل» گلهبان یا صاحب آن که همراه گله اسب و یا شتران آید، یعنی پیش رو گله، و «متعبهل» آن است که از کوچکترین چیزی منع نمی گردد. گفت

1- . امالی طوسی : 296

«راجز» دسته شتری را گوید که رها شده تا برود و آب بیاشامد و به حال خود رها است که به هر جایی برود:

شترها را رها کند هر طور میخواهد بر آبشخور وارد شود.

یعنی شترها رها شدند که هر طور بخواهند بر آبشخور وارد آیند. «تیعه» چهل رأس از گوسفند است، و «تیمه» گوسفندان زائد بر چهل رأس تا به نصاب دوم زکات را گویند. و گفته شده: گوسفند شیرده خانگی است که بیابان چر نیست و گوسفند خانگی است که جهت شیر و بره نگهداری می شود، و از ابراهیم در این مورد روایت شده که فرمود: ربائب زکات واجب نیست. أبو عبید می گوید: چه بسا صاحب آن نیاز به گوشتش پیدا می کند و آن را می کشد، و در آن هنگام گفته می شود: مرد ذبح کرد گوسفند شیرده را، و زن دوگانه زائید. حطیئه، خاندان لوی را چنین ستوده است:

آل لوی گوسفند خانگی شیرده خود را نمیکشند

بلکه مهمان نوازی را برای آن ضمانت میکنند.

می گوید: نیازی ندارد که گوسفند شیرده خانگی خود را بکشد. أبو عبید گوید: «سیوب» مال پنهان کرده در زمین است و به نظرم حتما از «سیب» که عطا و بخشش می باشد، اقتباس شده، و می گویی: «از بخششهای الهی و عطای اوست». امّا فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم «لا خلاط» و «لا وراط»، گفته شده: «خلاط» مخلوط شدن چهارپایان است، یعنی: هر گاه دو نفر گوسفند خود را با هم مخلوط کردند و مجموعا یک صد و بیست گوسفند شده که یکی از آنها مالک هشتاد رأس، و دیگری مالک چهل رأس می باشد، و هر گاه که گیرنده زکات آمد و دو گوسفند از آن گلّه گرفت، آنکه هشتاد رأس دارد به آنکه چهل رأس دارد، قیمت یک سوم گوسفند را بپردازد بنا بر این او یک گوسفند و یک سوم گوسفند پرداخته است و دیگری دو سوم گوسفند. و اگر گیرنده زکات از مجموع یک صد و بیست، یک گوسفند گرفت (مالک هشتاد رأس، یک سوم یک گوسفند را به مالک چهل رأس می پردازد، پس صاحب هشتاد رأس دو سوم یک گوسفند را پرداخته، و صاحب چهل رأس، یک سوم یک گوسفند) و این است آنچه در اسلام ممنوع شده،

می فرماید: که «لا خلاط». و «وراط» (فریفتن) است یعنی: چیز کم بها را در چیز گرانبها مخلوط نمودن و گول زدن مشتری است، و گفته اند: فرمایش آن حضرت «لا خلاط و لا وراط» همانند قول کسی است که گفته باشد: (جمع نمی گردد میان پراکنده شده و پراکندگی ایجاد نمی شود در میان جمع شده).

شیخ صدوق گوید: قول اخیر صحیح تر می باشد و معنی اوّل قابل اعتبار نیست.

و امّا فرموده اش «لا شناق» «شنق» فاصله بین دو نصاب از زکات شتر، فاصله پنج تا ده، و آنچه افزون بر ده است تا پانزده از شتر، می گوید: «از آن چیزی گرفته نمی شود» و فاصله تمامی نصابها این چنین است. اخطل در ستایش مردی گفته است:

مرد بزرگواری است که دیههای شتر به او تعلق میگیرد

زمانی که دیه صدها شتر در اطرافش را متحمل میشود.

و اما فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: «و لا شغار» یک زناشوئی تعویضی در زمان جاهلیّت بوده، بدین گونه که مردی به خواستگاری دختر و یا خواهر شخص دیگری می رفت و کابین او را بر این قرار می داد که دختر یا خواهر خود را نیز به او بدهد و مهریه ای جز این مهریه در کار نبود، که حضرت از آن نهی فرموده است. و فرموده اش این است: «و من أجبی فقد أربی» یعنی هر کس اجباء کند ربا داده است. «اجباء» فروختن زراعت است قبل از آنکه محصول آن آشکار گردد، و به ثمر نشیند. (1)

3. فقه الرضا علیه السلام: عاملی که گیرنده زکات است، آن موضعی را که گوسفند در آنجاست قصد میکند و ندا می کند که ای گروه مسلمانان! آیا برای خدا در اموال شما حقی هست؟ پس اگر بگویند: بلی، امر کند که گوسفند را بیرون آورند و آن را دو گروه کند و صاحب آن را مخیّر سازد که هر یک از این دو گروه را که می خواهد اختیار کند و گروه دیگر را عامل برمی دارد پس اگر صاحب آن دوست داشته باشد آنچه را عامل برداشته به او تعلق گیرد و آن چه او دارد عامل بردارد، می تواند، و اگر بعد از برداشتن، همان اول را نخواهد بردارد، این حق را ندارد. و

1- . معانى الاخبار : 275 - 277

عامل اجازه ندارد گوسفندان گردهم آمده را متفرق کند و نیز اجازه ندارد گوسفندان (چند کس) را گردهم آورد.

4. تفسیر عیاشی: از حسن ابن علی بن نعمان، از پدرش، از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده است روایت کرده است که ایشان فرمودند: همانا خدا، رسولش صلی الله علیه و آله و سلم را تعلیم کرد. پس فرمود: ای محمد! «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»،(1) {گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب.} فرمود: از آنان آن چه را ظاهر و آسان است بگیر و عفو (بخشش) حد میانه است. (2)

5. تفسیر عیاشی: از علی ابن حسان واسطی، از یکی از اصحابمان، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که گفت: از ایشان درباره این سخن خدای تبارک و تعالی: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا» (3) {از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی} سؤال کردم که آیا پس از رسول خدا که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، در باره امام نیز جریان دارد؟ فرمود: بلی. (4)

6. تفسیر عیاشی: از زراره، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: به ایشان عرض کردم: آیا این فرموده خدا: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا»، {از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی.} (آیا) همان فرموده او: «وَءَاتَوُا الزَّكَوَةَ»، {و زکات داده اند} است؟ گفت: فرمود: صدقه در گیاهان و حیوانات است و زکات در طلا و نقره و زکات روزه. (5)

7. دعائم الاسلام: جعفر ابن محمد از پدرانش از علی علیه السلام نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی کرد که مردمان را، به هنگام گرفتن زکات و صدقات سوگند دهند، و گفت: آنان در این باره مورد اعتمادند. یعنی هرکس انکار

1- . اعراف / 199
2- . تفسیر عیاشی 2 : 42
3- . توبه / 103

4- . تفسیر عیاشی 2 : 106
5- . تفسیر عیاشی 2 : 107

کند که مالی دارد که زکات در آن واجب است و در ظاهر نزد او مالی نباشد، سوگند داده نمیشود.

و نهی کرد از این که در یک سال دو بار از ایشان گرفته شود و در یک سال فقط یک بار از آنان گرفته میشود و نهی کرد که در گرفتن صدقات با مردمان درشتی کنند و به زور متوسل شوند، یا ایشان را بزنند یا سختگیری کنند، یا بیش از توانایی برایشان تحمیل کنند؛ و فرمان داد که گیرنده صدقات جز آنچه در دست ایشان است نگیرد، و در حق ایشان به عدالت رفتار کند و حقی را که برای آنها واجب است فرو نگذارد.

از امام علی علیه السلام نقل شده است که هنگامی که مخنف بن سلیم ازدی را برای تحصیل داری زکات روانه کرد، سفارش طولانی ای به او کرد و گفت که در کارهای پنهانی خود از پروردگار خویش پروا کند، و با مردمان با گشاده رویی و نرمخویی رو به رو شود. و به او فرمان داد که فروتنی پیشه کند، و از تکبر بپرهیزد، که خدا فروتنان را برمی آورد و متکبران را تنزل می دهد. سپس به او فرمود: ای محنف بن سلیم ! تو را در این صدقه بهره و حقی معین است، و شرکایی داری که عبارتند از بینوایان و مسکینان و بدهکاران و مجاهدان و در راه ماندگان و بردگان و دلجویی شدگان. ما حق تو را می دهیم، تو هم حق آنان را بده، در غیر این صورت مدعیان تو در روز بازپسین بسیار خواهند بود، و بدا به حال کسی که مدعیان او چنین کسان (بینوایان و ..) باشند.

و از ایشان نقل شده که فرمود: صدقههای بادیه نشینها از آبهای آنها گرفته میشود و از مکانهایی که در آنجا هستند به مکان دیگر رانده نمیشوند. فرمود: و هرگاه خشکسالی بود (جمع آوری صدقه آنها) به تاخیر میافتد تا در رفاه و نعمت قرار بگیرند. (1)

و از ایشان نقل شده که امر فرمودند صدقه از جنسش گرفته شود: صدقه شتر از شتر، گاو از گاو، گوسفند از گوسفند، گندم از گندم و خرما از خرما.

1- . دعائم الاسلام : 252

این موارد - و خداوند بر همه چیز داناتر است - زمانی است که صدقه دهندهها اهل طلای ریخته نشده و درههمهای ضرب خورده معاملاتی نباشند همان طور که در آن زمان این گونه بوده است. اما اگر دینار و درهم بیابند، قیمت آنچه که بر آنها واجب شده را میپردازند و اشکالی ندارد. و چه بسا این امر به صلاح خود آنان و دیگران باشد و در مطالبی که پیشتر ذکر شد، از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت کردیم که فرمود: اگر شخصی که زکات طلا بر او واجب است، معادل آن درهم (ضرب خورده) بپردازد و نیز ایرادی ندارد اگر کسی که زکات درهم (ضرب خورده) بر او واجب است، معادل آن، طلا زکات بدهد. این حکم همانند آن چیزی است که در مبحث اعطای زکات چهارپایان و دانهها ذکر کردیم و پس از این اعطای قیمت زکاتی را ذکر خواهیم کرد که که از عمر شتران بالاتر میرود.

و از آن حضرت نقل شده که امام فرمود: مردمان را بر پرداختن زکات وادار می کند، چراکه خدای متعال گفته است: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُم» {از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک سازی} و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: یک چهلم را به عنوان زکات بیاورید، از هر بیست مثقال نصف مثقال و از هر دویست درهم پنج درهم.

از جعفر ابن محمد از پدرش و از پدرانش و از علی صلوات الله علیهم روایت کردیم که فرمودند: در چهار شتر زکات واجب نیست و هرگاه به پنج شتر بیابان گرد برسد یک گوسفند در آن واجب می شود، پس از آن، در بیشتر از پنج شتر زکات نیست تا اینکه به ده شتر برسد و چون به ده شتر رسید، دو گوسفند تا پانزده شتر و چون به پانزده شتر رسید، سه گوسفند تا بیست شتر و چون به بیست شتر رسید، چهار گوسفند و هرگاه به بیست و پنج شتر رسید، یک بنت مخاض زکات واجب است. اگر بنت مخاض نداشته باشد یک ابن لبون تا به سی و پنج برسد و چون یک شتر بر سی و پنج شتر افزوده شود یک بنت لبون تا چهل و پنج، و چون به چهل و پنج برسد و یک شتر بر آن افزوده شد، یک حقّه که با نر آماده جفت گیری باشد تا شصت شتر و اگر یکی بر آن افزوده شود یک جذعه تعلق میگیرد تا هفتاد و پنج و اگر یکی بر آن افزوده شود دو بنت لبون زکات لازم میآید تا نود، و اگر یکی بر آن

افزوده شود، دو حقه ای که آماده جفت گیری با نر باشند لازم میآید تا صد و بیست، و هرگاه از این تعداد بیشتر شد در هر چهل شتر یک بنت لبون و در هر پنجاه شتر یک حقه تعلق میگیرد.

بنت مخاض شتری است که یک سال را تمام کرده و به سال دوم وارد شود گویی مادرش می تواند دوباره شتر دیگری حامله شود، و آن در مخاض است یعنی در حاملهها. و چون دو سال را تمام کرد و وارد سال سوم شد بنت لبون نامیده می شود، گویی مادرش بچه آورده و پستانهایش شیر دارد. وقتی وارد سال چهارم شد حقّه نامند، زیرا توانایی حمل بار و سواری را دارد و چون وارد سال پنجم شد جذعه نامیده می شود.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: اگرگیرنده زکات در شتر، سنّی را که در زکات واجب میگردد نیابد، شتری با سن بالاتر از آن را میگیرد و به صاحب شتر مازاد بین دو سن شتر را بر میگرداند یا شتری با سنی پایینتر از آن را میگیرد و صاحب شتر مازاد بین دو عمر شتر را به او بر میدهد.

و از ائمه صلوات الله علیهم نقل شده که فرمودند: در گاو زکات واجب نیست تا اینکه به سی گاو برسد و چون به سی گاو رسید و از گاوهای چراگاهی باشد و از گاوهای کار کن نباشد در آن تبیع یا تبیعه حولی واجب است و در غیر آن زکاتی نیست تا به چهل برسد، چون به چهل گاو رسید، در آن مسنّه است تا شصت گاو، پس اگر شصت تمام شود دو تبیع یا دو تبیعه واجب است، پس چون به هفتاد برسد یک مسنه و یک تبیع واجب است، پس چون به هشتاد رسد در آن دو مسنه است تا نود، و چون به نود رسید سه تبیع لازم میآید تا صد، چون به صد رسید یک مسنه و دو تبیع واجب میگردد تا صد و ده که در آن دو مسنه و یک تبیع تا صد و بیست، و چون به صد و بیست رسید سه مسنه واجب میگردد و سپس بدین ترتیب در هر سی گاو، یک تبیع یا یک تبیعه و در هر چهل گاو، یک مسنه و در اوقاص چیزی به عنوان زکات تعلق نمیگیرد، وقص، بین دو فریضه است. در شترها و گاوهای کاری (کارکن) زکات نیست و نیز در گوسفندهای خانگی که در خانهها تربیت میشود زکات تعلق نمیگیرد.

و از ایشان علیهم السلام نقل شده که فرمودند: در کمتر از چهل گوسفند زکات نیست، پس هرگاه به چهل گوسفند برسد و بچرد و یک سال بر آن بگذرد یک گوسفند واجب است، سپس در بیشتر از چهل گوسفند زکات نیست تا به صد و بیست برسد پس چون بر صد و بیست، یکی یا بیشتر اضافه شود، دو گوسفند واجب است تا اینکه به دویست برسد. پس اگر بر دویست یکی اضافه شود سه گوسفند واجب است تا به سیصد برسد، پس هرگاه گوسفند زیاد شود، در هر صد تا یکی است.

و هرگاه در شتر یا گاو یا گوسفند چیزی باشد که زکات در آن واجب است، آن (حد) نصاب است و پس از آن هرچه پیش آید با کوچک و بزرگ آن محاسبه می شود، و اگر نصابی موجود نباشد پس در فصیل (بچه شتری که از مادرش جدا شود) و در عجول (گوساله) و در حمل (بچه گوسفند) زکات لازم نمیآید تا اینکه یک سال بر آن بگذرد.

از ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که نهی کرد از اینکه در صدقه، گوسفندان پراکنده را گرد آورند یا اینکه گوسفندان یک شخص را متفرق کنند و این بدین صورت است که صاحبان چهارپایان، زمانی که گیرنده زکات نزد آنها می آید، چهارپایان خود را گردآورند تا او از هر صد گوسفند زکات بگیرد بلکه بر اساس هر تعداد (گوسفند) که نزد هر کدام از آن هست محاسبه میشود و آنچه بر او واجب است به صورت تکی (فردی) از او گرفته میشود، زیرا اگر سه نفر میبودند و هر کدام از آنها چهل گوسفند داشته باشند و گوسفندانشان را با هم گردآورند، بر گیرنده زکات واجب است که فقط یک گوسفند از آنان بگیرد و اگر گوسفندان هر کس جداگانه نزد خودش باشد، سه گوسفند در آن لازم میآید، یعنی برای هر کدام از آنها یک گوسفند. و متفرق کردن گوسفندان گردآمده به این صورت میباشد که شخصی چهل گوسفند داشته باشد و زمانی که گیرنده زکات نزد او می رود گوسفندانش را به دو گروه تقسیم میکند تا زکات در آن واجب نشود.

این مواردی است که صاحبان اموال در آن ظلم پیشه میکنند و اما ظلم زکات گیرنده بدین صورت است که مال دو نفر را که بر مال هر کدام از آنها زکات واجب

نمیشود، گردآورد، گویی که هر کدام از آنها بیست گوسفند داشته باشند که در آن چیزی به عنوان زکات تعلق نمیگیرد؛ پس اگر گوسفندان آن دو را با هم گرد آورد یک گوسفند واجب می شود و بر همین منوال، مال شخصی که صد و بیست گوسفند دارد و یک گوسفند زکات در آن واجب است را به صورت (دستههای) چهل تایی متفرق میکند تا سه گوسفند از مال او بگیرد. پس برای صاحبان اموال و زکات گیرنده ها نه واجب و نه شایسته است که گوسفندان گردآمده را متفرق کنند و گوسفندان پراکنده را گردآورند. (1)

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده است که فرمود: شرکاء اگر چهارپایانشان را با هم گردآورند و چوپان یکی باشد و حیوان نر یکی باشد، اموال آنها برای صدقه یک جا حساب نمی شود و از مال هر کدام، چیزی که لازم است گرفته میشود. اگر دو شریک باشند، صدقه از همه مال گرفته میشود و بر حساب سرمایه هر کدام از آن دو، سهم تعیین میشود.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: شتر پیر و عیب دار و بز نر برای زکات گرفته نمیشود.

از جعفر ابن محمد علیه السلام نقل شده که فرمود: گیرنده زکات، گوسفند گوشتی چاق و الربّی یعنی گوسفند شیردهی که معاش صاحبش باشد و گوسفند آبستن و گوسفند نری که برای جفتگیری است و گوسفند عیب دار و حَمَل (برّه) و فصیل (بچه شتری که از مادرش جدا شود) و عجول (گوساله) را به عنوان صدقه نمیگیرد و بدترین و بهترین آنها را نیز نباید بگیرد.

از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: گوسفندان به سه دسته تقسیم میشود، پس صاحب گوسفندان یک سوم را اختیار میکند و کارگزار زکات از دو سوم دیگر اختیار میکند. از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم روایت شده که از صدقه اسب و استر و الاغ و برده نهی کرده است.

از جعفر ابن محمد علیه السلام نقل شده که فرمود: زکات در شتر و گاو و گوسفند سائمه یعنی چرنده زکات تعلق میگیرد و در غیر این سه دسته حیوان

1- . دعائم الاسلام : 254 - 255

چیزی نیست. از علی علیه السلام روایت شده که دستور داد از عرب های نصرانی دو برابر گرفته شود. (1)

8. نهج البلاغه: از جمله سفارشهای علی علیه السلام که به ماموران جمع آوری زکات مینوشت. ما بخشی از این وصیت را آوردیم تا معلوم شود که امام ارکان حق را به پا می داشت و نمادهای عقل را در کارهای کوچک یا بزرگ، با ارزش یا بی مقدار، به کار می بست.

«با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن و مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر، و افزون تر از حقوق الهی در مالش از او مگیر. هر گاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی، و وارد خانه های آنان مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن، تا در میانشان قرار گیری، به آنها سلام کن، و در سلام و تعارف کوتاهی نکن.»

سپس می گویی: «ای بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقّی برای خداوند است که به نماینده او بپردازید؟» اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه نکن، و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آن که او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی یا او را خسته کنی، هر چه از طلا و نقره به تو داد، بگیر.

و اگر دارای دام یا شتر بود، بدون اجازه اش داخل مشو، که اکثر اموال از آن اوست. آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه گر و خشن رفتار نکن، حیوانی را رم مده و هراسان مکن، و دامدار را مرنجان، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و به صاحبش اجازه ده که خود انتخاب کند، پس از انتخاب از او رو برمگردان، سپس باقی مانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر، به همین گونه رفتار کن تا باقی مانده، حق خداوند باشد. پس حق خداوند را بگیر و اگر دامدار از این تقسیم و انتخاب ناراضی بود، و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را درهم کن، و به دو

1- . دعائم الاسلام : 256 - 257

دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار، تا حق خدا را از آن برگیری. و در تحویل گرفتن حیوانات، حیوان پیر و دست و پا شکسته، بیمار و معیوب و لاغر را به عنوان زکات نپذیر.

و به فردی که اطمینان نداری، و نسبت به اموال مسلمین دلسوز نیست، مسپار، تا آن را به پیشوای مسلمین برساند و او در میان آنها تقسیم گرداند. و کسی را به کار بگمار که خیر خواه و مهربان، امین و حافظ، که نه خشن و نه سختگیر باشد. نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، سپس آنچه از بیت المال جمع آوری شد برای ما بفرست، تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هر گاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا: «بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند، و شیر آن را ندوشد تا به بچّه اش زیانی وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند، و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد، و از جاده هایی که دو طرف آن علف زار است به جادّه بی علف نکشاند، و هر چند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند، و هر گاه به آب و علفزار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند» تا آنگاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سر حال، نه خسته و کوفته، که آنها را بر أساس رهنمود قرآن، و سنّت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تقسیم نماییم. عمل به دستورات یاد شده مایه بزرگی پاداش و رشد و کمال تو خواهد شد. ان شاء اللّه.» (1)

کتاب الغارات: جعفر ابن محمد گوید: علی علیه السلام کارگزار مالیاتی را از کوفه به بیابانهای آن فرستاد. پس گفت: ای بنده خدا! بر توست که پروای خدا را داشته باشی و حدیث را به صورتی که گذشت با کمترین تغییر بیان کرد.

9. نهج البلاغه: در نامه ای به یکی از ماموران مالیات که او را برای گردآوری زکات فرستاده بود: «او را به ترس از خدا در اسرار پنهانی، و اعمال مخفی سفارش می کنم، آنجا که هیچ گواهی غیر از او، و نماینده ای جز خدا نیست، و سفارش می کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت و در خلوت نافرمانی کند، و هر کس، آشکار و

1- . نهج البلاغه : نامه 25

پنهانش، و گفتار و کردارش در تضاد نباشد، امانت الهی را پرداخته، و عبادت را خالصانه انجام دهد. و به او سفارش می کنم با مردم تند خو نباشد، و به آنها دروغ نگوید، و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی اعتنایی نکند، چه اینکه مردم برادران دینی، و یاری دهندگان در جمع آوری حقوق الهی می باشند.»

و به او فرمود: «برای تو در این زکاتی که جمع می کنی سهمی معیّن، و حقّی روشن است، و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری، همان گونه که ما حق تو را کامل می دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق کامل آنان وفادار باشی، اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری، و وای بر کسی که در پیشگاه خدا، فقرا و مساکین، و درخواست کنندگان و آنان که از حقّشان محرومند، و بدهکاران و ورشکستگان و در راه ماندگان، دشمن او باشند و از او شکایت کنند. کسی که امانت الهی را خوار شمارد، و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته، و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و او در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود، و همانا بزرگ ترین خیانت، خیانت به ملّت، و رسواترین دغلکاری، دغلبازی با امامان است، با درود.» (1)

مؤلف: شرح این دو خبر در کتاب فتنهها (الفتن و المحن) گذشت.

1- . نهج البلاغه : نامه 24

آیات:

- وَآتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (1)

{و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و [لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.}

- وَفِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (2)

{و همانان که در اموالشان حقّی معلوم است، برای سائل و محروم.}

- إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَلَا يَسْتَثْنُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ * فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ * فَتَنَادَوا مُصْبِحِينَ * أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ * فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ * أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ *وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ * فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ * بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ * قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ * قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ * عَسَى رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ * كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (3)

{ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم، آن گاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند. و [لی] «ان شاء اللّه» نگفتند. پس در حالی که آنان غنوده بودند، بلایی از جانب

1- . انعام / 141
2- . ذاریات / 141
3- . قلم / 17 - 33

پروردگارت بر آن [باغ] به گردش درآمد. و [باغ،] آفت زده [و زمین بایر] گردید. پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند، که: «اگر میوه می چینید، بامدادان به سوی کشت خویش روید.» پس به راه افتادند و آهسته به هم می گفتند «که: امروز نباید در باغ بینوایی بر شما درآید.» و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع [بینوایان] توانا می دیدند، رفتند.و چون [باغ] را دیدند، گفتند: «قطعاً ما راه گم کرده ایم. [نه!] بلکه ما محروميم.» خردمندترینشان گفت: «آیا به شما نگفتم: چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟» گفتند: «پروردگارا، تو را به پاکی می ستاییم، ما واقعاً ستمگر بودیم.» پس بعضی شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند. گفتند: «ای وای بر ما که سرکش بوده ایم! امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد، زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم. عذاب [دنیا] چنین است، و عذاب آخرت، اگر می دانستند قطعاً بزرگتر خواهد بود.}

- وَالَّذِينَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (1)

{و در اموالشان برای سائل و محروم حقّی معلوم بود.}

روایات:

1. مجالس الشیخ: معمر بن یحیی از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: خداوند از بنده پس از نماز واجب از نمازی دیگر و پس از زکات از صدقه ای دیگر و پس از روزه رمضان از روزه ای دیگر سؤال نمیکند. (2)

2. تقریب المعارف: سعد الساعدی میگوید: ابوذر در نزد عثمان نشسته بود و من نیز در کنار او نشسته بودم که عثمان گفت: نظرتان چیست (چگونه میبینید) اگر کسی زکات مالش را بدهد، آیا غیر از آن در مالش حقی را باید بپردازد؟ کعب گفت: خیر، پس ابوذر با عصا بر سینه کعب ضربه ای زد، سپس گفت: ای پسر یهودی! آیا تو کتاب خدا را با رأی خود تفسیر میکنی «لَّيْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ»،(3) {نیکوکاری آن نیست که

1- . معارج / 24 - 25
2- . امالی طوسی
3- . بقره / 177

روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و ایمان آورد} - تا این سخن خداوند «وَآتَی الْمَالَ عَلَی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینَ»، {و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان بدهد.} سپس گفت: آیا نمی بینی که در مال شخص نمازگزار پس از پرداخت زکات حقی هست!؟ ادامه روایت.

3. تفسیر قمی: وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ،(1) {و

حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید.}گفت: «یَوْمَ حَصَادِهِ» به این صورت نازل شد. گفت: خدا در روز و وقت درو، از هر زمینی مشتی از محصولات را برای فقرا و بیچارگان واجب کرد و همچنین از میوه چینی درخت خرما و در خرمای (چیده شده) و همچنین هنگام بذر پاشیدن. (2)

4. تفسیر قمی: عقرقوفی گفته است: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» سؤال کردم و ایشان فرمودند: مقداری از خوشه باقی مانده بر زمینی که برداشت شده است و مشتی از خرمایی که مقدار آن پیش بینی شده است. گفت: از ایشان پرسیدم، پس از بردن به خانه، آیا می شود آن را به مساکین داد؟ فرمودند: خیر، سخاوتمندتر آن است که قبل از این که به خانه اش ببرد، آن را بدهد.

سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از وی سؤال شد: اگر فقرا در هنگام درو حاضر نباشند، چه کار کند؟ فرمود: چیزی بر او نیست. (3)

5. تفسیر قمی: سماعه نقل میکند که از ایشان در باره این سخن خداوند «وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»،(4) {و وام نیکو به خدا دهید} پرسیدم. فرمود: آن چیزی غیر از زکات است.

6. بزنطی میگوید از امام رضا علیه السلام از وی در باره این فرموده خدای عز و جل: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلاَ تُسْرِفُواْ» پرسیدم که چه چیزی اسراف است؟

1- . انعام / 141
2- . تفسیر قمی : 206
3- . تفسیر قمی : 206
4- . مزمل / 20

فرمودند: آنان که پیش از شما بودند، این گونه قرائت می کردند؟ عرض کردم: چگونه؟ فرمودند: دهان را در هنگام تلفظ (حرف) حاء باز کن - عرض کردم: حَصَادِه - و فرمود: پدرم میفرمود: از مصادیق اسراف در هنگام درو و میوه چینی، این است که انسان با هر دو مشتش صدقه دهد و پدرم هر گاه در صحنه های درو حاضر می شد و می دید که یکی از غلامانش با هر دو مشتش صدقه می دهد، با صدای بلند به او می فرمود: با یک دست بده؛ مشتی پس از مشتی و دسته ای پس از دسته ای از خوشه ها. شماها آن را اندر (خرمن) می نامید. (1)

7. علل الشرایع: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: در شب میوه چینی نکن و در شب درو نکن. و گفت: هرگاه آن را درو کردی، دو مشت پس از دو مشت و یک مشت پس از مشتی دیگر می دهی. و همچنین هنگام رسیدن ثمره ها و میوه ها و همچنین هنگام بذر پاشیدن و در شب بذر نپاش؛ زیرا که از بذر، همان مقداری را می دهی که از درو می دهی.(2)

8. معانی الاخبار: قاسم بن سلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم روایت میکند که ایشان از ثمره چینی در شب، یعنی خرما چینی و میوه چینی نهی کرده زیرا در شب بینوایان نزد او حضور ندارند. (3)

9. ابوبصیر گوید: این سخن خداوند «الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِیَةً»، {کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می کنند} را به امام صادق علیه السلام گفتم: فرمود: این آیه درباره زکات نمیباشد.(4)

10. امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که در مورد این سخن خداوند «وَفِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»،(5)

{و همانان که در اموالشان حقّی معلوم است، برای سائل و محروم.} سؤال کردم این حق معلوم چیست؟ فرمود: آن

1- . قرب الاسناد : 216
2- . علل الشرایع 2 : 64

3- . معانی الاخبار : 281
4- . تفسیر عیاشی 1 : 151
5- . ذاریات /19

چیزی که شخص از مالش پرداخت میکند از جمله زکات نیست، پس برای نوائب (مصائب) و صله رحم است. (1)

11. تفسیر عیاشی: عیاشی از حسن بن علی، از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که گفت: از ایشان در باره این سخن خدای عز و جل: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ»، {و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید} سؤال کردم. فرمودند: یک چنگ و دو چنگ که به فقرای حاضر می دهی و فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از درو کردن در هنگام شب نهی کرد. (2)

12. تفسیر عیاشی: از هاشم بن مُثَنَّی نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این فرموده خدای تبارک و تعالی: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» یعنی چه؟ فرمودند: به هر که در هنگام درو کردن حاضر باشد بده، چه مشرک باشد چه غیر مشرک. (3)

13. تفسیر عیاشی: از عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که گفت: از ایشان در باره این سخن خدای عز و جل: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» پرسیدم. فرمودند: به مسلمانان حاضر هنگام درو بده، و اگر کسی حاضر نبود مگر یک فرد مشرک، به او نیز بده. (4)

14. تفسیر عیاشی: از معاویه بن مَیسَره نقل شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می گوید: در کشت، دو حق است: حقی که بر تو واجب است و حقی که می دهی؛ اما (حقی که) بر تو واجب است، یک دهم و نصف یک دهم است، و اما حقی را که می دهی، همان است که خداوند در مورد آن میفرماید: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ»، مشتی از آن می دهی و سپس مشتی دیگر تا این که (درو) تمام شود.

و در روایت عبدالله بن سنان، از وی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: از آن به فقرا و بیچارگانی که حاضر باشند می دهی، حتی اگر غیرمشرک حاضر نباشد.(5)

1- . تفسیر عیاشی 1 : 30
2- . تفسیر عیاشی 1 : 377

3- . تفسیر عیاشی 1 : 377
4- . تفسیر عیاشی 1 : 377
5- . تفسیر عیاشی 1 : 378

15. تفسیر عیاشی: از زراره و حمران بن اعین و محمد بن مسلم، از امام صادق و امام باقر علیهما السلام روایت کرده است که در باره گفته خدای عز و جل: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ»، فرمودند: چنگی از آن می دهی و از خوشه های گندم مشتی پس از مشتی دیگر می دهی. (1)

16. تفسیر عیاشی: از زراره و محمد بن مسلم و ابو بصیر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ»، فرمودند: این حقی است که با صدقه فرق می کند و از آن به بیچارگان، مشتی پس از مشتی می دهی و از محصولات چیده شده، مشت مشت می دهی تا این که تمام شود و برای شخص چیننده، دستمزدی مشخص پرداخت می کنی و خرمای بی ارزش و نامرغوب رها می شود و چیده نمی شود و آن چه از خوشه ها یکی دو تا سه تا خوشه خرما یا انگور که بر روی دیوار می ماند، برای نگهبان به عنوان دستمزد مراقبت و محافظتی که انجام داده است، گذاشته می شود. (2)

17. تفسیر عیاشی: از محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام، روایت شده است که فرمودند: درو کردن و چیدن را نمی شود در هنگام شب انجام داد، زیرا که خدا می فرماید: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ» فرمودند: فلانی فرزند فلان انصاری - از وی نام برده است - کشت داشت و در هنگام چیدن محصول، همه آن را به عنوان صدقه می داد و خود و خانواده اش بی بهره می ماندند. خدا این کار او را اسراف خوانده است. (3)

18. تفسیر عیاشی: از احمد بن محمد، از امام رضا علیه السلام در باره اسراف در درو کردن و چیدن روایت شده است که فرمودند: مرد اگر با هر دو مشت خود صدقه دهد اسراف کرده است و هر گاه پدرم در صحنه درو حاضر می شد و یکی از پسرانش را میدید که با هر دو مشت خود صدقه می دهد، با صدای بلند به او می گفت: با یک دست، مشت مشت و چنگی پس از چنگی از خوشه ها را بده.(4)

1- . تفسیر عیاشی 1 : 378
2- . تفسیر عیاشی 1 : 378

3- . تفسیر عیاشی 1 : 379
4- . تفسیر عیاشی 1 : 379

19. تفسیر عیاشی: سماعه، از امام صادق علیه السلام در باره این فرموده حق تعالی روایت کرده است که: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» فرمود: حق او روز درو بر تو واجب است و آن از زکات نیست. مشتی پس از مشتی و چنگی پس از چنگی از خوشه ها به سائلان کمک می کنی. محصول در شب درو نمی شود و همچنین میوه و خرما در شب یده نمی شود. همانا خدای عز وجل می فرماید: «یَوْمَ حَصَادِهِ»، پس اگر در شب درو کنی، هیچ کسی حاضر نخواهد بود تا درخواست کمک کند و همچنین در شب قربانی نمی شود.(1)

20. تفسیر عیاشی: از سَماعه، از امام صادق علیه السلام، از پدرش، از پیامبر اکرم که سلام و درود خدا بر ایشان باد، روایت شده است که وی از چیدن خرما در شب و درو کردن کشت در شب کراهت داشتند، زیرا که خدا می فرماید: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» گفتند: ای پیامبر خدا! چه حقی بر آن واجب است؟ فرمودند: مقداری از آن را به بیچاره و درخواست کننده کمک بده. (2)

21. تفسیر عیاشی: از جراح مداینی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در باره این سخن خدای عز و جل: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» فرمودند: مقداری از آن را به بیچارگانی که نزد تو حاضرند، می دهی. با دستت مشت مشت می دهی تا این که تمام شود. (3)

22. تفسیر عیاشی: از محمد ابن مسلم، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: درو کردن و چینش را نمی شود در شب انجام داد، چرا که خدا میفرماید: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ»، و حقی که بر آن محصول واجب است، مقداری از خوشه های حبوبات است. (4)

23. تفسیر عیاشی: از محمد حلبی، از امام صادق، از امام باقر، از علی ابن الحسین صلوات الله علیهم اجمعین روایت شده است که به قهرمان خود (مسئول مالی) فرمودند (پس از این که به وی خبر رسید که او چیدن خرما را از آخر شب

1- . تفسیر عیاشی 1 : 379
2- . تفسیر عیاشی 1 : 379

3- . تفسیر عیاشی 1 : 380
4- . تفسیر عیاشی 1 : 380

شروع کرده است): این کار را نکن، مگر نمی دانی که رسول خدا صل صلی الله علیه و آله و سلم از درو کردن و چیدن در شب نهی کرده است؟ و می فرمودند: به درخواست کننده از انباشته های خوشه ها را می دهی و این حق وی در روزِ درو کردن است. (1)

24. تفسیر عیاشی: از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در باره این سخن خدای عز و جل: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» پرسیدم، فرمودند: با دستت خوشه ها را برمی داری و میدهی و خدا آن را حق نامیده است. - گفت:- گفتم: و حق آن در روز درو کردن چیست؟ فرمودند: خوشه هایی را به اهل خاصه (شیعه) که نزد تو حاضر هستند، می دهی. (2)

25. تفسیر عیاشی: از حلبی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: از ایشان در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ»، پرسیدم که چگونه این حق داده می شود؟ فرمودند: با دستت قبضه ای از خوشه ها را می گیری و به اشخاص بیچاره یکی پس از دیگری می دهی تا این که (برداشت محصول) تمام شود و در هنگام بریدن و جمع کردن و چیدن، مشت مشت می دهی تا این که تمام می شود. (3)

26. تفسیر عیاشی: از ابو جارود زیاد بن مُنذر نقل شده است که گفت: امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» و فرمودند: قبضه ای از خوشه ها را از جاهای مختلف یکی پس از دیگری جمع آوری می کنی و به اشخاص بیچاره می دهی. (4)

27. الهدایه: خدای تبارک و تعالی میفرماید: «وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» و آن این گونه است که با دستت قبضه ای از خوشه ها را یکی پس از دیگری می گیری و به اشخاص بیچاره یکی پس از دیگری می دهی تا این که (برداشت محصول) تمام

1- . تفسیر عیاشی 1 : 380
2- . تفسیر عیاشی 1 : 380
3- . تفسیر عیاشی 1 : 380
4- . تفسیر عیاشی 1 : 380

شود همچنین بذر پاشیدن و چیدن خرما و نیز بدین گونه است و برداشت محصول و چیدن خرما و بذرپاشیدن در شب جایز نیست زیرا بینوایان حضور ندارند.

از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عزّ و جلّ «وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (1) {و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و [لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.} سؤال شد. فرمود: اسراف این است که با هر دو مشت به فقیر بدهد.

و از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عزّ و جلّ «وَفِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ معلوم»(2) {و همانان که در اموالشان حقّی معلوم است.} سؤال شد. ایشان فرمود: این چیزی جدا از زکات است، و باید هر کس پرداخت آن را به صورت روزانه یا هفتگی یا ماهانه یا سالانه برای خویش مقرّر دارد.

و از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (3) {و از [دادن] زکات [و وسایل و ما یحتاج خانه] خودداری می ورزند.} سؤال شد. فرمود: قرض را به کسی میدهی، کار نیک در حق کسی انجام میدهی و متاع خانه را به کسی عاریت میدهی.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده است: از قرض دادن خمیر و نان خودداری نکنید، چراکه ندادن آن فقر میآورد.

28. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده است که در مورد این سخن خدای عزّ و جلّ «وَآتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» فرمود: حق واجب آن از زکات است و انباشته خوشهها و مشت مشت به بینوا داده میشود و این کار به صورت داوطلبانه انجام میگیرد و حق واجبی نیست که به مانند، زکات خداوند عزّ و جلّ آن را واجب کرده باشد. (4)

جعفر ابن محمد از پدرش از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم نقل میکند که فرمودند: زکات آنچه از بارش آسمان و نهرها سیراب می شود، ده یک

1- . انعام / 141
2- 2. معارج / 24
3- . ماعون / 7
4- . دعائم الاسلام : 264

است. این حدیثی است که خاصه و عامّه صدور آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم تأیید کرده اند، و در آن با آشکارترین بیان گفته شده است که هر چه از زمین بروید زکات دارد، چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم هیچ چیز را از این جمله استثنا نکرده است. ما (شیعه) این حدیث را از اهل بیت علیهم السلام از طرق گوناگون، و به اسناد عامّه (هل سنّت) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از طرق فراوان روایت کرده ایم.

و از جعفر بن محمد علیه السلام روایت کرده ایم که از ایشان درباره کنجد و برنج و دیگر دانه ها سؤال شد که آیا زکات آن داده میشود؟ فرمود: بله، همانند گندم و خرما.

قاسم بن ابراهیم علوی تقل میکند که از ایشان درباره برنج، عدس، نخود، باقلا و دانههای شبیه اینها و انجیر و زیتون و میوه سؤال شد که آیا زکات به آنها تعلق میگیرد؟ فرمود: هر دانه ای که از زمین روییده شود، بنا بر این گفته خداوند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ»، (1) {از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن. } زکات به آن تعلق میگیرد.

و از علی علیه السلام روایت کرده ایم که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در میان ما برخاست سپس فرمود: زکات آنچه از بارش آسمان و یا آب جاری سیراب میشود یک ده است، و و زکات آنچه با دلو آبیاری شود نصف یک دهم است.

پس این سخن او «و ما سقت السماء» یعنی با باران و «سیح»: آب جاری رودخانهها و «الغرب» به معنای دلو است.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: زکات آنچه از بارش آسمان و سیح سیراب می شود، ده یک است و آنچه با دلو یا دالیه آبیاری شود نصف یک دهم است. سیح: آب جاری در روی زمین است. این کلمه از سیاحه (روان شدن آب بر

1- . توبه / 103

روی زمین) گرفته شده است. و «دالیه»: چرخ چاهی است آسیاب دار که بر آن دلوهای کوچک یا کوزههایی میچرخد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سنتی را بر جای نهاد که زکات آنچه از بارش آسمان و یا با «سیل» و یا «غیل» و «بعل» سیراب میشود، یک ده است و آنچه با نواضح آبیاری میشود نصف یک دهم (یک بیستم) میباشد.

سخن ایشان: «فیما سقت» یعنی با باران و «سیل»: آنچه از باران که در دشتهای جریان مییابد، و «غیل»: رودخانه جاری است، و «بعل» (زمین دیم): چیزی است که با ریشههایش از آب زمین مینوشد. و «نواضخ» (ناضخه): ماده شتری است که با آن از چاه آب بکشند.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت شده که در عسل یک دهم زکات را واجب کرده است. (1)

1- . دعائم الاسلام : 265 - 266

1. تفسیر قمی: سعید ابن جبیر از ابن عباس، برای من نقل کرده است: به وی گفته شد: گروهی از این امت مدّعی هستند که بنده ای که گناهی مرتکب می شود، از رزق و روزی محروم می شود، آیا این گونه است؟ ابن عباس گفت: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، در قرآن، این امر از آفتاب نیم روز واضح تر است، و خداوند آن را در سوره «ن وَالْقَلَمِ» ذکر نمود، که پیرمردی دارای باغ هایی بود، که هیچ محصول از آن باغ ها وارد منزلش نمی شد، مگر آن که حق هر صاحب حقی را می داد و هنگامی که آن پیرمرد از دنیا رفت، پسرانش وارث او شدند. او دارای پنج پسر بود. در آن سالی که پدرشان از دنیا رفت، باغ های آنها محصولی که قبلا نداده بود، داد. آنها بعد از نماز عصر به باغ های خویش رفتند و به آن همه محصول نگاه کردند که در روزگار پدرشان نظیر آن را ندیده بودند.

بنابراین هنگامی که آن همه محصول را دیدند طغیان و سرکشی کردند و به همدیگر گفتند: پدر ما پیر مرد سالخورده ای بود که عقل خویش را از دست داده بود. پس بیایید پیمان ببندیم که امسال چیزی از محصول خویش را به هیچ یک از مسلمانان فقیر ندهیم تا این که پولدار شویم و مال ما زیاد شود. آن گاه، همان روش پدر را در سال های آینده در پیش می گیریم. چهار نفر از آنان این پیشنهاد را پذیرفتند، ولی یکی از آنان قبول نکرد و عصبانی شد، و این همان کسی است که خداوند عزّ و جلّ می فرماید: «قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ»،(1) {خردمندترینشان گفت: «آیا به شما نگفتم: چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟». }

1- . قلم / 28

آن مرد گفت: ای ابن عباس! از نظر سِنّی، در میانه آنها بود؟ گفت: خیر، بلکه از نظر سِنّی از همه آنها کوچک تر بود، ولی از نظر عقلی از همه آنها بزرگ تر. میانه قوم، بهترین آنهاست، و دلیل بر آن، سخن خداوند عزّ و جلّ در قرآن که شما، ای امت محمد صلی الله علیه و آله! کوچک ترین امت ها هستید، ولی در عین حال بهترین آنها هستید «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»، (1)

{و بدین گونه شما را امّتی میانه قرار دادیم.}

پس برادرشان به آنها گفت: تقوای خدا پیشه کنید، و به همان راه و روش پدرتان عمل کنید، سلامت خواهید ماند و سود خواهید برد، ولی آنان به وی حمله کردند و به شدت به وی آسیب رساندند و وقتی برادرشان فهمید که قصد جان وی را دارند، از روی اجبار شریک آنها در آن کار شد.

به خانه خویش رفتند و سوگند یاد کردند که صبحگاهان میوه آن بچینند بدون آن که به خواست و اراده خداوند توجه داشته باشند. بنابراین خداوند سزای آن گناهاشان را به آنها داد و آن محصول را که در شُرُف برداشت آن بودند، از دست ایشان ربود و داستان آنان را در قرآن ذکر کرد: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ* وَلَا يَسْتَثْنُونَ* فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ* فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ»،(2) {ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم، آن گاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند. و [لی] «ان شاء اللّه» نگفتند. پس در حالی که آنان غنوده بودند، بلایی از جانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش درآمد. و [باغ،] آفت زده [و زمین بایر] گردید.} می گوید: مانند چیزی سوخته شده باشد.

آن مرد گفت: ای ابن عباس! «صَریم» چیست؟ پاسخ داد: شب ظلمانی، شبی که هیچ اثری از نور در آن نباشد. بنابراین هنگامی که صبح شد: «فَتَنَادَوا مُصْبِحِينَ* أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ»،(3) {پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند، که: «اگر میوه می چینید، بامدادان به سوی کشت خویش روید.»} ابن

1- . بقره / 143

2- . قلم / 17 - 20
3- . قلم / 21 - 22

عباس ادامه داد: «فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ»،(1) {پس به راه افتادند و آهسته به هم می گفتند.} آن مرد گفت: ای ابن عباس! «تخافت» چیست؟ پاسخ داد: به آرامی با همدیگر صحبت می کردند تا این که شخص دیگری صحبت های آنان را نشنود. و گفتند: «لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ* وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ»، (2) {«که: امروز نباید در باغ بینوایی بر شما درآید.» و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع [بینوایان] توانا می دیدند، رفتند.} و به گمان خویش می روند که محصول آن را برچینند و از بلا و عذاب الهی که بر آنها نازل گشته بود، اطلاعی نداشتند.

زمانی که آن را دیدند و آن بلایی که بر باغ های آنها نازل شده بود را مشاهده کردند «قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ* بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ»،(3) {گفتند: «قطعاً ما راه گم کرده ایم.

[نه!] بلکه ما محرومیم.»} بنابراین خداوند به خاطر آن گناهی که مرتکب شدند، آنها را از آن رزق و روزی محروم کرد، و در واقع در حق آنان ظلمی نکرده است «قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ* قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ* فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ»،(4) {خردمندترینشان گفت: «آیا به شما نگفتم: چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟» گفتند: «پروردگارا، تو را به پاکی می ستاییم، ما واقعاً ستمگر بودیم.» پس بعضی شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند.} ابن عباس می گوید: همدیگر را به خاطر آن تصمیم شومی که گرفته بودند، سرزنش می کردند «قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ* عَسَى رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ»،(5) {گفتند: «ای وای بر ما که سرکش بوده ایم! امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد، زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم} پس خداوند فرمود: «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»،(6) {عذاب [دنیا] چنین است، و عذاب آخرت، اگر می دانستند قطعاً بزرگتر خواهد بود.}

1- . قلم / 23
2- . قلم / 24 - 25
3- . قلم / 26 - 27
4- . قلم / 28 - 30
5- . قلم / 31 - 32

6- . قلم / 33

2. تفسیر عیاشی: زرعه از سماع نقل میکند که گفته است: خداوند در اموال ثروتمندان برای فقراء فریضهای واجب کرده است که با پرداخت آن ستوده نمیشوند. این فریضه، زکات است که با دادن آن، خونشان حفظ میشود و مسلمان خوانده میشوند. اما خداوند در اموال و دارایی، حقوقی غیر از زکات واجب کرده است. و خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلانِيَةً»،(1)

{و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند. } (2)

1- . ابراهیم/ 31
2- . تفسیر عیاشی 2 : 230

آیات:

- قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکَّی * وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی. (1)

{رستگار آن کس که خود را پاک گردانید،و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. }

روایات:

1. توحید،(2)

معانی الاخبار،(3)

امالی صدوق: ابان و دیگران از امام صادق علیه السلام روایت میکنند که فرمود: هر کس روزه اش را با گفتار نیکو یا کردار نیکو به پایان رساند، خداوند روزه اش را از او قبول میکند. به او گفته شد: ای فرزند رسول خدا، گفتار نیکو چیست؟ فرمود: گواهی بر اینکه هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست، و کردار نیکو، دادن زکات فطریه است. (4)

امالی صدوق: همدانی از علی از پدرش از محمد ابن زیاد مثل این روایت را نقل کرده است. (5)

2. تفسیر قمی: امام صادق علیه السلام در مورد آیه: «وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاهِ وَالزَّکَاهِ»،(6) {و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. } فرمود: منظور از آن

1- . اعلی / 14 - 15
2- . توحید : 6
3- . معانی الاخبار : 235
4- . امالی صدوق: 34
5- . امالی صدوق: 61
6- . مریم : 31

زکات سرانه (فطر) است، چرا که همه مردم از مال و ثروت برخوردار نیستند، و پرداخت فطریه بر فقیر، غنی، کوچک و بزرگ است. (1)

3. تفسیر قمی: «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکَّی»،(2) {رستگار آن کس که خود را پاک گردانید.} فرمود: زکات فطر است، پس هرگاه آن را قبل از نماز عید فطر پرداخت کند. «وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی»،(3)

{و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد.} فرمود: نماز عید فطر و عید قربان است. (4)

4. قرب الاسناد: علی از برادرش نقل میکند که از ایشان پرسیدم، آیا فطریه ماه رمضان بر هر انسانی واجب است یا بر کسی که روزه گرفته است و نماز را شناخت؟ فرمود: آن، بر هر کوچک و بزرگ خانواده واجب است. (5)

5. علل الشرایع: معتب از امام صادق روایت میکند که فرمود: برو و فطره عیال من را پرداخت کن و فطره همه بردگان را نیز بده و مبادا که یکی را ندهی که اگر یکی را ندهی، من خوف دارم که فوت شود. من عرض کردم که فوت چیست؟ فرمود: مُردن.(6)

6. تفسیر عیاشی: اسحاق ابن عمار میگوید: از امام صادق در مورد این سخن خداند «وَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ»،(7) {و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید.} پرسیدم. فرمود: آن فطریه ای است که خداوند بر مومنان واجب کرده است. (8)

7. تفسیر عیاشی: ابراهیم ابن عبدالحمید از موسی ابن جعفر علیه السلام روایت میکند که از ایشان در مورد صدقه فطر پرسیدم که آیا مانند زکات واجب است؟

1- . تفسیر قمی : 410
2- . اعلی / 14
3- . اعلی : 15
4- . تفسیر قمی : 721

5- . قرب الاسناد: 136
6- . علل الشرايع 2 : 76
7- . نور/ 56
8- . تفسير عياشى 1 : 42

فرمود: صدقه فطر مصداق این سخن خداوند است: «وَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ»، (1) {و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید.} و آن واجب است. (2)

8. تفسیر عیاشی: هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: حکم زکات در حالی نازل شد که مردم هیچ مالی نداشتند و بدین ترتیب فقط فطره به آنها تعلّق می گرفت نه زکات مال. (3)

9. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر از پدرانش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم نقل میکند که فرمودند: هر کس زکات فطر را بپردازد خداوند نقص و کاستی را که در زکات مال داشته، کامل میگرداند. (4)

1- . نور/ 56
2- . تفسیر عیاشی 1 : 42
3- . تفسیر عیاشی 1 : 43
4- . نوادر الراوندی : 24

باب سیزدهم : مقدار زکات فطره و کسی که بر او واجب است و کسانی که از طرف آنها باید پرداخت شود و مستحقان آن

1. قرب الاسناد: علی گفت: از برادرم امام موسی کاظم علیه السلام درباره (برده) مکاتب پرسیدم که آیا فطریه ماه رمضان بر او واجب است یا بر کسی است که او را مکاتب کرده است؟ و آیا گواهی او جایز است؟ فرمود: شهادتش جایز نیست و فطریه بر او واجب است. (1)

2. در روایت اعمش از امام صادق علیه السلام آمده است که ایشان فرمود: زکات فطره به طور سرانه بر هر صغیر و کبیر، آزاد یا بنده، مرد یا زن چهار مد از گندم و جو و خرما و مویز واجب است، و آن یک صاع کامل است، و جایز نیست که زکات به غیر اهل ولایت و معرفت داده شود. (2)

عیون الاخبار: در یکی از نامههای که امام رضا علیه السلام برای مامون نوشت همین حدیث آمده است. (3)

3. علل الشرایع: اسحاق از موسی ابن جعفر علیه السلام روایت میکند که از ایشان در مورد صدقه فطر پرسیدم که آیا زکات فطر را به غیر نزدیکانم از همسایه های فقیر خود بدهم؟ فرمود: آری، همسایگان سزاوارترند به آن، زیرا حالشان ظاهر و روشن است.(4)

1- . قرب الاسناد : 161
2- . الخصال 2 : 152[2]
3- . عیون الاخبار 2 : 123
4- . علل الشرایع 2 : 77

4. علل الشرایع: ابویحیی از امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که فرمود: اوّلین کسی که دو مدّ (دو چارک) از گندم را معادل یک صاع از خرما قرار داد عثمان بود. (1)

5. یاسر قمی از امام رضا علیه السلام نقل میکند که فرمود: مقدار زکات فطره یک صاع گندم یا خرما یا کشمش می باشد و معاویه گندم را تخفیف داد و کمتر حساب نمود. (2)

6. علل الشرایع: حسین حذّاء از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: زکات فطره بر هر صغیر و کبیر، آزاد یا بنده مرد یا زن یک صاع (یک من) از کشمش یا جو و یا ذرّت واجب می شد. و فرمود: و چون در زمان معاویه مردم تنگدست و کم بضاعت شدند، از این رو به نیم صاع از گندم عدول کردند. (3)

7. علل الشرایع: معاویه بن وهب می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: در زکات فطره سنّت جاری شده به این که یک صاع از خرما یا کشمش و یا جو بپردازند، و چون در زمان عثمان گندم فراوان شد و مردم آن را قیمت گذاری کردند، عثمان گفت: نیم صاع از گندم برابر است با یک صاع جو. (4)

8. علل الشرایع: هشام ابن حکم نقل میکند که از امام صادق شنیدم که فرمود: خرما در زکات فطره از سایر اشیاء بهتر و برتر است، زیرا سریع تر به مصرف می رسد چه آنکه خرما به مجرّد این که به مستحقّش داده شد از آن تناول می کنند. و نیز بعد از آن فرمود: حکم زکات در حالی نازل شد که مردم مالی نداشتند و بدین ترتیب فقط فطره به آنها تعلّق می گرفت. (5)

9. معانی الاخبار،(6)عیون

الاخبار: جعفر ابن ابراهیم نقل کرده که با ابی الحسن در حج بودیم. به او نوشتیم: فدای تو گردم، اصحاب ما در صاع اختلاف نظر دارند.

1- . علل الشرایع 2 : 77

2- . علل الشرايع 2 : 77
3- . علل الشرايع 2 : 77
4- . علل الشرايع 2 : 77
5- . علل الشرايع 2 : 77
6- . معانى الاخبار : 249

بعضی می گویند: فطره با صاع مدینه است و بعضی دیگر گفته اند: با صاع عراق. ایشان برای من نوشت که: صاع شش رطل است به رطل مدینه و نُه رطل است به رطل عراق. و سپس مرا آگاه کرد که: صاع به وزن، هزار و صد و هفتاد درهم می شود. (1)

10. معانی الاخبار: محمّد بن عبد الجبّار گوید: ابو القاسم کوفی «مدّی» آورد و گفت: این «مدّ» را ابن ابی عمیر به من داده و گفته است: آن را از فلان شخص از اصحاب امام صادق علیه السّلام گرفته، و او چنین گفته: که امام صادق علیه السلام آن را به من داده و فرموده است: این «مدّ» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلّم است، ما آن را وزن و مقایسه کردیم چهار «مدّ» بود که مطابق یک پیمانه و یک چهارم پیمانه ما در اینجاست. (2)

برخی روایتهای مربوط به صاع را در بابهای غسل بیان کردیم.

11. فقه الرضا علیه السلام: زکات فطره را از طرف خود و همه کسانی که نانخور تو هستند، کوچک و بزرگ، آزاد و برده، مرد و زن پرداخت کن و بدان که خداوند تبارک و تعالی پیش از آنکه مال و اموال زیاد شود زکات فطره را مقرر فرموده است و میفرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»، (3) {و

نماز را برپا کنید و زکات را بدهید. }

و دادن زکات فطره بر ثروتمند و فقیر، برده و آزاد و مرد و زن و کوچک و بزرگ و منافق و مخالف، برای هر کس، یک صاع خرما واجب است که آن نه رطل است به رطل عراقی، یا یک صاع از گندم و یا یک صاع از جو و یا یک صاع از مویز یا معادل قیمت آن. و اگر کسی خواست بهای آن را بپردازد میبایست دویست و سی درهم تا یک درهم آن بپردازد و دو سوم کمترین مقداری است که روایت شده است و درهم کامل بیشترین مقداری است که روایت شده است. همچنین روایت شده بهای نه رطل خرما و روایت شده که اگر کسی توان پرداخت فطره را نداشت، از مردم فطره آنها را بگیرد و از آن مقداری را که واجب است بپردازد.

1- . عيون الاخبار 1 : 310
2- . معانى الاخبار : 249
3- . نور/ 56

و اشکالی ندارد وقتی وارد دهه آخر ماه شد، فطره را بدهد تا روز عید فطر قبل از اقامه نماز عید؛ پس اگر تا هنگام ظهر آن را به تاخیر بیندازد به عنوان صدقه برایش محسوب میشود و فطره فقط به مستحق داده میشود و بهترین کاری که میتوان با آن انجام داد این است که آن را به فقیه بدهند تا در راههای آن خرج کند، اینگونه در روایتها آمده است.

و روایت شده که فطره نیم صاع از گندم است و در بقیه چیزها یک صاع است. و جایز نیست زکات یک نفر را به دو نفر بدهند؛ پس اگر برده مسلمان یا ذمیداشته باشی فطره او را بده و هرگاه در روز عید فطر پیش از ظهر فرزندی متولد شود فطره او را بده و اگر پس از زوال ظهر به دنیا آمد فطره بر او واجب نیست و همچنین است اگر شخصی پیش از ظهر یا پس از آن مسلمان شود، حکم او بر همین منوال است. و اشکالی ندارد زکات فطر در روز اول ماه رمضان تا آخر ماه پرداخت شود و این زکات است تا وقتی که نماز عید فطر را به جای آوری، پس اگر بعد از نماز آن را بدهی به عنوان صدقه حساب میشود و بهترین وقت پرداخت آن آخرین روز ماه رمضان است.

12. تفسیر عیاشی: از زراره، روایت شده است که گفت: از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام در حالی که فقط پسر ایشان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نزدشان بود از زکات فطر پرسیدم. ایشان فرمود: بر مرد است که از سوی خود و خانواده اش و از سوی بنده اش، مرد باشند یا زن، کوچک باشند یا بزرگ، به ازای هر نفر، یک پیمانه (صاع) خرما یا نصف پیمانه گندم بپردازد؛ و آن زکاتی است که خداوند، همراه با نماز، بر مؤمنان چه ثروتمند باشند چه نیازمند واجب کرده است و اینها عمده مردم هستند و صاحبان اموال، خواص از مردم هستند. عرض کردم: بر نیازمندی که خود صدقه می گیرد نیز واجب است؟ فرمود: بله، از آن صدقه ای که می گیرد، بپردازد. (1)

13. تفسیر عیاشی: از سالم بن مکرم جمال، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمود: فطره را پیش از نماز بپردازید و این کلام

1- . تفسیر عیاشی 1 : 42

خداست: «وَأَقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَآتُواْ الزَّكَاةَ» و کسی که فطره می گیرد، باید از سوی خود و خانواده اش بپردازد و اگر نپرداخت و نمازش را به پایان رساند، دیگر فطره ای برایش به حساب نمی آید. (1)

14. الهدایه: امام صادق علیه السلام فرمود: زکات فطره را از طرف خود و همه کسانی که نانخور تو هستند، کوچک و بزرگ، آزاد و برده، مرد و زن، به صورت یک صاع خرما یا یک صاع مویز یا یک صاع گندم و یا یک صاع جو پرداخت کن و بهترین اینها خرما میباشد و اشکالی ندارد که زکات خود و زکات همه کسانی که تحت سرپرستی تو هستند را به یک نفر بدهی و و جایز نیست زکات یک نفر را به دو نفر داده شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد زکات فطر در روز اول ماه رمضان تا آخر ماه پرداخت شود و این زکات است تا وقتی که نماز عید فطر را به برپا شود، پس اگر بعد از نماز آن را بدهد به عنوان صدقه حساب میشود و بهترین وقت پرداخت آن آخرین روز ماه رمضان است.

و فرمود: اگر برده مسلمان یا ذمی داشته باشی فطره او را بده و اگر صاحب برده دو نفر باشند فطره بر او نیست مگر اینکه صاحب برده یک نفر باشد.

و فرمود: زکات فطره را فقط به اهل ولایت پرداخت کن.

و فرمود: کسی که زکات فطره برایش حلال باشد، فطره بر او واجب نیست.

و فرمود: زکات فطره بر هر مسلمانی واجب است، پس هر کس آن را نپردازد خوف فوت بر او است. گفتند: فوت چیست؟ فرمود: مُردن.

و از ایشان در مورد فطره بادیه نشینان سؤال شد. فرمود: هر کس قوت غالبی داشته باشد بر او لازم است که فطره اش را از آن قوت بدهد.

و از ایشان در مورد شخص بادیه نشینی که توانایی فطره دادن ندارد سؤال شد. فرمود: چهار رطل شیر به عنوان صدقه میدهد.

15. الاقبال: از امام صادق علیه السلام روایت میکنیم که فرمود: سزاوار و شایسته است که زکات فطره قبل از اینکه مردم به سمت صحراء بیرون

روند پرداخت

ص: 140

1- . تفسیر عیاشی 1 : 43

شود، پس اگر پس از خروج مردم به سوی صحراء پرداخت کند، این صدقه است و فطره نیست. (1)

16. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که در مورد این سخن خداوند «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکَّی»،(2) {رستگار آن کس که خود را پاک کرد} فرمود: زکات فطر را پرداخت کرد. و «وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی»،(3) {و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد.} یعنی نماز عید فطر در صحراء.

و از ابوجعفر محمد ابن علی علیه السلام درباره زکات فطر سؤال شد. فرمود: آن زکاتی است که خداوند، همراه با نماز، بر همه مؤمنان واجب کرده است با این کلام الهی «وَأَقِیمُواْ الصَّلاَةَ وَآتُواْ الزَّکَاةَ»، {نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید} چه ثروتمند باشند چه نیازمند، و اکثریت مردم نیازمند و اقلیت آنها ثروتمند هستند، پس همه مردم را به نماز و زکات امر کرده است.

از علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلّ الله علیه و آله و سلّم فرمود: صدقه فطر بر شخص واجب است از طرف همه کسانی که تحت سرپرستی او هستند و روزی آنها را بر عهده دارد، از کوچک و بزرگ، آزاد و برده، مرد و زن و برای هر انسانی باید یک صاع (پیمانه) غذا بدهد.

از جعفر ابن محمد علیه السلام نقل شده که فرمود: واجب است که شخص صدقه فطر خود و خانواده اش، مرد و زن آنها، کوچک و بزرک، و آزاد و برده را بپردازد و اگر ثروتمند هم باشند باید فطره آنان را پرداخت کند.

از جعفر ابن محمد بن علی علیه السلام روایت شده که از ایشان سؤال شد: آیا بر نیازمندی که به او صدقه میدهند، زکات فطر واجب است؟ فرمود: بله، از آنچه به او صدقه میدهند میپردازد.

از حسین ابن علی علیه السلام نقل شده که فرمود: زکات فطر بر هر فرد شهرنشین و بادیه نشینی واجب است.

1- . كتاب الاقبال : 283
2- . اعلى / 14
3- . اعلى / 15

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: شخص (میبایست) زکات فطر برده یهودی یا مسیحی خویش و هر کسی که در خانهاش را بر روی او میبندد (با او زندگی میکند) و برده (خدمتکار) همسرش را اگر تحت سرپرستی او باشند، بپردازد و اگر این افراد تحت سرپرستی مرد نباشند و در مال و اموال زن کار کنند نه مرد، زن باید زکات آنها را بپردازد و اگر این زن شوهر نداشته باشد باید زکات خود، خانواده اش، بردههایش و هر کس که موظف به پرداخت مخارج آنها است را بپردازد.

از حسن و حسین علیهما السلام نقل شده که ایشان زکات فطر علی علیه السلام را تا زمان وفات ایشان پرداخت میکردند. و علی بن حسین علیه السلام نیز زکات فطر حسین علیه السلام را تا زمان وفاتشان پرداخت میکرد تا اینکه علی ابن الحسین علیه السلام وفات کرد و امام باقر علیه السلام نیز زکات علی بن حسین علیه السلام را تا زمان وفات ایشان پرداخت میکرد. جعفر ابن محمد علیه السلام گفته است: و من زکات فطر پدرم را پرداخت میکردم.

و این - و خداوند آگاه تر است - از جمله مواردی است که شخص به صورت داوطلبانه صدقه اشخاص فوت شده را پرداخت میکرد نه اینکه امری ضروری و لازم باشد.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: زکات فطر یک صاع از گندم، یا یک صاع از جو، یا یک صاع از خرما و یا یک صاع از مویز است.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر شخصی گندم، جو، خرما و مویز نداشت تا به عنوان صدقه فطر بدهد میبایست به جای آن درهم پرداخت کند.

و از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: دادن زکات فطر پیش از عید فطر از سنت است. (1)

1- . دعائم الاسلام : 266 - 267

باب چهاردهم : فضیلت صدقه و انواع آن و آداب آن

آیات:

- وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّآئِلِينَ وَفِى الرِّقَابِ. (1)

{و مال [خود] را با وجودِ دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راهِ آزاد کردن] بندگان بدهد.}

و خداوند متعال میفرماید: وَأَنفِقُواْ فِى سَبِيلِ اللّهِ. (2)

{و در راه خدا انفاق کنید.}

و خداوند متعال میفرماید: مَّن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (3)

{کیست آن کس که به [بندگانِ] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد و به سوی او بازگردانده می شوید.}

و خداوند متعال میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لاَّ بَيْعٌ فِيهِ وَلاَ خُلَّةٌ وَلاَ شَفَاعَةٌ. (4)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی.}

1- . بقره / 177
2- . بقره / 195
3- . بقره / 245
4- . بقره / 254

و خداوند پاک و منزه میفرماید: مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّئَةُ حَبَّةٍ وَاللّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.(1)

{مَثَل [صدقاتِ] کسانی که اموالِ خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می کند، و خداوند گشایشگر داناست. }

و خداوند متعال میفرماید: وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ.(2)

{و هر نفقه ای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد کرده اید، قطعاً خداوند آن را می داند، و برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. }

- أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِی السَّرَّاء وَالضَّرَّاء.(3)

{برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید. همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد }

- وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُواْ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللّهُ وَكَانَ اللّهُ بِهِم عَلِيمًا.(4)

{و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق می کردند، چه زیانی برایشان داشت؟ و خدا به [کارِ] آنان داناست. }

- الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِی الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لاَ يَجِدُونَ إِلاَّ جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.(5)

{کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب]، از روی میل، صدقات [مستحبّ نیز] می دهند، عیب می گیرند، و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به

1- . بقره / 261
2- . بقره / 270
3- . آل عمران / 133 - 134
4- . نساء / 39
5- . توبه / 79

اندازه توانشان نمی یابند، [عیبجویی می کنند] و آنان را به ریشخند می گیرند، [بدانند که] خدا آنان را به ریشخند می گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود. }

و خداوند متعال میفرماید: أَلَمْ يَعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ.(1)

{آیا ندانسته اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد. }

- وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً.(2)

{و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند. }

- وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا.(3)

{و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن. }

- وَلَا يَأْتَلِ أُوْلُوا الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُوْلِى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ.(4)

{و سرمایه داران و فراخ دولتان شما نباید از دادنِ [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند. }

- وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.(5)

{و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند. }

- فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.(6)

{پس حقّ خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده. این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند. }

1- . توبه / 134
2- . رعد / 22
3- . اسری / 26
4- . نور / 22
5- . قصص / 54
6- . روم / 38

- وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.(1)

{و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند. }

- وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ.(2)

{و مردان و زنان صدقه دهنده. }

- قُلْ إِنَّ رَبِّی يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُون.(3)

{بگو: «پروردگار من است که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند لیکن بیشتر مردم نمی دانند.» }

- وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ * لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ .(4)

{و از آنچه بدیشان روزی داده ایم، نهان و آشکارا انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد. تا پاداششان را تمام بدیشان عطا کند و از فزون بخشیِ خود در حقّ آنان بیفزاید که او آمرزنده حق شناس است. }

- وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاء اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ.(5)

{و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید»، کسانی که کافر شده اند، به آنان که ایمان آورده اند، می گویند: «آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا می خواست [خودش] وی را می خورانید؟ شما جز در گمراهیِ آشکاری [بیش] نیستید.» }

- آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ.(6)

1- . سجده / 16
2- . احزاب / 35

3- . سبأ / 36
4- . فاطر / 29 - 30
5- . يس / 47
6- . حديد / 7

{به خدا و پیامبر او ایمان آورید، و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی خواهند داشت.}

تا این سخن خداوند: وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِیرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا یَسْتَوِی مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُوْلَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِینَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ * مَن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِیمٌ (1).

{و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید و [حال آنکه] میراث آسمانها و زمین به خدا تعلّق دارد؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکّه] انفاق و جهاد کرده اند، [با دیگران] یکسان نیستند. آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته اند. و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؟}

تا این سخن خداوند متعال: إِنَّ الْمُصَّدِّقِینَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا یُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِیمٌ.(2)

{در حقیقت، مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند، ایشان را [پاداش] دوچندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت.}

- إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا یُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَیَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِیمٌ . (3)

{اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشاید، و خدا [ست که] سپاس پذیر بردبار است.}

- وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَیْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ .(4)

1- . حدید / 10 - 11

2- . حديد / 18
3- . تغابن / 17
4- . مزمل / 20

{و وام نیکو به خدا دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت. و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است.}

- وَاللَّیْلِ إِذَا یَغْشَی * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّی * وَمَا خَلَقَ الذَّکَرَ وَالْأُنثَی * إِنَّ سَعْیَکُمْ لَشَتَّی * فَأَمَّا مَن أَعْطَی وَاتَّقَی * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَی * فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْرَی * وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَی * وَکَذَّبَ بِالْحُسْنَی * فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْرَی * وَمَا یُغْنِی عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّی * إِنَّ عَلَیْنَا لَلْهُدَی * وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَهَ وَالْأُولَی * فَأَنذَرْتُکُمْ نَارًا تَلَظَّی * لَا یَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَی * الَّذِی کَذَّبَ وَتَوَلَّی * وَسَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی * الَّذِی یُؤْتِی مَالَهُ یَتَزَکَّی * وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَهٍ تُجْزَی *إِلَّا ابْتِغَاء وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَی * وَلَسَوْفَ یَرْضَی .(1)

{سوگند به شب چون پرده افکند، سوگند به روز چون جلوه گری آغازد، و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید، که همانا تلاش شما پراکنده است. امّا آنکه [حقّ خدا را] داد و پروا داشت، و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، بزودی راهِ آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. و امّا آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید، و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت، بزودی راهِ دشواری به او خواهیم نمود. و چون هلاک شد، [دیگر] مالِ او به کارش نمی آید. همانا هدایت بر ماست. و در حقیقت، دنیا و آخرت از آنِ ماست. پس شما را به آتشی که زبانه می کشد هشدار دادم. جز نگون بخت تر [ازین مردم] در آن درنیاید: همان که تکذیب کرد و رُخ برتافت. و پاک رفتارتر [ازین مردم] از آن دور داشته خواهد شد: همان که مالِ خود را می دهد [برای آنکه] پاک شود، و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی بخشد، جز خواستنِ رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد]. و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد.}

روایات:

مؤلف: برخی از اخبار و روایتهای این باب را در باب وجوب زکات و فضیلت آن نیز بیان کردیم.

1- . لیل / 1- 21

1. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که ایشان به اصحاب خود فرمودند: آیا شما را خبر دهم به چیزی که اگر آن را به جا آورید شیطان از شما دور شود همچنان که مشرق از مغرب دور است؟ گفتند: بله، رسول اللّه فرمودند: روزه روی شیطان را سیاه می کند و صدقه دادن پشت او را می شکند و دوستی با مؤمنان به خاطر رضای خداوند و اعانت یکدیگر بر اعمال صالح، نابودش می کند. و استغفار و توبه شاهرگش را می بُرد و هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدنها روزه است. (1)

2. بصائر الدرجات: علی علیه السلام میگوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خواندن قرآن در نماز برتر از خواندن قرآن در غیر نماز است و ذکر خداوند از صدقه برتر است و صدقه از روزه برتر است و روزه پوشش و مانعی (از آتش جهنم) است. (2)

3. امالی صدوق: امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر گاه بنده ای درگذرد فرشتگان می گویند چه چیزی پیش فرستاده و مردم می گویند از وی در این دنیا چه مانده است. اکنون مقداری از اموال خود را قبل از مرگ بفرستید و تأخیر نکنید که دیگر از دست شما بیرون خواهد رفت، محروم کسی است که از خیر مال خودش محروم گردد و مغبوط (کسی که دیگران به حال او غبطه می خورند) کسی است که میزانش در خیرات و صدقات سنگین باشد و در بهشت جای خوبی داشته و عبورش از صراط نیکو باشد.(3)

4. امالی صدوق: زید ابن علی از پدرش از پدربزگش از علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: در بهشت درختی است که از بالایش جامه نو برآید و از پائینش اسبان با زین و مهار و دارای پَر و بال، که نه سرگین کنند و نه بول کنند. اولیای خدا بر آن سوار شوند و در بهشت هر جا خواهند پرواز کنند و آنان که در درجه پایینتر از آنهایند گویند: پروردگارا! این بندگانت از کجا به این کرامت

1- . امالی صدوق : 37
2- . بصایر الدرجات : 11
3- . امالی صدوق : 68

رسیدند؟ خدای جل جلاله میفرماید: اینها بودند که شب عبادت میکردند و نمی خوابیدند و روزها روزه بودند و نمی خوردند و با دشمن جهاد می کردند و نمی ترسیدند و صدقه می دادند و بخل نمی ورزیدند.(1)

5. امالی صدوق: در روایت مناهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده که فرمودند: هر که صدقه ای دهد، به وزن هر درهمش، چون کوه احد از نعمت بهشت دارد. (2)

6. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: کسی که به جایگزین کردن خدا اعتقاد دارد، میبخشد و سخاوتمندانه خرج میکند. (3)

عیون الاخبار: دقاق از صوفی همین حدیث را روایت کرده است. (4)

7. امالی صدوق: ابوبصیر میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: عیسی علیه السلام به جمعی گذشت که شادی می کردند، فرمود: اینها را چه شده؟ عرض شد: یا روح اللّه امشب دختری را برای مردی برند و اینها شادند، فرمود: امروز شادند و فردا گریان. یکی از آنها گفت: چرا یا رسول اللّه؟ فرمود: چون عروس آنها امشب میمیرد. پیروانش گفتند: خدا و رسولش راستگویند و منافقان گفتند: فردا نزدیک است. صبح که شد آمدند و او را زنده دیدند و چیزی رخ نداده بود. گفتند: ای روح الله، دختری که دیروز گفتی میمیرد نمرده است. عیسی علیه السلام فرمود: خدا هر چه خواهد انجام میدهد، ما را نزد او ببرید. در رفتن به یکدیگر پیشی گرفتند؛ تا در را زدند شوهرش بیرون آمد. عیسی به او گفت: از بانویت اجازه گیر برای من. پس نزد او رفت و گفت: روح اللّه و کلمه اللّه با جمعی بر در خانه انتظار تو را دارند. پس آن بانو خود را پوشاند و حضرت عیسی بر او وارد شد. عیسی به او فرمود: امشب چه کار خیری کردی؟ گفت: کاری نکردم جز آنکه قبلاً هم انجام می دادم. هر شب جمعه سائلی بر ما گذر میکرد و خوراک تا

1- . امالی صدوق: 175
2- . امالی صدوق: 259
3- . امالی صدوق: 267

4- . عيون الاخبار 2 : 56

شب جمعه دیگر را به او می دادیم. دیشب آمد و من به کار خود مشغول بودم و خانواده ام مشغول انجام کار بودند. او صدا زد، کسی جوابش نداد و باز صدا کرد و جواب نشنید تا چند بار صدا زد؛ من که آوازش را شنیدم برخاستم و به طور ناشناس و به اندازه ای که پیشتر به او میدادیم، به او رساندم. عیسی فرمود: از جایت فاصله بگیر و به ناگاه زیر جامه او ماری بود چون تنه خرما که دم خود را گاز گرفته بود. عیسی علیه السلام فرمود: بدانچه کردی، خدا این بلا را از تو دور گردانید. (1)

8. ثواب الاعمال: اسماعیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: دور باشید از تنبلی، همانا پروردگار شما مهربان است و اندک عملی را پاداش می دهد. شخص داوطلبانه دو رکعت نماز به قصد رضای الهی میگذارد، خداوند او را داخل بهشت می کند و او داوطلبانه به خاطر رضای الهی یک درم صدقه میدهد، خداوند به سبب آن او را داخل بهشت می کند و او داوطلبانه برای رضای خدا یک روز روزه می گیرد، خداوند او را به بهشت می برد. (2)

9. تفسیر قمی: از امیرالمومنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: خوشا به حال آن کس که فزونی مالش را انفاق میکند و از فزونی سخنش خودداری میکند. (3)

10. تفسیر قمی: حَریز، از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: پروردگار تبارک و تعالی، هرشب جمعه از ابتدای شب و در یک سوم پایانی هر شب، امر و فرمان خود را به سوی آسمان دنیا نازل می کند، در حالی که رو به روی آن، دو فرشته هستند که فریاد می زنند: آیا توبه کننده ای هست که توبه اش پذیرفته شود؟ آیا استغفار کننده ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا تقاضامندی هست تا تقاضایش برآورده شود؟ خدایا! به هر انفاق کننده، عوضی، و به هر آزمند، زیانی ارزانی دار. پس به هنگام طلوع فجر، امر و فرمان الهی به سوی عرش خداوند باز می گردد و روزی ها را میان بندگان قسمت می کند.

1- . امالی صدوق : 299 - 300
2- . ثواب الاعمال : 36
3- . تفسیر قمی : 428

سپس حضرت به فُضیل بن یسار گفت: ای فضیل! سعی کن سهمِ بیشتری از این روزی ها ببری و منظور از این آیه نیز همین است: «وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ»، {و هر چه را انفاق کردید، او عوضش را می دهد. و او بهترین روزی دهندگان است} تا این سخن خداوند: «أَکْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ»، {بیشترشان به آنها اعتقاد داشتند.}

11. تفسیر قمی: کلام خداوند متعال: «فَأَمَّا مَن أَعْطَی وَاتَّقَی، وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَی، فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْرَی» {امّا آنکه [حقّ خدا را] داد و پروا داشت، و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد،} درباره مردی از انصار نازل شد که نخلی در خانه مرد دیگری داشت و بدون اجازه وارد خانه او میشد. صاحب خانه شکایت او را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به صاحب نخل فرمود: این نخلت را در ازای نخلی در بهشت به من بفروش. او عرض کرد: نمیفروشم. حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در ازای باغی در بهشت می فروشی؟ عرض کرد: نمیفروشم و رفت. ابو دحداح نزد او رفت و نخل را از او خرید و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، این نخل را بگیر و در ازای آن، همان باغی را به من بده که در بهشت به او پیشنهاد کردی، امّا او نپذیرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چندین باغ در بهشت از برای توست. آن گاه خداوند در این باره نازل فرمود: «فَأَمَّا مَن أَعْطَی وَاتَّقَی، وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَی» {امّا آنکه [حقّ خدا را] داد و پروا داشت، و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد} یعنی ابو دحداح «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْرَی، وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَی، وَکَذَّبَ بِالْحُسْنَی، فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْرَی، وَمَا یُغْنِی عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّی» {بزودی راهِ آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. و امّا آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید، و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت، بزودی راهِ دشواری به او خواهیم نمود. و چون هلاک شد، [دیگر] مالِ او به کارش نمی آید.} یعنی چون درگذشت «إِنَّ عَلَیْنَا لَلْهُدَی» {همانا هدایت بر ماست.} بر ماست که برای آنان روشنگری کنیم. (1)

1- . تفسیر قمی : 728

12. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدارنش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که ایشان فرمودند: احسان کردن جلو مُردنهای بد را میگیرد و صدقه خشم پروردگار را فرو مینشاند. ادامه روایت. (1)

13. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمودند: بیمارانتان را با صدقه دادن درمان کنید. (2)

14. قرب الاسناد: با همین سند، امام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: از راه صدقه روزیتان را بجویید. (3)

15. قرب الاسناد: با همین سند، امام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آفریدگان همه عیال و نانخور خدا هستند، پس محبوبترین آنان در نزد خدا کسی است که به عیال خدا (خلق خدا) بیشتر انفاق میکند. (4)

16. الخصال: امام جعفر صادق از پدرش علیهما السلام روایت کردد: ابوذر در مقابل کعبه ایستاد و گفت: من جندب بن سکن هستم. پس مردمان بر دور او جمع شدند. او گفت: اگر یکی از شما اراده کند به سفری رود، هر آینه آن مقدار توشه برای آن سفر بر می دارد که به کار او بیاید. آیا برای سفر قیامت توشه ای نمی خواهید که در آن سفر به کار شما آید؟ شخصی برخاست و گفت: ما را راهنمایی کن. ابوذر گفت: یک روز در هوای گرم روزه بگیر برای روز قیامت و حجی به جا آور برای سختیهای بزرگی (که در پیش داری) و در دل شب دو رکعت نماز بخوان برای تنهایی و وحشت قبر. کلمه خیری بگو، و از گفتن کلمه شرّی خودداری کن، یا به بینوایی صدقهای بده، ای بینوا! تا شاید به خاطر آن در روز سخت (قیامت) نجات یابی.

دنیا را دو درهم قرار ده: درهمی را برای عیال خود خرج کن، و درهم دیگر را برای آخرت خود از پیش بفرست و درهم سوّم زیانبار است و سودی ندارد، پس آن را مخواه. سپس گفت: غمِ روزی که آن را نمیبینم مرا کشته است.

1- . قرب الاسناد : 51
2- . قرب الاسناد: 74
3- . قرب الاسناد: 74
4- . قرب الاسناد : 75

17. ثواب الاعمال،(1) الخصال: اسحاق ابن غالب از دیگری از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: نیکی و صدقه از تهیدستی باز دارند و بر عمر افزایند و هفتاد مرگ بد را از صاحبان خود به دور دارند. (2)

18. الخصال: سالم از پدرش نقل میکند که گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حسادت نیست مگر در دو چیز: شخصی که خداوند مالی به او عطا کرده و او شب و روز از آن میبخشد، و شخصی که خداوند قرآن به او داده است و او شب و روز به آن میپردازد. (3)

19. الخصال: مالک بن نضله میگوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دستها سه گونه است: دست خداوند بالا است و دست دهنده پس از آن است و دست سائل پائین است؛ پس بخشش کن و دست بسته مباش. (4)

مؤلف: برخی از این روایتها در باب فضیلت زکات ذکر شد.

20. الخصال: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: هر احسانی صدقه است، و ارشاد کننده به کار خیر مانند انجام دهنده آن است و خداوند کمک کردن به بیچاره را دوست دارد. (5)

21. الخصال: معاویه ابن وهب از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: کیست که چهار چیز را برای من تعهد کند تا من در عوض چهار خانه در بهشت برای او تعهد کنم: آنکه (در راه خدا) خرج کند و از فقیر شدن نهراسد، و به رفتار مردم در باره خود با دیده انصاف بنگرد، و سلام را در میان مردم جهان آشکار کند (رواج دهد)، و جدال و نزاع نکند هر چند حق به جانب او باشد. (6)

22. الخصال: امیر المومنین علی علیه السلام فرمود: بیمارانتان را با دادن صدقه درمان کنید.

1- . ثواب الاعمال : 126 - 127
2- . الخصال 1 : 25
3- . الخصال 1 : 38

4- . الخصال 1 : 66
5- . الخصال 1 : 106
6- . الخصال 1 : 161

و فرمود: از راه صدقه روزیتان را بجویید.

و فرمود: از آن چه خداوند به شما روزی داده است، انفاق کنید؛ زیرا انفاق کننده، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند. کسی که به جایگزین کردن خدا اعتقاد دارد میبخشد و سخاوتمندانه خرج میکند. (1)

23. عیون الاخبار: امام موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام همراه قومی بود که با ایشان مال بسیاری بود. به آنها خبر دادند که جمعی شمشیر دار در این راه هستند که راهزنند و مال مردم را میگیرند. پس هراسان شدند. امام صادق به آنها فرمود: شما را چه شده است؟ گفتند: اموال بسیاری با ماست، از این ترس داریم که اموال را از ما بگیرند، آیا نمیشود که این اموال را به تو بسپاریم شاید چون ببینند اموال مال شما است نگیرند؟

امام فرمود: شما چه میدانید! شاید آنها به غیر از من قصد دیگری را نداشته باشند و شاید شما مرا در معرض خطر و هلاکت آورید. (به این واسطه آسیبی به من رسانند) عرض کردند: پس چه کنیم؟ این اموال را دفن کنیم؟ فرمود: این بدتر است شاید عارضهای رخ دهد که بفهمند و مال را ببرند یا اینکه شما بعد از دفن کردن، آن ها را دوباره پیدا نکنید. عرض کردند: پس چه کنیم؟ ما را راهنمایی کن! فرمود: این اموال را امانت بگذارید نزد کسی که آن را حفظ کند و از این راهزنان دفع کند و برای شما نگاه دارد و هر جزئی از این اموال را زیاده تر کند از دنیا و آنچه در دنیا است. پس از آن به شما بازگرداند و در زمانی که نهایت احتیاج داشته باشید چندین برابر آن را به شما بدهد. عرض کردند: این شخص کیست؟ فرمود: پروردگار عالمیان. عرض کردند: چگونه نزد خداوند به امانت بگذاریم؟ فرمود: به ضعیفان و درویشان مسلمانان صدقه دهید. عرض کردند: در این بیابان درویش و بینوا از کجا پیدا می شود؟ فرمود: قصد کنید که یک سوم آن را صدقه دهید تا خداوند باقی آن را از کسی که می ترسید نگاه دارد و آنها را دفع کند. عرض کردند: قصد کردیم. فرمود: بروید که در امان خدا خواهید بود.

1- . الخصال 1 : 160

پس به راه افتادند؛ ناگاه آن طائفه راهزنان ظاهر شدند، پس خوف بر آنان غلبه کرد. امام فرمود: چگونه شما می ترسید و حال آنکه شما در امان خداوند عزیز و بلند مرتبه هستید؟ در این حال راهزنان پیش آمدند و پیاده شدند و دست امام صادق علیه السلام را بوسیدند و عرض کردند: ما شب گذشته خواب دیدیم که رسول خدا ما را فرمان داد خود را به خدمت شما رسانیم. اکنون ما در نزد تو حاضریم و تو و این قوم را همراهی میکنیم تا دشمنان و دزدان را از این قوم دفع کنیم. امام صادق علیه السلام فرمود: ما به شما احتیاجی نداریم زیرا که آن کسی که ما را از شر شما دفع نموده است از شر هر کسی دفع می کند.

پس به سلامت گذشتند و یک سوم مال را صدقه دادند و تجارتشان برکت یافت و هر درهمی را ده درهم سود کردند. پس گفتند: چه قدر زیاد بود برکت امام صادق! و آن حضرت به آنها فرمود: دانستید که معامله با خداوند چه قدر برکت دارد، پس بر آن مداومت کنید. (1)

24. عیون الاخبار: بزنطی گوید: نامه امام رضا علیه السلام به ابی جعفر علیه السلام (امام جواد) علیه السلام را خواندم: ای اباجعفر! شنیده ام هنگامی که سوار میشوی و قصد بیرون رفتن داری، غلامان از روی بخل، تو را از در کوچک بیرون می برند که مبادا کسی از تو خیری ببیند، به حقّی که من بر تو دارم از تو می خواهم که رفت و آمدت جز از در بزرگ نباشد، و هر گاه قصد سوار شدن و بیرون رفتن داری با تو کیسه های درهم و دینار باشد که کسی چیزی از تو نخواهد مگر اینکه به او عطا کنی، و اگر از عموهایت کسی از تو طلب و درخواست کمکی کرد، مبادا از پنجاه دینار به او کمتر بخشی، و افزون بر پنجاه را خود دانی، و نیز اگر از عمههایت زنی از تو مالی طلبید، مبادا از بیست و پنج دینار به او کمتر بخشی و افزون بر آن را خود دانی، و من می خواهم که خداوند به تو برتری دهد، پس انفاق کن و از خدا مترس که بر تو تنگ گیرد یا تهی دست شوی. (2)

1- . عیون الاخبار 2 : 4 - 5
2- . عیون الاخبار 2 : 8

25. التوحید،(1) عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدارنش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمودند: از راه صدقه روزیتان را بجویید (بیفزایید). (2)

26. امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمودند: بهترین اموال و گنجینههای انسان، صدقه است. (3)

27. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرشان روایت میکند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا صدقه برای صاحبش فزونی زاید، پس صدقه دهید تا خدا شما را رحمت کند، و فروتنی برای صاحبش رفعت فزاید، پس فروتنی کنید تا خدا شما را رفعت دهد. و گذشت، عزّت صاحبش را افزون کند پس گذشت کنید تا خدا عزیزتان گرداند. (4)

28. امالی طوسی: ابوقلابه روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس درهمی در راه خدا بدهد، خداوند برای او هفتصد حسنه مینویسد.(5)

29. امالی طوسی: علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمودند: هر کار نیکی صدقه ای برای نیازمند و ثروتمند است، پس صدقه بدهید حتی اگر به اندازه نیم دانه خرما هم باشد و از آتش (جهنم) بترسید حتی اگر به اندازه نیم دانه خرما باشد، چراکه خداوند عزّ و جلّ آن را برای صاحبش بزرگ میکند همان طور که یکی از شما کره اسب یا کره شترش را بزرگ میکند تا جایی که روز قیامت آن را به او میدهد و آن نیم دانه خرما از کوه بزرگ بزرگتر میشود.(6)

30. امالی طوسی: سالم ابن ابی حفصه گوید: چون امام باقر علیه السلام وفات یافت به یارانم گفتم: منتظر باشید تا من بر امام صادق علیه السّلام وارد شوم و به او

1- . التوحید : 33
2- . عیون الاخبار 2 : 35

3- . عیون الاخبار 2 : 61
4- . امالی طوسی 1 : 141
5- . امالی طوسی 1 : 186
6- . امالی طوسی 2 : 73

تسلیت گویم. پس بر آن حضرت وارد شدم و تسلیت عرض نمودم، سپس گفتم: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ»، {ما همه از خدائیم و همه به سوی او بازمی گردیم.} به خدا سوگند رفت آن کس که (بدون واسطه) می گفت: قال رسول اللّه {رسول خدا فرمود} و از واسطه میان او و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال نمی شد. نه، به خدا سوگند دیگر کسی به مانند او دیده نخواهد شد.

ابو عبد اللَّه لحظه ای سکوت کرد، سپس فرمود: خدای متعال میفرماید: از میان بندگان من کسی پیدا می شود که نصف خرمایی صدقه می دهد و من آن را برای او میپرورم و بزرگ می کنم چنان که یکی از شما کره اسب خود را میپرورد و بزرگ می کند تا اینکه آن را به اندازه کوه احد خواهم ساخت.

من به سوی یارانم بیرون آمدم و گفتم: شگفت انگیزتر از این چیزی ندیدم! ما سخن امام باقر علیه السلام را که بدون واسطه می فرمود: قال رسول اللّه، بزرگ می شمردیم، ولی امام صادق بدون واسطه فرمود: قال اللّه تعالی. (1)

رجال کشی: هشام از زراره همین حدیث را روایت کرده است. (2)

31. ثواب الاعمال: جابر از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: عابدی هشتاد سال خدا را عبادت کرد. روزی نگاهش به زنی افتاد. عشق او در دلش جای گرفت. نزد او رفت و از وی کام خواست. زن پذیرفت. هنگامی که عابد از آن زن کام گرفت فرشته مرگ به سراغش آمد. زبان عابد بند آمد. در آن میان فقیری گذر کرد و چیزی خواست. عابد به گرده نانی که در عبای خود داشت اشاره کرد و فقیر آمد و آن را گرفت. خداوند عبادت هشتاد سال را به سبب آن زنا محو ساخت، و با صدقه دادن یک گرده نان، گناه او را بخشید. (3)

32. ثواب الاعمال: معاذ ابن مسلم میگوید: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از درد و بیماری به میان آمد. امام فرمود: بیماران خود را با دادن صدقه درمان کنید. چه می شود که هر یک از شما غذای یک وعده خود را صدقه

1- . امالی طوسی 1 : 125
2- . رجال کشی : 202
3- . ثواب الاعمال : 125

دهد؟ گاه به فرشته مرگ فرمانی ابلاغ می شود که روح بنده ای را قبض کند، پس آن بنده صدقه ای می دهد و به فرشته مرگ خطاب می شود: آن فرمان را باز گردان. (1)

33. ثواب الاعمال: ابوالحسن از امام رضا علیه السلام نقل میکند که فرمود: در میان بنی اسرائیل چند سال پی در پی قحطی پدید آمد. زنی لقمه نانی داشت، آن را به دهان برد تا بخورد، فقیری فریاد برآورد: ای کنیز خدا، من گرسنه ام. زن با خود گفت: در این دوران قحطی صدقه می دهم، و آن لقمه را از دهان بیرون آورد و به فقیر داد. این زن کودکی خردسال داشت که برای جمع آوری هیزم به صحرا رفته بود. گرگی آمد و او را ربود. در آن حال غوغایی به پا شد و مادر در پی گرگ دوید. خداوند جبرئیل را فرستاد و جبرئیل آن کودک را از دهان گرگ بیرون کشید و به مادرش باز داد و به او گفت: این لقمه به جای آن لقمه! آیا راضی هستی؟ (2)

34. ثواب الاعمال: فضیل بن عثمان از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر کس در روز یا شب صدقه دهد، اگر روز باشد غذای روز و اگر شب باشد غذای شبش را، خداوند خطر زیر آوار ماندن و در چاه افتادن را از او دور خواهد ساخت. (3)

35. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند فرمودند: صدقه از مُردن بد جلوگیری می کند. (4)

36. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمودند: زمین قیامت سراسر آتش است، به جز سایبان مؤمن، زیرا صدقه او بر سرش سایه می افکند. (5)

37. ثواب الاعمال: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در باره مردی سؤال شد که اگر مالی را صدقه دهد بهتر است یا اینکه با آن بنده ای بخرد و او را آزاد کند؟ فرمود: نزد من صدقه دادن محبوب تر است. (6)

1- . ثواب الاعمال : 125

2- . ثواب الاعمال: 126
3- . ثواب الاعمال: 126
4- . ثواب الاعمال: 126
5- . ثواب الاعمال : 126
6- . ثواب الاعمال : 126

38. ثواب الاعمال: جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرد که علی علیه السلام فرمود: یک روز دیناری صدقه دادم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای علی، آیا نمی دانی که صدقه مؤمن از دو دستش خارج نمی شود، مگر اینکه از دهان هفتاد شیطان بیرون می آید که هر کدام او را از دادن صدقه باز می دارند و پیش از آنکه به دست سائل رسد به دست خدا می رسد؟ آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «أَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»،(1) {آیا ندانسته اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد، و خداست که خود توبه پذیر مهربان است؟ } (2)

39. ثواب الاعمال: معلّی ابن خنیس می گوید: امام صادق علیه السلام در شبی بارانی به قصد سایبان بنی ساعده از خانه خارج شد و من او را دنبال کردم. ناگاه متوجّه شدم که چیزی از آن حضرت به زمین ریخت و امام گفت: «به نام خدا یاری می طلبم، خداوندا، آنچه به زمین ریخت را به من بازگردان». معلّی می گوید: پیش رفتم و به آن حضرت سلام کردم. فرمود: معلّی هستی؟ گفتم: آری، فدایت شوم. فرمود: روی زمین دست بکش و هر چه یافتی به من بده. معلّی می گوید: من دست کشیدم، دیدم چند گرده نانی روی زمین پراکنده شده است. آنها را جمع کردم و به حضرت دادم. دیدم حضرت انبانی از نان بر دوش دارد. گفتم: فدایت شوم، اجازه دهید من آن را بیاورم. فرمود: نه، من به آوردن آن از تو سزاوارترم، ولی همراه من بیا. معلّی می گوید: آمدیم تا به سایبان بنی ساعده رسیدیم. من دیدم گروهی در آنجا خوابیده اند. امام زیر لباس هر کدام یک یا دو گرده نان گذاشت تا به آخرین نفر رسید و برای او هم نان گذاشت و برگشتیم.

من گفتم: فدایت شوم، آیا اینها حق را می شناسند (یعنی از شیعیانند)؟ فرمود: اگر حق را می شناختند، ما دادن نمک (ادویه) غذای آنها را نیز بر عهده می گرفتیم. خداوند هیچ چیزی را نیافریده است مگر اینکه برای آن خزانه داری مقرر کرده که از آن مراقبت کند، لیکن صدقه را خود بر عهده گرفته است. پدرم چون به سائل

1- . توبه / 104

2- . ثواب الاعمال : 126

چیزی می داد، آن را پس می گرفت و می بوسید و می بویید و دوباره به سائل می داد، و این برای آن بود که صدقه پیش از آنکه به دست سائل برسد به دست خدا می رسد، و می فرمود: من دوست دارم که آنچه را خدا گرفته است برگیرم.

همانا صدقه دادن در شب خشم پروردگار را فرو می نشاند، و گناهان بزرگ را محو می کند، و حساب را آسان می گرداند. و صدقه دادن در روز مال را فراوان می کند و بر عمر آدمی می افزاید. عیسی بن مریم علیه السلام زمانی از کنار دریا می گذشت، قرص نانی از غذای خویش را به دریا افکند. یکی از یارانش گفت: ای روح اللّه، و ای کلمه خدا، چرا چنین کردی؟ این خوراک تو بود! فرمود: این کار را برای آن کردم که حیوانی از حیوانات دریا آن را بخورد. پاداش این کار نزد خدا بزرگ است. (1)

40. قصص الانبیاء: امام صادق علیه السلام میفرماید: کبوتری وحشی بر روی درختی دو جوجه داشت، روزی مردی جوجه های او را گرفت. کبوتر وحشی از آن، به خداوند شکایت نمود. باری تعالی نیز به او وحی فرستاد که به زودی به حسابش خواهم رسید. مدتی بعد آن پرنده دو جوجه دیگر به دنیا آورد و همان مرد در حالی که دو قرص نان همراه داشت نزدیک آن درخت آمد. در این موقع مستمندی از کنار او گذشت، آن مرد قرصی از نان خود را به او داد. آنگاه از درخت بالا رفته و جوجه ها را با خود پائین آورد و تنها صدقه ای که داده بود او را از مهلکه ای که خداوند برایش آماده کرده بود رهایی بخشید. (2)

41. المحاسن: جعفر ابن محمد بن علی از پدرش از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خواندن قرآن در نماز برتر از خواندن قرآن در غیر نماز است و ذکر خداوند از صدقه برتر است و صدقه از روزه برتر است و روزه پوشش و مانعی از آتش جهنم است. (3)

1- . ثواب الاعمال : 129 - 130
2- . قصص الانبیاء : نسخه خطی
3- .المحاسن : 221

42. المحاسن: مسمع کردین از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمودند: هر کس صبحگاهان صدقه ای بدهد خداوند نحسی (شومی) آن روز را از او دفع میکند. (1)

43. تفسیر عیاشی: علی ابن حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمودند: همانا خداوند برای یکی از شما صدقه را زیاد می کند - همان گونه که یکی از شما فرزندش را بزرگ میکند - تا این که روز قیامت آن را همچون کوه احد بیابد. (2)

44. تفسیر عیاشی: ابوحمزه از امام باقر علیه السلام روایت میکند که خداوند میفرماید: من خالق همه چیزم؛ در مسائل دیگر، دیگران را مأمور کردم به غیر از صدقه که خود آن را با دست خود دریافت می کنم، حتی اگر مرد و زنی یک دانه خرما و یا نصف آن را صدقه دهند، آن را برای ایشان زیاد خواهم کرد - همان گونه که شخصی از شما بچه شتر و کره اسبش را بزرگ می کند - تا آن را در روز قیامت بزرگتر از کوه احد قرار دهم. (3)

45. تفسیر عیاشی: علی ابن جعفر، از برادرش موسی، از امام صادق علیه السلام روایت می کند و می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چیزی نیست که خداوند بر آن فرشته ای را مأمور نکرده باشد، جز صدقه که خداوند خود با دست خود آن را می گیرد و زیاد می کند همان گونه که شما فرزندتان را پرورش میدید، تا این که روز قیامت آن را همچون کوه احد بیابد. (4)

46. السرائر: احمد ابن محمد ابن زیاد و موسی ابن محمد ابن علی گفته اند: برای امام موسی ابن جعفر علیه السلام نامه ای نوشتم و از او در مورد بینوایان اهالی جزیره و گدایان و دیگران که در راهها و مسیرها مینشینند پرسیدم که آیا پیش از آنکه مذهبشان را بشناسیم جایز است به آنها صدقه بدهیم؟ ایشان در جواب فرمود: هر کس به ناصبی صدقه بدهد، صدقه اش بر علیه اوست نه به نفع او. اما صدقه به

1- .المحاسن : 349
2- . تفسیر عیاشی 1 : 153

3- . تفسیر عیاشی 1 : 153
4- . تفسیر عیاشی 1 : 153

کسی که مذهب و وضعیت او را نمیدانی، بهتر و بیشتر است. پس از آن بر هر کس که دلت برایش نرم شد و به او مهربانی کردی و این امکان نباشد که از مذهبی که دارد مطلع شوی، ان شاء الله در (صدقه) جای اشکالی ندارد. (1)

47. جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که علی علیه السلام فرمود: روزی دیناری صدقه دادم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: آیا می دانی که صدقه مؤمن از دستش بیرون نمی رود تا آن را از دهان هفتاد شیطان رها کند، و صدقه به دست سائل نمی رسد مگر اینکه به دست پروردگار تبارک و تعالی رسیده باشد؟ آیا پروردگار نفرموده است: {الم یعلموا ان الله هو یقبل التوبه عن عباده و یأخذ الصدقات ...تا آخر آیه }

48. تفسیر عیاشی: معلّی ابن خنیس می گوید: امام صادق علیه السلام در شبی بارانی به قصد سایبان بنی ساعده از خانه خارج شد و من او را دنبال کردم. ناگاه متوجّه شدم که چیزی از آن حضرت به زمین ریخت و امام گفت: «به نام خدا یاری می طلبم، خداوندا، آنچه به زمین ریخت به من بازگردان». معلّی می گوید: پیش رفتم و به آن حضرت سلام کردم. فرمود: معلّی هستی؟ گفتم: آری، فدایت شوم. فرمود: روی زمین دست بکش و هر چه یافتی به من بده. معلّی می گوید: من دست کشیدم، دیدم چند گرده نان روی زمین پراکنده شده است. آنها را جمع کردم و به حضرت دادم. دیدم حضرت انبانی از نان بر دوش دارد. گفتم: فدایت شوم، اجازه دهید من آن را بیاورم. فرمود: نه، من به آوردن آن از تو سزاوارترم، ولی همراه من بیا. معلّی می گوید: آمدیم تا به سایبان بنی ساعده رسیدیم. دیدم گروهی در آنجا خوابیده اند. امام زیر لباس هر کدام یک یا دو گرده نان گذاشت تا به آخرین نفر رسید و برای او هم نان گذاشت و برگشتیم.

من گفتم: فدایت شوم، آیا اینها حق را می شناسند (یعنی از شیعیانند)؟ فرمود: اگر حق را می شناختند نمک (ادویه) غذای آنها را نیز بر عهده می گرفتیم. خداوند هیچ چیزی را نیافریده است مگر اینکه برای آن خزانه داری مقرر کرده که از آن مراقبت کند، لیکن صدقه را خود بر عهده گرفته است. پدرم چون به سائل چیزی

1- . السرائر : 471

می داد، آن را پس می گرفت و می بوسید و می بویید و دوباره به سائل می داد، و این برای آن بود که صدقه پیش از آنکه به دست سائل برسد به دست خدا می رسد، و می فرمود: من دوست دارم که آنچه را خدا گرفته است برگیرم. (1)

همانا صدقه دادن در شب خشم پروردگار را فرو می نشاند، و گناهان بزرگ را محو می کند، و حساب را آسان می گرداند. و صدقه دادن در روز مال را فراوان می کند و بر عمر آدمی می افزاید. (2)

49. تفسیر عیاشی: محمد ابن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: برای هر چیزی یک فرشته وجود دارد که آن را به عهده می گیرد، به جز صدقه که در دست خدا قرار میگیرد. (3)

50. از ابوبکر، از سّکونی، از امام صادق علیه السلام، از پدرش، از پدرانش علیهم السلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو خصلت وجود دارد که دوست ندارم کسی در آنها با من شریک شود: وضویم چون از نمازم است و صدقه ای که با دستم به دست نیازمند میدهم؛ چرا که آن در دست خدای رحمان قرار میگیرد. (4)

51. از محمد ابن مسلم، از یکی از دو امام علیهما السلام روایت کرده است که فرمود: علی بن حسین صلوات الله علیه هر گاه به نیازمند صدقه می داد، دست سائل را می بوسید. به وی گفته شد: چرا این کار را می کنید؟ فرمود: زیرا که پیش از این که در دست بنده قرار بگیرد، در دست خدا قرار میگیرد. و فرمود: برای هر چیز فرشته ای موکل است، مگر صدقه که در دست خدا می افتد. فضل گفت: گمان می کنم که او نان یا درهم را می بوسید. (5)

52. مالک بن عطیه، از امام صادق علیه السلام کرده است که فرمود: علی ابن حسین علیه السلام فرمود: از جانب پروردگارم تضمین می کنم که صدقه به دست

1- . تفسیر عیاشی 2 : 107

2- . تفسیر عیاشی 2 : 108
3- . تفسیر عیاشی 2 : 108
4- . تفسیر عیاشی 2 : 108
5- . تفسیر عیاشی 2 : 108

بنده نمیرسد، مگر این که قبل از او به دست پروردگار برسد و این همان فرموده اوست: «هُوَ یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِهِ وَیَأْخُذُ الصَّدَقَات»،(1) {او از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد.} (2)

53. مجالس مفید: محمد بن هلال میگوید: امام باقر علیه السلام فرمود: بامدادان صدقه بده که هرگز تیر بلا و گرفتاری از صدقه در نگذرد و به صاحب آن نرسد. (3)

54. فرج الهموم: ابن ابوعمیر گوید: مطالعه کتب نجومی می کردم و ستاره ها را می شناختم و طالع را میدانستم، پس به خاطر این ترس و واهمه ای در وجود من رخنه کرد. بنابراین مسئله را پیش امام صادق علیه السلام عرضه داشتم. امام فرمود: وقتی غم و واهمه ای در تو رخنه کرد چیزی را بردار و به اولین درویشی که رسیدی صدقه بده چراکه خداوند (اگر بلایی باشد) از تو دفع میکند. (4)

55. مکارم الاخلاق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: با دست خود صدقه دادن، مرگ بد را دور می کند، و جلوی هفتاد نوع بلا را می گیرد، و از دهان هفتاد شیطان که همه او را از این کار باز می دارند، آزاد می شود.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: صدقه پنهانی خشم خدا را فرومینشاند.

و از ایشان نقل شده که فرمودند: صدقه از مرگ بد جلوگیری میکند.

و فرمودند: صدقه و برقراری پیوند خویشاوندی سرزمینها را آباد و عمرها را زیاد میکند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس در روز یا شب صدقه دهد - اگر روز باشد غذای روز و اگر شب باشد غذای شبش را - خداوند زیر آوار رفتن و در چاه افتادن و طعمه درندگان شدن را از او دور خواهد ساخت.

1- . توبه / 104

2- . تفسير عياشى 2 : 108
3- . مجالس مفيد : 41
4- . فرج الهموم : 123 - 124

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: نیکی کردن و صدقه دادن فقر را دور میکنند و بر عمر میافزایند و هفتاد نوع مرگ بد را دفع میکنند.

معاذ بن مسلم میگوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از درد و بیماری به میان آمد. امام فرمود: بیماران خود را با دادن صدقه درمان کنید. چه می شود که هر یک از شما غذای یک وعده خود را صدقه دهد؟ گاه به فرشته مرگ فرمانی ابلاغ می شود که روح بنده ای را قبض کند، پس آن بنده صدقه ای می دهد و به فرشته مرگ خطاب می شود: آن فرمان را باز گردان.

از ایشان نقل شده که فرمودند: بیمارتان را با صدقه معالجه کنید، و اموال خود را با پرداخت زکات بیمه کنید، و من (حفظ) هر مالی را که در خشکی و دریا باشد را پس از پرداخت حق خدایی آن ضمانت میکنم.

از امام عالم (امام صادق) علیه السلام روایت شده که فرمود: صدقه، قضای حتمی آسمانی را بر میگرداند. (1)

56. رجال کشی: عمر ابن یزید میگوید: از امام صادق علیه السلام درباره صدقه به ناصبی و زیدی پرسیدم. فرمود: چیزی از صدقه به آنان نده و اگر میتوانی آب نیز به آنها ننوشان و فرمود: زیدیها همان ناصبیها هستند.(2)

57. جامع الاخبار: یعقوب ابن یزید با اسناد صحیح میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: انفاق کن و به پاداشی که (بعداً به تو می رسد) یقین داشته باش، و بدان هر که در راه طاعت خدا انفاق نکند، مبتلا به انفاق کردن در راه معصیت خدا شود، و هر که به دنبال بر آوردن احتیاج دوست خدا نرود ناگزیر می شود که به دنبال بر آوردن حاجت دشمن خدا برود.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس مالش را به صورت اختیاری از انسانهای خوب دریغ کند خداوند مالش را به (طرف) انسانهای بد سوق میدهد.

1- . مکارم الاخلاق : 445

2- . رجال کشی : 199

58. کتاب حسن ابن سعید و النوادر: اسحاق ابن غالب از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: نیکی کردن و صدقه دادن فقر را دور میکنند و بر عمر میافزایند و هفتاد نوع مرگ بد را دفع میکنند.

59. کتاب حسن بن سعید و النوادر: وصافی از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: صدقه پنهانی خشم خداوند را فرو مینشاند.

60. التمحیص: صفوان میگوید: در نزد امام صادق علیه السلام از ضعیفان و نیازمندان اصحاب ما سخن به میان آمد. فرمود: من منفعت رساندن به آنها و کسانی که به آنان سود میرسانند را دوست میدارم.

61. مفضل میگوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ثروتمندان شیعه ما، امنا و کارگزاران ما در کار نیازمندان شیعیانند، پس جایگاه ما را در آنان حفظ کنید تا خداوند حافظ شما باشد.

62. نوادر الراوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نقل میکند که فرمودند: مال و ثروت از صدقه دادن نقصان نمی یابد، بنا بر این صدقه بدهید و هرگز از بخشش در راه خدا هراس نداشته باشید. با همین سند گفته است: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: صدقه در راه خدا، از مرگ ناگوار جلوگیری می کند.

با همین سند گفته است: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: روزی را با صدقه، فرود آورید - زیاد کنید - .

با همین سند گفته است: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: در روز قیامت، هر کسی بدون واسطه با خدا سخن می گوید. هر کسی به جلوی خود نگاه می کند و غیر از آنچه از قبل پیش فرستاده، چیزی را نمی بیند، آنگاه به سوی راست خود نگاه می کند، و به غیر از آنچه از پیش فرستاده، چیزی را نمی یابد، بعد به جانب چپ خود نگاه می کند و جز آتش دوزخ را نمی بیند! بنابراین، خویشتن را از آتش دوزخ حفظ کنید، اگر چه با صدقه دادن پاره خرمایی باشد؛ و اگر کسی از شما

این قدر هم نداشت، با کلام و زبان خوش (با محرومان و بندگان خدا) رفتار نماید . (1)

با همین سند از جعفر از پدرش از جدش علیهم السلام روایت شده که فرمود: من با کسی زمین مشترکی داشتم، او که مرد ستاره شناسی بود تصمیم گرفت زمین را تقسیم کند. بدین جهت نگاه به ساعتی کرد که آن را «سعد» می دانست و سهم خود را جدا کرد. آنگاه نگاه به ساعتی کرد که آن «نحس» می دانست و به سراغ پدرم فرستاد.

اما وقتی زمین تقسیم گردید، مرد منجّم با تعجّب متوجه شد که قسمت بهتر زمین نصیب پدرم شده است. پدرم به او گفت: چرا تعجب می کنی؟ مرد موضوع «سعد» و «نحس» اوقات را برای پدرم توضیح داد. پدرم فرمود: آیا نمی خواهی تو را به کار بهتری از آنچه تو انجام دادی راهنمایی کنم؟اگر می خواهی نحسی روز از تو برطرف شود، صبح صدقه بده و اگر می خواهی از نحسی شب محفوظ بمانی عصر صدقه بده. (2)

63. مجالس الشیخ: ابواسامه از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: علی ابن الحسین علیه السلام فرمود: صدقه خشم خداوند را فرو مینشاند. فرمود: و ایشان پیش از آنکه به سائل چیزی می داد، آن را میبوسید. به او گفته شد: چه چیزی تو را به این کار وا میدارد؟ فرمود: من دست سائل را نمیبوسم بلکه دست خدایم را میبوسم. صدقه پیش از آنکه به دست سائل برسد به دست خدا می رسد. (3)

64. دعوات الراوندی: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صدقه هفتاد در شرّ و بدبختی را میبندد.

و روایت شده که گدایی بر خیمه ای ایستاد و در آن خیمه زنی بود که کودکی در گهواره داشت و آن زن غذا میخورد و فقط یک لقمه برایش باقی مانده بود، پس آن لقمه را به گدا داد. پس از ساعتی، گرگ فرزندش را از گهواره ربود. پس به

1- . نوادر راوندی : 2
2- . نوادر راوندی : 53

3- . امالی طوسی 2 : 285

دنبالش رفت. گرگ بدون اینکه آسیبی به او رسانده باشد، او را انداخت. (زن) ندایی شنید که میگفت: این لقمه به جای آن لقمه.

65. نهج البلاغه: امیرالمومنین فرمود: صدقه دوایی موثر است. (1)

66. نهج البلاغه: امیرالمومنین فرمود: روزی را با صدقه دادن فرود آورید. (2)

و فرمود: آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است. (3)

و فرمود: آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد.

سید رضی الله عنه می گوید: معنی سخن این است که آنچه انسان از اموال خود در راه خیر و نیکی انفاق می کند، هر چند کم باشد، خداوند پاداش او را بسیار می دهد. منظور از «دو دست» در اینجا دو نعمت است که امام علیه السّلام بین نعمت پروردگار و نعمت از ناحیه انسان را با کوتاهی و بلندی فرق گذاشته است که نعمت و بخشش از ناحیه بنده را کوتاه، و از ناحیه خداوند را بلند قرار داده است. بدان جهت که نعمت خدا همیشگی و چند برابر نعمت مخلوق است، چرا که نعمت خداوند اصل و اساس تمام نعمتها است، بنا بر این تمام نعمتها به نعمتهای خدا باز می گردد و از آن سرچشمه می گیرد. (4)

و فرمود: هرگاه تهیدست شدید با صدقه دادن با خدا تجارت کنید. (5)

و ایشان در وصیت به پسرش امام حسن علیه السلام فرمود: بدان راهی پر مشقّت و بس طولانی در پیش روی داری، و در این راه بدون کوشش بایسته و تلاش فراوان و اندازه گیری زاد و توشه و سبک کردن بار گناه، موفّق نخواهی بود. بیش از تحمّل خود بار مسئولیّت ها بر دوش منه، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است. اگر مستمندی را دیدی که توشه ات را تا قیامت می برد و فردا که به آن نیاز داری به تو باز می گرداند، کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار؛ و اگر قدرت مالی داری، بیشتر انفاق کن، و همراه او بفرست، زیرا ممکن

1- . نهج البلاغه : حکمت 6

2- . نهج البلاغه : حکمت 137
3- . نهج البلاغه : حکمت 138
4- . نهج البلاغه : حکمت 232
5- . نهج البلاغه : حکمت 258

است روزی در رستاخیز در جستجوی چنین فردی باشی و او را نیابی. به هنگام بی نیازی اگر کسی از تو وام خواهد، غنیمت بشمار، تا در روز سختی و تنگدستی به تو باز گرداند،

تا این سخن او: از دنیا تنها آنقدر مال تو خواهد بود که با آن سرای آخرتت را اصلاح کنی و اگر قرار است برای چیزی که از دست رفته ناراحت شوی و بی تابی کنی، پس برای هر چیزی که به تو نرسیده نیز ناراحت باش. (1)

67. کنزالکراجکی: یونس ابن بعقوب از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: ملعون است ملعون است کسی که خدا به او مالی بخشیده و او از آن هیچ صدقه ای نمیدهد. آیا نشنیدی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صدقه یک درهم از نماز ده شب برتر است.

67. عده الداعی: زین العابدین علیه السلام به خدمتکار میفرمود: مقداری نزد فقیر مکث کن تا دعا کند.

و فرمود: دعای فقیر برگشت ندارد.

و به خادمی که مأمور صدقه دادن به فقیر بود، امر می کرد که به فقیر بگوید دعا کند.

از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام نقل شده که فرمود: وقتی به فقرا چیزی می دهید به آنان تلقین کنید که دعا کنند، چون دعای اینان در حق شما مستجاب می شود ولی در حق خودشان، خیر.

امام زین العابدین علیه السلام وقتی صدقه ای می داد، دست خود را می بوسید، علت آن را از حضرت جویا شدند. فرمود: قبل از اینکه صدقه در دست سائل نهاده شود، در دست خداوند قرار می گیرد.

امیر المومنین علی علیه السلام میفرماید: وقتی به فقیری چیزی می دهید، کسی که داده، دست خود را به طرف دهان خویش برده آن را ببوسد، چون قبل از اینکه صدقه در دست سائل قرار گیرد، خداوند متعال آن را تحویل می گیرد چراکه او تحویل گیرنده صدقات است.

1- . نهج البلاغه : نامه 31

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صدقه ای که مؤمن آن را می دهد، قبل از اینکه در دست فقیر واقع شود، در دست خداوند متعال قرار می گیرد. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «أَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»،(1) {آیا ندانسته اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد، و خداست که خود توبه پذیر مهربان است؟ }

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند متعال میفرماید: برای هر عمل خیری، کسی را وکیل کرده ام که آن را تحویل بگیرد، غیر از صدقه که خودم با دستم فورا آن را می گیرم. ممکن است مردی یا زنی یک دانه یا یک نصف دانه خرما صدقه بدهد، من آن را بزرگش می کنم همانگونه که شخص بچه شتر یا کره اسبش را بزرگ می کند، تا جایی که روز قیامت مرا ملاقات می کند در حالی که آن یک دانه یا نیم دانه خرما به اندازه کوه احد گردیده است.

و امام صادق علیه السلام فرمود: از راه صدقه دادن روزیتان را فرود آورید.

روزی آن حضرت به فرزندش «محمد» فرمودند: فرزندم، چه مقدار از آن خرجی نزد تو هست؟ گفت: چهل دینار. فرمود: آن را بیرون بیاور و در راه خدا صدقه بده. گفت: غیر از این چیز دیگری نداریم. فرمود: آن را در راه خدا بده، خداوند متعال آن را جایگزین می کند، مگر نمی دانی که هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی، صدقه است؟ پس آن را صدقه بده. فرزند حضرت آن کار را انجام داد. ده روز نگذشت که از طریقی، چهل هزار دینار به حضرت رسید.

و فرمود: بخشش در راه خدا موجب پرداخت بدهکاری می شود و برکت برجای می گذارد.

و فرمود: هر گاه فقیر و بی چیز شدید، از طریق صدقه دادن، با خدا معامله کنید.

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا صدقه هفتاد بلا و مرض از بلاهای دنیا را دفع می کند به اضافه مرگ بد که صدقه دهنده هرگز با مرگ بد نمی میرد.

1- . توبه / 104

- گفته شده روزی حضرت عیسی علیه السّلام با اصحابش نشسته بودند که مردی از کنار آنان گذشت. حضرت به یاران خود فرمود: این مرد خواهد مرد. چیزی نگذشت که آن مرد برگشت در حالی که یک بار هیزم حمل می کرد. اصحاب پرسیدند: ای روح اللّه! به ما خبر دادی که او می میرد ولی الآن می بینیم که زنده است. عیسی علیه السّلام به آن مرد گفت: بار خود را بر زمین بگذار. آن مرد بارش را بر زمین گذاشت و آن را باز کرد. ناگاه دیدند مار بزرگ سیاهی در حالی که سنگی در دهان دارد در بین هیزمهاست. حضرت به آن مرد فرمود: امروز چکار کرده ای؟ او گفت: ای روح اللّه! دو قرص نان داشتم، گدایی از کنارم گذشت، یکی از آن دو قرص را به او دادم.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس نیکو صدقه بدهد، خداوند متعال بعد از مرگ او بهتر از آن را برای فرزندانش جایگزین می نماید.

امام صادق علیه السّلام در سرزمین «منا» بودند که فقیری نزد آن حضرت آمد، ایشان دستور دادند یک خوشه انگور به او بدهند. فقیر گفت: به این نیازی ندارم، پول می خواهم. حضرت فرمودند: خدا برایت گشایشی قرار بدهد. آن فرد با دست خالی رفت، بعد فقیر دیگری آمد و حضرت سه دانه انگور به او دادند، فقیر آن سه دانه را گرفت و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» که به من روزی داد. حضرت که این صحنه را دیدند، به او فرمود: صبر کن، آنگاه به اندازه دو کف دستشان به او انگور دادند آن مرد گرفت و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ». حضرت فرمودند: صبر کن. به خدمتکارشان فرمودند. چند درهم همراه تو است؟ گفت: حدود بیست درهم. فرمود: همه را به او بدهید. آن مرد درهم ها را گرفت و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» خدایا! این بخشش از جانب تو است، تو واحدی و شریکی برایت نیست. باز حضرت فرمود: بایست. آنگاه پیراهنی که بر تن داشتند در آورده به او فرمود: این را بپوش. آن مرد پیراهن را پوشید و گفت: سپاس خدایی را که مرا پوشانید و خوشحالم کرد، ای بنده خدا! خدایت پاداش خیر دهد. با همین جمله خداحافظی کرد و رفت. راوی گوید: گمان ما این بود که اگر خداحافظی نمی کرد، حضرت همین طور به او می بخشید، چون هر وقت می گفت «الحمد للّه» چیزی به او می داد.

امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر کسی صدقه ای داد و آن صدقه برگشت، مبادا با آن معامله ای انجام دهد و مصرفش نماید، چون (این صدقه مال خداست و) کسی را نباید شریک خدا ساخت، این مال، نظیر برده آزادشده ای است که بردگی مجدّدش صحیح نیست.

و از آن حضرت در مورد فردی که تا مالش را جهت دادن صدقه خارج کند، فقیر رفته بود، نقل است که فرمود: آن مال را به دیگری بدهد و به اموال خودش برنگرداند. (1)

ابن فهد رحمه الله میگوید: صدقه بر پنج قسم است:

اوّل، صدقه مال که گذشت.

دوّم، صدقه جاه و مقام است، که انسان دارای مقام، برای نجات مؤمنین، شفاعت کند. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: برترین صدقه، صدقه زبان است. سؤال شد یا رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صدقه زبان چیست؟ فرمود: شفاعت است که از این طریق می توانی اسیر را آزاد کنی، از خونریزی جلوگیری نمایی، به برادر مؤمنت نیکی برسانی و بدی را از او دفع کنی. و گفته شده: همدردی و همیاری در مال و مقام داشته باشی، موجب بقای! آن دو می شود.

سوّم، صدقه دانایی و رأی است که آن مشورت می باشد. از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده است که فرمودند: با دانشتان برادر مؤمنتان را راهنمایی کنید و با رأی و نظرتان او را حفظ نمایید.

چهارم، صدقه زبان است که میان مردم واسطه شود و سعی نماید آتش اختلافات را خاموش کرده، بین آنان صلح برقرار کند. خداوند متعال می فرماید: «لا خَيْرَ فِی كَثِيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النَّاسِ»،(2) {در بسیاری از رازگوییهای ایشان خیری نیست، مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم، فرمان دهد.}

1- . عده الداعی : 44 - 46

2- . نساء / 114

پنجم، صدقه علم است از طریق بذل و انتشار آن در بین کسانی که صلاحیت و استحقاقش را دارند.

از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل شده است که فرمود: یکی از انواع صدقات این است که انسان دانش بیاموزد و بعد به مردم بیاموزاند. و نیز فرمود: زکات دانش این است که آن را به کسی که نمی داند، بیاموزی.

از امام صادق علیه السّلام نقل است که فرمود: هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم این است که آن را به اهلش بیاموزد. علی علیه السلام باغی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درختانش را برای او کاشته و خود به دست خویش آن را آب داده بود، به دوازده هزار درهم فروخت. هنگامی به خانه بازگشت که همه آن پول را در راه خدا انفاق کرده بود. فاطمه علیها السلام گفت: تو می دانی که چند روز است ما مزه خوراک را نچشیدیم و سخت گرسنه ایم، تو خود نیز چون مایی، پس چرا از آن پول به اندازه قوتی برای روزی ما نگاه نداشتی؟ گفت: چهره هایی مرا از نگاه داشتن بازداشت که دلم نیامد خواری سؤال را بر آنها ببینم. (1)

69. اعلام الدین: علی علیه السلام میفرماید: بیماریها زکات بدن و نیکی کردن زکات نعمت است.

70. الهدایه: صدقه بلا و مصیبت را دفع میکند و روزی و ثروت را میافزاید و مرگ بد را بر میگرداند و صدقه پنهانی خشم پروردگار را فرو مینشاند و صدقه حلال نیست مگر برای نیازمند و جایز نیست به ناصبیها داده شود.

و امام صادق علیه السلام فرمود: آیه الکرسی را بخوان و هر روزی که خواستی حجامت کن؛ و صدقه بده و هر روزی که خواستی سفر کن.

71. کتاب امامه و تبصره: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت میکند که فرمودند: صدقه به بینوا، صدقه است و به خویشاوندان صدقه و صله (هدیه) است.

1- . عده الداعی : 47

و از ایشان با همین سند روایت شده که فرمودند: صدقه بلا و مصیبت را دفع میکند و موثرترین دارو میباشد و قضا و قدر حتمی را بر میگرداند و دردها فقط با دعا و صدقه از بین میرود.

و از ایشان با همین سند روایت شده که فرمودند: صدقه پنهانی خشم پروردگار را فرو مینشاند. ادامه روایت.

موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرش از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمودند: وعده دادن همچون بخشیدن است.

72. اربعین شهید رحمه الله: از ابوایوب حزاز نقل می کند: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: وقتی آیه «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها»، (1) {هر کس نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت.} نازل شد، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: بار خدایا بر من افزون فرما. پس خداوند متعال آیه «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثِیرَهً»،(2) {کیست آن کس که به [بندگانِ] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟} نازل گردانید. آنگاه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم دانست که کثرت و زیادی از جانب خداوند متعال به شمارش نیاید و به پایان نرسد.

1- . نمل / 89
2- . بقره / 245

باب پانزدهم : باز هم در باب صدقه، اضافه بر آنچه در باب سابق گذشت

آیات:

- يَسْأَلُونَکَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِيمٌ. (1)

{از تو می پرسند: «چه چیزی انفاق کنند [و به چه کسی بدهند]؟» بگو: «هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه مانده تعلّق دارد، و هر گونه نیکی کنید البتّه خدا به آن داناست.» }

و خداوند متعال میفرماید: وَيَسْأَلُونَکَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِکَ يُبيِّنُ اللّهُ لَكُمُ الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ. (2)

{و از تو می پرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «ما زاد [بر نیازمندی خود] را.» این گونه، خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می گرداند، باشد که در [کار] دنیا و آخرت بیندیشید. }

و خداوند پاک و منزه میفرماید: الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللّهِ ثُمَّ لاَ يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُواْ مَنًّا وَلاَ أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ *قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَآ أَذًى وَاللّهُ غَنِىٌّ حَلِيمٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تُبْطِلُواْ صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالأذَى كَالَّذِى يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاء النَّاسِ وَلاَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لاَّ يَقْدِرُونَ عَلَى

1- . بقره / 215
2- . بقره / 219

بِشَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُواْ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ * وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاء فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمُ الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَلاَ تَيَمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلاَّ أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ * الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاء وَاللّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلاً وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.(1)

{کسانی که اموالِ خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس در پیِ آنچه انفاق کرده اند، منّت و آزاری روا نمی دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند. گفتاری پسندیده [در برابر نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندیِ آنان] بهتر از صدقه ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی نیاز بردبار است. ای کسانی که ایمان آورده اید، صدقه های خود را با منّت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند. و مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می کنند، همچون مَثَلِ باغی است که بر فراز پشته ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، بارانِ ریزی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن [باغ] از هر گونه میوه ای [فراهم] باشد، و در

1- . بقره / 262 - 268

حالی که او را پیری رسیده و فرزندانی خردسال دارد، [ناگهان] گردبادی آتشین بر آن [باغ] زند و [باغ یکسر] بسوزد؟ این گونه، خداوند آیات [خود] را برای شما روشن می گرداند، باشد که شما بیندیشید. ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که آن را [اگر به خودتان می دادند] جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید، و بدانید که خداوند، بی نیاز ستوده [صفات] است. شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد و [لی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. }

و خداوند متعال میفرماید: إِن تُبْدُواْ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاء فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ * لَّيْسَ عَلَيْکَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللّهَ يَهْدِي مَن يَشَاء وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلاَّ ابْتِغَاء وَجْهِ اللّهِ وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لاَ تُظْلَمُونَ * لِلْفُقَرَاء الَّذِينَ أُحصِرُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ لاَ يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاء مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لاَ يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِيمٌ * الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ. (1)

{اگر صدقه ها را آشکار کنید، این، کارِ خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است و بخشی از گناهانتان را می زداید، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. هدایتِ آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می کند، و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست، و [لی] جز برای طلب خشنودیِ خدا انفاق مکنید، و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت. [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده اند، و نمی توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدّت خویشتن داری، فرد

1- . بقره / 272- 274

بی اطلاع، آنان را توانگر می پندارد. آنها را از سیمایشان می شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است. کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. }

- لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَىْءٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِيمٌ. (1)

{هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست. }

- وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاء النَّاسِ وَلاَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاء قِرِينًا. (2)

{و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند، و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند. و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است. }

- قُلْ أَنفِقُواْ طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ * وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلاَّ أَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلاَ يَأْتُونَ الصَّلاَةَ إِلاَّ وَهُمْ كُسَالَى وَلاَ يُنفِقُونَ إِلاَّ وَهُمْ كَارِهُونَ. (3)

{بگو: «چه به رغبت چه با بی میلی انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد، چرا که شما گروهی فاسق بوده اید.» و هیچ چیز مانع پذیرفته شدنِ انفاقهای آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند، و جز با [حال] کسالت نماز به جا نمی آورند، و جز با کراهت انفاق نمی کنند. }

- وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ. (4)

{و منّت مگذار و فزونی مَطلَب. }

- وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا *إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلَا شُكُورًا.(5)

1- . آل عمران / 92
2- . نساء / 38
3- . توبه / 53 - 54
4- . مدثر / 4
5- . دهر / 8 - 9

{و به [پاس] دوستیِ [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند.

«ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.}

روایات:

1. الخصال: امیرالمومنین فرمود: هر گاه به دست سائلی چیزی دادید، از او بخواهید که برای شما دعا کند که دعای او درباره شما پذیرفته میشود ولی در مورد خودش پذیرفته نیست، چرا که آنان دروغ می گویند. هر که دستش به دست سائل می رسد دست خود را به طرف دهانش آورده و ببوسد که صدقه پیش از آن که در دست سائل قرار گیرد، در دست خداوند متعال قرار می گیرد، همان طور که خداوند می فرماید: «أَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»،(1) {آیا ندانسته اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد، و خداست که خود توبه پذیر مهربان است؟} (2)

2. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: براستی خدای تبارک و تعالی شش خصلت را برایم مکروه داشت و من هم پس از خودم برای اوصیاء از فرزندانم و پیروانم مکروه و ناپسند میدارم: بازی در نماز، جماع در روزه، منت پس از صدقه دادن، جنب رفتن در مساجد، سرکشی در خانه ها، خنده میان قبرها. (3)

المحاسن: محمد بن سلیمان از پدرش از امام صادق علیه السلام مثل این حدیث را روایت کرده است. (4)

1- . توبه / 104
2- . الخصال 2 : 160
3- . امالی صدوق : 38
4- .المحاسن : 10

3. الخصال،(1) امالی صدوق: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: همانا خداوند منت نهادن پس از صدقه دادن را مکروه و ناپسند شمرده و از آن نهی فرموده است. (2)

4. امالی صدوق: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: و هر که برای مسلمانی کار خیری انجام دهد و با این کار بر او منت نهد، خداوند عمل او را از بین ببرد و وزر آن را بر او باقی نگهدارد و کوشش او را مورد تشکر قرار ندهد. نیز فرمود: خداوند عزّ و جل می فرماید: خداوند بهشت را بر منّت گذار و بخیل و سخن چین حرام کرده است. (3)

5. قرب الاسناد: ابن زیاد از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: سه کس وارد بهشت نمیشوند: فرزندی که از پدر و مادر نافرمانی کند، و کسی که به می گساری بپردازد و کسی که به خاطر عمل نیکی، بر دیگران منّت گذارد. (4)

6. الخصال: ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل میکند که فرمود: خداوند با سه کس سخن نمی گوید: منّت گذار که به کسی چیزی نمی دهد مگر اینکه منّت می گذارد و کسی که دامن خود را رها سازد (که نشانه تکبر است) و کسی که کالای خود را با سوگند دروغ می فروشد. (5)

7. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش از علی علیه السلام نقل میکند که میفرمود: اگر کسی صدقه ای داد و آن صدقه به خودش برگشت مبادا مصرفش نماید و میبایست آن را به سر انجام رساند چراکه منزلت این صدقه به مانند آزاد کردن برده در راه خداست. پس اگر شخصی برده ای را در راه خدا آزاد کند و آن برده به او برگشت داده شود، از کاری که برای خداد انجام داده، باز نمیگردد، و بر این منوال اگر صدقه ای داد نباید آن را بازپس گیرد. (6)

1- . الخصال 2 : 102
2- . امالی صدوق : 181
3- . امالی صدوق: 259
4- . قرب الاسناد : 55

5- . الخصال 1 : 86
6- . قرب الاسناد : 59

8. تفسیر قمی: : «الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ ثُمَّ لاَ یُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُواْ مَنًّا وَلاَ أَذًی»،(1) {کسانی که اموالِ خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس در پیِ آنچه انفاق کرده اند، منّت و آزاری روا نمی دارند.} امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که به مؤمنی نیکی کند سپس او را با زبان خود آزار دهد و یا بر او منت گذارد، صدقه اش باطل می گردد. سپس برایش مثال زد و فرمود: «کالَّذِی ینفِقُ مَالَه رِئَاء النَّاسِ وَلاَ یؤْمِنُ بِاللّه وَالْیوْمِ الآخِرِ فَمَثَلُه کمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَیه تُرَابٌ فَأَصَابَه وَابِلٌ فَتَرَکه صَلْدًا لاَّ یقْدِرُونَ عَلَی شَیءٍ مِّمَّا کسَبُواْ وَاللّه لاَ یهدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ»(2) {مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند}

و فرمود: هر کس که منت گذاری و آزارش به کسی که به او صدقه داده زیاد باشد، صدقه اش باطل می گردد؛ همان گونه که خاکی که روی صفوان است از بین می رود. صفوان، صخره بزرگی است که در صحرا می باشد، و باران می آید و خاکی که روی آن است را می شوید و با خود می برد. پس خداوند این مثال را برای کسانی زد که کار نیکی را انجام می دهند، ولی بعد از آن منت می گذارند و آزار می دهند.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیز برایم دوست داشتنی تر از این نیست که به سوی کسی دستم به نیکی سبقت جوید و به دنبال آن با دست دیگرم نیکی کنم چون دیده ام که خودداری کردن از نیکی، موجب ناسپاسی نیکی های قبلی می گردد؛ سپس مؤمنانی که اموال خود را برای رضای خدا و بدون هیچ منت و آزاری انفاق می کنند را مثال زد و فرمود: «وَمَثَلُ الَّذِینَ ینفِقُونَ أَمْوَالَهمُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ وَتَثْبِیتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ کمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَها وَابِلٌ فَآتَتْ أُکلَها ضِعْفَینِ فَإِن لَّمْ یصِبْها وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللّه بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ»(3) {و مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا

1- 1. بقره / 262

2- 2. بقره / 264
3- . بقره / 265[3]

و استواری روحشان انفاق می کنند، همچون مَثَلِ باغی است که بر فراز پشته ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، شبنمی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.} فرمود: مَثل آنان همچون باغی است که بر فراز تپه ای قرار دارد که اگر رگباری بر آن برسد، محصولش دو چندان شود؛ به عبارت دیگر، محصولش چندین برابر می شود همان گونه که پاداش کسی که مال خود در راه رضای خدا انفاق می کند، چندین برابر می شود، و طلّ، همان شبنمی است که شبانگاه بر درختان و گیاهان می نشیند و فرمود: خدا برای هرکس که بخواهد، چندین برابر می گرداند، برای هر آن کس که مال خود را در راه رضای خدا انفاق می کند.

فرمود: هر آن کس که مال خود را در راه رضای خدا انفاق کند، سپس بر کسی که به او صدقه داده منت نهد، مصداق این سخن خداوند خواهد بود: «أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكونَ لَه جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِها الأَنْهارُ لَه فِيها مِن كلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَه الْكبَرُ وَلَه ذُرِّيهٌ ضُعَفَاء فَأَصَابَها إِعْصَارٌ فِيه نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ»(1) {آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن [باغ] از هر گونه میوه ای [فراهم] باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندانی خردسال دارد، [ناگهان] گردبادی آتشین بر آن [باغ] زند و [باغ یکسر] بسوزد؟ این گونه، خداوند آیات [خود] را برای شما روشن می گرداند، باشد که شما بیندیشید} فرمود: منظور از اِعصار، همان بادهاست، بنابراین هر که بر کسی که به او صدقه داده است منت نهد، همچون فردی خواهد بود که باغ پر ثمری داشته باشد؛ در حالی که خود مردی سالخورده و ناتوان است و فرزندانی ناتوان دارد و ناگهان باد و آتشی می آید و تمام مال او را می سوزاند. (2)

9. تفسیر قمی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَلاَ تَيَمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ»،(3) {ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین

1- 1. بقره / 266[1]
2- . تفسیر قمی : 81 - 82

3- . بقره / 267

برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که آن را [اگر به خودتان می دادند] جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید} سبب نزول این آیه این بود که گروهی از مردم پس از آنکه خرمای نخل را چیدند بدترین نوع خرمایشان را گرفته و از آن صدقه میدادند، پس خداوند آنها را از این کار نهی کرد و فرمود: «وَلاَ تَيَمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ» {و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که آن را [اگر به خودتان می دادند] جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید} یعنی اگر این نوع خرما به شما داده شد، نمیگرفتید. (1)

10. الاحتجاج: حمیری به امام قائم علیه السلام نامه ای نوشت و از ایشان سؤال کرد، درباره مردی که قصد هزینه کردن مقداری از اموال خود و پرداخت آن به یکی از برادران ایمانیش را می کند، سپس در نزدیکان و خویشان خود فردی محتاج را می یابد، آیا می تواند از نیّت خود برگشته و آن را به فامیل محتاجش بدهد؟ پاسخ فرمود: آن مال را به کسی از آن دو دهد که به مذهب و عقیده او نزدیکتر است. پس اگر می خواهد به حدیث حضرت عالم (امام هادی) علیه السّلام که فرموده: «خداوند در حالی که فامیل و نزدیک محتاجی باشد صدقه را نمی پذیرد» عمل کند، پس آن را میان فامیل نزدیک و آنکه نیت داشت به او بدهد، تقسیم کند تا به هر دو فضیلت دست یابد. (2)

11. امالی طوسی: از جمله وصیتهای امیرالمومنین علی علیه السلام این بود که فرمود: طعامی را مخور تا اینکه پیش از خوردن چیزی از آن را صدقه دهی. (3)

12. الخصال: ابو امامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمودند: خداوند در روز قیامت به چهار کس نگاه نمیکند: فرزند نافرمان پدر و مادر، منت گذار و کسی که تقدیرات خداوند را دروغ پندارد و میگسار. (4)

1- . تفسیر قمی : 83
2- . الاحتجاج : 275
3- . امالی طوسی 1 : 7

4- . الخصال 1 : 94

13. تفسیر قمی: «وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ»،(1) {و منّت مگذار و فزونی مَطلَب.} در روایت ابوجارود از امام باقر علیه السلام روایت شده که در مورد این آیه میفرمود: وقتی به شخصی چیزی را بخشش میکنی، بیش از آنچه بخشیده ای از آن شخص مخواه. (2)

14. ثواب الاعمال: ابوبصیر روایت میکند که امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرمود: هیچ کس بر مستمندی ناتوان صدقه ندهد و آن مستمند آن هنگام بر او دعایی نکند جز آنکه برآورده گردد. (3)

15. زید ابن علی از پدرانش از علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: منت گذار، سخن چین و میگسار. (4)

16. المحاسن: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت میکند که فرمود: اگر کسی صدقه ای داد و آن صدقه به خودش برگشت، باید آن را برگرداند و مصرفش ننماید، چون (این صدقه مال خداست و) کسی را نباید شریک خدا ساخت. این مال، نظیر برده آزادشده ای است که بردگی مجدّدش صحیح نیست. (5)

17. تفسیر عیاشی: ابوبصیر از ابو جعفر، امام باقر علیه السلام روایت می کند که می فرماید: «إِعْصَارٌ فِيه نَارٌ»، {گرد بادی که درآن آتش است} فرمود: باد است. (6)

18. تفسیر عیاشی: عبد الله بن سنان، از ابو عبد الله علیه السلام راجع به این سخن باری تعالی: «يا أَيها الَّذِينَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيبَاتِ مَا كسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكم مِّنَ الأَرْضِ وَلاَ تَيمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْه تُنفِقُونَ»،(7) {ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.} روایت می کند که می فرماید: مردمی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند که از بدترین آن

1- . مدثر / 4
2- . تفسیر قمی : 702

3- . ثواب الاعمال : 130
4- . ثواب الاعمال : 241
5- . المحاسن : 252
6- . تفسير عياشى 1 : 148
7- . بقره / 267

چه که نزد خود داشتند، از خرمای پوست نازک و هسته درشت، که به آن مُعافاره گفته می شود، صدقه می دادند. پس خداوند راجع به آن آیه: «وَلاَ تَیمَّمُواْ الْخَبِیثَ مِنْه تُنفِقُونَ» را نازل فرمود. (1)

19. تفسیر عیاشی: یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: «لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ»،(2) {هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید} این آیه را این گونه بخوان. (3)

20. مجالس مفید: امام صادق از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمودند: چهار چیز از گنجهای نیکویی است: پوشاندن احتیاج، پوشاندن صدقه، پوشاندن بیماری و پوشاندن مصیبت. (4)

21. مکارم الاخلاق: یکی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام میگوید: به آن حضرت عرض کردم که: من دو آیه در قرآن دیده ام که هر چه آن دو را می طلبم نمی یابم. فرمود: چیست؟ گفتم: این آیه: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»،(5) {مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.} و هر چه من خدا را می خوانم دعایم مستجاب نمی گردد، فرمود: گمان میکنی که خداوند خلف وعده میکند؟ گفتم: نه. فرمود پس چه گمان میکنی؟ گفتم نمیدانم. فرمود: پس من واقع را برایت بگویم: هر که اوامر الهی را اطاعت کند و بعد او را با شرایط دعا بخواند، خداوند دعایش را مستجاب نماید، پرسیدم شرایط و جهات دعا چیست؟ فرمود اول خدا را حمد کنی و بعد نعمت هایش را متذکر شوی و شکر آنها را به جا آوری بعد بر پیامبر و خاندانش درود فرستی، بعد گناهانت را به یاد آری، و به آنها اقرار نمایی و از آنها استغفار کنی، اینها شرایط و جهات دعا است.

1- . تفسیر عیاشی 1 : 148
2- . آل عمران / 92
3- . تفسیر عیاشی 1 : 184
4- . مجالس مفید : 12
5- . غافر / 60

بعد امام پرسید آیه دیگر کدام است؟ گفتم: این آیه: «وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ»،(1) {و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می دهد.} من انفاق میکنم و عوض نمی بینم. فرمود: به گمانت که خدا خلف وعده میکند؟ گفتم: نه، فرمود: پس چه خیال میکنی؟ و فرمود: اگر کسی از حلال مالی به دست آورد و از آن انفاق کند، درهمی را انفاق نمی کند، مگر آنکه خداوند به او عوض میدهد. (2)

فلاح السائل: عثمان بن عیسی از برخی از اصحاب ما از امام صادق علیه السلام مثل این حدیث را روایت کرده است. (3)

22. کتاب حسین بن سعید و کتاب النوادر: وصافی از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: نیکی کردن بر عمر میافزاید و صدقه پنهانی خشم خداوند را فرو مینشاند.

23. کتاب «قضاء الحقوق» از صوری: اسحاق ابن ابوابراهیم ابن یعقوب میگوید: نزد امام صادق بودم و معلّی ابن خنیس نیز حضور داشت که مردی از اهل خراسان بر او وارد شد و گفت: ای پسر رسول خدا، شما میدانید که من دوستدار شما اهل بیت هستم و میان من و شما مسافت (فاصله) زیادی است. من فقیر شدم و جز به یاری تو نمی توانم به نزد کسان خود بروم! امام صادق به چپ و راست نگاه کرد و گفت: آیا نمی شنوید که برادرتان چه می گوید؟ کار خیر آن است که پیش از درخواست، آغاز شود و اگر به کسی پس از اینکه درخواست کرد چیزی بدهی، پاداش آن مقدار آبروی اوست که به تو بخشیده است.

سپس فرمود: تمام شب را به بیداری و ناراحتی گذرانده و میان امید و نومیدی به سر برده است، بی آنکه بداند برای نیاز خود به کجا رو کند؛ سپس عزم جزم کرده است و با قلبی تپنده و دست و پایی لرزان و گونه ای افروخته از شرم، رو به تو آورده است، بی آنکه بداند با افسردگی از پیش تو باز خواهد گشت یا با شادی و موفقیت؟ پس اگر به او ببخشی، میبینی که او را به مقصد رساندهای. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «سوگند به آن که دانه را شکافت، و آدمی

1- . سبا / 39

2- . مكارم الاخلاق : 321
3- . فلاح السائر : 38

را آفرید، و مرا به حق به پیامبری برانگیخت، رنجی که سؤال کننده در نتیجه سؤال کردن از تو تحمل می کند، بسیار بزرگتر از آن خیر و نیکی است که از تو به او می رسد.» پس برای مرد خراسانی پنج هزار درهم جمع کردند و به او دادند.

24. الاختصاص: حسن ابن علی حلال از پدربزگش نقل میکند که میگوید: از حسین ابن علی علیه السلام شنیدم که میفرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود: در بخشش از آن کسی شروع کن که نانخور توست: مادرت، پدرت، خواهرت و برادرت، سپس نزدیکترین کس به تو و سپس نزدیکترین کس به تو و فرمود: صدقه مورد قبول خداوند واقع نمیشود درحالی که فامیل و خویشاوند محتاج باشد. (1)

25. مصباح الانوار: ابو سعید خدری روایت کرده است: در صبح یکی از روزها علی علیه السّلام به فاطمه علیها السّلام گفت: آیا طعامی برای خوردن داریم؟ فاطمه گفت: نه، به حقّ خدایی که پدرم را به نبوّت و پیامبری و تو را به وصایت و جانشینی او گرامی داشت، چیزی در خانه نداریم و دو روز است که چیزی پیش من نبوده مگر اینکه تو را بر خودم و این دو فرزندم حسن و حسین مقدم می داشتم. علی فرمود: ای فاطمه! چرا مرا آگاه ننمودی تا غذایی تهیّه نمایم؟ فاطمه گفت: ای ابو الحسن! من از خداوند شرم دارم از تو چیزی بخواهم که قدرت بر تهیّه آن نداشته باشی.

علی علیه السّلام با توکّل و امید به کرم و بخشش خداوند متعال از خانه خارج گردید و یک دینار قرض کرد تا برای خرید طعام مصرف کند، ولی در این هنگام مقداد را دید و آن روز بسیار گرم بود و گرمای سوزان آفتاب از بالا، رنگ چهره او را عوض کرده و از پایین، او را اذیت کرده بود. امیرالمومنین با دیدن او از وضعیتش متعجب شد: ای مقداد! در زیر این آفتاب سوزان و در این موقع از روز برای چه از خانه خارج شده ای؟ مقداد گفت: ای ابوالحسن! مرا واگذار و در باره احوال من پرسش مکن! علی علیه السّلام فرمود: ای برادر! من نمی توانم از تو درگذرم مگر آنکه بدانم بر تو چه می گذرد.

1- . الاختصاص : 219

مقداد گفت: ای ابو الحسن! من رغبت به خدا و تو دارم که مرا رها کنی و از احوال من جستجو نکنی. علی گفت: ای برادر! تو نباید احوال خود را از من کتمان کنی. مقداد گفت: ای ابو الحسن! اکنون که از من در نمی گذری و از پاسخ سؤالت معاف نمی داری، به حقّ آن خدایی که محمّد را به پیامبری و تو را به وصایت او گرامی داشته، غیر از گرسنگی چیزی مرا از خانه ام بیرون نکشیده، هنگامی که گریه خانواده را شنیدم، زمین تحمل مرا نداشت، آنها را گرسنه رها کرده و بیرون آمدم در حالی که مغموم و سرافکنده می باشم، این است حال و وضع من. در این هنگام چشمان امیرالمؤمنین پر از اشک شد بدان گونه که محاسن او از اشک چشمش تر گردیده بود، پس به مقداد گفت: سوگند به حقّ آنکه تو به حقّش سوگند یاد نمودی، همان عاملی که تو را از خانه ات خارج کرده مرا نیز به بیرون از خانه کشانیده و من یک دینار قرض کرده ام ولی دوست دارم که تو را بر خود مقدّم داشته و آن را به تو تقدیم نمایم. پس علی علیه السّلام آن دینار را به مقداد داد و خود به طرف مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفت و در آنجا بود تا نماز ظهر، عصر و مغرب را به جای آورد.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز مغرب را اقامه کرد، از جلو علی علیه السّلام که در صف آخر نماز بود گذر کرد و با پای خود به او ضربه ای زد. پس علی علیه السلام برخاست و جلوی در مسجد به او ملحق شد. پس به او سلام داد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب سلام او را داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! آیا غذایی داری که امشب ما را مهمان کنی؟ و با تو بیاییم؟ علی علیه السّلام سر به زیر افکند و به خاطر شرم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جوابی نداد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی از قضیه دینار و اینکه آن را از کجا آورده و به کجا فرستاده اطلاع پیدا کرده بود و به او امر شده بود که شام را مهمان علی علیه السّلام باشد.

و زمانی که به سکوت علی علیه السلام نگاه کرد فرمود: ای ابوالحسن تو را چه شده چرا چیزی نمیگویی؟ یا بگو نه تا من بازگردم و یا بگو آری تا با تو بیایم. علی علیه السلام از روی شرم و کرم گفت: بفرمایید و مهمان ما باشید. پس رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست علی را گرفت و به راه افتادند. وقتی به خانه فاطمه رسیدند مشاهده کردند که فاطمه در محراب عبادت ایستاده و نمازش را خوانده است و در پشت سر او کاسه ای پر از غذای داغ که بخارش مشهود بود قرار دارد. هنگامی که فاطمه صدای پیامبر را شنید از محراب خارج گردید و سلام نمود و او عزیزترین مردم در نزد پیامبر بود؛ پس پیامبر جواب وی را داده و دستی بر سر دختر عزیزش کشید و گفت: دخترم! روز را چگونه شب کردی؟ گفت: به خوبی. پیامبر فرمود: خدا تو را رحمت کند و یقیناً تو را مورد رحمت قرار داده است، شامی برای ما بیاور. حضرت فاطمه آن کاسه غذا را برداشته و در مقابل پیامبر و علی گذارد.

هنگامی که چشم علی به کاسه غذا افتاد و آن را بوئید، نگاهی توأم با سؤال و تعجب به فاطمه افکند، پس فاطمه گفت: ای علی! نگاه تندی به من می کنی، آیا گناهی کرده ام که مستوجب غضب تو شده باشم؟ علی فرمود: چه گناهی بزرگتر از گناهی است که تو مرتکب شده ای! آیا دیروز را به یاد نداری که با جدیت سوگند خوردی مدّت دو روز است غذا نخورده ای؟ فاطمه نظری به آسمان افکنده و گفت: خداوندی که بر همه چیز آگاه است می داند که از من سخنی غیر از راستی و حقیقت صادر نشده است. علی علیه السّلام فرمود: پس این غذایی که از نظر رنگ، بو و مزه نظیر آن را ندیده ام از کجا فراهم شده است؟

گفت: در این حال پیامبر دست مبارک خویش را بین دو شانه علی گذارد و بر آن دست کشید و فرمود: ای علی! این غذا به عوض آن دینارت است؛ این پاداش از جانب خداوند در ازای دینار توست است. همانا خداوند هر کس را که خواهد، بدون حساب روزی می دهد. سپس رسول خدا متأثر و گریان گردیده و فرمود: حمد و سپاس از آن خدایی است که شما را از دنیا نبرد و در همین دنیا جزای کار نیکویتان را عطا فرمود. ای علی! خدا تو را نظیر حضرت زکریا و فاطمه را مثل مریم دختر عمران قرار داده است چرا که خداوند می فرماید: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقاً قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللّهِ إِنَّ اللّهَ يَرْزُقُ مَن

يَشَاء بِغَيْرِ حِسَابٍ»،(1) {زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می شد، نزد او [نوعی] خوراکی می یافت. [می] گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو [آمده است؟ او در پاسخ می] گفت: «این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد، بی شمار روزی می دهد.» }

ص: 191

1- . آل عمران / 37

1. امالی طوسی: ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: همانا خداوند شخص آبرومند و عفیف را دوست دارد و از شخص زشت و گدایی که مصرانه گدایی میکند بیزار است. (1)

2. امالی طوسی: امام رضا علیه السلام از پدارنش روایت میکند که مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به من عملی بیاموز که که بین آن عمل و بهشت حایل و مانعی نباشد. فرمود: خشمگین مشو و از مردم چیزی مخواه و آنچه را برای خود میپسندی برای مردم نیز بپسند. (2)

3. علل الشرایع: امام رضا علیه السلام از جدش امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: خداوند از این جهت ابراهیم علیه السلام را خلیل و دوست خود نمود که درخواست کسی را رد نکرد و هرگز از غیر خدای عزّ و جلّ چیزی نخواست. (3)

4. علل الشرایع: حنان میگوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که میفرمود: از مخالفان حوائج خود را نخواهید و آنها را مکلّف به رفع نیازمندیهای خود نکنید زیرا ایشان نیز روز قیامت ما را مکلّف می کنند حوائجشان را بر طرف نماییم. (4)

1- . امالی طوسی 1 : 37
2- . امالی طوسی 2 : 121
3- . علل الشرایع 1: 32 - 33
4- . علل الشرایع 2 : 250

5. علل الشرایع: با همین اسناد از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود: حوائج و نیازهای خود را از مخالفین نخواهید، چه آنکه این وسیله ای می شود برای آنکه در روز قیامت ایشان به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم راه پیدا کنند. (1)

6. معانی الاخبار: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از گفت و گوی زیاد (قیل و قال) و تباه کردن اموال و درخواست کردن زیاد نهی فرموده است. امّا در باره زیادی سؤال، ایشان از درخواست کردن مال از مردم نهی فرموده، و گاهی شامل سؤال از امور و زیاد بحث کردن در باره آن هم می شود چنان که خدای عزّ و جلّ فرموده است: «لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ»، (2) {از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند مپرسید.}

7. الخصال: برخی از اصحاب ما از امام صادق علیه السلام روایت میکنند که فرمود: در شیعیان ما هر چه باشد، سه خصلت در آنها نیست، از آنها کسی دست به گدایی دراز نمی کند و بخل نمی ورزد و مفعول واقع نمی شود.(3)

8. الخصال: در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام آمده است که به ابوذر فرمودند: ای ابوذر! از سؤال کردن بپرهیز که در آن ذلّت حاضر و فقری زودرس است و در روز قیامت حسابی طولانی دارد. ای ابوذر! دست گدایی دراز مکن و اگر چیزی به تو رسید بپذیر. (4)

9. الخصال: ابن اسباط از برخی اصحابش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: خداوند شیعیان ما را به هر چیزی مبتلا کند، به چهار چیز مبتلا نمی کند: اینکه از زنا به عمل آید یا به گدایی دست دراز کند و یا مفعول واقع شود و یا زاغ چشم و سبز باشد (زاغ چشمی کنایه از عداوت شدید با مردم است). (5)

1- . عل الشرایع 2 : 251
2- . مائده / 101
3- . الخصال 1 : 65

4- . الخصال 1 : 86
5- . الخصال 1 : 107

10. الخصال: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: چهار خصلت در مؤمن نیست: او دیوانه نمی شود، و از خانه های مردم گدایی نمی کند و زاده زنا نیست و مفعول واقع نمی شود. (1)

11. الخصال: ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمودند: همانا خداوند عزیز و بلند مرتبه از شخص فاسد زشت رفتار گدایی که مصرانه گدایی میکند بیزار است. (2)

12. الخصال: محمد بن یحیی از کسی و او از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: همانا خداوند شیعه ما را از شش خصلت معاف کرده است: جنون و جذام و برص و ابنه بودن و اینکه زنازاده باشد و اینکه پیش دیگران دست دراز کند. (3)

13. الخصال: مفضل از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: آگاه باشید که خداوند شیعیان ما را از شش چیز در پناه خود قرار داده است: اینکه طمعی چون طمع کلاغ داشته باشند و یا چون سگ پارس کنند و یا مفعول واقع شوند، و یا زنازاده باشند و یا فرزندی از زنا داشته باشند و یا بر در خانه های مردم گدایی کنند.(4)

14. الخصال: امیرالمومنین فرمود: از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کنید، چراکه ایشان فرمودند: هر کس درِ گدایی و خواهش کردن از مردم را به روی خود بگشاید خداوند درِ فقر و تنگدستی را به روی او میگشاید. (5)

15. الخصال: عبدالحمید بن عواض میگوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خواهش کردن شایسته نیست مگر در سه جا: در باره خونبهایی که ثابت شده و یا بدهی سنگین و یا احتیاجی که انسان را زمین گیر کرده است. (6)

1- . الخصال 1 : 109
2- . الخصال 2 : 128
3- . الخصال 1 : 163
4- . الخصال 1 : 163

5- . الخصال 2 : 158
6- . الخصال 1 : 66

16. الخصال: از امام صادق نقل شده که فرمود: مردی نزد عثمان آمد و او بر در مسجد نشسته بود و از وی درخواست پول کرد و او پنج درهم به او داد. آن مرد گفت: مرا راهنمایی کن. عثمان به او گفت: نزد آن جوان هایی که می بینی برو، و با دستش به ناحیه ای از مسجد که حسن و حسین و عبد اللّه بن جعفر نشسته بودند اشاره کرد.

آن مرد نزد آنان آمد و سلام داد و از آنها درخواست کمک کرد. حسن و حسین علیهما السلام به او گفتند: ای شخص! سؤال کردن جز در سه جا روا نیست: خون بهایی که دردناک است، یا بدهی که دل شکستگی دارد، یا فقری که انسان را زمین گیر می کند؛ تو برای کدام یک سؤال می کنی؟ گفت: برای یکی از این سه مورد. پس امام حسن علیه السلام دستور داد به او پنجاه دینار دادند و امام حسین علیه السلام نیز دستور داد به او چهل و نه دینار دادند و عبد اللّه بن جعفر نیز دستور داد به او چهل و هشت دینار دادند.

آن مرد برگشت و نزد عثمان آمد. عثمان به او گفت: چه کردی؟ گفت: نزد تو آمدم و از تو درخواست کردم و دادی آنچه دادی و از من نپرسیدی که برای چه درخواست می کنم، ولی چون از صاحب موهای بلند درخواست کردم به من گفت: ای شخص برای چه درخواست می کنی؟ چون درخواست کردن جز در سه مورد روا نیست و من علت درخواست کردنم را به او گفتم و به من پنجاه دینار داد و دومی چهل و نه دینار و سومی چهل و هشت دینار دادند، عثمان گفت: برای تو چه کسی مانند این جوان ها می شود؟ آنان علم را یک جا به دست آورده اند و خیر و حکمت را اندوخته اند.

صدوق میگوید: معنای این سخن او «فطموا العلم فطمها» این است که علم را از دیگران بریده اند و آن را برای خود جمع کرده اند. (1)

17. الخصال: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در وصیتی به علی علیه السلام فرمود: یا علی! هشت نفرند که اگر مورد اهانت واقع شوند، کسی را جز خود سرزنش نکنند: کسی که ناخوانده به مهمانی رود و کسی که به صاحب خانه فرمان

1- . الخصال 1 : 66

دهد و کسی که از دشمنانش طلب خیر کند و کسی که از افراد لئیم بخشش بخواهد و کسی که به سرّی که میان دو نفر است وارد شود در حالی که آنها او را وارد نکرده اند و کسی که سلطان را سبک بشمارد و کسی که در مجلسی بنشیند که اهل آن نیست و کسی که سخنی به کسی گوید که گوشش بدهکار نیست. (1)

18. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام میفرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی! خدا فقر را همچون امانتی نزد آفریدگان خود نهاد. پس هر که آن را پنهان دارد، خدا به او پاداش روزه داران شب زنده دار را می دهد؛ و هر که آن را نزد کسی افشا کند که می تواند نیاز او را برآورد و آن کس چنین نکند، نیازمند را کشته است. بدانید که او را با شمشیر و نیزه نکشته، بلکه با جریحه دار کردن قلبش او را کشته است. (2)

19. ثواب الاعمال: حسین ابن علاء از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: خدا بیامرزد بنده ای را که پرهیزکاری پیشه کند و خویشتن داری نماید و از مردم درخواستی نکند؛ زیرا به راستی، درخواست از مردم، خواری در دنیا و آخرت را سریع می کند و مردم چیزی از خواسته های او را برآورده نکنند. (3)

20. ثواب الاعمال: عنبسه ابن مصعب از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر که خوراک سه روزش را دارا باشد و با این حال از مردم گدایی کند، خداوند عز و جلّ را در روز رستاخیز در حالی دیدار کند که گوشتی بر صورت ندارد. (4)

21. ثواب الاعمال: مالک بن حصین سلولی روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نباشد که با وجود بی نیازی، از مردم گدایی کند جز آنکه خداوند او را پیش از مرگش به همان چیز نیازمند سازد و آتش دوزخ را بر او فراهم گرداند. (5)

1- . الخصال 2 : 40
2- . ثواب الاعمال : 166
3- . ثواب الاعمال : 167

4- . ثواب الاعمال: 246
5- . ثواب الاعمال: 246

22. مختار الخرایج: روایت شده که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: دو روز است چیزی نخورده ام، فرمود: برو به بازار (کار کن). فردای آن روز دوباره بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و گفت: ای پیامبر خدا، دیروز به بازار رفتم اما چیزی نیافتم و شب را بدون غذا به سر بردم. فرمود: به بازار برو. پس از آن دوباره نزد ایشان آمد و پیامبر فرمود: به بازار برو. او به بازار رفت. کاروانی آمد و کالایی بر آن بود. آن کالا را بزرگوارانه به یک دینار به او دادند. مرد آن را گرفته و به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: چیزی نیافتم. پیامبر فرمود: آیا از کاروان آل فلان چیزی به دست نیاوردی؟ مرد گفت: نه، پیامبر فرمود: البته، در آن کاروان سهمی برای تو مقرر شد و از آن کالا یک دینار به دست آوردی. مرد گفت: بله. پیامبر فرمود: چه چیزی تو را به این واداشت که دروغ بگویی؟ گفت: گواهی میدهم که تو راستگویی، و انگیزه این کارم این بود که میخواستم بدانم آیا شما از چیزهایی را که مردم انجام می دهند، آگاه هستید؟ و خیر دیگری به خیر اضافه کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: راست گفتی، هر کس احساس نیاز نکند، خداوند او را بی نیاز میکند و هر کس در گدایی را به روی خود بگشاید خداوند هفتاد در از فقر و تنگدستی را بر روی او میگشاید که هیچ چیزی کوچکترین آن را نمیبندد. پس از آن روز آن مرد را ندیدند که گدایی کند. سپس فرمود: صدقه دادن به ثروتمند و همچنین به نیرومند تندرست روا نیست؛ یعنی بر کسی که می تواند از گرفتن صدقه خودداری کند، گرفتن آن حلال نیست. (1)

23. تفسیر عیاشی: جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: خداوند بر کسی که (برای گرفتن مال از مردم، به آنان) بسیار اصرار می کند، خشم می گیرد. (2)

24. تفسیر عیاشی: محمد حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: سه کس هستند که خداوند در روز قیامت به آنها نگاه نمی کند و آنها را

1- . مختار الخرایج 1 : 89
2- . تفسیر عیاشی 1 : 151

پاک نمی کند و آنها دچار عذاب دردناک خواهند شد: مردان دیّوث، افراد فحشا پیشه و فحشاگر و آدم توانمندی که از مردم، طلب مال می کند. (1)

25. تفسیر عیاشی: از هارون بن خارجه نقل شده است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که از مردم چیزی را بخواهد، حال آن که روزی آن روز را دارد، از جمله مسرفان محسوب می شود. (2)

26. السرائر: محمد ابن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای محمد، اگر سائل بداند که درخواستش چه بار سنگینی دارد، هرگز کسی از کس دیگر چیزی طلب نمی کند. و آن کس که از او چیزی می خواهند، اگر بداند که ممانعت هم چه بار عظیمی دارد، هرگز کسی را ردّ نخواهد کرد. سپس فرمود: ای محمد، هر کس با وجود داشتن، دست سؤال و گدایی پیش کسی دراز کند، به هنگام دیدار خدا در روز قیامت چهره ای خراشیده (زشت) خواهد داشت. (3)

27. مجالس مفید: امام صادق علیه السلام از پدرش از جدّش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمودند: چهار چیز از گنجهای نیکویی است: پوشاندن احتیاج، پوشاندن صدقه، پوشاندن بیماری و پوشاندن مصیبت. (4)

28. مکارم الاخلاق: از امیرالمومنین روایت شده که فرمود: از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کنید چراکه ایشان میفرماید: هر کس در خواهش و گدایی را بر روی خود بگشاید، خداوند در فقر را بر روی او خواهد گشود.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست که بدون نیازمندی درخواست کند مگر اینکه پیش از مرگ، خداوند او را به درخواست نیازمند سازد و از این راه آتش دوزخ را برای او مقرر گرداند.

و از ایشان نقل شده که فرمود: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت: ای رسول خدا، مرا چیزی یاد بده که با انجام آن خداوند از جهان بالا

1- . تفسير عياشى 1 : 178
2- . تفسير عياشى 2 : 14
3- . السرائر : 484
4- . مجالس مفيد : 12

و اهل زمین مرا دوست بدارند، حضرت فرمود: به آنچه نزد خداست میل و رغبت داشته باش تا خدا دوستت بدارد، و به آنچه در دست مردم است بی اعتنا باش تا مردم دوستت بدارند.

و امام باقر علیه السلام فرمود: اگر درخواست کننده بداند که در سؤال و حاجت خواستن چه بار سنگینی است، هیچ کس از دیگری سؤال نخواهد کرد، و اگر دهنده بداند در عطا کردن و بخشش چه فضیلتی نهفته است، هیچ سائلی را رد نخواهد کرد. (1)

29. جامع الاخبار: از انس بن مالک روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر بنده ای که دری از درخواست و گدایی را بر خود بگشاید خداوند هفتاد در از فقر و تنگدستی را بر او خواهد گشود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خواهش کردن جایز و شایسته نیست مگر در فقر شدید یا زیان دیدن ناامید کننده.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شخص دری از خواهش کردن و گدایی را بر خود نمیگشاید مگر اینکه خداوند دری از فقر را بر روی او بگشاید.

و فرمود: هر کس از سر توانگری درخواست کند به سر درد و شکم درد دچار میشود.

و فرمود: هر کس برای فزون طلبی چیزی از اموال مردم درخواست کند، این مال چه اندک باشد و چه بسیار، پارههای آتش است. (2)

30. الاختصاص: امام صادق فرمود همانا رحمت را در قلب مخلوقات رحیم خود نهاده است، پس نیازهایتان را از آنها بخواهید و از انسانهای سنگدل چیزی نخواهید چراکه خداوند تبارک و تعالی غضب خود را بر آنان حلال شمرده است. (3)

31. کتاب حسین ابن سعید و کتاب النوادر: همانا خداوند شخص آبرومند بردبار ثروتمند عفیف را دوست دارد و بدانید که خداوند از شخص فاسد زشت رفتار که مصرانه گدایی میکند بیزار است.

1- . مكارم الاخلاق : 157
2- . جامع الاخبار : 160
3- . الاختصاص : 240

32. زید ابن علی از پدارنش از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: منت گذار، غیبت کننده، و میگسار.

33. نوادر الراوندی: امام کاظم علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: سؤال کردن، سرمایه گذاشتن آبروی شخص است، که در آن (با دریافت کمک) آبرو باقی می ماند، یا (به خاطر به دست نیاوردن چیزی) آبروی خویش را از دست می دهد!

با همین اسناد از ایشان روایت شده که فرمود: پاداش سؤال کننده، اگر استحقاق آن را داشته باشد، مثل پاداش بخشش کننده نسبت به او خواهد بود. (1)

34. مجالس الشیخ: محمد ابن مسلم میگوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای محمد، اگر سائل بداند که در خواستش چه بار سنگینی دارد، هرگز کسی از کس دیگر چیزی طلب نمی کند. و آن کس که از او چیزی می خواهند، اگر بداند که ممانعت هم چه بار عظیمی دارد، هرگز کسی را ردّ نخواهد کرد. میگوید: سپس امام فرمود: ای محمد، هر کس با وجود داشتن، دست سؤال و گدایی پیش کسی دراز کند، به هنگام دیدار خدا در روز قیامت چهره ای خراشیده (زشت) خواهد داشت.

با همین اسناد از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: جماعتی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: ای رسول خدا، در نزد پروردگارت برای ما بهشت را تضمین کن. امام فرمود: پیامبر فرمود: ضمانت بهشت در این است که با طول سجده مرا یاری برسانید. گفتند: بله ای رسول خدا. پس بهشت را برایشان تضمین کرد. امام فرمود: این خبر به گروهی از انصار رسید. - فرمود: - پس به نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای رسول خدا بهشت را برای ما تضمین کن. پیامبر فرمود: ضمانت بهشت این است که هرگز از کسی چیزی درخواست نکنید. گفتند: بله ای رسول خدا. پس بهشت را برای آنها تضمین کرد. پس شخصی از میان آنها درحالی که سوار بر چهارپا بود تازیانه اش بر زمین می افتاد، پس پیاده می شد تا خود آن را بردارد زیرا برایش ناخوشایند بود که از کسی چیزی درخواست کند و

1- . نوادر راوندی : 3

شخصی بند کفشش (یا تسمه چرمی زین) پاره میشد و دوست نداشت از یکی بند کفش بخواهد.(1)

35. الدره الباهره: امام رضا علیه السلام فرمود: درخواست کردن کلید فقر و تنگدستی است.

36. نهج البلاغه: امام علی علیه السلام فرمود: از دست دادن حاجت بهتر از درخواست کردن از نااهل است. (2)

و فرمود: عفت ورزیدن زینت فقر و شکرگذاری زینت بی نیازی است. (3)

و فرمود: آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست، آن را قطره قطره آب میکند، پس بنگر آن را نزد چه کسی فرو میریزی. (4)

37. عده الداعی:امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که درخواست می کند ولی نیاز ندارد، گویا شراب می خورد.

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم می خورم، قسم حق که کسی باب سؤال و درخواست را بر روی خود نگشاید مگر آنکه خداوند باب فقری را بر او بگشاید.

زین العابدین علیه السلام فرمود: من از طرف خدا تضمین می کنم که هر کس بدون نیاز داشتن، از کسی سؤال کند، نیاز مجبورش می کند که روزی از روی احتیاج از دیگری درخواست کند.

روزی حضرت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به یارانش فرمود: آیا با من بیعت نمی کنید؟ گفتند: یا رسول اللَّه! ما با تو بیعت کردیم، فرمود: با من بیعت کنید بر اینکه از مردم چیزی نخواهید. بعد از آن روز، اگر چوبدستی از دست کسی بر زمین می افتاد، خودش پیاده می شد و آن را بر می داشت و به کسی نمی گفت آن را به من بده.

1- . امالی طوسی 2 : 277
2- . نهج البلاغه : حکمت 66
3- . نهج البلاغه : حکمت 68

4- . نهج البلاغه: حکمت 346

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر هر یک از شما ریسمانی بگیرد و با آن بر پشتش هیزم بکشد تا آبروی خود را حفظ کند، بهتر از آن است که از دیگران چیزی طلب نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما کسانی اند که از مردم چیزی طلب نمی کنند، اگر چه از گرسنگی بمیرند.

امام باقر علیه السلام فرمود: طلب حاجت از مردم، موجب از بین رفتن عزت و حیا می گردد و مأیوس بودن از آنچه در دست مردم است، موجب عزت مؤمنین می شود و طمع، همان احتیاج داشتن است.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: کسی که اظهار نیاز نکند، خداوند او را بی نیاز می گرداند و کسی که طالب عفّت باشد، پروردگار متعال او را عفیف می نماید و کسی که از خدا چیزی بخواهد، خداوند به او عطا می کند، کسی که درب سؤال و درخواست را بر خود بگشاید، خداوند متعال هفتاد درب از فقر به رویش می گشاید که هیچ چیز نمی تواند حتی کوچکترین دربش را مسدود نماید.

و فرمودند: درخواست سائل را رد نکنید که اگر دروغ مساکین نبود، ردّکنندگان آنان رستگار نمی شدند.

و فرمودند: به سائل یا چیز کمی بدهید یا با نرمی و ترحم، ردش کنید، چون چه بسا فردی که نه انسان است و نه جن، نزد شما بیاید تا ببیند با نعم الهی چه می کنید؟

بعضی گفتند که ما هنگام صبح بر در منزل امام صادق علیه السّلام نشسته بودیم که گدایی آمد و چیزی خواست، اطرافیان او را رد کردند، امام آنان را بسیار سرزنش کرد و فرمود: اولین گدایی که بر در خانه ما آمد او را رد کردید؟ تا سه نفر را غذا بدهید آنگاه اختیار با شماست، اگر خواستید بیش از سه نفر را هم بدهید و گر نه حق این روز را ادا نموده اید.

و فرمود: گدای اوّل، دوّم و سوّم را (چیزی) بدهید، پس از آن، اختیار با شماست.

از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل است که فرمودند: هر وقت گدایی شبانه در خانه شما را کوبید و چیزی خواست، مبادا ردّش کنید.

و از ایشان نقل شده که فرمودند: ما به غیر مستحق هم عطا می کنیم تا مبادا در این میان، مستحق واقعی را ردّ کرده باشیم.

علی ابن حسین علیه السلام فرمود: صدقه شبانه، غضب پروردگار را خاموش می نماید.

و آن حضرت به به ابوحمزه فرمود: اگر می خواهی خداوند تو را پاک بمیراند و روز ملاقاتش گناهانت را ببخشاید، نیکی کن و در خفا صدقه بده و صله رحم بنما، چون این سه عمل، عمر را زیاد می کنند، فقر را برطرف می نمایند، و از صاحبانشان هفتاد نوع مرگ بد را دفع می کنند.

از رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سؤال شد: کدام صدقه افضل است؟ فرمود: بر خویشانی که دشمنی خود را از تو پنهان می کنند.

از حضرت صادق علیه السّلام سؤال شد: به چه کسی صدقه بدهد؟ به کسی که بر در خانه می آید، یا نگهدارد و به بستگان نیازمند خود بدهد؟ فرمود: به بستگان و نزدیکانش بدهد که اجر عظیم تری دارد.

و فرمود: هر کس در ماه رمضان صدقه بدهد، هفتاد نوع بلا از او دور میشود.

از امام باقر علیه السّلام نقل است که فرمود: اگر یک روز قبل از جمعه می خواهی صدقه بدهی، آن را تا روز جمعه به تأخیر بینداز. (1)

38. اعلام الدین: امیرالمومنین علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام فرمود: ای پسرکم، هرگاه سختیهای زمان و قحطی روزگار بر تو نازل شد، باید به اصول ثابت و فروع رشد یافته (یعنی کسانی که اهل رحمت و ازخودگذشتگی و دلسوزی هستند) تکیه کنی چراکه آنان نیازها را زودتر برآورده میسازند و برای دفع مصیبتها سریع تر عمل میکنند و تو را از درخواست بخشش و گرفتن حتی طسوج (دو دانه) و قیراط (دو طسوج) از انسانهای دست خشک و

1- . عده الداعى : 70 - 72

ترشرو برحذر میدارم زیرا آنان اگر چیزی ببخشند منت میگذارند و اگر از بخشش ممانعت ورزند، خسته کنند. سپس این ابیات را سرود:

اگر چیزی درخواست کردی، از انسان بخشنده بخواه، کسی که همواره بی نیازی و راحتی را میشناسد.

درخواست از بخشنده موجب عزت و سربلندی میشود و درخواست از افراد پست، ننگ و عار را به بار میآورد.

و اگر ناگزیر به پذیرش ذلت و خواری شدی، ذلت و خواری را پیش انسانهای بزرگوار و بخشنده ببر، اگر با آنها ملاقات کردی.

اگر انسان بزرگوار را بزرگ بداری ننگ نیست، بلکه اکرام انسانهای کوچک و ناچیز ننگ و عار است.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: کار نیک و فضل و بخشش را از انسانهای رحیم و مهربان امتم بخواهید تا در سایه آنها زندگی کنید و همه آفریده ها عیال و نانخور خدا هستند و محبوبترین آنان در نزد خدا

کسی است که برای آفریدههای خدا سودمندتر باشد و نسبت به عیال نیکوکارتر باشد و همانا خیر و نیکی بسیار است و انجام دهنده آن اندک.

ص: 204

باب هفدهم : ادامه نعمت با تحمل بار (رسیدگی به امور مردم)، و کمک به اندازه خرج و انفاق نازل میگردد

1. امام صادق علیه السلام از پدرش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: هر که نعمت او افزایش پیدا کند، بار او در کار رسیدگی به زندگی مردم سنگین تر می شود؛ پس اگر به مدد رساندن به ایشان بپردازد، خدا نعمت او را افزایش می دهد، و اگر چنین نکند، نعمت خویش را در معرض نابودی قرار داده است. (1)

2. ابن علوان از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدای تبارک و تعالی کمک و یاری را به اندازه خرج و انفاق نازل میکند. (2)

3. امالی طوسی: معاذ بن جبل میگوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نعمت خداوند بر کسی بزرگ نگردد مگر اینکه مخارج مردم بر او بزرگ شود و اگر کسی بار مسئولیت این خرج و انفاق را بر دوش نکشد، آن نعمت در معرض نابودی قرار داده است. (3)

4. عیون الاخبار: محمد ابن عرفه از امام رضا علیه السلام روایت میکند که فرمود: ای ابن عرفه همانا نعمتهای الهی برای مردم همانند شتری است که در کنار آبشخورش بسته است، مادامی که با آن نیکو رفتار شود، پس هر گاه با آن بدرفتاری شود، از آنان می گریزد. (4)

1- . قرب الاسناد : 51
2- . قرب الاسناد : 74
3- . امالی طوسی 1 : 312
4- . عیون الاخبار 2 : 11

5. حسین ابن نُعیم گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حسین، نعمت را عزیز دار، عرض کردم: فدایت شوم، گرامی داشت و احترام نعمت در چیست؟ فرمود: انجام دادن کارهای نیکی است که برایت می ماند. (1)

6. قصص الانبیاء: عبد الرحمن ابن حجاج از موسی ابن جعفر علیه السلام روایت میکند که فرمود: در میان بنی اسرائیل مرد صالحی بود که همسری شایسته داشت، شبی در خواب دید که به او گفته شد: خداوند عمر تو را فلان سال مقدّر نموده که نیمی از عمرت را در وسعت و توانگری و نصف دیگر را در سختی و فقر به سر می بری، خودت انتخاب کن که کدام نیمه مقدّم باشد، مرد گفت: من همسر عاقل و شایسته ای دارم که در امر معاش شریک من است، اجازه دهید با او مشورت کنم و پاسخ دهم. صبح که مرد برخاست، ماجرا را به همسر خود گفت: همسرش گفت: ای مرد به نظرم بهتر است نیمه اوّل عمرت عافیت و وسعت باشد، شاید خداوند به ما رحم کند و نعمت خود را تا آخر عمر در حقّ ما تمام کند.

در شب دوّم دوباره آن شخص در خواب نزد او آمد و به او گفت: کدام را انتخاب کردی؟ مرد گفت: نیمه اول را انتخاب کردم. گفت: از آنِ تو خواهد بود. پس، از آن به بعد دنیا به او روی آورد و از هر جهت در وسعت و رفاه قرار گرفت. وقتی نعمت بر او ظاهر شد، همسرش به او گفت: با محتاجان و نزدیکان ارتباط برقرار کن و به آنها نیکی نما و به همسایگان و برادران خود عطا و بخشش داشته باش.

وقتی نصف عمر او گذشت و زمان تعیین شده سپری شد، شخصی را که اول بار در خواب دیده بود، دوباره در خواب دید. آن شخص به او گفت: خداوند تبارک و تعالی کارهای تو را سپاس گفته و به خاطر آن، به مانند گذشته تمام عمر تو را در رفاه و توانگری قرار می دهد. (2)

1- . معانی الاخبار : 150
2- . قصص الانبیاء 14 : 490

آیات:

- إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُواْ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِیَصُدُّواْ عَن سَبِیلِ اللّهِ فَسَیُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَکُونُ عَلَیْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ یُغْلَبُونَ وَالَّذِینَ کَفَرُواْ إِلَی جَهَنَّمَ یُحْشَرُونَ * لِیَمِیزَ اللّهُ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ وَیَجْعَلَ الْخَبِیثَ بَعْضَهُ عَلَی بَعْضٍ فَیَرْکُمَهُ جَمِیعاً فَیَجْعَلَهُ فِی جَهَنَّمَ أُوْلَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (1)

{بی گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می کنند، و آن گاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می شوند. و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد. تا خدا، ناپاک را از پاک جدا کند، و ناپاکها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند آن گاه در جهنم قرار دهد. اینان همان زیانکارانند.}

- وَلاَ تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَی عُنُقِکَ وَلاَ تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا. (2)

{و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.}

1- . انفال / 36 - 37
2- . اسری / 29

- وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (1)

{و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دلهایشان حسدی نمی یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدّم می دارند. و هر کس از خسّت نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند.}

روایات:

1. امالی صدوق: محمد ابن مسلم و منهال قصاب از امام باقر علیه السلام روایت میکنند که فرمود: هر که مال از چهار راه به دست آرد، در چهار چیز از او قبول نیست! هر که مال از اختلاس یا ربا یا خیانت در امانت یا دزدی به دست آورد، در ادای زکات و نه در صدقه و نه حج و نه عمره پذیرفته نباشد. و فرمود: خدای عز و جل مال حرام را در حج و عمره نمیپذیرد. (2)

2. تفسیر قمی: وَلاَ تَجْعَلْ يَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِکَ وَلاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»،(3)

{و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.} علی ابن ابراهیم گفته است: سبب نزول آیه این است که: هرگاه کسی چیزی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست، هرگز او را دست خالی رد نمی کرد. روزی کسی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و چیزی خواست. پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی در دست نداشت و فرمود: ان شاء الله درست می شود. مرد گفت: یا رسول الله! پیراهنتان را به من بدهید و پیامبر صلی الله علیه و آله که هرگز کسی را از آنچه نزدش بود، دست خالی رد نمی کرد، پیراهن خود را به او داد. خداوند فرمود: «وَلاَ تَجْعَلْ يَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِکَ وَلاَ

1- . حشر / 9
2- . امالی صدوق : 265

3- . اسری / 29

تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» و ادامه آیه. و پیامبر صلی الله علیه و آله را نهی کرد از این که اسراف کند و بدون پیراهن بماند، و امام صادق علیه السلام فرمود: «المحسور:: یعنی عریان. (1)

3. قرب الاسناد: امام صادق از پدرش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: گروههایی هستند که دعای آنان مستجاب نمی شود، یکی کسی که پولی به دیگری برای مدّتی معیّن وام داده و در این باره چیزی (سندی، دستخطی) ننوشته و کسانی را نیز گواه نگرفته، و شخصی که بر علیه خویشاوندان خویش دعا کند، و مردی که زنش او را با هر وسیله ممکن آزار میدهد و او در درگاه خداوند دست به دعا بر میدارد و میگوید: خداوندا مرا از دست این زن خلاصی ده. خداوند به چنین کسی میگوید: ای بنده ام، آیا من طلاق او را به دست تو مقرر نکردم؟ پس اگر میخواهی او را رها کن و اگر میخواهی او را نگه دار. و مردی که خدا مال فراوانی روزی او سازد، سپس او آن مال را در نیکی و تقوا خرج کند و چیزی از آن مال نزد او نماند. سپس رو به دعا آورد و بگوید: پروردگارا به من روزی بده! خداوند بزرگ به چنین کسی می گوید: مگر به تو روزی ندادم و تو را بی نیاز نکردم، چرا چنان که به تو امر کرده بودم میانه روی نکردی و به اسراف پرداختی، من اسراف کاران را دوست ندارم.

و مردی که در خانه اش نشسته و در درگاه الهی دست به دعا برمیدارد که او را روزی دهد. و او از منزل بیرون نمیرود و همان طور که خداوند دستور داده، به دنبال فضل و برکت خداوند نمیرود. خداوند به این چنین شخصی میگوید: ای بنده ام، من دنیا را بر تو منع نکردم و تو را در اعضای بدنت محدود نکرده ام، و زمین من گسترده است. چرا بیرون نمیروی و روزی نمیطلبی، اگر تو را از روزی محروم کنم معذورت داشته ام و اگر به تو روزی بدهم، این را میخواهی! (2)

4. امالی طوسی: ربیعه و عماره گفته اند: در آن زمان که گروه کثیری از اصحاب امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام از دور آن حضرت پراکنده شده و از نزد

1- . تفسیر قمی : 380
2- . قرب الاسناد : 53

آن حضرت به سوی معاویه ره سپردند تا نصیبی از دنیای معاویه ببرند، گروهی از یاران ایشان خدمت او رسیدند و عرضه داشتند: ای امیر مؤمنان، به اینها اموال را بخشش کن، و این اشراف عرب و قریش و کسانی را که می ترسی زیر بار تو نروند و به سوی معاویه بگریزند، بر سایر آزادشدگان و عجمیان برتری بده.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: به من دستور میدهید که یاری را از راه ستم بجویم؟! نه، به خدا سوگند، تا خورشید می تابد و ستاره ای در آسمان می درخشد دست به چنین کاری نمی زنم. به خدا سوگند اگر این اموال از خودم بود، هر آینه مساوات را در میان آنان مراعات می نمودم چه برسد به اینکه مال خودشان است. سپس لحظاتی طولانی سکوت کرد و پس از آن فرمود: هر کس ثروتی دارد جدّا باید از فساد بپرهیزد که بخشش مال در غیر حقّش تبذیر و اسراف است، و ثروت هر چند نامی از صاحب خود در دنیا به جای می گذارد ولی در نزد خدای عزّ و جلّ بی ارزشش می سازد؛ و هیچ مردی مال خود را در غیر حقّ و نزد غیر اهلش ننهاد جز اینکه خداوند وی را از سپاس آنان محروم ساخت و دوستی آنان از آنِ دیگری شد، و اگر کسی که او را دوست بدارد و سپاسش گوید با او بماند، جملگی دروغ و چاپلوسی است که می خواهد بدین وسیله به وی نزدیک شود تا بتواند دوباره به مانند چیزی که در گذشته از وی به دست آورده، دست یابد، و اگر روزی قدمش لغزید و به کمک و دستگیری او نیاز پیدا کرد، همانا او بدترین دوست و پست ترین رفیق خواهد بود. هر کس بخواهد از آنچه که خداوند به او ارزانی داشته نیکی نماید، باید به خویشان نزدیک خود رسیدگی نموده و مهمان نوازی کند و اسیری را آزاد سازد و به ورشکستگان و در راه ماندگان و تهیدستان و جهادگران در راه خدا یاری رساند و باید بر مشکلات و سختیها شکیبا باشد که همانا دستیابی به این خصلتها، والاترین کرامتهای دنیا و رسیدن به فضائل آخرت است. (1)

مجالس مفید: علی ابن بلال مثل این حدیث را روایت کرده است. (2)

1- . امالی طوسی 1 : 197
2- . مجالس مفید : 112

5. الخصال: ابان ابن عثمان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: چهار چیز در چهار چیز روا نباشد. خیانت و نادرستی و دزدی و ریا در حج و عمره و جهاد و صدقه روا نباشد. (1)

6. الخصال: ولید ابن صبیح می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم و کاسه ای از خرما نزد وی بود تا اینکه گدایی آمد و حضرت از آن به او داد، گدای دیگری آمد، به او هم داد و گدای سوّمی آمد و به او هم داد، سپس گدای دیگری آمد، فرمود: خدا به تو وسعت دهد (به او نداد) سپس فرمود: اگر کسی مالی داشته باشد که به سی یا چهل هزار برسد، سپس بخواهد چیزی از آن باقی نماند مگر اینکه آن را در راه حق تقسیم کند، این کار را می کند و مالی برای او نمی ماند، پس از جمله سه گروهی می شود که دعای آنها برگردانیده می شود (مستجاب نمی شود) گفتم: فدایت گردم آن سه گروه کدامند؟ فرمود: کسی که خدا به او ثروتی بدهد و آن را در راههایش انفاق کند، سپس بگوید: خدایا به من روزی بده. خداوند می فرماید: مگر به تو روزی نداده بودم؟ و کسی که به همسرش نفرین می کند و نسبت به او ستمگر است، به او گفته می شود که مگر امر او را در دست تو قرار نداده ام؟ و کسی که در خانه اش می نشیند و در طلب روزی نیست، سپس می گوید: پروردگارا به من روزی بده، پس خداوند می فرماید: مگر راه طلب روزی را در اختیار تو قرار نداده ام؟ (2)

السرائر: بزنطی این حدیث را روایت کرده است. (3)

7. تحف العقول: از امام صادق علیه السلام درباره موارد خرج کردن اموال و انفاق آن روایت شده که فرمود: امّا موارد خرج کردن اموال در جمیع مصارف حلال، چه واجب باشد و چه مستحب، بیست و چهار مورد است: هفت مورد آن ویژه مصارف خود شخص است و پنج مورد مربوط به کسانی است که تأمین هزینه زندگی آنها بر او واجب است و سه مورد مربوط به پرداخت واجبات دینی است و

1- . الخصال 1 : 120
2- . الخصال 1 : 77
3- . السرائر : 465

پنج مورد برای انواع بخشش ها و چهار مورد برای احسان و مصارف نیکوکاری است.

امّا آنچه برای خود شخص لازم است عبارتند از: هزینه خوراک، نوشیدنی، پوشاک، هم خوابگی، خدمتکار، هزینه ای که به کارگری پردازد تا نیازهای او را از قبیل مرمّت اسباب زندگی یا حمل یا حفاظت آنها را به عهده گیرد و هزینه ای که برای نیازمندی های زندگی صرف می شود از قبیل خانه مسکونی یا ابزاری که برای راحتی زندگی مورد نیاز است.

امّا موارد پنجگانه ای که تأمین هزینه زندگی آن افراد به عهده اش می باشد عبارتند از: فرزند، پدر، مادر، همسر و غلام که در حال سختی و راحتی به وجودش نیاز است.

امّا موارد سه گانه ای که از واجبات دینی است عبارتند از: زکات که هر سال باید پرداخت شود، حج واجب و جهاد در هنگام و زمان خود.

امّا موارد پنجگانه بخشش ها و هدیه ها: هدیه به بالادست خود، هدیه به خویشاوند، هدیّه به مؤمنان، داوطلب شدن در انواع صدقه ها و احسان و آزاد کردن برده.

امّا موارد چهارگانه امور خیریّه و مصارف نیکوکاری که عبارتند از: پرداخت قرض بدهکاران، عاریه دادن، قرض دادن، و پذیرایی از مهمان که یک سنّت ضروری اسلام است. (1)

8. المحاسن: شخصی از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: کسی که حق را توصیف میکند با سه ویژگی شناخته میشود: به دوستانش نگاه میکند (در انتخاب دوست دقت میکند) که چه کسانی هستند؟ و به نمازش که چگونه است؟ و در چه وقتی آن را برپا میدارد؟ اگر اموالی داشته باشد دقت میکند که اموالش را در کجا قرار میدهد. (2)

1- . تحف العقول : 352 - 353
2- .المحاسن : 254

9. السرائر: موسی ابن جعفر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: احسان و نیکویی شایسته نیست مگر نزد صاحب شرف و صاحب دین. (1)

10. تفسیر عیاشی: زراره، از ابو جعفر علیه السلام راجع به سخن باری تعالی: «وَلاَ تَیمَّمُواْ الْخَبِیثَ مِنْه تُنفِقُونَ»،(2) {و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.} روایت می کند که می فرمود: بقایایی در اموال مردم وجود داشت که پیش از اسلام از ربا و راه های نادرستی به دست آورده بودند، و عده ای از آنان تعمداً آنها را برمی داشتند و انفاق می کردند و صدقه می دادند، ولی خداوند آنان را از این کار نهی فرمود. (3)

11. تفسیر عیاشی: ابو صباح، از ابو جعفر علیه السلام روایت می کند: از او راجع به این سخن باری تعالی سؤال کردم: «وَلاَ تَیمَّمُواْ الْخَبِیثَ مِنْه تُنفِقُونَ»، (4) {و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.} فرمود: مردم هنگامی که اسلام آوردند درآمدهایی داشتند که از ربا و راه های نا صواب به دست آورده بودند، و افراد تعمداً آنها را از بین اموال خود بیرون می کشیدند و صدقه می دادند، که خداوند آنان را از این کار بازداشت، و به آنان فرمود که صدقه تنها باید از روزی پاک داده شود. (5)

12. تفسیر عیاشی: حماد لحام، از امام صادق علیه السلام روایت می کند که گفت: اگر مردی تمام اموال خود را در راهی از راه های خدا انفاق کند، احسان نکرده و هیچ توفیقی به دست نیاورده است؛ چرا که خداوند می فرماید: «وَلاَ تُلْقُواْ بِأَیدِیکُمْ إِلَی التَّهلُکَهِ وَأَحْسِنُوَاْ إِنَّ اللّه یحِبُّ الْمُحْسِنِینَ»، (6) {و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست

1- . السرائر : 464
2- . بقره / 267
3- . تفسیر عیاشی 1 : 149
4- . بقره / 267
5- . تفسیر عیاشی 1 : 149
6- . بقره / 195

می دارد.} و منظور از محسنین، کسانی هستند که میانه رو می باشند و اعتدال می ورزند. (1)

13. تفسیر عیاشی: از حذیفه، پیرامون تفسیر آیه: «وَلاَ تُلْقُواْ بِأَيدِيكُمْ إِلَى التَّهلُكَهِ» ، {و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید.} روایت می کند که حضرت فرمود: این آیه، پیرامون نفقه است. (2)

14. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: سخن خداوند «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»، {و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.}

امام میفرماید: مقصود از «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» این است که از آنچه به ایشان از اموال و داراییها و تواناییهایی بدنی و جاه و مقام و اندازه روزی دادیم «يُنفِقُونَ» یعنی زکات مالشان را میپردازند و صدقه میبخشند و رفع نیاز زندگی همه را متحمل میشوند، حق و حقوق واجب مثل مخارج در جهاد - اگر لازم شد یا مستحب - را پرداخت میکنند و دیگر مخارج واجب بر خانواده و خویشاوندان نزدیک و پدران و مادران، و مخارج مستحب کسانی که بر آنها واجب نیست مانند مخارج دیگر خویشاوندان و نیکی کردن با همیاری قرض دادن و دستگیری مردان و زنان بینوا را ادا میکنند.

و از تواناییهای بدنی، کمک و یاری میرسانند مانند اینکه شخص نابینایی را راهنمایی کند و او را از مهلکه نجات دهد، و مسافر یا غیرمسافر را یاری میرساند به این صورت که بار و بنه ای را که از چهارپا افتاده، بر آن سوار میکند یا مظلومی را که شخص ستمگری در پی آزار و زدن او است، یاری میرساند.

و از جاه و مقام حقوق را ادا میکنند پس از آنکه به وسیله این جاه و مقام از آبرو و شرافت شخصی که در اثر حادثه ای مورد ظلم واقع شده، دفاع میکنند یا با جاه و مقام خود نیاز کسی را که خود از برآورده ساختن آن ناتوان است، برآورده میکنند. همه این ها انفاق از چیزی است که خداوند روزی کرده است.

1- . تفسیر عیاشی 1 : 87
2- . تفسیر عیاشی 1 : 87

15. تفسیر عیاشی: عَجلان روایت کرده است: نزد امام صادق علیه السلام بودم که سائلی آمد. امام برخاست و مشتی از زنبیل خرما برداشت و به او داد. سپس دیگری آمد و امام برخاست و دستش را پر کرد و به او داد. سپس دیگری آمد و چیزی خواست. امام فرمود: «خدا به ما و شما روزی دهد». سپس فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چنان بود که اگر کسی چیزی از او می خواست، حتماً به او عطا می کرد. روزی زنی پسرش را نزد پیامبر فرستاد و به او گفت: نزد پیامبر برو و از او چیزی بخواه؛ اگر گفت: هیچ چیز برای بخشش ندارم، بگو: پیراهنت را به من بده. پیامبر صلی الله علیه و آله پیراهنش را درآورد و به او داد؛ و خداوند اعتدال و میانه روی را به او آموخت و فرمود: «وَلاَ تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَی عُنُقِکَ وَلاَ تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»،(1) {و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.} (2)

16. تفسیر عیاشی: از ابن سنان روایت شده است: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلاَ تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَی عُنُقِکَ» دستش را مشت کرد و فرمود: «این گونه» و در تفسیر آیه «وَلاَ تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ» مشت خود را باز کرد و فرمود: یعنی این گونه. (3)

17. تفسیر عیاشی: محمد بن یزید، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آیه «وَلاَ تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَی عُنُقِکَ وَلاَ تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» ، {و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.} فرمود: «اِحسار» یعنی: مضیقه و حَرَج و فقر. (4)

1- . اسری / 29
2- . تفسیر عیاشی 2 : 289
3- . تفسیر عیاشی 2 : 289
4- . تفسیر عیاشی 2 : 289

باب نوزدهم : کراهت رد کردن گدا و فضیلت سیر کردن و سیراب کردن او و فضیلت آب دادن

آیات:

- «وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاء رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّکَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلاً مَّيْسُورًا» (1)

{و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی.}

1. مکارم الاخلاق: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند سیراب کردن تشنه را دوست دارد، و هر که تشنه ای سیراب کند از چهار پا و غیر آن، در روزی که جز سایه عرش پناهی نیست، خداوند در سایه عرش پناهش دهد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر که کسی را در جایی که آب یافت شود سیراب کند، چنان است، که بنده ای آزاد کرده و هر کس در جایی که آب وجود ندارد به کسی آب دهد، چنان است که انسانی را زنده کرده و هر کس انسانی را زنده کند، چنان است که همه مردم را زنده نموده است.

2. جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برای درخواست کننده حقی است، هرچند که با اسب بیاید.

و فرمود: درخواست کننده را رد نکنید، اگر چه با جرعه ای آب گرم باشد.

و فرمود: درخواست کننده را رد نکنید، اگر چه با نصف خرما باشد.

و فرمود: اگر دروغ گویی گدایان نبود، هر کس آنها را رد میکرد تقدیس نمیشد.(2)

1- . اسری / 28
2- . جامع الاخبار: 162

3. التمحیص: ابوجریر از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: فقیر هدیه خداوند به ثروتمند است، پس اگر نیازش را برطرف کند، هدیه خداوند را قبول کرده و اگر نیازش را برطرف نکند، یقیناً هدیه خداوند عزّ و جلّ را رد کرده است.

4. نوادر الراوندی: امام کاظم علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: هر وقت گدایی، در خانه شمار را کوبید و یاد خدا کرد، مبادا ردّش کنید.

و فرمود: سخن سؤال کننده را قطع نکنید، بگذارید ناراحتی خود را بیان کند و از وضع خویش شما را آگاه گرداند.

و با همین اسناد فرمود: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اگر این جهت نبود که تهیدستان دروغ می گویند، افرادی که آنان را رد می کنند و مأیوس می گردانند، هرگز روی سعادت را نمی دیدند!

و با همین اسناد فرمود: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: در وضع و حال سؤال کننده درست دقّت کنید، اگر دل شما نسبت به او رقّت پیدا کرد، به او کمک کنید، زیرا این حالت نشانه صداقت اوست.

و با همین اسناد فرمود: علی علیه السلام فرمود: درخواست کننده را رد نکنید، اگر چه با آب گرمی یا چیز اندکی باشد. (1)

5. مجالس الشیخ: خلاد از کسی روایت میکند که گفته است: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم. گدایی پیش او آمد و حضرت یک درهم به او داد. سپس گدای دیگری آمد و به او هم یک درهم داد و گدای سوّمی آمد و به او هم یک درهم داد. سپس گدای چهارمی آمد. فرمود: خدا به تو روزی دهد (به او درهمی نداد). سپس به ما رو کرد و فرمود: اگر یکی از شما بیست هزار درهم داشته باشد و بخواهد به این صورت آن را خرج کند، میتواند آن را خرج کند، سپس مالی برای او باقی نماند. در این صورت از جمله سه گروهی می شود که دعا میکنند و دعایشان اجابت نمیشود: کسی که خدا به او ثروتی بدهد و مال را پاره پاره کند و

1- . نوادر الراوندى : 3 - 4

آن را نگه ندارد. سپس بگوید، خدایا به من روزی بده، خداوند می فرماید: مگر به تو روزی نداده بودم؟ پس دعایش اجابت نمیشود و به خود او برگردانیده میشود. و نیز کسی که در خانه اش می نشیند و از خداوند درخواست روزی میکند، خداوند می گوید: مگر راه طلب روزی را در اختیار تو قرار نداده ام که در زمین سفر کنی و از فضلت و برکت من به دست آوری؟ پس دعایش برگردانیده میشود. و نیز کسی که به همسرش نفرین می کند. خداوند به او میگوید: مگر اختیار او را در دست تو قرار نداده ام؟ پس دعایش برگردانیده میشود. (1)

6. دعوات الراوندی: حنان ابن سدیر از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: آیا نمی توانی هر روز یک برده را خریده و آزاد کنی؟ گفت: مالم به این اندازه نمیرسد. فرمود: هر روز یک مومن را سیر کن چراکه غذا دادن و اطعام مومن از آزاد کردن برده فضیلت بیشتری دارد.

ابن عباس میگوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: در خواب عمویم حمزه پسر عبدالمطلب و برادرم جعفر پسر ابوطالب را دیدم و به آنها گفتم: پدرم فدای شما گردد، کدام عمل را بهتر یافتید؟ گفتند: پدر و مادرمان فدایتان گردد، بهترین کارها را در درود فرستادن بر شما و سیراب کردن و دوست داشتن علی بن ابی طالب علیه السلام یافتیم.

7. نهج البلاغه: علی علیه السلام فرمود: از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن از آن کمتر است. (2)

و فرمود: نیازمندی که به تو روی آورده، فرستاده خدا است، کسی که از یاری او دریغ کند، از خدا دریغ کرده و آن کس که به او بخشش کند، به خدا بخشیده است. (3)

8. عدۀ الداعی: امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که تشنه ای را سیراب کند، خداوند متعال او را از شراب دست نخورده در بهشت سیراب میکند.

1- . امالی طوسی 2 : 292

2- . نهج البلاغه : حکمت 304
3- . نهج البلاغه : حکمت 67

و امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین صدقه خنک ساختن جگر عطشان است. هر کس جگر کسی را سیراب سازد، چه چهارپا باشد و چه غیر آن، خداوند متعال در روز قیامت که سایه ای جز سایه او نیست، برایش سایبانی قرار می دهد. (1)

9. قرب الاسناد: ابن علوان از امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به سائل یا چیز کمی بدهید یا با نرمی و ترحم ردش کنید، چون چه بسا فردی که نه انسان است و نه جن، نزد شما بیاید تا ببیند با نعم الهی چه می کنید؟ (2)

قرب الاسناد: ابوالبختری از امام صادق علیه السلام از پدرش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مثل این حدیث را روایت کرده است. (3)

مؤلف: اخبار و روایتها در باب «جوامع المکارم» ذکر شد.

10. معانی الاخبار: زراره از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر که آن گونه نیکی کند که با او کرده اند تنها جبران نموده و آن که دو چندان جبران کند سپاس گزاری نموده و آن کس که سپاس دارد، بزرگوار است و آن که بداند هر چه کرده بر خودش کرده، انتظار سپاس مردم را نکشد و فزون شدن مهر و محبت مردم را نخواهد. پس از دیگری نخواه که در آنچه برای خود کرده ای و آبرویت را بدان حفظ نموده ای، تو را سپاس گزارد و آگاه باش که نیازمند با خواهش کردن از تو، آبرویش را نگه نمی دارد پس تو آبرویت را با نیکی نمودن به او نگهدار. (4)

مؤلف: با سندهایی در کتاب «المکارم» و کتاب «العشرة» فضیلت سیر کردن و سیراب کردن گدا ذکر شد. (5)

11. امالی طوسی: ابوقلابه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمودند: هر کس به مومنی لقمه ای غذا بخوراند، خداوند او را از میوه های بهشت

1- . عدة الداعی : 73
2- . قرب الاسناد : 62

3- . قرب الاسناد : 91
4- . معانی الاخبار : 141
5- . رجوع کنید به: جلد 74 : 359 - 388

سیر میکند و هر کس به مومنی جرعه ای آب بنوشاند، خداوند او را از شراب دست نخورده (بهشت) سیراب میکند. (1)

12. امالی طوسی: ابن عباس میگوید: شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: چه عملی است که اگر آن را انجام دهم وارد بهشت میشوم؟ فرمود: مشک جدیدی خریداری کن سپس با آن به مردم آب ده تا اینکه فرسوده و پاره شود. به محض این که آن مشک پاره شود، به خاطر آن به بهشت خواهی رسید.(2)

13. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که فرمود: اولین چیزی که در روز قیامت محاسبه میشود صدقه آب است. (3)

14. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی، خداوند فقر را به عنوان امانتی به مردم سپرده است؛ هر کس آن را پنهان دارد، پاداشش همچون پاداش روزه داری است که شب را در عبادت خدا به سر برده است و هر کس آن را نزد ثروتمندی فاش سازد و او به وی کمک نکند گویی او را کشته است. آگاه باشید که او را با نیزه و شمشیر نکشته بلکه با زخمی که بر قلب او وارد ساخته وی را به قتل رسانده است. (4)

15. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه امتم در برابر گدا و درخواست کننده، خود را به کری بزنند و متکبرانه راه بروند، خدای عزّ و جلّ سوگند یاد میکند و میفرماید: به عزّتم سوگند یقیناً برخی از آنان را به وسیله برخی دیگر عذاب خواهم داد. (5)

16. قصص الانبیاء: از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: در ضمن مناجات موسی علیه السّلام با خدا عزّ و جلّ این بود که خدا به او فرمود: ای موسی،

1- . امالی طوسی 1 : 185
2- . امالی طوسی 1 : 317
3- . ثواب الاعمال : 125

4- . ثواب الاعمال : 167
5- . ثواب الاعمال : 225

سائل را گرامی دار به بخششی کم یا پاسخی نیک، چه بسا کسی نزد تو میآید که نه انسان است و نه جن، فرشته ای از فرشته های خدا است تا در آنچه من به تو دادم تو را آزمایش کند و آنچه را به تو بخشیده ام از تو بخواهند تا ببینند با نعمتهای الهی چه می کنی؟

17. السرائر: امام باقر علیه السلام فرمود: ای محمد، اگر سائل بداند که در خواستش چه بار سنگینی دارد، هرگز کسی از کس دیگر چیزی طلب نمی کند. و آن کس که از او چیزی می خواهند، اگر بداند که بخشش چه بار عظیمی دارد، هرگز کسی را ردّ نخواهد کرد. (1)

18. المحاسن: محمد از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: صدقه روز جمعه پاداشی دوچندان دارد، و امام باقر علیه السلام یک دینار صدقه میداد. (2)

19. تفسیر عیاشی: از ابو حمزه ثمالی نقل است که می گوید: همراه امام سجاد علیه السلام در صبح جمعه ای نماز را در مدینه خواندم. بعد از نماز، خادمه اش که وشیکه نام داشت را صدا زد و به او فرمود: هر نیازمندی که امروز در خانه مرا زد، به او غذا بدهید، چرا که امروز روز جمعه است. من عرض کردم: فدایتان شوم، هر کس که گدایی می کند که مستحق نیست! فرمود: ای ثابت! می ترسم بعضی از اشخاصی که به گدایی به در خانه ما می آیند مستحق باشند و ما آنان را از خود برانیم و دچار همان مصیبتی شویم که یعقوب و اهل بیت او به آن دچار شدند؛ بنابراین به آنان غذا بدهید، به آنان غذا بدهید. (3)

مؤلف: کل حدیث در کتاب قصص الانبیاء آمده است.

1- . السرائر : 484
2- .المحاسن : 59
3- . تفسیر عیاشی 2 : 167

باب بیستم : پاداش کسی که به صدقه سفارش و راهنمایی کند یا صدقه را به بینوایی برساند

1. الخصال: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: کسی که به کار خیری راهنمایی میکند مانند کسی است که آن کار خیر را انجام داده است. (1)

2. الخصال: علی ابن شهاب ابن عبدربه از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: بخشندگان سه کس هستند: خداوند که پروردگار جهانیان است، و صاحب مال و کسی با دستان او (به وسیله او) بخشیده میشود. (2)

3. الخصال: ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: بخشندگان سه کس هستند: خداوند بخشنده، کسی که از مال خود میبخشد و کسی که در این راه کوشش میکند. (3)

4. امالی صدوق: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: هر کس صدقه ای را برای نیازمندی ببرد، پاداشی به اندازه صاحب صدقه (مال) خواهد داشت بی آنکه از پاداش صاحب صدقه چیزی کم شود. (4)

5. ثواب الاعمال: ابو نهشل از کسی که برای او نقل کرده از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: اگر کار نیکی در میان هشتاد نفر دست به دست بگردد همه آنها پاداش میبرند بی آنکه از پاداش صاحب کار نیک چیزی کاسته شود. (5)

1- . الخصال 1 : 66
2- . الخصال 1 : 66
3- . الخصال 1 : 66
4- . امالی صدوق : 259
5- . ثواب الاعمال : 127

باب بیست و یکم : درباره انواع صدقه و اقسام آن از جمله صدقه شب و روز و پنهان و آشکار و دیگر انواع آن و بهترین

انواع صدقه

1. امالی صدوق: عمرو بن خالد از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: صدقه روز گناهان را ذوب میکند همان گونه که آب نمک را ذوب میکند، و صدقه شب خشم خداوند جلّ جلاله را خاموش میکند. (1)

ثواب الاعمال: احمد ابن محمد از ابن فضال همین حدیث را روایت کرده است.(2)

2. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس صبح صدقه بدهد خداوند نحسی آن روز را از او بر میدارد. (3)

3. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: در هنگام صبح صدقه بده تا (خداوند) نحسی آن روز را از تو دفع کند و در هنگام شب صدقه بده تا (خداوند) نحسی آن شب را از تو دفع کند. (4)

4. الخصال: انس میگوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صدقه پنهانی را بسیار بده چراکه آن خشم پروردگار جلّ جلاله را فرو مینشاند. (5)

1- . امالی صدوق : 221
2- . ثواب الاعمال : 129
3- . امالی صدوق : 266
4- . قرب الاسناد : 76
5- . الخصال 1 : 85

5. الخصال: از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هفت نفر در سایه خدا قرار می گیرند، روزی که سایه ای جز سایه او نیست: پیشوای عادل و جوانی که در عبادت خداوند بزرگ شود، و کسی که با دست راست صدقه دهد و آن را از دست چپش پنهان کند، و کسی که در خلوت به یاد خدا باشد و اشک از چشمانش سرازیر گردد، و مردی که با برادر دینی خود ملاقات کند و بگوید: من تو را به خاطر خدا دوست دارم، و مردی که از مسجد بیرون شود و در نیّت او باشد که دوباره برگردد، و مردی که زن زیبایی او را به سوی خود بخواند و او بگوید: من از پروردگار جهانیان می ترسم. (1)

6. الخصال: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: شب هنگام صدقه بدهید همانا صدقه در شب خشم خداوند جل جلاله را فرو مینشاند. (2)

7. عیون الاخبار: امام رضا علیهالسلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: صدقه را در بامدادان بدهید، زیرا هر کس بامدادان صدقه بدهد بلاها و مصیبتها از (سدّ) صدقه عبور نمی کنند. (3)

8. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بامدادان و زودهنگام صدقه بدهید، چراکه بلایا و مصیبتها از آن (صدقه) عبور نمیکند. (4)

9. امالی طوسی: ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: بهترین و باارزشترین چیزی که توسل کنندگان به آن توسل میجویند عبارت است از: ایمان به خداوند - تا این سخن که فرمود: و صدقه پنهانی، چراکه آن گناهان را از بین میبرد و خشم خداوند را فرو مینشاند، و کارهای نیک که مرگ ناگوار را دفع می کند و از هلاکت گاههای خوار کننده حفظ میکند. (5)

1- . الخصال 2 : 2
2- . الخصال 2 : 160
3- . عیون الاخبار 2 : 62
4- . امالی طوسی 1 : 157

5- . امالی طوسی 1 : 220

مؤلف: کل حدیث با سندهایی ذکر شد.

10. معانی الاخبار: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: برقراری پیوند خویشاوندی بر عمر میافزاید و صدقه پنهانی خشم پروردگار را فرو مینشاند. (1)

11. الخصال: علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو خصلت است که دوست ندارم کسی در آنها شریک من باشد: وضوی من که جزء نماز من است و دیگری صدقه دادن من که چون از دست من به دست سائل می رسد، در واقع در دست خدای رحمان قرار می گیرد. (2)

12. معانی الاخبار: در روایت مربوط به ابوذر آمده که او از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: کدام صدقه بهتر است؟ فرمود: صدقه شخصی کم بضاعت به فقیر سالخورده. (3)

13. امالی طوسی: ابوهریره میگوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: کدام صدقه بهتر است؟ فرمود: این که صدقه بدهی و تو سالم و امیدوار به زنده ماندن باشی و از فقر نگران باشی و نه اینکه آنقدر تأخیر کنی تا این که جان به گلو برسد، آن وقت بگویی این قدر به فلانی بدهید و این قدر به فلانی. همانا موقع مرگ که رسید، دارایی تو مال فلانی شده است (مال از دستت رفته است)! (4)

14. ثواب الاعمال: عبد الاعلی از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: بهترین صدقه، صدقه ای است که دهنده آن بی نیاز باشد. (5)

15. ثواب الاعمال: ابو بصیر نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام یا امام صادق علیه السّلام پرسیدم: کدام صدقه دادن برتر است؟ حضرت فرمود: کوشش شخص کم بضاعت برای صدقه دادن، مگر نشنیدی که خداوند بزرگ

1- . معانی الاخبار : 264
2- . الخصال 1 : 18 - 19

3- . معانی الاخبار : 233
4- . امالی طوسی 2 : 12
5- . ثواب الاعمال : 127

می فرماید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»،(1) {و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدّم می دارند.} آیا (در این آیه) فضیلتی (برای کسانی که ایثار می کنند) نمی بینی؟ (2)

16. ثواب الاعمال: عبد اللَّه ابن سنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: با دست خود صدقه دادن، مرگ بد و هفتاد نوع بلا را دور می سازد، و او را از وسوسه های هفتاد شیطان که همگی به او دستور می دهند که این کار را مکن، می رهاند. (3)

17. ثواب الاعمال: سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدراش علیهم السّلام نقل کرده است که از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم پرسیدند: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: صدقه دادن به خویشاوندی که با انسان دشمنی بورزد.(4)

18. ثواب الاعمال: خلف ابن حمّاد از شخصی که از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در ماه رمضان صدقه دهد، خداوند هفتاد نوع بلا را از او دور می سازد. (5)

19. ثواب الاعمال: عمر ابن یزید نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدند: آیا صدقه دادن به فقیرانی که بر در خانه ها می آیند بهتر است یا به خویشاوندان؟ حضرت فرمود: نه، بهتر آن است که صدقه را برای خویشان خود بفرستد، و این اجر و پاداش بیشتری دارد. (6)

20. ثواب الاعمال: عمر ابن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: صدقه آشکارا هفتاد نوع بلا را (از آدمی) دفع می کند، و صدقه پنهانی خشم خداوند را فرو می نشاند. (7)

1- . حشر / 9
2- . ثواب الاعمال : 127
3- . ثواب الاعمال: 127
4- . ثواب الاعمال: 128
5- . ثواب الاعمال : 128
6- . ثواب الاعمال: 128

7- . ثواب الاعمال: 129

21. ثواب الاعمال: عبد اللَّه ابن سليمان نقل كرده است: وقتى روز عرفه فرا مى رسيد، امام محمد باقر عليه السّلام هيچ سائلى را رد نمى كرد. (1)

22. ثواب الاعمال: جابر از امام محمد باقر عليه السّلام روايت كرده است كه فرمود: پاداش عمل نيک و كيفر عمل بد در روز جمعه چند برابر است. (2)

23. ثواب الاعمال: عبد اللَّه ابن سنان روايت كرده است كه فقيرى در يكى از شبهاى جمعه از امام صادق عليه السّلام درخواست كمک كرد، (ولى) حضرت چيزى به او نداد و او رفت، آنگاه رو به اهل مجلس خود كرد و فرمود: چيزى داشتيم كه به اين فقير بدهيم، ولى صدقه در روز جمعه ثوابش چند برابر مى شود (و خواسته او را فردا بر آورده خواهيم كرد). (3)

24. ثواب الاعمال: ابو اسامه از امام صادق عليه السّلام نقل كرده است كه امام زين العابدين عليه السّلام مى فرمود: صدقه پنهانى خشم خدا را فرو مى نشاند. (4)

25. ثواب الاعمال: ابو اسامه از امام صادق عليه السّلام روايت كرده است كه امام زين العابدين عليه السّلام مى فرمود: به هنگام شب صدقه دادن موجب فرو نشاندن خشم خداوند است. (5)

26. ثواب الاعمال: عبد اللَّه ابن سنان از امام صادق عليه السّلام روايت كرده است كه فرمود: دادن صدقه به هنگام شب، مردن بد و هفتاد گونه بلا را دور مى گرداند. (6)

27. كتاب النوادر: امام صادق عليه السلام از پدرانش از پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم روايت ميكند كه ايشان به سراقه ابن مالک ابن جشعم فرمود: آيا نمى خواهى تو را به بهترين صدقه راهنمايى كنم؟ سراقه گفت: بلى، پدر و مادرم به قربانت اى رسول خدا! رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم فرمود: بهترين صدقه

1- . ثواب الاعمال: 128
2- . ثواب الاعمال: 128
3- . ثواب الاعمال: 128
4- . ثواب الاعمال : 128
5- . ثواب الاعمال: 129
6- . ثواب الاعمال: 129

آن است که به خواهرت و دخترت که به خانه تو برگشته (بیوه یا مطلقه شده) و غیر از کمک تو راه در آمد دیگری ندارند، کمک کنی.

با همین سند، علی علیه السّلام فرمود: از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سؤال شد: چه نوع صدقه ای بهتر است؟ آن حضرت فرمود: صدقه دادن به خویشاوندی که با انسان دشمنی بورزد.

با همین سند علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه نوع صدقه ای برتر است؟ فرمود: صدقه به اسیری که چشمانش تر شده است(گریان است).

با همین سند علی ابن أبی طالب علیه السّلام فرمود: از رسول خدا سؤال شد: چه نوع بخششی برتر است؟ رسول خدا فرمود: صدقه ای که با زحمت و کوشش از سوی شخص کم توانی، برای شخص فقیر و ناتوانی صورت گیرد. و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله فرمود: صدقه دادن پنهانی، خشم و غضب خداوند متعال را فرو می نشاند. (1)

28. امالی طوسی: ام سلمه رضی الله عنه میگوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کارهای نیک از مرگهای ناگوار محفوظ میدارد، و صدقه پنهانی خشم خداوند را خاموش میکند، و برقراری پیوند خویشاوندی بر عمر میافزاید، و هر کار نیکی صدقه است و نیکوکاران در دنیا، نیکوکاران در آخرتند و بدکاران دنیا، بدکاران آخرتند، و اولین کسانی که وارد بهشت میشوند، نیکوکاران هستند.(2)

29. دعوات الراوندی: از امام صادق علیه السلام سؤال شد که کدام صدقه برتر است؟ فرمود: این که صدقه بدهی و تو سالم بوده و امید

زنده ماندن داشته باشی و خوف فقیر شدن را داشته باشی و نه این که صبر کنی تا جان به گلو برسد و بعد بگویی این مقدار برای فلانی و آن مقدار برای فلانی. زیرا در آن موقع دیگر اموالت مال فلانی شده است!

1- . نوادر الراوندی : 1 - 3
2- . امالی طوسی 2 : 216

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کار نیکی صدقه است، و هر آنچه که شخص با آن آبرویش را پاس میدارد، به عنوان صدقه برای او نوشته میشود.

30. دعوات الراوندی: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: هر مسلمانی باید هر روز صدقه ای بدهد. عرض شد: چه کسی توانایی این کار را دارد؟ فرمود: اگر آنچه باعث اذیّت در راه و جاده میشود را کنار بزنی و شخصی را به مسیرش راهنمایی کنی صدقه است، و اگر از مریض عیادت کنی صدقه است، و امر به معروف و نهی از منکر و جواب سلام دادنت، همه صدقه است.

باب بیست و دوم : واجب بودن خمس و کیفر کسی که آن را ترک میکند و حکم آن در زمان غیبت و حکم آنچه در اختیار امام است

1. الاحتجاج: از اسحاق ابن یعقوب منقول است که آنچه از محمد ابن عثمان العمری در آنچه از امام زمان به او رسیده است: و امّا آن جماعت که اموال ما را در دست دارند؛ پس آن کس که مال ما را حلال داند و از آن بخورد به درستی که آتش خورده است. و امّا خمس بر شیعه ما حلال است و تا وقت ظهور حکومت ما بر طایفه شیعه مباح گشته است تا حلال زاده باشند و حرام زاده نگردند. (1)

2. الاحتجاج: از محمد ابن جعفر الاسدی منقول است که آنچه به او وارد شده از محمد ابن عثمان العمری در جواب مسایلی از امام زمان: و امّا آنچه سؤال از وقف ناحیه ما نمودی که آن را برای ما مقرّر گردانید و صاحبش بعد از آن محتاج به آن شد، هر چه صاحب آن به مستحقّان تحویل نداده، صاحب مال اختیار دارد. و امّا آنچه تسلیم أهل استحقاق نمود صاحبش را اختیار نیست خواه به آن محتاج باشد خواه نباشد، فقیر باشد یا غنی. و امّا آنچه سؤال نمودی از امر آن کس که اموال ما را که در اختیار اوست، حلال بداند و در آن تصرّف نماید، تصرف او در مالش بدون اجازه ماست؛ پس هر که چنین کند او ملعون است و ما در روز قیامت دشمن او خواهیم بود. و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس آنچه را خداوند برای عترت من بر آنها حرام کرده است، حلال بشمارد، بر زبان من و بر زبان همه پیامبران مستجاب الدعوۀ ملعون است. و هر که بر ما ظلم کرد او از جمله ظالمین

1- . الاحتجاج : 264

ماست و لعنت خداوند بر او است بنابه فرموده خویش: «أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»، (1) {هان! لعنت خدا بر ستمگران باد.} (2)

اکمال الدین: سنانی و دقاق و مکتّب و ورّاق همگی از جعفر اسدی همین حدیث را روایت کردهاند. (3)

3. اکمال الدین: ابو علی ابن ابی حسین اسدی از پدرش روایت کرده است که گفت: دست خطی از طرف شیخ ابو جعفر ابن عثمان عمری بدون سابقه و درخواست و تقدیم سؤال به من رسید به این مضمون: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که از مال ما یک درهم بر خود حلال شمارد. ابو الحسن اسدی گوید: من از این نامه چنین استفاده کردم که مقصود کسی است که از مال ناحیه درهمی را بر خود حلال داند نه کسی که آن را حلال نداند ولی از آن بخورد و با خود گفتم: این لعنت برای همه اشخاصی است که هر گونه حرامی را حلال شمارند و بر خلاف حکم خدا نظر دهند و در این باره چه فضیلتی برای حجت علیه السلام بر دیگران است. گوید: به حق آنکه محمد را برای مردم پیامبر مژده بخشی فرستاده است، بار دیگر در آن توقیع نظر کردم دیدم بدان مضمونی که در دلم افتاده بود درآمده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که یک درهم از مال ما به حرامی بخورد.» ابو جعفر محمد ابن محمد خزاعی گفته است. (4)

الاحتجاج: الاسدی مثل این حدیث را روایت کرده است. (5)

4. تفسیر قمی: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ»،(6)

{و بینوایان را غذا نمی دادیم.} فرمود: حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خمس است، برای

1- . هود / 18
2- . الاحتجاج : 267
3- . اکمال الدین 2 : 198

4- . اكمال الدين 2 : 201
5- . الاحتجاج: 286
6- . مدثر / 44

خویشاوندان، یتیمان، بینوایان و در راه ماندگان؛ که آنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند. (1)

5. تفسیر قمی: «وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ»،(2) {و بر خوراک [دادن] بینوا همدیگر را بر نمی انگیزید.} یعنی مراعات نمیکنند و آنان کسانیاند که حقوق آل محمد را غصب کردند و اموال یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان آنان را خوردند. (3)

6. تفسیر قمی: «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا»،(4) {و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند.} یعنی گروه گروه «حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ» {تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید.} یعنی به پاکی زاده شدید؛ چرا که تنها پاک زادگان به بهشت راه مییابند «فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» {در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید]} امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: همانا فلان کس و فلان کس و فلان کس، حقّ ما را غصب کردند و با آن کنیز خریدند و با زنان وصلت کردند. بدانید ما شیعیانمان را از این بابت در حلیت قرار دادیم تا به پاکی زاده شوند. (5)

7. علل الشرایع: زراره از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: امیر المؤمنین علیه السّلام ایشان یعنی شیعه را از ناحیه خمس در حلیّت قرار دادند تا ولادتشان طیّب و پاکیزه باشد. (6)

8. علل الشرایع: ابو بصیر از امام باقر علیه السّلام روایت میکند که فرمود: امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: مردم از ناحیه شکم و عورتشان هلاک شدند زیرا حقّ

1- . تفسیر قمی : 702
2- . فجر / 18
3- . تفسیر قمی : 724
4- . زمر / 73
5- . تفسیر قمی : 582
6- . علل الشرایع 2 : 65

ما را به ما اداء نمی کنند ولی شیعیان ما و فرزندانشان از این نظر در توسعه بوده و خمس که حقّ ما است بر ایشان حلال می باشد. (1)

9. علل الشرایع: داود رقّی می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السّلام می فرمود: تمام مردم در سایه مظلمه و ستم بر ما زندگی می کنند ولی ما شیعیان خود را از این نظر در حلیّت قرار دادیم. (2)

10. علل الشرایع: عبد اللَّه ابن بکیر می گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: من از شما شیعیان درهم و از اکثر اهل مدینه مال اخذ می کنم و قصدی ندارم مگر پاکی شما. (3)

11. اکمال الدین: ابو بصیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خداوند به شما خیر دهد، چه عملی بنده را به راحتی وارد جهنم می کند؟ فرمود: هر که درهمی از مال یتیم بخورد و ما یتیمانیم. صدوق میگوید: معنی یتیم در اینجا بی قرین است و پیغمبر را هم به همین معنی یتیم میگفتند و همچنین هر امامی بعد از او یتیم است و آیه 10 سوره نساء در باره خوردن اموال یتیمان به ظلم و ستم در باره آنان نازل شده است و بعدا در باره سایر ایتام هم مجری گردیده است. گویند دُرّ (مروارید) یتیم، و دُرّ را یتیم توصیف کنند به خاطر آنکه بی قرین و نظیر است. (4)

12. اکمال الدین: محمد ابن عیسی ابن عبید اللَّه یقطینی گوید: به امام علی ابن محمد علیه السلام نوشتم: قربانت گردم، مردی برای شما چیزی از مال خودش را قرارداد کرده است و سپس بدان نیازمند شده است؛ آیا آن را برای خود بردارد یا برای شما بفرستد؟ فرمود اختیار با اوست تا زمانی که آن را از دست خود بیرون نکرده است و اگر به دست ما هم رسیده باشد ما نظر داریم که اگر بدان محتاج شود او در آن مال همراهی و یاری میدهیم. (5)

1- . علل الشرایع 2 : 65
2- . علل الشرایع 2 : 65
3- . علل الشرایع 2 : 65
4- . علل الشرایع 2 : 200
5- . اکمال الدین 2 : 201

13. الغیبهٔ طوسی: علی ابن ابراهیم از پدرش نقل میکند که گفته است: من خدمت امام جواد علیه السلام بودم که صالح ابن محمد ابن سهل (متولی اوقاف قم) شرفیاب شد و گفت: سرور من! من ده هزار درهم از اموال شما را خرج کرده ام، مرا حلال کن. امام جواد فرمود: حلالت کردم. بعد از آن که صالح ابن محمد رفت، ابو جعفر فرمود: یک نفر خود را بر روی اموال آل محمد می افکند و حق ایتام و مساکین و فقرا و درماندگان در سفر را می خورد و می بلعد، بعد می آید و می گوید: حلالم کن که هزینه زندگی کرده ام. فکر می کنی غیر از این تصور می کرده است که من خواهم گفت: «حلالت کردم»؟ به خدا سوگند که روز واپسین بازپرسی سختی خواهد داشت. (1)

14. مناقب ابن شهرآشوب: ابوهاشم از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: خداوند متعال به محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا من تو را برگزیدم و و علی را انتخاب کردم و از شما نسلی پاک قرار دادم که برای آنها خمس را مقرر کردم.

15. تفسیر عیاشی: خداوند به شما خیر دهد، چه عملی بنده را به راحتی وارد جهنم می کند؟ فرمود: هر که درهمی از مال یتیم بخورد و ما یتیمانیم. (2)

16. تفسیر عیاشی: ابو جمیله از یکی از یارانش، از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که: خداوند در خمس، سهمی را برای آل محمد که درود خداوند بر آنها باد، واجب فرموده است؛ امّا ابوبکر به خاطر حسد و دشمنی از این که سهمشان را به آنها بدهد، سرباز زد و خداوند فرموده است: «وَمَن لَّمْ یَحْکُم بِمَا أَنزَلَ اللّهُ فَأُوْلَ-ئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»،(3)

{و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند، آنان خود ستمگرانند.} (4)

17. تفسیر عیاشی: از سدیر، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: ای ابوالفضل! ما به گواهی کتاب خدا در خمس حق داریم، پس اگر آن را

1- . الغیبة طوسی: 227
2- . تفسیر عیاشی 1 : 255
3- . مائده / 45
4- . تفسیر عیاشی 1 : 325

لغو کردند و گفتند: از جانب خدا نیست یا آن را نشناختند، تفاوتی ندارد (در هر صورت به ما تعلق دارد.)(1)

18. تفسیر عیاشی: از فیض ابن ابو شیبه، از مردی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: همانا شدیدترین و سخت ترین حالتی که مردم در روز قیامت با آن مواجه خواهند بود، هنگامی رخ خواهد داد که صاحب خمس قیام کند و بگوید: پروردگارا! خمس من کجاست؟ و شیعه ما در قبال آن گرفتاری ندارند. (2)

19. کنز الفوائد: عبد اللَّه ابن بکیر به امام صادق علیه السّلام میرساند که در باره آیه: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ»،(3) {وای بر کم فروشان}. فرمود: منظور کسانی هستند که خمس تو را کم میدهند یا محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم را. «الَّذِينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ»،(4) {که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند.} یعنی وقتی حقوق خود را از غنائم میخواهند کامل میگیرند «وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ»، (5) {و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند.} یعنی وقتی خمس آل محمّد را از آنها بخواهند کم میدهند. و فرمود: «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (6) {وای بر تکذیب کنندگان در آن هنگام.} وای بر کسانی که وصی تو را تکذیب میکنند ای محمد.(7)

20. کتاب الاستدراک: تلعکبری از امام کاظم نقل میکند که فرمود: هارون به من گفت: آیا میگویید خمس برای شما است؟ گفتم: بله. گفت: آن (اموال) زیادی است. تلعکبری میگوید: امام فرمود: همانا کسی که خمس را به ما اعطا کرده است میداند که آن برای ما زیاد نیست.

21. کتاب تاویل الآیات الظاهرة: امام ابوالحسن موسی کاظم علیه السلام، از پدرش روایت کرده است که: شخصی از امام محمد باقر علیه السلام، درباره این آیه:

1- . تفسیر عیاشی 2 : 62
2- . تفسیر عیاشی 2 : 62
3- . مطففین / 1
4- . مظففین / 2

5- . مطففين / 3
6- . مطففين / 10
7- . كنز الفوائد : 373

«وَالَّذِینَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»،(1) {و همانان که در اموالشان حقّی معلوم است، برای سائل و محروم} پرسید. پدرم فرمود: ای شخص! این را به خاطر بسپار و در روایت کردن آن خوب دقت کن و ببین چگونه از من روایت میکنی. سائل و محروم دارای شأن و منزلتی عظیم هستند. سائل همان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که حق خود را درباره اهل بیتش از خدای متعال مسئلت میکند و محروم کسی است که از خمس محروم شده است که منظور از آن همانا امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان صلوات الله علیهم اجمعین هستند. آیا خوب دقت کردی و فهمیدی؟ سائل و محروم آن گونه که مردم می گویند، نیست. (2)

عبد اللَّه ابن بکیر به امام صادق علیه السّلام میرساند که درباره این فرموده خداوند: «وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفِینَ»، (3) {وای

بر کم فروشان} فرمود: منظور کسانی هستند که خمس تو را کم میدهند. «الَّذِینَ إِذَا اکْتالُوا عَلَی النَّاسِ یَسْتَوْفُونَ»، (4)

{که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند} یعنی وقتی حقوق خود را از غنائم میخواهند کامل میگیرند «وَ إِذا کالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ یُخْسِرُونَ»،(5)

{و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند} یعنی وقتی خمس آل محمّد را از آنها بخواهند کم میدهند. (6)

1- . معارج / 24 - 25
2- . کنز جامع الفوائد : 419
3- . مطففین / 1
4- . مظففین / 2
5- . مطففین / 3
6- . کنز الفوائد : 373

مؤلف: برخی از روایتهای این باب در باب زکات طلا و نقره از باب های زکات ذکر شد.

1. الخصال: عمار بن مروان نقل می کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در چیزهایی که از معادن و در دریا و گنج ها بیرون آورده می شود، خمس واجب است. (1)

2. الخصال: محمد ابن ابی عمیر از چند نفر و آنها از امام صادق علیه السلام نقل کردند که فرمود: خمس بر پنج چیز تعلق می گیرد: گنج ها و معدن ها و غوّاصی و غنیمت، و ابو عمیره پنجمی را فراموش کرد.

صدوق می گوید: گمان می کنم پنجمی که ابو عمیر آن را فراموش کرد مالی است که شخصی آن را به ارث می برد و می داند که آن مخلوطی از حلال و حرام است و صاحبان مال حرام را نمی شناسد تا به آنها باز گرداند و عین حرام را هم نمی شناسد که از آن اجتناب کند، در این صورت خمس آن را پرداخت می کند. (2)

3. الخصال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصیت خود به علی علیه السلام فرمود: ای علی! همانا عبد المطلب در جاهلیت پنج سنت نهاد که خداوند آنها را در اسلام به اجرا درآورد، زنان پدران را بر پسران حرام کرد و خداوند چنین نازل فرمود: «وَلاَ تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاء»،(3) {و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده اند، نکاح مکنید.} و او گنجی پیدا کرد و خمس آن را بیرون آورد و

1- . الخصال 1 : 139
2- . الخصال 1 : 140
3- . نساء / 22

صدقه داد و خداوند چنین نازل فرمود: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ»،(1) {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا است.} و چون زمزم را کند، آن را برای آب دادن به حجاج تعیین کرد و خداوند چنین نازل فرمود: «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ»،(2) {آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورد.} و دیه قتل را صد شتر قرار داد و خدا همان را در اسلام اجرا کرد، و طواف نزد قریش تعداد مشخصی نداشت و عبد المطلب هفت شوط را سنت کرد و خدا آن را در اسلام اجرا کرد. (3)

4. عیون الاخبار. حسن ابن فضّال از پدرش از امام رضا علیه السلام همین حدیث را روایت کرده است. کل حدیث در احوال مربوط به عبدالمطلب آمده است.

5. معانی الاخبار: زید ابن علی از پدرش امام سجّاد، از پدرش حسین ابن علیّ از پدرش علیّ ابن ابی طالب علیهم السّلام روایت کرده است: که پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: بر چهارپا، چاه و معدن چیزی نیست و معدن طلا و نقره خمس دارد.(4)

6. معانی الاخبار: ابوعبید از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل میکند که فرمود: در سیوب خمس واجب است. ابوعبید گفته است: سیوب مال پنهان شده در زمین است و به نظرم حتما از سیب که به معنای عطا و بخشش است اقتباس شده است. گفته میشود «از بخششهای الهی و عطای او است.» (5)

7. بصائر الدرجات: ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت میکند که آیه خمس را بر ایشان خواندم، فرمود: آنچه برای خداوند است برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و آنچه برای رسول خدا است برای ما مقرر شده است. سپس فرمود: سوگند به خدا که خداوند بر مومنان آسان گرفته است به اینکه به آنان پنج

1- . انفال /
2- . توبه / 19

3- . الخصال 1 : 150
4- . معانی الاخبار : 303 و «جبار» باطل و رایگان شدن خون است که نه دیه دارد و نه قصاص.
5- . معانی الاخبار: 267

درهم روزی داده و یک درهم آن را برای خدا قرار دادهاند و چهار درهم را به صورت حلال میخورند. سپس فرمود: این از احادیث سخت و مشکل ما است که فقط کسانی که خداوند دلهای آنان را با ایمان آزموده است بدان عمل میکنند و بر آن شکیبا هستند. (1)

مؤلف: بعضی از احکام خمس در باب انفال خواهد آمد.

8. المحاسن: سکونی از امام صادق از پدرش از علی علیه السلام روایت میکند که شخصی نزد ایشان آمد و گفت: من مالی را به دست آوردم که در پی اینکه بدانم حرام است یا حلال سهل انگاری کردم و قصد کردم توبه کنم و نمیدانم حلال و حرام آن را تشخیص دهم و در واقع بر من مبهم گشته است. علی علیه السلام فرمود: یک پنجم مالت را صدقه بده، چراکه خداوند با یک پنجم از چیزها راضی میگردد و باقی مانده مال برای تو حلال است. (2)

9. فقه الرضا: بدان خدا تو را مورد رحمت قرار دهد که زمین از آنِ خداست آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است. و از امام موسی ابن جعفر علیه السلام روایت میکنم که فرمود: جبرئیل با پای خود بر زمین زد تا اینکه پنج نهر جاری شد در حالی که زبانه آب از پشت پایش روانه بود. فرات، دجله، نیل و نهر مهربان و نهر بلخ. پس هر چه را این نهرها آب دهد یا آب از آن بکشند برای امام است و دریایی که محیط دنیا را فراگرفته، آن نیز برای امام است.

و از ایشان روایت شده که فرمود: خداوند عزّ و جلّ مهریه فاطمه سلام الله علیها را یک پنجم دنیا قرار داده است، پس آنچه برای او مقرر شده بود به فرزندانش تعلق گرفت.

و به عالم ایشان گفته شد: چه عملی بنده را به راحتی وارد جهنم می کند؟ فرمود: هر که درهمی از مال یتیم بخورد و ما یتیمانیم.

1- . بصائر الدرجات : 29
2- .المحاسن : 320

خداوند بزرگ فرمود: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى»،(1) {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] است }تا آخر آیه، و از آن جهت چنین کرد تا با رحمت خود بر ما منّت گذارد، زیرا مالک جانها و مالها و چیزهای دیگر خود او است که مالکیّت حقیقی دارد؛ و آنچه در دست مردم است عنوان عاریه دارد، و مردمان به مجاز مالکند نه به حقیقت.

و آنچه مردم به دست می آورند همه غنیمت است، هیچ تفاوتی میان گنجها، معادن، غواصی و مال غنیمتی که در آن اختلاف نیست و در باره آن ادعای رخصت شده است وجود ندارد. سود تجارت و مالی که حاصل دسترنج است و دیگر سودهایی که از کسب و کار و صنعتها و ارثها و دیگر موارد به دست میآید، از آن جمله است، زیرا همه این موارد غنیمت و فایده و روزی خداوند عز و جلّ است، چراکه روایت شده، خمس خیاط از سوزنش و خمس صنعت کار از صنعتش است.

بنابراین بر هر کسی که از این راهها مالی را به دست آورد، خمس واجب است. پس اگر آن را بپردازد حق خداوند را که بر او واجب بوده است، ادا کرده و در معرض فزونی اموال قرار میگیرد و بقیه اموالش برای او حلال و پاکیزه میگردد و خداوند بر آنچه به بندگانش درباره فزونی اموال و پاک گردانیدن از بخل، وعده میدهد، قادر و توانا است بدین صورت که او نفس خویش را از اموال حرامی که در اختیار دارد و در آن بخل ورزیده، بی نیاز سازد،[پس آن که نپردازد] «خَسِرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهَ ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِین» {در دنیا و آخرت زیان کار است و این همان زیان آشکار است.}پس از خداوند پروا داشته باشید و حق خداوند را در آنچه در اختیار دارید بپردازید تا خداوند در سایر اموالتان برکت بیندازد و آن پاک گرداند چراکه خداوند عزّ و جلّ بی نیاز و ما نیازمند هستیم و خداوند فرموده است: «لَن یَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَکِن یَنَالُهُ التَّقْوَى مِنکُمْ»، {هرگز [نه] گوشتهای آنها و نه خونهایشان به خدا نخواهد رسید، ولی [این] تقوای شماست که به او می رسد} پس تا حد امکان تقرب جستن به خداوند عزّ و جلّ را با (صدقه های) کم و زیاد رها

1- . انفال / 41

نکنید و برای انجام این کارها بشتابید و از عواقب درنگ کردن و تاخیر انداختن بر حذر باشید چراکه بسیاری از امت های پیشین به خاطر همین هلاک شدند و چنگ زدن و اعتماد کردن فقط برای خداوند است.

10. تفسیر عیاشی: از ابن سنان، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: از ایشان شنیدم که در باره غنیمت چنین فرمودند: خمس از آن جدا می شود و آن چه باقی می ماند، میان کسانی که برای به دست آوردن آن جنگیدند و آن را به عهده گرفتند، تقسیم می شود و اما فیء و انفال فقط به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص دارد. (1)

11. تفسیر عیاشی: از حلبی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در باره مردی که از اصحاب ما باشد و زیر پرچم آنان می جنگد و غنیمتی به دست می آورد، پرسید. فرمود: خمس ما را می پردازد و سپس غنیمت برای او حلال و پاک است. (2)

12. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمودند: خمس غنیمت جدا می شود، سپس چهار قسمت بقیه آن میان کسانی که برای به دست آوردن آن جنگیدند و یا کسی که آن را به عهده گرفته است، تقسیم می شود. (3)

13. تفسیر عیاشی: از اسحاق ابن عمار نقل شده است که گفت: از ایشان شنیدم که فرمودند: بنده ای که از پول خمس چیزی را بخرد، عذری ندارد که بگوید: پروردگارا! من آن را با مال خود خریدم، تا این که اهل خمس به او اجازه دهند. (4)

14. تفسیر عیاشی: از ابراهیم ابن محمد نقل شده است که گفت: به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان در باره آنچه پرداخت آن از آبادیها واجب است، پرسیدم؟ چنین نوشتند: خمس پس از تأمین هزینه. گفت: سپس با اصحابمان مناظره کردم. گفتند: خمس، پس از آن چیزی که حاکم می گیرد (خراج) و پس از هزینههای شخصی است؟ پس به او چنین نوشتم: همانا تو چنین گفتی: خمس پس

1- . تفسیر عیاشی 1 : 62

2- . تفسیر عیاشی 1 : 64
3- . تفسیر عیاشی 1 : 62
4- . تفسیر عیاشی 1 : 63

از هزینه، و اصحاب ما در باره هزینه، اختلاف نظر دارند. ایشان چنین نوشتند: خمس پس از مقداری که حاکم می گیرد و پس از هزینه مرد و خانواده اش است. (1)

15. تفسیر عیاشی: از فیض ابن ابو شیبه، از مردی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: همانا سخت ترین حالتی که مردم در روز قیامت با آن مواجه خواهند بود، هنگامی است که صاحب خمس بلند شود و بگوید: پروردگارا! خمس من کجاست؟ و شیعه ما در قبال آن گرفتاری ندارند. (2)

16. تفسیر امام حسن عسکری: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یارانش گفت: کدام یک از شما امروز زکاتش را پرداخت کرده است؟ علی علیه السلام گفت: من، پس منافقان در قسمت پایین مجلس با یکدیگر نجوا کردند و میگفتند: علی چه مالی دارد تا از آن زکات بپردازد؟ پس پیامبر فرمود: آن منافقان در آخر مجلس درگوشی چه چیزی به هم میگویند؟ علی گفت: بله، خداوند متعال گفته آنان را به گوش من رسانید. میگویند: علی چه مالی دارد تا از آن زکات بدهد. هر مالی که از امروز تا روز قیامت به غنیمت گرفته شود - ای رسول خدا! - پس از شما برای من خواهد بود و حکم من در باره مالی که از غنیمت در زمان حیات شما برای شماست جایز است؛ پس من شما هستم و شما من هستید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همین طور است ای علی. و اما زکات آن را چگونه میپردازی؟ علی علیه السلام گفت: من از زبان شما تعریف خداوند از خودم را شناختم و اینکه نبوت شما پس از این به صورت ملکی گزنده و جابرانه خواهد شد و بر خمس من که شامل اسیران و غنیمتها میباشد مستولی میشوند و آن را میفروشند و آن اموال برای خریدار حلال شمرده نمیشود، زیرا سهم من در آن است و من سهم خود را در آن اموال به همه شیعیانم میبخشم تا منافع آنها در خوردنیها و نوشیدنیها حلال گردد تا حلال زاده باشند و فرزندان آنها اولاد حرام نباشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ کس صدقه ای بهتر از صدقه تو را نبخشیده است و رسول خدا نیز در این کارت از تو

1- . تفسیر عیاشی 1 : 63

2- . تفسیر عیاشی 1 : 62

تبعیت میکند و برای پیروانش هر سهمی را اعم از غنیمت و بیع، بر گردن هر یک از پیروانم باشد حلال میکنم، در حالی که من و تو آن را برای غیر آنها حلال نمی کنیم. (1)

17. سرائر: المعلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: هر جا که مال ناصبی یافتی بگیر و خمس آن را برای ما بفرست. (2)

18. سرائر: حفص ابن البختری از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: مال ناصبی را هر جا که یافتی بگیر و و خمس آن را برای ما بفرست.

محمد ابن ادریس رحمه الله گوید: مقصود از ناصبی در این دو روایت اهل جنگ (ناصبی حربی) است، زیرا آنان با مسلمانان اعلام جنگ کردهاند وگرنه به هیچ وجه گرفتن مال مسلمان و کافر ذمی (اهل جزیه) جایز نیست.(3)

19. رجال کشی: ابوبصیر میگوید: علبا اسدی حاکم بحرین شد و هفتصد هزار دینار و تعدادی برده و چهارپا به دست آورد. آن گاه همه آن ها را نزد امام صادق علیه السلام آورد و گفت: من از سوی بنی امیه به حکومت بحرین منصوب شدم و از این راه فلان مبلغ به دست آوردم که همه آن ها را نزد شما آورده ام و می دانم که خداوند چیزی از این ها را برای بنی امیه قرار نداده است و همه آن ها متعلق به شماست. امام صادق علیه السلام به او فرمود: آن را بیاور. ابوبصیر میگوید: علباء مال را در مقابل او گذاشت. امام به او گفت: ما از تو قبول کردیم و به تو بخشیدیم و آن را برای تو حلال کردیم و بهشت را از سوی خداوند برای تو ضمانت نمودیم. (4)

20. رجال کشی: عبدالجبار ابن مبارک نهاوندی میگوید: در سال دویست و نه خدمت سرورم رسیدم و به او گفتم: فدایت شوم، از پدرانت برای من روایت شده است که هر فتح که با گمراهی فتح شود برای امام است، ایشان فرمود: بله. گفتم: فدایت شوم، در یکی از فتح هایی که با گمراهی صورت گرفت مرا اسیر کردند و من بنا به دلیلی از دست کسانی که مرا تصاحب کرده بودند رهایی یافتم و به عنوان برده

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 41
2- . سرائر : 476
3- . سرائر: 476
4- . رجال کشی : 175

و بنده خدمت شما رسیدهام. فرمود: قبول کردم. او میگوید: زمانی که برای رفتن به مکه آماده شدم به ایشان گفتم: فدایت شوم من حج رفتم و ازدواج نمودم و کسب و کارم به گونهای است که دوستانم به من کمک میکنند و چیزی غیر از آن ندارم، پس هر امری دارید بفرمایید! فرمود: به سرزمینت بازگرد و تو در حج رفتن و ازدواج نمودن و کسب و کارت حلال شده ای.

زمانی که سال دویست و سیزده فرا رسید نزد ایشان رفتم و بردگی را که بدان تعهد داده بودم به یادش آوردم. پس فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی. به ایشان گفتم: فدایت شوم آن را در ضمانت نامهای برایم بنویس. فرمود: فردا به دست تو میرسد. پس با نامه هایم نامه ای به دستم رسید که در آن آمده بود:

«به نام خداوند بخشاینده مهربان، این نامه ای از محمد ابن علی هاشمی علوی برای عبدالله ابن مبارک است که به او فتوا میدهم که من تو را در راه خدا و دنیای آخرت آزاد کردم، هیچ صاحبی جز خدای یکتا نداری و هیچ کس بر تو سلطه ای ندارد در حالی که تو غلام من و بعد از من غلام ورثه من هستی؛ و نوشت، در ماه محرم سال دویست و سیزده نوشت و با دست خطش آن را امضا کرد: محمد ابن علی، و با انگشترش آن را مهر زد. (1)

21. هدایه: هر چیزی که قیمت آن به یک دینار برسد، در آن خمس برای خداوند و رسول خدا و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است. اما آنچه برای خداوند است برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و آنچه برای رسول خدا است برای اوست. و ذوی القربی، خویشاوندان او هستند، و یتیمان، یتیمان اهل بیت و بینوایان، بینوایان آنها و در راه مانده، در راه مانده آنها است. و اختیار آن بر عهده امام است که هر طور بخواهد در میان آنها تقسیم کند چه همه و چه برخی از آنها حضور پیدا کنند.

1- . رجال کشی : 476

باب بیست و چهارم : اصناف مستحقین خمس و چگونگی تقسیم کردن خمس میان آنها

آیات:

- وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ. (1)

{و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حقّ از باطل] - روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند - نازل کردیم، ایمان آورده اید. و خدا بر هر چیزی تواناست.}

- مَا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الأَغْنِيَاء مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (2)

{آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر [او] و متعلّق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.}

1- . انفال / 41
2- . حشر / 7

روایات:

1. قرب الاسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره این سخن خدای تبارک و تعالی «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى»، {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان است.} پرسیدم. پس به او گفته شد: اگر دیدی که یکی از این اصناف بیشتر باشند و صنفی از صنف دیگر کمتر باشد چه کار باید کرد؟ فرمود: این بر اساس تصمیم امام است؛ آیا دیده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چطور عمل میکرد؟ مگر نه اینکه بر اساس نظر و دیدگاه خویش عمل میکرد و امام نیز همین طور است. (1)

2. عیون الاخبار،(2)

امالی صدوق: ریّان گوید: امام رضا علیه السلام در حضور مامون با علمای عامه (اهل سنت) درباره فضیلت عترت پاک به احتجاج پرداخت در میان سخنانش فرمود:

اما آیه هشتم قول خداوند است «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَىْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی»،(3) {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان است.} پس حق تعالی سهم اقربا را به سهم خود و به سهم پیامبر مقترن فرموده، پس این تمایزی است میان آل و امت چراکه حق تعالی اقربا را در مکانی ذکر فرموده و مردم را در مکانی دیگر بعد از آن مکان و پایین تر از آن مکان ذکر فرموده و برای خویشان نبی آنچه برای خود پسندیده است، پسندیده است و ایشان را برگزیده زیرا که در مرتبه اول خود را ذکر فرموده و مرتبه دوم رسول را و بعد از آن ذوی القربی را در هر چه از خراج و غنائم و سایر غنائم به دست آید و در غیر این مقام نیز هر چه برای خود پسندیده است برای ایشان پسندیده است و در این مقام فرموده و قول او حق و صدق است «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَىْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی» پس این تاکیدی است اکید و اثری است قائم و ثابت برای آن ها تا روز قیامت در

1- . قرب الاسناد : 226
2- . عيون الاخبار 1 : 237
3- . انفاق / 41

کتاب ناطق خداوندی که بطلان در آن زمان و بعد از آن زمان در آن نگنجد و کتابی فرستاده شده از جانب پروردگاری حکیم و پسندیده است. اما این سخن خداوند «وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ» یتیم هر گاه یتیمی او برطرف شود، او را از غنائم بهره نباشد و همچنین مسکین هر گاه فقر و مسکنت او پایان یابد، او را نصیبی از غنائم نباشد و گرفتن آن بر او حلال نباشد و لیکن سهم ذی القربی برای ایشان تا روز قیامت ثابت و محقق است چه غنی باشند و چه فقیر زیرا که احدی غنیتر و بی نیازتر از خداوند بزرگ و از جناب پیامبر نیست، با وجود این حق تعالی برای خود سهمی و برای پیامبر سهمی قرار داده و آنچه برای خود و رسول خود پسندیده برای ذی القربی پسندیده است و همچنین در فیء، هر چه برای خود و پیامبرش پسندیده برای آنها نیز پسندیده است؛ چنانچه در آیه غنیمت که به همین نوع جریان یافته و ابتدا به نفس خود فرمود، پس از آن به رسول خود، پس از آن به ذی القربی و سهم خویشان و ذی القربی را به سهم خود و رسول خود مقترن فرموده و همچنین در آیه شریفه طاعت نیز چنین کرده است و فرمود: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، (1) {ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.} پس در این آیه ابتدا نفس خود را فرموده و پس از آن رسول خود و بعد از آن اهل بیت پیامبر را ذکر کرده است و همچنین در آیه ولایت، خداوند فرموده است: «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا»،(2) {ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند.} پس طاعت و ولایت ایشان، و اطاعت و ولایت رسول را به طاعت و ولایت خود مقترن ساخته چنانچه در آیه فیء و آیه غنیمت، سهم ایشان و سهم رسول را به سهم خود مقترن داشته است. تبارک الله! چقدر بزرگ است نعمت او بر این اهل بیت.

اما در قصه صدقه، خود و رسول خود و اهل بیت آن جناب را منزه و مبرا ساخته است و فرمود: «إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ»،(3)

1- . نساء / 59
2- . مائده / 55
3- . توبه / 60

{صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست.} پس آیا در آن میبابی که حق تعالی چیزی از آن را برای خود یا رسول خود یا برای ذوی القربی قرار داده باشد چراکه حق تعالی خود و رسول و اهل بیت خود او را از صدقه منزه فرموده و سهمی در آن قرار نداده است بلکه حرام کرده است، زیرا صدقه بر محمد و آل محمد حرام است زیرا صدقه چرکهای دست مردم است و برای محمد و آل محمد حلال نیست زیرا که ایشان از هر بدی و چرکی پاکند؛ پس چون حق تعالی آنها را مطهر قرار داده و برگزیده است، آنچه را که برای خود پسندیده، برای آن ها پسندیده است و آنچه را برای خود ناخوشایند دانسته، برای آنها نیز ناخوشایند دانسته است. است پس این آیه هشتم بود. (1)

3. تفسیر قمی: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی»،(2) {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان است.} ذوی القربی امام است «وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ» اینان یتیمان مخصوص خاندان محمد و بینوایان و در راه ماندگان مخصوص آنان هستند، پس، از غنیمت یک پنجم خارج میشود و به شش سهم تقسیم میشود، یک سهم برای خداوند و یک سهم برای رسول خدا و یک سهم برای امام و امام سهم خداوند و سهم رسول خدا را به ارث میبرد و بدین ترتیب امام سه سهم از شش سهم را خواهد داشت و سه سهم برای یتیمان خاندان پیامبر و بینوایان و در راه ماندگان آنان است.

در حقیقت امام به تنهایی از خمس سه سهم را به دست میآورد زیرا خداوند آنچه را از پرورش یتیمان و کمک به مسلمانان و پرداخت قرضهای آنان و روانه کردن آنان برای حج و جهاد بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لازم کرده، بر امام نیز ملزم گردانیده است. و این سخن رسول خدا است آنسان که خداوند آیه «النَّبِیُّ

1- . امالی صدوق : 317
2- . انفاق / 41

أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»،(1) {پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است.} را بر او نازل فرمود. و ایشان همچون پدر برای مسلمانان است. پس زمانی که خداوند ایشان را پدر مومنان قرار داده، آنچه پدر نسبت به فرزند بر گردن دارد بر ایشان ملزم کرده است و در این رابطه فرمود: هر کس مالی را به جا گذارد، برای ورثهاش خواهد بود و هر کس قرض و تباهی ای را به جا گذارد بر عهده من خواهد بود. پس امام نیز آنچه را که بر پیامبر لازم بوده، بر عهده دارد و از این جهت سه سهم از خمس متعلق به اوست. (2)

4. الخصال: نجده حروری نامه ای به ابن عباس نوشت و چهار چیز از وی پرسید: آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه با زنان هم به جنگ می رفت؟ و آیا چیزی را به آنان تقسیم می کرد؟ و از محل مصرف خمس؟ و از یتیم که چه موقع یتیمی او پایان می یابد؟ و از کشتن کودکان در جنگ پرسید؟ ابن عباس به او نوشت اما در باره زنان، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را بهره مند می کرد ولی به آنان سهم نمی داد؛ و اما خمس، ما گمان می کنیم که آن مال ما است و گروهی گمان کردند که آن مال ما نیست اما صبر کردیم؛ و اما یتیم، پایان یتیمی او نیرومند شدن اوست و آن همان احتلام و بلوغ است مگر اینکه در او رشدی نبینی و او نزد تو سفیه یا ضعیف باشد که در این صورت ولیّ او را نگهداری می کند؛ و اما کودکان، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را نمی کشت ولی خضر کافرشان را می کشت و مؤمنان را رها می کرد، اگر تو مانند خضر از سرانجام آگاهی، خود دانی. (3)

5. تفسیر قمی: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَی حَقَّهُ وَالْمِسْکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ»،(4) {و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن].} منظور از ذا القربی، خویشاوندی رسول خدا صلی الله علیه و آله است و درباره فاطمه سلام الله علیها نازل شده است. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به او داد. مسکین نیز

1- . احزاب / 6
2- . تفسیر قمی : 254
3- . الخصال 1 : 112
4- . اسری / 26

یعنی درماندگان فرزندان فاطمه سلام الله علیها و ابن السبیل یعنی در راه ماندگان آل محمد علیهم السلام و فرزندان فاطمه سلام الله علیها. (1)

6. الخصال: عیسی ابن عبد اللَّه علوی از پدرش از جدش جعفر از پدرش محمد ابن علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: براستی خدایی که جز او معبود بر حقی نیست، چون صدقه را بر ما حرام کرده، خمس را برای ما مقرر داشته، صدقه بر ما حرام است، ولی خمس برای ما واجب است و پیشکشی بر ما حلال است. (2)

7. امالی طوسی: اشعث ابن سوّار از حسن بصری نقل میکند که گفت: خمس برای خدا و پیامبر و خویشاوندان پیامبر است. و این همه خمس نیست و گاهی در میان کسانی که خداوند عزّ و جلّ آنها را نام برده تقسیم میشود و پس از آن خلفاء آن را به خویشاوندان خویش بخشیدند. گفتم: همه آنها؟ گفت: بلکه همه آنها. (3)

8. الخصال: زکریا ابن مالک جعفی گوید، از امام صادق علیه السلام درباره این گفته خدا «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ» {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.} پرسیدم، فرمود: سهم خدا برای پیامبر است که هر جا خواهد مصرف کند و سهم خمس رسول از خویشان اوست و سهم خمس خویشان، خویشان پیامبر است و اما یتیمان، یتیمان خاندان پیامبر است. این چهار سهم در خاندان پیامبر است ولی سهم مساکین و ابن سبیل را تو می دانی که ما صدقه نمیخوریم و صدقه بر ما حلال نیست. صدقه حق مساکین و ابن سبیل است. (4)

9. تفسیر عیاشی: از ابو جعفر احول نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: قریش در باره خُمس چه می گویند؟ گفتم: می پندارند که متعلّق به آنها می باشد. فرمود: به خدا، انصاف به خرج ندادند. اگر مباهله ای در کار بود به وسیله

1- . تفسیر قمی : 380
2- . الخصال 1 : 139

3- . امالی طوسی 1 : 268
4- . الخصال 1 : 157

ما مباهله می کردند و اگر مبارزه ای در پیش بود به وسیله ما مبارزه می کردند، پس آیا ما و آنها با هم مساوی هستیم؟ (1)

10. تفسیر عیاشی: احول نقل کرده است که با امام صادق علیه السلام در باره بعضی از چیزها که مردم آن را انکار می کنند، صحبت کردم. امام فرمود: به آنها بگو قریش می گویند: ما نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم، آنهایی که غنیمت به آنها تعلق می گیرد. پس به آنها بگو: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام رفتن به جنگ بدر، غیر از اهل بیت خود هیچ کس را دعوت نکرد. و روز مباهله هم، علی و حسن و حسین علیهم السلام را با خود برد. آیا تلخ مال ما است و شیرین، متعلّق به آنها؟ (2)

11. تفسیر عیاشی: از عبدالله ابن سنان، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: از ایشان شنیدم که نجده حروری به ابن عباس نامه نوشت و در باره موارد و مصادیق پرداخت خمس پرسید؟ پس به او چنین نوشت: اما خمس؛ پس ما ادعا می کنیم که از آن ما است و قوم ما ادعا می کنند که از آن ما نیست. پس صبر و تحمل کردیم. (3)

12. تفسیر عیاشی: از زراره و محمد ابن مسلم و ابو بصیر نقل شده است که به ایشان علیه السلام عرض کردند: حق امام در اموال مردم چیست؟ فرمودند: فیء و انفال و خمس و هر چیزی که فیء یا انفال یا خمس یا غنیمت از آن عاید می شود، خمس آن برای ایشان است؛ چرا که خدا می فرماید: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»، {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.} و هر چیزی که در دنیا است، ایشان بهره ای از آن دارند. پس اگر کسی با پرداخت خمس به آنان خود را به ایشان وصل

1- . تفسیر عیاشی 1 : 176
2- . تفسیر عیاشی 1 : 177
3- . تفسیر عیاشی 2 : 61

کند، (بداند) مقداری را که برای آن شخص دعا می کنند (و از راه دعا به او میرسد)، بیشتر از چیزی است که (آنان) دریافت می کنند. (1)

13. تفسیر عیاشی: از سماعه، از امام صادق علیه السلام و ابو الحسن علیه السلام روایت شده است که گفت: از یکی از آن دو در باره خمس پرسیدم. فرمودند: خمس فقط در غنیمتها مصداق دارد. (2)

14. تفسیر عیاشی: از محمد ابن مسلم، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى»، فرمودند: آنان خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند. (3)

15. تفسیر عیاشی: از محمد ابن فضیل، از امام رضا علیه السلام روایت شده است که گفت: از ایشان در باره این فرموده خدای عز و جل: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى» پرسیدم. فرمودند: خمس از آن خدا و از آن رسولش صلی الله علیه و آله و سلم و برای ما است. (4)

16. تفسیر عیاشی: از اسحاق، از مردی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: از ایشان در باره سهم صفوه (خالص) پرسیدم؟ فرمودند: برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و چهار پنجم برای مجاهدین و استواران و خمس میان موارد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقسیم می شود. ما می گوییم: آن (این موارد) برای ما است و مردم می گویند: برای شما نیست. یک سهم برای ذوی القربی و از آن ما است و سه سهم برای یتیمان و مساکین و در راه ماندگان که امام آن را میان آنان تقسیم می کند. پس اگر به هر گروه از آنان یک درهم رسید، امام در باره آن حکم می کند و آن را برای ذوی القربی قرار می دهد. و فرمود: آن را به ما بر می گردانند. (5)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 61
2- . تفسیر عیاشی 2 : 62
3- . تفسیر عیاشی 2 : 62
4- . تفسیر عیاشی 2 : 62

5- . تفسير عياشى 2 : 63

17. تفسیر عیاشی: از منهال بن عمرو، از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که گفت: امام فرمود: برای یتیمان، و مساکین و در راه ماندگان ما است. (1)

18. تفسیر عیاشی: از زکریا بن مالک جعفی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که از ایشان در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» پرسیدم. فرمودند: اما خمس خدا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که آن را در راه خدا هزینه میکند. و خمس پیامبر که سلام و درود خدا بر او باد، برای ما و خویشاوندان او است؛ و خمس ذوی القربی برای نزدیکان پیامبر است. منظور از یتامی، یتیمان اهل بیت اوست. پس این چهار سهم را برای آنان قرار داده است. اما مساکین و در راه ماندگان، تو می دانی که ما صدقه نمی خوریم و برای ما جایز نیست. پس آن به مساکین و در راه ماندگان تعلق دارد. (2)

19. تفسیر عیاشی: از عیسی ابن عبدالله علوی، از پدرش، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: فرمودند: همانا خدایی که خدایی جز او نیست، صدقه را بر ما حرام دانسته است و خمس را برای ما قرار داده است. صدقه بر ما حرام است و خمس برای ما واجب است و کرامت، امری است که برای ما حلال است. (3)

20. زید ابن حسن انماطی گفته است که از ابان ابن تغلب شنیدم که گفت: از امام صادق درباره این سخن خداوند «يَسْئَلُونَکَ عَنِ الْأَنْفالِ، قُلِ الْأَنْفالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ» پرسیدم که در باره چه کسی نازل شد؟ فرمود: به خدای سوگند که در باره ما نازل شده است، و هیچ کس در این آیه با ما شریک نیست. گفتم: ابو الجارود از زید ابن علی بن ابی طالب روایت کرده است که فرمود: تا زمانی که به خمس نیاز داشته باشیم، از آن ما است، و چون از آن بینیاز شویم، دیگر ما را نرسد که با آن

1- . تفسیر عیاشی 2 : 63
2- . تفسیر عیاشی 2 : 63
3- . تفسیر عیاشی 2 : 64

خانه ها و کاخها بنا کنیم. امام صادق فرمود: چنان است که زید گفته است. و زید گفت: در حقیقت من درباره انفال پرسیدم و آن مخصوص ماست. (1)

21. تفسیر فرات ابن ابراهیم: دیلم ابن عمرو گوید: ما در شام اقامت داشتیم که اسیری از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده شد تا اینکه بر پلهها مستقر شدند؛ پیرمردی از اهالی شام آمد و گفت: سپاس از آن خدایی است که شما را کشت و فتنه را خاموش کرد. علی ابن حسین فرمود: ای پیرمرد ساکت شو و به من گوش کن. من ساکت شدم و به تو گوش کردم تا اینکه دشمنی درونت را نسبت به من آشکار کردی، آیا قرآن را خوانده ای؟ گفت: بله، فرمود: آیا در آن برای ما حقی مخصوص که برای دیگر مسلمانان نباشد، یافته ای؟ گفت: خیر. فرمود: قرآن را نخوانده ای. گفت: البته قرآن را خوانده ام. فرمود: پس سوره انفال را نخوانده ای «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى» آیا میدانی آنان چه کسانی هستند؟ گفت: خیر، فرمود: همانا ما آن کسان هستیم. گفت: آیا واقعاً شما آن افراد هستید؟ فرمود: بله، دیلم بن عمر میگوید: پیرمرد دستش را بالا برد سپس گفت: خداوندا من از کشتن خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دشمنی با خاندان او به سوی تو باز میگردم و توبه میکنم. (2)

مؤلف: در کتاب سلیم بن قیس هلالی دیدم که او گفت: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: والیان پیش از ما متصدّی کارهایی شدند که از روی عمد با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله مخالفت کردند، و اگر من مردم را از آن منع و امر به ترک آن نمایم، تمام لشکرم از اطراف من پراکنده میشوند؛ و حدیث طولانی را بیان کرد تا آنجا که فرمود: و سهم ذی القربی را ندادم مگر به کسانی که خداوند امر فرمود به آنها بدهم، کسانی که خداوند (درباره آنان) میفرماید: «إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلى عَبْدِنا يَوْمَ الْفُرْقانِ» به خدا که منظور از ذوی القربی ما هستیم، و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان مخصوص ما است چراکه خداوند برای ما در

1- . تفسیر فرات ابن ابراهیم : 49
2- . تفسیر فرات ابن ابراهیم: 50

صدقه هیچ نصیبی قرار نداد، خداوند سبحان پیامبر خود و ما را اکرام داشت از اینکه به ما چرکهای اموال مردم را بخوراند. (1)

مؤلف: کلینی مثل این حدیث را در «الروضه» از علی ابن ابراهیم از پدرش از حماد ابن عیسی از ابراهیم ابن عمر الیمانی از ابن ابی عیاش از سلیم روایت کرده است. (2)

و طبرسی در «احتجاج» مانند این حدیث را از مسعده بن صدقه روایت کرده است (3) که تمام روایتها در باب فتنهها ذکر شد.

1- . کتاب سلیم بن قیس : 144
2- . الکافی 8 : 58 - 63
3- . احتجاج : 141

آیات:

- يَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ قُلِ الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ. (1)

{[ای پیامبر،] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند. بگو: «غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد.}

- وَمَا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاء وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ * مَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الأَغْنِيَاء مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ * لِلْفُقَرَاء الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُوْلَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ. (2)

{و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید، [شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید، ولی خدا فرستادگانش را بر هر که بخواهد چیره می گرداند، و خدا بر هر کاری تواناست. آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر [او] و متعلّق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است. [این غنایم، نخست] اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان

1- . انفال / 1
2- . حشر / 6 - 8

رانده شدند: خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می باشند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند. اینان همان مردم درست کردارند. }

روایات:

1. تحف العقول: رساله امام صادق علیه السلام درباره غنیمتها و وجوب خمس برای صاحبان آن:

از آنچه که ذکر نموده بودی دریافتم، اهتمام داری مواردی را که خدا به آنها خرسند است دریابی و بدانی چگونه من سهم ذی القربی را از آن موارد برداشت می کنم. و همچنین از اینکه درخواست کرده بودی تو را در جریان همه این موارد قرار دهم، منظورت را دریافتم و اینک خوب دل بسپار و چشم خرد خود را نیک بگشا و آنگاه از جانب خود انصاف ده که فردای قیامت در پیشگاه پروردگارت که تو را امر و نهی فرموده چگونه باید باشی که برایت سلامت بارتر باشد. خداوند به ما و تو، توفیق ارزانی فرماید.

بدان که پروردگار من و پروردگار تو، چیزی را نادیده نگرفته و پروردگارت هرگز فراموشکار نیست و چیزی را در قرآن فروگذار نکرده و هر چیز را به خوبی شرح فرموده است. به راستی، خدای تبارک و تعالی درباره گرفتن سهم خود در قرآن بیانی فرموده که روشن تر از آنچه راجع به تقسیم آن در راه هایش بیان فرموده نیست؛ زیرا خداوند چیزی از آن را در هیچ آیه ای از قرآن نیاورده مگر آن که به دنبال آن راههای مصرفش را بیان کرده است. و این دو را از هم جدا نساخته است.

مالی را برای کسانی فرض و واجب نموده که سهم آنان هرگز زایل نگردد، ولی حقّ و حقوقی را برای کسانی مقرّر داشته که با تغییر عناوین، زایل می گردد؛ زیرا وجوب روزه از پیر سالخورده به خاطر کهولت سن زایل می شود و حقّ زکات از مسکینی که توانگر شده برداشته می شود و سهم مسافری که در سفر درمانده شده، با رسیدن به شهر خود ساقط می گردد و با اینکه در باره حج از نظر تعلیم امر تأکیدی شده و از آنچه در حال احرام مرتکب می شوند نهی به عمل آمده، ولی با این همه، اگر از انجام آن جلوگیری نمایند یا برای انجام آن کسی به سختی افتد، گزاردن حج

از او ساقط می شود. خدای عزّ و جلّ در باره صدقات و زکات - و آن نخستین مالی است که خداوند موارد مصرفش را مقرّر داشته - می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِی سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ»،(1) {صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدّیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد.} بنابراین خداوند موارد مصرف زکات را به پیامبر خود اعلام کرده و زکات جز به ایشان شامل حال دیگری نمی شود، در هر موردی از این موارد بخواهد، می تواند مصرف نماید. و خداوند جلّ جلاله پیامبر خود و خویشان او را از دریافت زکات مردم و چرک های آنها بازداشته است؛ این است راههای مصرف زکات.

امّا غنائم جهاد: به راستی چون روز بدر شد، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هر کس دشمنی را بکشد، او را پاداش چنین و چنان است و هر کس یکی از آنها را اسیر نماید، سهم او از غنائم مردمان چنین و چنان است؛ زیرا خداوند به من وعده داده که مرا بر آنها پیروز گرداند و لشکریان را به غنیمت من درآورد.

چون خداوند مشرکان را شکست داد و غنیمتهای جنگی جمع آوری شد، یکی از انصار برخاست و گفت: یا رسول اللّه، تو به ما امر کردی تا با مشرکان پیکار کنیم و ما را بر آن تشویق نمودی و فرمودی: هر کس یکی از آنها را اسیر نماید سهم او از غنائم مردمان چنین و چنان است و هر کس یکی از دشمنان بکشد او را پاداش چنین و چنان است. راستش من دو تن از آنها را کشته ام و بر آن بیّنه و گواه دارم و یکی از دشمنان را اسیر کرده ام؛ پس ای پیامبر خدا، آنچه را بر خود واجب ساخته ای به ما ارزانی دار، آنگاه بنشست.

پس از او، سعد ابن عباده برخاست و عرض کرد: یا رسول اللّه، مانعی از قبیل ترس از دشمن یا بی رغبتی به اجرت و کسب غنیمت بر سر راه ما نبود تا مانند رزمندگان برای دستیابی به غنائم اقدام کنیم، بلکه ترس ما از این بود که اگر از اطراف تو دور شویم و به جمع آوری غنائم پردازیم، افرادی از لشکر مشرکان بر تو

1- . توبه / 61

حمله ور شوند و چون تو را بی یاور یافتند بر تو هجوم آورند و آسیبی به وجود مبارک رسانند. اینک اگر به این رزمندگان آنچه می خواهند بدهی، رزمندگان دیگر دست خالی و بی نصیب از غنیمت به مدینه بر می گردند، آنگاه بنشست.

سپس همان انصاری برخاست و همان سخنان خود را تکرار کرد، آن گاه بنشست. هر یک از آن دو، سه بار سخنان خود را تکرار کردند.

پیامبر صلّی اللّه علیه و آله روی از آنان بگردانید و در این هنگام خدای عزّ و جلّ این آیه را نازل فرمود: «یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ»،(1) {[ای

پیامبر،] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند.} و انفال نامی فراگیر بود برای آنچه در آن روز به دست آورده بودند، مانند گفته خدا: «وَمَا أَفَاء اللّهُ عَلَى رَسُولِهِ»،(2)

{و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید.} و نیز این آیه «أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ»،(3) {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید.} و نیز این آیه: «قُلِ الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ»،(4)

{بگو: «غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد.} به این طریق، خداوند آن را از دست آنان خارج نمود، و از آن خود و پیامبرش ساخت و آنگاه فرمود: «فَاتَّقُواْ اللّهَ وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بِيْنِكُمْ وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ»،(5)

{پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.} چون پیامبر صلّی اللّه علیه و آله به مدینه بازگشت، خدا این آیه را فرو فرستاد: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ»،(6)

{و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حقّ از باطل]-

1- . انفال / 1
2- . حشر / 6
3- . انفال / 41
4- . انفال / 1
5- . انفال / 1
6- . انفال / 41

روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند - نازل کردیم، ایمان آورده اید.} امّا اینکه فرمود: «لله» همان گونه که انسان می گوید: این برای خداست و برای توست و سهم خدا از آن برداشته نمی شود. پس پیامبر صلّی اللّه علیه و آله آن غنیمتی را که به دست آورده بود به پنج سهم تقسیم کرد، سهمی را برای رسول الله برداشت تا نام او را با آن زنده نگه دارد و پس از خود آن را به ارث گذارد و سهمی هم از آن به خویشان خود از فرزندان عبد المطلب داد و سهمی برای یتیمان مسلمانان اختصاص داد و سهمی برای بینوایان آنها و سهمی نیز برای مسلمانانی که در راه مانده باشند و سفرشان تجاری نباشد، قرار داد. این روز بدر بود و این هم راه و روش تقسیم غنائمی که در سایه شمشیر به دست آمده بود.

و امّا حکم غنائمی که بدون حمله اسب سواران و شترسواران به دست آید، قصّه اش از این قرار است: هنگامی مهاجران به مدینه آمدند، انصار نیمی از خانه ها و نیمی از اموال خود را در اختیار آنها گذاشتند. مهاجران در آن هنگام حدود صد مرد بودند؛ پس همین که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله بر بنی قریظه و بنی نضیر پیروز گشت و به اموال آنان دست یافت، به انصار فرمود: اگر می خواهید خانه ها و اموالتان را که به مهاجران واگذار نموده بودید پس گیرید و من همه این اموال به دست آمده را بین آنان تقسیم کنم، و اگر می خواهید آن اموال و خانه هایتان را از آنان پس نگیرید و من این غنائم را بین شما و آنان تقسیم نمایم؟ انصار گفتند: همه این اموال غنیمت را میان مهاجران تقسیم فرمایید و آن خانه ها و اموالی که به آنها تقدیم کرده ایم همچنان در اختیار آنان باقی بماند.

پس خدای تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: «وَمَا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ»،(1)

{و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید.} یعنی یهود بنی قریظه؛ «فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ»،(2) {[شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید.} چون بنی قریظه در مدینه بودند و نزدیکتر از آن بودند که نیازی به حمله رزمندگان اسب سوار و شتر سوار داشته باشند. سپس

1- . حشر / 6

2- . حشر / 6

خداوند فرمود: «لِلْفُقَرَاء الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُوْلَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ»، (1) {[این غنایم، نخست] اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند: خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می باشند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند. اینان همان مردم درست کردارند.} پس خداوند این اموال را مخصوص افرادی از قریش ساخت که در مهاجرت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله را همراهی کرده بودند و صداقت خود را در ایمان نشان داده بودند. و مهاجران عرب را که از قریش نبودند از شمار اختصاص یافتگان به این اموال، بیرون کرده؛ زیرا در همان آیه فرمود: مهاجران بینوایی که از خانه ها و اموالشان رانده شدند؛ زیرا فقط قریشیان بودند که خانه ها و اموال مسلمانانی را که از مکّه مهاجرت می کردند تصاحب می نمودند و سایر اعراب چنین برخوردی با مهاجران نداشتند.

سپس مهاجرانی که خمس به آنها داد را مورد ستایش قرار داد و با درست گفتار معرفی کردن آنها، ایشان را از نفاق تبرئه نمود، آنجا که می فرمود: «أُوْلَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ»، {اینان همان مردم درست گفتارند.} نه دروغ گفتار. آنگاه انصار را مورد تمجید و ستایش قرار داد و نیک رفتاری و خوش برخوردی و محبّت آنان را نسبت به مهاجران یادآوری کرد و ایثاری را که نسبت به مهاجران نموده بودند و در دل خود هیچ تقاضایی در این باره نداشتند و از اموال و غنائمی که به آنها (مهاجران) داده شده بود و چیزی نصیب انصار نگشته بود، هیچ ناراحتی و کینه ای به دل نگرفته بودند، خداوند به خوبی آنان را ستوده و فرمود: «وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»،(2)

{و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دلهایشان حسدی نمی یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر

1- . حشر / 8

2- . حشر / 9

خودشان مقدّم می دارند. و هر کس از خسّت نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند.}

به طور قطع، کسانی نیز بودند که از پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله پیروی نمودند ولی به خاطر اموالی که از آنان به غنیمت گرفته بودند، از دست ایشان دلخون و انتقام جو بودند و دلشان از مسلمانان پر از خشم شده بود، چون بیشتر با اسلام آشنا گشتند و به خوبی مسلمان شدند، از اینکه در روزگاری که مشرک بودند چنین حالتی داشتند آمرزش خواستند و از خداوند متعال تمنّا نمودند که کینه دلهایشان را نسبت به آن مسلمانان که قبل از آنها ایمان آورده بودند، بزداید و برای آنها نیز طلب مغفرت کردند تا اینکه عقده های دلشان گشوده شد و با همانها یکدل و برادر گشتند و از اینکه این افراد چنین گفتند، خدا آنان را مورد ستایش و تمجید ویژه خود قرار داد و فرمود: «وَالَّذِینَ جَاؤُوا مِن بَعْدِهِمْ یَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالْإِیمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّکَ رَؤُوفٌ رَّحِیمٌ»،(1) {و [نیز] کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار] آمده اند [و] می گویند: «پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دلهایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»} پس رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلم به همه مهاجران قریش به اندازه نیازشان که تشخیص می داد عطا فرمود؛ زیرا آن مال به عنوان خمس داده نشد تا برابر تقسیم گردد و از آن به هیچ کس جز مهاجران قریش، چیزی پرداخت نشد مگر به دو تن از انصار که نام یکی سهل ابن حنیف و نام دیگری سماک ابن خرشه ابودجانه بود و پیامبر برای این دو از سهم خود به خاطر نیاز شدیدی که داشتند عطا فرمود. پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله از اموال تصاحب شده بنی قریظه و بنی نضیر که بدون رنج [و بدون حمله رزمندگان] اسب سوار و شتر سوار به دستش آمده بود، هفت باغ را برای خویش نگهداشت؛ زیرا فدک نیز همین طور به دست آمده بود.

1- . حشر / 10

امّا فاصله خیبر از مدینه، سه روز راه بود و از آن یهودیان بود که با حمله مسلمانان به دست آمد و برای تصرّف آن جنگی رخ داد. از این رو پیامبر آن را مانند غنائم جنگ بدر تقسیم فرمود و خدای عزّ و جلّ فرموده است: «مَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاء مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا»،(1) {آنچه خدا از [دارایِ] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر [او] و متعلّق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید.} این بود راه و روش مصرف آن چیزی که خداوند در سایه تلاش و حمله رزمندگان اسب سوار و شتر سوار، عاید پیامبرش کرده بود.

و علی ابن ابی طالب علیه السلام فرموده که ما به حکم همین آیه که آغازش تعلیم و پایانش تهدید است، سهم خمس خود را دریافت می کردیم تا زمانی که خمس غنایم شوش و جندی شاپور به دست عمر رسید. من و سایر مسلمانان و عباس نزد او بودیم. عمر به ما گفت: به راستی تاکنون پیاپی برای شما خمس اموال رسیده و شما آنها را دریافت نموده اید به طوری که امروز دیگر به آن نیازی ندارید در حالی که مسلمانان دیگر نیازمندند، پس سهم خودتان را از این مال به عنوان قرض سلف به ما بدهید تا نخستین چیزی که در آینده خدا برای مسلمانان برساند، آن را پرداخت کنیم. من از پاسخ دادن به او خودداری کردم؛ زیرا از این ترسیدم که چون آن را به عنوان قرض سلفی تقاضا کرده، اگر در باره حق خمس خودمان به او پافشاری نمایم، اصل حقّ ما را در خمس انکار کند و همان را گوید که درباره حقّ بزرگتر از آن گفت که همان میراث خلافت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بود که وقتی در باره آن پافشاری ورزیدیم به انکار آن پرداخت. ولی عباس به او گفت: ای عمر! حقّ ما را ندیده مگیر؛ زیرا خداوند آن را ثابت تر از قانون ارث بین ما مقرّر داشته است. عمر گفت: شما از هر کس دیگر سزاوارترید که به مسلمانان لطف و ارفاق

1- . حشر / 7

نمایید. سپس مرا واسطه این کار ساخت و آن اموال را گرفت. آنگاه علی علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند! دیگر مالی برای آنها نرسید تا قرض ما را بپردازد و عمر از دنیا رفت. و بعد از او هم دیگر ما نتوانستیم به حقّ خود دست یابیم.

سپس علی علیه السّلام فرمود: به راستی، خداوند زکات را بر رسول خود حرام کرد و به جای آن سهمی از خمس برای او اختصاص داد و زکات را به خصوص بر خانواده او (اهل بیت او) حرام ساخت و نه بر قوم و تبار پیامبر، و از خمس سهمی بر خردسال و سالخورده و مرد و زن و بینوا و حاضر و غایب آنها اختصاص داد و این سهم را به این سبب به آنها اختصاص داد که خویشاوندان پیامبر خدا هستند و این سهم برای ایشان همیشگی و زوال ناپذیر است.

سپاس خداوندی را که پیامبر را از ما و ما را از او قرار داد. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله از خمس به هیچ کس جز ما و همپیمانان و موالی ما چیزی نداد؛ زیرا آنان هم از ما به شمار می آیند و از سهم خود به مردمی داد که بین او با آنان حرمتی بود، تا کمکی باشد برای مسائلی که بین آنها وجود داشت.

پس به طور قطع، من آنچه را خداوند در باره مصرف انفال چهارگانه توضیح داده و آنچه را با فرمان خود در باره آنها وعده فرموده و با بیان شافی و برهان درخشان بیان نموده و وحی بر آن نازل شده و پیامبر مرسل به آن عمل کرده است، به تو آگاهی دادم. پس هر که فرمایش خدا را تحریف نماید یا پس از آن که آن را شنید و فهمید تغییرش دهد، گناه آن بر گردن خود اوست و طرف او در آن کار خود خداست. و السّلام علیک و رحمه اللّه و برکاته. (1)

2. تفسیر عیاشی: محمد ابن مسلم گوید، از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: در سوره انفال، به خاک مالیدن بینی ها است. (2)

3. تفسیر عیاشی: حریز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از ایشان درباره انفال پرسیدم (یا پرسیده شد). فرمود: هر آبادی که اهل آن از بین

1- . تحف العقول : 356 - 362
2- . تفسير عياشى 2 : 46

بروند، یا آن را ترک کنند، نَفل است که نصف آن میان مردم تقسیم می شود و نصف دیگرش از آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (1)

4. تفسیر عیاشی: زراره، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: انفال عبارت است از سرزمینهایی که توسط اسبان و سواران (با جنگ) فتح نشده اند. (2)

5. تفسیر عیاشی: عبدالله ابن سنان، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از ایشان در باره انفال سؤال کردم. فرمود: آبادیهایی که اهل آن، آن را ترک کردند و به هلاک رسیدند و در نتیجه ویران شد. اینها برای خدای تبارک و تعالی و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم است. (3)

6. تفسیر عیاشی: محمد ابن مسلم، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که از ایشان شنیدم که میفرمود: همانا فیء و انفال عبارت است از زمینی که خونریزی در آن صورت نگرفته باشد و یا اهل آن با مسلمانان صلح کرده باشند، یا به دست خود داده باشند و زمین متروکه یا درون دره ها. همه اینها مصداق فیء است و برای خدا و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و هر چه برای خدا هست، برای رسولش نیز هست و می تواند آن را هر جا بخواهد قرار دهد و پس از پیامبر که سلام و درود خدا بر او باد، برای امام علیه السلام است. (4)

7. تفسیر عیاشی: از بشیر دهان نقل شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا خدا اطاعت از ما را در کتاب خویش واجب کرده است و مردم نمی توانند نسبت به ما جاهل باشند و برگزیده اموال و انفال و قرائن قران برای ما است. (5)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 47
2- . تفسیر عیاشی 2 : 47
3- . تفسیر عیاشی 2 : 47
4- . تفسیر عیاشی 2 : 47
5- . تفسیر عیاشی 2 : 47

8. تفسیر عیاشی: از ابو ابراهیم نقل شده است که گفت: از ایشان در باره انفال پرسیدم. فرمودند: هر زمینی که اهل آن از بین رفته باشند، انفال است و برای ما است. (1)

9. تفسیر عیاشی: ابو اسامه زید، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از ایشان در باره انفال سؤال کردم و ایشان فرمود: هر زمین متروکه و هر زمینی که به وسیله اسبان و سواران فتح نشده باشد. (2)

و در روایتی دیگر چنین افزوده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله برآن غلبه یافته است.

10. تفسیر عیاشی: از ابو بصیر نقل شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: انفال از آن ما است. پرسیدم: انفال چیست؟ فرمودند: از جمله آن، معادن و بیشه ها و هر زمینی است که مالک ندارد و هر زمینی که اهل آن از بین رفتهاند. و همه اینها برای ما است. (3)

و در روایتی دیگر، یکی از آن دو، از ابان بن تغلب، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند، هر مالی که صاحب و ورثه نداشته باشد، از مصادیق این آیه است: «يَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ قُلِ الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ». (4)

و در روایت ابن سنان آمده است که فرمودند: انفال عبارت است از آبادیای که اهل آن کوچ کردند و از بین رفتند و ویران شد. پس آن، از آن خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم است. (5)

و در روایت ابن سنان و محمد جلبی، از ایشان روایت شده است که فرمودند: هر که از بین برود در حالی که هیچ قوم و خویشی نداشته باشد، اموال او از انفال محسوب میشود. (6)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 47
2- . تفسیر عیاشی 2 : 47
3- . تفسیر عیاشی 2 : 48

4- . تفسیر عیاشی 2 : 48
5- . تفسیر عیاشی 2 : 48
6- . تفسیر عیاشی 2 : 48

و در روایت زراره، از همو روایت شده است که فرمودند: آن (انفال) عبارت است از هر زمینی که اهل آن بی آن که مورد حمله قرار گیرد، کوچ کنند. پس آن نفل است و برای خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم میباشد. (1)

11. تفسیر عیاشی: از ثمالی، از امام باقر علیه السلام نقل شده است که گفت: شنیدم که در باره پادشاهانی که به مردم از اموال عمومی و زمین ها می بخشند میفرمود: آن از مصادیق فیء و انفال و شبیه آن است. (2)

و در روایتی دیگر، از ثمالی نقل شده است که گفت: از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای تعالی پرسیدم: «یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ»، فرمود: آنچه در اختیار پادشاهان است، از آن امام است. (3)

12. تفسیر عیاشی: از سماعه ابن مهران نقل شده است که گفت: از ایشان در باره انفال پرسیدم. فرمودند: هر زمین مخروبه و اشیایی که از پادشاهان است، مخصوص امام است و مردم را بهره ای از آن نیست. - فرمود- : و از جمله آن «بحرین» است که به وسیله جنگ فتح نشده است. (4)

13. تفسیر عیاشی: از بشیر دهان نقل شده است که گفت: نزد امام صادق علیه السلام بودیم در حالی که خانه از اهل آن پر بود. به ما فرمودند: شما ما را دوست می داشتید، در حالی که مردم با ما دشمن بودند و با ما رابطه برقرار کردید، در حالی که مردم از ما بریدند. و ما را شناختید، در حالی که مردم ما را انکار کردند و آن همان حق است و همانا خدا پیش از این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان پیامبر برگزیند، بنده خویش قرار داده بود و همانا علی علیه السلام بنده ای است که برای خدا خیرخواهی کرد و خدا نیز برای او خیرخواهی کرد و خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت. در کتاب خدا، برگزیده اموال از آن ما است و انفال از آن ما است و ما قومی هستیم که خدا اطاعت از ما را واجب کرده است و همانا شما کسانی را امام خود قرار می دهید که جهل مردم در شناختن آنان

1- . تفسیر عیاشی 2 : 48

2- . تفسیر عیاشی 2 : 48
3- . تفسیر عیاشی 2 : 48
4- . تفسیر عیاشی 2 : 48

پذیرفته نیست و رسول خدا که سلام و درود خدا بر او باد، فرمودند: هر که از دنیا برود در حالی که امامی نداشته باشد که از او پیروی کند، مرگ او مانند مرگ در جاهلیت است. پس بر شماست اطاعت کردن، چرا که شما یاران علی علیه السلام را دیدهاید. (1)

14. تفسیر عیاشی: از ثمالی روایت شده است که امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ» پرسیدم. فرمودند: هر چه از آن پادشاهان است، برای امام است. عرض کردم: اما آنان آنچه را در دست دارند به فرزندان و زنان و خویشاوندان و اشراف خود، به صورت اقطاع می دهند، تا این که از خواجگان نیز یاد شد. هر چه را میگفتم، می فرمود: و آن نیز از آن ما است. تا این که فرمودند: از آن اموال، مبلغی را که از یک درهم تا صد هزار درهم است، عطا می کند. سپس فرمودند: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِکْ بِغَیْرِ حِسَابٍ»،(2) {(گفتیم) این بخشش ماست، (آن را) بی شمار ببخش یا نگاه دار.} (3)

15. تفسیر عیاشی: از داود ابن فرقد نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به ما خبر رسیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از زمینهایی که نهر فرات آن را مشروب می ساخت، به علی علیه السلام اقطاع داده بود؟ فرمود: بلی، از آنچه را که فرات مشروب می ساخت تعجب میکنید؟ انفال بسیار بیشتر است از آنچه که فرات را آبیاری میکند. عرض کردم: انفال چیست؟ فرمود: درون دره ها و قله کوهها و بیشه ها و معادن و هر زمینی که به وسیله جنگ فتح نشده و هر زمین مرده ای که اهل آن، آن را ترک کرده اند و اقطاع پادشاهان و زمینهایی را که پادشاهان می بخشیدند. (4)

16. تفسیر عیاشی: از ابو مریم انصاری نقل شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای تبارک و تعالی: «یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ قُلِ

1- . تفسیر عیاشی 2 : 49
2- . ص / 39
3- . تفسیر عیاشی 2 : 49
4- . تفسیر عیاشی 2 : 49

الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ»، سؤال کردم. فرمود: سهمی برای خدا و سهمی برای رسول است. عرض کردم: سهم خدا برای کیست؟ فرمود: برای مسلمانان است. (1)

17. تفسیر فرات ابن ابراهیم: ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: خداوند تبارک و تعالی میفرماید: «مَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَى»،(2) {آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر [او] و متعلّق به خویشاوندان نزدیک [وی] است.} پس آنچه برای رسول خداست، برای ما شیعه ماست که آن را برای آنها حلال و پاک قرار دادیم، ای ابوحمزه، به خدا سوگند غیر از ما و شیعه ما هر کس در مشرق و مغرب زمین چیزی از آن اموال به دست آورد، حرام است. همانا ما آن را برای شما پاک گرداندیم و برای شما قرار دادیم و به خدا سوگند ای ابوحمزه، حق ما را غصب کردند و ما را از حقمان بازداشتند. (3)

18. مصباح الانوار: ابن بابویه به ابوسعید خدری میرساند که گفت: هنگامی که آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»،(4) {حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را ادا کن} نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فدک برای تو (ای فاطمه)؛ و در روایت دیگری مثل آن از او نقل شده است. و از عطیه روایت شده که گفته است: هنگامی که آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را صدا زد و فدک را به او بخشید. و علی ابن حسین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به فاطمه بخشید. و از ابان ابن تغلب نقل شده که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به فاطمه بخشید؟ فرمود: رسول خدا آن را وقف کرد پس خداوند این آیه را نازل کرد: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» پس رسول خدا حق فاطمه را به ایشان داد. گفتم: رسول خدا حقش را به او عطا کرد؟ فرمود: بلکه خداوند تبارک و تعالی به ایشان عطا کرد.

1- . تفسیر عیاشی 2 : 49
2- . حشر / 7
3- . تفسیر فرات ابن ابراهیم : 158 - 159

4- . اسری / 26

19. تفسیر قمی: «يَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ»، {[ای پیامبر،] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند.} فرمود: این آیه نازل شد: «يَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ قُلِ الأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بِيْنِكُمْ وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ» {[ای پیامبر،] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند. بگو: «غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد. پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.}

اسحاق ابن عمار نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره انفال پرسیدم و ایشان فرمودند: منظور آبادیهایی است که ویران شده و اهل آن، آنجا را ترک کردهاند؛ پس آن برای خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و هر آنچه از آن پادشاهان است، برای امام است و زمینی را که به وسیله اسبان و سواران جنگی فتح نشده و هر زمینی که صاحب ندارد و نیز معادن از آن جمله است (به امام تعلق دارد). هر که از دنیا برود و قوم و خویشی نداشته باشد، مال او جزو انفال است.

و فرمودند: این آیه در روز بدر هنگامی که مردم شکست خوردند، نازل شد و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر سه گروه بودند: گروهی نزدیک خیمه پیامبر بودند. گروهی که برای غارت، حمله کردند. و گروهی که دشمن را تعقیب کردند و آنها را به اسارت گرفته و غنیمت گرفتند. هنگامی که غنیمتها و اسرا را جمع کردند، انصار در باره اسرا اظهار نظر میکردند. خدای تبارک و تعالی این آیه را نازل کرد: «مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِى الأَرْضِ» {هیچ پیامبری را سزاوار نیست که (برای اخذ سَر بَها از دشمنان) اسیرانی بگیرد تا اینکه دشمن کاملا شکست خورده و دین در زمین مستقر گردد.}

هنگامی که خدا اسرا و غنیمتها را برای آنان مباح کرد، سعد بن مُعاذ سخن گفت و او از جمله کسانی بود که نزدیک خیمه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داشت. او گفت: ای رسول خدا! چیزی که ما را از تعقیب دشمن تو باز داشت، روی گردانی از جهاد یا ترس از دشمن نبود، بلکه ترسیدیم اگر خیمه تو را ترک کنیم، خیل مشرکان بر تو هجوم آورند. تعدادی از مهاجرین و انصار نزد خیمه موضع

گرفتند و هیچ کس از آنان به شک نیفتاد و مردم - ای رسول خدا! - بسیار و غنیمتها کم است. اگر اینها را به اینان بدهی، برای اصحابت چیزی نمیماند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از تقسیم غنیمتها و اشیایی که از کشته شدگان باقی مانده بود در میان جنگجویان و ندادن چیزی به کسانی که نزد خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موضع گرفته بودند، بیم داشت.

پس میان آنان اختلاف افتاد تا این که از رسول خدا که سلام و درود خدا بر او باد، سؤال کردند و گفتند: این غنیمتها برای چه کسانی است؟ خداوند این آیه را نازل کرد: «یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ قُلِ الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ» پس مردم بازگشتند در حالی که نصیبی از غنیمت نگرفتند. سپس خداوند این آیه را نازل کرد: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَیْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ» {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان (او) و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.} سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غنیمتها را میان آنان تقسیم کرد.

سعد ابن ابی وقاص گفت: ای رسول خدا! آیا برای سوار کار شجاع قوم که از دفاع می کند، همان مقداری است که به جنگجوی ضعیف می دهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مادرت در سوگت بنشیند، مگر غیر از این است که شما به وسیله ضعیفان پیروز می شوید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر خمس را نگرفتند و آن را میان اصحابشان تقسیم کردند. ولی در غزوه های بعدی پس از بدر، خمس می گرفتند و این آیه: «یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنفَالِ» پس از پایان یافتن جنگ بدر نازل شد. (1)

20. الخصال: حفص ابن بختری از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: جبرئیل با پای خود پنج نهر جاری ساخت در حالی که زبانه آب به دنبالش روان بود. فرات، دجله، نیل و نهر مهربان و نهر بلخ. پس هر چه را این نهرها آب دهد یا آب از آن بکشند برای امام است و دریایی که محیط دنیا را فراگرفته، آن نیز برای امام است.

1- . تفسیر قمی : 235 - 236

باب بیست و ششم : فضیلت هدیه دادن به امام علیه السلام

1. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس یک دینار صله در این دنیا به یکی از اهل بیتم بدهد، در روز قیامت یک قنطار - معادل صد رطل - به او پاداش میدهم. (1)

امالی طوسی: غضائری از صدوق همین حدیث را روایت کرده است.

2. تفسیر قمی: اسحاق بن عمار گوید: از موسی ابن جعفر علیه السلام در باره این سخن خداوند «مَن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ»،(2) {کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؟} پرسیدم. فرمود: در مورد صله امام علیه السلام نازل شد. (3)

عیاشی: از اسحاق همین حدیث روایت شده است. (4)

3. ثواب الاعمال: اسحاق ابن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای این سخن خداوند تبارک و تعالی «مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً»،(5) {کیست آن کس که به [بندگانِ] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟} چیست؟ فرمود: صله امام علیه السلام. (6)

1- . امالی صدوق : 240
2- . حدید / 11
3- . تفسیر قمی : 665
4- . تفسیر عیاشی 1 : 131
5- . بقره / 245
6- . ثواب الاعمال : 90

ثواب الاعمال: پدرم از محمد ابن احمد ابن علی ابن صلت از عبدالله ابن صلت از یونس از اسحاق همین حدیث را روایت کرده است. (1)

4. تفسیر عیاشی: مفضّل ابن عمر می گوید: روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و چیزی همراهم بود. آن را جلوی امام گذاشتم. پرسید: این چیست؟ گفتم: این هدیه دوستداران و بندگان تو است. فرمود: ای مفضّل! این را می پذیرم و پذیرش من از روی نیاز من به آنها نیست؛ آن را می پذیرم تا بدان پاک شوند.

سپس فرمود: از پدرم شنیدم: اگر یک سال بر هر کس بگذرد و از مال او چیزی به ما نرسد، چه کم باشد چه زیاد، خداوند در روز قیامت به او نگاه نمی کند، مگر این که او را مورد عفو قرار دهد.

سپس فرمود: ای مفضّل! این از فرائضی است که خداوند آن را بر شیعیان ما واجب گردانیده است؛ آنجا که در کتابش فرموده است: «لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّون»،(2) {هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید.} آن بِرّ و پاکی و آن تقوی و راه هدایت و آن دروازه تقوی ما هستیم. دعای ما بر خدا پوشیده نمی ماند. بر حلال و حرام خود اکتفا کنید و از خداوند درخواست کنید. بر حذر می دارم شما را از این که از احدی از فقها چیزی بپرسید که به شما مربوط نباشد و یا این که خداوند آن را از شما پنهان داشته باشد. (3)

5. تفسیر عیاشی: اصحاب ما روایت کرده اند که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ» (4) {و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند.} پرسیدند و ایشان فرمود: مقصود، پرداخت مالی به امام علیه السلام در طول سال است، خواه کم باشد یا زیاد. سپس امام علیه السلام فرمود: من از این پرداخت، فقط تزکیه شما را خواهانم. (5)

1- . ثواب الاعمال : 90
2- . آل عمران / 92
3- . تفسیر عیاشی 1 : 184
4- . رعد / 21

5- . تفسير عياشى 2 : 209

6. بشارت مصطفی: عمران ابن معقل نقل میکند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: صله به آل محمّد علیهم السّلام را از اموال خود ترک نکنید، هر کس توانگر است در حدّ توانگریش و هر کس تنگدست است در حدّ تنگدستی اش، پس هر کس بخواهد خداوند حاجتهای ضروری و نیازهای مهم او را برآورده نماید باید با تمام نیازی که به مال خود دارد، به آل محمّد و شیعیان آنان عطا و صله دهد.(1)

مؤلف: اخبار آن در کتاب امامت گذشت.

ص: 274

1- . بشارت مصطفی : 7

آیات:

- وَنَادَى نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِى مِنْ أَهْلِى وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ. (1)

{و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت: «پروردگارا، پسرم از کسان من است، و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی.» فرمود: «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است.}

- فَإِذَا نُفِخَ فِى الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءلُونَ. (2)

{پس آن گاه که در صور دمیده شود، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی پرسند.}

روایات:

1. امالی صدوق: ابوبصیر نقل میکند که امام صادق علیه السلام فرمود: چون روز قیامت شود، خدا خلق اولین و آخرین را در یک زمین گرد آورد و تاریکی سختی همه را فراگیرد و به پروردگارشان مینالند و میگویند: پروردگارا این تاریکی را از ما برطرف کن. فرمود: جمعی می آیند و نوری از جلو آنها حرکت می کند که عرصه قیامت را روشن می کند، حاضران قیامت گویند: اینان پیامبران خدا هستند، از خدا ندا رسد که اینان پیامبر نیستند. همه گویند: اینها فرشته اند. از جانب خدا ندا رسد، اینان فرشته نیستند. همه گویند: اینان شهیدان هستند. از نزد پروردگار ندا می رسد که اینان شهدا نیستند. سؤال می کنند، پس اینان چه کسانی هستند؟ ندا

1- . هود / 45 - 46
2- . مومنون / 101

می رسد، از خود آنها بپرسید چه کسانی هستند؟ همه گویند: شما که باشید؟ گویند: ما علویان و ذریه محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اولاد علی ولی خداییم. مخصوص به کرامت خدا، و ما در آسایش و در اطمینان هستیم. به آنها از طرف خدا ندا رسد که دوستان و شیعیان خود را شفاعت کنید و آنان شفاعت میکنند. (1)

2. ابن خالد از امام رضا علیه السلام نقل میکند که فرمود: نگاه کردن به ذریه ما عبادت است. به او گفته شد: ای پسر رسول خدا، نگاه کردن به امامان از شما عبادت است یا نگاه کردن به همه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله ؟ فرمود: نگاه کردن به همه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله عبادت است.(2)

3. مؤلف: در عیون الاخبار این حدیث روایت شده و در آخر حدیث این جمله اضافه شده که «مادامی که روش ایشان را رها نکنند و خود را به گناهان آلوده نسازند.(3)

4. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: چون در مقام محمود برآیم، برای معصیت کاران گناه کبیره از امتم شفاعت کنم و خدا بپذیرد و به خدا سوگند در باره کسانی که ذریه مرا آزار دادهاند شفاعت نمیکنم.(4)

5. امالی صدوق: ابن عباس از رسول خدا علیه السلام روایت میکند که فرمود: من سید و سرور انبیاء و مرسلین و بهتر از ملائکه مقربین و اوصیای من، سرور اوصیاء پیامبران و فرستادگان خدا هستند و ذریهام بهترین ذریه انبیاء و فرستادگان هستند. ادامه روایت. (5)

1- . امالی صدوق : 170 - 171
2- . امالی صدوق : 176
3- . عیون الاخبار 2 : 51
4- . امالی صدوق : 177
5- . امالی صدوق : 179

6. عیون الاخبار،(1) امالی صدوق: عمرو ابن خالد گوید: زید ابن علی علیه السلام برای من بازگو کرد، در حالی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: پدرم علی ابن حسین برای من بازگو کرد، در حالی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: حسین ابن علی علیه السلام برای من بازگو کرد، در حالی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: علی ابن ابی طالب علیه السلام برای من بازگو کرد، در حالی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای من بازگو کرد، در حالی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: هر کس یک تار موی مرا اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است و هر کس خدا را اذیت کند تمام اهل زمین و آسمان او را لعنت میکنند.(2)

7. کتاب الغایات: محمد ابن حسین ابن احمد علوی و محمد ابن علی ابن حسین گفته اند: احمد ابن محمد ابن رزمه قزوینی مانند این حدیث را برای ما نقل کرده است با این تفاوت که به جای «خداوند او را لعنت میکند» عبارت «لعنت خداوند بر او باد» ذکر شده است و در آخر حدیث گفته است: به نظر من، صحیح آن است که ارطاۀ ابن حبیب اسدی و عبید ابن ذکوان روایت کرده اند، همان طور که در برخی از سندهای این حدیث - نه غیر آن - اسم این دو نفر را ذکر کرده ام. اما من به همان صورتی که برایم روایت شده و برایم نقل شده، ذکر کرده ام، و لا قوۀ الا بالله. (3)

8. امالی طوسی: ارطاه ابن حبیب از عبید ابن ذکوان از عمرو ابن خالد همین حدیث را روایت کرده است و در آخر حدیث این آیه را اضافه کرده است: «إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِینًا»،

1- . عیون الاخبار 1 : 250
2- . امالی صدوق : 199
3- . نسخه خطی کتاب الغایات.

(1) {بی گمان، کسانی که خدا و پیامبر را آزار می رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفّت آور آماده ساخته است.} (2)

9. تفسیر قمی: علی ابن ابراهیم از پدرش، از حنان ابن سدیر از پدرش، از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: صفیّه، دختر عبدالمطلب فرزندی داشت که فوت کرد، پس پیش عمر ابن خطّاب آمد. به او گفت: گوشواره ات را بپوشان، چرا که خویشاوندی تو با رسول الله صلی الله علیه و آله سودی برایت ندارد. او به عمر گفت: آیا تو گوشواره مرا دیدی، ای پسر لخناء (زنی که زیر بغل و بین رانش بوی بدی می دهد)؟! پس نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفت و او را از این موضوع با خبر کرد و گریست. رسول الله صلی الله علیه و آله خارج شد و ندا داد: نماز جماعت است.

پس مردم جمع شدند و فرمود: در سر قومی که فکر می کنند خویشاوندی با من سودی ندارد چیست؟! اگر من در مقام محمود قرار گرفتم، برای ضعیف ترین شما شفاعت می کنم. امروز هر کس از من بخواهد تا به او بگویم پدرش و مادرش کیست، به او خبر می دهم. پس مردی بلند شد و گفت: پدر من کیست ای رسول الله؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پدر تو، شخصی نیست که تو بدان نام خوانده می شوی. پدرت فلان ابن فلان است. مرد دیگری برخاست و گفت: پدر من کیست یا رسول الله؟ فرمود: پدرت همان کسی است که بدان خوانده می شوی. پس رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: در سر کسی که فکر می کند خویشاوندی با من سودی ندارد و درباره پدرش از من نمی پرسد چیست؟! عمر برخاست و گفت: پناه می برم به خدا از خشم خدا و رسول خدا، مرا ببخش که خداوند تو را بیامرزد. پس خداوند این آیه را نازل کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَسْأَلُواْ عنْ أَشْيَاء إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ» {ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند مپرسید} (3) تا آن جا که می فرماید: «ثُمَّ أَصْبَحُواْ بِهَا كَافِرِينَ»(4) {آن گاه به سبب آن کافر شدند.} (5)

1- . احزاب / 57
2- . امالی طوسی 2 : 66 - 67

3- . مائده / 101
4- . مائده / 102
5- . تفسیر قمی : 174 - 175

10. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار طائفه باشند که در روز قیامت من شفیع ایشان باشم. اکرام کننده ذریه من بعد از من، و برآورنده حاجتهای ایشان، و انجام دهنده امور ایشان در هنگامی که مضطر باشند، و دوست دار ایشان به قلب و زبان خود. (1)

امالی طوسی: با سند از برادر دعبل از امام رضا علیه السلام همین حدیث را روایت کرده است. (2)

عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدارنش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همین حدیث را روایت کرده است. (3)

11. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: کینه داشتن به علی علیه السلام کفر است و کینه به بنی هاشم نفاق. (4)

12. عیون الاخبار: ابراهیم ابن محمد ثقفی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس که معصیت کاری را دوست بدارد معصیت کار است و هر کس که مطیعی را دوست بدارد مطیع است و هر کس که ظالمی را یاری کند ظالم است و هر کس که ظالمی را درمانده کند عادل است. همانا میان خدا و احدی خویشاوندی نیست و احدی به ولایت و دوستی خدا نرسد مگر با اطاعت، و رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرزندان عبد المطلب فرمود: اعمال خود را برای من بیاورید نه نسبها و نژادهای خود را و حق تعالی فرمود: «فَإِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلا أَنْسابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَ لا یَتَساءَلُونَ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِینُهُ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوازِینُهُ فَأُولئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِی جَهَنَّمَ خالِدُون»،(5)

{پس آن گاه که

1- . عیون الاخبار 1 : 253 - 254
2- . امالی طوسی 1 : 376
3- . عیون الاخبار 2 : 25
4- . عیون الاخبار 2 : 60

5- . مومنون / 101 - 103

در صور دمیده شود، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی پرسند. پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد، ایشان رستگارانند و کسانی که کَفِّه میزان [اعمال] شان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می مانند. }(1)

13. عیون الاخبار: اسماعیل به امام صادق علیه السلام گفت: ای پدر، در حق گناهکار ما و گناهکار غیر ما چه میفرمایی؟ فرمود: «لَّیْسَ بِأَمَانِیِّکُمْ وَلا أَمَانِیِّ أَهْلِ الْکِتَابِ مَن یَعْمَلْ سُوءًا یُجْزَ بِهِ»،(2) {[پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند. } (3)

14. معانی الاخبار: حسن ابن موسی وشاء بغدادی گفت: من در خراسان در مجلس علی ابن موسی الرّضا علیه السّلام بودم و زید ابن موسی در آنجا حاضر بود و در میان جماعتی از حضّار فخر میفروخت که ما چنین و چنانیم، و امام رضا علیه السّلام با دیگران مشغول گفتگو بود.

امام سخنان زید را شنید و رو به او کرده فرمود: ای زید! آیا حرفهای بقّالان کوفه تو را مغرور کرده و فریب خورده ای که میگویند: «فاطمه علیها السّلام عفّت خود را حفظ کرد و خداوند آتش را بر ذریه او حرام نمود»؟ به خدا سوگند این امر جز برای حسن و حسین و فرزندان بلا واسطه آن حضرت خاصّه و لا غیر، نیست. اما اینکه موسی ابن جعفر علیه السّلام (پدرت) اطاعت خدا کند، روزها را روزه بگیرد و شبها را به نماز و عبادت پردازد و تو معصیت و نافرمانی خدا کنی، سپس در روز رستاخیز هر دو در عمل مساوی باشید، پس بدون تردید تو عزیزتر از او در نزد خدا باشی!

علیّ ابن حسین علیهما السّلام میفرمود: برای نیکوکار ما دو چندان پاداش و اجر است و برای بدکار ما دو چندان عذاب و جریمه، حسن وشّاء گوید: آنگاه امام رو به من کرده فرمود: ای حسن، این آیه را چگونه میخوانید: «قالَ یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ

1- . عیون الاخبار : 235

2- . نساء : 123
3- . عيون الاخبار : 234

مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ»،(1) {فرمود: «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است.} عرض کردم: پاره ای از مردم «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ» میخوانند یعنی او عملی نادرست است، و بعضی «عَمِلَ غَيْرَ صالِحٍ» میخوانند یعنی بدکاری کرده، و هر کس «عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ» بخواند او را از پدرش - نوح - نفی کرده است.

امام علیه السّلام فرمود: نه، هرگز این طور نیست، بلکه او پسر واقعی نوح بود و لیکن چون خداوند عزّ و جلّ را نافرمانی کرد، خداوند او را از پدرش نفی نمود، و ما اهل بیت نیز این چنین هستیم؛ هر کس از ما نافرمانی خدا کند از ما نیست، و تو ای حسن! اگر خداوند را اطاعت کنی از ما اهل بیت خواهی بود. (2)

عیون الاخبار: سنانی از اسدی از صالح ابن احمد همین حدیث را روایت کرده است.

15. معانی الاخبار: محمد ابن مروان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا پیامبر خدا چنین فرموده است که: «فاطمه علیها السّلام عفّت خود را حفظ کرد و خداوند آتش را بر ذریه او حرام نمود.» فرمود: بله، اما مقصود از ذریه او حسن، حسین، زینب و ام کلثوم است. (3)

16. معانی الاخبار: حماد ابن عثمان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم، معنی این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ «فاطمه علیها السّلام عفّت خود را حفظ کرد و خداوند آتش را بر ذریه او حرام نمود.». فرمود: آنان که از آتش رهایی مییابند فرزندانی هستند که از رحم او متولد گشته اند، یعنی حسن و حسین و زینب و ام کلثوم.

17. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدارنش نقل میکند که فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه علیها السّلام عفّت خود را حفظ کرد و خداوند آتش را بر ذریه او حرام نمود. (4)

1- . هود / 46
2- . معانی الاخبار : 105 - 106

3- . معانى الاخبار : 106
4- . عيون الاخبار 2 : 63

18. عیون الاخبار: یاسر گوید: زید ابن موسی برادر حضرت رضا علیه السّلام در مدینه خروج کرد و خانه هایی را به آتش کشید و مردمی را کشت و از این رو او را زید النّار لقب دادند، و مأمون فرستاد او را دستگیر کردند و نزدش آوردند و دستور داد، او را نزد برادرش ابو الحسن ببرید.

یاسر گوید: چون بر آن حضرت وارد شد آن جناب به او فرمود: ای زید! آیا تو را سخن مردمان نفهم اهل کوفه مغرور نموده است که فاطمه عفّت خود را نگهداشت پس خداوند آتش را بر ذرّیّه اش حرام ساخت؟ این مخصوص حسن و حسین علیهما السلام است، اگر تو فکر می کنی معصیت خداوند عزّ و جلّ را به جای آری و به بهشت بروی و پدرت موسی بن جعفر علیهما السّلام اطاعت خدا کند و به بهشت داخل شود، در این صورت تو در نزد خداوند گرامیتر خواهی بود! به خدا سوگند هیچ کس جز از راه طاعت به آنچه نزد خدا است نخواهد رسید، و تو می پنداری با معصیت بدان می رسی، پس گمان تو بد گمانی است.

زید گفت: من برادر شما هستم و پسر پدرت می باشم، حضرت علیه السّلام در پاسخش فرمود: تو برادر منی هنگامی که خداوند عزّ و جلّ را اطاعت کنی، چون نوح علیه السّلام گفت: «رَبِّ إِنَّ ابْنِی مِنْ أَهْلِی وَ إِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْکَمُ الْحاکِمِینَ»،(1) {و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت: «پروردگارا، پسرم از کسان من است، و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی.» } خداوند در پاسخش فرمود: «یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صالِحٍ»،(2) {ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است.} پس خداوند او را چون معصیت کار و نافرمان بود از نوح ندانست. (3)

19. عیون الاخبار: حسن ابن جهم روایت کرد: نزد حضرت رضا علیه السّلام بودم و زید ابن موسی - برادرش - در آنجا بود، امام به او میفرمود: ای زید از خدا پروا کن و بدان که ما این موقعیّت را نزد خدا و خلق به دست نیاوردیم مگر از راه تقوی و پرهیزکاری، و هر کس تقوی نداشته باشد و فرمان خدا را رعایت نکند،

1- . نوح / 45
2- . هود / 46

3- . عيون الاخبار 2 : 235

هرگز از ما نخواهد بود، و ما نیز از او نیستیم. ای زید، مبادا اگر به کسی از شیعیان ما سلطه یافتی او را کوچک و پست شماری که این، سبب از میان بردن نورانیت و سیادت تو می شود. ای زید، مردم برای محبّت و عقیده ای که شیعیان به ولایتمان دارند آنان را دشمن میدارند و با آنان کینه توزی می کنند، و ریختن خون و بردن اموالشان را حلال میدانند، و اگر تو با آنان بدی کنی به خود ستم کرده ای و حقّ خود را ضایع ساخته ای.

حسن ابن جهم گوید: سپس امام رو به من کرده فرمود: ای پسر جهم، هر کس با دین و آئین خدا مخالفت کند از او بیزار باش، هر کس که خواهد باشد و از هر قبیله ای که بوده باشد؛ و هر کس با خدا دشمنی کند او را دوست مگیر، هر کس که باشد و از هر طائفه ای که باشد. گوید: عرض کردم یا ابن رسول اللّٰه! دشمنی کننده با خدا کیست؟ فرمود: آنکه او را نافرمانی و معصیت کند.

20. عیون الاخبار: محمّد ابن سنان روایت کرد که گفت: امام أبو الحسن الرّضا علیه السّلام فرمود: مائیم اهل بیت، و به سبب رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله حقّ ما بر مردم واجب شده است، پس هر کس که به سبب رسول خدا حقّی اخذ کند، ولی مثل آن حقّ، از جانب خود حقّ مردم را ادا نکند، او حقّی نخواهد داشت. (1)

21. عیون الاخبار: موسی ابن نصر رازیّ از پدرش روایت کرد که گفت: مردی به حضرت رضا علیه السّلام عرض کرد: به خدا سوگند در روی زمین از جهت پدر احدی از تو شریفتر نیست. امام فرمود: تقوی این شرف را به آنان داد و نیز اطاعت خداوند ایشان را بدان بهره مند گردانید، (گوید:) دیگری عرض کرد: به خدا سوگند تو بهترین مردم هستی. فرمود: ای مرد! سوگند مخور، از من بهتر کسی است که از من تقوایش نسبت به خداوند متعال بیشتر است و اطاعتش افزونتر، به خدا قسم این آیه منسوخ نشده است که خداوند فرموده: وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُم»،(2)

{ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را

1- . عیون الاخبار 2 : 236

2- . حجرات / 13

ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. } (1)

22. امالی طوسی: جابر از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: همانا ما فرزندان فاطمه سلام الله علیها آمرزیده شدهایم. (2)

23. امالی طوسی: فاطمه علیهما السلام از امیرمومنان علیه السلام نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر کسی برای یکی از فرزندان من کار نیکی انجام دهد و او کار نیکش را پاداش نداد، من خودم پاداش کار او را خواهم داد. (3)

24. صحیفه امام رضا: داود ابن سلیمان از امام رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا صل الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار نفرند که من شفیع آنها در روز قیامت خواهم بود، اگر چه گناهان اهل زمین را با خود بیاورند: هر کس ذریه مرا گرامی بدارد و برآورنده نیازهای آنان و کوشش کننده برای حل مشکلات آنان در حال اضطرار آنان و دوستدار آنان با قلب و زبان.(4)

25. صحیفه امام رضا: امام رضا علیه السلام از پدرانش از علی ابن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر کس برای یکی از فرزندان عبدالمطلب کاری انجام دهد و در دنیا در برابرش به او پاداش داده نشود، من فردای قیامت هنگامی که مرا میبیند به او پاداش میدهم. (5)

26. عوالی اللئالی: علامه در کتابش به نام «منهاج الیقین» با استناد به کسی که برای او روایت کرده، گفته است: در یکی از سالها در قم جنگی رخ داد و گروهی از علویان نیز در این جنگ بودند. اهالی آنجا در سرزمینها متفرق شدند، در میان آنها زنی علوی بود که صالح بود و نماز بسیار میگزارد و روزه بسیار میگرفت. شوهر او که پسر عمویش بود در این جنگ کشته شد و این زن، چهار دختر کوچک

1- . عیون الاخبار 2 : 236
2- . امالی طوسی 1 : 342 - 343

3- . امالی طوسی 1 : 365
4- . صحیفه امام رضا : 2
5- . صحیفه امام رضا : 42

از پسر عمویش داشت. زمانی که مردم از قم بیرون رفتند، او نیز با دخترانش از آنجا بیرون رفت.

غربت پیوسته او را از شهری به شهر دیگر میبرد تا اینکه به بلخ آمد و در هنگام زمستان به آنجا رسید. در روز بسیار سرد و در هوایی ابری و برفی وارد بلخ شد. هنگامی که به بلخ آمد سرگردان و حیرت زده ماند و نمیدانست کجا برود و مکانی را نمیشناخت که به آنجا پناه ببرد تا او و دخترانش را از سرما و برف محافظت کند. به او گفتند: در شهر یکی از بزرگ مردان است که به ایمان و نیکی شهرت دارد و غریبان و تهیدستان به او پناه میبرند.

زن علوی به همراه دخترانش به سوی او رفت، پس با او ملاقات کردند در حالی که جلوی در خانهاش نشسته بود و همنشینان و خدمتکارانش در اطراف او بودند. زن به او سلام داد و گفت: ای پادشاه، من زنی علوی هستم و دختران علوی همراه من هستند و ما غریبیم و در این زمان به این شهر آمدهایم و کسی را نداریم که به او پناه ببریم و در اینجا کسی نیست که ما را بشناسد تا به او پناه ببریم، و برف و سرما به ما زیان رسانیده است، به نزد تو راهنمایی شدیم، پس به سوی تو آمدیم تا به ما پناه دهی.

آن مرد گفت: چه کسی میداند که تو علوی هستی؟ شاهدانی گواه بر این مدعا برای من بیاور.

زن با شنیدن این سخن، از پیش او بیرون آمد درحالی که ناراحت و گریان بود و اشک از دیدگانش فرو میریخت و حیرت زده در راه ایستاد و نمیدانست کجا برود. مردی بازاری از کنار او گذشت و گفت: ای زن ! تو را چه شده که ایستاده ای و برف بر روی تو و این کودکان میبارد؟ زن گفت: من زنی غریبم که جایی را نمیشناسم که به آن پناه ببرم، مرد به او گفت: دنبال من بیا تا تو را به مسافرخانه ای راهنمایی کنم که اشخاص غریب به آنجا پناه میبرند، پس زن دنبال او به راه افتاد.

راوی گوید: در مجلس این پادشاه مردی مجوس بود. زمانی که دید پادشاه زن علوی را رد کرده و خواستن شاهدان را بهانه قرار داده است، دلش برای او به رحم آمد. پس سریعاً به دنبال او رفت و پس از مدت زمان کوتاهی به او رسید. مرد به او

گفت: ای زن علوی به کجا میروی؟ گفت: دنبال مردی میروم که مرا به مسافرخانه ای راهنمایی میکند تا به آنجا پناه ببرم. شخص مجوسی به زن گفت: دنبال او نرو بلکه همراهم به خانه من بیا تا تو را پناه دهم، این برایت بهتر است. زن گفت: باشد، پس به همراه او به منزلش رفت.

مرد او را وارد منزلش کرد و یکی از بهترین اتاق هایش را به او اختصاص داد و بهترین رختخواب را برایش گسترد و او را در آن اسکان داد، و برایش آتش و هیزم آورد و تنور را روشن نمود و همه آنچه از خوراکی و نوشیدنی بدان نیاز داشت، برای او فراهم کرد و ماجرای آن زن با پادشاه را برای همسر و دخترانش بازگو کرد. خانواده اش از آمدن آن زن خوشحال شدند و همسرش به همراه دختران و کنیزانش نزد زن علوی آمدند و پیوسته به او و دخترانش خدمت میکردند و با آنها انس و الفت برقرار کردند تا اینکه سرما و خستگی و گرسنگی از آنان رفع شد.

زمانی که هنگام نماز فرا رسید، زن علوی به آن زن گفت: آیا برای ادای فریضه نماز برنمیخیزی؟ زن شخص مجوس به او گفت: چه فریضه ای؟ ما مردمانی هستیم که بر کیش و مذهب شما نیستیم. ما بر دین مجوسی هستیم و اما شوهرم هنگامی که صحبت تو را با پادشاه شنید و اینکه گفتهای زنی علوی هستی، به خاطر اسم جدّت و به خاطر اینکه پادشاه تو را ردّ کرده، محبت تو در دلش جای گرفته است، علی رغم اینکه او (پادشاه) بر دین جدّ تو است.

زن علوی گفت: خداوندا به حقّ و حرمت جدّم نزد خداوند از او میخواهم به شوهرت توفیق دهد که به دین جدّم درآید. سپس زن علوی به نماز ایستاد و تمام طول شب را دعا کرد تا خداوند آن مرد مجوس را به دین اسلام هدایت کند.

روای گوید: آن شب هنگامی که مرد مجوس همراه خانواده اش به خواب رفت، در خوابش دید که قیامت برپا شده و مردم در محشر هستند و تشنگی آنان را آزرده و گرما آنان را خسته و درمانده کرده و وضعیت مرد مجوس از این نظر وخیمتر و سختتر است، پس درخواست آب کرد. شخصی به او گفت: آب فقط نزد پیامبر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش است، آنان دوستدارانشان را از

حوض کوثر سیراب میکنند. مرد مجوس گفت: به نزد آنان خواهم رفت شاید در پاداش کاری که برای دخترشان کردم و به او پناه دادم مرا سیراب کنند. پس به سوی آنان رفت. هنگامی که به نزد آنان رسید متوجه شد که به کسانی از دوستدارانشان که به نزدشان میآیند، آب میدهند و کسانی را که از اولیا و دوستدارانشان نیستند رد میکنند. علی علیه السلام در لبه حوض نشسته و جامی در دست دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته و حسن و حسین علیهما السلام و فرزندانشان در اطراف او هستند.

مرد مجوس آمد تا اینکه در مقابلشان ایستاد و درخواست آب کرد، در حالی که تشنه بود. علی علیه السلام فرمود: تو بر دین ما نیستی تا سیرابت کنیم. پیامبر صلی الله علیه و سلم به او گفت: ای علی به او آب بده. گفت: ای رسول خدا او بر دین مجوسی است. پیامبر فرمود: ای علی او بر گردن تو حقی آشکار دارد، او به فلان دختر تو و دخترانش پناه داد و آنان را در مقابل سرما پوشانید و در گرسنگی غذایشان داد و او اکنون در جایگاهی والا قرار داد. علی علیه السلام گفت: به من نزدیک شو، به من نزدیک شو. من به او نزدیک شدم و جامی که در دست داشت به من داد، و من جرعه ای از آن نوشیدم و خنکی آن را بر قلبم احساس کردم و چیزی لذیذتر و پاک تر از آن ندیده بودم.

راوی گوید: مرد مجوس از خواب بیدار شد، درحالی که خنکی آب را بر قلبش و رطوبت آن را بر لبان و محاسنش حس می کرد. پس با حالت ترس و نگرانی از خواب برخاست. همسرش به او گفت: تو را چه شده است؟ مرد آنچه را در خواب دیده بود از اول تا آخر برایش بازگو کرد و رطوبت آب را بر محاسن و لبانش به او نشان داد. همسرش به او گفت: به خاطر کاری که در حق این زن و کودکان علوی او انجام دادی، خیری به تو رسیده است. مرد گفت: آری، به خدا سوگند، حال که واقعیت را دیدم، دیگر دنبال جای پای آن نیستم.

روای گوید: مرد بلافاصله برخاست و شمعی را روشن کرد و به همراه همسرش بیرون رفتند تا اینکه به خانهای که زن علوی را در آن اسکان داده بودند وارد شدند، و آنچه را در خواب دیده بود برای زن علوی بازگو کرد. زن برخاست و به سپاس

خداوند سجده کرد و گفت: به خدا سوگند من تمام طول شب پیوسته از خداوند میخواستم تو را به اسلام هدایت کند و سپاس خدای را که دعای من در مورد تو اجابت شد. مرد مجوس به او گفت: اسلام را بر من عرضه کن. زن اسلام را بر او عرضه کرد. مرد مجوس مسلمان شد و اسلام آوردنش نیکو گشت و او همسر و همه دختران و کنیزان و خدمتکارنش را به محضر زن علوی آورد و آنان نیز اسلام آوردند.

روای گوید: اما آنچه مربوط به پادشاه است این است که او در آن شب چون به رختخواب رفت، آنچه را که مرد مجوس در خواب دیده بود، او نیز در خواب دید و او به سوی حوض کوثر رفت و گفت: ای امیرمومنان به من آب ده، چراکه من یکی از دوستداران تو هستم. علی علیه السلام به او فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کن، چرا که من به احدی آب نمی دهم مگر به امر او. او نزد رسول خدا رفت و گفت: ای رسول خدا، جرعه ای آب بر من بنوشان چراکه من یکی از دوستداران شما هستم. رسول خدا فرمود: برای این گفته ات شاهدانی بیاور. مرد گفت: ای رسول خدا، چرا از من شاهد میخواهید ولی از دیگر دوستدارانتان شاهد نمیخواهید؟ پیامبر فرمود:چطور تو از دختر علوی ما هنگامی که به همراه دخترانش نزد تو آمد و از تو درخواست میکرد که در منزلت او را پناه دهی، شاهد خواستی؟

گوید: سپس از خواب بیدار شد درحالی که پریشان دل و بسیار تشنه بود. پس به خاطر کوتاهی که در باره زن علوی کرده بود احساس حسرت و پشیمانی نمود و به خاطر اینکه او را ردّ کرده بود افسوس خورد. باقی مانده شب را بیدار ماند تا اینکه صبح شد. در همان سپیده دم به دنبال زن علوی رفت و درباره او به پرس و جو پرداخت. پیوسته جستجو میکرد اما کسی را نیافت تا درباه آن زن به او خبری بدهد تا اینکه به آن مرد بازاری رسید که خواست آن زن را به مسافرخانه راهنمایی کند. مرد بازاری او را راهنمایی کرد به اینکه آن مرد مجوسی که در مجلس او بوده، زن علوی را با خود به خانه اش برده است. مرد از شنیدن این سخن تعجب کرد.

سپس به سوی خانه مرد مجوس رفت و در را زد. به او گفته شد: چه کسی پشت در است؟ جواب شنید: پادشاه پشت در است و تو را میخواهد. آن مرد از آمدن پادشاه به در خانه اش تعجب کرد زیرا او عادت به این کار نداشت. پس سریعاً به نزد او رفت. وقتی پادشاه او را دید، اسلام و نور آن را بر او مشاهده کرد. مرد به پادشاه گفت: دلیل آمدن شما به منزل من چیست؟ و تو پیشتر این عادت را نداشتی. پادشاه گفت: به خاطر این زن علوی، به من گفته شده که در منزل توست و من به دنبال او آمدهام، و اما از ماجرای این زینتی که بر توست مرا باخبر ساز، میبینم که مسلمان شدهای.

مرد گفت: بله و شکر و سپاس برای خداوند است. خداوند به برکت این زن علوی و آمدن او به منزلم، با مسلمان شدنم بر من منت نهاد، و من و همسرم و دخترانم و همه اهل خانه ام به دین محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش درآمدیم. پادشاه به او گفت: دلیل اسلام آوردنت چیست؟ مرد سخنانش و دعای زن علوی برای او و ماجرای خوابش را برای او بازگو کرد و تمام داستان را برای پادشاه نقل کرد.

سپس گفت: و تو ای پادشاه! دلیل جستجوی حریصانه و مصرانه ات به دنبال آن زن پس از آنکه در ابتدا از او اعراض کردی و او را طرد نمودی، در چیست؟ پادشاه آنچه را در خواب دیده بود و ماجرایی که با پیامبر برایش پیش آمده بود برای او بازگو نمود. مرد مجوس خداوند متعال را به خاطر توفیق این کاری که به سبب آن به شرافت و اسلام نائل آمده و بینش و بصیرتش زیاد شده بود، سپاس گفت.

سپس آن مرد نزد زن علوی رفت و او را از حال و وضعیت پادشاه باخبر ساخت. زن با شنیدن سخنانش گریه کرد و سجده کنان برای خداوند بر زمین افتاد و خداوند را به خاطر آنکه پادشاه را بر حقش آگاه ساخته بود، سپاس گفت. پادشاه از زن اجازه گرفت که نزدش بیاید، زن به او اجازه داد. پادشاه نزد او آمد و از او معذرت خواهی نمود و آنچه را که در خواب با جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برایش پیش آمده بود بازگو کرد و از او خواست که به منزل او نقل مکان کند.

اما زن نپذیرفت و گفت: هرگز، نه به خدا سوگند، حتی اگر کسی که در منزلش هستم از اقامت من در اینجا ناراضی میبود، به منزل تو نمیآمدم.

صاحب خانه متوجه این مسئله شد و گفت: نه، به خدا سوگند از منزل من تکان نمیخوری و من این منزل و همه وسایل و امکاناتی که در آن فراهم کردهام را به تو بخشیدم و خودم و همسرم و دخترانم و خدمتکارانم در خدمت تو هستیم و آن را در مقایسه با آنچه خداوند به واسطه آمدن تو بر ما ارزانی داشت، ناچیز میدانیم.

راوی گوید: پادشاه بیرون رفت و به منزل خویش آمد و برای آن زن لباسها و هدایا و کیسه ای حاوی مقداری طلا و نقره برای آن زن فرستاد، اما او همه این اموال را به او بازگرداند و چیزی از آن را قبول نکرد.

27. علامه در کتاب «جواهر المطالب» درباره فضیلتهای امیرمومنان علی ابن ابی طالب علیه السلام حکایتی نزدیک به این حکایت را آورده است. او گوید: ابن جوزی که حنبلی مذهب بود در کتاب تذکرة الخواص(1) گفته است: در کتاب «ملتقط» - که نوشته جدّ او ابو الفرج بن جوزی است - خوانده ام که:

در بلخ، مردی علوی سکونت داشت که همسری داشت و دخترانی. این مرد درگذشت. زنش می گوید: دختران را از ترس نکوهش دشمنان به سمرقند بردم و هنگامی آنجا رسیدیم که هوا بسیار سرد بود. دختران را به مسجدی بردم و رفتم تا برای غذای آنها فکری کنم. مردم را دیدم که پیرامون شیخی گرد آمده اند. در باره او پرسش کردم. گفتند: این شیخ شهر ماست، پیش رفتم و شرح حالم را به او باز گفتم. شیخ گفت: برای من دلیلی بیاور که تو علویه هستی، و توجّهی به من نکرد.

از او نومید شدم و به مسجد بازگشتم. در راه شیخی را دیدم که بر سکّویی نشسته بود و اطرافش جماعتی بودند. پرسیدم: او کیست؟ گفتند: کفیل شهر است و مجوس. گفتم: شاید او موجب گشایشی گردد، پیش رفتم و شرح حال و ماجرای خود را با شیخ بدو بازگفتم. او با صدای بلند خدمتکارش را فرا خواند و گفت: به بانوی خود بگو لباسش را بپوشد. خادم به اندرونی رفت و با زنی خارج شد که کنیزکانی هم همراه او بودند.

1- . تذكرة خواص الامة : 207

مجوس به آن زن گفت: با این زن به فلان مسجد می روی و دخترانش را به خانه می آوری. آن زن به همراه من آمد و دختران را به خانه آورد و اتاقی خاص در اختیار ما نهادند. او ما را به حمام فرستاد و لباس های فاخری بر تنمان کرد و انواع و اقسام خوراکی در پیش رویمان نهاد و نیکوترین شب را پشت سر نهادیم.

چون نیمه شب شد، شیخ مسلمان شهر در خواب دید که گویی رستاخیز به پا گشته است و رسول اکرم زیر پرچم قرار دارد و او در آن حال قصری از زمرّد سبز را دید. پس پرسید این قصر از آن کیست؟ گفتند: برای مسلمانی موحّد. شیخ به سوی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم رفت و پیامبر از او روی برتافت. شیخ عرض کرد: یا رسول اللّه! چرا از من که مسلمانم روی برمی تابی؟ رسول اللّه فرمود: دلیلی بیاور که مسلمانی، و شیخ حیران ماند. پیامبر به او فرمود: فراموش کردی به آن زن علویه چه گفتی؟ این قصر از آن مردی است که آن زن هم اینک در خانه او به سر می برد.

شیخ از خواب بیدار شد در حالی که سیلی بر چهره خود می نواخت و می گریست. او در جست و جوی آن زن علویه غلامان خود را در شهر بگستراند و خود در پی یافتن او روان شد. به او گفتند که این زن در خانه مجوسی است. شیخ نزد او رفت و گفت: آن زن علویه کجاست؟ مجوس گفت: نزد من. شیخ گفت: آن زن را می خواهم. مجوسی گفت: تو به او دست نخواهی یافت. شیخ گفت: این هزار دینار را بگیر و او را به من تحویل ده. مجوس گفت: اگر صد هزار دینار هم بدهی او را به تو نخواهم داد.

چون شیخ اصرار کرد، مجوس به او گفت: همان خوابی که تو دیدی من نیز دیدم و قصری که تو دیدی برای من آفریده شده است و تو با اسلامت بر من فخر میفروشی. به خدا سوگند هیچ کس در این خانه نخفته مگر آن که به دست این زن علویه اسلام آورده است و او برای ما برکت به ارمغان آورده است و در خواب دیدم

که پیامبر به من فرمود: به سبب آن چه با این زن علویه کردی، این قصر از آن تو و خانواده ات خواهد بود. (1)

سخن او «انت تدلّ» از دلال گرفته شده به معنای ناز و کرشمه یعنی با اسلامت بر من فخر میورزی.

28. محمد ابن حنفیه گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس به کوچک ما رحم نکند و بزرگ ما را گرامی ندارد و حقانیت ما را نشناسد، از ما نیست. (2)

29. مؤلف: همچنین ابن جوزی در کتاب خود(3) به نقل از جدّش ابو الفرج به اسناد او از ابن خصیب روایت می کند که: من کاتب مادر متوکّل بودم. یک روز که در دیوان مشغول کار بودم، ناگاه پسر بچه خدمتکاری از پیش او آمد در حالی که کیسه ای محتوی هزار دینار در دست داشت. او به من گفت: بانو می گوید: این پول را در میان مستحقّان پخش کن که این از پاک ترین اموال من است، و نام کسانی را که این پول را میان آن ها پخش کردی بنویس تا در نوبت های بعد نیز اگر مالی به دستم رسید میان آن ها توزیع کنم.

کاتب می گوید: به خانه رفتم و آشنایان خود را گرد آوردم و اسامی افراد مستحق را از آن ها گرفتم، آن ها هم اشخاصی را نام بردند و من سیصد دینار میان آن ها توزیع کردم و باقیمانده پول تا نیمه شب همچنان در دست من بود که ناگاه کسی در خانه مرا کوبید. گفتم: کیستی؟ گفت فلان علوی. او همسایه من بود. به او اجازه ورود داده و از او پرسیدم، چه چیزی سبب شده در این ساعت بیایی؟ گفت: کسی در خانه ام را زد که از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و من چون خوراکی در اختیار نداشتم دیناری به او دادم و او سپاس گزارد و بازگشت.

زنم با شنیدن این سخن گریه کنان به سوی در رفت و می گفت: آیا شرم نمی کنی که چنین فردی نزد تو آید و تو تنها دیناری بدو می دهی؟ من می دانم که او

1- . کشف الیقین فی فضائل امیر المومنین علیه السلام : 107 و پس از آن این عبارت اضافه شده است: شما به بهشت میروید و شما از ازل مومن آفریده شده اید.
2- . مجالس مفید : 17 - 18
3- . تذکرۀ خواص الامه : 209

مستحق است، همه پول ها را به او بده. سخن او در دل من نشست و کیسه پول را برداشته پشت سر او به راه افتادم و آن مرد پول را گرفت و رفت. چون به خانه رسیدم پشیمان شدم و پیش خود گفتم: هم اینک خبر به متوکّل که با علویان دشمنی دارد می رسد و دستور قتل مرا صادر می کند. همسرم به من گفت: نترس، به خدا و جدّ آن ها توکّل کن.

در همین حال در کوبیده شد و خدمتکارانی مشعل به دست گفتند که بانو تو را احضار کرده است. هراسان برخاستم و اندکی که راه می پیمودم پیکی دیگر به آن ها اضافه می شد. چون به سراپرده بانو رسیدیم خدمتکار به من گفت: بانو در آن سوی این پرده است. کاتب می گوید: صدای گریه او را می شنیدم که شیون می کرد و می گفت: ای احمد! خدا تو را پاداش خیر دهد و به همسرت نیز. هم اینک خواب بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم. ایشان به من فرمودند: خداوند به تو و همسر ابن خصیب پاداش خیر دهد. مفهوم این سخن چیست؟

من جریان را به آگاهی او رساندم، و او می گریست. سپس به من دینار و جامه فراوان داد و گفت: این برای آن علوی، این برای همسرت و این هم برای خودت. کاتب می گوید: مقدار پولی که به من داد صد هزار درهم بود. پول را ستاندم و راه خانه آن علوی را در پیش گرفتم. در را زدم، او از داخل منزل فریاد زد: ای احمد! آن چه با خود داری بیاور، و به سوی من آمد در حالی که می گریست. دلیل گریه اش را جویا شدم. گفت: هنگامی که از خانه شما به خانه خود آمدم، همسرم گفت: چه با خود داری و من داستان را به او باز گفتم. همسرم گفت: برخیز تا نماز بگزاریم و برای بانو احمد و همسرش دعا کنیم، ما نیز نماز گزاردیم و دعا کردیم. سپس به خواب رفتم و پیامبر را به خواب دیدم که می فرمود: آن ها را بر کارشان سپاس گزاردم، اینک برای تو چیزی می آورند، آن را از ایشان بپذیر.

30. کتاب صفات الشیعه از شیخ صدوق رحمه الله علیه: حذاء گوید: از امام صادق شنیدم که میفرمود: هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مکّه را فتح کرد، بر کوه صفا ایستاد و فرمود: ای فرزندان هاشم، ای فرزندان عبد المطّلب، همانا من رسول خدا به سوی شما هستم و نسبت به شما دلسوز و مهربانم. نگویید

محمّد از ماست، به خدا سوگند، دوستان من، از بین شما و غیر شما، تنها پرهیزکارانند. آگاه باشید، من شما را در روز قیامت نخواهم شناخت، نزد من می آیید در حالی که محبّت و تعلّقات دنیا را به دوش می کشید، و عده ای از مردم می آیند که توشه آخرت را با خود حمل می کنند. آگاه باشید، من بین خودم و شما، و بین خدا و شما، عذر و بهانه ای باقی نگذاشتم. همانا من مسئول عمل خودم هستم و شما نیز در گرو عمل خودتان هستید. (1)

31. کتاب مسلسلات: فرمود: علی ابن ابی طالب علیه السلام در حالی که موی خود را به دست گرفته بود فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم در حالی که موی خود را به دست گرفته بود میفرمود: هر کس یک موی مرا اذیت کند، بهشت بر او حرام است.

گفت: هارون ابن موسی و محمد ابن عبدالله کوفی گفته اند: محمد ابن حسین خثعمی با این سند برای ما بازگو کرده و سلسله روایان را ذکر کرد.

32. و از او نقل شده که گفته است: زید ابن علی علیه السلام برای من بازگو کرد در حالتی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: علی ابن حسین برای من بازگو کرد در حالتی که موی خود را بر دست گرفته بود و از پدرش حسین ابن علی در حالتی که موی خود را به دست گرفته بود، از پدرش علی ابن ابی طالب علیه السلام درحالی که موی خود را به دست گرفته بود نقل میکند که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم در حالی که موی خود را به دست گرفته بود و فرمود: هر کس یک تار موی مرا اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است و هر کس خدا را اذیت کند، لعنت خدا به اندازه آسمان و زمین بر او باد.

راوی گوید: به زید ابن علی گفتیم: مقصود ایشان چه کسانی است؟ فرمود: مقصود ایشان ما هستیم، فرزندان فاطمه، میان ما دخالت نکنید که کافر میشوید.

گوید: عبدالله ابن ابراهیم طلقی این حدیث را با همین سند برای ما بازگو کرده است و سلسله روایان را پس از آن ذکر کرد.

1- . صفات الشيعه : 165

و هارون ابن موسی و محمد ابن عبدالله با همین سند این حدیث را روایت کرده اند.

33. کتاب امامت و تبصره: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرش از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل میکند که فرمود: عیادت بنی هاشم واجب و زیارت آنها سنت است.

34. علامه در کتاب جواهر المطالب آورده است که ابن جوزی در کتاب تذکره الخواص نقل می کند که: عبد اللّه ابن مبارک، یک سال حج می کرد و یک سال در جنگ شرکت می جست و پنجاه سال بدین منوال سپری شد. یک سال روانه حج شد و با خود پانصد دینار برداشت تا از محلّه شتر فروش های کوفه شترهایی را برای رفتن به حج خریداری کند.

پس زنی علویه را در آن جا دید که بر کنار زباله ها نشسته و پرهای یک مرغابی مرده را می کند. او می گوید: به سوی این زن علویه رفتم و به او گفتم: چرا چنین می کنی؟ زن گفت: ای بنده خدا! از آن چه که به تو ارتباطی ندارد پرسش نکن. عبد اللّه گفت: از بزرگواری او چیزی به ذهنم رسید و بر پرسش خود اصرار کردم. آن زن گفت: ای بنده خدا! تو مرا وامی داری پرده از رازم برگیرم. من زنی علویه هستم و چهار دختر یتیم دارم که پدرشان چندی پیش مرده است و این چهارمین روزی است که چیزی نخورده ایم و لذا گوشت مرده بر ما حلال است و من این مرغابی را تمیز کردم تا برای خوردن، نزد دخترانم ببرم.

با خود گفتم: وای بر تو ای ابن مبارک، تو کجا و این زن کجا! به او گفتم: دامنت را بگشای و دینارها را در یک طرف دامنش ریختم در حالی که او به من توجّه نداشت و چشمانش را به زمین دوخته بود. عبد اللّه می گوید: من به سوی خانه رفتم و خداوند در آن سال محبّت حج را از دلم برکند.

سپس به شهر خود رفتم و در همان جا بودم تا مردم حجّ گزاردند و بازگشتند. من برای دیدار همسایگان و دوستان بیرون آمدم و به هر که می گفتم: حجّت مقبول و سعیت مشکور، به من پاسخ می داد: تو نیز همچنین، ما با تو در فلان جا و فلان مکان با هم بودیم. بیشتر مردم همین سخن را به من می گفتند. من با این فکر

خوابیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم که به من می فرمود: ای عبد اللّه! شگفت مکن. تو خاطر یکی از فرزندان مرا از غم زدودی و من از خدا خواستم فرشته ای را به چهره تو بیافریند که هر سال تا روز رستخیز به جای تو حج کند. اگر خواستی به حج می روی و اگر نه، نه. (1)

- در همین کتاب به نقل از ابن ابی الدّنیا روایت شده است که: کسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید و رسول اکرم به او فرمود: پیش فلان مجوسی برو و به او بگو: دعایت اجابت شد. مرد از انجام این دستور سر باز زد تا مباد مرد مجوسی گمان برد که می خواهد خود را به او که مرد توانگری بود بنمایاند. مرد برای بار دوم و سوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید و چون صبح شد نزد مجوس آمد و در خلوت به او گفت: من پیک پیامبر خدا برای تویم. پیامبر فرموده است: دعای تو مستجاب شد.

مجوس گفت: آیا تو مرا می شناسی؟ مرد گفت: آری. مجوس گفت: من دین اسلام و پیامبری محمّد را انکار می کنم. مرد گفت: من این را می دانم ولی پیامبر چندین بار از من خواسته این پیام را نزد تو آورم. مجوس در دم، شهادتین را بر زبان جاری ساخت. و به خانواده و یارانش روی کرد و گفت: من تاکنون بر کژ راهه بودم و اینک به راه حق باز می گردم. شما نیز اسلام آورید. هر که از شما اسلام آورد هر چه در اختیار دارد از آن او خواهد بود و هر که از پذیرش اسلام سر باز زند، حق تصرّف در مال مرا ندارد. یاران و خانواده او اسلام آوردند. او دختری داشت که به ازدواج پسرش درآورده بود و با آوردن اسلام آن دو را از یکدیگر جدا کرد.

سپس مجوس به این مرد گفت: آیا می دانی دعای من چه بوده است؟ گفتم: به خدا سوگند نه، و هم اینک می خواستم از تو بپرسم. مرد مجوس گفت: هنگامی که دخترم را به ازدواج درآوردم، طعامی فراهم کردم و مردم را دعوت کردم و آن ها هم آمدند. در همسایگی ما مردمی آبرومند می زیستند که در فقر و نداری به سر می بردند. به خدمتکاران خود دستور دادم حصیری در وسط حیاط پهن کند. در آن هنگام صدای دختر بچه ای را شنیدم که به مادر خود می گفت: این مجوس با بوی

1- . كشف اليقين فى فضائل اميرالمومنين : 167 ، تذكره خواص الامه : 206

خوراکی که به راه انداخته، ما را می آزارد. من طعام فراوانی به همراه جامه و دینار برای همه آن ها فرستادم. چون چشمشان به هدایا افتاد، همان دختر بچه به دیگران گفت: به خدا سوگند از این طعام نمی خوریم مگر آن که برای این مرد دعا کنیم. پس همگی دستشان را بلند کردند و گفتند: خداوند تو را با جدّ ما رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم محشور کند و دیگران به این دعا آمین گفتند و این همان دعایی بود که اجابت شد. (1)

1- . تذکره خواص الامه : 208 - 209 ، کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین : 169

1. تفسیر عیاشی: سماعه بن مهران می گوید: مردی از منطقه جبال از امام صادق علیه السلام در باره ثروتی که شخص از حاکمان جور دریافت می کند و با آن صدقه می دهد و صله رحم به جا می آورد تا خداوند کسب حرامش را ببخشد، سؤال کرد و این آیه را می خواند که «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»،(1) {خوبیها بدیها را از میان می برد} امام صادق علیه السلام فرمود: گناه، گناه دیگر را از بین نمی برد، اما کار نیک، گناهان را از بین می برد. سپس فرمود: اگر مال حلالی مخلوط به مال حرامی شود به طوری که حلال و حرام از هم شناخته نشود، در این صورت اشکالی نخواهد داشت. (2)

السرائر: در کتاب المشیخه از ابن محجوب از سماعه همین حدیث روایت شده است.

2. تفسیر عیاشی: و نیز از وی از مفضل ابن سوید روایت شده است که امام علیه السلام فرمود: مالی را که به دست آوردی به دقت بنگر و آن را به برادرانت باز گردان؛ زیرا خداوند می فرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ». مفضل گوید: به جای برادرم در دیوان محاسبات کار می کردم. از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم! شما می دانید که من با حاکمان همکاری می کنم، خواستم نظر شما را بدانم؟ فرمود: ای کاش این کار را نمی کردی. (3)

3. تفسیر عیاشی: مفضل ابن مزید کاتب نقل می کند که امام صادق علیه السلام نزد من آمد و من مأموریت داشتم که هدایایی را برای بنی هاشم از بیت المال جدا

1- . هود / 114
2- . تفسیر عیاشی 2 : 162
3- . تفسیر عیاشی 2 : 163

کنم. مشغول کارم بودم که ناگهان متوجه شدم امام علیه السلام بالای سر من ایستاده است. پس با شوق به سوی ایشان دویدم. امام از من پرسید که چه مأموریتی در باره آنان به من واگذار شده است؟ من نامه را به ایشان دادم. امام علیه السلام فرمود: در این نامه هیچ چیزی برای اسماعیل - برادر حضرت - نمی بینم؟ عرض کردم: تنها همین اسم ها به من داده شده است. سپس از ایشان پرسیدم: فدایتان گردم! همکاری من با این قوم را چگونه می بینید و چه نظری دارید؟ امام علیه السلام به من فرمود: به مالی که به دست می آوری دقت کن و آن را به برادرانت باز گردان؛ زیرا خداوند می فرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ». (1)

4. مناقب آل ابی طالب: علی ابن ابی حمزه می گوید: من دوستی از نویسندگان بنی امیه داشتم. وی به من گفت: از امام صادق علیه السلام برای من اجازه ملاقات بگیر! از امام علیه السلام برای وی اجازه ملاقات گرفتم. وقتی بر امام علیه السلام وارد شد، سلام کرد و نشست و سپس گفت: فدایت گردم! من در دیوان این قوم نویسنده بودم و از دنیای آن ها مال فراوانی به چنگ آوردم و در جمع آوری آن رعایت حلال و حرام را نکردم.

امام علیه السلام فرمود: اگر بنی امیه کسانی را نمی یافتند که برایشان بنویسند و مالیات بگیرند و از سوی آنان بجنگند و در اجتماعات شان حضور یابند، حق ما را از ما نمی گرفتند. و اگر مردم آنان را به آنچه داشتند رها می کردند، جز آنچه در اختیار داشتند، چیزی به دست نمی آوردند.

آن جوان گفت: فدایت گردم! آیا برای من راه نجاتی از این وضع هست؟ امام علیه السلام فرمود: اگر به تو بگویم، انجام می دهی؟ جوان گفت: انجام می دهم! امام علیه السلام فرمود: از همه آنچه در دیوان بنی امیه به دست آورده ای، خود را نجات ده. هر کس را می شناسی، مالش را به وی باز می گردانی و هر کس را نمی شناسی، صدقه می دهی و من برای تو از جانب خدا بهشت را ضمانت می کنم. علی ابن ابی حمزه می گوید: آن جوان مدت طولانی سکوت کرد و سپس گفت: حتما انجام می دهم، فدایت گردم!

1- . تفسیر عیاشی 2 : 163

علی ابن ابی حمزه می گوید: جوان همراه ما به کوفه بازگشت و هر چه روی زمین داشت، از خود جدا کرد، حتی لباسی را که پوشیده بود. ما نیز هزینه زندگی او را میان خود تقسیم کردیم و لباسی برای وی خریدیم و همراه نفقه اش برایش فرستادیم. چند ماه بیشتر از این وضعیت نگذشت که بیمار شد و ما به عیادت او می رفتیم؛ تا این که یک روز پیش وی رفتم در حالی که او در حال جان دادن بود. چشمانش را باز کرد و به من گفت: ای علی! به خدا سوگند! مولایت به پیمان خود با من وفا کرد.

گوید: سپس جان سپرد. ما او را به خاک سپردیم. آن گاه من نزد امام صادق علیه السلام رفتم. وقتی که چشم امام علیه السلام به من افتاد، فرمود: ای علی! به خدا سوگند! ما به پیمان خود با دوستت وفا کردیم! به امام علیه السلام گفتم: راست می گویی، ! فدایت شوم! به خدا سوگند! وی نیز هنگام مرگ از این موضوع خبر داد.

ص: 300

باب بیست و نهم : حکم خمس و زکات کسانی که از جهت مادری به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میرسند

1. الاحتجاج: هنگامی که هارون الرشید وارد مدینه شد به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و با او گروهی از مردم نیز بودند. پس نزد قبر پیامبر رفت و گفت: سلام بر تو ای پسر عمو، و با این سخن بر دیگران میبالید. پس امام موسی ابن جعفر علیه السلام نزد قبر پیش آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پدر. با شنیدن این کلام رنگ رخسار هارون دگرگون شد و آثار خشم در او هویدا گشت.(1)

2. کنز الکراجکی: مثل این حدیث را روایت کرده و در آخر حدیث آورده است: رنگ رخسار هارون دگرگون شد، سپس گفت: ای ابوالحسن! این فخر و بالیدن واقعی است.

3. تفسیر قمی: محمد ابن یعقوب از تعدادی از یاران ما، از احمد ابن محمد ابن خالد، از حسن ابن ظریف، از عبدالصمد ابن بشیر، از ابی جارود، از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: ای ابا جارود! در مورد حسن و حسین علیهما السلام چه می گویند؟ گفتم: انکار می کنند که آنان فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. فرمود: شما چه دلیلی بر ادعای خود می آورید؟ گفتم: به این آیه در مورد عیسی ابن مریم علیه السلام «وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ»،(2) {و از نسل او داود و سلیمان.} تا آخر آیه آمده است: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»، {و این گونه،

1- . احتجاج : 214
2- . انعام / 84

نیکوکاران را پاداش می دهیم } که عیسی ابن مریم علیه السلام را از نسل ابراهیم علیه السلام قرار داده است، استناد می کنیم. فرمود: آنها در پاسخ به شما چه گفتند؟ گفتم: آنها می گویند ممکن است پسر دختر (نوه دختری) از فرزندان باشد، ولی از صلب محسوب نمی شود.

فرمود: شما برای آنان چه دلیلی آوردید؟ گفتم: این کلام خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله را گفتم که می فرماید: «فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ»،(1) {بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان را فرا خوانیم. } فرمود: آنان به شما چه پاسخی دادند؟ گفتم: آنها گفتند، گاهی در کلام عرب، ابناء رجل (فرزندان یک مرد) است ولی می گوید: ابناءنا (فرزندان ما).

امام باقر علیه السلام فرمود: ای ابا جارود! از کتاب خدا برای تو نقل می کنم که حسن و حسین علیهما السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند که فقط کافر با آن مخالفت می کند. گفتم: جانم فدایتان، این در کجای قرآن آمده است؟ فرمود: آن جایی که خداوند می فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ»، (2) {[نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان، و دخترانتان. } تا آخر آیه، که آمده است «وَحَلاَئِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلاَبِكُمْ»، {و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند. } ای ابا جارود! از آنان بپ-رس که آیا ازدواج با حلیله (همسران) حسن و حسین علیهما السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله حلال است؟ اگر گفتن-د: بله، دروغ گفتند و از حق عدول کردند و اگر گفتن-د: خی-ر، یعنی والله حسن و حسین علیهما السلام فرزندان صلبی رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند و چیزی باعث این حرمت نمی شود مگر فرزند صلب بودن. (3)

احتجاج: از اباجارود از امام باقر علیه السلام همین حدیث روایت شده است. (4)

4. احتجاج،(5)

عیون الاخبار: هانی ابن محمد ابن محمود از پدرش به امام موسی ابن جعفر علیه السلام میرساند که فرمود: نزد هارون رشید رفتم، او به من گفت:

1- . آل عمران / 61
2- . نساء / 23
3- . تفسیر قمی : 196 - 197
4- . احتجاج : 176 - 177
5- . احتجاج : 212 - 213

چرا شما اجازه می دهید که مردم چه سنی و چه شیعه شما را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منتسب بدانند و به شما بگویند: «ای فرزندان رسول خدا» در حالی که شما فرزند علی هستید و اشخاص را باید به پدرشان منتسب نمود. فاطمه ظرف است و نقشی در نسب فرزند ندارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جد مادری شما است؟

گفتم: یا أمیر المؤمنین! اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنده شوند، و دختر شما را خواستگاری کنند آیا به ایشان جواب مثبت می دهید؟ هارون گفت: سبحان الله! چطور ممکن است جواب مثبت ندهم؟! بلکه با این کار بر عرب و عجم و قریش افتخار می کنم. به او گفتم: ولی آن حضرت نه از دختر من خواستگاری می کند و نه من دخترم را به ازدواج آن حضرت در می آورم، گفت: چرا؟ گفتم: زیرا ایشان پدر من است و پدر شما نیست، گفت: أحسنت! ای موسی.

سپس گفت: چگونه می گویید ما ذریه پیامبر هستیم، حال آنکه پیامبر از خود نسلی بر جای نگذاشت. و اولاد ذکور نداشت و نسل از اولاد ذکور است نه اولاد اناث، و شما فرزندان دختر او هستید در حالی که دختر نسل ندارد؟ گفتم: از شما می خواهم، به حق خویشاوندی و به حق قبر و آن کس که در آن است مرا از پاسخ به این سؤال معاف دارید.

هارون گفت: هرگز، باید شما فرزندان علی، دلیل خود را ارائه دهید. و تو، طبق آنچه به من رسیده است، رئیس و امام آنها در این زمان هستی و به هیچ وجه در سؤالاتم تو را معاف نمی دارم و تا در جوابم، از قرآن دلیل بیاوری، شما فرزندان علی ادعا می کنید که هیچ کلمه و حرفی از قرآن بر شما پوشیده نیست و تأویل هر الف و واو آن را می دانید و به این آیه استناد می کنید: «ما فرطنا فی الکتاب من شی ء»، (1) {ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم.} و خود را از آراء علماء و قیاس آنها بی نیاز می دانید.

1- . انعام / 38

گفتم: اجازه می دهی جواب بدهم؟ گفت: جوابت را ارائه بده. گفتم: أعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كُلاًّ هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ»، (1) {و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه، نیکوکاران را پاداش می دهیم. و زکریّا و یحیی و عیسی.} پدر عیسی کیست، ای أمیر المؤمنین! گفت: عیسی پدر ندارد، گفتم: پس ما او را از طریق مریم علیها السلام به سایر فرزندان انبیا ملحق کردیم، و به همین ترتیب ما نیز از طریق مادرمان فاطمه علیها السلام به نسل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ملحق می شویم.

سپس گفتم: آیا باز هم دلیل بیاورم ای أمیر المؤمنین. گفت: بله اگر دلیل دیگری هم داری عنوان کن. گفتم: این آیه شریفه: «فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءِكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءكُمْ وَنِسَاءنَا وَنِسَاءكُمْ وَأَنفُسَنَا وأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَةَ اللّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»،(2) {پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»} و هیچ کس ادعا نکرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام مباهله با نصاری کسی را به جز علی ابن أبی طالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را در زیر رداء خود قرار داده اند. پس مراد از «أبناءنا» در این آیه، همان حسن و حسین می باشد و مراد از «نساءنا» فاطمه و مراد از «أنفسنا» علی ابن أبی طالب علیه السلام است. (3)

مؤلف: کل حدیث را در باب تاریخ ایشان علیه السلام ذکر شد. (4)

1- . انعام / 84 - 85
2- . آل عمران / 61
3- . عیون الاخبار 1 : 83 - 84
4- . بحار الانوار 48 : 125 - 129

5. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: دامن این انزع (یعنی علی) را بگیرید که او صدّیق اکبر است و از او است دو سبط امتم حسن و حسین و آن دو، دو پسر من هستند. ادامه روایت. (1)

6. عیون الاخبار،(2) امالی صدوق: از جمله سخنانی که امام رضا علیه السلام در بیان فضیلت و برتری عترت پاک بر امت در حضور مامون ایراد کرد این بود که فرمود: اما دهم! این سخن خداوند عزّ و جلّ است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ»،(3) {[نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان، و دخترانتان.} به من بگوئید، دختر من و دختر پسرم را نسل در نسل بر پیغمبر صلی الله علیه و آله رواست که به زنی گیرد، اگر زنده باشد؟ گفتند: نه. فرمود: رسول خدا میتواند دختران شما را به ازدواج درآورد، اگر زنده باشد؟ گفتند: آری. فرمود: این خود بیان این است که من آل او هستم و شما آل او نیستید و اگر آل او بودید دخترانتان بر او حرام بود چنانکه دختران من بر او حرام است. ما آل او هستیم و شما امت او هستید، این است فرق میان آل و امت که آل از او است و امت که از آل نباشد از او نیست. (4)

7. امالی صدوق: عبدالملک ابن عمیر گوید: حجاج یحیی ابن یعمر را خواست و به او گفت: تویی که معتقدی دو پسر علی دو پسر رسول خدایند؟ گفت: آری و برای تو در این باره از قرآن دلیل آورم؟ گفت: بیاور، گفت: به من امان بده. گفت: در امانی، گفت: مگر خدای عز و جل نمیفرماید: «وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»،(5) {و

به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، و همه را به راه راست درآوردیم، و نوح را از پیش راه نمودیم، و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این

1- . امالی صدوق : 130
2- . عیون الاخبار 1 : 239
3- . نساء / 23
4- . امالی صدوق : 318

5- . انعام / 84

گونه، نیکوکاران را پاداش می دهیم.} سپس فرمود: «وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى»،(1) {و زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند.} مگر عیسی پدر داشت؟ حجاج گفت نه. گفت، خدا او را در کتاب خود به وسیله مادرش فرزند ابراهیم خوانده است. حجاج گفت، که به تو آموخت که مانند این حدیث را روایت کنی؟ گفت عهدی که خدا از علماء گرفته که علم خود را کتمان نکنند. (2)

8. تفسیر عیاشی: بشیر دهّان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: به خدا قسم، خداوند تبارک و تعالی در قرآن، نسبت حضرت عیسی ابن مریم را از طرف زنان به ابراهیم علیه السلام رسانده است. سپس آیه: «وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ» تا آخر دو آیه را تلاوت کرد و عیسی علیه السلام را ذکر کرد. (3)

9. تفسیر عیاشی: از ابو حرب ابن ابو اسود روایت شده است که گفت: حجاج به دنبال یحیی ابن مَعمَر فرستاد و به او گفت: به من خبر رسیده که تو ادعا می کنی حسن و حسین علیهما السلام از نسل پیامبرند و این را در کتاب خدا یافته ای و من کتاب خدا را از اول تا آخرش خواندهام، ولی این موضوع را نیافته ام. گفت: مگر سوره انعام را نمی خوانی: «وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ» تا «وَيَحْيَى وَعِيسَى»؟ مگر عیسی از نسل ابراهیم نبود، در حالی که پدر نداشت؟ گفت: راست می گویی. (4)

10. اعلام الوری: عائذ ابن نباته احمسی گوید: نزد امام صادق علیه السلام رفتم و میخواستم در باره نماز شب از او سؤال کنم و فراموش کردم. پس گفتم: سلام بر تو ای پسر رسول خدا! فرمود: بله، سوگند به خدا من فرزند او هستم، و ما خویشاوندان نیستیم. هر کس نمازهای پنج گانه واجب را در روز قیامت با خود بیاورد، از چیزی دیگری از او سؤال نمیشود. پس به همین بسنده نمودم. (5)

11. کنز الکراجکی: هنگامی که مأمون به خراسان رفت، امام رضا علیه السلام با او بود. درحالی که راه می رفتند مأمون به او گفت: یا ابا الحسن، من در امری فکر

1- . انعام / 85

2- . امالی صدوق : 375
3- . تفسیر عیاشی 1 : 367
4- . تفسیر عیاشی 1 : 367
5- . اعلام الوری : 268

کردم و فکرم راه راست را به من نمایان کرد. فکر کردم در امر ما و امر شما و نسبت ما و نسب شما به حضرت رسول صلی الله علیه و آله. پس فضیلت هر دو را مثل هم یافتم و متوجه شدم که اختلاف دوستان ما و دوستان شما در این باب از روی هوا و هوس و تعصب است.

امام فرمود: این کلام جوابی دارد، اگر بخواهی برای تو بگویم و اگر نخواهی از گفتن خودداری کنم؟ پس مأمون گفت: من این را نگفتم مگر برای اینکه بدانم نظر تو در این باره چیست و چه اعتقادی داری؟ پس امام به او گفت: تو را به خدا سوگند می دهم یا امیر المؤمنین، اگر خدای تعالی پیامبر خود یعنی محمد صلی الله علیه و آله را برانگیزد و از پشت تپه ای از این تپه ها بر ما بیرون بیاید و از تو دختری بخواهد، آیا دخترت را به آن حضرت می دهی؟ مأمون گفت: سبحان الله! آیا کسی هست که در این امر به رسول الله صلی الله علیه و آله میل نداشته باشد؟ پس امام به او فرمود: آیا به نظرت حلال است برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که دختر مرا بخواهد؟! پس مامون لحظهای با آرامش سکوت کرد، سپس گفت: سوگند به خدا که شما به رسول الله در قرابت و خویشاوندی نزدیکترید.

و از همان کتاب روایت شده که مستطیل ابن حصین گوید: عمر ابن خطاب از علی ابن ابی طالب علیه السلام دخترش را خواستگاری کرد. و آن حضرت عذرش را خواست که خردسال و صغیر است و فرمود: من او را آماده کردم برای برادرزاده ام جعفر. عمر گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم میفرمود: هر حسب و نسبی در روز قیامت گسیخته گردد جز حسب و نسب من، و هر مؤنثزادهای، منتسب به پدران خود باشند جز زاده های فاطمه که به راستی من پدر آنانم و عصبه آنان میباشم.

باب سی ام : فضیلت روزه

آیات:

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَةِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز مدد جویید که خدا با شکیبایان است. }

- وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ. (2)

{و مردان روزه دار و زنان روزه دار. }

روایات:

1. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که ایشان به اصحاب خود فرمودند: آیا می خواهید شما را خبر دهم به چیزی که اگر آن را به جا آورید شیطان از شما دور شود چنانکه مشرق از مغرب دور است؟ صحابه گفتند: بله یا رسول اللّه. فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند و صدقه دادن پشت او را می شکند و دوستی کردن با مؤمنان به خاطر رضای خداوند و کمک کردن به یکدیگر بر اعمال صالح، بیخ و بنیاد شیطان را قطع میکند و استغفار و توبه، شاهرگش را می بُرد و هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدنها روزه است. (3)

1- . بقره / 153
2- . احزاب / 35
3- . امالی صدوق : 37- 38

کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: اسماعیل ابن زیاد از امام صادق علیه السلام از پدرش و پدرانش همین حدیث را روایت کرده است.

مؤلف: برخی روایتها در باب فضیلت صدقه ذکر شد و در آن باب، موعظه و نصیحت ابوذر رحمة الله علیه بیان شد که گفته است: یک روز در هوای گرم برای روز قیامت روزه بگیر. (1)

2. ثواب الاعمال،(2) امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزهدار در عبادت خداست گرچه در بستر بخوابد، مادامی که از مسلمانی غیبت نکند. (3)

3. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس یک روز را برای طلب پاداش الهی روزه مستحب بگیرد، آمرزش او لازم میآید. (4)

4. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ روزهداری نیست که بر گروهی که غذا می خورند بگذرد مگر اینکه تمام اعضای او تسبیح خدا می گویند، و فرشتگان بر او درود می فرستند و درودشان طلب آمرزش برای اوست. (5)

ثواب الاعمال: همدانی از علی از پدرش این حدیث را روایت کرده است. (6)

5. ثواب الاعمال،(7)

امالی صدوق: یونس ابن ظبیان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در گرما یک روز، روزه بگیرد و تشنگی بر او غلبه کند، خداوند هزار فرشته بر او می گمارد که دست بر صورتش کشند و به او نوید دهند؛ و

1- . رجوع کنید به: صفحات پیشین این جلد 112 - 137 و حدیث ابوذر در صفحه 118 آمده است.
2- . ثواب الاعمال : 46

3- . امالی صدوق : 329
4- . امالی صدوق : 329
5- . امالی صدوق : 305
6- . ثواب الاعمال : 48
7- . ثواب الاعمال : 47

چون افطار کند، خداوند به او می گوید: چقدر بوی تو خوش است. ای فرشتگان من، گواه باشید که من او را آمرزیدم. (1)

6. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خواب شخص روزه دار عبادت و نفس کشیدن او تسبیح خداوند است. (2)

محاسن: هارون ابن صدقه از امام صادق علیه السلام از پدرشان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همین حدیث را روایت کردهاست. (3)

7. الخصال: حسین ابن سعید به امام صادق علیه السلام میرساند که فرمود: روزهدار دو شادمانی دارد: یکی هنگام افطار و دیگری هنگام ملاقات خداوند عزّ و جلّ. (4)

8. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن وصیتهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی مؤمن در دنیا سه شادی دارد: ملاقات برادران، افطار روزه، و نماز خواندن در آخر شب. (5)

9. امالی طوسی،(6) معانی الاخبار،(7) الخصال: در روایت ابوذر آمده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: روزه چیست؟ فرمود: واجبی است که پاداش داده میشود و نزد خداوند چند برابر حساب میشود. (8)

10. امالی طوسی: از جمله وصیتهای امیرالمومنین علی علیه السلام در هنگام وفاتشان این بود که فرمود: پیوسته به روزهداری بپرداز چراکه روزه، زکات بدن و سپر شخص روزهدار از آتش دوزخ است. (9)

1- . امالی صدوق : 349 - 350
2- . قرب الاسناد : 62
3- . المحاسن : 72، و مانند این حدیث در ثواب الاعمال صفحه 46 روایت شده است.
4- . الخصال 1 : 24

5- . الخصال 1 : 62
6- . امالی طوسی 2 : 153
7- . معانی الاخبار : 333
8- . الخصال 2 : 104
9- . امالی طوسی 1: 7

11. امالی طوسی: زید ابن علی از پدرانش از نقل میکند که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزهدار دو شادمانی دارد: یکی هنگام افطار و دیگری شادی روز قیامت، و بوی دهان روزهدار در نزد خداوند از بوی مشک خوشبوتر است. (1)

12. علل الشرایع: ابن خالد از امام موسی ابن جعفر علیه السلام نقل میکند که فرمود: خداوند نماز فریضه را با نماز نافله و روزه فریضه را با روزه نافله تمام و کامل گردانیده است. ادامه روایت. (2)

13: امالی صدوق: محمد ابن سلیمان از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: زمستان، بهار مؤمن است زیرا شبهای زمستان بلند است و از طول شب برای به پا خواستن (در نماز و دعا) کمک میگیرد و روزهای کوتاهش او را به گرفتن روزه مدد میرساند. (3)

معانی الاخبار: ابن ولید از محمد عطار از اشعری همین حدیث را روایت کرده است. (4)

14. الخصال: ابن عباس از پیامبر خدا نقل می کند که فرمود: خداوند می فرماید: هر کاری که فرزند آدم انجام دهد برای خود اوست، جز روزه گرفتن که برای من است و من خود پاداش آن را میدهم. روزه سپر بنده مؤمن در روز قیامت است، همان طور که در دنیا هر کس را سلاحش حفظ می کند. و بوی دهان روزه دار نزد خداوند، پاکیزه تر از بوی مشک است و روزه دار دو بار شادمان می شود: هنگامی که افطار می کند و می خورد و می آشامد و هنگامی که با من ملاقات می کند و من او را وارد بهشت می کنم. (5)

15. معانی الاخبار: انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزه سپری است، یعنی مانعی از آتش جهنم.

1- . امالی طوسی 2 : 110 - 111
2- . علل الشرایع 1 : 270
3- . امالی صدوق : 143
4- . معانی الاخبار : 228

5- . الخصال 1 : 24

دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این است که روزه عبادتی باطنی است که در آن هیچ یک از وسوسهها و فسادهای شیطان و نیز خودنماییهای انسان وجود ندارد.(1)

16. معانی الاخبار: با همین سند، انس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای شخص روزهدار دو لحظه شادمانی هست: خوشحالی هنگام افطارش، و خوشحالی روزی که خدا را ملاقات نماید.

شادمانی هنگام افطارش، یعنی مسلمان خرسند میباشد که آن روز را در دفتر حسناتش و اعمال شایسته اش ثبت کرده، نه آنکه علت خوشحالی وی غذاهایی باشد که در آن وقت، خوردنش بر او مباح گشته، و شادمانی حاصل از خوردن، بر آوردن نیاز شکم، از شرافتهایی نیست که شایستگان به آن خوشحال شوند و اما خوشحالی او به هنگام دیدار پروردگارش به جهت پاداشی است که خداوند بهره او ساخته، از فضیلت عطایی که به هیچ کس از اهل قیامت، مانند آن عطا نکرده، مگر به شخصی که نظیر عمل او را انجام داده باشد.(2)

17. معانی الاخبار: با همین سند، انس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: براستی! برای بهشت دری هست به نام «ریان»، هیچ کس از آن در وارد بهشت نمی شود، مگر روزه داران.

و سبب نامیده شدن این در به «ریان» این است که روزه دار از تشنگی زیاد، بیشتر به زحمت می افتد تا گرسنگی؛ پس روزه دار چون از این در وارد شود، سیر آبی آنچنانی به او دست می دهد که دیگر بعد از آن هرگز احساس تشنگی نکند. (3)

18. معانی الاخبار: با همین سند، انس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک روز را روزه مستحبی بگیرد، اگر زمین پر از طلا گشته و به او بخشیده شود، مزدش به تمامی داده نشده است جز روز حساب. یعنی برای پاداش روزه، اندازه معینی در نظر گرفته نشده، چنان که پاداش یک حسنه به ده برابر مانند آن معین شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل فرمود:

1- . معانى الاخبار : 408
2- . معانى الاخبار : 409
3- . معانى الاخبار : 409

در برابر هر یک از کردار فرزند آدم، ده چندان آن است تا هفتصد برابر، مگر صبر، زیرا آن به خاطر من می باشد و خود پاداش آن را خواهم داد، بنابراین پاداش صبر در خزانه علم خدا نگهداری شده است، و منظور از صبر، روزه می باشد. (1)

19. ثواب الاعمال: اسماعیل ابن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: زنهار که دور باشید از تنبلی، همانا پروردگار شما مهربان است و اندک عملی را جزا می دهد. شخص به صورت داوطلبانه دو رکعت نماز به قصد رضای الهی میگذارد، خداوند به سبب این دو رکعت نماز او را داخل بهشت می کند و او داوطلبانه به خاطر رضای الهی یک درم صدقه میدهد، خداوند به سبب آن او را داخل بهشت می کند و او داوطلبانه برای رضای خدا یک روز روزه می گیرد، خداوند او را به بهشت می برد.(2)

20. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: خواب شخص روزه دار عبادت و نفس کشیدنش تسبیح پروردگار است. (3)

21. ثواب الاعمال: حسین ابن احمد از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: خواب روزه دار عبادت، سکوت او تسبیح گویی و اعمال او پذیرفته شده و دعایش برآورده شده است. (4)

22. ثواب الاعمال: عبدالله ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: بوی دهان روزه دار در پیشگاه خداوند برتر از بوی مشک است. (5)

23. ثواب الاعمال: امام صادق از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس روزی را روزه مستحب بگیرد، خداوند عزّ و جلّ او را وارد بهشت میکند.(6)

1- . معانی الاخبار : 409
2- . ثواب الاعمال : 36
3- . ثواب الاعمال : 46

4- . ثواب الاعمال : 46
5- . ثواب الاعمال : 47
6- . ثواب الاعمال : 47

24. ثواب الاعمال: جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر کس با روزه ای مستحب زندگی را به پایان برد و جان بسپارد، به بهشت درآید.(1)

25. ثواب الاعمال: ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس یک روز را در راه خدا روزه بگیرد، مانند آن است که یک سال روزه گرفته است. (2)

26. محاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند فرشتگانی را مامور کرده است که برای روزهداران دعا کنند.

و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل از طرف پروردگارم به من خبر داد که میفرماید: فرشتگانم را به دعا برای کسی مامور نساختهام مگر آنکه دعایشان را درباره او به اجابت رساندهام. (3)

27. محاسن: از امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر چیزی زکات دارد و زکات بدنها روزه است.(4)

28. مصباح الشریعة: روزه گرفتن سپری است از آفات و گرفتاریهای دنیا و مانعی است از عذاب آخرت. و چون روزه می گیری، پس نیت تو از روزه، نگهداری نفس خود باشد از شهوات نفسانی، و قطع کردن و دوری از گام های شیطان. و خود را مانند افرادی که مریض بوده و اشتها به آب و غذا ندارند، فرض کرده، و از شهوات امساک کامل داشته باش و در هر لحظه منتظر شفا یافتن از بیماریهای معاصی باش. و قلب خود را از هر گونه کدورت و غفلت و ظلمتی که از حقیقت اخلاص و قصد قرب به خدا مانع می شود پاک کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خداوند متعال فرموده است: روزه برای من است و من خود جزای آن را می دهم. و روزه خواستهای نفسانی و شهوات طبع حیوانی را از بین میبرد. روزه آئینه دل را صفا می دهد و اعضاء و جوارح را پاک می سازد، و ظاهر و باطن را آباد می کند، و انسان را در مقابل

1- . ثواب الاعمال : 48
2- . ثواب الاعمال : 47
3- . المحاسن : 72
4- . المحاسن : 72

نعمت های پروردگار متعال سپاسگزار قرار می دهد، و موجبات دستگیری از نیازمندان و احسان بر فقراء را فراهم می کند، و حالت خضوع و خشوع قلب و گریه و تضرع را ایجاد می نماید، و وسیله توجه و پناه به سوی خداوند مهربان است، و اهتمام انسان را از غیر راه حق مصروف می دارد، و سبب می شود که بر حسنات و اعمال خیر انسان افزوده شده و از گناهان انسان کاسته شود. و در روزه گرفتن فوائد بیشمار است، و همین که اشاره شد، برای اشخاص خردمند که توفیق عمل به این عبادت مهم را پیدا کرده اند، کفایت خواهد کرد. (1)

29. تفسیر عیاشی: از عبد الله ابن طلحه، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان در باره کلام خداوند متعال: «وَاسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»،(2) {از شکیبایی و نماز مدد جویید.} فرمود: صبر، همان روزه است. (3)

30. تفسیر عیاشی: از سلیمان فرّاء از امام رضا علیه السلام روایت شده است که ایشان در باره کلام خداوند متعال: «وَاسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، (4) {از شکیبایی و نماز مدد جویید.} فرمود: صبر، همان روزه است؛ هر گاه مرد به سختی یا پیشامدی ناگوار دچار شود، روزه بگیرد. همانا خداوند عز و جل می فرماید: «وَاسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» و صبر، همان روزه است. (5)

31. مکارم الاخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرموده است: روزه برای من است و من خود جزای آن را میدهم.

32. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند فرشتگانی را مامور کرده است که برای روزهداران دعا کنند.

1- . مصباح الشریعة : 15 - 16
2- . بقره / 45
3- . تفسیر عیاشی 1 : 43
4- . بقره / 45

5- . تفسیر عیاشی 1 : 43

با همین سند روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدنها روزه است. (1)

با همین سند از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، چه چیزی ما را از شیطان دور میکند؟ فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند و صدقه پشت او را می شکند و دوستی کردن به خاطر رضای خداوند متعال و مراقبت بر انجام عمل صالح، بیخ و بنیاد شیطان را قطع میکند و استغفار و توبه، شاهرگش را می بُرد.(2)

33. دعوات راوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام فرموده است: دعای شخص روزهدار در هنگام افطار اجابت میشود.

و فرمود: هر روزهداری دعوتی (اجابت شدهای) دارد.

و فرمود: خواب روزهدار عبادت و سکوت او تسبیح گویی و پاداش عمل او دوچندان است.

و فرمود: برای روزهدار در هنگام افطار دعایی است که برگردانده نمیشود.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزه بگیرید تا سلامت و تندرست باشید.

و امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه انسان روزه بگیرد چشمانش زائل میشود و مکان آنها باقی میماند و چون افطار کند به مکان خویش باز میگردند.

34. نهج البلاغه: امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه است. (3)

35. مجالس الشیخ: علی ابن عبدالعزیز گوید: امام صادق علیه السلام به من گفت: می خواهی تو را از اصل اسلام و فرع اسلام و اوج آن آگاه کنم؟ عرض کردم: آری، فرمود: اصل آن نماز، فرعش زکات و اوج آن جهاد در راه خداست. آیا تو را از دروازه های خیر مطلع سازم؟ روزه سپری است در مقابل آتش جهنم.

1- . نوادر رواندی : 4
2- . نوادر راوندی : 19
3- . نهج البلاغة : حکمت 136

و از همان کتاب از فضیل ابن یسار از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند عزّ و جلّ فرمود: روزه برای من است و من جزای آن را خواهم داد. (1)

36. عدۀ الداعی: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دعای روزهدار برگردانده نمیشود.

37. اعلام الدین: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: براستی! برای بهشت دری هست به نام «ریان»، هیچ کس از آن در وارد بهشت نمی شود مگر روزه داران، پس هرگاه آخرین روزهدار وارد شد، آن در بسته میشود.

38. کتاب الغایات: امام صادق علیه السلام فرمود: برترین جهاد روزه گرفتن در گرما است.

39. کتاب فضائل الاشهر الثلاثۀ: یونس ابن ظبیان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، چه چیز ابلیس را از ما دور میکند. فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند و صدقه دادن پشت شیطان را می شکند و دوستی کردن به خاطر رضای خداوند و اعانت یکدیگر بر اعمال صالح، بیخ و بنیاد شیطان را قطع میکند و استغفار و توبه شاهرگش را می بُرد.

و از همان کتاب از جعفر ابن محمد از پدرانش از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار کسند که دعای آنها برگشت ندارد و درهای آسمان باز شوند و به عرش برسد: دعای پدر برای فرزند خود، دعای مظلوم به کسی که به او ستم کرده است، عمره کننده تا به وطن بازگردد و روزهدار تا وقتی که افطار کند.

و از همان کتاب از مفضل ابن عمر از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: اسلام بر پنج چیز نهاده شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت امیرالمومنین و امامان از فرزندان وی، درود خداوند بر آنان باد.

1- . در منبع چاپی یافت نشد.

و از همان کتاب از عبدالغفار جازی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس بر کاری ناحق باشد که از آن توبه نکرده است و در ماه شعبان و ماه رمضان بخشیده نشود، پیوسته تا رمضان سال آینده بر آن گناه باقی خواهد ماند.

40. کتاب امامت و تبصره: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزه در زمستان، غنیمتی سرد (راحت) است.

و با این سند فرمود: روزه در گرما، جهاد است.

و جعفر ابن محمد از پدرش از پدرانش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: غنیمت سرد، روزه در زمستان است.

41. دعائم الاسلام از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: سه چیز از روح خداوند است: شب زنده داری برای اقامه نماز، دیدار با برادران دینی، و روزه گرفتن.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدنها روزه گرفتن است.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: هفت چیز از مقدمات ایمان است؛ پس بدانها تمسک بجوئید: گواهی بر اینکه هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست، و محبت اهل بیت پیامبر خدا به صورت حقیقی و از اعماق قلب، نه همراه بودن ظاهری و جدایی دلها، و جهاد در راه خدا، و روزه در هوای گرم، و شاداب وضو گرفتن در سرما، و مراقبت بر نماز و حج بیت الحرام. (1)

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اسامهٔ ابن زید را سفارش کرد و فرمود: ای اسامه، راه بهشت را دنبال کن و زنهار که از آن دوری نکنی. اسامه گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، آسانترین مسیری که این راه را میپیماید کدام است؟ فرمود: تشنگی در روزهای بسیار گرم و بازداشتن نفس از لذتهای دنیا.

1- . دعائم الاسلام 1 : 269

ای اسامه، روزه بگیر چراکه روزه سپری در مقابل آتش است، و اگر توانستی که مرگ به سراغت بیاید و شکمت گرسنه باشد، این کار را بکن. ای اسامه، روزه بگیر چراکه روزه مایه نزدیکی به خداوند میشود. و تمام حدیث را ذکر کرد.

و از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: ابوذر نزد کعبه ایستاد و گفت: من جندب ابن سکن غفاری، دلسوز و خیرخواه شما هستم، بشتابید! پس مردمان بر دور او جمع شدند. او گفت: اگر یکی از شما اراده کند به سفری رود، هر آینه آن مقدار توشه برای آن سفر بر می دارد که به کار او بیاید و از برداشتن آن ناگزیر است. پس، راه روز قیامت سزاوارتر است که برای آن توشه برگیرید. شخصی برخاست و گفت: ما را به توشه آن سفر راهنمایی کن. ابوذر گفت: حجی به جا آور برای سختیهای بزرگی (که در پیش داری) و یک روز در هوای گرم روزه بگیر برای فریادرسی روز قیامت و در تاریکی شب دو رکعت نماز بخوان برای تنهایی و وحشت قبر. کلمه حقی بگو، و از گفتن کلمه شرّ خودداری کن، یا به بینوایی صدقهای بده تا در روز سخت (قیامت) نجات یابی. دنیا را دو کلمه قرار بده، کلمهای در طلب حلال و کلمهای در طلب آخرت و به کلمهای که زیانبار است و سودی ندارد بنگر و آن را رها کن و اموال را دو درهم قرار بده: درهمی که برای آخرتت پیش فرستی و درهمی که آن را هر روز به عنوان صدقه برای عیال خود خرج کنی.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: خواب روزهدار عبادت و نفس کشیدن او تسبیح گویی است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: خداوند عزّ و جلّ میفرماید: روزه برای من است و من پاداش آن را میدهم، و روزه دار دو شادمانی دارد: یکی هنگام افطار و دیگری هنگام ملاقات خداوند عزّ و جلّ. و سوگند به خدایی که جان محمد در دست اوست، همانا بوی دهان روزهدار در نزد خداوند از بوی مشک خوشبوتر است.

و از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: افطار روزهدار، دیدار با برادران دینی و شب زنده داری از روح خداوند است. (1)

1- . دعائم الاسلام 1 : 270 - 271

42. المحاسن: على ابن عبدالعزيز گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: می خواهی تو را از اصل اسلام و فرع آن و اوجش آگاه كنم؟ عرض كردم: آری قربانت گردم. فرمود: اصل آن نماز، فرعش زكات و اوج آن جهاد در راه خداست. آيا تو را از دروازه های خير مطلع سازم؟ روزه سپری است در مقابل آتش جهنم و صدقه گناهان را از بين ميبرد و قيام شخص در دل شب كه با خدای خود مناجات ميكند. سپس اين آيه را قرائت كرد: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ»،(1) {پهلوهايشان از خوابگاهها جدا می گردد. } (2)

1- . سجده / 16
2- . المحاسن : 289

آیات:

- وَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةً فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ. (1)

{و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است، باید به خانواده وی خونبها پرداخت نماید و بنده مؤمنی را آزاد کند. و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیاپی - به عنوان توبه ای از جانب خدا - روزه بدارد.}

روایات:

1. تفسیر قمی: زهری گوید: امام زین العابدین علیه السلام به من فرمود: ای زهری از کجا آمدی؟ عرض کردم: از مسجد. فرمود: در باره چه گفتگو داشتید؟ عرض کردم: در باره روزه گفتگو کردیم و رأی من و یارانم همگی بر این شد که به جز روزه ماه رمضان روزه واجبی نیست. فرمود: ای زهری، چنین نیست که شما گفتید. روزه بر چهل قسم است، ده قسم از آن واجب است همچون وجوب روزه ماه رمضان و چهارده قسم از آن، صاحبش اختیار دارد، اگر خواست روزه می گیرد و اگر خواست افطار می کند و ده قسم از آنها روزه گرفتنش حرام است. روزه اذن بر سه قسم است: روزه تأدیب و روزه اباحه و روزه سفر و بیماری.

1- . نساء / 92

عرض کردم: فدایت شوم، اینها را برای من تفسیر کنید. فرمود: اما واجب، روزه ماه رمضان است و روزه دو ماه پی در پی برای کسی که یک روز از ماه رمضان را عمداً افطار کرده باشد و روزه دو ماه پی در پی واجب است، در مورد کسی که از روی خطا قتلی کند و بنده ای را نیابد تا آزاد کند که خدای عز و جل میفرماید: «وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَئًا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ»،(1) {و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خونبها پرداخت کند.} تا آنجا که میفرماید: «فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ»،(2) {و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیاپی - به عنوان توبه ای از جانب خدا - روزه بدارد.} و دو ماه روزه پی در پی در کفاره ظهار واجب است به کسی که نتواند بندهای را آزاد کند. خدای تبارک و تعالی میفرماید: «فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا»،(3) {و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد.} و روزه سه روز در کفاره قسم واجب است برای کسی که نتواند اطعام کند. خدای تبارک و تعالی میفرماید: «فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ»،(4) {و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید} همه این روزه ها پی در پی است نه پراکنده.

و روزه سر تراشیدن در حال احرام واجب است که برای رفع آزار تراشیده باشد خدای تبارک و تعالی میفرماید: «فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضاً أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»،(5)

{و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی ای داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] به کفّاره [آن، باید] روزه ای بدارد، یا صدقه ای دهد، یا قربانی بکند.} و صاحبش (در برگزیدن یکی از این سه) اختیار دارد و اگر روزه بگیرد، سه روز روزه میگیرد. و روزه بهجای

1- . نساء / 92
2- . نساء / 92
3- . مجادله / 4
4- . مائده / 89
5- . بقره / 196

قربانی حج تمتع واجب است برای کسی که قربانی نیابد. خدای تبارک و تعالی میفرماید: «فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلاثَهِ أَيَّامٍ فِى الْحَجِّ وَسَبْعَهٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَهٌ كَامِلَهٌ»،(1) {پس هر کس از [اعمال] عمره به حجّ پرداخت، [باید] آنچه از قربانی میسّر است [قربانی کند]، و آن کس که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حجّ، سه روز روزه [بدارد] و چون برگشتید، هفت [روز دیگر روزه بدارید] این ده [روز] تمام است.} و روزه کفاره شکار کردن در حال احرام واجب است. خدای تبارک و تعالی میفرماید: «وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاء مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَهِ أَوْ كَفَّارَهٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوِ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا»،(2) {و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفّاره ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد. یا به کفّاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد.}

سپس فرمود: میدانی برابر آن روزه داشتن چگونه است؟ عرض کردم: نمیدانم فرمود: شکار را قیمت میکنند. سپس بهای آن را به گندم میدهند، سپس آن گندم را پیمانه میکنند که چند صاع است؛ برای هر نیم صاع یک روز روزه می گیرند، روزه نذر و روزه اعتکاف نیز واجب است.

و اما روزه حرام، روزه روز فطر و روز قربان و سه روز از روزهای تشریق. روزه روزی که مشکوک است: به روزه یوم الشک هم مأموریم و هم از روزه آن نهی شده ایم. مأموریم به این معنی که آن روز را با شعبان روزه بداریم و نهی شده ایم بدین معنی که نباید کسی در روزی که مردم در آن شک دارند، به تنهایی روزه بدارد. عرض کردم: فدایت شوم، اگر از شعبان هیچ روزه نگرفته باشد چه کند؟ فرمود: آن شبی را که مشکوک است نیت روزه شعبان می کند و اگر در واقع از ماه رمضان باشد او را کافی است و اگر از شعبان باشد او را زیانی ندارد. عرض کردم: روزه مستحبی چگونه از روزه واجب کفایت می کند؟ فرمود: اگر کسی ماه رمضان را روزه بدارد و

1- . بقره / 196
2- . مائده / 95

نداند که ماه رمضان است و پس از روزه معلوم شود که ماه رمضان بوده، کفایت میکند زیرا که روز معینی را که واجب بوده روزه گرفته است.

و روزه وصال حرام است و روزه سکوت حرام است و روزه نذر در معصیت حرام است و روزه عمرانه - صوم الدهر - حرام است.

و اما روزه ای که صاحبش اختیار دارد: روزه روز جمعه و پنج شنبه و دوشنبه است و روزه ایام البیض و روزه شش روز شوال پس از ماه رمضان و روزه روز عرفه و روز عاشورا است که در همه این موارد شخص اختیار دارد، اگر خواست روزه میگیرد و اگر خواست افطار می کند.

و اما روزه اذن، برای زن روزه مستحبی جایز نیست مگر با اجازه شوهرش و برای بنده روزه مستحبی جایز نیست مگر با اجازه آقایش و برای مهمان روزه مستحبی جایز نیست مگر با اجازه میزبانش. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که بر قومی مهمان شد نباید روزه مستحبی بگیرد مگر با اجازه آنان.

و اما روزه تأدیب: بچه که به سن بلوغ نزدیک شد، برای آراسته شدن به آداب دین به روزه گرفتن وادار می شود ولی واجب نیست و همچنین کسی که اول روز به جهت بیماری افطار کند و بعد از افطار نیروی روزه گرفتن داشته باشد، موظف است که از روی آراستگی به آداب دینی، باقی مانده روز را امساک کند ولی واجب نیست و همچنین مسافری که اول روز روزه را خورده باشد سپس به خانواده خود برسد، باقی مانده آن روز را به همین منظور مأمور به امساک است ولی واجب نیست.

و اما روزه اباحه آن است که کسی از روی فراموشی بخورد یا بیاشامد یا بدون عمد قی کند. خداوند این کار را برای او مباح کرده و روزه اش کافی است.

و اما روزه سفر و بیماری، عامه در این باره اختلاف کرده اند. جمعی گفتهاند باید روزه بگیرد و جمعی گفتهاند نباید روزه بگیرد و جمعی گفتهاند اگر خواست روزه میگیرد و اگر خواست افطار می کند. ما می گوییم در هر دو حال افطار می کند؛ پس اگر در سفر در حال بیماری روزه داشت، قضای آن روزه بر او واجب است زیرا خدای عز و جل می فرماید: «فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ

أُخَرَ»،(1) {[ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].} (2)

الخصال: پدرم از سعد از اصفهانی این حدیث را روایت کرده است. (3)

فقه الرضا: و بدان که روزه بر چهل قسم است تا آخر حدیث.

الهدایة: از زهری همین حدیث روایت شده است.

2. الخصال: عقبه ابن بشیر ازدی گوید: روز دوشنبه نزد امام باقر علیه السلام رفتم، به من فرمود: بخور، گفتم: من روزه هستم. فرمود: چگونه روزه گرفتی؟ گفتم: چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز به دنیا آمده است. فرمود: شما روزی را که پیامبر در آن متولد شده است نمی دانید، اما روز وفات او را می دانید. سپس فرمود: در آن روز روزه نگیر و مسافرت هم نکن. (4)

3. الخصال: جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: روزه مستحبی برای زن جایز نیست مگر با اجازه شوهرش.(5)

4. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس از شیر بریدن، پیوند رضاعی در کار نیست. در روزه، پیوست به هم نباشد. پس از احتلام (بلوغ) یتیمی نیست. یک روز سکوت تا شب روا نیست. پس از هجرت تعرب نباشد. پس از فتح مکه هجرت نباشد. پیش از ازدواج طلاق نیست. پیش از مالک شدن، آزاد کردن نیست. نه بی اذن پدر قسم فرزند درست است و نه بی اذن مولا قسم مملوک و نه بی اذن شوهر قسم زن. در معصیت، نذر جایز نیست و در قطع پیوند خویشاوندی، سوگند نباشد. (6)

امالی طوسی: عضائری از صدوق این حدیث را روایت کرده است.

1- . بقره / 184
2- . تفسیر قمی : 172 - 174
3- . الخصال 2 : 109 - 110
4- . الخصال 2 : 26

5- . الخصال 2 : 142
6- . امالی صدوق : 227

5. معانی الاخبار: جعفر ابن محمد از پدر بزگوارش علیهما السلام روایت میکند که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدیل ابن ورقاء خزاعی را سوار بر شتر خاکستری رنگی فرستاد و به او مأموریت داد تا در ایام منی، در میان مردم فریاد زند که: این ایام را روزه نگیرند، زیرا این روزها، روز خوردن و آشامیدن و بعال است، و «بعال» زناشویی، و شوخی کردن مرد با همسرش می باشد. (1)

6. امالی صدوق: در اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی فرمود آمده است که ایشان از روزه گرفتن در شش روز نهی فرموده است: روز عید فطر، روز شک، روز عید قربان و ایام تشریق. (2)

7. قرب الاسناد: حماد ابن عیسی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: پدرم فرمود: علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدیل بن ورقاء خزاعی را سوار بر شتر خاکستری رنگی فرستاد و به او مأموریت داد تا در ایام منی، در میان مردم فریاد زند که: این ایام را روزه نگیرند، زیرا آن روزها، روز خوردن و آشامیدن و بعال است. (3)

8. اربعین شهید: با همین سند از صدوق از جعفر ابن حسین از محمد ابن عبدالله حمیری از پدرش از محمد ابن عیسی اشعری از حماد همین حدیث روایت شده است.

سپس فرمود: و بدان که این نهی کردن، به شخصی که مناسک حج را انجام میدهد اختصاص دارد نه به همه کسانی که در منی حضور دارند.

9. علل الشرایع: محمد ابن عبد الله کوفی از مردی که ذکرش نموده، روایت کرده که گفت: شنیدم از امام باقر علیه السلام که از پدر بزرگوارش علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که فرمودند: وقتی کسی به شهری وارد شد، بر اهالی آن شهر که هم دین او هستند مهمان است تا از آنجا خارج شود و شایسته نیست که مهمان بدون اذن میزبان روزه بگیرد چه آنکه ممکن است آنها برای وی طعامی درست کرده باشند که به واسطه تناول نکردن میهمان آن طعام فاسد شود

1- . معانى الاخبار : 300
2- . امالى صدوق : 255
3- . قرب الاسناد : 15

و سزاوار نیست که میزبان بدون اذن مهمان روزه بگیرد زیرا مهمان از آنها حیاء و شرم کرده، بسا طعامی را که میل دارد، به خاطر روزه دار بودن ایشان تناول نمی کند.(1)

10. علل الشرایع: محمد ابن عبد الله کرخی از مردی که ذکر نموده: وی گفت خبردار شدم که برخی از اهل مدینه حدیثی را از امام باقر علیه السلام روایت کردند. نزد راوی رفتم، پس سراغ آن حدیث را از وی گرفتم. او مرا از آن بازداشت و ناامیدم نمود و قسم های غلیظ و سختی خورد که برای احدی نخواهد گفت. به او گفتم: آیا این حدیث را دیگری نیز با تو از امام علیه السلام شنیده است؟ گفت: آری، مردی به نام فضل آن را شنیده. من به قصد او به طرف منزلش حرکت کرده اذن گرفته و داخل شدم و از وی راجع به حدیث مزبور پرسیدم، او نیز مرا از آن بازداشت و ناامیدم کرد و با من همان رفتار را نمود که مرد مدنی کرده بود، پس ماجرای سفر خود را به او گفته و از آنچه مرد مدنی کرده بود خبرش دادم. دلش به حالم به رحم آمد و گفت: باشد.

از امام باقر علیه السلام شنیدم که از پدر بزرگوارش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نمود که آن سرور فرمودند: هنگامی که شخص به شهری وارد می شود، تا زمانی که از آنجا بیرون رود، مهمان هم کیشان خود می باشد و آنها میزبانش هستند و بر مهمان سزاوار نیست روزه بگیرد مگر با اذن میزبانانش، تا طعامی برایش تهیه نبینند و به واسطه مصرف نشدنش فاسد گردد. همچنان که شایسته نیست میزبانان بدون اذن مهمان روزه بگیرند تا او حیا نکند و به خاطر موقعیتی که میزبانان دارند، از طعامی که میل دارد، چشم بپوشد.

سپس به من گفت: منزلت کجاست؟ پس به او خبر دادم. وقت صبح به نزدم آمد و خادمی که بر سرش طبقی گذارده و انواع طعامها در آن بود وی را همراهی می کرد. به او گفتم: رحمت خدا بر تو، این چیست؟ گفت: سبحان الله!! مگر دیروز از امام باقر علیه السلام حدیث مزبور را نقل نکردم، این را گفت و مراجعت نمود. (2)

1- . علل الشرایع 2 : 71
2- . علل الشرایع 2 : 72

11. علل الشرایع: هشام ابن حکم از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: از فهم و دانش مهمان است که بدون اذن میزبانش روزه مستحبی نگیرد، و از طاعت زن از شوهرش این است که بدون اجازه و امر شوهرش روزه مستحبی نگیرد، و از صلاح و صحت و خیر خواهی عبد نسبت به آقایش این است که بدون اذن مولا و فرمان او روزه نگیرد، و از احسان فرزند به پدر و مادرش این است که بدون اذن ایشان روزه و حج و نماز مستحبی انجام ندهد و در غیر این صورت، مهمان جاهل و زن گنهکار و عبد فاسد و طاغی و ناخالص و فرزند عاق و قاطع رحم قلمداد می شوند.

صدوق گفته است: خبر مذکور به همین نحو که نقل شد روایت گردیده ولی در ترک حج، چه مستحبی و چه واجب و نیز در ترک نماز و رها کردن روزه، چه مستحبی و چه واجب و همچنین در ترک طاعات و عبادات دیگر، اطاعت والدین واجب نیست. (1)

12. صحیفه امام رضا: امام رضا علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: هر کس روز جمعه را با شکیبایی و تحمل سختی روزه بگیرد، پاداش ده روز نورانی و روشن که هیچ شباهتی به روزهای دنیا ندارد، به او داده میشود. (2)

13. الخرائج: اسحاق ابن عبدالله علوی عریضی روایت کرده است و گوید: پدرم و عموهایم در چهار روزی که طول سال مستحب است روزه گرفته شود اختلاف کردند، برای روشن شدن مسئله سوار شدند و نزد امام هادی علیه السلام که قبل از رفتن به سامرا در آبادی صریا بود، رفتند. امام به آنان فرمود: آمدید تا از روزهایی که در طول سال روزه گرفته می شود بپرسید؟ گفتند: آری برای امری جز این نیامدیم. پس فرمود: روز هفدهم ماه ربیع الاول که روز ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله است و روز بیست و هفتم رجب که روز بعثت پیامبر است و روز بیست و

1- . علل الشرایع 2 : 72
2- . صحیفه امام رضا : 12 و مانند آن در عیون الاخبار 2 : 36 - 37 آمده است.

پنجم ذی قعده، روزی که زمین از زیر کعبه گسترده شد و روز هجدهم ذیحجه که روز غدیر است. (1)

14. سرائر: زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: بین دو روزه، قران نیست. (بین دو روزه باید فاصله انداخت).(2)

15. غیبهٔ النعمانی: اصم از کرام نقل میکند که گوید: من با خود سوگند یاد کرده بودم که هرگز در روز غذایی نخورم و روزه بگیرم تا آنگاه که قائم آل محمد قیام کند. روزی نزد امام صادق علیه السلام رفتم و به او عرض کردم: مردی از شیعیان تو برای خدا بر خویشتن واجب ساخته که هرگز در روز غذایی نخورد و روزه گیرد تا زمانی که قائم آل محمد قیام کند. فرمود: ای کرام! روزه بدار ولی در عید قربان و عید فطر و سه روز تشریق و هنگامی که در سفر به سر می بری، از روزه داشتن خودداری کن. (3)

16. نوادر روانديی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش نقل میکند که علی علیه السلام فرمود: کسی که روزه مستحبی گرفته، میتواند روزه خود را افطار کند.

و با همین سند فرمود: علی علیه السلام فرمود: روزه وصال (روزه را بدون افطاری و سحری به هم وصل نمودن) و روزه سکوت، در اسلام وجود ندارد. (4)

و با همین سند فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سکوت از صبح تا شب، و روزه وصال در اسلام نیست. (5)

و با همین سند فرمود: از علی علیه السلام در باره مردی سؤال شد که به زن خود گفته بود: اگر روز عید قربان (که روزه آن حرام است) روزه نگیرم، تو طلاق داده شده هستی! آن حضرت فرمود: آن مرد اگر روزه بگیرد، اشتباه کرده و بر خلاف

1- . در کتاب مختار الخرائج چاپ شده ذکر نشده است.
2- . سرائر : 472
3- . غیبهٔ النعمانی : 46

4- . نوادر راوندی : 37
5- . نوادر راوندی: 51

سنت عمل نموده، و خداوند متولی مجازات و آمرزش اوست، طلاق زن هم واقع نشده، و سزاوار است امام علیه السلام هم آن مرد را تنبیه کند. (1)

17. مجالس شیخ: ابوغندر از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که از ایشان در باره روزه روز عرفه پرسیدم. فرمود: روز عرفه عیدی از اعیاد مسلمانان است و روز دعا کردن و درخواست کردن از خداوند است. گفتم: پس روز عاشورا چه؟ فرمود: آن روزی است که امام حسین علیه السلام کشته شد؛ پس اگر شماتتگر هستی روزه بگیر!

سپس فرمود: همانا خاندان امویان که لعنت خداوند بر آنها و آن دسته از اهالی شام که آنان را در کشتن حسین علیه السلام یاری رساندند باد، نذر کردند اگر حسین علیه السلام کشته شود و کسانی که به جنگ با او رفتند سالم بمانند و خلافت به خاندان ابوسفیان برسد، آن روز را برای خود عید قرار دهند و به پاس سپاسگزاری روزه بگیرند و فرزندانشان را شادمان کنند. پس این روز در خاندان ابوسفیان تا به امروز در میان مردم به سنتی مبدل گشت و همه مردم به آنان اقتدا کردند و از این جهت آن روز را روزه میگیرند و موجبات شادمانی و خوشحالی را در میان زنان و خانوادههایشان فراهم میآورند.

سپس فرمود: همانا روزه برای مصیبت نیست و روزه نیست مگر برای شکرگزاری از سلامتی و تندرستی. و همانا حسین علیه السلام مصیبت دید؛ پس اگر تو از کسانی هستی که مصیبتزده هستی، روزه نگیر! و اگر شماتتگر و از جمله کسانی هستی که به سلامتی بنی امیه تبریک میگویی، برای سپاس خداوند روزه بگیر. (2)

و از همان کتاب از معمر ابن یحیی روایت شده که از امام باقر شنیده است که میفرمود: خداوند از هیچ بنده ای، نمازی را پس از به جا آوردن نماز واجب و صدقه ای را پس از دادن زکات و روزه ای را پس از گرفتن روزه ماه رمضان، نمی خواهد و در باره آن از او نمی پرسد.

1- . نوادر راوندی: 47
2- . امالی طوسی 2 : 279

18. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیهالسلام روایت شده که فرمود: روز عاشورا کشتی بر جودی نشست. نوح علیه السلام به انسانها و جنیانی که با او بودند دستور داد آن روز را روزه بگیرند. آن روزی است که خداوند توبه آدم علیه السلام را قبول کرد و روزی است که قائم ما اهل بیت (عج) قیام میکند. (1)

19. دعائم الاسلام: از علی علیه السلام روایت شده که مردی نزد او شکایت آورد که همسرش بسیار روزه میگیرد، پس خویشتن را از او دریغ میدارد. فرمودند: هیچ روزهای بر او نیست مگر با اجازه تو، جز در روزههای واجب که باید آن را روزه بگیرد. (2)

20. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: در روز عید فطر و روز عید قربان و سه روز بعد از آن که ایام تشریق است، روزه گرفته نمیشود. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این ایام، روزهای خوردن و آشامیدن و بعال است.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که ایشان از روزه همیشگی و پیوسته و از روزه وصال بیزار بود. روزه وصال این است که شخصی دو روز یا بیشتر را در روزه به هم برساند و شبهنگام افطار نکند. (3)

1- . دعائم الاسلام 1 : 284
2- . دعائم الاسلام 1 : 285
3- . دعائم الاسلام 1 : 285

آیات:

- أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَآئِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُواْ مَا كَتَبَ اللّهُ لَكُمْ وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلاَ تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللّهِ فَلاَ تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. (1)

{همبستری با زنانتان در شب ماه روزه بر شما حلال شد. آنها پوشش شمایند و شما پوشش آنهایید. خدا می دانست که شما به خویشتن خیانت می ورزید، پس توبه شما را بپذیرفت و شما را عفو کرد. اکنون با آنها همبستر شوید و آنچه را که خدا بر شما مقرر گردانیده است انجام دهید، و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود. و روزه را به شب برسانید. و چون در مسجد اعتکاف کنید، با زنان همبستر مشوید. اینها حدود فرمان خداست، بدان نزدیک مشوید. خدا آیات خود را این چنین بیان می کند، باشد که به پرهیزگاری برسند.}

روایات:

1. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: هر که صبح کند و در نیت نداشته باشد که روزه بگیرد سپس بخواهد روزه مستحب بگیرد، این کار برایش مقدور است تا زوال خورشید. فرمود: و همینگونه است اگر صبح کند و روزه مستحبی بگیرد میتواند افطار کند تا زوال خورشید. (2)

1- . بقره / 187
2- . دعائم الاسلام : 1 : 285

2. تفسیر عیاشی: سماعه از امام صادق علیه السلام روایت میکند که پیرامون تفسیر آیه: «أُحِلَّ لَكُمْ لَيلَةَ الصِّيامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَآئِكُمْ» فرمود: این آیه در شأن خَوّات ابن جُبیر انصاری نازل شده است. ماجرا از این قرار است که وی با زبان روزه به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در خندق بود و بدون آن که افطار کند، روز را به شب رساند و پیش از نزول این آیه، این چنین بود که اگر کسی از آنان می خوابید، خوردن و آشامیدن بر او حرام می شد. پس خَوّات پس از آن که روز را به شب رسانید، به سوی خانواده خود آمد و گفت: آیا غذایی نزد شما هست؟ آنها پاسخ دادند: خیر، نخواب تا غذایی را برایت آماده کنیم. وی تکیه داد و خوابش برد. خانواده او به او گفتند: آیا تو خوابیده بودی؟ او پاسخ داد: آری. او بدون آن که افطار کند، شب را به صبح رسانید و صبح هنگام به سوی خندق رفت و کم کم داشت از هوش می رفت. رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار او عبور کرد و چون او را با این حال دید، وی رسول الله صلی الله علیه و آله را از این که چه بر او گذشته، آگاه ساخت و خداوند آیه: «وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يتَبَينَ لَكُمُ الْخَيطُ الأَبْيضُ مِنَ الْخَيطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»،(1) {و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود.} را نازل کرد. (2)

3. تفسیر عیاشی: سعد از یکی از اصحاب خود روایت می کند که از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام پرسیدند: حکم مردی که به هنگام سحر در طلوع فجر شک می کند، چیست؟ حضرت پاسخ داد: اشکالی ندارد چون خداوند می فرماید: «وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يتَبَينَ لَكُمُ الْخَيطُ الأَبْيضُ مِنَ الْخَيطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» و او باید در ماه رمضان، احتیاط کند (زودتر بیدار شود) و پیش از زمان شک، سحری بخورد. (3)

4. تفسیر عیاشی: ابو بصیر نقل می کند: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دو مرد در سحرگاه ماه رمضان برخاسته و یکی از آن دو گفت: این، فجر است و دیگری گفت: چیزی نمی بینم، حکم آن دو چیست؟ حضرت پاسخ داد: آن کس که یقین نکرده که آن، هنگام فجر است می تواند غذا بخورد ولی خوردن غذا بر آن که

1- . بقره / 187
2- . تفسیر عیاشی 1 : 83

3- . تفسیر عیاشی 1 : 83

می گوید هنگام فجر می باشد، حرام شده است. چرا که خداوند می فرماید: «وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَينَ لَكُمُ الْخَيطُ الأَبْيضُ مِنَ الْخَيطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى الَّليلِ» (1)

5. تفسیر عیاشی: عبد الله حلبی روایت می کند، از امام صادق پرسیدم: «الْخَيطُ الأَبْيضُ مِنَ الْخَيطِ الأَسْوَدِ» به چه معنا است؟ حضرت پاسخ داد: منظور، سفیدی روز از سیاهی شب است.(2)

6. تفسیر نعمانی: با سند پیشین در کتاب القرآن امیرالمومنین علی علیه السلام فرموده است: هنگامی که خداوند روزه را واجب گردانید، واجب کرد که مرد نباید با همسرش در ماه رمضان نه در شب و نه در روز جماع کند، و طبق معنای روزه بنی اسرائیل که در تورات ذکر شده است، آن کار بر این امت حرام میباشد، و هرگاه شخص در اول شب بخوابد، پیش از اینکه افطار کند، خوردن پس از خواب بر او حرام است، چه افطار کرده باشد و چه افطار نکرده باشد.

مردی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معروف به مطعم ابن جبیر، پیرمردی بود و در زمانی که خندق حفر میشد او نیز همراه با مسلمانان در کار حفر خندق بود - و این کار در ماه رمضان صورت می گرفت -. زمانی که از کار حفاری خندق فارغ شد و به نزد خانوده اش بازگشت، نماز مغرب را خواند و همسرش در تهیه غذا برای او دیر کرد، پس خواب بر او چیره شد. هنگامی که همسرش غذا را نزدش آورد و او را بیدار کرد. جبیر به او گفت: تو غذا را تناول کن چراکه من خوابیدم و غذا بر من حرام شده است و از خوردن صرف نظر کرده و گرسنه ماند و صبح هنگام روزه گرفت و به سوی خندق رفت، و همراه با مردم خندق حفر میکرد، پس از هوش رفت. پیامبر از حال او جویا شد، او نیز ماجرا را برای ایشان گفت.

و در میان مسلمانان جوانانی بودند که به خاطر کمی صبر و شکیبایی، شب هنگام با زنان خویش جماع میکردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند در این باره پرسید، پس خداوند این آیه را نازل فرمود: «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ

1- . تفسیر عیاشی 1 : 83
2- . تفسیر عیاشی 1 : 84

إِلَى نِسَآئِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُواْ مَا كَتَبَ اللّهُ لَكُمْ وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» (1) {همبستری با زنانتان در شب ماه روزه بر شما حلال شد. آنها پوشش شمایند و شما پوشش آنهایید. خدا می دانست که شما به خویشتن خیانت می ورزید، پس توبه شما را بپذیرفت و شما را عفو کرد. اکنون با آنها همبستر شوید و آنچه را که خدا بر شما مقرر گردانیده است انجام دهید، و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود. و روزه را به شب برسانید. } (2)

7. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که علی علیه السلام در سرمه کشیدن شخص روزهدار اگر مزهاش را حس نمیکرد، اشکالی نمیدید. (3)

8. قرب الاسناد: با همین سند گوید: علی علیه السلام درحالی که روزه بود، در اول روز و آخر روز در ماه رمضان دندانهایش را مسواک میکرد. (4)

9. قرب الاسناد: با همین سند گوید: علی علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد اگر روزهدار با مسواک خیس در اول روز دندانهایش را مسواک کند. و فرمود: اگر گوینده بگوید: بنابر بر سنت وضو باید مضمضه کند، به او گفته میشود: میبایست بنا بر سنتی که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و سلم آورد، مسواک استفاده شود. (5)

10. قرب الاسناد: علی از برادرش روایت میکند که از ایشان درباره مرد و زن پرسیدم که آیا برایشان جایز است که دارو در (گوش) خود بریزند درحالی که روزهاند؟ فرمود: اشکالی ندارد. (6)

1- . بقره / 187
2- . همچنین این حدیث را در رساله «المحکم و المتشابه» منسوب به علم الهدی صفحه 13 و 14 می یابید.
3- . قرب الاسناد : 59
4- . قرب الاسناد: 59

5- . قرب الاسناد : 59
6- . قرب الاسناد : 135

و از او درباره روزهداری پرسیدم که خوردنی و نوشیدنی را میچشد و مزهاش را در حلقش حس میکند. فرمود: این کار را نکند. گفتم: اگر این کار را کرد چه چیزی بر گردن اوست؟ فرمود: چیزی بر گردن او نیست اما دوباره این کار را انجام ندهد. (1)

و از ایشان در باره مرد پرسیدم که آیا جایز است که ببوسد و لمس کند در حالی که در ماه رمضان است؟ فرمود: خیر.

و از ایشان درباره شخص پرسیدم که آیا جایز است موهای زیر بغلش را بِکَند درحالی که روزه است؟ فرمود: اشکالی ندارد.

و از ایشان در باره شخصی پرسیدم که از دهانش آب بریزد تا چیزی را که بر لباسش است بشوید، درحالی که روزه است. فرمود: اشکالی ندارد. (2)

11. الخصال: برقی از پدرش به امام صادق علیه السلام میرساند که فرمود: پنج چیز روزه را باطل می کند: خوردن و آشامیدن و جماع و فرو رفتن در آب و دروغ بستن بر خدا و پیامبرش و ائمّه. (3)

12. معانی الاخبار: أبو بصیر گوید: شنیدم که امام صادق علیه السّلام می فرمود: دروغ، روزه روزه دار را باطل میکند. به آن حضرت عرض کردم؛ تباه شدیم، فرمود: نه، مقصودم دروغ گفتن بر خدای عزّ و جلّ و بر پیامبرش صلّی اللّه علیه و آله و بر امامان علیهم السّلام می باشد. (4)

13. معانی الاخبار: عبایه ربعی گوید: از ابن عباس پرسیدم: برای روزه دار جایز است حجامت کند؟ گفت: بلی، اگر نترسد از اینکه ضعف او را فرا گیرد. عرض کردم: آیا حجامت روزه او را می شکند؟ گفت: نه. گفتم: پس معنی فرمایش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم چیست، آنگاه که دید شخصی در ماه رمضان حجامت می نماید: فرمود: «حجامت کننده و حجامت شده هر دو افطار کردند»؟ پاسخ داد:

1- . قرب الاسناد: 136
2- . قرب الاسناد: 137

3- . الخصال 1 : 137
4- . معانى الاخبار : 165

آنها روزه خود را شکسته بودند، چون به یکدیگر دشنام دادند و در دشنام خود بر پیغمبر خدا صلی اللّه علیه و آله دروغ بستند نه از جهت حجامت.

صدوق گوید: برای حدیث مفهوم دیگری هم هست و آن این که: شخصی که حجامت نماید، نفس خویش را در معرض این قرار داده که نیاز به خوردن چیزی پیدا کند، به دلیل ضعفی که مطمئن نیست برایش پیدا نمی گردد و او را محتاج به افطار نمی نماید. و در نیشابور از بعضی مشایخ شنیدم که در معنی فرموده امام صادق علیه السّلام «حجامت گر و حجامت شده افطار کردند» می فرمود: یعنی به سبب این حجامت، آن دو در قانون و سنّت من وارد شدند چون حجامت از کارهایی است که آن حضرت به آن دستور داده و درخواست انجام آن را نموده است. (1)

14. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش از پدران خود از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حجامت کرد، در حالتی که محرم و روزهدار بود.

صدوق گوید: این خبر مخالف آن خبری است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «افطر الحاجم و المحجوم» زیرا اگر حجامت از اعمالی باشد که آن جناب فرموده و مستحب گردانیده و خود نیز انجام داده است، پس معنی فرمایش او این است که حجامت کننده و حجامت کرده شده به سبب حجامت کردن، در دو سنت و فطرت من داخل شدند. (2)

15. علل الشرایع: رئاب گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام روزه دار را از استشمام گل نرگس نهی می کرد، لذا محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم برای چه نهی می کنید؟ فرمود: زیرا نرگس، ریحان عجم ها است.

و محمّد ابن یعقوب از برخی اصحاب نقل کرده که عجم ها در وقت روزه داشتن این گل را استشمام کرده و می گویند: جلو گرسنگی را می گیرد. (3)

1- . معانی الاخبار: 319
2- . عیون الاخبار 2 : 17

3- . علل الشرايع 2 : 71

16. علل الشرایع: با همین اسناد حسن ابن راشد گوید: امام صادق علیه السلام هرگاه روزه میگرفت ریحان استشمام نمیکرد. من علّت آن را از ایشان پرسیدم؟ فرمود: کراهت دارم روزه ام را با لذّت مخلوط نمایم. (1)

17. علل الشرایع: حریز گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا محرم ریحان را استشمام بکند؟ فرمود: خیر. عرض کردم: روزه دار چطور؟ فرمود: خیر. عرض کردم: آیا روزه دار عطر غالیه و دخنه (2) را استشمام بکند؟ فرمود: آری.

عرض کردم: چرا استشمام عطر برای روزه دار مباح و حلال است ولی ریحان را نمی تواند استشمام کند؟ فرمود: چون طیب و عطر سنّت است ولی استشمام ریحان برای روزه دار بدعت است. (3)

محاسن: برخی از اصحاب ما این حدیث را روایت کردهاند. (4)

18. فقه امام رضا: مهمترین چیزی که فریضه روزه با آن کامل میشود، عزیمت است، و آن قصد و نیت، و ترک دروغ گفتن بر خداوند و پیامبرش، سپس ترک خوردن و آشامیدن و جماع کردن و فرو رفتن در آب و استفراغ کردن عمدی است. پس هرگاه این شروط به شیوهای که تبیین نمودیم، انجام پذیرد، فریضه روزه را ادا کرده و با لطف خداوند از وی قبول میشود.

19. فقه امام رضا: از بوئیدن مشک و کافور و زعفران پرهیز کن و به بینی نزدیک نکن و از لمس کردن و بوسه و نگاه کردن پرهیز کن زیرا آن تیری از تیرهای شیطان است و از استعمال مسواک خیس و فرو ریختن آب در دهانت برای لذت بردن در غیر وضو برحذر باش، زیرا اگر چیزی از آن در گلویت وارد شود روزهات باطل میگردد و باید آن را قضا کنی. از غیبت کردن مؤمن دوری کن و از سخن چینی برحذر باش چراکه این دو، روزه روزهدار را باطل میکنند و برای فاسد و میگسار و بازی کننده شطرنج و قمار باز، غیبت محسوب نمیگردد.

1- . علل الشرایع 2 : 71

2- . غالیه نوعی عطر است مرکب از مشک و زعفران و عنبر و کافور و مانند اینها به همراه روغن درخت بان. دخنه بوی خوشی است که در خانه ها آن را دود می کنند و نوعی خوشبو کننده است.
3- . علل الشرایع 2 : 71
4- . المحاسن : 318

باکی نیست اگر روزهدار سرمه بکشد یا حجامت کند و یا روغن بمالد و ریحان (خوشبو کنندهها) را به جز نرگس ببوید و نیز می تواند خوشبوکنندههایی مثل بخور و غیر آن را استعمال کند، مادامی که درون بینی او نرود. چراکه روایت شده، بخور هدیه روزهدار است و باکی نیست اگر روزهدار با گوشه زبانش دیگ غذا را بچشد و باکی نیست که برای غذا دادن جوجه، غذا را در دهان خود آماده کند و نان را برای تغذیه کودک شیرخوار بجود.

پس هرگاه روزه گرفتی بر توست که آرامش و متانت را نمایان کنی و باید گوش تو روزه باشد و چشمانت از آنچه که نگاه کردن بدان حلال نیست روزه باشد و از ناسزا گویی دوری کن و در روزهات از پنج چیز که روزهات را باطل میکند پرهیز کن: خوردن، آشامیدن، جماع کردن، فرو رفتن در آب و دروغ گفتن بر خداوند و پیامبرش و ائمه علیهم السلام و سخنان زشت و نگریستن به آنچه جایز نیست. و اگر فراموش کردی و چیزی خوردی یا چیزی نوشیدی، روزهات را تمام کن و قضای آن بر تو واجب نیست.

و باکی نیست که آشپز شوربا را با گوشه زبانش بچشد درحالی که روزه باشد بدون آنکه آن را ببلعد، و بوئیدن خوشبو کننده اشکالی ندارد مگر اینکه پودر باشد زیرا به دورن بینی میرود، و باکی نیست اگر روزهدار دندانهایش را مسواک کند و مضمضه (آب در دهان گردانیدن) و استنشاق (آب در بینی کردن) کند، اگر آن را نبلعد و آب در گلویش وارد نشود، و باکی نیست که سرمه بکشد اگر مشک نباشد و روایت شده است که برای استعمال مشک رخصت داده شده است زیرا آن بر گره ریشه زبانش می افتد و جایز نیست روزهدار در گوش خود چیزی بریزد و یا در بینی خود دارو بریزد و یا حقنه - تزریق - کند. و جایز نیست زن در آب نشیند زیرا او آب را با عضو پیشینش (فرج) حمل میکند و باکی نیست مرد در آب برود تا زمانی که در آب فرو نرود. و خونریزی بینی و بالا آوردن غذا در دهان و قی کردن روزه را باطل نمیکند مگر اینکه به صورت عمدی قی کند.

20. سرائر: موسی ابن بکر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مسواک زدن سؤال شد. فرمود: من درحالی که روزه هستم، با آب مسواک میزنم. (1)

21. مکارم الاخلاق: جعفر ابن محمد گوید: روزه دار در غیر ماه رمضان هر وقت بخواهد، حجامت کند، اما در ماه رمضان خود را در معرض ضرر قرار ندهد و خون خارج نمیشود مگر اینکه او را به فشار خون مبتلا کند، و اما حجامت ما در ماه رمضان در شب هنگام میباشد. (2)

22. مکارم الاخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی روزه دار هستید صبحگاه مسواک کنید، و شب مسواک ننمائید که هیچ روزه داری لبهایش در شب خشک نمیباشد مگر اینکه نوری در قیامت، جلویش را روشن سازد. (3)

و امام باقر علیه السلام فرمود: مانعی ندارد روزهدار در ماه رمضان مسواک کند، هر موقع روز که بخواهد. (4)

23. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: سماعه گوید: از ایشان در باره کسی پرسیدم که در ماه رمضان دروغ گفته است. فرمود: روزهاش باطل است و باید قضا کند. گفتم: چه نوع دروغی گفته که روزهاش را باطل کرده است؟ فرمود: بر خداوند و پیامبرش دروغ می بندد.

24. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: امام باقر علیه السلام فرمود: روزه دار هر کار بکند به وی زیانی نمیرساند، در صورتی که از چهار چیز اجتناب کند: از خوردنی، و نوشیدنی، و فرو رفتن در آب و مقاربت با زنان و کردار و گفتار ناشایست و غیبت، اینها روزه روزهدار را باطل میکند.

25. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بر خداوند و پیامبرش دروغ ببندد درحالی که روزه باشد، روزه و وضویش باطل میشود، اگر از روی عمد دروغ گفته باشد.

1- . سرائر : 464
2- . مکارم الاخلاق : 81

3- . مكارم الاخلاق: 51
4- . مكارم الاخلاق: 53

26. فقه امام رضا: باکی نیست روزه دار هر وقت بخواهد مسواک کند و بر این باورم که مسواک کردن برای روزهدار پس از عصرگاهان کراهت دارد زیرا بوی دهان روزهدار در نزد خداوند از بوی مشک خوشبوتر است.

27. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر از پدرانش نقل میکند که حضرت علی علیه السلام حجامت کردن را برای روزه دار، از بیم آن که تشنه شود و روزه خود را افطار کند، مکروه می دانست.

با همین سند فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سه چیز است که هریک از شما روزهدار است، نباید خود را در معرض آن قرار دهد: حجامت، حمام، و زن زیبا.

با همین سند فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درحالی که روزه بود، غذا را برای حسن و حسین علیهما السلام میجوید و به آنها میخورانید.

28. هدایهٔ: پدرم رحمه الله در نامهای به من گفت: ای پسرم، در روزهات از پنج چیزی که روزهات را باطل میکند پرهیز کن: خوردن، آشامیدن، جماع کردن، فرورفتن در آب و دروغ بستن بر خداوند و پیامبرش و ائمه صلوات الله علیهم.

و از همان کتاب روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: برای شخص جایز است بخورد و بیاشامد تا زمانی که به طلوع فجر یقین پیدا کند که اگر به طلوع فجر یقین پیدا کرد، خوردن و آشامیدن حرام میگردد و نماز واجب میشود.

29. کتاب فضائل الاشهر الثلاثهٔ: جابر از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: رسول خدا فرمود: هرگاه قرص خورشید پنهان شد روزهدار افطار میکند و وقت نماز فرا میرسد.

30. کتاب العروس: ابومریم گوید: حضرت علی علیه السلام فرمود: روزهدار وارد حمام نمیشود و حجامت نمیکند و روز جمعه را عمداً روزه نمیگیرد، مگر اینکه از روزهای روزهاش باشد.

1. تفسیر عیاشی: ابو بصیر گوید: از امام صادق در باره جمعی از مردم سؤال کردم که در ماه رمضان روزه گرفتند و به هنگام غروب خورشید، ابر سیاهی آسمان را فرا گرفت و آنها گمان کردند که شب شده است و همه یا برخی از آنان روزه خود را افطار نمودند. سپس آن ابر کنار رفت و مشخص شد که خورشید غروب نکرده است. روزه آنان چه حکمی دارد؟ حضرت پاسخ داد: کسی که روزه خود را افطار نموده، باید قضای آن روز را به جای آورد؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: «أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»،(1) {و روزه را به شب برسانید.} پس هر کس پیش از فرارسیدن شب، چیزی بخورد، باید قضای آن را به جای آورد؛ چرا که او عمداً آن چیز را خورده است. (2)

2. تفسیر عیاشی: سماعه روایت می کند که حضرت فرمود: کسی که روزه خود را افطار نموده، باید قضای آن روز را به جای آورد؛ زیرا خداوند می فرماید: «أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»،(3) {و روزه را به شب برسانید.} پس هر کس پیش از فرارسیدن شب، چیزی بخورد، باید قضای آن را به جای آورد؛ چرا که او عمداً آن چیز را خورده است.(4)

1- . بقره / 187
2- . تفسیر عیاشی 1 : 84
3- . بقره / 187
4- . تفسیر عیاشی 1 : 84

باب سی و چهارم : آنچه که کفاره در آن واجب است و احکام مربوط به آن؛ حکم آنچه پیاپی روزه گرفتن (تتابع) در آن لازم می آید

1. عیون الاخبار،(1)

الخصال: فتح ابن یزید جرجانی برای امام کاظم علیه السلام

نامه نوشت و از او در باره مردی که در ماه رمضان از راه حلال یا حرام با زنی ده بار همبستر شده پرسید، فرمود: برای او ده کفاره است، برای هر دفعه ای یک کفاره و اگر بخورد و بیاشامد، یک روز یک کفاره دارد. (2)

2. معانی الاخبار: عبدالمؤمن انصاری از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که مردی خدمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله آمد و گفت: هلاک شدم! هلاک شدم! حضرت فرمود: چه چیز تو را هلاک ساخته؟ گفت: در ماه رمضان با همسرم همبستر شدم در حالی که روزه دار بودم، پیغمبر فرمود: برای کفّاره آن برده ای را آزاد کن! گفت: ندارم. فرمود: پس دو ماه پیاپی روزه بگیر! گفت: توانش را ندارم. فرمود: پس به شصت بینوا خیرات بده! گفت: چیزی ندارم. امام فرمود: در این هنگام زنبیلی بافته از برگ خرما یا حصیر بافته ای - قبل از آنکه به صورت زنبیل در آید - که پانزده صاع خرما در آن بود، برای پیامبر صلی اللّه علیه و آله آوردند و پیامبر صلی اللّه علیه و آله به او فرمود: آن را بگیر و در راه خدا خیرات کن. مرد گفت: به حق آن کس که تو را به پیامبری بر انگیخته سوگند، بر روی زمین سنگلاخ مدینه

1- . عیون الاخبار 1 : 254
2- . الخصال 2 : 61

خانواده ای نیازمندتر از ما به آن نیست! آنگاه حضرت فرمود: آن را بگیر و تو و خانواده ات بخورید که آن برایت کفاره خواهد بود.

جابر جعفی نیز همانند آن را از امام باقر علیه السّلام روایت نموده است.

أصمعی گوید: اصل «عرق» بوریای بافته شده از برگ درخت خرما است پیش از آنکه به صورت سبد در آید، و «زنبیل» (أنبان) به همان مناسبت عرق نامیده شده، و به آن «عرقه» نیز گفته می شود، و همچنین هر چیز هموار مانند پرنده بی آنکه در هوا بال زند، روان باشد را «عرقه» گویند. (1)

3. عیون الاخبار،(2) معانی الاخبار: عبد السّلام ابن صالح هروی گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا! از پدران تو علیهم السّلام روایت شده: هر کس که در روز ماه رمضان جماع کند یا چیزی بخورد، در آن سه کفاره است و همچنین از ایشان روایت شده یک کفاره دارد، پس به کدام یک از دو خبر عمل نماییم؟ فرمود: به هر دوی آنها با هم؛ هر گاه مرد زنا کرد یا با غذای حرامی در ماه رمضان روزه اش را باطل نمود، بر او لازم است که سه کفّاره بپردازد: برده ای آزاد کند، و دو ماه پیاپی روزه بگیرد، و شصت بینوا را خوراک دهد و عوض روزه آن روز را هم بگیرد، و اگر با همسر خودش جماع کرد، یا بر حلالی افطار نمود، بر او یک کفّاره و قضای آن روز لازم است و اگر هم از روی فراموشی انجام داده، چیزی بر او لازم نیست. (3)

4. الاحتجاج: ابوجعفر ابن بابویه گوید: در خبری که روایت شده دائر بر اینکه هر کس روزه روزی از ماه رمضان را عمداً بخورد سه کفّاره بر ذمّه اش تعلّق می گیرد، پس نظر من این است که این روایت در مورد کسی است که روزه خود را به وسیله جماعی حرام بر او، یا طعامی حرام بر او شکسته باشد. زیرا این مطلب در روایت أبو الحسین اسدیّ رضی اللّه عنه در آنچه از طرف شیخ أبو جعفر، محمّد ابن عثمان عمری قدّس سرّه به او رسیده است موجود است. (4)

1- . معانی الاخبار : 336
2- . عیون الاخبار 1 : 314

3- . عیون الاخبار : 389
4- . الاحتجاج : 268 و صدوق آن را در کتاب «الفقیه» جلد 2 صفحه 82 آورده است.

5. فقه امام رضا: هرگاه بر انسان واجب شد دو ماه پیاپی روزه بگیرد، یک ماه را روزه بگیرد و چند روزی را از ماه دوم نیز روزه بگیرد سپس افطار کند (روزه را ادامه ندهد) و میبایست بر اساس آن، روزه را بنا نهد و ایرادی ندارد. اگر یک ماه را روزه بگیرد و یا کمتر از یک ماه را روزه بگیرد و از ماه دوم چیزی روزه نگیرد، میبایست روزه را تکرار کند (از اول بگیرد) مگر اینکه به خاطر بیماری افطار کرده باشد که در این صورت میتواند بر اساس آن مقداری که روزه گرفته، روزه اش را بنا نهد زیرا خداوند او را از ادامه روزه بازداشته است.

و بدان که کفاره ها در ماه رمضان در چیزهایی مثل نزدیکی کردن و خوردن و آشامیدن است. پس در ازای هر روز باید یک برده را آزاد کند یا دو ماه پیاپی روزه بگیرد یا شصت تهیدست را غذا دهد. پس اگر دوباره این کار را انجام داد، در ازای هر روز باید مانند کفاره اولی بپردازد و روایت شده که سه کفاره بر او واجب میگردد - و این دیدگاهی است که فقهای خواص برگزیده اند - و هرگز ثوابی مانند ثواب آن روز را به دست نمیآورد.

6. فقه امام رضا: هر کس در زمانی که روزه است جماع کند، باید یک برده را آزاد کند. اگر برده نیافت باید شصت مسکین را غذا دهد و برای هر مسکین نیم صاع برابر صاع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میباشد و گفته شده که یک چهارم صاع است. پس اگر توانایی نداشت، به اندازه تواناییاش صدقه میدهد و یک روز را به جای آن روزه قضا میگیرد و از کجا میتواند روزی مانند آن روز را بیابد.

7. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: سماعه گوید: از حضرت درباره مردی پرسیدم که در ماه رمضان عمداً با همسرش جماع کرده است. فرمود: باید بردهای را آزاد کند و شصت مسکین را غذا بدهد و دو ماه پیاپی را روزه بگیرد و آن روز را قضا کند و از کجا میتواند روزی مانند آن روز را بیابد.

8. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: از او روایت شده است که از ایشان در باره مردی پرسیدم که با همسرش نزدیکی کرده است. پس آیه نازل شد و فرمود: باید غذای شصت مسکین را بدهد و به هر مسکین یک مُد غذا بدهد.

9. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: جمیل ابن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام در باره مردی سؤال شد که عمداً یک روز از ماه رمضان را افطار کرده است. فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا هلاک شدم! پیامبر فرمود: تو را چه شده است؟ گفت: آتش ای رسول خدا. پیامبر فرمود: تو را چه شده است؟ گفت: من در ماه رمضان با همسرم جماع کردم. فرمود: صدقه بده و از خداوند آمرزش بخواه. مرد گفت: سوگند به خدایی که به حق تو را بزرگ داشت - و ابن عمیر گوید: آن مرد گفت: سوگند به خداوندی که تو را به حق مبعوث کرد - در منزل هیچ چیزی کم یا زیاد نداشتم. فرمود: مردی از میان مردم با حصیر بافته ای از خرما که در آن بیست صاع بود وارد شد که برابر ده صاع از این صاع ما در اینجا بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این خرما را بگیر و صدقه بده. مرد گفت: ای رسول خدا به چه کسی صدقه بدهم درحالی که به تو خبر دادم که در منزلم هیچ چیزی نیست، نه کم و نه زیاد. پس پیامبر فرمود: خرما را بگیر و خانوادهات را از آن اطعام کن و از خداوند آمرزش بخواه.

از امام صادق روایت میکنیم در باره مردی که با همسرش یا کنیزش ملاعبه میکند درحالی که ماه رمضان را سپری میکرد، پس آب (منی) از او خارج شده و انزال کرده. فرمود: باید به اندازه کفارهای که برای شخصی که در ماه رمضان جماع میکند لازم میآید، بپردازد.

10. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: سماعه نقل میکند: درباره مردی پرسیدم که در ماه رمضان دستگیر شد درحالی که سه بار روزه خواری کرده بود. فرمود: به نزد امام برده میشود و در سومین بار کشته میشود.

11. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش نقل میکند: مردی را نزد علی علیه السّلام آوردند که در ماه رمضان بدون دلیل روزه خورده بود! علی علیه السّلام فقط برای شکستن احترام ماه رمضان، به او سی و نه تازیانه زد.

با همین سند فرمود: مردی را نزد علی علیه السّلام آوردند، که در ماه رمضان، شراب خورده بود. علی علیه السّلام حدّ شراب خواری را بر او جاری کرد و برای اینکه احترام ماه رمضان را نیز شکسته بود، به او سی و نه ضربه شلّاق زد. (1)

12. هدایهٔ: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که یک روز از روزه ماه رمضان را بخورد، روح ایمان از وجود او بیرون میرود. و کسی که یک روز از روزه ماه رمضان را بخورد یا در آن جماع کند، باید یک برده را آزاد کند یا دو ماه پیاپی روزه بگیرد یا شصت مسکین را اطعام کند و به هر مسکین یک مد غذا بدهد، و باید روزه آن روز را قضا کند و مانند آن روز را از کجا می یابد؛ و اگر هم از روی فراموشی انجام داده، چیزی بر او لازم نیست.

13. دعائم الاسلام: از حضرت علی علیه السلام برای ما روایت شده است که فرمود: مردی در ماه رمضان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا هلاک شدم! پیامبر فرمود: چه شده است؟ گفت: به همسرم نزدیک شدم، پس شهوتم بر من غلبه کرد تا اینکه دخول کردم. فرمود: آیا بردهای داری؟ گفت: نه به خدا سوگند، هرگز بردهای نداشته ام. فرمود: دو ماه روزه بگیر. گفت: به خدا سوگند توانایی روزه گرفتن را ندارم. فرمود: برو و شصت مسکین را غذا بده. گفت: به خدا سوگند توانایی انجام این کار را ندارم. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را به پانزده صاع امر کرد و فرمود: برو و شصت مسکین را غذا بده و برای هر مسکین یک مد قرار بده. گفت: ای رسول خدا! سوگند به خداوندی که تو را به حق برگزیده است، بر روی زمین سنگلاخ مدینه خانواده ای نیازمندتر از ما به آن نیست! آنگاه حضرت فرمود: آن را بگیر و تو و خانواده ات بخورید.

از جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که در ماه رمضان عمدا روزه یک روز را بخورد، اگر توانایی آزاد کردن یک برده را داشت، یک برده آزاد کند و اگر توانایی نداشت دو ماه پیاپی روزه بگیرد و اگر توانایی انجام آن را هم نداشت شصت مسکین را غذا بدهد و اگر نیافت باید به درگاه خداوند توبه کند و از خداوند طلب آمرزش کند. پس هرگاه توانست کفاره را بپردازد باید کفاره را بدهد

1- . نوادر راوندی : 37 - 38

و همراه با کفاره، به جای روزی که روزه خواری کرده، یک روز را برای قضای آن روزه بگیرد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که در باره مردی پرسیدم که با همسرش در روز ماه رمضان بازی میکند تا آنکه محتلم شود. فرمود: باید روزه را قضا کند و کفاره بدهد.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که از ایشان در باره مردی سؤال شد که زنش را بوسیده است یا با او همبستر شده است درحالی که روزهدار بوده است. فرمود: من بر او میترسم و اگر خود را از این کار پاک گرداند برای من خوشایندتر است.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر مرد با همسرش در روز ماه رمضان جماع کرد و همسرش خواب باشد و متوجه نشود، یا دیوانه باشد، باید روزه را قضا کند و کفاره بدهد و چیزی بر زن واجب نمیگردد.

و از ایشان روایت شده که فرمود: هر مردی که روزه بگیرد سپس قبل از نماز اول به خواب برود و در خواب محتلم شود، سپس بیدار شود و دوباره بخوابد و نماز اول را بهپا ندارد تا اینکه زمان نماز دیگر فرا برسد، باید آن روز را قضا کند.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که در شب ماه رمضان با همسرش جماع کند، قبل از طلوع فجر غسل میکند. پس اگر طهارت را ضایع کند و عمدا بخوابد تا اینکه آفتاب طلوع کند، میبایست غسل کند و از پروردگارش آمرزش بخواهد و روزهاش را به اتمام رساند و آن روز را قضا کند؛ و در صورتی که عمدا به خواب نرود و (سنگینی) چشمانش بر وی غلبه کند تا اینکه وارد صبح شود، باید زمانی که بیدار شد غسل کند و روزهاش را به اتمام رساند و چیزی بر او واجب نمیشود. (1)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که در باره ابن سخن خداوند «رَبَّنَا لاَ تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا»،(2) {ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده ایم یا خطایی

1- . دعائم الاسلام 1 : 273
2- . بقره / 286

کرده ایم، ما را بازخواست مکن.} فرمود: این دعا در باره کسی که فراموش میکند و در ماه رمضان روزهاش را میخورد اجابت شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند اشتباه و فراموشی و آنچه بر آن مجبور شود را از امت من برداشته است. پس کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی چیزی بخورد باید روزهاش را ادامه دهد و چیزی بر او واجب نیست و در واقع خداوند او را اطعام کرده است.

و از جعفر ابن محمد علیه السلام برایمان روایت شده است که فرمود: اگر روزه دار با خواست خود و به صورت عمدی قی کند، در واقع با این کار روزهاش را سبک شمرده است و باید آن روز را قضا کند و اگر قی بر او غلبه کند و ناخواسته بوده، چیزی بر او واجب نیست.

از حضرت علی و امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت شده که در باره کسی که در ماه رمضان بخورد یا بیاشامد یا جماع کند درحالی که فجر طلوع کرده و نمیداند که فجر طلوع کرده است، فرمودند: اگر پیش از اینکه چیزی بخورد به مکان طلوع فجر نگاه کند و طلوع آن را نبیند، و زمانی که چیزی خورد نگاه کند و ببیند که طلوع کرده است، پس باید روزهاش را ادامه دهد و چیزی بر او واجب نیست و اگر پیش از نگاه کردن چیزی بخورد، سپس بداند که پس از طلوع فجر چیزی خورده است باید روزهاش را به اتمام رساند و یک روز را به جای آن روزه بگیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر دو نفر برخیزند و یکی از آن دو بگوید: این فجر طلوع کرده است و دیگری بگوید: چیزی نمیبینم طلوع کرده باشد. و آن دو از کسانی باشند که نسبت به طلوع فجر و صحت دید، علم و معرفت داشته باشند. - فرمود: - کسی که طلوع فجر برایش آشکار نشده، می تواند بخورد و بیاشامد تا اینکه برای او آشکار گردد و کسی که طلوع فجر برایش آشکار شده، باید از خوردن و آشامیدن دست بکشد زیرا خداوند میفرماید: «وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»،(1)

{و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن

1- . بقره / 187

صبحدم در تاریکی شب آشکار شود.} اما اگر یکی از آن دو عالم تر یا تیزبینتر از دیگری باشد، باید کسی که در علم و بینایی پایینتر است، به او اقتدا کند.(1)

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر کسی ببیند که خورشید غروب کرده است و افطار کند، و این در ماه رمضان باشد، سپس برای او آشکار شود که غروب نکرده است، چیزی بر او واجب نیست. دلیلش این است که تعجیل افطار مستحب و پسندیده است. پس اگر روزهدار بر اساس آنچه در ظاهر بدان ملکف شده است، امر مستحبی را انجام دهد، گناهی بر او نیست، بلکه او پاداش میگیرد و چون پاداش به او داده میشود، قضای روزه بر او نیست و چیزی بر او واجب نمیگردد.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که ایشان سرمه کشیدن را برای روزهدار اجازه داده است مگر اینکه مزه آن را در گلویش حس کند. مسواک خیس نیز همین حکم را دارد و استعمال مسواک خشک اشکالی ندارد.

و از ایشان روایت شده که فرمود: روزهدار آدامس میجود و سرکه و شوربا و غذا را مزه میکند و آن را برای کودک میجود، و مادامی که چیزی از اینها به گلویش نرسد، چیزی بر او واجب نیست. اما آنچه در دهان باشد و از دهان بیرون بریزد و به خاطر احتیاط از اینکه چیزی از آن به گلویش برسد آن را مضمضه کند، چیزی در این حالت بر او لازم نمیآید زیرا آب را مضمضه کرده و در واقع چیزی که از گلوی روزهدار عبور کند، روزه را باطل میکند.

و از ایشان روایت شده که در باره روزهداری که حجامت میکند سؤال شد. فرمود: من از این کار کراهت دارم، از ترس بیهوش شدن یا اینکه یک باره به او فشار آورد و قی کند. پس اگر ترس این دو حالت وجود نداشته باشد، چیزی بر او نیست و اگر خواست، حجامت کند.

و از ایشان روایت شده که بوئیدن عطر و ریحان و فرورفتن در آب برای روزهدار کراهت دارد، از ترس اینکه چیزی از آن به گلویش برسد و اینکه واجب است روزه را پاس بدارد و از آن موارد دوری شود و به این دلیل که ثواب روزه در

1- . دعائم الاسلام 1 : 274

گرسنگی و تشنگی و خشوع در آن و توجه به آن و لذت نبردن از چیزهایی از این قبیل است. و کسی که این کارها را انجام دهد و چیزی از آن به گلویش نرسد تا مزهاش را احساس کند، چیزی بر او واجب نیست؛ البته دوری کردن از آن بهتر است.

و از علی علیه السلام روایت شده که روزهدار را از حقنه کردن نهی کرده است و فرمود: اگر کسی حقنه کند روزهاش باطل میگردد.

و از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که از ایشان در باره روزهداری سؤال شد که روغن در گوش خود میچکاند؟ فرمود: اگر وارد گلویش نشود باکی بر او نیست.

و فرمود: اگر مگسی سریعا وارد گلوی روزهدار شود و نتواند مگس را بیرون کند، چیزی بر او واجب نمیگردد.

و از ایشان در باره روزهداری سؤال شد که برای نماز وضو میگیرد و مضمضه میکند در نتیجه آب وارد گلویش میشود. فرمود: اگر وضویش برای نماز واجب باشد، چیزی بر او نیست و اگر وضو برای نماز واجب نباشد، روزه آن روز را قضا میکند. (1)

1- . دعائم الاسلام 1 : 275

باب سی و پنجم : کسی که در شب جماع کند یا افطار کند یا صبح هنگام محتلم شود یا در روز محتلم شود

1. تفسیر قمی: امام صادق علیه السلام فرمود: آمیزش و افطار کردن در شب ماه رمضان پس از خوابیدن، حرام بود؛ یعنی هر کس که نماز عشا را می خواند و افطار نکرده می خوابید و سپس از خواب بیدار می شد، افطار کردن بر او حرام بود و همچنین آمیزش (با همسر) در شب و روز ماه رمضان حرام بود. مردی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله خَوّات بن جُبیر انصاری نام داشت که برادر عبد الله ابن جبیر بود. رسول الله صلی الله علیه و آله عبد الله ابن جبیر را در روز جنگ احد به همراه پنجاه تیرانداز بر دهانه درّه گمارد و یاران او، او را رها کردند و تنها دوازده نفر به همراه او باقی ماندند و او در ورودی درّه کشته شد و این برادر او یعنی خوات بن جبیر پیرمردی مسن و ناتوان بود و رسول الله صلی الله علیه و آله را در جنگ خندق همراهی می کرد. هنگامی که روز را به شب رسانید به سوی خانواده اش آمد و گفت: آیا غذایی دارید؟ آنها پاسخ دادند: خیر، نخواب تا غذایی برایت فراهم کنیم. خانواده او در آماده کردن غذا کندی ورزیدند و او پیش از آن که افطار کند، خوابش برد و چون بیدار شد به خانواده اش گفت: غذا خوردن، در امشب بر من حرام شده است و چون شب را به صبح رسانید، به حفر خندق پرداخت و بیهوش شد. رسول الله صلی الله علیه و آله، او را با این حال مشاهده نمود و دلش برای او سوخت.

همچنین جمعی از جوانان، مخفیانه در شب های ماه رمضان با همسران خود آمیزش می کردند. بنابراین خداوند این آیه را نازل فرمود: «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَآئِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُواْ مَا كَتَبَ اللّهُ لَكُمْ وَكُلُواْ

وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»،(1) {همبستری با زنانتان در شب ماه روزه بر شما حلال شد. آنها پوشش شمایند و شما پوشش آنهایید. خدا می دانست که شما به خویشتن خیانت می ورزید، پس توبه شما را بپذیرفت و شما را عفو کرد. اکنون با آنها همبستر شوید و آنچه را که خدا بر شما مقرر گردانیده است انجام دهید، و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود. و روزه را به شب برسانید.} پس خداوند آمیزش در شب های ماه رمضان و خوردن غذا پس از خواب را حلال نمود و زمان آن، تا طلوع فجر است؛ چرا که خداوند می فرماید: «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»، {تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود.} یعنی سفیدی روز از سیاهی شب. (2)

2. قرب الاسناد: ابن رئاب گوید: از امام صادق علیه السلام - در حالی که من حضور داشتم - در باره مردی سؤال شد که در ماه رمضان شبهنگام محتلم میشود و میخوابد و غسل نمیکند تا اینکه صبح شود. فرمود: باکی بر او نیست، غسل میکند و نماز میگذارد و روزه میگیرد. (3)

3. قرب الاسناد: ابن بکیر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره مردی سؤال کردم که در ماه رمضان شب هنگام محتلم شده سپس به خواب رفته تا اینکه صبح فرا رسیده است. فرمود: باکی بر او نیست. (4)

و گفته است: از ایشان در باره مردی پرسیدم که در روز ماه رمضان محتلم شده است سپس بیدار شده، آیا روزهاش را به اتمام رساند؟ فرمود: آری. (5)

4. قرب الاسناد: ابو زینبه گوید: به موسی ابن جعفر علیه السلام نوشتم و از ایشان در باره مردی سؤال کردم که در ابتدای شب در ماه رمضان محتلم شده است و غسل را به تاخیر انداخته تا اینکه فجر طلوع کرده است. پس برای من نامهای با

1- . بقره / 187
2- . تفسیر قمی : 56
3- . قرب الاسناد : 100

4- . قرب الاسناد : 102
5- . قرب الاسناد : 103

دستخط خود نوشت که من به دلیل تجربهام، دستخط او را شناختم: از جنابت غسل میکند و روزهاش را به اتمام میرساند و چیزی بر او واجب نیست. (1)

5. علل الشرایع: عمر ابن یزید گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: برای چه احتلام روزه را باطل نمیکند ولی جماع آن را باطل می کند؟ فرمود: زیرا نزدیکی، فعل اختیاری روزه دار بوده ولی احتلام خود به خود صورت می گیرد. (2)

6. فقه امام رضا: اگر در هنگام روز محتلم شدی، قضای آن روز بر تو واجب نیست و اگر در ابتدای شب جنب شدی باکی بر تو نیست در صورتی که عمداً بخوابی و قصد داشته باشی قبل از طلوع فجر برخیزی و غسل کنی. پس اگر خواب بر تو غلبه کرد تا اینکه وارد صبح شوی، چیزی بر تو نیست. مگر اینکه نیمه شب بیدار شده باشی سپس خوابیده باشی و سهل انگاری کرده و غسل نکرده و تنبلی کرده باشی، پس در این حالت باید آن روز را روزه بگیری و روز دیگری را نیز به جای آن روزه بگیری، و اگر عمدا به خواب روی تا اینکه وارد صبح شوی، باید آن روز را قضا کنی و کفاره بدهی و کفاره آن، روزه دو ماه پیاپی یا آزاد کردن برده و یا غذا دادن به شصت مسکین است.

و کسی که قصد کرده سحری بخورد، میتواند تا طلوع فجر این کار را بکند، و اگر دو نفر نگاه کنند و یکی از آن دو بگوید: فجر طلوع کرده و و دیگری بگوید: فجر هنوز طلوع نکرده است، برای کسی که بر این باور است که فجر طلوع نکرده، سحری خوردن حلال است و برای کسی که معتقد است فجر طلوع کرده است، سحری خوردن حرام میباشد. اگر گروهی از مردم که گرد هم جمع شده اند از یکی از آنان بخواهند که بیرون رود و ببیند آیا فجر طلوع کرده است؟ و آن مرد بگوید: فجر طلوع کرده است و یکی از آنان گمان کند او مزاح میکند و بخورد و بیاشامد، باید آن روز را قضا کند.

7. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش نقل میکند که از علی علیه السلام روایت شد که در باره مردی از او سؤال شد که محتلم شده یا

1- . قرب الاسناد : 197
2- . علل الشرايع 2 : 67

جماع کرده است و فراموش کرده که غسل را - برای نماز و روزه - هر دو انجام دهد در حالی که او در ماه رمضان است. فرمود: باید نماز را قضا کند اما قضای روزه ماه رمضان بر او واجب نیست. (1)

1- . نوادر راوندی : 46

آیات:

- إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُکَلِّمَ الْیَوْمَ إِنسِیًّا. (1)

{برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی گویم. }

روایات:

1. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنده ای نیست که صبح کند در حالی که روزه دارد و به او دشنام داده شود و در جواب بگوید: من روزه دارم، سلام بر تو، جز آنکه خدای تبارک و تعالی فرماید: بنده ام از بنده دیگرم به روزه پناهنده شد، او را از دوزخ پناه دهید و به بهشت برید. (2)

ثواب الاعمال: پدرم از حمیری از بنان این حدیث را روایت کرده است. (3)

محاسن: همین حدیث را بدون ذکر راویان آن روایت کرده است. (4)

2. الخصال: حسن ابن علی علیه السلام فرمود: تحفه روزه دار این است که ریشش را روغن بزند و لباسش را بخور دهد و تحفه زن روزه دار اینکه سرش را شانه زند و لباسش را بخور دهد.

و حضرت ابا عبد اللَّه حسین ابن علی وقتی روزه میگرفت، با عطر خود را خوشبو میکرد و میفرمود: تحفه روزه دار عطر است. (5)

1- . مریم / 26
2- . امالی صدوق : 349
3- . ثواب الاعمال : 47
4- . المحاسن : 77
5- . الخصال 1 : 32

3. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خدای عز و جل شش خصلت را بر من روا ناپسند دانسته و من همانها را برای اوصیای خودم از فرزندانم و برای پیروانشان ناپسند می دانم: بازی در حال نماز و جماع در حال روزه و منت نهادن پس از صدقه دادن و با حال جنابت به مسجد رفتن و به خانه های مردم سرکشی نمودن و در گورستان خندیدن. (1)

امالی صدوق: غیاث ابن ابراهیم از امام صادق علیه السلام همین حدیث را روایت کرده است. (2)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثهٔ همین حدیث ذکر شده است.

4. امالی طوسی: ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه بسا روزهداری که بهره و سودش از روزه فقط گرسنگی و تشنگی باشد و چهبسا نماز شب گذاری که بهرهاش از نماز فقط بیداری باشد. (3)

5. علل الشرایع: مردی نزد امیر المومنین علی علیه السلام آمد و گفت: درحالی که روزهدار هستم، آیا همسر خود را ببوسم؟ فرمود: روزه خود را نگهدار چه آنکه ابتدا و مقدمه قتال، سیلی زدن بر یکدیگر می باشد. (4)

6. علل الشرایع: حنان ابن سدیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا روزه دار خود را در آب بشوید یا نه؟ فرمود: اشکالی ندارد ولی زیر آب نرود و زن اصلا در آب خود را نشوید زیرا او آب را با عضو پیشینش (فرج) حمل میکند.(5)

7. معانی الاخبار: انس گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود: مردی که از پشت به قامت زنی نگاه کند و او را تماشا کند، آن طور که حجم اندام وی را از

1- . الخصال 1 : 159
2- . امالی صدوق : 38 و المحاسن : 10
3- . امالی طوسی 1 : 168

4- . علل الشرايع 2 : 73
5- . علل الشرايع 2 : 73

پشت لباسش برایش آشکار شود، در حالی که روزه دار باشد، مسلّما روزه اش را افطار نموده است.

یعنی به سبب برانگیختن خواسته های نفس و کشش اراده، خود را در معرض خطر گناه قرار داده و خود را برای باطل نمودن روزه مهیا کرده است. (1)

8. ثواب الاعمال: حسن ابن صدقه گوید: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هنگام ظهر خواب قیلوله کنید؛ زیرا به راستی، خداوند روزه دار را در خوابش غذا می خوراند و سیراب می کند. (2)

9. ثواب الاعمال: یونس ابن یعقوب از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر که در حال روزه داری در آغاز روز با عطر خویشتن را خوشبو سازد، خردش از کف نرود. (3)

10. قصص الانبیاء: موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: لقمان به پسرش گفت: ای پسرم آنقدر روزه بگیر که شهوت تو کم شود، امّا نه آنقدر که تو را از نماز باز دارد، چون نماز نزد خدا از روزه بزرگتر است.

11. المحاسن: عمر ابن یزید گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: اگر بنده ای کار خود را خوب انجام دهد، خداوند متعال عمل او را چندین برابر می گرداند و برای هر نیکی هفتصد برابر پاداش می دهد و این همان سخن باری تعالی است که می فرماید: «وَاللّه یضَاعِفُ لِمَن یشَاءُ»، (4) {و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می کند.} بنابراین کارهایی را که برای کسب ثواب از جانب خدا انجام می دهید، خوب انجام دهید. به او گفتم: چگونه خوب انجام دهیم؟ - گفت:- فرمود: وقتی نماز گزاردی، پس رکوع و سجود خود را خوب انجام بده و هنگامی که روزه گرفتی، پس از هر آنچه که موجب تباهی روزه ات می شود دوری گزین؛ و هر گاه حج گذاردی، پس از هر آنچه که در حج و عمره بر تو حرام شده دوری

1- . معانی الاخبار : 410
2- . ثواب الاعمال : 47

3- . ثواب الاعمال: 48
4- . بقره / 261

گزین. فرمود: هر کاری که انجام می دهی باید خالی از هر گونه ناپاکی و آلودگی باشد. (1)

12. صحیفه امام رضا: امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل میکند که علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: سه چیز است که هریک از شما روزهدار است، نباید خود را در معرض آن ها قرار دهد: حجامت، حمام و زن زیبا. (2)

13. فقه امام رضا: بدان! خدا به تو رحم کند که روزه حجابی است که خداوند آن را بر زبانها و گوشها و چشمها و دیگر اعضا زده است، چراکه معمولا روزه راز نهفته دارد و آن حقیقت را پاک میکند تا اینکه به وسیله آن از آتش جهنم پوشیده شود. و خداوند بر هر عضو حقی برای روزه نهاده است، پس هر کس حق آن عضو را ادا کند، روزهدار (واقعی) است و هر کس چیزی از آن حق را ترک کند، از فضیلت روزهاش به اندازهای که از آن ترک کرده، کاسته میشود.

و روایت شده که شخص روزهدار اجازه دارد همسرش را ببوسد و بهتر از آن این است که از چنین کاری پرهیز کند. امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: آیا یکی از شما شرم نمیکند که تا شب صبر نماید، چه آنکه گفته شده: ابتدا و مقدمه قتال، سیلی زدن بر یکدیگر می باشد.

14. فقه امام رضا: از یکی از اجدادمان روایت میکنیم که فرمود: هرگاه روزه گرفتی باید گوش، چشم، پوست و موهایت روزه باشد، و در روزهات از بوسه و جماع بپرهیز.

15. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: محمد ابن مسلم از امام صادق روایت میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه روزه گرفتی باید گوش، چشم و پوست تو روزه باشد - و چیزهایی غیر از اینها را برشمرد - سپس فرمود: روزی که روزهدار هستی نباید مانند روزی باشد که روزهدار نیستی. (3)

16. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: جراح مدایینی گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر گاه روزه گرفتی گوش و چشم تو از حرام و اعضا و اندامهایت نیز

1- . المحاسن : 254
2- . صحیفه امام رضا : 13
3- . حر عاملی این حدیث را در «الوسایل» شماره 13134 تخریج کرده است.

باید از ارتکاب کارهای زشت روزه باشد، و در این حال از ناسزاگویی و آزار خدمتکار بپرهیزی، و بر تو است که سنگینی و وقار روزه دار را داشته باشی، و تا میتوانی سکوت اختیار کن مگر اینکه به ذکر خداوند زبان بگشایی، و آن روزی که روزه هستی را با روزی که روزه نیستی یکسان قرار نده و برحذر باش از جماع کردن، بوسیدن، قهقهه زدن در هنگام خنده، زیرا خداوند از آن اعمال بیزار است.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: همانا روزه فقط امساک از خوردنی و نوشیدنی نیست، بلکه روزه شرطی دارد که لازم است مراعات گردد تا روزه به اتمام برسد و آن سکوت درون است؛ آیا سخن مریم بنت عمران را نشنیدهای که گفت: «إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُکَلِّمَ الْیَوْمَ إِنسِیًّا»،(1) {برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی گویم. } یعنی سکوت.

پس هرگاه روزه گرفتید زبانتان را از دروغ پاس بدارید و چشم از محرمات بپوشانید و با یکدیگر نزاع نکنید و به یکدیگر حسد نبرید و غیبت یکدیگر را نکنید و با یکدیگر گلاویز نشوید و دروغ نگویید و با همسرانتان همبستر نشوید و با یکدیگر ضدیت نکنید و بر یکدیگر خشم نگیرید و به همدیگر دشنام ندهید و ناسزا نگویید و با یکدیگر سرد نشوید و با هم مجادله نکنید و همدیگر را اذیت نکنید و ظلم نکنید و یکدیگر را احمق ندانید و همدیگر را ناراحت نکنید و از ذکر خداوند و از نماز غافل نمانید.

و سکوت و بردباری و شکیبایی و صبر و راستگویی اختیار کنید و از اهل شر دوری کنید و از سخن باطل و دروغ و تهمت و دشمنی و سوء ظن و غیبت و سخن چینی اجتناب کنید.

به یاد آخرت و در انتظار روز مرگتان باشید و منتظر آنچه خداوند به شما وعده داده باشید و برای دیدار خداوند توشه برگیرید و بر شما باد آرامش و متانت و فروتنی و خضوع، همانند ذلت بَرده ترسو در مقابل سرورش باشید، درحالی که طالب خیر و ترسان و امیدوار و هراسان و وحشت زده و راغب و ترسان باشید، به طوری که قلبتان از عیبها پاک شود و درونتان از خباثت مقدس و پاک گردد و

1- . مريم / 26

بدن از چرک و آلودگی تمیز گردد و از دشمنان خدا اعلام بیزاری کنید و در روزه خود با سکوت، از همه نظر با خداوند دوستی کنید، یعنی از آنچه خداوند در نهان و آشکار شما را از آن نهی کرده است؛ و در نهان و آشکارتان به گونهای که شایسته خداوند است از او بترسید. در ایام روزه نفس خویش را به خداوند هدیه کنید و قلب خود را برای خداوند خالی کنید و نفس خویش را در آنچه به تو امر کرده و شما را بدان دعوت کرده، قرار بدهید.

پس هرگاه این کارها را انجام دادید به معنای واقعی روزهدار هستید و آنچه به شما امر فرموده را انجام دادهاید. هر چقدر از آن چیزی که برایتان بیان نمودم کم کنید، به همان اندازه از کمال روزه شما کاسته میشود.

و پدرم فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنید که زنی به کنیزش دشنام میدهد درحالی که روزهدار بود. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غذایی خواست و به آن زن گفت: بخور! زن گفت: ای رسول خدا من روزهام. پیامبر فرمود: چطور روزهای درحالی که به کنیزت دشنام دادی؟ روزه فقط امساک از خوردنی و نوشیدنی نیست. در حقیقت خداوند روزه را پردهای در مقابل دیگر کردارها و گفتارهای ناپسندی قرار داده است که روزه روزهدار را باطل میکند. چقدر روزهداران کمند و چقدر گرسنگان زیادند. (1)

17. مؤلف: سید در کتاب سعد السعود گفته است: من در صحف ادریس آن را یافتم:

هرگاه وارد ماه روزه شدید، نفسهایتان را از هر گونه آلودگی و نجاست پاک کنید، و با قلبهای خالص و صاف که از افکار بد و دغدغههای ناشایست پاک شده، برای خداوند روزه بگیرید، چراکه خداوند قلبهای آغشته (به ناپاکی) و نیتهای ناخالص را حبس میکند و همراه با روزه دهانهایتان، باید اعضایتان از گناهان روزه باشد زیرا خداوند راضی نیست برای شما که فقط از غذاها روزه بگیرید بلکه باید از همه منکرات و همه ناپسندها روزه باشید.

1- . حر عاملی این حدیث را در «الوسایل» در شماره 13135 تخریج کرده است.

18. الاختصاص: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزهدار در حال عبادت است حتی اگر بر بستر خوابیده باشد، مادامی که مسلمانی را غیبت نکند.

19. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر از پدارنش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بنده ای نیست که در حال روزه صبح کند و دشنام داده شود و در جواب بگوید: من روزه دارم، سلام بر تو! جز آنکه خدای تبارک و تعالی فرماید: بنده ام از بنده دیگرم به روزه پناهنده شد، او را به بهشت برید. (1)

20. دعوات راوندی: امام صادق علیه السلام فرمود: افطار کردن با آب، گناهان قلب را میشوید. و فرمود: هر که در حال روزه داری در آغاز روز با عطر خویشتن را خوشبو سازد، خِرَدش از کف نرود.

21. کتاب الغارات: ابن نباته گوید: امیر المومنین علی علیه السلام در یکی از خطبههایش فرمود: روزه دوری کردن از محرمات است، همان طور که شخص از خوردنی و آشامیدنی خودداری میکند.

22. نهج البلاغه: بسا روزه داری که بهره ای جز تشنگی از روزه خود ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری خود چیزی جز رنج و بی خوابی به دست نیاورد. خوشا خواب زیرکان و افطارشان. (2)

23. مجالس شیخ: جراح مداینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: همانا روزه فقط امساک از خوردنی و نوشیدنی نیست. سپس فرمود: مریم علیه السلام فرمود: «إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»،(3) {برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام.} یعنی سکوت. پس هرگاه روزه گرفتید زبانتان را نگاه دارید و چشم از محرمات بپوشانید و با یکدیگر نزاع نکنید و به یکدیگر حسد نبرید.

و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنید که زنی به کنیزش دشنام میدهد درحالی که روزهدار بود. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غذایی خواست و به آن زن گفت: بخور! زن گفت: ای رسول خدا من روزهام. پیامبر فرمود:

1- . نوادر راوندی : 19
2- . نهج البلاغه : حکمت 145
3- . مریم / 26

چطور روزهای درحالی که به کنیزت دشنام دادی؟ همانا روزه فقط امساک از خوردنی و نوشیدنی نیست. (1)

24. اسرار الصلاۀ: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بسا روزه داری که بهره ای جز گرسنگی و تشنگی از روزه خود ندارد.

25. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: روزه ماه رمضان در هر سال فرض است، و مهمترین چیزی که فریضه روزهاش با آن کامل میشود، عزیمت از جانب قلب مؤمن برای روزه با نیتی صادق، و ترک خوردن و آشامیدن و جماع کردن در تمام روز است و اینکه در روزهاش همه اعضایش را از محرمات خداوند، یعنی پروردگارش محافظت کند و با همه این کارها در پی نزدیکی و تقرب به خداوند باشد، پس هرگاه این کارها را انجام داد، فریضهاش را به انجام رسانیده است.

و از ایشان از پدرانش از فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: روزه روزهدار به چه دردش می خورد اگر زبان، گوش، چشم و اعضای بدنش را محافظت نکند.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: روزه کسی که از امام نافرمانی کند پذیرفته نمیشود، و روزه بردهای که از اربابش گریخته باشد مورد قبول واقع نمیشود مگر به نزد او بازگردد، و روزه زنی که از شوهرش اطاعت نکند پذیرفته نیست مگر توبه کند، و روزه فرزندی که عاق پدر و مادر است قبول نمیشود، مگر به آنها نیکی کند. (2)

26. هدایه: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه روزه گرفتی باید گوش، چشم، دامن، و زبانت نیز روزه باشد و چشمت را از آنچه نگریستن بدان حلال نیست، ببندی و گوشهایت را از آنچه شنیدن آن حلال نیست ببندی و زبانت را از دروغ و ناسزاگویی بازداری.

1- . در منبع چاپ شده این حدیث را نیافتیم.
2- . دعائم الاسلام : 268

و روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد که روزهدار عطر را بو کند مگر اینکه پودر باشد زیرا به مغز او میرسد.

و روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد که روزهدار در گوش خود روغن بچکاند.

و روایت شده که از امام صادق علیه السلام در باره روزهدار سؤال شد که آیا برای او جایز است که دارو به بینی خود بریزد یا حقنه کند. فرمود: جایز نیست.

و روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: روزهدار هر وقت در روز بخواهد، مسواک میکند.

و روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد که با صبر و صمغ صنوبر و سرمه، چشمانش را سرمه بکشد مادامی که مشک نباشد. و همچنین روایت شده که استعمال مشک نیز اجازه داده شده است زیرا بر اصل زبانش ظاهر میگردد.

و روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد که روزهدار مضمضه کند و آب در بینی خود بکشد، چه در رمضان و چه غیر رمضان؛ پس اگر مضمضه کرد، آب دهانش را قورت ندهد تا سه بار بزاق تراوش کند.

27. کتاب امامه و تبصره: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرش از پدرانش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه بسا شب زنده داری که از شب زنده داری خود فقط بی خوابی به دست آورد. و چه بسا بهره روزهداری از روزهاش فقط تشنگی باشد.

28. مجازات نبوی: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روزه سپر است تا زمانی که آن را سوراخ نکند.

این جمله استعاره است بدین گونه که ایشان تشبیه کرده است، روزهای را که در مقابل گزندهای عذاب و بلایای مُجازات الهی روزه دار را میپوشاند، هرگاه نیت را برای آن خالص کند و درونش را در آن اصلاح کند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را که در روزهاش از لغزشها

خودداری کرده و از گفتار و کردار گناهآلود پرهیز میکند، به شخصی تشبیه نموده است که این پرده و پوشش را محافظت کرده

ص: 364

و آن را پاس داشته است و کسی را که از هواهای نفسانی تبعیت کرده و نفسش را در معرض هلاکت و نابودی قرار داده، به شخصی تشبیه کرده که این سپر و پوشش را سوراخ کرده و آن را پاره کرده است. پس به گونهای شده که هیچ یک از اعضا و اندام را حفظ نمی کند. و این تشبیه از زیباترین تمثیلها و تاثیرگذارترین تشبیهها می باشد. (1)

1- . مجازات نبوی : 202

باب سی و هفتم : آنچه که با آن هلال ماه ثابت میشود و اینکه ماه رمضان ناقص میشود یا نه، و حکم روزه یوم الشک

1. قرب الاسناد: علی از برادرش نقل میکند که از او در باره شخصی پرسیدم که در ماه رمضان خود به تنهایی هلال را رؤیت میکند و کسی غیر از او هلال را نمیبیند، آیا روزه بگیرد؟ فرمود: اگر در آن شک نداشته باشد روزه بگیرد، در غیر این صورت با مردم روزه بگیرد. (1)

2. الخصال: مسلم ابن هراء از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: ماه رمضان سی روز است، به خدا هرگز کم نباشد. (2)

3. الخصال: یاسر خادم گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ماه رمضان بیست و نه روز می شود؟ فرمود: تردیدی نیست که ماه رمضان از سی روز کم نمیشود. (3)

4. الخصال: ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عزّ و جلّ «وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ»،(4) {تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید.} پرسیدم. فرمود: سی روز است. (5)

1- . قرب الاسناد : 136
2- . الخصال 2 : 106
3- . الخصال 2 : 107
4- . بقره / 185
5- . الخصال 2 : 107

5. الخصال: امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی فرمود: ماه رمضان سی روز است، برای آنکه خدای عز و جل میفرماید: «وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ»، (1) {تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید.} و کامل، تمام است. (2)

صدوق گوید: مذهب خواص شیعه و اهل بصیرت آنها در باره ماه رمضان این است که هرگز از سی روز کمتر نیست. اخباری هم که در این باب وارد شده موافق با قرآن و مخالف با عامه است. هر کس از شیعیان ضعیف العقیده به مضمون اخباری قائل شده که ماه رمضان همچون ماههای دیگر سی کم و سی تمام دارد تقیه کرده چنانچه عموم مردم هم در این باب تقیه می کنند و همانا بر مذهب عامه سخن رانده است. توانایی نیست جز به خدا.

6. الخصال: اسماعیل ابن مهران گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: به خدا قسم که خدا تکلیف نکرده است بندگان خود را مگر کمتر از آنچه توانایی دارند؛ در شبانه روز فقط پنج نماز به آنها تکلیف کرده است و در هر هزار درهم پول نقره، بیست و پنج درهم زکات به آنها تکلیف کرده و در مدت یک سال، سی روز روزه به آنها تکلیف کرده و در عمر، یک بار حج به آنها تکلیف کرده است، با اینکه بیش از اینها توانایی دارند. (3)

7. الخصال: در روایت اعمش از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: روزه ماه رمضان واجب است، چون ماه رؤیت شد روزه گیرند و چون ماه شوال رؤیت شد افطار کنند. (4)

عیون الاخبار: در نامهای که امام رضا علیه السلام برای مامون نوشت این حدیث ذکر شده است. (5)

8. معانی الاخبار: محمّد ابن یعقوب ابن شعیب گوید: پدرم گفت: به امام صادق علیه السّلام عرضه داشتم: مردم روایت می کنند که: پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله و

1- . بقره / 185
2- . الخصال 2 : 107
3- . الخصال 2 : 107

4- . الخصال : 152
5- . عيون الاخبار 2 : 124

سلم در طول زندگیش، ماه رمضان هایی که بیست و نه روز روزه گرفت، بیشتر از ماه رمضان هایی بوده که سی روز، روزه گرفته است. فرمود: دروغ گفته اند. پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله روزه نگرفت مگر کامل، و واجبات ناتمام نمی شود. قطعا خداوند سال را سیصد و شصت روز آفریده، و آسمانها و زمین را در شش روز آفریده، پس آن شش روز از سیصد و شصت روز منها شده است و سال سیصد و پنجاه و چهار روز شده، و ماه رمضان سی روز است، به دلیل فرموده خدای عزّ و جلّ «وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ»، (1) {تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید.} کامل، تمام است و ماه شوّال بیست و نه روز و ماه ذوالقعده سی روز می باشد، به دلیل فرموده خدای عزّ و جلّ «وَ واعَدْنا مُوسى ثَلاثِينَ لَيْلَةً»،(2) {و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم.} پس ماه چنین است، بنابراین یک ماه تمام است، و ماه دیگر ناقص و ماه رمضان همیشه تمام است و هرگز از سی روز کم نمی شود، و ماه شعبان همیشه ناتمام است و هرگز سی روز نمی شود. (3)

9. المحاسن: محمد ابن سلیمان از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شش چیز است که خداوند برای من ناپسند دانسته است و من برای امامان از فرزندانم علیهم السلام ناپسند می دانم و امامان نیز برای پیروانشان ناپسند می دارند: بازی کردن در نماز، منت نهادن در صدقه، رفث در هنگام روزه، خندیدن در گورستانها، سرکشیدن به خانههای مردم و آمدن به مساجد در حال جنابت. او گوید: عرض کردم: رفث در روزه به چه معنا است؟ فرمود: آنچه خداوند در این آیه برای حضرت مریم علیه السلام ناپسند داشته است: «اِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا»،(4) {برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی گویم.} او گوید: عرض کردم: از چه چیزی سکوت کرد؟ فرمود: از دروغ گفتن.

1- . بقره / 185
2- . اعراف / 142
3- . معانی الاخبار : 382
4- . مریم / 26

10. فقه امام رضا: ماه رمضان سی روز و بیست و نه روز است و به مانند دیگر ماهها کامل و ناقص میشود و فریضه کامل است و هرگز کم نمیشود، همان طور که روایت شده است. بدین معنا که فریضه واجب در آن کامل است و آن یک ماه است که گاهی سی روز و گاهی بیست و نه روز میشود و هرگاه در روزی تردید داشتی و نمیدانی آن روز از جمله ماه رمضان است یا ماه شعبان، روزه بگیر؛ پس اگر از ماه شعبان باشد، ضرر نکردهای و اگر از جمله ماه رمضان باشد، روزه ات در رمضان واقع شده، در غیر این صورت بنگر که سال گذشته چه روزی را روزه گرفتی و از آن پنج روز را محاسبه کن و روز پنجم را روزه بگیر.

و روایت شده که هرگاه پیش از شفق، هلال پنهان شد، آن هلال یک شبه است و اگر پس از شفق پنهان شد هلال دو شبه است و اگر سایه سر خود را در آن مشاهده کردی سه شبه است و هرگاه در هلال ماه شوال شک کردی و آسمان ابری شد، پس سی روز روزه بگیر و سپس افطار کن.

11. تفسیر عیاشی: ابو عُمیر، از مردی روایت می کند که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: جانم فدای شما باد. در میان ما گفته می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از آن که سی روز روزه گرفته باشد، بیست و نه روز روزه گرفته؛ آیا درست است؟ حضرت پاسخ داد: خداوند، هیچ وقت، کمتر از این مدت را نگفته است و پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه جز سی روز روزه نگرفته است، زیرا خداوند می فرماید: «وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ»، (1) {تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید.} پس آیا (قابل باور است که) رسول الله صلی الله علیه و آله از آن بکاهد؟! (2)

12. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام پیرامون تفسیر آیه: «ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيلِ»،(3)

{سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید.} روایت می کند که فرمود: «منظور، روزه ماه رمضان است؛ پس هر کس هلال ماه را در روز ببیند، باید روزه اش را تا شب تکمیل کند. (4)

1- . بقره / 185
2- . تفسیر عیاشی 1 : 82

3- . بقره / 187
4- . تفسیر عیاشی 1 : 84

13. تفسیر عیاشی: زید ابن ابی اسامه روایت می کند که فرمود: از امام صادق علیه السلام پیرامون معنای أهِلَّه (هلال ماه ها) پرسیده شد و حضرت فرمود: آنها ماه ها هستند. پس هرگاه هلال ماه (رمضان) را دیدی، روزه بگیر و هرگاه در پایان ماه آن را مشاهده نمودی، افطار کن. راوی می گوید: به حضرت عرض کردم: اگر آن ماه، بیست و نه روز بود، آیا باید قضای آن روز را به جای آوریم؟ حضرت پاسخ داد: خیر، جز در صورتی که سه نفر عادل شهادت بدهند که هلال ماه رمضان را پیش از آن دیده اند، که در این صورت باید آن روز را که روزه نگرفته اید قضا کنید.

14. تفسیر عیاشی: زیاد ابن مُنذر روایت می کند که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هنگامی که مردم روزه می گیرند روزه بگیر و هنگامی که مردم افطار می کنند افطار کن؛ چرا که خداوند، هلال های ماه را وسیله تعیین ماه ها قرار داد. (1)

15. تفسیر عیاشی: محمد حلبی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در باره این فرموده خدا: «وَ وَاعَدْنَا مُوسَی ثَلاَثِینَ لَیْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ»،(2)

{و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با دَه شب دیگر تمام کردیم.} فرمودند: در ده شب از ذی الحجهای که ناقص است (بیست و نه روز است) تا این که به ماه شعبان رسید، پس فرمود: ناقص است و به اتمام نمی رسد. (3)

16. تفسیر عیاشی: ابو خالد واسطی نقل کرده است که گفت: در روز شک (بین ماه شعبان و ماه رمضان) نزد امام باقر علیه السلام آمدم. سفره ای گسترده دیدم و او از آن غذا می خورد و ما می خواستیم از او سؤال کنیم. فرمود: به غذا نزدیک شوید، اگر برای چنین روزی سببی برای روزه در این روز ثابت نشد، روزه نگیرید.

سپس فرمود: پدرم، امام سجاد علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام این حدیث را برایم نقل کرد که فرمود: همانا رسول خدا که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، هنگامی که بیماری بر او شدت گرفت، فرمود: ای مردم! بی گمان سال، دوازده ماه است و از جمله آن چهار ماه حرام است. سپس در حالی که با

1- . تفسیر عیاشی 1 : 86
2- . اعراف / 142
3- . تفسیر عیاشی 2 : 25

دستش اشاره می کرد، فرمود: رجب مفرد و ذی قعده و ذی حجه و محرم، سه ماه پشت سر هم. آگاه باشید که این ماه واجب، ماه رمضان است. پس با رؤیت هلال آن روزه بگیرید، و با رؤیت هلال ماه (شوال) افطار کنید. اگر هلال دیده نشد، عده ماه شعبان را به مدت سی روز کامل کنید، و روز سی و یکم را روزه بگیرید و با دستش فرمود: یک و دو و سه، سپس انگشت شصتش را تا کرد. سپس فرمود: ای مردم! ماهی اینطور و ماهی اینطور!.

و علی علیه السلام فرمود: بیست و نه روز با رسول خدا که سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، روزه گرفتیم و آن را به اتمام نرسانیدم و وی آن را روزه کامل دانست. (1)

17. دعائم الاسلام: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: فریضه روزه انجام نمیگیرد مگر با اعتقاد و نیت، و کسی که با شک و تردید روزه بگیرد مرتکب معصیت شده است.

و از ابی جعفر ابن محمد ابن علی علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر یک روز از ماه رمضان را بخورم در نزدم خوشایندتر است از اینکه یک روز از شعبان را روزه بگیرم و آن را به رمضان اضافه کنم.

یعنی آن روز را روزه بگیرد و نداند که از ماه رمضان است و قصد کند که از رمضان باشد که این امر واجب نیست، زیرا به منزله کسی است که در یکی از فریضهها چیزی افزوده است که این افزودن و کم کردن در آن جایز نیست و اما کسی که در اول ماه رمضان شک دارد، شایسته است روزی را که بدان یقین ندارد که از رمضان باشد، روزه مستحب بگیرد به این اعتبار که از ماه شعبان است. پس اگر پس از آن بداند که آن روز از رمضان بوده، یک روز را به جای آن قضا میکند، زیرا او آن روز را روزه مستحب گرفته، پس در این حالت دو اجر برای اوست و نباید روزه روزی را که معتقد است از جمله رمضان است عمداً بخورد و شاید پس از خوردن روزه متوجه شود که روزه یک روز از رمضان را خورده است.

1- . تفسیر عیاشی 2 : 88

و این برای کسی است که همراه با امام نباشد، اما کسی که با امام باشد یا به گونهای باشد که دستور امام به او برسد، امام مسئولیت این کار را از دوش او برمیدارد بدین صورت که: با روزه امام روزه میگیرد، و با افطار او افطار میکند. پس امام در این مسئله نظر میکند و به صورتی شایسته بدان اهتمام میورزد و در همه امور دین مینگرد، اموری که خداوند مسئولیت نظر کردن بدان را بر عهده او گذاشته است و امام روزه نمیگیرد و افطار نمیکند و مردم را بدان دستور نمیدهد مگر اینکه به کارش یقین دارد و امر برای او ثابت است، صلوات خدا بر او و بر همه امامان علیهم السلام که حافظ امور دنیا، دین و اسلام و مسلمانان هستند. (1)

18. هدایه: امام صادق علیه السلام فرمود: روزه گرفتن با رؤیت ماه و افطار کردن با رؤیت ماه است و با رأی و گمان نیست و رؤیت این نیست که یک نفر یا دو نفر یا پنجاه نفر هلال را ببینند.

و فرمود: تکلیف اهل قبله در شناخت حلول ماه جز رؤیت نیست و تکلیف مسلمین جز رؤیت نیست.

و امام صادق فرمود: وقتی که هلال ماه رجب به نحو صحیح رؤیت شد، پس پنجاه و نه روز را بشمار و روز شصتم را روزه بدار. روایت شده که هرگاه پیش از شفق، هلال پنهان شد، یک شبه است و اگر پس از شفق پنهان شد دو شبه است و اگر سایه سر خود را در آن مشاهده کردی سه شبه است.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر در روزه ماه رمضان شک کردی، پس بنگر که سال گذشته چه روزی را روزه گرفتی و از آن پنج روز را محاسبه کن و روز پنجم را روزه بگیر.

و امام صادق علیه السلام فرمود: در رؤیت هلال ماه جز شهادت پنجاه مرد به عدد قسامه (گروهی که بر چیزی سوگند خورند و به آن پایبند باشند) اگر در شهر باشند، و شهادت دو مرد عادل اگر بیرون از شهر باشند، چیز دیگری قبول نمیشود و شهادت زنان در طلاق و رؤیت هلال ماه قبول نمیشود.

1- . دعائم الاسلام : 272

19. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: سهل بن سعد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: روزه با رؤیت است و افطار با رؤیت است، و کسی که پیش از رؤیت، با استناد به رؤیت کسی که هلال با رؤیت او ثابت نشده است روزه بگیرد، یا افطار کند، از ما نیست.

سهل گفت: گفتم: یا ابن رسول اللَّه، پس نظر شما در باره یوم الشّکّ چیست؟ فرمود: پدرم از جدّم از پدرانش علیهم السّلام برای من حکایت کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: قطعا اگر روزی از ماه شعبان را روزه بدارم، برای من خوشایندتر از آن است که روزی از ماه رمضان را افطار کنم.

مصنّف این کتاب گفت: و این حدیثی غریب است که آن را جز از طریق همین سند نمیشناسم و آن را جز از علی ابن احمد نشنیدهام.

و نیز در کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: امیرمومنان علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که فحشا و تظاهر و خودنمایی زیاد میشود و پرده محارم دریده شده و زنا آشکار می گردد و اموال یتیمان حلال شمرده می شود و ربا خورده و در پیمانه و وزن کم گذاشته می شود و شراب با نام نبیذ و رشوه با نام هدیه و خیانت با نام امانت داری حلال شمرده می شود و مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان می شوند و حدود نماز سبک شمرده شده و برای غیر خدا حج به جا آورده می شود.

هنگامی که آن زمان فرا رسد، گاه، هلالها پرحجم میشود به طوری که هلال دو شبه دیده میشود و گاهی مخفی می شود. به طوری که در آغاز ماه رمضان افطار و در پایان آن روز (عید) روزه گرفته می شود. پس در این هنگام بر حذر باشید! بر حذر باشید! از این که خداوند شما را در حال غفلت و بی خبری گرفتار عذاب کند؛ زیرا پس آن وضعیت، مرگ فراگیر خواهد بود و مردم با سرعت و پی در پی ربوده می شوند به طوری که انسان هنگام صبح سالم و هنگام شب در زیر خاک مدفون و یا شب زنده و صبحگاهان مرده است.

وقتی آن زمان فرا رسید، واجب است پیش از نزول بلا در وصیت پیش دستی کرد و واجب است نماز در اول وقت آن از بیم از دست دادن آن در پایان وقت.

هرکس از شما به آن زمان رسید، شب را جز با طهارت سپری نکند و اگر می تواند در هر حالی با طهارت باشد، این کار را انجام دهد؛ زیرا همیشه بیمناک است و نمی داند چه وقت فرستاده خدا برای گرفتن جانش می آید. به تحقیق من شما را بر حذر داشتم اگر بر حذر شوید و شما را شناساندم اگر بشناسید و موعظه کردم اگر پند گیرید. پس در پنهان و آشکارا از خدا بترسید و نمیرید مگر در حالی که مسلمان هستید: و هرکس آیینی غیر از اسلام را برگزیند، هرگز از وی پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیانکاران است.

و نیز از آن کتاب: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که هلال ماه رجب به نحو صحیح رؤیت شد، پس پنجاه و نه روز را بشمار و روز شصتم را روزه بدار.

ص: 374

مؤلف: در کتاب دعا، در باب دعاهای ماه رمضان، احادیث مربوط به این موضوع را ذکر کردیم پس آن را به یاد بیاور و در اینجا بابهای دعاهای ماه رمضان به صورت مشروحتر خواهد آمد.

1. جمال الاسبوع: حضرت فرمود: برای کسی که روزه میگیرد مستحب است که با این دعا پیش از افطار هفت مرتبه دعا کند.

مؤلف: در کتاب «دعوات» دیدم که آمده بود: روزهداری نیست که پیش از افطارش هفت مرتبه این دعا را بخواند مگر اینکه خداوند گناهش را ببخشاید و هم و غم او را رفع کند و او را از ناراحتی بیرون آورد و نیازش را برطرف کند و در خواستهاش او را توفیق دهد و عمل او را همراه با اعمال پیامبران و صدیقان بالا ببرد و در روز قیامت میآید درحالی که چهرهاش از ماه شب چهارده نورانیتر است.

«خدایا! ای پروردگار نور بزرگ و کرسی بلند و عرش بزرگ و پروردگار دریای خروشان و پروردگار جفت و تاق و پروردگار تورات و انجیل و زبور، و ای پروردگار تاریکی و روشنایی و ای پروردگار سایه و شعاع آفتاب، و ای پروردگار قرآن عظیم، تویی معبود هر کس که در آسمانها است و معبود هر کس که در زمین است، و جز تو معبودی در آنها نیست، و تویی قاهر و مسلط بر هر که در آسمانها و هر که در زمین است، و جز تو قاهری در آنها نیست و تویی خالق هر که در آسمانهاست و هر که در زمین است و جز تو خالقی در آنها نیست؛ و تویی پادشاه هر کس که در آسمانها است و پادشاه هر که در زمین است و جز تو پادشاهی در آنها نیست. از تو میخواهم به حق نام بزرگت و به نور ذات درخشانت، و عظمت و پادشاهی دیرینه ات، به راستی که تو بر انجام هر چیز توانایی. از تو میخواهم به حق

آن نامت که نور حجابهایت را برای آن تاباندی و بدان نامت که پیشینیان بدان شایستگی یافتند و پسینیان بدان شایسته گردند.

ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده پس از هر زنده، ای زنده زنده کننده اموات، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست. درود بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز گناهان ما را، و نیازهای ما را رفع کن و آنچه در امر دنیا و آخرت برای ما مهم است، ما را بسنده کن و در کار ما آسانی و گشایشی نزدیک مقرر فرما، و ما را بر هدایت محمد و خاندان محمد پا بر جا و ثابت قدم بدار، و برای هر غم و غصه و تنگی گشایشی قرار بده و دعای ما را در فراز و جایگاه پذیرفته و مورد رحم قرار گرفته، بگذار، و به من ببخشای آنچه را به مردمان فرمانبردارت بخشودی زیرا که ما به تو ایمان داریم و به درگاه تو انابه میکنیم و بر تو توکل میکنیم و بازگشتمان به سوی تو است.

خداوندا هر آنچه خیر و خوبی است برای ما گرد آور، و هر آنچه بدی است همه را از ما بازگردان، همانا تویی مهر پیشه و نعمت بخش، پدید آورنده آسمانها و زمین، خیر و خوبی را به هر که خواهی عطا فرمایی و آن را از هر که خواهی برگردانی، پس به ما از آن مرحمت کن و به خاطر آن بر ما منت بنه، ای مهربانترین مهربانان. ای الله، ای رحمان و ای رحیم، ای صاحب جلال و کرم، ای الله، تو خداوندی هستی که چیزی شبیه او نیست، ای خدایی که از هر بخشندهای که از او درخواست شود، بخشنده تر هستی و ای بزرگوارتر از هر کسی که عطا می کند و ای رحیمتر از هر کسی که از او درخواست رحم شود، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به ناتوانی من و بیچارگیام رحم کن، همانا تو مورد اطمینان و نقطه امید من هستی و با بهشت بر من منت بگذار و مرا از آتش جهنم معاف بدار، به رحمت و مهربانیات ای مهربانترین مهربانان. (1)

2. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سحری خوردن مایه برکت است. (2)

1- . جمال الاسبوع : 186 - 189
2- . نوادر راوندی : 35

3. مجالس شیخ: امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت میکند که امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: بهترین سحری برای روزهدار، خوردن سویق است با خرما.(1)

4. دعائم الاسلام: علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: سحری بخورید حتی اگر یک جرعه آب باشد و افطار کنید حتی اگر با نیم دانه خرما باشد، (زمانی که وقت افطار فرا میرسد).

و فرمود: سحری خوردن مایه برکت است و خداوند فرشتگانی دارد که بر کسانی که در هنگام سحر از گناهان آمرزش میطلبند، و سحری خورندگان درود میفرستند و خوردن سحری وجه تمایز ما با دیگر ملتها و آیینها است.

و از ایشان روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند آیه «وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (2) {و بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود.} نازل شد، مردم دو رشته سفید و سیاه را گرفته و نگاه میکردند و پیوسته میخوردند و میآشامیدند تا رشته سفید از رشته سیاه برای آنها آشکار شود. پس خداوند مقصود خود را از این سخن بیان نمود و فرمود: از رشته صبحدم.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: فجر (صبحگاه) سفیدی پهن شده است، یعنی سفیدی که در هنگاه صبح در افق مشرق ظاهر میشود و فجر دو نوع است: فجر اول دم گرگ (فجر کاذب) است و آن نوری ساده و نازکی است که از افق مشرق بالا میرود مانند نور چراغ، بدون پهن شدن. این فجر چیزی را حرام نمیکند تا اینکه آن نور از سمت راست و چپ افق پهن گردد و آن صبح صادق گسترده است که غذا و هر آنچه را که بر روزهدار حرام است، حرام میکند. (3)

5. هدایهٔ: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خورشید غروب کرد نماز واجب میگردد و افطار داخل میشود.

و امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه در هر شب ماه رمضان افطار کردی این دعا را بخوان: سپاس برای خداوندی که ما را یاری داد تا روزه گرفتیم، و ما را

1- . امالی طوسی 1 : 376
2- . بقره / 187
3- . دعائم الاسلام 1 : 271

روزی داد تا افطار نمودیم، خداوندا این روزه را از ما بپذیر و ما را بر ادامه آن یاری بفرما، و ما را به سلامت دار و عبادتهایمان را به سهولت و عافیت از جانب خود پذیرا باش. و سپاس برای خداوندی که ما را به انجام روزه روزی از ماه رمضان موفق داشت.

امام صادق علیه السلام فرمود: در هر شب از ماه رمضان این را دعا را میخوانی: خدایا ای پروردگار ماه رمضان که در این ماه قرآن را نازل فرمودی و روزه را بر بندگانت واجب گرداندی، بر محمد و آله محمد درود بفرست و حج بیت الحرام خود را در این سال و در همه سالها به من روزی فرما و این گناهان بزرگ مرا ببخشای چرا که غیر از تو کسی گناهانم نمیآمرزد ای بخشنده. و فرمود: هر کس این دعا را بخواند گناهان چهل سال او آمرزیده میشود.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر مردم سحری میخوردند و آنگاه جز با آب افطار نمیکردند، بیتردید می توانستند ابد الدهر روزه بگیرند.

و فرمود: سحری بخورید حتی اگر یک جرعه آب باشد و بهترین سحری سویق و خرما است.

و فرمود: همانا خداوند و فرشتگانش بر کسانی که سحری میخورند و در هنگام سحر استغفار میکنند، درود و سلام میفرستند.

6. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با خوردن سحری برای روزه روز و با خواب (روز) برای نماز در شب یاری بطلبید.

و از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: هر کس در هنگام افطارش این دعا را بخواند: «بارخدایا با توفیق تو برایت روزه گرفتیم و با دستور تو از روزیت افطار کردیم پس آن را از ما بپذیر و ما را ببخشای، همانا تو بخشاینده مهربانی.» خداوند نقصانی را که به سبب گناهان بر روزهاش وارد کرده، می بخشاید.

7. کتاب امامت و تبصرة: جعفر ابن محمد از پدارنش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سحری خوردن مایه برکت است.

جعفر ابن محمد از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: کسی که طعام خورَد و برای آن شکرگزار باشد، پاداش او به مانند کسی است که روزه میگیرد و سحری میخورد.

8. کتاب توحید،(1) معانی الاخبار، (2) امالی صدوق: ابان و دیگران از امام صادق روایت میکنند که فرمود: هر که روزهاش را با قول صالح یا عمل صالح به پایان رساند خداوند روزه او را قبول میکند. عرض شد: ای فرزند رسول خدا، قول صالح چیست؟ فرمود: قول صالح، گواهی به لا اله الا الله و عمل صالح پرداخت فطریه است. (3)

امالی صدوق: همین حدیث را روایت کرده است. (4)

9. قرب الاسناد: ابوقرندس گوید: موسی ابن جعفر علیه السلام را در ماه رمضان در مسجد الحرام دیدم درحالی که غلامی سیاه که دو پیراهن سفید پوشیده بود، نزد او آمد و کوزه و کاسهای همراهش بود. هنگامی که مؤذن گفت: الله اکبر، برای او آب ریخت و به او داد و او نوشید. (5)

10. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با خوردن سحری برای روزه روز و با خواب قیلوله (نیم روز) برای شب زندهداری یاری بطلبید. (6)

11. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند و فرشتگانش بر کسانی که در هنگام سحر استغفار میکنند درود و سلام میفرستند، پس سحری بخورید حتی اگر یک جرعه آب باشد. (7)

1- . کتاب توحید : 22
2- . معانی الاخبار : 235
3- . امالی صدوق : 34
4- . امالی صدوق : 61
5- . قرب الاسناد : 173
6- . امالی طوسی 2 : 111

7- . امالی طوسی 2 : 111

12. عیون الاخبار: ابوضحاک میگوید: امام رضا علیه السلام در مسیر خراسان - اگر در شهری ده روز اقامت میکرد - روزهدار بود و چون شب فرا میرسید، پیش از افطار، ابتدا نماز میگذارد. (1)

13. ثواب الاعمال: ابن سنان از مردی از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: افطار کردن با آب گناهان قلب را میشوید و از بین میبرد. (2)

14. فقه امام رضا: اولین اوقات روزه هنگام فجر است و آخر آن شب است: آشکار شدن سه ستاره که با خورشید دیده نمیشود و از بین رفتن سرخی از مشرق و وجود (سیاهی به اندازه) سیاهی منقار پرنده. و مستحب است که در ماه رمضان سحری خورده شود حتی اگر یک جرعه آب باشد و بهترین سحری سویق و خرما است. برای تو خوردنی و نوشیدنی آزاد است تا زمانی که به طلوع فجر یقین پیدا کنی و برایت افطار کردن حلال میگردد زمانی که سه ستاره در آسمان پدیدار گردد و این سه ستاره با غروب خورشید آشکار میگردد.

15. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اولین چیزی که در زمان رطب با آن افطار میکرد، رطب بود و در زمان خرما، خرما بود. (3)

المحاسن: طلحه ابن زید از امام صادق همین حدیث را روایت کرده است. (4)

16. سرائر: محمد ابن سنان از مردی نقل میکند که امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند «أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»،(5) {سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید.} فرمود: از بین رفتن شفق است. (6)

17. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام افطار میفرمود: خداوندا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو

1- . عيون الاخبار 2 : 182
2- . ثواب الاعمال : 72
3- . المحاسن : 531
4- . المحاسن : 531
5- . بقره / 187
6- . سرائر : 468

افطار کردیم، پس روزه را از ما بپذیر، تشنگی رفت و رگها شستوشو شد و پاداش به جای ماند.

و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون نزد عدهای غذا میخورد، میفرمود: در نزد شما روزهداران افطار میکنم و غذای شما نیکان را میخورم.

و فرمود: دعای روزهدار به هنگام افطار اجابت میشود.

و در روایت آمده که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خرما افطار میکرد و اگر شکر مییافت با آن افطار میکرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با شیرینی افطار میکرد و اگر شیرینی نمییافت با آب ولرم افطار میکرد و میفرمود: آب ولرم کبد و معده را شست و شو میدهد و دهان را خوشبو میسازد و دندانها و قرنیه چشم را محکم و چشم را تیزبین میکند و گناهان را کاملا میشوید و رگهایی که به هیجان در میآید و نیز صفراء را آرام میکند و بلغم را برطرف میکند و حرارت معده را مینشاند و سردرد را از بین میبرد. (1)

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی روزه میگرفت در زمان رطب با رطب افطار میکرد. (2)

انس ابن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جرعهای برای افطار بر میداشت و جرعهای برای سحر که گاه هر دو یکی بود، و این جرعه گاه شیر بود و گاه نان حل شده در آب. (3)

1- . مکارم الاخلاق : 27 - 28
2- . مکارم الاخلاق : 29
3- . مکارم الاخلاق : 33

باب سی ونهم : پاداش کسی که مؤمنی را افطار دهد یا در ماه رمضان صدقه بدهد

مؤلف: روایتها در باب فضیلت ماه رمضان ذکر شد.

1. ثواب الاعمال: ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی در شبی از ماه رمضان مؤمن دیگری را سیر کند، خداوند برای او پاداشی مانند پاداش کسی که سی بنده مؤمن را آزاد کرده است خواهد نوشت و نزد خداوند بزرگ یک دعای مستجاب خواهد داشت. (1)

محاسن: ابن محبوب این حدیث را روایت کرده است. (2)

2. ثواب الاعمال: خلف ابن حمّاد از شخصی که نامش را ذکر کرده نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در ماه رمضان صدقه دهد، خداوند هفتاد نوع بلا را از او برمی گرداند. (3)

3. المحاسن: جهنی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: اگر مؤمنی را در خانهام افطار دهم برایم خوشایندتر از آزاد کردن فلان و فلان نفر از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام است. (4)

4. المحاسن: ابوایوب از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس مؤمنی را در ماه رمضان افطار دهد پاداش آزاد کردن بردهای برای اوست و گناهان گذشتهاش بخشیده می شود. اگر توانایی نداشته باشد مگر به جرعه ای از شیر که با آن روزه داری را افطار دهد یا

1- . ثواب الاعمال : 122
2- . المحاسن : 396
3- . ثواب الاعمال : 128
4- . المحاسن : 359

جرعه ای از آب گوارا یا چند دانه خرما که به بیش از آن قدرت ندارد، نیز همین پاداش را می دهد. (1)

5. محاسن: موسی ابن بکر از موسی ابن جعفر علیه السلام روایت میکند که فرمود: اگر برادر روزهدارت را افطار دهی، بهتر و با فضیلتتر از روزه خودت است.(2)

6. محاسن: امام صادق علیه السلام گوید: علی ابن حسین علیه السلام در ایامی که روزه دار بود، دستور میداد گوسفندی می آوردند و ذبح می نمودند و امام اعضای آن را قطعه قطعه کرده و می پختند، و وقت مغرب روی دیگ خم می شد و بوی آن را استشمام می نمود. سپس میفرمود: ظرفهایی حاضر کنید و برای فلان خانواده غذا بکشند تا به آخرین دیگ میرسید. سپس برای خود او نان و خرما می آوردند و این افطار و شام او میشد. (3)

7. فقه امام رضا: در ماه رمضان به خانواده خود نیکی کنید و برای آنان زیاد خرج کنید چرا که من از امام هادی علیه السلام روایت میکنم که فرمود: همانا خداوند روزهدار را در آنچه از خوردنی و آشامیدنی انفاق میکند محاسبه نمیکند و به عنوان اسراف محسوب نمیگردد.

8. مکارم الاخلاق: از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر برادر روزهدارت را افطار دهی، بهتر و با فضیلتتر از روزه خودت است. (4)

9. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای مردم هر کدام شما مومنی روزهدار را در این ماه افطار دهد نزد خدا ثواب آزاد کردن بنده ای را دارد و گناهان گذشته اش آمرزیده میشود. عرض شد: یا رسول اللّه همه ما بر انجام آن توانائی نداریم، فرمود: از آتش جهنم پرهیز

1- . المحاسن : 396
2- . المحاسن: 396
3- . المحاسن : 396

4- . مكارم الاخلاق : 158

کنید گرچه با نیم دانه خرما باشد و از آتش جهنم پرهیز کنید گرچه با جرعهای آب باشد. (1)

توضیح: مؤلف: در روایتهای عامه (اهل سنت) این حدیث اضافهای دارد که فهم آن را برای محدثان مشکل کرده است. در «النهایهٔ» گفته است: در آن از آتش پروا داشته باشید حتی اگر با نیم دانه خرما باشد، چرا که آن برای گرسنه همان گونه است که برای سیر میباشد.

گفته شده که مقصود این است که نیم دانه خرما جایگاه مهمی نزد گرسنه ندارد زمانی که آن را بخورد، همان طور که بر سیری شخص سیر آشکار نمیافزاید، زمانی که آن را بخورد، پس در صدقه دادن آن ناتوان نیستید. و نیز گفته شده که مقصود این است که: از او نیم دانه خرما طلب میکند و از دیگری نیم دانه خرما، و از شخص سومی و چهارمی نیز نیم دانه، تا به اندازهای خرما برای او جمع شود که گرسنگیاش را رفع نماید. پایان.

مؤلف: ممکن است مقصود از گرسنه و سیر، ثروتمند و فقیر باشد که آن دو یا برای عمومیت بخشی به وضعیت اعطا کننده، یا عمومیت بخشی به وضعیت درخواست کننده میباشد که در حالت اول بدین معنی است که دادن نیم دانه خرما به فقیر ضرری نمیرساند، همان طور که به ثروتمند ضرری نمیرساند. با فرض حالت دوم بدین معنی است که آن دو (ثروتمند و فقیر) از آن سود میبرند یا بدین معنی که آن نیم دانه خرما به گرسنه نفع میبخشد تا جایی که به خاطر از بین رفتن سختی و شدت گرسنگیاش، گویی همچون شخص سیر است.

وجه دیگری به ذهن خطور میکند که: مرجع ضمیر در «إنها» آتش باشد بدین معنی که همان طور که احتمال دارد ثروتمند وارد آتش شود ممکن است فقیر نیز وارد آتش شود و همان طور که ثروتمند با آتش ضرر ببیند، فقیر نیز ضرر ببیند. پس باید فقیر عملی انجام دهد که او را از آتش نجات بخشد و از آنجایی که جز بخشش نیم دانه خرما برای او ممکن نیست، پس باید برای نجات از آتش آن را صدقه بدهد و چه بسا این معنی، آشکارترین وجه در بیان حدیث باشد.

1- . عیون الاخبار 1 : 296 و امالی صدوق : 58

10. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: ابن فضال از امام رضا علیه السلام نقل میکند که فرمود: هر کس در هنگام افطار به بینوایی قرص نانی صدقه بدهد، خداوند گناه او را میبخشاید و برای او پاداش آزاد کردن شخصی از فرزندان حضرت اسماعیل از آتش جهنم را خواهد داد.

ص: 385

باب چهلم : زمانی که کودک به روزه گرفتن وادار می شود

1. الخصال: عباس ابن عامر از کسی که برای او نقل کرده، از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: کودک در سنین پانزده و شانزده سال به روزه گرفتن تربیت میشود. (1)

2. فقه امام رضا: بدان که بچه هر گاه به نه سال رسید، به اندازه توانش او را به روزه وامی دارند. پس اگر تا ظهر یا بعد از آن توانایی داشت، تا آن وقت روزه بگیرد و اگر گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کرد، افطار میکند و اگر توانست سه روز، روزه میگیرد و او را به روزه همه ماه وانمی دارند.

3. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر از پدرانش نقل میکند که حضرت علی علیه السلام فرمود: کودک وقتی به بلوغ رسید نماز بر او واجب میشود و اگر توانایی داشت روزه بر او واجب میگردد. (2)

1- . الخصال 2 : 92
2- . نوادر راوندی : 51

آیات مربوط به این باب در باب وجوب روزه ماه رمضان و فضیلت آن خواهد آمد، انشاءالله

1. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت میکند که او کنیز فرزند داری داشت که در ماه رمضان به بیماری تشنگی دچار شد درحالی که باردار بود. در این باره از ابن عمر سؤال شد. پس گفت: از وی بگذرید چراکه باید روزه را بشکند و به جای هر روز یک مد غذا صدقه بدهد. (1)

2. فقه امام رضا: اگر برای پیر یا جوان معلول یا زن باردار به خاطر تشنگی و گرسنگی یا ترس از آسیب رسیدن به بچهاش ممکن نشد که روزه بگیرند، همگی آنان باید روزه را بخورند و هر کدام در ازای هر روز دو مدّ غذا صدقه بدهند و قضایش بر آنها واجب نیست.

3. تفسیر عیاشی: محمد ابن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می کند که پیرامون تفسیر آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يطِيقُونَه فِدْيةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ»، (2) {و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است.} فرمود: منظور، پیرمرد سالخورده و کسی است که دچار بیماری تشنگی شدید می شود. (3)

4. تفسیر عیاشی: ابو بصیر روایت می کند که گفت: از امام علیه السلام تفسیر آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يطِيقُونَه فِدْيةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ»(4) {و بر کسانی که [روزه]

1- . قرب الاسناد : 59
2- . بقره / 184
3- . تفسیر عیاشی 1 : 78
4- . بقره / 184

طاقت فرساست، کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است} را پرسیدم و حضرت فرمود: منظور، انسان بیمار و پیرمرد سالخورده ای است که قادر به روزه گرفتن نمی باشد. (1)

5. تفسیر عیاشی: محمد روایت میکند که از امام باقر علیه السلام تفسیر آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يطِيقُونَه فِدْيةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ»،(2) {و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است.} را پرسیدم و حضرت فرمود: منظور، پیرمرد سالخورده و کسی است که دچار بیماری تشنگی شدید می شود. (3)

6. تفسیر عیاشی: رفاعه از امام صادق علیه السلام پیرامون تفسیر آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يطِيقُونَه فِدْيةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ»، {و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است} روایت می کند که فرمود: منظور، پیرمرد سالخورده و زنی است که می ترسد با روزه گرفتن ضرری به فرزندش برسد. (4)

7. تفسیر عیاشی: عیاشی، از محمد ابن مسلم روایت می کند که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می گفت: اشکالی ندارد که پیرمرد سالخورده و کسی که دچار بیماری تشنگی شدید می شود، ماه رمضان روزه نگیرد؛ ولی باید در عوض هر روز که روزه نگرفته اند، دو مد طعام کفاره بدهند و قضای آن روزه ها به گردن آن دو نیست و اگر قادر به پرداخت آن کفاره نیز نیستند، هیچ اشکالی ندارد. (5)

8. سرائر: علی ابن مهزیار گوید: برای امام ابا الحسن علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان در باره زنی پرسیدم که در ماه رمضان به بچه خود یا به بچه دیگری شیر میدهد و روزه بر او سخت میشود و به او فشار میآورد تا جایی که بیهوش میشود و نمیتواند روزه بگیرد، آیا شیر بدهد و روزه را افطار کند و اگر برایش ممکن شد قضای روزهاش را بگیرد یا شیردادن به کودک را رها کند؟ پس اگر کسی را نیابد که به کودک شیر بدهد باید چه کار کند؟ ایشان در جواب نوشت: اگر برایش ممکن

1- . تفسیر عیاشی 1 : 78
2- . بقره / 184

3- . تفسیر عیاشی 1 : 78
4- . تفسیر عیاشی 1 : 79
5- . تفسیر عیاشی 1 : 79

بود که دایه بگیرد تا فرزندش را شیر بدهد، روزهاش را به پایان برساند ودر صورتی که این امر برایش ممکن نبود، افطار کند و فرزندش را شیر دهد و هر وقت توانست قضای روزهاش را بگیرد. (1)

9. کتاب سعید ابن حسین و نوادر: حلبی از امام صادق علیه السلام نقل میکند که از ایشان در باره پیرمردی پرسیدم که توانایی روزه گرفتن در ماه رمضان را ندارد. فرمود: در ازای آن برای هر روز به بینوایان غذا صدقه بدهد.

10. کتاب سعید ابن حسین و نوادر: ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر فردی که سالخورده باشد به نحوی که توانایی روزه گرفتن را نداشته باشد یا از ماه رمضان تا رمضان سال بعد مریض باشد، سپس تندرست شود، باید در ازای هر روزی که روزهاش را خورده است، کفارهای بدهد که خوراک دادن به بینوا است و برای هر بینوا یک مدّ بدهد.

11. کتاب سعید ابن حسین و نوادر: فرقد از برادرش روایت میکند که حفص اعور برایم نامه نوشت که از امام صادق علیه السلام در باره سه قضیه سؤال کن. امام صادق علیه السلام فرمود: آن سه قضیه کدامند؟ گفتم: در باره جایگزین کردن روزه با سه روز از هر ماه. امام صادق علیه السلام فرمود: به خاطر مریضی و سالخوردگی و بیماری تشنگی؟ گفتم: چیزی گفته نشده. فرمود: اگر به خاطر مریضی باشد، اگر بهبود یافت باید روزه بگیرد، و اگر به خاطر سالخوردگی و بیماری تشنگی باشد، به جای هر روز، یک مدّ صدقه میدهد.

1- . سرائر : 471

1. قرب الاسناد: محمد ابن سهل بن یسع از پدرش از امام موسی ابن جعفر علیه السلام روایت میکند که از ایشان در باره مردی پرسیدم که در ماه رمضان با همسر خود جماع کرده درحالی که مسافر بوده است. فرمود: اشکالی ندارد. (1)

2. الخصال: در حدیث اعمش از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: در مسافرت هشت فرسخ نماز شکسته خوانده میشود و آن، دو منزل است و چون نماز را شکسته خواندی، باید روزه را هم افطار کنی. (2)

3. الخصال: امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: هرگاه ماه رمضان فرا برسد بنا بر این سخن خداوند: «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»،(3)

{پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد} برای بنده جایز نیست که برای سفر بیرون رود. (4)

4. عیون الاخبار: ابوضحاک گوید: امام رضا علیه السلام در سفر روزه نمیگرفت. (5)

5. قرب الاسناد: علی از برادرش نقل میکند که از آن حضرت در باره مردی پرسیدم که ماه رمضان را به سفر میرود و چند روزی در مکانی اقامت میکند، آیا

1- . قرب الاسناد : 197 - 198
2- . الخصال 2 : 151
3- . بقره / 185
4- . الخصال 2 : 158
5- . عیون الاخبار 2 : 182

روزه بر او واجب است. فرمود: خیر، تا اینکه تصمیم بگیرد ده روز در آنجا اقامت داشته باشد، پس هرگاه تصمیم گرفت ده روز اقامت کند روزه بگیرد و نماز را به صورت کامل بخواند.

و در باره مردی از او پرسیدم که روزهای ماه رمضان بر او واجب است و مسافر است، آیا ماه رمضان را روزه بگیرد، درصورتی که چند روزی در آن مکان بماند؟ فرمود: خیر، مگر اینکه تصمیم بگیرد ده روز در آنجا اقامت داشته باشد.

6. الخصال: جعفر ابن محمد علیه السلام از پدرش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای تبارک و تعالی برای من و امتم هدیه ای فرستاده که به هیچ کدام از امتها نداده، این احترامی است که به ما نهاده است. عرض کردند: آن هدیه چیست ؟ فرمود افطار روزه و نماز شکسته در حال مسافرت، هر کس عمل نکند، هدیه خدای عز و جل را پس داده است. (1)

علل الشرایع: ابن هاشم از نوفلی همین حدیث را روایت کرده است. (2)

7. سلیمان ابن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: ام سلمه در ماه رمضان چشم درد داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود افطار کند و فرمود: شب کوری چشمت را از بین می برد.

8. علل الشرایع: یحیی ابن ابی علاء از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: مردی محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم مشرّف شد و عرض کرد: ای رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم، آیا در سفر روزه ماه رمضان را بگیرم؟ حضرت فرمودند: خیر. عرضه داشت: یا رسول اللّه، گرفتن روزه در سفر بر من آسان و سهل است؟ حضرت فرمودند: خداوند عزّ و جل بر مریض ها و مسافران در ماه رمضان صدقه داده و آن این است که به ایشان اجازه افطار داده است. آیا یکی از شما دوست دارد وقتی به کسی صدقه ای می دهد آن شخص صدقه را ردّ کرده و قبول نکند؟ (3)

1- . الخصال 1 : 10

2- . علل الشرايع 2 : 69
3- . علل الشرايع 2 : 70

9. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: محمد از امام باقر نقل میکند که از ایشان در باره مردی سؤال کردم که بر خود عهد بسته تا زمانی که قائم شما قیام کند، روزه بگیرد. فرمود: چیزی بر اوست یا آن را برای خدا قرار داده؟ گفتم بلکه برای خدا قرار داده است. فرمود: آیا بدین مسئله واقف است یا نه؟ گفتم: واقف است. فرمود: اگر واقف باشد روزه را به اتمام میرساند و در سفر و بیماری و ایام تشریق روزه نمیگیرد.

10. علل الشرایع: محمد از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: هرگاه مردی در ماه رمضان مسافرت کرد، نباید در روز با زنان نزدیکی کند زیرا این عمل بر او حرام است. (1)

11. ثواب الاعمال: علی ابن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود: بهترین شما کسانی هستند که در سفر نماز خود را شکسته (قصر) میخوانند و روزه خود را افطار میکنند. (2)

مؤلف: روایات مربوط به موضوع، در باب شکستن نماز گذشت.

12. فقه امام رضا: روایت شده که هر کس در مسافرت و بیماری روزه بگیرد یا نماز را به صورت کامل بخواند، باید آن را قضا کند مگر اینکه نسبت به آن جهل داشته باشد که دراین حالت بر او چیزی واجب نیست.

13. فقه امام رضا: روزه گرفتن برای مریض و مسافر جایز نیست، پس اگر روزه گرفتند، گناه کردهاند و باید آن را قضا کنند. و بیمار اگر در خود سبکی احساس کند و بداند که بر روزه گرفتن توانا است، روزه میگیرد و او به نفس خویشتن داناتر و آگاهتر است. برای مسافر در هیچ حالتی جایز نیست روزه بگیرد مگر اینکه عادی یا باغی باشد. عادی، دزد است و باغی کسی است که به دنبال شکار باشد. پس هرگاه از سفر بازگشتی و بقیه روز بر تو باشد، تا شب از خوردن و نوشیدن خودداری کن و اگر برای سفر بیرون رفتی و و بقیه روز بر تو باشد، روزه را افطار کن.

1- . علل الشرایع 2 : 74
2- . ثواب الاعمال : 34

و هر کس که شکستن (قصر) نماز بر او واجب باشد، افطار کردن روزه بر او واجب است، و هر کس که خواندن نماز به صورت کامل بر وی واجب باشد، روزه گرفتن بر او واجب است. هر وقت نماز را کامل خواند، روزه میگیرد و هر وقت نماز را شکسته خواند، روزه را افطار میکند.

و کسانی که کامل خواندن نماز و روزه گرفتن در سفر بر آنها واجب است، باربر (کرایه دهنده)، پستچی، چوپان، دریانورد و رونده هستند زیرا این کارها سفر شغلی آنها است. و شکارچی اگر برای تفریح و خوشگذارانی شکار برود، باید تمام بخواند و روزه بگیرد و اگر برای تجارت به شکار برود باید تمام بخواند و روزه بگیرد و روایت شده که باید روزه را افطار کند و اگر شکار کردن برای اداره زندگی عیالش باشد نماز و روزهاش شکسته است؛ طبق این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: کسی که برای عیالش زحمت میکشد، مانند مجاهد در راه خداست.

و اگر دچار چشمدرد شدی اشکالی ندارد که روزه را افطار کنی و چشمانت را معالجه کنی و در مسافرت روزه واجب و سنت و مستحب را نگیر مگر روزه کفاره شکار در حرم و کفاره بیرون آمدن از احرام به علت سردرد و مانند آن و روزه سه روز برای طلب حاجت در نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و آن روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه است. و روزه اعتکاف در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و مسجد مدائن را میتوانی بگیری.

14. تفسیر عیاشی: صبّاح ابن سَیابه روایت می کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابن ابی یعفور به من دستور داده که از شما سؤالاتی بپرسم. حضرت فرمود: آنها چیستند؟ راوی می گوید: به حضرت عرض کردم: او می پرسد: اگر ماه رمضان فرا برسد و من در خانه ام باشم، آیا می توانم به مسافرت بروم؟ حضرت فرمود: خداوند می فرماید: «فَمَن شَهِدَ مِنکُمُ الشَّهرَ فَلْیصُمْه»،(1) {پس هر کس از شما این ماه را درک کند، باید آن را روزه بدارد.} کسی که در ماه رمضان در کنار

1- . بقره / 185

خانواده خویش است نباید به سفر برود؛ مگر برای حج یا عمره و یا در طلب مالی که می ترسد در صورت تأخیر، تلف شود. (1)

15. تفسیر عیاشی: زراره از امام باقر علیه السلام پیرامون تفسیر آیه: «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهرَ فَلْيصُمْه» روایت می کند که فرمود: چقدر معنای این آیه برای کسی که آن را درک کند، واضح و روشن است. و فرمود: هرکس در رمضان در خانه اش باشد، باید روزه بگیرد؛ و هر کس که در آن ماه به سفر برود، باید افطار کند.

و امام صادق علیه السلام در باره عبارت «فلیصمه» فرمود: دهان روزهدار جز برای سخن نیک گشوده نمیشود. (2)

16. تفسیر عیاشی: ابو بصیر روایت می کند: از امام صادق علیه السلام حد و مرز بیماری را که فرد به مانند سفر ملزم به افطار می کند، و در آیه: «وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَر» (3) {و کسی که بیمار یا در سفر است.} آمده است، پرسیدم و حضرت فرمود: خودش امانتدار است و تشخیص آن به خود شخص واگذار شده است. پس اگر در خود احساس ضعف کرد، باید افطار کند و اگر در خود احساس توان و نیرو کرد، باید روزه بگیرد و بیمار بر همان حکمی می باشد که بود. (4)

17. تفسیر عیاشی: محمد ابن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در سفر، روزه مستحبی یا واجب نمی گرفت. اینان به دروغ می گویند که رسول خدا در سفر روزه می گرفت. این آیه بر رسول الله صلی الله علیه و آله در کُراع الغَمیم به هنگام نماز صبح نازل شد؛ پس رسول الله صلی الله علیه و آله ظرف آبی خواستند و آب نوشیدند و به مردم نیز دستور دادند تا افطار کنند. گروهی گفتند: روز به نیمه رسیده و مایلیم امروز را روزه بگیریم و رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را عُصاه (سرکشان) نامید. و تا زمان رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله، آنان با این نام نامیده می شدند. (5)

1- . تفسیر عیاشی 1 : 80
2- . تفسیر عیاشی 1 : 81

3- . بقره / 184
4- . تفسیر عیاشی 1 : 81
5- . تفسیر عیاشی 1 : 81

18. تفسیر عیاشی: زهری از علی ابن حسین علیه السلام روایت می کند که فرمود: اهل تسنن در روزه گرفتن کسی که در سفر یا بیمار است، اختلاف پیدا کردند. برخی گفتند که باید روزه بگیرد و دیگران قائل شدند که نباید روزه بگیرد و به نظر گروه دیگری، اگر خواست می تواند روزه بگیرد و اگر نخواست روزه نگیرد و افطار کند؛ ولی به نظر ما، در هر دو صورت باید افطار کند و روزه نگیرد. پس اگر کسی در سفر یا در حال بیماری روزه بگیرد، باید قضای آن را به جای آورد؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهرَ فَلْيَصُمْه وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيامٍ أُخَرَ»،(1) {پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].} تا آنجا که می فرماید: «يرِيدُ اللّه بِكُمُ الْيسْرَ وَلاَ يرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»،(2) {خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد.} (3)

19. سرائر: در کتاب المسائل از داود صرمی گفته است: از آن حضرت در باره زیارت امام حسین و زیارت پدرانش علیهم السلام در ماه رمضان پرسیدم که آیا سفر کنیم و آنان را زیارت کنیم؟ فرمود: برای ماه رمضان فضیلت و پاداش بزرگی است که برای ماههای دیگر نیست. پس هرگاه ماه رمضان فرا رسید، روزه گرفتن انتخاب شود و روزه گرفتن در این ماه بهتر از قضا کردن روزه است و هرگاه ماه رمضان فرا برسد روزه گرفتن سنت است و شایسته است که روزه گرفتن انتخاب شود. (4)

20. کتاب الصفین: زید ابن علی از پدرانش نقل میکند که علی علیه السلام به قصد صفین به راه افتاد تا از رود گذشت و به منادی فرمود که ندای نماز در دهد. راوی گوید: امام علیه السلام به ادای دو رکعت نماز پرداخت و پس از نمازگزاری رو به ما کرد و گفت: ای مردم، هر کس به بدرقه آمده یا در این مکان اقامت دائم دارد باید نمازش را تمام گزارد ولی ما گروهی مسافر هستیم و هر کس با ما همسفر

1- . بقره / 185
2- . بقره / 185
3- . تفسیر عیاشی 1 : 82
4- . سرائر : 471

باشد، روزه واجب را نگیرد و نماز واجب برای مسافر نیز دو رکعت و نماز قصر است.

21. مجمع البیان: زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حد و مرز بیماری که صاحب آن را به افطار کردن روزه وادار میکند چیست؟ فرمود: البته که انسان بر نفس خویشتن آگاه است و میداند چه اندازه توانایی دارد و در روایت دیگر آمده است: او بر نفس و احوال خویش داناتر است. و این مسئله به خود برمیگردد. (1)

22. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: یحیی ابن علاء از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: روزهداری که در مسافرت در ماه رمضان روزه میگیرد همانند کسی است که در حال اقامت روزهاش را میخورد.

23. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: حد و مرز بیماری که بر صاحبش واجب میکند تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد همان طور که در سفر واجب است، بنابر این فرموده خداوند «وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيامٍ أُخَرَ»،(2) {پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].} به گونهای است که بیمار نتواند روزه بگیرد یا اگر بتواند روزه بگیرد بیماریاش وخیمتر شده و بر خویشتن بترسد، و او در این مسئله امانتدار بوده و در آن اختیار تام دارد، پس اگر احساس ضعف کرد باید روزه را افطار کند و اگر قدرتی بر روزه گرفتن بیابد، باید روزه بگیرد، بیماریش هر چه باشد.

پس هرگاه بیمار از بیماریاش بهبود یابد و بتواند روزه بگیرد، روزه میگیرد همان طور که خداوند عزّ و جلّ میفرماید: «فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيامٍ أُخَرَ»،(3) {[باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].} به شماره روزهایی که بیمار بوده است. توانایی روزه گرفتن را نداشته، در بیماریاش روزه را افطار کرده یا روزه گرفته، اگر بیماری او مزمن باشد به نحوی که امید بهبودی نباشد یا بیماری در او

1- . مجمع البیان 10 : 396
2- . بقره / 185

3- . بقره / 185

بماند تا ماه رمضان دیگری فرا برسد، باید در ازای هر روزی که از ماه رمضان گذشته است، به هر بینوا نیم صاع غذا بدهد. بدین گونه از علی علیه السلام روایت نمودیم.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند فریضه ماه رمضان را نازل فرمود و آیه «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ»، (1) {و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است.} را نازل فرمود: پیرمردی سالخورده که خود را بر دو مرد تکیه داده بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا! این ماه، ماه فرض است و توانایی روزه گرفتن را ندارم. پیامبر فرمود: برو و بخور و در ازای هر روز نیم صاع طعام ببخش و اگر توانستی یک روز یا دو روز را روزه بگیر و تا جایی که توانستی روزه بگیر.

زنی نزد ایشان آمد و گفت: ای رسول خدا! من زنی باردارم و این ماه رمضان فرض است و من اگر روزه بگیرم بر بچهای که در شکم دارم، میترسم. پیامبر به او فرمود: برو و روزه را افطار کن و اگر توانستی روزه بگیر.

و زنی شیرده به نزد ایشان آمد و گفت: ای رسول خدا! روزه این ماه واجب است و اگر روزه بگیرم از این ترس دارم که شیرم قطع شود و فرزندم هلاک شود. پیامبر فرمود: برو و روزه را افطار کن و اگر توانستی روزه بگیر.

و شخصی که به بیماری تشنگی دچار شده بود نزد ایشان آمد و گفت: ای رسول خدا، این ماه، ماه فرض است و من حتی یک ساعت بر آب صبر نمی کنم و میترسم هلاک شوم. فرمود: برو و افطار کن و هرگاه توانستی روزه بگیر. و پیرمرد از کارافتاده به منزله بیماری است که بیماری مزمن دارد به نحوی که امید بهبودی وجود ندارد، پس این شخص روزههایی را که روزه نگرفته، بر او لازم است که به (بینوایان طعام) بدهد. زن باردار و شیرده که به منزله بیماری هستند که بر خود ترس دارد، روزه را افطار میکنند و اگر بتوانند روزه را قضا میکنند. شخصی که به بیماری تشنگی دچار شده، همچون بیمار است.

1- . بقره / 184

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس در ماه رمضان بیمار شود و بهبودی نیابد تا اینکه بمیرد، بین او و قضا کردن روزه مانع ایجاد شده و هر کس بیمار شود و بهبودی یابد و روزه را قضا نکند تا اینکه بمیرد، مستحب است که ولی امر او روزههایی را که او بیمار بوده قضا کنند و زن نمیتواند روزه مرد را قضا کند.

و از ایشان روایت شده که فرمود: کسی که در ماه رمضان بیمار باشد و کسی که مدتی را در سفر باشد، روزهایی را که بیمار یا در سفر بوده، قضا میکند و اگر خواست به صورت پیوسته و اگر خواست، با فاصله روزهها را قضا میکند؛ چراکه خداوند فرموده است: «فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيامٍ أُخَرَ»،(1) {[باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].} و هرگاه تعداد روزها را روزه بگیرد، آنچه بر او واجب بوده، انجام داده است.

و از ایشان روایت شده که از قضا کردن روزه ماه رمضان در ماه ذی الحجه کراهت داشت و فرمود: این ماه، ماه عبادت و قربانی است. (2)

24. دعائم الاسلام: جعفر ابن محمد علیه السلام از پدرانش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماه رمضان مسافرت کرد و روزهاش را افطار کرد و به همراهانش دستور داد افطار کنند. برخی از آنان از افطار کردن بازایستادند، پس پیامبر آنان را عاصی (سرکش) نامید زیرا پیامبر آنان را امر فرمود و آنان از دستور ایشان اطاعت نکردند و این کار آنها مخالفت با خدا و رسولش بود اما اینکه این افراد را به افطار کردن روزه دستور داد و خود روزه را افطار کرد تا دلیل آن را بدانند و اینکه روزه در سفر بنا بر کتاب خداوند، جایز نیست و اما اگر مسافر در ماه رمضان روزه بگیرد و آن روزه را به گونهای به شمار نیاورد که تکلیف او را ساقط کرده است، چیزی بر او نیست اگر در زمان اقامت آن را قضا کند، و او در حقیقت مانند کسی است از خوردن و آشامیدن خودداری کرده ولی روزهدار نبوده است.

1- . بقره / 185
2- . دعائم الاسلام 1 : 278 - 279

و از حضرت علی علیه السلام برای ما روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سفری در ماه رمضان روزه گرفت و در ماه رمضان در سفر روزه را افطار کرد و فرمود: هر کس در ماه رمضان در سفر روزه بگیرد، باید در زمان اقامت روزه دیگری بگیرد چراکه خداوند میفرماید: «فَعِدَّهٌ مِّنْ أَيامٍ أُخَرَ».

و از جعفر ابن محمد برای ما روایت شده که ایشان کراهت داشت کسی که مقیم است در ماه رمضان به مسافرت برود مگر اینکه ناگزیر باشد و اشکالی ندارد کسی که در ماه رمضان مسافر است به منزلش برگردد.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: کمترین سفری که نماز در آن شکسته میشود و روزهدار روزهاش را افطار میکند، دو برید است و هر برید دوازده میل است. و کسی که به مسافت یک برید برای سفر بیرون برود و قصد رفت و برگشت داشته باشد، نماز را شکسته میخواند و روزه را افطار میکند.

و از ایشان روایت شده که فرمود: کسی که در ماه رمضان پیش از زوال ظهر برای سفر بیرون برود، آن روز را افطار میکند و اگر پس از زوال ظهر بیرون برود، روزهاش را به پایان میبرد و قضای روزه بر او واجب نیست، و اگر پیش از زوال ظهر از سفر بازگردد و به نزد خانوادهاش برسد و آن روز را افطار نکرده باشد و در اندیشه روزهاش بوده و قصد روزه کرده باشد، آن روزه قبول است و آن را قضا نمیکند و اگر قصد روزه نکرده باشد یا پس از زوال ظهر وارد منزلش شود، آن را قضا کند.

از جعفر ابن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه مسافر در ماه رمضان پیش از طلوع فجر وارد منطقهای شود و بخواهد در آنجا اقامت کند، باید آن روز را روزه بگیرد.

از جعفر ابن محمد روایت شده که فرمود: حد و اندازه اقامت در سفر ده روز است، پس هر کس در ماه رمضان در سفرش وارد مکانی شود و قصد کند ده روز در آنجا بماند، روزه بگیرد و نماز را کامل بگذارد، و اگر این قصد را نکند و وارد شود و بگوید: امروز بیرون میروم، فردا بیرون میروم، روزه او در فاصله این ماه تا ماه دیگر برای او به شمار نمیآید و روزهایی را که در آنجا اقامت داشته، چه روزه

گرفته چه افطار کرده باشد، باید قضا کند زیرا او در وضعیت مسافر است و این در زمانی است که تصمیم او برای سفر جدی باشد و وارد شدن او به آبشخوری باشد که در آنجا خانوادهای نداشته باشد، اما اگر در جایی نزول کند که خانوادهاش در آنجا باشد، به منزله مقیم است و روزه میگیرد و قضای آن بر او واجب نیست، مادامی که در میان آنان اقامت دارد، تا اینکه از آنجا کوچ کند. (1)

1- . دعائم الاسلام 1 : 276 - 277

1. عیون الاخبار،(1) علل الشرایع: در علتهایی که فضل ابن شاذان از امام رضا علیه السلام پرسید آمده است: اگر سؤال شود چرا زن هر گاه حائض شد نه باید روزه بگیرد و نه نماز بخواند؟ در جواب گفته می شود: زیرا حیض در حدّ نجاست بوده، لا جرم حقّ تبارک و تعالی دوست دارد که زن فقط در حال طهارت عبادت نماید و دیگر آن که، کسی که نمازش صحیح نیست، روزه اش هم صحیح نیست (و در حقّش اساسا نماز مشروع نمی باشد، روزه هم مشروع نیست.)

اگر سؤال شود: پس چرا وقتی زن از حیض پاک شد روزه اش را باید قضاء کند ولی نمازش قضاء ندارد؟ در جواب گفته می شود: این حکم علّت های متعدد دارد: از جمله آن که روزه مانع نمی شود از این که زن خدمت خود و شوهر نموده، خانه اش را اصلاح کرده، به امور خود پرداخته و مشغول فراهم کردن معیشت باشد ولی نماز از تمام این امور ممانعت می کند زیرا نماز در روز و شب چند مرتبه تکرار می شود و زن توانایی بر قضای آن را ندارد، در حالی که روزه این طور نیست. دیگر آن که در نماز رنج و مشقّت و پرداختن به ارکان نماز می باشد و حال آن که روزه این طور نیست بلکه صرف ترک خوردن و آشامیدن بوده و اصلا پرداختن به ارکان در آن وجود ندارد. از جمله آن که هیچ وقتی فرا نمی رسد مگر آن که در آن نمازی جدید واجب می گردد چه در روز و چه در شب و حال آن که روزه چنین نیست زیرا هر

1- . عیون الاخبار 2 : 117 - 118

روزی که فرا می رسد این طور نیست که روزه اش واجب باشد ولی در نماز، هر وقتی که حادث گردد، نماز در آن وقت واجب می باشد.

اگر گفته شود: چرا هر گاه شخص در ماه رمضان مریض شده یا مسافرت کند و تا ماه رمضان آینده از سفرش دست نکشیده یا مرضش بهبودی نیابد، بر او فدیه واجب است و قضاء روزه ساقط می باشد. امّا اگر بین این دو رمضان مرضش خوب شده یا در وطن و یا جای دیگر اقامه کرد و سفرش منقطع شد و قضای روزه رمضان گذشته را نگرفت تا ماه رمضان آینده فرا رسید، بر او هم قضا و هم فدیه لازم می باشد؟ در جواب گفته می شود: جهتش آن است که در سال گذشته روزه رمضان آن بر شخص واجب بوده، حال وقتی در طول سال وی بیمار بود به طوری که نتوانست روزه را اداء و قضاء به جا آورد، روزه از وی ساقط می باشد و همچنین است حکم هر کسی که مغلوب تقدیر الهی واقع شود نظیر شخص بیهوش که در طول روز و شب مبتلا به اغماء شده باشد که بر وی قضاء نمازهای فوت شده لازم نیست؛ چنان که حضرت امام صادق علیه السّلام فرمودند: هر چه را که حقّ تعالی بر بنده اش غالب نماید و بنده مغلوب آن واقع گردد، نزد خداوند متعال معذور بوده و تکالیفی را که به واسطه آن نتوانسته انجام دهد از عهده اش ساقط است؛ چه آن که ماه رمضان در حالی فرا رسید که شخص مریض بود، در نتیجه روزه بر وی در ماه واجب نبود و چون فرض این است که بعد از ماه تا سال آینده مرضش ادامه پیدا کرد و از قضاء متمکّن و مستطیع نشد، لا جرم کفاره آن را باید بدهد چنانچه حقّ تعالی در قرآن فرموده: «فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعامُ سِتِّينَ مِسْكِيناً»،(1) {دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک بدهد.} و نیز در جای دیگر فرموده: «فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ»،(2) {به کفّاره [آن، باید] روزه ای بدارد، یا صدقه ای دهد.} پس حقّ تعالی در این آیه صدقه را در صورت عسر و سختی به جای روزه قرار داده است.

1- . مجادله / 4
2- . بقره / 196

اگر گفته شود: اگر چه شخص در رمضان گذشته و طول سال تا رمضان آینده توانایی نداشت ولی فرض این است که در رمضان آینده استطاعت دارد، پس باید قضاء بر او واجب باشد نه کفاره؟ در جواب گفته می شود: وقتی ماه رمضان بعدی داخل شد وی نمی تواند غیر از روزه اداء امسال روزه دیگری بگیرد حتّی قضای سال گذشته را، پس چون نسبت به قضای گذشته مستطیع نیست، همان کفاره بر عهده اش می باشد زیرا وی به منزله کسی است که به خاطر کفاره، روزه در عهده اش آمده و استطاعت گرفتن آن را ندارد پس همان طوری که این شخص کفاره بر عهده اش هست نه قضا، شخص مورد بحث نیز فقط باید کفاره بدهد و وقتی کفاره در عهده اش بود، روزه قضا از وی ساقط است، ولی اگر بین دو رمضان از مرض خوب می شد و می توانست روزه بگیرد ولی نگرفت، به مجرد دخول ماه رمضان آینده هم کفاره و هم قضا در عهده اش می باشد، کفاره به خاطر آن که قضا را ضایع کرد و نگرفت و روزه قضا چون استطاعت پیدا نمود و اقدام به گرفتن آن نکرد. (1)

2. قرب الاسناد: علی از برادرش علیهما السلام روایت میکند که از ایشان در باره کسی پرسیدم که دو روز روزه ماه رمضان بر او واجب است چگونه آن را قضا کند؟ فرمود: بین آن دو روز فاصله بیندازد و اگر بیشتر از این بود به صورت پیاپی آن را قضا کند. (2)

و از ایشان در باره مردی پرسیدم که ماه رمضان دو سال بر او وارد شده و بین آنها از بیماری بهبود نیافته است و پس از آن بهبود یافته، چه کار باید بکند؟ فرمود: رمضان دومی را روزه میگیرد و برای رمضان اول در ازای هر روز یک مد غذا به هر مسکین صدقه میدهد.

و از ایشان در باره شخصی پرسیدم که در ماه رمضان بیمار شده است و پیوسته مریض بود تا اینکه رمضان دیگر بر او وارد شود، و از بیماری بهبود یابد، چه کار باید بکند؟ فرمود: رمضانی را که در آن بهبود یافته، روزه میگیرد و برای رمضان اول در ازای هر روز یک مد غذا صدقه میدهد. (3)

1- . علل الشرایع 1 : 257 - 258
2- . قرب الاسناد : 136
3- . قرب الاسناد : 137

3. الخصال: در روایت اعمش آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: زن حائض نماز را ترک میکند و آن را قضا نمیکند و روزه را ترک میکند و آن را قضا میکند. (1)

مؤلف: در بابهای حیض احادیث فراوان دیگری ذکر شد.

4. علل الشرایع: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت میکند که در باره زنی پرسیدم که در ماه رمضان مریض شده و در ماه شوّال از دنیا رفته است، وی وصیّت کرده که روزه رمضان را برایش قضاء کنم، حکم چیست؟ حضرت فرمود: آیا در رمضان مرضش بهبودی پیدا کرد یا نه؟ عرض کردم: خیر، در همان ماه فوت شد. حضرت فرمود: قضا بر او واجب نیست، زیرا حق تعالی روزه این رمضان را که وی بیمار بوده بر او قرار نداده است. عرضه داشتم: من مایل هستم آن را برای وی قضا کنم؟ فرمود: اگر مایل هستی برای خودت روزه بگیری، بگیر.(2)

5. فقه امام رضا: اگر زن از حیض پاک شد و از روز مقداری باقی است، آن روز را جهت احترام به روزه روزه میگیرد و آن روز را قضا میکند و اگر حائض شد و از روز مقداری باقی است، روزه را افطار میکند و باید آن را قضا کند و هرگاه مرد بیمار شود و کل ماه رمضان را از دست بدهد و روزه نگیرد تا اینکه ماه رمضان سال آینده بر او وارد شود، میبایست این رمضانی که بر او داخل شده را روزه بگیرد و برای رمضان اول در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد و قضا بر او واجب نیست مگر اینکه بین دو ماه رمضان از بیماری بهبودی یابد. پس اگر این گونه شد و روزه نگرفت، باید برای رمضان اول در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد و رمضان دوم را روزه بگیرد. اگر رمضان دوم را روزه گرفت، رمضان اول پس از آن قضا میشود.

اگر دو ماه رمضان از دست او برود تا اینکه ماه رمضان سوم داخل شود و او بیمار باشد، باید رمضانی که داخل شده را روزه بگیرد و برای رمضان اول در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد و رمضان دوم را قضا کند. پس اگر اراده سفر

1- . الخصال 2 : 152

2- . علل الشرايع 2 : 70

کردی و خواستی از روزه سال، چند روزی را مقدم کنی، سه روز از ماهی را که قصد داری در آن بیرون روی، روزه بگیر. اگر خواستی ماه رمضان را قضا کنی، حق انتخاب با توست؛ اگر خواستی آن را به صورت پیاپی و یا با فاصله قضا میکنی. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: سه روز روزه میگیرد سپس روزه را افطار میکند.

و اگر مردی بمیرد و روزه ماه رمضان بر او واجب باشد، میبایست متولی امرش روزه او را قضا کنند و همچنین است اگر در مسافرت روزه را از دست بدهد، مگر قبل از اینکه بهبود یابد، در اثنای بیماری بمیرد که در این صورت قضا بر او واجب نیست. اگر مرده، دو متولی امر داشته باشد، بزرگتر آن دو که مرد باشد، باید روزه او را قضا کند، و اگر ولی مرد نداشته باشد، ولیّ زن روزه او را قضا میکند.

6. فقه امام رضا: هرگاه روزه ماه یا نذر را قضا کردی، در افطار کردن تا ظهر اختیار با توست، اگر بعد از ظهر افطار کردی بر تو واجب است که کفارهای بدهی همچون کسی که یک روز از ماه رمضان را خورده است. و روایت شده که هرگاه پس از ظهر افطار کند باید به ده مسکین غذا بدهد، که برای هر مسکین یک مدّ غذا میباشد، پس اگر توانایی آن را نداشت، یک روز را به جای یک روز، روزه میگیرد و سه روز را به عنوان کفاره آنچه کرده، روزه میگیرد.

7. تفسیر عیاشی: ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که از حضرت پرسیدم: حکم کسی که از این ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد و در بین آن، سلامتی خود را به دست نیاورد و توان روزه گرفتن را نداشته باشد، چیست؟ حضرت فرمود: در عوض هر روزی که افطار نموده باید یک مد طعام به مسکین دهد، و اگر گندم ندارد باید یک مُدّ خرما بدهد؛ چرا که خداوند می فرماید: «فِدْیهٌ طَعَامُ مِسْکِینٍ»،(1) {کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است.} پس اگر می تواند، باید در ماه رمضان آینده روزه بگیرد و اگر قادر به روزه گرفتن نیست، باید تا ماه رمضان دیگر منتظر بماند و آن را قضا کند و اگر تا ماه رمضان دیگر نیز سلامتی خود را به دست نیاورد، باید همان طور که برای روزه هایی که در ماه

1- . بقره / 184

رمضان گذشته نگرفته کفاره داده، در عوض هر روز از این ماه رمضان که روزه نگرفته یک مد طعام، کفاره بدهد و اگر در بین آن دو ماه رمضان، سلامتی خود را به دست آورد و تنبلی ورزید و تا فرارسیدن ماه رمضان دیگر، قضای آن روزه ها را به جا نیاورد، باید هم قضای آن روزه ها را به جای آورد و هم کفاره بدهد؛ چرا که او قضای آن روزه ها را به عمد نگرفته است. (1)

8. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر شخصی که پیر باشد به نحوی که نتواند روزه بگیرد یا از ماه رمضانی تا رمضان دیگر بیمار شود سپس بهبودی یابد، بر اوست که در ازای هر روزی که روزه را خورده است، کفارهای که خوراک دادن یک مد به مسکین است، بدهد.

9. نوادر راوندی: موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش روایت میکند که حضرت علی علیه السلام فرمود: جایز است که قضای ماه رمضان را با فاصله (نه پیاپی) به جای آورد. و این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرد. (2)

10. دعائم الاسلام: از علی ابن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود: از کسی که روزه فرض بر عهده او است، روزه نافله پذیرفته نمیشود تا اینکه روزه فرض را قضا کند.

و از جعفر ابن محمد علیه السلام در باره شخصی سؤال شد که چند روز از ماه رمضان بر او واجب است، آیا میتواند روزه مستحب بگیرد؟ فرمود: خیر، تا اینکه روزه واجب را قضا کند، سپس اگر خواست، آنچه برای او ممکن شد، روزه مستحب بگیرد.

1- . تفسیر عیاشی 1: 89
2- . نوادر راوندی : 37

1. نوادر راوندی: موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش روایت میکند که علی علیه السلام فرمود: اگر مسافر در هنگام روز به شهر خود برسد و در سفر افطار کرده، از غذا خوردن خودداری کند، این کار نزد من خوشایندتر است و همچنین در باره زن حائض که در هنگام روز پاک شود، همین را فرموده است. (1)

1- . نوادر راوندی : 37

1. قرب الاسناد: علی از برادرش علیهما السلام روایت میکند که از ایشان در باره مردی پرسیدم که به دلیل «ظهار» روزه گرفته است و روزهاش را افطار کرده است در حالی که دو روز یا سه روز از روزهاش بیشتر باقی مانده است. فرمود: اگر یک ماه را روزه گرفته باشد سپس وارد ماه دوم شود، روزهاش کفایت میکند، پس باید روزهاش را کامل کند و بر او لازم نیست بردهای آزاد کند. (1)

و از ایشان در باره مردی پرسیدم که بردهای را کشته است، چه چیز بر او لازم است؟ فرمود: بردهای را آزاد میکند و دو ماه پیاپی روزه میگیرد و شصت مسکین را طعام میدهد. (2)

و از ایشان در باره مردی پرسیدم که بر خویشتن عهد بسته که در کوفه و مدینه و مکه یک ماه روزه بگیرد، پس چهارده روز در مکه روزه گرفته است، آیا میتواند به نزد خانوادهاش بازگردد و روزهای که بر او لازم شده را در کوفه بگیرد؟ فرمود: آری. (3)

2. قرب الاسناد: سعدان ابن مسلم گوید: برای موسی ابن جعفر نوشتم: من بر خود عهد بستهام (نذر کردم) که یک ماه در مکه، یک ماه در مدینه و یک ماه در کوفه روزه بگیرم، پس هجده روز در مدینه روزه گرفتم و یک ماه در مکه، و یک

1- . قرب الاسناد : 148
2- . قرب الاسناد : 149
3- . قرب الاسناد : 136

ماه در کوفه و اتمام ماه در مدینه، روزه بر من مانده است، پس نوشتند: چیزی بر تو لازم نیست، در سرزمین خود روزه بگیر تا آن را کامل کنی. (1)

3. عیون الاخبار،(2) علل الشرایع: در علتهایی که فضل ابن شاذان از امام رضا علیه السلام پرسید آمده است: اگر گفته شود: چرا در کفّاره کسی که از آزاد نمودن بنده عاجز است به جایش روزه واجب شده نه حج یا نماز و یا غیر این دو؟ در جواب گفته می شود: به خاطر آن که نماز و حج و سائر عبادات مانع می شوند از این که انسان به امور معاش و مصالح دنیوی خود بپردازد، به خلاف روزه که این طور نیست؛ به علاوه علّت هایی که در مورد حائض گفته شد که باید روزه را قضا کند ولی نماز را نه.

اگر گفته شود: چرا در کفّاره، روزه دو ماه متوالی واجب شده و به جای آن یک ماه یا سه ماه واجب نگردیده؟ در جواب گفته می شود: تکلیف واجبی را که حقّ تعالی بر خلائق فرض و لازم قرار داده، روزه یک ماه است، در کفّاره از باب تغلیظ و تأکید این یک ماه به دو ماه مبدّل گردیده است.

اگر گفته شود: چرا دو ماه متوالی و پشت سر هم واجب گردیده؟ در جواب گفته می شود: برای این که اداء کفّاره بر او سهل و آسان نباشد و ارتکاب خلاف برایش خفیف و بی مقدار تلقّی گردد، چه آن که اگر کفّاره را بتواند متفرّق و با فاصله به جا آورد، قضا و ادای کفّاره بر او سهل و بی زحمت خواهد شد.(3)

4. علل الشرایع: جعفر ابن محمّد علیه السلام از پدرانش روایت میکند که علی علیه السّلام فرمود: کسی که نذر کرده زمانی را روزه بگیرد. فرمود: زمان، پنج ماه است بدین ترتیب باید پنج ماه روزه بگیرد و اگر به جای زمان «حین» گفته، روزه شش ماه بر او لازم است زیرا حق تبارک و تعالی در قرآن می فرماید: «تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها»، {میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد.} (4)

1- . قرب الاسناد : 198
2- . عیون الاخبار 2 : 119
3- . علل الشرایع 1 : 258
4- . علل الشرایع 2 : 74

5. فقه امام رضا: هرگاه بر انسان واجب شد دو ماه پیاپی روزه بگیرد و یک ماه را روزه گرفت و از ماه دوم چند روزی را روزه گرفت سپس افطار کرد، باید بر اساس آن عمل کند و باکی بر او نیست و اگر یک ماه یا کمتر از یک ماه روزه بگیرد و از ماه دوم هیچ روزی را روزه نگیرد، باید دوباره از اول روزه بگیرد مگر اینکه به سبب بیماری روزه را افطار کرده باشد. پس در این صورت بر اساس روزهایی که روزه گرفته، عمل میکند و آن را ادامه میدهد چرا که خداوند او را بازداشته است.

هرگاه روزه ماه یا نذر را قضا کردی، در افطار کردن تا ظهر اختیار با توست، اگر بعد از ظهر افطار کردی بر تو واجب است که کفارهای بدهی همچون کسی که یک روز از ماه رمضان را خورده است. نیز روایت شده که هرگاه پس از ظهر افطار کند، باید به ده مسکین غذا بدهد، که برای هر مسکین یک مدّ غذا میباشد؛ پس اگر توانایی آن را نداشت،، یک روز را به جای یک روز، روزه میگیرد و سه روز را به عنوان کفاره آنچه که کرده، روزه میگیرد.

6. تفسیر عیاشی: حریز از کسی که برای او روایت کرده، از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: هر جا در قرآن حرف (أَوْ) آمده، به معنای اختیار است و انسان می تواند یکی از دو گزینه را انتخاب کند و هر جا در قرآن چنین تعبیری آمد: «سپس اگر نیافت» در این صورت باید آن را انجام بدهد. (1)

7. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: رفاعه از امام صادق علیه السلام نقل میکند که از ایشان در باره مردی پرسیدم که روزه دو ماه پیاپی بر او واجب است، پس روزه میگیرد سپس بیمار میشود، آیا برای او به شمار میآید؟ فرمود: آری، امر خداوند او را نگاه داشته است. گفتم: زنی نذر کرده دو ماه پیاپی روزه بگیرد. فرمود: آن را روزه میگیرد و روزهایی را که به قاعدگی رسیده، از سر میگیرد تا دو ماه را کامل کند. گفتم: به نظر شما اگر از حائض شدن یائسه شود آیا آن را قضا کند؟ فرمود: خیر، همان روزه اولی او را کفایت میکند (نذر او را برآورده میکند).

1- . تفسیر عیاشی 2 : 74

8. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: محمد ابن مسلم روایت میکند: از امام باقر علیه السلام در باره زنی پرسیدم که بر خود عهد بسته که دو ماه پیاپی را روزه بگیرد. فرمود: روزه میگیرد تا زمانی که حائض شود و همین او را کفایت میکند.

9. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش نقل میکند که حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر کسی نذر کند که «زمانی را» روزه بگیرد، زمان پنج ماه است.

و از ایشان در باره مردی که قسم خورده بود، اگر با همسر خویش در روز ماه مبارک رمضان آمیزش نکند، همسر او سه طلاقه است، سؤال شد، آن حضرت فرمود: او را به مسافرت ببرد و آمیزش کند. (1)

1- . نوادر راوندی : 37

باب های روزه ماه رمضان و آنچه بدان ارتباط و مناسبت دارد

اشاره

مؤلف: بسیاری از روایت های این باب ها در کتاب دعا بیان شد پس غافل مباش، و در بابهای مربوط به عمل سنت نیز بیشتر روایتهای مناسب با این باب ها خواهد آمد، پس در انتظار آن باش.

باب چهل و ششم : واجب بودن روزه ماه رمضان و فضیلت آن

آیات:

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ * شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِىَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ اللّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. (1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید. [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]. [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است. ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را

1- . بقره / 183 - 185

روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونتان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکرگزاری کنید }

روایات:

1. مجالس مفید: عبد اللَّه ابن عبّاس گوید که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده است که می فرمود: همانا بهشت سال به سال به جهت حلول ماه رمضان زینت و آرایش می شود.

چون شب اوّل ماه رمضان فرا رسد، بادی که آن را مثیره گویند از زیر عرش می وزد که برگ درختان بهشت را به هم می زند و حلقه درهای بهشت را می کوبد. پس آوائی از آنها شنیده شود که هرگز شنوندگان بهتر از آن نشنیده اند. حوران (زنان سیاه چشم) بهشتی از جایگاه خود بیرون شوند تا بر مکانهای بلند بهشت بایستند و صدا زنند: آیا خواستگاری به سوی خدا آمده تا خدا او را همسر کرامت کند؟ سپس گویند: ای رضوان (دربان بهشت) امشب چه شبی است؟ او لبّیک گویان بهآنان پاسخ دهد. سپس گوید: ای حوران نیک سیرت و نیکو صورت، امشب شب اوّل ماه رمضان است که درهای بهشت برای روزه داران امّت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم گشوده شده است. خدا عزّ و جلّ به او فرماید: ای رضوان، درهای بهشت را بگشا، ای مالک (دربان دوزخ)، درهای دوزخ را بروی روزه داران امّت محمّد ببند، ای جبرئیل به زمین فرودآ، و سرکشان شیاطین را در بند و زنجیر کن، سپس همگی را در امواج خروشان بیفکن تا روزه امّت حبیب مرا تباه نسازند.

فرمود: و خداوند تبارک و تعالی در هر شب از ماه رمضان سه بار می فرماید: آیا درخواست کننده ای هست تا خواسته اش را به او ببخشم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش طلبی هست تا وی را بیامرزم؟ کیست به توانمندی که تهیدست نیست و به وفاکننده ای که ظالم نیست قرض دهد؟ (منظور خود خداست).

فرمود: و خداوند در پایان هر روز از ماه رمضان به هنگام افطار هزار هزار بنده را از آتش آزاد کند، و چون شب جمعه و روز جمعه شود، در هر ساعتی از آن، هزار هزار نفر را از آتش آزاد سازد که همگی مستحقّ عذاب می باشند، و چون روز آخر ماه رمضان فرا رسد، خداوند در آن روز به تعداد افرادی که از اوّل تا آخر آن ماه آزاد ساخته آزاد می کند.

و چون شب قدر شود، خداوند عزّ و جلّ جبرئیل را فرمان دهد تا در میان جمعی از فرشتگان به زمین فرود آید، و با او پرچمی سبز رنگ است، پس آن پرچم را بر پشت کعبه بکوبد. جبرئیل ششصد بال دارد که دو بال آن را جز در شب قدر باز نکند، و در آن شب آن دو بال را بگشاید، و آن دو بال از مشرق و مغرب فراتر برود، و جبرئیل در چنین شبی فرشتگان را به اطراف عالم گسیل دارد و آنان به هر ایستاده و نشسته، و هر نمازگزار و ذکر گویی سلام کنند و با آنان دست دهند و دعای ایشان را آمین گویند تا سپیده صبح سر زند.

پس چون صبح بدمد جبرئیل علیه السلام صدا زند: ای گروه ملائکه کوچ کنید کوچ کنید. گویند: ای جبرئیل، خداوند نسبت به درخواستهای مؤمنان از امّت محمّد چه کرده است؟ گوید: خدای متعال امشب به آنان نظر رحمت کرده و از آنان گذشت نموده و گناهانشان را آمرزیده است مگر چهار کس را. رسول خدا (ص) فرمود: و این چهار کس: شرابخوار، عاقّ والدین، کسی که قطع رحم کرده، و کینه توز میباشند.

و چون شب عید فطر که شب جوائز نام دارد فرا رسد، خداوند پاداش عمل کنندگان را بدون حساب و شمارش ببخشد. و چون صبح روز عید فرا رسد، خداوند فرشتگان را در تمام شهرها برانگیزد، پس در زمین فرود آیند و سر کوچه و گذرها بایستند و گویند: ای امّت محمّد، به سوی پروردگار کریم برای نماز عید بیرون شوید که او پاداش فراوان دهد، و گناهان بزرگ را بیامرزد. و چون به سوی محلّ برگزاری نماز عید روند، خداوند عزّ و جلّ به ملائکه فرماید: ای ملائکه من، پاداش یک اجیر وقتی به وظیفه اش عمل کند چیست؟ گویند: معبودا و سیّدا، پاداش او آن است که اجر او را به طور کامل عطا کنی. خدای عزّ و جلّ فرماید: ای ملائکه!

من شما را گواه می گیرم که من پاداش این را که در ماه رمضان روزه گرفتند و به نماز ایستادند، خرسندی و آمرزش خودم قرار دادم.

و می فرماید: ای بندگانم از من درخواست کنید، به عزّت و جلالم خودم سوگند، شما امروز در این گردهمایی خود برای آخرت و دنیایتان هر چه از من بخواهید به شما ببخشم، و به عزّتم سوگند، تا آن زمان که مرا مراقب خود بدانید و از من بترسید، گناهان و عیوب شما را بپوشانم. به عزّتم سوگند که شما را از عذاب پناه دهم و در نزد کسانی که در دوزخ جاودانند رسوا نسازم، بازگردید که همگی بخشیده شده اید، شما مرا خشنود ساختید و من از شما خشنود گشته ام. پس ملائکه بدین بخششی که خداوند به این امّت به هنگام افطار ماه رمضان عنایت فرموده خوشحال شده و یکدیگر را بشارت داده و تبریک گویند. (1)

2. کشف الغمۀ: هارون ضبی گوید: من در کتاب پدرم این گونه یافتم که جعفر ابن محمد حمزه علوی برای ما روایت کرد و گفت: برای ابومحمد ابن علی ابن محمد ابن رضا علیه السلام نوشتم و از ایشان پرسیدم چرا خداوند روزه را واجب کرده است؟ او برای من این گونه نوشت: همانا خداوند متعال روزه را واجب کرد تا ثروتمند گرسنگی را لمس کند تا بر فقیر مهربانی و دلسوزی کند. (2)

4. مجالس شیخ: عمر ابن زید از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: همانا خداوند در هر شب ماه رمضان گروهی را از آتش جهنم آزاد میکند، مگر کسی که روزهاش را با چیز مست کنندهای افطار کند یا کینهتوز یا صاحب شاهین باشد. روای گوید: عرض کردم: صاحب شاهین چیست؟ فرمود: شطرنج. (3)

4. دعوات روایندی: از کعب روایت شده که خداوند در میان شبها، شب قدر و در میان ماهها، ماه رمضان را برگزیده است و (روزه) ماه رمضان گناهان مابین خود و ماه رمضان دیگر را میزداید.

1- . امالی مفید : 144
2- . کشف الغمه 3 : 273
3- . امالی طوسی 2 : 302

5. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: یونس ابن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس یک روز از روزه ماه رمضان را بخورد، ایمان از وجود او بیرون میرود.

و محمد ابن ابی عمیر از چند نفر روایت میکند که امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ماه رمضان، ماه خداوند عزّ و جلّ است و ماهی است که خداوند نیکی را دوچندان میکند و در این ماه بدیها را پاک میکند و این ماه، ماه برکت است و ماه روی کردن به سوی خدا و ماه توبه و ماه مغفرت و ماه آزاد شدن از آتش جهنم و کامیابی به بهشت است.

هان! پس از هر حرامی در این ماه دوری کنید و در این ماه قرآن را بسیار تلاوت کنید و نیازهایتان را درخواست کنید و در این ماه با ذکر پروردگارتان مشغول شوید و ماه رمضان در نزد شما همچون ماههای دیگر نباشد، زیرا این ماه در نزد خداوند نسبت به ماههای دیگر حرمت و برتری دارد و در ماه رمضان، روزی که روزه هستید، همچون روزی که روزهدار نیستید، نباشد.

و علی ابن فضال از پدرش از امام رضا علیه السلام روایت میکند که فرمود: نیکیها در ماه رمضان قبول میشود و بدیها آمرزیده میشود، کسی که در ماه رمضان آیهای از کتاب خداوند عزّ و جلّ قرائت کند، مانند کسی است که در ماههای دیگر قرآن را ختم کرده باشد؛ و کسی که در این ماه به روی برادر مؤمنش بخندد، روز قیامت او را ملاقات نمیکند جز اینکه به روی وی بخندد و به او مژده بهشت بدهد؛ و کسی که در این ماه به مؤمنی یاری رساند، خداوند در روزی که قدمها میلغزد به او کمک میکند که از پل صراط عبور کند؛ و کسی که در این ماه خشم خود را نگاه دارد، خداوند در روز قیامت خشم خود را از او نگاه میدارد؛ و هر کس در این ماه اندوهگینی که مال یا عزیزش را از دست داده را کمک رساند، خداوند او را از هول بزرگ روز قیامت امان میدهد؛ و کسی که در این ماه ستمدیدهای را یاری دهد، خداوند در دنیا او را در برابر کسی که با او دشمنی میدهد، یاری میدهد و در روز قیامت در هنگام حساب و ترازوی اعمال او را یاری میرساند.

ماه رمضان ماه برکت است و ماه رحمت و ماه آمرزش گناهان و ماه توبه و ماه روی کردن به سوی خداوند است. کسی که در ماه رمضان مورد بخشش قرار نگیرد، پس در کدام ماه بخشیده میشود؟ پس از خدا بخواهید که روزه را از شما قبول کند و آن را آخرین عهد شما قرار ندهد و در این ماه توفیق طاعت و بندگی را به شما بدهد و از معصیتش شما را محافظت کند چرا که او بهترین عهدهدار است.

و حلبی از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: روزه ماه صبر(رمضان) و روزه سه روز در هر ماه، اندوههای قلب را میزداید.

و روایت شده که روزه سه روز از هر ماه، روزه یک عمر است و خداوند عزّ و جلّ میفرماید: «مَن جَاء بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»، (1) {هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.}

6. دعائم الاسلام: از جعفر ابن محمد علیهما السلام روایت شده که هرگاه ماه رمضان فرا رسید، به پسرانش میفرمود: خود را تا آخرین حد توان به کوشش وادارید زیرا در این ماه روزیها تقسیم میشود و مدتهای عمر مقرر میگردد و نام حج کنندگانی که به مهمانی خدا مشرف میشوند نوشته میشود، و در آن ماه شبی است که انجام عملی در آن، از عمل هزار ماه بهتر است.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که در آخرین روزه ماه شعبان برای مردم خطبه خواند و فرمود: ای مردم، همانا ماهی بزرگ و ماهی پر برکت بر شما سایه افکنده است، ماهی که شبی در آن است که انجام عمل در آن شب از هزار ماه بهتر است. کسی که در این ماه عملی از اعمال خیر را به قصد تقرب به خدا به جا آورد، مانند کسی است که فریضه ای از فرائض خدا را در غیر آن ماه ادا کند، و کسی که در این ماه فریضهای از فرائض خدا را بهجا آورد مانند کسی است که هفتاد فریضه را در ماههای دیگر بهجا آورده باشد و این ماه، ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است و این ماه، ماه همدردی است و این ماهی است که خداوند روزی مومنان را در آن میافزاید و کسی که در این ماه مومنی روزهدار را به

1- . انعام / 160

افطار پذیرا شود، گناهان گذشتهاش بخشوده میشود و ثواب آزاد کردن بندهای از آتش نصیب او میگردد و اجری به اندازه او دریافت میکند بدون آنکه از اجر او چیزی کم شود.

یکی از مردمان گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، همگی ما این توان را نداریم که روزهدار را افطار کنیم. پیامبر فرمود: خداوند این ثواب را به کسی که با جرعه شیری، یا یک خرما یا جرعهای آب روزهداری را افطار کند، میدهد و هر کس روزهداری را سیر کند، خداوند از حوض من جرعهای به او مینوشاند که هرگز بعد از آن تشنه نخواهد شد.

و این ماهی است که اول آن رحمت، و وسطش مغفرت و پایانش آزاد شدن از آتش دوزخ است و هر کس در این ماه بار تکالیف مملوک خود را سبک سازد، خداوند او را میبخشاید و او را از آتش دوزخ آزاد میکند.

و در این ماه چهار خصلت را زیاد انجام دهید: دو خصلت که به وسیله آن خدا را خشنود میسازید و دو خصلت که خود از آن بینیاز نیستید. اما دو خصلت که خدا را با آن خشنود میسازید، شهادت به اینکه معبود حقی جز الله نیست و از او آمرزش گناهان را میخواهید و اما دو خصلت که شما از آن بینیاز نیستید، این است که در این ماه بهشت را از خدا بخواهید و از آتش دوزخ به او پناه ببرید.

و از ایشان روایت شده که بر منبر بالا رفت و فرمود: آمین، سپس فرمود: ای مردم! جبرئیل از من استقبال کرد و گفت: ای محمد، هر کس ماه رمضان را درک کند و آمرزیده نشود و بمیرد، خداوند او را از رحمت خود دور کناد، بگو: آمین، پس گفتم: آمین.

از جعفر ابن محمد علیهما السلام روایت شده که فرمود: کسی که در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا ماه رمضان آینده آمرزیده نمیشود، مگر آنکه در عرفه حاضر شده باشد. (حج کند)

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: روزه ماه رمضان سپر و مانع از آتش دوزخ است.

7. کتاب نوادر: عبدالله ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا برسد، خداوند تبارک و تعالی به هفت فرشته؛ جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، کوکیائیل، شمشائیل، اسماعیل و دردیائیل علیهم السلام امر میکند، درحالی که همراه با هر کدام این فرشتگان پرچمی از نور و هفتاد هزار فرشته است.

همراه جبرئیل پرچمی از نور است که در آسمان هفتم زده میشود و بر این پرچم نوشته شده: لا اله الا الله محمد رسول الله، خوشا به حال آن دسته از امت محمد که در هنگام سحر با گریه و نیایش خدا را ندا میکنند، آنان کسانی هستند که در روز قیامت در امانند. و در دست کوکائیل پرچمی از نور است که در آسمان چهارم زده میشود و بر آن نوشته شده: لا اله الا الله محمد رسول الله، خوشا به حال امت محمد که در روز صدقه میدهند و در شب، با دعا و استغفار شب زندهداری میکنند، خداوند به آنان مینگرد و از آنان راضی میشود. و در دست شمشائیل پرچمی از نور است که در آسمان سوم زده شده و بر روی آن نوشته شده: لا اله الا الله محمد رسول الله، خوشا به حال امت محمد که روزه آنها سپر و مانعی از آتش دوزخ است. و در دست اسماعیل پرچمی از نور است که در آسمان دوم زده شده و بر روی آن نوشته شده: لا اله الا الله محمد رسول الله، روز قیامت مانند برق جهنده از پل صراط عبور میکنند. و در دست دردیائیل پرچمی از نور است که در آسمان دنیا (پایین) زده شده و بر روی آن نوشته شده: لا اله الا الله محمد رسول الله، سلام و درود بر شما ای امت محمد، به نعمت همیشگی و ماندن در جوار الهی و در جوار محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ماندن در جوار فرشتگان، مژده بدهید.

8. کتاب نوادر: ابوسعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: درهای آسمان در اولین شب ماه رمضان باز میشود و تا آخرین شب ماه رمضان بسته نمیشود.

هیچ بندهای نیست که در یکی از شبهای این ماه نماز برپا دارد مگر اینکه خداوند عزّ و جلّ در ازای هر سجده برای او هزار و پانصد نیکی ثبت کند و در بهشت خانهای از یاقوت سرخ برای او بنا کند که هفتاد هزار در داشته باشد و هر

یک از درهای آن کاخی از طلای آراسته به یاقوت سرخ داشته باشد و برای هر سجده‌ای که در شب یا روز ماه رمضان انجام می دهد، درختی است که سوار در آن به مسافت صد سال حرکت میکند و چون اولین روز ماه رمضان را روزه گرفت، همه گناهان گذشتهاش که تا آن روز از ماه رمضان مرتکب شده، بخشیده میشود و روزه او، کفارهای است برای همان اندازه از گناهانی که در سال (پیش رو) مرتکب میشود. و در ازای هر روز از ماه رمضان که روزه میگیرد، کاخی به او تعلق میگیرد که هزار در از طلا دارد و هزار هزار ملائکه که از صبحدم تا پنهان شدن خورشید میآیند، برای او طلب آمرزش میکنند.

9. کتاب نوادر: عبدالله ابن مسعود گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود: هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد سپس با خود بگوید، اگر زنده ماند روزه میگیرد، اگر در این مدت بمیرد وارد بهشت میشود. هیچ نفقهای نیست مگر اینکه از بنده در باره آن بازخواست میشود جز نفقه در ماه رمضان که به عنوان صله و هدیه برای بندگان و کفاره گناهانشان است. و هر کس در ماه رمضان هموزن ذرهای و بالاتر از آن صدقه بدهد، در نزد خداوند سنگینتر از کوههای زمین به وزن طلا است اگر در غیر ماه رمضان صدقه بدهد؛ و کسی که در ماه رمضان آیهای را قرائت کند یا تسبیح گوید، فضیلت او بر دیگران مانند فضیلت من بر امتم میباشد، پس طوبی از آنِ کسی خواهد شد که ماه رمضان را دریابد و خوشا به حال او.

گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، طوبی چیست؟ فرمود: جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که طوبی درختی است که خداوند با دستان خویش کاشته است و این درخت همه نعمتهایی را که خداوند عزّ و جلّ برای اهل بهشت آفریده است در خود دارد و میوههایی دارد که به تعداد ستارگان است. هر یک از میوههای آن مانند پستان زنان است و از هر یک از میوههای آن چهار نهر بیرون میآید: آب، شراب، عسل و شیر و گستره هر نهر به اندازه مسافت بین مشرق و مغرب است و عرض آن به اندازه مسافت بین آسمان تا زمین است. و کسی که در ماه رمضان دو رکعت نماز بخواند، برای او به اندازه هفتصد هزار رکعت در غیر ماه رمضان به حساب میآید، چراکه اعمال در ماه رمضان چندین برابر میشود. عرض

شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم،، چند برابر میشود؟ فرمود: جبرئیل علیه السلام به من خبر داد و گفت: نیکیها هزار هزار برابر میشود و هر نیکی از اعمال نیک از کوه احد برتر است و این سخن خداوند است که میفرماید: «وَاللّهُ یُضَاعِفُ لِمَن یَشَاء»،(1) {و خداوند برای هر کس که بخواهد، [آن را] چند برابر می کند.}

روایتی گوید: مقصود از این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث «طوبی درختی است که خداوند با دست خود کاشته است» این است - و خداوند بهتر میداند - که با قوت خویش آن را آفریده است، همان طور که خداوند متعال فرموده است: «وَالسَّمَاء بَنَیْنَاهَا بِأَیْدٍ»،(2) {و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم.} یعنی با قوت برافراشتیم و قوت همان قدرت است.

10. کتاب نوادر: علی ابن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و در این ماه از حرام و بهتان اجتناب کند، خداوند از او خشنود میگردد و باغهای بهشت را بر او واجب میکند.

11. کتاب نوادر: ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: کسی که در ماه رمضان در هر شب دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت یک بار سوره فاتحه و سه بار سوره توحید را قرائت کند - اگر خواست در ابتدای شب نماز را بخواند و اگر خواست در پایان شب آن را بخواند - سوگند به خداوندی که مرا به حق به پیامبری مبعوث داشت، خداوند عزّ و جلّ در ازای هر رکعت، صد هزار ملائکه را میفرستد که برای او نیکیها بنویسند و بدیها را از او بزدایند و درجات او را بالا ببرند و خداوند پاداش کسی که هفتصد برده را آزاد کرده، به او عطا میکند.

12. کتاب نوادر: ابومسعود انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند، درحالی که ماه رمضان نزدیک شده بود، فرمود: اگر بنده میدانست چه

1- . بقره / 261

2- . ذاريات / 47

چیزی در ماه رمضان است، دوست میداشت که ماه رمضان یک سال کامل باشد. مردی از طایفه خزاعه گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در ماه رمضان چه چیزی است؟ فرمود: همانا بهشت سال به سال به جهت حلول ماه رمضان زینت و آرایش می شود. چون شب اوّل ماه رمضان فرا رسد، بادی از زیر عرش می وزد که برگ درختان بهشت را به هم می زند، پس حوریان بهشتی به آن نگاه میکنند و گویند: پروردگارا، در این ماه از میان بندگانت برای ما همسرانی قرار بده که چشم ما به آنان روشن شود و مایه سرور و شادی ما شوند و چشم و دل آنان برای ما روشن شود.

هیچ بندهای نیست که ماه رمضان را روزه بگیرد مگر اینکه خداوند حوریان بهشتی را که در خیمهای از مروارید توخالی هستند، به ازدواج او درمیآورد همان طور که خداوند آنان را در کتاب خویش این گونه وصف میکند: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ»،(1) {حورانی پرده نشین در [دل] خیمه ها.} بر هر یک از آنها هفتاد هزار زینت است که رنگ هیچ کدام از آن شبیه دیگری نیست و هفتاد هزار عطر داده شده که بوی هیچ کدام از آن شبیه دیگری نیست و هر زنی از آنان بر تختی از یاقوت سرخ است که با مروارید آراسته شده و بر این مروارید هفتاد تشک است که آستر آن از ابریشم ضخیم براق است و بر بالای این هفتاد تشک، هفتاد تخت قرار دارد. و برای هر یک از این زنان، هفتاد هزار خدمتکار زن مقرر شده که در دست هر خدمتکار سینیای از جنس طلا است که نوعی غذا در آن گذاشته شده است. همه این (نعمتها) فقط برای هر روزی است که در ماه رمضان روزه گرفته است، جدای از کارهای نیکی که انجام داده است.

13. کتاب نوادر: انس ابن مالک گوید: زمانی که ماه رمضان فرا رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سبحان الله! از چه چیزی استقبال میکنید؟ و چه چیزی از شما استقبال میکند؟ سه بار این جمله را فرمود.

عمر گفت: (آیاتی از) وحی نازل شده یا دشمنی رسیده است؟ فرمود: خیر، بلکه خداوند متعال در اول ماه رمضان همه کسانی را که اهل این قبله میباشند می

1- . رحمن / 72

بخشاید. - گفت: - و مردی در گوشه جمعیت سر خود را تکان میداد و میگفت: بخ بخ (اسم فعلی که در مقام شگفتی به چیزی گویند). پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گویی تو از آنچه شنیدی دلتنگ شدی؟ آن مرد گفت: نه، به خدا سوگند ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بلکه منافقان را به یاد آوردم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: منافق، کافر است و در این بخششی که ذکر کردم، چیزی برای کافر نیست.

و با همین سند سلمه ابن وردان گوید: شنیدم که انس ابن مالک میگفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک پله از منبر بالا رفت و فرمود: آمین، سپس از پله دوم بالا رفت و فرمود: آمین، و از پله سوم بالا رفت و فرمود: آمین. سپس راست ایستاد و بعد نشست. صحابه به او گفتند: بر چه چیزی آمین گفتید؟ فرمود: جبرئیل به نزد من آمد و گفت: خوار و نابود شود کسی که اسم تو پیش او ذکر شود و بر تو درود و سلام نفرستد. پس من گفتم: آمین. و گفت: خوار و نابود شود کسی که پدر و مادرش را درک کند (ولی در حق آنان کوتاهی کند) و وارد بهشت نشود، پس گفتم: آمین، و گفت: خوار و نابود شود کسی که به ماه رمضان برسد و آمرزیده نشود، پس گفتم: آمین.

14. کتاب نوادر: ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که ماه رمضان آغاز شود، درهای دوزخ بسته میشود و درهای بهشت باز میشود و شیاطین در زنجیر کشیده میشوند.

15. انس ابن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که اولین شب ماه رمضان فرا رسد، خدواند تبارک و تعالی «رضوان» خزانهدار بهشت را صدا میزند و میفرماید: ای رضوان. او میگوید: لبیک و سعدیک (اطاعت میکنم و فرمان میبرم). خداوند میفرماید: بهشتم را برای روزهداران امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم زینت و آرایش بده و بهشت را تا زمانی که ماه رمضانشان به پایان میرسد، بر روی آنها نبند.

فرمود: سپس خداوند میفرماید: ای مالک. او میگوید: لبیک و سعدیک. خداوند میفرماید: دوزخ را بر روزهداران امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ببند

و آن را تا پایان ماه رمضانشان باز نکن. سپس به جبرئیل میفرماید: ای جبرئیل، او میگوید: پروردگارم لبیک و سعدیک، خداوند میفرماید: به زمین فرود آی و شیاطین سرکش را در زنجیر کن تا روزه بندگانم را فاسد و تباه نکنند.

و خداوند در آسمان دنیا فرشتهای به نام دردیائیل دارد که کتف های او زیر عرش خداوند است و دو بال دارد؛ یک بالش با یاقوت و بال دیگرش با مروارید آراسته شده، و از مشرق و مغرب عبور کرده و در کل ماه رمضان ندا میدهد: ای طالب خیر بیا، و ای طالب شر، کوتاه بیا، آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا به او داده شود؟ و آیا دعا کننده ای هست که دعایش اجابت شود؟ آیا توبه کنندهای هست تا توبهاش پذیرفته شود؟

و خداوند متعال در طول ماه رمضان میفرماید: آیا توبه کنندهای هست که توبهاش پذیرفته شود؟ آیا کسی هست که از گناه آمرزش بخواهد تا بخشیده شود؟ و خداوند عزّ و جلّ میفرماید: ای بندگانم، شکیبا باشید و مژده بدهید زیرا نزدیک است که به رحمت و کرامت من بازگردید. فرمود: خداوند در هر عید فطر مردان و زنانی آزادشده از آتش دوزخ دارد.

و با همین سند، ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در ماه رمضان به امتم پنج خصلت داده شده که پیش از آنان به هیچ کسی داده نشده است: بوی دهان روزهدار در نزد خداوند از بوی مشک خوشبوتر است، و فرشتگان تا زمان افطار برای او طلب آمرزش میکنند، و در این ماه شیاطین سرکش در بند میشوند به آنچه در ماههای دیگر بدان میرسیدند، در این ماه به آن نمیرسند؛ و در این ماه، خداوند هر روز بهشت خود را میآراید و میفرماید: نزدیک است سنگینی و اذیت از بندگان صالحم برداشته شود و به سوی تو بیایند و در آخرین شب این ماه آمرزیده میشوند. عرض شد: ای رسول خدا! کدام شب؟ شب قدر؟ فرمود: نه، همانا کارگر هنگامی که کارش به پایان برسد، دستمزدش را دریافت میکند.

16. کتاب نوادر: ابوعیاش گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که روزه و شب زندهداری ماه رمضان را از ابتدا تا پایان ماه در مکه انجام دهد، خداوند برای او پاداش صد هزار ماه رمضان در غیر مکه مینویسد و در هر روز و

شب، مغفرت و شفاعت شامل حال او میشود و در ازای هر روز، دو بارِ اسب در راه خدا برایش ثبت میشود و در هر روز دعایی اجابت شده برای او مقرر میگردد و در ازای هر روز، آزاد کردن بردهای برایش نوشته میشود و در ازای هر شب، آزاد کردن بردهای برایش ثبت میشود و در هر روز یک نیکی و در هر شب یک نیکی برای او مینویسند و مقام او هر روز یک درجه و هر شب یک درجه بالا میرود.

17. کتاب نوادر: عبدالرحمن از پدرش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ماه رمضان یاد کرد و بنا بر آنچه خداوند آن را بر دیگر ماهها برتری داده، فضیلت ماه رمضان را بیان فرمود و آن را بر دیگر ماهها برتری داد و فرمود: ماه رمضان ماهی است که خداوند عزّ و جلّ روزه آن را واجب کرد و شب زندهداری در این ماه را سنت قرار داد، پس هر کس با ایمان به خداوند و به امید پاداش الهی، ماه رمضان را روزه بگیرد و در این ماه شب زندهداری کند، از گناهانش بیرون میآید همچون روزی که از مادرش او را به دنیا آورده است.

18. کتاب نوادر: سلمان رضی الله عنه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین روز ماه شعبان برای ما خطبه خواند و فرمود: ای مردم، همانا ماهی پر برکت بر شما سایه افکنده است، ماهی که شبی در آن است که انجام عمل در آن شب از هزار ماه بهتر است، خداوند روزه این ماه را فرض و شب زندهداری در این ماه را مستحب قرار داده است. کسی که در این ماه عملی از اعمال خیر را به قصد تقرب به خدا به جا آورد، اجری برابر با اجر کسی که فریضهای را در ماههای دیگر ادا کرده، خواهد داشت و کسی که در این ماه فریضهای را بهجا آورد، مانند کسی است که هفتاد فریضه را در ماههای دیگر بهجا آورده باشد و این ماه، ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است و این ماه، ماه همدردی است و و این ماهی است که اول آن رحمت، و وسطش مغفرت و پایانش آزاد شدن از آتش دوزخ است.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که اولین شب ماه رمضان فرا رسد، خدواند جلّ جلاله، رضوان، خزانهدار بهشت را صدا میزند. او میگوید: لبیک و سعیدک (اطاعت میکنم و فرمان میبرم). خداوند میفرماید: بهشتم را برای روزهداران امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم زینت و آرایش بده و

ص: 425

بهشت را تا زمانی که ماه رمضانشان به پایان میرسد بر روی آنها نبند. سپس مالک خزانهدار دوزخ را صدا میکند، ای مالک! او میگوید: لبیک و سعدیک. خداوند میفرماید: دوزخ را بر روزهداران امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ببند و آن را تا پایان ماه رمضانشان باز نکن. سپس جبرئیل را صدا میکند: ای جبرئیل! او میگوید: لبیک و سعدیک، خداوند میفرماید: به زمین فرود آی و شیاطین سرکش را از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در زنجیر کن تا روزه بندگانم را فاسد و تباه نکنند.

19. کتاب نوادر: مسعودی گوید: کسی که در شب اول ماه رمضان سوره «انا فتحنا لک فتحا مبینا» را قرائت کند، تا رمضان آینده این پاداش (پاداش آن؟؟؟) برای او حفظ میشود.

20. کتاب نوادر: ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: هنگامی که اولین شب ماه رمضان فرا برسد، شیاطین و جنیان سرکش در زنجیر کشیده میشوند و درهای جهنم بسته میشود و حتی یک در از آن باز نمیشود، و درهای آسمان گشوده میشود و حتی یک در از آن بسته نمیشود و ندا دهنده ندا سر میدهد: ای طالب خیر بیا، و ای طالب شر کوتاه بیا (بس کن) و هر شب خداوند عزّ و جلّ شماری را از آتش آزاد میکند.

21. کتاب نوادر: سری سقطی گوید: سال، درخت است و ماهها، شاخههای بزرگ آن و روزها، شاخههای کوچک آن و ساعتها برگهای آن و نفس بندگان، میوههای آن. ماه شعبان، زمان میوه دادن درخت، و ماه رمضان زمان چیدن میوههای آن است و مومنان کسانی هستند که میوهها را میچینند.

22. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که شب قدر فرا برسد، خداوند به جبرئیل دستور میدهد، پس جبرئیل در گروهی منظم و متصل به هم از فرشتگان به زمین فرود میآید درحالی که پرچم حمد در دست اوست و این پرچم به رنگ سبز است. جبرئیل پرچم را بر پشت کعبه میزند و او ششصد بال دارد: دو بال از بالهایش را فقط در شب قدر میگشاید و در آن شب این دو بال را میگستراند و از مشرق و مغرب عبور میکند و جبرئیل در این شب

فرشتگان را پخش میکند و این فرشتگان بر همه کسانی که نشسته و ایستاده عبادت میکنند و کسانی که خداوند را ذکر میکنند و نماز برپا میدارند، درود و سلام میفرستند و با آنان دست میدهند و تا طلوع فجر برای دعای آنان آمین میگویند.

23. ثواب الاعمال،(1) امالی صدوق: سعید ابن جبیر گوید: از ابن عباس پرسیدم: اجر و پاداش کسی که در ماه رمضان روزه بگیرد و حقّ آن را بشناسد چیست؟ گفت: ای پسر جبیر! خود را آماده کن تا تو را از آنچه که گوشهایت تا به حال نشنیده و در دلت خطور نکرده آگاه کنم و ذهن خود را از هر فکری خالی کن (به هنگامی که کاملا آسوده خاطری به من مراجعه کن)، زیرا آنچه که تو از من خواستی، علم اولین و آخرین است.

سعید ابن جبیر می گوید، از نزد ابن عباس بیرون آمدم و فردای آن روز خود را برای شنیدن سخنان او آماده ساختم، و به هنگام طلوع فجر به خدمتش شتافتم و نماز صبح را خواندم، و آنگاه سؤال خود را به او یادآور شدم. ابن عباس رو به من کرد و گفت: از من بشنو آنچه را که من می گویم: از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدم که می فرمود: اگر می دانستید چه چیزهایی (فیضهایی) برای شما در ماه رمضان نهفته است، مسلّما بیشتر خدا را سپاس می گفتید.

چون شب اول این ماه فرا می رسد، خداوند تمام گناهان امّت مرا، چه پنهان و چه آشکار، می آمرزد، و مقام شما را دو هزار درجه بالا می برد، و برای شما پنجاه شهر بنا می سازد.

و در روز دوّم، خداوند به ازای هر گامی که در آن روز بر می دارید، ثواب عبادت یک سال و ثواب یک پیامبر را در نامه اعمالتان می نویسد، و اجر روزه یک سال را به نام شما ثبت می کند.

و خداوند در روز سوم به شماره هر مویی که بر بدن دارید، سرایی در فردوس از مروارید سفید و فروزان به شما عنایت می کند که در قسمت فوقانی این بارگاه دوازده هزار اطاق از نور، در قسمت زیرین آن دوازده هزار اطاق قرار دارد و در هر

1- . ثواب الاعمال : 62 - 65

اطاقی هزار تخت است و بر هر تختی یک حوری آرمیده است و هر روز هزار فرشته بر شما وارد می شود که در دست هر یک از آنها هدیه ای است.

و در روز چهارم، خداوند در بهشت جاودانه خود هفتاد هزار کاخ به شما کرم می کند که در هر کاخی هفتاد هزار اطاق و در هر اطاقی پنجاه هزار تخت و بر هر تختی یک حوری است و در برابر هر حوری هزار خدمتکار آماده خدمت ایستاده اند که یکی از این خدمتکارها از دنیا و آنچه در اوست، بهتر است.

و در روز پنجم، خداوند در جنّه المأوی هزار شهر به شما عنایت می کند، که در هر شهری هفتاد هزار خانه است، و در هر خانه ای هفتاد هزار سفره، و بر روی هر سفره ای هفتاد هزار ظرف، و در هر ظرفی شصت هزار نوع از خوردنیها قرار دارد که هیچ یک از آنها شبیه دیگری نیست.

و در روز ششم، خداوند در دار السلام صد هزار خانه به شما می بخشد که در هر شهری صد هزار خانه است، و در هر خانه ای صد هزار اطاق، و در هر اطاقی صد هزار تخت زرّین قرار دارد، که طول هر تخت هزار ذراع است، بر هر تختی یک همسر حوری که دارای سی هزار گیسو از مروارید و یاقوت بافته شده است آرمیده، و هر گیسوی او را یک صد کنیز به دست می گیرند.

و در روز هفتم، خداوند در جنّه النّعیم، ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدّیق را به شما عطا می کند.

و در روز هشتم، خداوند پاداشی برابر با ثواب عمل شصت هزار عابد، و شصت هزار زاهد به شما کرامت می کند.

و در روز نهم، ثواب هزار عالم و هزار معتکف، و هزار مرزبان به شما عنایت می فرماید.

و در روز دهم، خداوند هفتاد هزار حاجت شما را برآورده می سازد، و آفتاب و ماه و ستارگان و چهارپایان و پرندگان و درندگان و هر سنگ و گِل و تر و خشک و تمام ماهیان دریاها و برگهای درختان برای شما از خداوند طلب آمرزش و مغفرت می کنند.

و در روز یازدهم، خداوند برای شما ثواب چهار حج و چهار عمره، که هر حجّی به همراه پیامبری از پیامبران، و هر عمره ای به همراه صدّیقی یا شهیدی به جا آورده شود، به شما اعطا می کند.

و در روز دوازدهم، خداوند مقرر فرموده است که گناهان شما را به حسنات مبدّل کرده، و حسنات شما را چند برابر کنند، و به ازای هر حسنه ای یک میلیون حسنه در نامه اعمالتان می نویسند.

و در روز سیزدهم، خداوند پاداشی برابر با عبادت اهل مکه و مدینه در نامه اعمال شما می نویسد، و شفاعت از بندگان خود را به شماره سنگها و ریگهایی در فاصله مکه و مدینه به چشم می خورد برای شما مقدّر می فرماید.

و در روز چهاردهم، گویا ثواب ملاقات و مصاحبت با آدم و نوح و پس از آنها ابراهیم و موسی و پس از آنها داود و سلیمان نصیب شما می گردد گویا با هر پیغمبری، دویست سال خدا را پرستش کرده باشید.

و در روز پانزدهم حاجات دنیوی و اخروی شما را برآورده می کند. آنچه را که به ایّوب عطا کرده است به شما نیز ارزانی می دارد و دعایتان را اجابت می فرماید، و حاملان عرش برای شما طلب آمرزش کنند و خداوند در قیامت چهل نور به شما کرامت فرماید که ده نور از سمت راست و ده نور از سمت چپ و ده نور از روبرو و ده نور از پشت سر شما می تابد.

و در روز شانزدهم، خداوند به هنگامی که از قبر بیرون می آیید شصت جامه برای اینکه بپوشید، و شتری ماده برای آنکه سوار شوید، در اختیار شما قرار می دهد و ابری برای شما می فرستد که (سایبان شما باشد) و شما را از گرمای آن روز رهایی بخشد.

و در روز هفدهم، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: من آنها و پدرانشان را آمرزیدم، و سختیهای روز قیامت را از آنها برداشتم.

در روز هجدهم خداوند به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و کرسی و کرّوبیان فرمان می دهد که برای امّت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تا

سال آینده طلب آمرزش کنند، و روز قیامت ثواب بدریّون (کسانی که در غزوه بدر ملازم رکاب پیامبر گرامی اسلام بودند) را به شما عنایت می فرماید.

و چون روز نوزدهم فرا رسد، هیچ فرشته ای در آسمانها و زمین باقی نمی ماند مگر آنکه از خداوند خویش رخصت می طلبد تا هر روز به زیارت قبور شما بیایند، و هر فرشته ای یک هدیه و یک نوشیدنی به همراه دارد.

و هنگامی که بیست روز از ماه رمضان سپری می گردد، خداوند هفتاد هزار فرشته می فرستد تا شما را از وسوسه هر شیطان رانده شده ای حفظ کند، و به ازای هر روزی که روزه داشته اید، خداوند پاداش روزه صد سال را در نامه اعمال شما می نویسد، و میان شما و آتش جهنّم گودالی قرار می دهد، و ثواب کسی را که تورات و انجیل و زبور و فرقان را خوانده باشد به شما عنایت فرماید و به تعداد پرهای جبرئیل علیه السّلام پاداش عبادت یک سال را به نام شما ثبت و ضبط می کند، و ثواب تسبیح عرش و کرسی را کرامت می فرماید، و به تعداد هر آیه ای از قرآن، هزار حوری را به همسری شما در می آورد.

و در روز بیست و یکم، خداوند قبر شما را هزار فرسنگ فراخ می سازد، و تاریکی و وحشت قبر را از شما دور می کند و قبرهای شما را همانند قبرهای شهدا قرار می دهد، و سیمای شما را همانند صورت حضرت یوسف فرزند حضرت یعقوب می کند.

و در روز بیست و دوم، خداوند فرشته مرگ را بدانسان که برای پیامبران که درود ما بر آنان باد، فرستاد، به یاری شما می فرستد، و ترس و وحشت منکر و نکیر را از شما برمی دارد، و غم دنیا و عذاب آخرت را از شما دور می سازد.

و در روز بیست و سوم، از پل صراط با پیامبران و صدّیقان و شهدا و شایستگان عبور می کنید، و مانند آن باشید که همه یتیمان امّتم را سیر کرده باشید، و همه برهنگان امّتم را پوشانیده باشید.

و در روز بیست و چهارم، هیچ یک از شما بدرود حیات نمی گویید مگر آنکه مقام خود را در بهشت ببینید، و به هر یک از شما ثواب هزار بیمار و هزار غریبی را

ص: 430

که برای طاعت خداوندی از شهر خود بیرون آمده اند عنایت می کند، و به ثواب آزاد ساختن هزار بنده از فرزندان اسماعیل نیز نائل می شوید.

و در روز بیست و پنجم، خداوند هزار بارگاه سبز رنگ در زیر عرش برای شما بنا می کند، که در فراز هر بارگاه، خیمه ای از نور قرار دارد، و خداوند تبارک و تعالی همه شما را مورد خطاب قرار داده، می فرماید: ای امّت احمد! منم پروردگار شما و شما بندگان و کنیزان من هستید؛ در سایه عرش من و در این بارگاهها مقام کنید، و بخورید و بیاشامید، گوارای شما باد! هیچ ترسی برای شما نیست و غمگین نخواهید شد؛ ای امت محمّد! به عزت و جلالم قسم، شما را به گونه ای به بهشت می فرستم که موجب شگفتی پیشینیان و آیندگان گردد، و هر یک از شما را با هزار تاج از نور، تاجدار کرده، و بر مرکبی از نور سوار کنم که عنانش از نور است، و عنانش دارای هزار حلقه از طلا، و در هر حلقه ای فرشته ای گمارده شده است، و به دست هر فرشته ای عمودی از نور قرار دارد، تا آنکه با این هیأت و بدون محاسبه و حساب وارد بهشت شود.

و چون روز بیست و ششم فرا رسد، خداوند از روی رحمت به شما نظر می افکند، تمام گناهانتان را می آمرزد، مگر خونهای به باطل ریخته شده و اموال به ناحق تصرف شده، و خانه شما را روزی هفتاد بار از (آلودگی به) غیبت و دروغ و بهتان پاک می سازد.

و چون روز بیست و هفتم فرا رسد، مقام و منزلت شما چنان است که گویا هر مرد با ایمان و زن دینداری را یاری کرده و هفتاد هزار برهنه را پوشانیده و هزار مرزبان را خدمت کرده باشید و گویا هر کتابی را که خداوند بر پیامبرانش نازل کرده است خوانده باشید.

و در روز بیست و هشتم، خداوند در بهشت جاویدان، برای شما صد هزار شهر از نور بنا می کند و در جنّه المأوی یک صد هزار کاخ از نقره و در جنّه النّعیم یک صد هزار خانه از عنبر اشهب و در جنّه الفردوس یک صد هزار شهر که در هر شهر یک هزار حجره قرار داده به شما عنایت می فرماید و در جنّه الخلد یک صد هزار

منبر از مشک و در درون هر منبری هزار اطاق از زعفران و در هر اطاقی هزار تخت از درّ و یاقوت و بر هر تختی همسری از حوران بهشتی به شما عطا می کند.

و چون روز بیست و نهم فرا می رسد، خداوند یک میلیون محلّه و در هر محلّه ای خیمه ای سپید رنگ و در هر خیمه ای تختی از کافور سپید و بر هر تختی هزار بستر از سندس سبز رنگ و بر هر بستر حوریّه ای است که هفتاد جامه پوشیده است و دارای هفتاد هزار گیسو که با درّ و یاقوت زینت یافته اند، به شما کرامت فرماید.

و چون سی روز ماه رمضان تمام می شود، خداوند به ازای هر روزی که گذشته است، ثواب هزار شهید و هزار صدّیق و عبادت پنجاه سال را در نامه اعمال شما ثبت می کند. و نیز به ازای هر روز روزه داری، ثواب دو هزار روز، روزه می نویسد و درجات شما را به تعداد آنچه را که رود نیل رویانده است بالا می برد و برائت آزادی از آتش جهنّم و جواز عبور از صراط و امان نامه مصون بودن از عذاب را به دست شما می دهد.

و بهشت دارای دری است که به آن ریّان می گویند و این در تا روز قیامت باز نمی شود و در قیامت این در به روی مردان و زنان روزه دار امّت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گشوده می گردد. سپس رضوان خازن بهشت ندا می کند: ای امّت محمّد! بسوی ریّان بشتابید، و امّت من از این رو به بهشت وارد می شود. پس کسی که در این ماه مورد آمرزش الهی قرار نگیرد، در کدام ماه آمرزیده خواهد شد؟! هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر آنکه از جانب پروردگار بلند مرتبه است. (1)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثهٔ همین حدیث آمده است.

24. امالی صدوق: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شعبان ماه من است و ماه رمضان، ماه خدای عزّ و جلّ است. هر که یک روز از ماه مرا روزه دارد من روز قیامت شفیع او باشم و هر که دو روز از ماه مرا روزه دارد گناهانش آمرزیده گردد و هر که سه روز از ماه مرا روزه دارد به او گویند: کار خود از سر گیر. هر که ماه رمضان را روزه دارد و فرج و زبان خود را نگاهدارد و آزاری به

1- . امالی صدوق : 29 - 32

مردم نرساند، خداوند گذشته و آینده گناهانش را بیامرزد و از دوزخ آزادش کند و او را وارد دارالقرار میکند و شفاعتش در باره گنهکاران اهل توحید به اندازه تعداد ریگهای تپه «عالج» پذیرفته میشود. (1)

25. عیون الاخبار: علی ابن ابی طالب علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک روز این خطبه را برای ما خواند: ای مردم، ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش بهشما رو کرده است، ماهی است که پیش خدا بهترین ماه است و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعاتش بهترین ساعات است. رمضان ماهی است که در آن به مهمانی خدا دعوت شدید و در این ماه اهل کرامت خدا قرار داده شدید. نفسهای شما در آن تسبیح است و خواب شما در آن عبادت است، کردارتان در آن پذیرفته و دعایتان اجابت شده است.

با نیتهای درست و دلهای پاک از خدا بخواهید، شما را برای روزه در آن و خواندن قرآن موفق دارد. بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه محروم گردد. با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید و بر فقراء و مساکین خود صدقه دهید و بزرگان خود را احترام کنید و کوچکها را ترحم کنید و صله رحم به جا آورید و زبانها را نگاه دارید و از آنچه خدا دیدنش را حلال نکرده چشم بپوشید و آنچه را از شنیدنش حلال نکرده گوش ببندید و بر یتیمان مردم مهر ورزید تا بر یتیمان شما مهر ورزند و به سوی خدا از گناهان خود توبه کنید و در وقت نماز دست به دعا بردارید که بهترین ساعتها است و خدا در آن نظر لطف به بندگان خود دارد و به مناجات آنها پاسخ دهد و فریاد آنها را لبیک گوید و دعای آنها را اجابت میکند.

ای مردم! نفس شما در گرو کردار شما است، آن را با استغفار رها کنید. دوش شما از گناهان شما بار سنگینی دارد، با طول سجود آن را سبک کنید و بدانید که خدای متعال به عزت خود قسم خورده که نمازخوانان و سجدهکنندگان را عذاب ندهد و آنها را روز قیامت به هراس دوزخ نیندازد.

1- . امالی صدوق : 13

ای مردم! هر کدام شما یک روزهدار را در این ماه افطار دهد، نزد خدا ثواب آزاد کردن بنده ای دارد و گناهان گذشته اش آمرزیده میشود. عرض شد: یا رسول اللّه همه ما بر آن توانایی نداریم، فرمود: از خدا بپرهیزید گرچه با نیمدانه خرما باشد و گرچه با جرعهای آب باشد.

ای مردم! هر که در این ماه خوش خلقی کند، جواز عبور از صراط او باشد در روزی که همه قدمها میلغزد. هر که در این ماه بر مملوکان خود سبک گیرد، خداوند حسابش را تخفیف دهد و هر که شر خود را باز دارد، خداوند در روزی که او را ملاقات میکند، خشم خود را از او باز دارد؛ و هر که در آن یتیمی را گرامی دارد خدا روز ملاقاتش او را گرامی دارد؛ و هر که در آن صله رحم کند روز ملاقات با او با رحمت خود به او صله نماید. و هر که قطع رحم کند خدا در روز ملاقاتش رحمت خود از او ببرد. هر که نماز مستحبی بخواند خدا برات آزادی از آتش برایش بنویسد و هر که در آن واجبی ادا کند ثواب کسی را دارد که هفتاد واجب در ماههای دیگر ادا کند؛ و هر که در آن بر من بسیار صلوات فرستد خدا روزی که میزانها سبک است میزانش را سنگین کند، هر که یک آیه قرآن در آن بخواند همچون کسی پاداش میگیرد که در ماههای دیگر قرآن را ختم کرده باشد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است، پس از خدا بخواهید که آنها را به روی شما نبندد، و درهای دوزخ در این ماه بسته است، از پروردگار خود بخواهید که آنها را به روی شما نگشاید. در این ماه شیاطین در بندند، پس از پروردگار خود بخواهید که دیگر آنها را بر شما مسلط نکند.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: من برخاستم و عرض کردم: یا رسول اللّه، کدام عمل در این ماه بهتر است؟ فرمود: ای أبو الحسن، بهترین عمل در این ماه ترس از محارم خدای عز و جل است. سپس گریست. عرض کردم: یا رسول اللّه چرا گریه میکنی؟ فرمود: برای آنچه در این ماه از تو حلال شمارند؛ گویا تو را مینگرم که برای پروردگارت نماز میخوانی و شقی تر اولین و آخرین که نظیر پیکننده شتر ثمود است، برخاسته و ضربتی بر فرق سر تو بزند و ریشت را آغشته به خون کند.

امیر المؤمنین فرمود: گفتم: یا رسول اللَّه، در آن حال، دین من سالم است؟ فرمود: بله دین تو سالم است. سپس فرمود: ای علی! هر که تو را بکشد مرا کشته و هر که تو را به خشم آرد مرا به خشم آورده و هر که تو را دشنام دهد مرا دشنام داده زیرا تو جان منی، روحت از روح من و گِلت از گِل مناست. به راستی خدای تبارک و تعالی مرا با تو آفریده و مرا با تو برگزیده و مرا برای نبوت اختیار کرده و تو را برای امامت. هر کس منکر امامت تو است، منکر نبوت من است. ای علی، تو وصی من و پدر فرزندان من و شوهر دختر من و خلیفه من بر امت من هستی. در زندگی من و پس از مردنم، فرمان تو، فرمان من و نهی کردن تو نهی کردن من است. سوگند به آن که مرا به نبوت گسیل کرده و بهترین خلق ساخته، که تو حجت خدایی بر خلقش و رازدار خدا و خلیفه او بر بندگانش هستی. (1)

امالی صدوق: طالقانی از احمد همدانی همین حدیث را روایت کرده است. (2)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک روز برای ما خطبه خواند، و همان حدیث را ذکر کرد.

26. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین جمعه ماه شعبان برای مردم خطبه ای خواند. نخست حمد و ثنای الهی به جای آورد، سپس فرمود: ای مردم، به شما ماهی روی آورده است که در آن شبی قرار دارد که از هزار ماه بهتر است و آن ماه رمضان است. خداوند روزه آن را واجب ساخته و قیام یک شب را در آن به نماز، مانند عبادت هفتاد شب از ماههای دیگر قرار داده، و برای کسی که از میان کارهای خیر و پسندیده کاری برای خدا انجام دهد، پاداشی همچون پاداش کسی که واجبی از واجبات خدا را انجام داده، مقرر کرده است. هر کس واجبی از واجبات خدا را در این ماه انجام دهد، مانند کسی است که هفتاد واجب را در ماههای دیگر انجام داده است.

1- . عیون الاخبار 1 : 295 - 297
2- . امالی صدوق : 57 - 58

این ماه، ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است، و این ماه، ماه همدردی است و ماهی است که خداوند روزی مؤمنان را در آن می افزاید. و هر کس مؤمن روزه داری را در این ماه افطار دهد، نزد خدا پاداش آزاد کردن یک بنده خواهد داشت و گناهان گذشته اش آمرزیده خواهد شد.

گفته شد: ای پیامبر خدا! همه ما قدرت بر افطار دادن به روزه دار را نداریم. فرمود: خداوند کریم است و همین ثواب را به کسی نیز می دهد که تنها بر دادن اندکی شیر مخلوط با آب، یا شربتی از آب گوارا یا چند دانه خرما به روزه دار، قدرت دارد. هر کس در این ماه کار را بر خدمتکار خود آسان گیرد، خداوند حساب را بر او آسان خواهد گرفت. این ماهی است که آغازش رحمت و میانه اش آمرزش و پایانش اجابت دعا و آزادی از آتش دوزخ است، و شما در آن از چهار چیز بی نیاز نخواهید بود: دو خصلت که خدا را بدان خشنود سازید، و دو خصلت دیگر که از آن چاره ای ندارید. امّا آن دو خصلت که خدا را بدان خشنود می سازید، شهادت به یگانگی خدا و رسالت من است، و امّا آن دو خصلت که از آن چاره ای ندارید این است که در این ماه حاجتهای خود را از خدا بخواهید و بهشت را از او مسئلت کنید، و دیگر آنکه در این ماه از خدا عافیت طلب کنید و از آتش دوزخ به او پناه برید. (1)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثة همین حدیث آمده است.

الخصال: سعد از ابن عیسی همین حدیث را روایت کرده است. (2)

ثواب الاعمال: حمیری از ابن عیسی همین حدیث را روایت کرده است. (3)

مجالس شیخ: عمر ابن عثمان از حسن ابن محجوب همین حدیث را روایت کرده است. (4)

27. ثواب الاعمال،(5)

امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون به هلال ماه رمضان نظر می کرد، رو به قبله می نمود،

1- . امالی صدوق : 26
2- . الخصال 1 : 124
3- . ثواب الاعمال : 60
4- . در کتاب التهذیب 1 : 262 این حدیث را میبینی و در کتاب امالی طوسی این حدیث ذکر نشده است.
5- . ثواب الاعمال : 58

سپس می فرمود: خداوندا، این ماه را همراه با امنیت و ایمان، و سلامتی و اسلام، و تندرستی شکوه مند، و روزی وسیع، و دفع بیماریها، و تلاوت قرآن، و یاری بر نماز و روزه، بر ما نو بگردان. خداوندا، ما را برای ماه رمضان سالم نگه دار و آن را نیز برای ما سالم بدار، و آن را از جانب ما بپذیر، تا ماه رمضان در حالی تمام شود که ما را آمرزیده باشی.

سپس رو به سوی مردم می کرد و می فرمود: ای گروه مسلمانان، هنگامی که هلال ماه رمضان طلوع می کند، شیاطین سرکش به زنجیر کشیده می شوند، و درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت همه گشوده می شود، و درهای دوزخ را می بندند و دعا مستجاب می گردد و هنگام هر افطار، برای خدا آزادشدگانی خواهد بود که آنان را از آتش آزاد می کند و هر شب منادیی ندا می کند: «آیا درخواست کننده ای هست؟ آیا استغفارکننده ای هست؟ خداوندا، به هر انفاق کننده ای عوض بده و مال هر بخیلی را به دست تلف بسپار.» تا چون هلال شوّال طلوع کرد، مؤمنان را ندا می کنند که: صبحگاهان برای گرفتن جایزه های خود حاضر شوید که آن روز، روز پاداش است.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: آگاه باشید، سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، این جایزه ها دینار و درهم نیست (بلکه آمرزش و رحمت الهی است).(1)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثة همین حدیث ذکر شده است.

مجالس شیخ: جابر از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو به سوی مردم کرد، تا آخر حدیث. (2)

28. امالی صدوق: محمد ابن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: براستی برای خدای تبارک و تعالی فرشتگانی است موکل به روزهداران که هر روز ماه رمضان تا پایانش برای آنها آمرزش میطلبند و هنگام افطار، روزه داران را ندا میکنند که ای بندگان خدا مژده بگیرید، اندکی گرسنه شدید و به زودی بسیار سیر میشوید، مبارک باشید و مبارک کنید. تا اینکه شب آخر ماه

1- . امالی صدوق : 29
2- . این حدیث را در کتاب التهذیب 1 : 407 میبینید و در کتاب امالی طوسی ذکر نشده است.

رمضان فرا رسد به آنها ندا کنند: ای بندگان خدا مژده بگیرید، به تحقیق خدا گناهان شما را آمرزید و توبه شما را پذیرفت، نظر کنید که در آینده چگونه خواهید بود. (1)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثۀ همین حدیث ذکر شده است.

29. امالی صدوق: امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت میکند که رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود: ماه رمضان ماه بزرگی است، خداوند در آن ماه حسنات را مضاعف می کند و سیّئات را محو می نماید و درجات را رفیع میگرداند، هر کس در این ماه صدقه ای بدهد خداوند گناهانش را می آمرزد، و هر کس به بردگانش نیکی کند، خداوند او را می آمرزد و هر کس در این ماه خوش خلق باشد، خداوند او را می آمرزد، و هر کس در این ماه خشم خود را فرو برد، خداوند او را می آمرزد و هر کس در این ماه صله رحم کند خداوند او را می آمرزد.

سپس فرمودند: این ماه مثل سایر ماهها نیست، هر وقت به شما رو کند، با رحمت و برکت رو می کند و وقتی از شما جدا شود با غفران و بخشش گناهان میشود. این ماه، ماهی است که نیکیها در آن مضاعف است و اعمال خیر در آن مقبول است. هر کس از شما برای خدا دو رکعت نافله بخواند خدا او را خواهد بخشید. سپس فرمود: بدبخت واقعی کسی است که این ماه تمام شود و گناهانش بخشیده نشود و هنگامی که نیکوکاران جوائز خدای کریم را دریافت میکنند، زیان و ضرر کرده باشد. (2)

عیون الاخبار: نقاش و طالقانی از احمد همدانی همین حدیث را روایت کرده است. (3)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثۀ: احمد ابن محمد کوفی از علی ابن حسن ابن علی ابن احمد همدانی همین حدیث را روایت کرده است.

30. امالی صدوق: محمّد ابن مروان گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که میفرمود: خداوند تبارک و تعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان آزادشدگانی از آتش جهنّم دارد مگر کسی که با مسکری (هر چیز مست کننده ای) افطار کند. چون

1- . امالی صدوق : 33
2- . امالی صدوق : 33
3- . عیون الاخبار 1 : 293

آخرین شب این ماه فرا رسد، خداوند مهربان به تعداد تمامی کسانی که در طول این ماه آزاد کرده است، بندگان خود را در آن شب آزاد می سازد. (1)

ثواب الاعمال: پدرم از سعد از ابن عیسی از حسین این حدیث را روایت کرده است. (2)

امالی طوسی: رجاء ابن یحیی از احمد ابن هلال از ابن ابی عمیر این حدیث را روایت کرده است. (3)

مجالس شیخ: علی ابن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر این حدیث را روایت کرده است. (4)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثة این حدیث ذکر شده است.

31. ثواب الاعمال،(5) امالی صدوق: امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هنگامی که ماه رمضان نزدیک شد، و سه شب از ماه شعبان باقی بود به بلال فرمود: مردم را خبر کن تا همگی در مسجد جمع شوند و آنگاه بر منبر قرار گرفت و پس از ستایش و سپاس خداوندی فرمود:

ای مردم! این ماه (رمضان) فرا رسید و آن سالار ماههاست. در این ماه، شبی هست که از هزار ماه بهتر است. در این ماه، درهای جهنّم بسته و درهای بهشت گشوده می شود. کسی که این ماه را درک کند و آمرزیده نشود، خداوند او را از رحمت خود دور ساخته است؛ و هر کسی که در این ماه پدر و مادر خود را درک کند (ولی کوتاهی در حق آنان بکند) و آمرزیده نشود، خداوند او را از رحمت خود دور گردانیده است؛ و کسی که نام من نزد او برده شود ولی بر من صلوات نفرستد و آمرزیده نشود، خداوند او را از آمرزش خود دور کرده است. (6)

1- . امالی صدوق : 35
2- . ثواب الاعمال : 61
3- . امالی طوسی 2 : 111

4- . این حدیث را در کتاب تهدیب 1 : 407 می بینید.
5- . ثواب الاعمال : 59
6- . امالی صدوق : 35

مجالس شیخ: احمد ابن محمد از حسین ابن سعید این حدیث را روایت کرده است. (1)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: حسن ابن علی ابن فضال از سیف ابن عمیره این حدیث را روایت کرده است.

32. ثواب الاعمال،(2) امالی صدوق: ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه ماه رمضان فرا میرسید، هر اسیری را آزاد میکرد و به هر سائلی چیزی میبخشید. (3)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: محمد ابن ابراهیم از علی ابن سعید عسکری از ابوبکر هذلی همین حدیث را روایت کرده است.

33. امالی صدوق: عبدالعظیم حسنی از ابوالحسن عسکری نقل میکند که فرمود: هنگامی که خداوند عزّ و جلّ با موسی ابن عمران سخن گفت، موسی علیه السلام فرمود: پروردگارا، پاداش کسی که ماه رمضان را به خاطر تو و به امید پاداش تو روزه بگیرد، چیست؟ فرمود: ای موسی، روز قیامت او را در جایگاهی قرار دهم که ترسی ندارد. موسی علیه السلام فرمود: پروردگارا، پاداش کسی که ماه رمضان را به خاطر مردم روزه بگیرد چیست؟ فرمود: ای موسی، پاداش او مانند پاداش کسی است که روزه نگرفته است. ادامه روایت. (4)

34. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: زیاد ابن منذر از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: هنگامی که خداوند با موسی ابن عمران سخن گفت - و حدیث را ادامه داد و در آخر حدیث این عبارات اضافه شده است:

فرمود: پروردگارا، پاداش کسی که در روشنایی روز به خاطر رضای تو روزه میگیرد چیست؟ فرمود: ای موسی، بهشت من برای اوست و از اهوال روز قیامت در امان خواهد بود و از آتش جهنم آزاد میشود.

1- . در امالی طوسی یافت نشد و این حدیث را در کتاب تهذیب 1 : 406 می بینید.
2- . ثواب الاعمال : 65

3- . امالی صدوق : 36
4- . امالی صدوق : 126

35. امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شعبان ماه من است و ماه رمضان، ماه خدای عزّ و جلّ است. هر که یک روز از ماه مرا روزه دارد، من روز قیامت شفیع او هستم و هر که ماه رمضان را روزه بگیرد از آتش جهنم رهایی مییابد. (1)

36. الخصال: جابر ابن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: به امت من در ماه رمضان پنج چیز داده می شود که به امت هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است: یکی اینکه وقتی اولین شب ماه رمضان فرا رسد، خداوند به آنان نظر می کند، و هر کس که خدا به او نظر کند، هرگز او را عذاب نخواهد کرد.

دوم اینکه بوی دهان آنها به هنگام عصر نزد خداوند خوشبوتر از مشک است.

سوم اینکه فرشتگان شب و روز برای آنان طلب آمرزش می کنند.

و چهارم اینکه خداوند به بهشت امر می کند که استغفار کن و برای بندگانم خود را آرایش بده تا شاید رنج و ناراحتی دنیا از آنها برطرف شود و به سوی بهشت و کرامت من برگردند.

پنجم اینکه وقتی آخرین شب ماه رمضان فرا می رسد، همه آنها آمرزیده می شوند. مردی گفت: یا رسول اللّه، این کار در شب قدر انجام می گیرد؟ فرمود: آیا کارگران را نمی بینی که چون از کارشان فارغ می شوند اجرت داده می شوند. (2)

37. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: جابر ابن عبدالله انصاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به امت من پنج خصلت داده شده است. حدیث (را ذکذ می کند) و در آخر حدیث این گونه آمده است: مردی پرسید ای رسول خدا! آن شب قدر است؟ فرمود: آیا گارگران را نمیبینید که هرگاه کار میکنند چگونه دستمزدشان را دریافت میکنند.

1- . امالی صدوق : 373

2- . الخصال 1 : 153

38. الخصال: ابن ظبیان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آئین آسان محمدی شش چیز است: به پا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا، فرمانبردای از امام و پرداخت حقوق مؤمن. حدیث. (1)

39. الخصال: حسن کرخی گوید: از حسن ابن علی علیه السلام شنیدم که در خانهاش به مردی فرمود: ای ابوهارون ! هر کس ده ماه رمضان را پشت سر هم در سالهای متوالی روزه بگیرد، وارد بهشت میشود. (2)

40. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ماه رجب ماه خدا است که در آن صدای اسلحه به گوش نمی خورد، (از چهار ماه حرام است) و در آن خداوند پیوسته رحمت را بر بندگان میریزد، و ماه شعبان که در آن انواع خیرات بطور پراکنده شیوع یابد، و در شب اوّل ماه رمضان لشکریان ابلیس زنجیر شوند، و در هر شب هفتاد هزار گناهکار آمرزیده گردند، و چون شب قدر در آید، خداوند به عدد آنچه در ماه رجب و شعبان و رمضان تا آن وقت آمرزیده است در آن شب ببخشد، مگر آن کس را که میان او و برادر دینی و رفیقش عداوتی باشد، که فرشتگان را دستور فرماید آنان را مهلت دهید تا با یکدیگر صلح و سازش کنند. (3)

41. مجالس مفید،(4) امالی طوسی: ابو هریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ماه رمضان ماه پر برکتی است که خداوند روزه آن را واجب نموده است. درهای بهشت در این ماه گشوده است، و شیاطین در این ماه در زنجیر کشیده شدهاند. شبی در این ماه وجود دارد که از هزار ماه بهتر و برتر است، هر کس از فیض آن محروم بماند، براستی محروم واقعی اوست. و این سخن را سه بار تکرار فرمود. (5)

مجالس شیخ: ایوب سجستانی از ابوقلابه این حدیث را روایت کرده است.

1- . الخصال 1 : 159
2- . الخصال 2 : 58
3- . عیون الاخبار 2 : 71
4- . مجالس مفید : 72

5- . امالی طوسی 1 : 71

42. امالی طوسی: ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس ماه رمضان را با ایمان به خدا و به امید پاداش الهی روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشتهاش را میبخشاید و هر کس شب قدر را با ایمان به خدا و به امید پاداش الهی نماز بخواند، خداوند گناهان گذشتهاش را میبخشاید. (1)

43. امالی طوسی: امام باقر علیه السلام فرمود: امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: بهترین چیزی که توسل کنندگان بدان توسل میجویند ایمان به خداوند و پیامبرش است تا اینکه فرمود: و روزه ماه رمضان چراکه آن سپر و مانعی در برابر عذاب خداوند است. (2)

علل الشرایع: ابراهیم ابن عمر با سندش به علی علیه السلام میرساند که همین حدیث را بیان فرمود. (3)

44. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که (در شب معراج) مرا به آسمان بردند، وارد بهشت شدم و در آن قصری از یاقوت سرخ دیدم که بر اثر درخشش، از بیرون داخل آن و از داخل، بیرون آن دیده می شد و در آن بنایی از درّ و زبرجد بود. گفتم: ای جبرئیل! این قصر برای کیست؟ ایشان فرمودند: این برای کسی است که سخن نیکو بگوید و روزه دائمی بگیرد و غذا بدهد و در شب در حالی که مردم خوابند، به مناجات بپردازد.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای پیامبر خدا! در میان امت شما چه کسی طاقت انجام این کارها را دارد؟ ایشان فرمودند: ای علی نزدیک بیا؛ و آن حضرت نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک شد. آن حضرت به او فرمود: آیا می دانی نیکو سخن راندن چیست؟ آن حضرت فرمودند: خداوند و رسولش داناترند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که بگوید: سبحان الله، و الحمد لله و لا إله إلا الله، و الله اکبر. سپس فرمودند: آیا می دانی روزه دائمی گرفتن یعنی چه؟ آن حضرت فرمودند: خدا و رسولش داناترند. ایشان فرمودند: هر کس ماه رمضان را

1- . امالی طوسی 1 : 149
2- . امالی طوسی 1 : 220
3- . علل الشرایع 1: 236 و المحاسن : 289

روزه بگیرد و یک روز آن را هم نخورد. می دانی که غذا دادن یعنی چه؟ آن حضرت فرمودند: خدا و رسولش داناترند. ایشان فرمودند: منظور از آن کسی است که به دنبال کسب روزی خانواده برآید و آبروی آنان را در برابر مردم حفظ کند. آیا می دانی که مناجات در شب و در هنگامی که مردم خوابند یعنی چه؟ ایشان فرمودند: خدا و رسولش داناترند. ایشان فرمودند: منظور از آن کسی است که نمی خوابد تا این که نماز عشاء را ادا کند و منظور از این که مردم خوابند، یهود و مسیحیانند، چرا که آنان ما بین این فاصله را می خوابند. (1)

45. امالی طوسی: جابر ابن عبدالله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به امت من در ماه رمضان پنج چیز داده می شود که به امت هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است: وقتی اولین شب ماه رمضان فرا رسد، خداوند به آنان نظر می کند و هر کس که خدا به او نظر کند هرگز او را عذاب نخواهد کرد، و بوی دهان آنها به هنگام عصر نزد خداوند خوشبوتر از مشک است و فرشتگان شب و روز به آنان طلب آمرزش می کنند. خداوند به بهشت امر می کند که استغفار کن و برای بندگانم خود را آرایش بده تا شاید رنج و ناراحتی دنیا از آنها برطرف شود و به سوی بهشت و کرامت من برگردند. و وقتی آخرین شب ماه رمضان فرا می رسد همه آنها آمرزیده می شوند. (2)

46. امالی طوسی: مجاشعی از علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: بر شماست که روزه ماه رمضان را بگیرید چراکه روزه این ماه سپری محکم در برابر آتش جهنم است. ادامه روایت. (3)

47. احتجاج،(4) علل الشرایع: در خطبه فاطمه صلوات الله علیها در باره مسئله فدک فرمودند: خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص واجب کرده است. (5)

1- . امالی طوسی 2 : 73
2- . امالی طوسی 2 : 110
3- . امالی طوسی 2 : 136
4- . احتجاج : 62
5- . علل الشرایع 1 : 236

48. علل الشرایع: انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل به نزد من آمد و به من فرمود: اسلام ده جزء دارد، تا اینکه فرمود: جزء چهارم، روزه است و آن سپر و مانعی در برابر آتش جهنم است. (1)

مؤلف: در باب شب قدر برخی از روایتها و در باب فضیلت ماه رجب برخی دیگر از این روایتها را ذکر کردیم.

49. الخصال،(2) امالی صدوق،(3) علل الشرایع: علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: چند نفر یهودی محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم مشرف شده و داناترین آنها مسائلی چند از حضرتش پرسید در بین سؤالات عرضه داشت: برای چه خداوند عزّ و جل سی روز، روزه بر امّت واجب کرده و بر امتهای پیشین بیشتر از سی روز فرض و لازم قرار داده بود؟ نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرمودند: وقتی جناب آدم علیه السّلام از شجره منهیّه تناول نمود، آنچه خورده بود مدّت سی روز در شکمش باقی ماند. پس حق تعالی بر ذریّه او واجب کرد که تا سی روز گرسنه و تشنه باشند و آنچه را که در بین این سی روز می خورند و در خوردن مجاز هستند، تفضّلی است از ناحیه حق تعالی بر ایشان و همین حکم بر جناب آدم نیز ثابت بود. باری حق عزّ و جل حکم مزبور را بر امّت من واجب گردانید، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ»،(4) {ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید. [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]}

یهودی عرضه داشت: ای محمّد راست گفتی، بفرمایید: پاداش کسی که این سی روز را روزه دارد چیست؟ نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرمودند: مؤمنی نیست که ماه رمضان را به امید اجر و پاداش روزه بگیرد مگر آنکه خداوند هفت

1- . علل الشرایع 1 : 237
2- . الخصال 2 : 107
3- . امالی صدوق : 116

4- . بقره / 183 - 184

خصلت برایش مقرّر می فرماید: اوّل: حرام را از بدنش ذوب می کند. دوّم: به رحمت باری تعالی نزدیک می گردد. سوّم: روزه اش کفّاره لغزش پدرش حضرت آدم علیه السّلام می باشد. چهارم: حق تعالی سختی های مرگ را بر او آسان می فرماید. پنجم: از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امانش قرار می دهد. ششم: برات آزادی از جهنّم را نصیبش می گرداند. هفتم: از طیّبات بهشتی بهره مندش می کند. یهودی عرضه داشت: ای محمّد راست گفتی. (1)

50. امالی صدوق: حمزه ابن محمد گوید: برای امام حسن عسکری نوشتم که چرا خداوند عزّ و جلّ روزه را واجب کرده است؟ پاسخ آمد: برای آنکه توانگر درد گرسنگی را بچشد و به فقیر و تهیدست بخشش کند. (2)

51. علل الشرایع،(3) عیون الاخبار: در علتهایی که فضل ابن شاذان از امام رضا علیه السلام پرسیده، آمده است: اگر گفته شود چرا خلائق امر شده اند به گرفتن روزه؟ در جواب گفته می شود: تا درد گرسنگی و تشنگی را بیابند و درک نمایند. و با درک این درد، بر فقر و نیاز در آخرت استدلال کنند. و بدین وسیله روزه دار خاشع و ذلیل و خاکسار و در ضمن صاحب اجر و عارف و صابر گردد، بر آنچه از ناحیه گرسنگی و تشنگی به وی متوجّه می گردد در نتیجه مستحقّ ثواب می شود مضافا به این که روزه شخص را از شهوات و امیال نفسانی حفظ و نگهداری می کند. و روزه در دنیا برای روزه داران واعظی بوده و راضی کننده ایشان است بر اداء تکالیف و در آخرت دلیل و راهنما می باشد. و بدین وسیله روزه دار سختی گرسنگی و تشنگی بر اهل فقر و مسکنت را در دنیا لمس می کند و این باعث می گردد که آنچه حقوق مالی است و طلب فقراء از او هست را بپردازد.

اگر سؤال شود: چرا روزه در خصوص ماه رمضان واجب شده نه ماههای دیگر؟ در جواب گفته می شود: به خاطر اینکه ماه رمضان ماهی است که خداوند متعال قرآن را نازل فرموده است. و در این ماه حقّ تعالی بین اهل حقّ و باطل تفرقه انداخته، چنان که خود در قرآن فرموده: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدیً

1- . علل الشرایع 2 : 66

2- . امالی صدوق : 26
3- . علل الشرایع 1 : 256

لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ»،(1) {ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است.}و در این ماه حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله به نبوّت برانگیخته شد. و در این ماه لیله القدر می باشد که از هزار ماه بهتر بوده و در آن هر فرمان حکیم تفریق و توزیع می گردد و آن ابتداء سال بوده و آنچه از خیر و شرّ، ضرر و منفعت، روزی و مرگ در آن برای انسان مقرّر می شود، و از این جهت به آن لیله القدر می گویند.

اگر سؤال شود: چرا خلائق فقط به روزه ماه رمضان امر شده اند نه به کمتر و نه به بیشتر از آن؟ در جواب گفته می شود: این مقدار نیرو و توان بندگان بوده اعمّ از قوی و ضعیف، و همگان تا این اندازه با هم مشترک هستند و حقّ عزّ و جلّ واجبات را بر اساس اغلب اشیاء و توان عمومی منظور می دارد سپس به اهل ضعف تخفیف داده و آنها را مرخّص می نماید چنانچه اهل قوّه و آنان که توان دارند را ترغیب در اضافه بر آن می نماید و اگر بر کمتر از آن صلاحیّت داشته باشند، البته تکلیف را در حقشان کاهش داده، همان طوری که اگر محتاج به بیش از آن باشند، البته تکلیف را نسبت به آنها افزایش می دهد. (2)

52. علل الشرایع: در علتهایی که ابن سنان از امام رضا علیه السلام پرسید، آمده است که: روزه به منظور اسرار و عللی بر بندگان واجب شده از جمله: بدین وسیله انسان به درد گرسنگی و تشنگی آگاه شده در نتیجه خاضع و آرام و مأجور و محتسب و شکیبا گردیده و بدین ترتیب به شدائد و سختی های آخرت پی خواهد برد. و نیز روزه سبب می شود که شخص شهوتش شکسته و ضعیف گردد. روزه واعظی است در دنیا که انسان را بر مقدار نیاز و احتیاج بندگان در دنیا و آخرت آگاه می نماید. (3)

53. علل الشرایع: هشام ابن حکم، وی می گوید: از امام صادق علیه السّلام راجع به علّت روزه سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: علّت تشریع روزه و وجوب آن

1- . بقره / 185
2- . عیون الاخبار 2 : 116 - 117

3- . علل الشرايع 2 : 66

این است که به واسطه آن فقیر و غنی با هم مساوی می گردند. و توضیح آن این است که: غنی هیچ گاه درد و الم گرسنگی را حسّ نمی کند تا به فقیر ترحّم نماید، چه آنکه وی هر گاه هر چیزی را که اراده کند بر آن دست می یابد. لذا حق تعالی خواست بین مخلوقات، اغنیاء و فقراء آنها تساوی بر قرار نموده و همان طوری که فقراء گرسنگی را لمس می کنند، اغنیاء نیز درد گرسنگی را بیابند تا بر ضعفاء رقّت و ترحّم نمایند از این رو روزه را واجب فرمود. (1)

54. جابر روایت کرده است که: امام باقر علیه السّلام به من فرمود: ای جابر! هر کس ماه رمضان را دریابد و روزهای آن را روزه بگیرد و پاسی از شبهای این ماه را به دعا بپردازد، و دامن و زبان خود را از آلودگی به حرام نگهدارد و چشمش را از هر چه حرام الهی است بپوشاند و از آزار دیگران بپرهیزد، مانند روزی که از مادر زاده شده است از گناهان پاک می شود. می گوید: عرض کردم: فدایت گردم! این چه حدیث نیکویی است. حضرت فرمود: و این چه شرط سختی است! (2)

کتاب الغایات: جابر از امام باقر علیه السلام همین حدیث را روایت کرده است.

55. مجالس شیخ: امام باقر علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جابر ابن عبدالله فرمود: ای جابر، در این ماه رمضان، هر کس روزش را روزه بگیرد و شبش را با دعا شب زندهداری کند و شکم و فرجش را پاک نگه دارد و زبانش را نگاهدارد، از گناهانش بیرون میآید همان طور که از این ماه بیرون میآید. جابر عرض کرد: ای رسول خدا! این حدیث چقدر نیکو و دلپذیر است؟ پس پیامبر فرمود: ای جابر این چه شرط دشواری است؟

56. ثواب الاعمال: علی علیه السّلام فرمود: چون ماه رمضان فرا رسید، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! خداوند شرّ دشمن جنی شما (شیطان رجیم) را از سر شما کوتاه ساخت و فرمود: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»،(3) {مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.} مرا بخوانید تا خواسته شما را اجابت کنم، و وعده اجابت را به شما داد؛ آگاه باشید که خداوند بر

1- . علل الشرايع 2 : 66
2- . ثواب الاعمال : 58
3- . غافر / 60

هر شیطانی، هفت فرشته را گمارده است و تا هنگامی که این ماه به پایان نرسد همچنان در بند خواهد بود؛ آگاه باشید که درهای آسمان از شب اول این ماه باز می شوند؛ آگاه باشید که دعا در این ماه مورد قبول قرار می گیرد. (1)

57. ثواب الاعمال: علیّ ابن ابی حمزه در پایان یک روایت طولانی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: درهای بهشت مسلّما در ماه رمضان گشوده و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند، و اعمال مؤمنان مورد قبول قرار می گیرند. ماه رمضان ماه بسیار خوبی است، و در زمان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آن را مرزوق (روزی داده شده) می نامیدند. (2)

58. ثواب الاعمال: عمر ابن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند در ماه رمضان بندگانی را از آتش جهنّم آزاد می سازد به استثنای آن که با چیزی که مست کننده است افطار می کند و کسی که دشمنی فتنه برانگیز و کینه توز است و آن که صاحب شاهین باشد! راوی می گوید پرسیدم: دارنده شاهین کیست؟ فرمود: صاحب شطرنج است. (3)

59. ثواب الاعمال: یونس ابن حمّاد رازی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس یک روز از ماه رمضان را (بدون عذر شرعی) روزه نگیرد، روح ایمان از او جدا می گردد. (4)

60. فقه امام رضا: از امام هادی علیه السلام روایت میکنم که فرمود: همانا خداوند بلندمرتبه در شب اول ماه رمضان ششصد هزار نفر را از آتش جهنم آزاد میکند و چون دهه آخر ماه رمضان فرا برسد، در هر شب به شمار بیست روز گذشته ماه، انسانهایی را از آتش دوزخ آزاد میکند و چون شب عید فطر فرا برسد به اندازه تمام ماههای دیگر از آتش دوزخ آزاد میکند.

61. تفسیر امام: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند برگزیدگانی در میان آفریدههایش دارد، و از میان سرزمینها برگزیدگانی دارد و از

1- . ثواب الاعمال : 59
2- . ثواب الاعمال : 61
3- . ثواب الاعمال : 61
4- . ثواب الاعمال : 212

میان شبها و رزوها و ماهها برگزیدگانی دارد و از میان بندگانش برگزیدگانی دارد و از میان این برگزیدگان نیز برگزیدههایی دارد.

و اما برگزیدههایش از میان سرزمینها و مکانها، مکه، مدینه و بیت المقدس است و برگزیدههایش از میان شبها، شبهای جمعه، شب نیمه شعبان، شب قدر و دو شب عید (عید فطر و قربان) است. برگزیدههایش از میان روزها، روزهای جمعه، و عیدها میباشد. برگزیدههایش از میان ماهها، رجب، شعبان و ماه رمضان است. برگزیدههایش از میان بندگانش فرزندان آدم است و برگزیدههایش از میان فرزندان آدم کسانیاند که با علم به آنها، آنان را برگزیده است. همانا خداوند عزّ و جلّ زمانی که مخلوقاتش را انتخاب کرد، فرزندان آدم را برگزید، سپس از میان فرزندان آدم، قوم عرب را برگزید و از میان قوم عرب، طایفه مضر را برگزید و از میان مضر، قریش و از قریش بنی هاشم و از میان بنی هاشم، من و اهل بیتم را برگزید. پس هر کس عرب را دوست داشته باشد، با دوستداشتن و محبت من، آنان را دوست داشته است و هر کس از عرب بیزار باشد، با بیزاری از من از آنان بیزار شده است.

و خداوند عزّ و جلّ از ماهها، ماه رجب و شعبان و ماه رمضان را برگزید: پس شعبان برترین ماهها است مگر آنچه مربوط به ماه رمضان است چراکه ماه رمضان برتر از ماه شعبان است و خداوند عزّ و جلّ در ماه رمضان هزار برابر ماههای دیگر رحمت (خود را) فرود میآورد و ماه رمضان را در نیکوترین شکل در روز قیامت برمی انگیزد و آن را در بالای زمین بلندی قرار میدهد به گونهای که بر کسی پوشیده نباشد و ماه رمضان بر روی آن بلندی به هیئت شخصی که در آن محشر حضور یافته، قرار میگیرد، سپس او را امر میکند و از پوشش بهشت و هدایای آن و انواع پارچههای ابریشمی و لباس بر او پوشانده میشود تا اینکه به گونهای بزرگ جلوه پیدا میکند که هیچ چشمی را یارای دیدن آن نیست و و هیچ گوشی از علم به اندازه عظمت آن بینیاز نیست و هیچ قلبی عمق آن را درک نمیکند.

سپس به منادی از میان عرش گفته میشود: ندا کن! پس ندا میکند: ای خلایق آیا این را نمیشناسید؟ خلایق جواب دهند و گویند: بله، ای داعی پروردگارمان، لبیک و سعدیک (اطاعت میکنیم و فرمان میبریم) ما او را نمیشناسیم. منادی

پروردگارمان گوید: این ماه رمضان است، چه بسیارند کسانی که به واسطه آن سعادتمند شدند؟ و چه بسیارند کسانی که به واسطه آن نگونبخت شدند؟ آگاه باشید! هر کس به آن ایمان داشته و با بندگی کردن خداوند در این ماه بزرگ داشته شده، بیاید و سهم خود را از این هدایا بگیرد و آن را بر اساس طاعت و بندگیتان برای خدا و تلاش و کوششتان میان خود تقسیم کنید. فرمود: پس مومنانی که در این ماه مطیع و فرمانبردار خداوند بودند، میآیند و از آن هدایا به اندازه طاعت و عبادتی که در دنیا داشتهاند، میگیرند. برخی از آنها هزار هدیه و برخی دیگر ده هزار و برخی دیگر از این بیشتر یا کمتر میگیرند، پس خداوند آنان را با کرامات خداوندیش مفتخر میکند.

و بدانید که گروههایی از مردم این هدایا را میگیرند و با خود میگویند: ما به خدا ایمان داشتیم و یکتاپرست بودیم و به فضل و برکت این ماه اعتراف داشتیم. پس هدایا را میگیرند و بر تن میکنند و این هدایا بر بدنهای آنان به پارههای آتش و لباسهای قطران مبدل میشود و از هر یک از آنها به تعداد همه نخهای این لباسها افعی و عقرب بیرون میآید و و به اندازه جرم و گناهشان، شمار متفاوتی از این لباسها میگیرند: هر کس جرمش بزرگتر، تعداد لباسش بیشتر است. برخی از آنان هزار لباس میگیرد و برخی دیگر ده هزار لباس و برخی دیگر بیشتر از آن تعداد. و این لباسها بر تن آنها از سنگینی کوههای ثابت و استوار بر مرد ضعیف، سنگینتر است و اگر خداوند حکم نمیکرد که آنان نمیرند، هر آیینه از کمترین حد سنگینی آن میمردند. سپس به تعداد همه نخهای این لباسهای بافته شده از قطران و پارههای آتش، افعی و مار و عقرب و شیر و پلنگ و سگ از حیوانات وحشی جهنم بیرون میآیند، یکی او را گاز میگیرد، یکی او را نیش میزند، یکی او را لگد میکند، یکی او را پاره میکند و یکی او را قطعه قطعه میکند.

میگویند: وای بر ما! چه بلایی بر سر ما آمده که این لباسها بر تن ما به این گونه تبدیل شده است درحالی که جنس این لباسها از حریر نازک و حریر ضخیم بوده است و انواع بهترین لباسهای بهشت بر تن ما به پارههای آتش مبدل و

پوششهای قطران مبدل گشته و حال آنکه بر تن این افراد، لباسهای فاخر و لذت بخش و نرم و لطیف است؟

به آنان گفته میشود: بدان سبب که آنان در ماه رمضان (از خداوند) فرمانبرداری میکردند و شما عصیان و سرکشی میکردید، و آنان دامن خود را پاک نگاه میداشتند و شما زنا میکردید، آنان از پروردگارشان میترسیدند و شما (در حضور پروردگار) جسارت میکردید، آنان از دزدی پرهیز میکردند و شما دزدی میکردید، و آنان از ستم کردن به بندگان خدا پروا داشتند و شما ستم میکردید، پس آن، پیامد کارهای نیکشان است و این، پیامد کارهای زشتتان است.

آنان در بهشت جاویدانند، در بهشت پیر و سالخورده نمیشوند و از آنجا تغییر مکان نمیدهند و از آنجا بیرون نمیروند و در آنجا نگران و غمگین نیستند، بلکه در آنجا به جای ترس و هراس، شادمانند و خرسندند و در امنیت و آرامش و اطمینان کامل به سر میبرند و برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. اما شما در جهنم ماندگار خواهید بود، در آن عذاب میشوید و خوار خواهید شد و از آتش جهنم تا سرمای شدید آن در حال تغییر خواهید بود و در حمیم (گدازههای آتش) آن غسل میشوید و از زقوم آن خوراک میخورید و با گرزهای آن کوبیده میشوید و با انواع عذابهای آن مجازات میشوید، شما در دوزخ زنده خواهید ماند و تا ابد الابد نمیمیرید مگر کسانی از شما که رحمت پروردگار جهانیان شامل حال او شود، تا پس از عذاب دردناک و شکنجه سخت با شفاعت محمد که برترین پیامبران است، از آن بیرون آید. (1)

62. مناقب آل ابی طالب: از امام حسین علیه السلام سؤال شد که چرا خداوند عزّ و جلّ روزه را بر بندهاش واجب کرده است؟ فرمود: تا توانگر طعم گرسنگی را لمس کند و به خاطر این به بینوایان فضل و بخشش کند. (2)

63. مجالس شیخ: عبدالرحمن ابن عوف از پدرش روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرمود: ماه رمضان ماهی است که خداوند روزه آن را بر شما

1- . تفسیر امام : 300 - 302
2- . مناقب آل ابی طالب 4 : 68

واجب کرده است، پس هر کس این ماه را با ایمان به خدا و به امید پاداش الهی روزه بگیرد، همانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است از گناهانش بیرون میآید.

و در همان کتاب از مسمعی روایت شده که از امام صادق علیه السلام شنیده است که هرگاه ماه رمضان فرا میرسید به فرزندانش وصیت میفرمود: خود را به کوشش وادارید زیرا در این ماه روزیها تقسیم میشود و مدتهای عمر مقرر میگردد و نام حج کنندگانی که به میهمانی خدا مشرف میشوند نوشته میشود، و در آن ماه شبی است که انجام عمل در آن از هزار ماه بهتر است.

و در همان کتاب از هشام ابن حکم روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا ماه رمضان سال آینده آمرزیده نمیشود، مگر آنکه در عرفات حاضر شده باشد.

64. کتاب امامت و تبصره: موسی ابن جعفر علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت میکند که فرمود: خوار و نابود شود کسی که اسم من پیش او ذکر شود و بر من درود و سلام نفرستد، و خوار و نابود شود کسی که پدر و مادرش را در هنگام پیری درک کند (ولی در حق آنان کوتاهی کند) و او را وارد بهشت نکنند، و خوار و نابود شود کسی که به ماه رمضان برسد و پیش از آنکه آمرزیده شود، ماه به پایان برسد.

1. ثواب الاعمال: جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: برتری و فضیلت جمعههای ماه رمضان بر جمعههای دیگر همانند برتری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر پیامبران دیگر است. (1)

1- . برتری ماه رمضان بر دیگر ماهها. الخصال. مراجعه کنید به: ثواب الاعمال : 36

1. معانی الاخبار: سعد از امام باقر روایت میکند که: هشت تن در محضر ایشان بودیم و در باره «رمضان» صحبت می کردیم. حضرت فرمود: نگویید: این رمضان و نگویید: رمضان رفت و رمضان آمد! زیرا «رمضان» نامی از نامهای خداوند عزّ و جلّ می باشد، نمی آید و نمی رود. آنکه می آید و می رود زائل و نیست شونده است. بلکه بگویید: ماه رمضان، یعنی ماه اضافه گردیده به اسمی که نام خداست، ماهی که قرآن در آن ماه نازل گردید، و خداوند آن را حجّت و عید برای اولیاء خود قرار داده است. (1)

بصائر الدرجات: ابن عیسی همین حدیث را روایت کرده است. (2)

2. معانی الاخبار: غیاث ابن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السّلام از پدر بزرگوارش از جدّش روایت نموده که فرمود: حضرت علیّ صلوات اللّه علیه فرمود: نگویید رمضان، بلکه بگویید «ماه رمضان» چون شما نمی دانید رمضان چیست! (3)

3. نوادر راوندی: موسی ابن جعفر از پدرانش از علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: نگویید رمضان، چون شما نمی دانید رمضان چیست؟ هر کس بگوید: رمضان، باید صدقه بدهد و برای کفاره این گفتار باید روزه بگیرد، بلکه همان طور که خداوند متعال در قرآن فرموده: بگویید: ماه رمضان. (4)

1- . معانی الاخبار : 315
2- . در نسخه چاپ شده بصائر الدرجات آن را نیافتیم و در کتاب وسائل در شماره 13509 تخریج شده است.
3- . معانی الاخبار : 315
4- . نوادر راوندی : 47

4. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش علیهم السلام نقلکند که فرمودند: نگویید رمضان، و نگویید: رمضان آمد بلکه بگویید: ماه رمضان، زیرا شما نمیدانید رمضان چیست؟

ص: 456

باب چهل و نهم : دعا در هنگام رؤیت هلال ماه رمضان و آنچه در شبها و روزهای آن خوانده میشود و آدابی که شایسته است در این ماه رعایت گردد

میگویم: انشاءالله بیشتر اخبار و احادیث این باب در بابهای اعمال ماه رمضان خواهد آمد و در مبحث دعاهای ماه رمضان در کتاب دعا نیز احادیثی ذکر شد. پس آن را یادت باشد.

1. ثواب الاعمال،(1) امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون به هلال ماه رمضان نظر می کرد، رو به قبله می نمود، سپس می گفت:

خداوندا، این ماه را همراه با امنیت و ایمان، و سلامتی و اسلام، و تندرستی شکوه مند، و روزی وسیع، و دفع بیماریها، و تلاوت قرآن، و یاری بر نماز و روزه، بر ما نو بگردان. خداوندا، ما را برای ماه رمضان سالم نگه دار و آن را نیز برای ما سالم بدار، و آن را از جانب ما بپذیر، تا ماه رمضان در حالی تمام شود که ما را آمرزیده باشی. (2)

مؤلف: کل حدیث پیشتر ذکر شد. (3)

1- . ثواب الاعمال : 58
2- . امالی صدوق : 29
3- . رجوع کنید به: صفحه 360

2. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدرانش از امیرمومنان علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: بر شماست که در ماه رمضان زیاد استغفار و توبه کنید، چراکه دعا وسیله دفع بلا از شماست و استغفار وسیله محو گناهان شماست. (1)

در کتاب فضائل الاشهر الثلاثهٔ همین حدیث ذکر شده است.

3. امالی صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در ماه رمضان هر شب هزار بار سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ را بخوان و شب بیست و سوم دل محکم کن و گوشت را برای شنیدن عجایبی که میبینی باز کن. راوی گوید: مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، چگونه بدانم که شب قدر در هر سال هست، فرمود: از اول ماه رمضان هر شب سوره دخان را بخوان و شب بیست و سوم باور آنچه از آن پرسیدی را به چشم خود ببین. (2)

4. امالی طوسی: جعفر ابن محمد از پدرش محمد ابن علی علیه السلام روایت میکند که فرمود: درحالی که با علی ابن حسین علیه السلام در راه یا در مسیری بودم، ایشان به هلال ماه رمضان نگریست، پس ایستاد و فرمود:

ای آفریده فرمانبردار، و ای رونده شتابان که در منزلگاههای معین آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر پیوسته متغیر هستی! من به خدایی ایمان دارم که با تو تاریکیها را روشن کرد، و پوشیده ها را آشکار نمود، و تو را نشانه ای از نشانه های فرمانروایی و علامتی از علامتهای استیلای خویش ساخت، پس زمان را با تو مشخص نمود، او که تو را با افزایش و کاهش، و برآمدن و فروشدن، و روشن بودن و کسوف یافتن، به خدمت واداشت. در این همه، تو فرمان او می بری و شتابان به اراده او عمل می کنی.

پاکا خدای، که چه تدبیر شگفتی در کار تو کرده و تو را چه نیک و نغز ساخته و پرداخته است، و کلید هر ماه نو و هر کار نو قرار داده است! تو را هلال ماهی با برکت قرار دهد که روزگار آثار آن برکت را محو نکند و مایه پاکیزگی و طهارتی سازد که گناهان آن را پلید نسازد؛ هلال ایمنی از آفات و سالم بودن از بدیها؛

1- . امالی صدوق : 37
2- . امالی صدوق: 388

هلال سعدی که هیچ شومی و نحوست در آن نباشد، و برکتی که هیچ سختی قرین آن نشود، و آسانیای که با دشواری آمیخته نگردد، و خیری که هیچ شری با آن نیامیزد، هلال امن و ایمان، و نعمت و احسان.

خداوندا! ما را از خرسندترین کسانی قرار ده که این هلال بر آنان طلوع کرده است، و بالنده ترین کسان که به او نظر کرده اند، و خوشبختترین کسانی که در این ماه به عبادت تو برخاسته اند. در این ماه ما را توفیق اطاعت و توبه بخش، و از گناهان و غم اندوه نگاه دار، و سپاسگزار نعمت خود گردان، و در این سپاسگزاری ما را به نزدیکی به طاعات و عبادات واجب و مستحب یاری برسان، همانا تو بخشندهترین بخشندگان و مهربانترین مهربانان هستی. آمین آمین یا رب العالمین. (1)

مؤلف: دعاهای هلال ماه رمضان در کتاب دعا ذکر شد و در بابهای اعمال سنت نیز میآید.

5. فقه الرضا: و بدان! خداوند تو را رحم کند که ماه رمضان حرمت و احترامی دارد که مانند حرمت ماههای دیگر نیست زیرا خداوند این ماه را مخصوص گردانیده و آن را برتری بخشیده است و شب قدر را در این ماه قرار داده که عمل خیر انجام دادن در این شب بهتر از عمل هزار ماهی است که شب قدر در آن نباشد. پس بر شماست که از آنچه خداوند نهی فرموده چشمپوشی کنید و اعضایتان را از آن بازدارید و تا میتوانید در طول شبانه روز در این ماه قرآن تلاوت کنید و سبحان الله و لااله الا الله بگویید و بسیار خداوند را ذکر کنید و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود و سلام بفرستید، و روزی را روزهدار هستید به مانند روزی که روزه نیستید، قرار ندهید و همانا روزه سپری در مقابل آتش دوزخ است.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: هر کس ماه رمضان بر او داخل شود و روزش را روزه بگیرد و شبش را همراه با دعا و نیایش شب زندهداری کند و دامن و زبانش را نگاه دارد و از حرام چشم پوشی کند و کسی را آزار نرساند، از گناهانش بیرون میآید مانند آن روزی که مادرش او را به دنیا

1- . امالی طوسی 2: 110

آورده است. به او عرض شد: این حدیث چقدر نیکو و زیبا است؟ پیامبر فرمود: چقدر این شرط سخت است.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: خواب روزهدار عبادت و نفس کشیدن او تسبیح گویی است.

و گفته شده: روزهدار دو شادمانی دارد، یکی در هنگام افطار کردنش و دیگری در هنگام ملاقات پروردگارش، پس از سنت انسان صالح در آنچه به آنان امر و نهی شده، پیروی کنید.

و هر گاه هلال ماه رمضان را رؤیت کردی به آن اشاره نکن بلکه رو به قبله کن و دستهایت را به سوی پروردگار بالا ببر و هلال ماه را خطاب قرار بده و در مقابل آن تکبیر بگو؛ سپس میگویی: پروردگار من و پروردگار تو الله پروردگار جهانیان است. خداوندا، این ماه را همراه با امنیت و ایمان و سلامتی و اسلام و شتاب نمودن به سوی آنچه دوست میداری و راضی میشوی بر ما آشکار ساز (نو بگردان). خداوندا در این ماه برای ما برکت و نیکی قرار ده و یاری و نیکویی آن را روزی ما بفرما و زیان و بدی و گرفتاری و عذاب و سختی در آن را از ما دور بنما.

در این ماه مبارک قرآن را زیاد قرائت کن و بسیار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود و سلام بفرست و فراوان صدقه بده و در تمام اوقات شبانه روز خداوند را ذکر کن و به برادرانت نیکی کن و اگر برایت ممکن شد آنان را افطاری بده زیرا در این کار پاداش بزرگ و اجری فراوان نهفته است.

6. کتاب حسین ابن سعید و نوادر: اسماعیل ابن زیاد از امام صادق روایت میکند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: رمضان ماه خداوند تبارک و تعالی است، در این ماه لا اله الا الله و الله اکبر زیاد بگویید و فراوان خداوند را حمد و ستایش و تسبیح بگویید و این ماه، بهار تهیدستان است.

و در این ماه قربانی قرار داده شده تا بینوایان از گوشت سیر گردند، پس آنچه خداوند از فضل خود به شما ارزانی فرموده را بر خانوادههایتان و همسایگانتان آشکار کنید و همسایگی نعمتهای الهی بر خودتان را نیک بدارید و با برادرانتان رابطه برقرار کنید و برادران تهیدست و بینوایتان را اطعام کنید، زیرا هر کس به

ص: 460

روزهداری افطار دهد، به اندازه او پاداش میگیرد بدون آنکه از اجر او (روزهدار) چیزی کم شود و ماه رمضان، ماه آزادگی نامیده شده است زیرا خداوند در هر شبانه روز ششصد نفر را آزاد میکند و در آخرین شب ماه رمضان به تعداد کسانی که در (بیست و نه روز) گذشته آزاد کرده، آزاد میکند.

6. فقه الرضا: بدان که ماه رمضان در نزد خداوند حرمت و فضیلتی دارد پس تا میتوانی تمام اعضای بدنت را نگاه دار و در نهان و آشکار از آنچه خداوند تو را نهی فرموده، دوری کن، زیرا در روزه رازی است میان خداوند و بنده، پس هر کس آن را بر آنچه خداوند به او امر کرده بازگرداند، اجر و پاداش بزرگی نصیب او خواهد شد و هر کس این ماه را سبک بشمارد، یقیناً غضب خداوند بر او واجب میگردد و از خداوند آن گونه که حق پروا کردن اوست، پروا کنید چراکه خداوند با کسانی است که پروا میکنند و کسانی که نیکوکارند.

7. اعلام الدین: امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس در ماه رجب و شعبان و در ماه رمضان هر شبانه روز سه بار سوره فاتحه، و آیۀ الکرسی، و سوره کافرون و سوره توحید و سوره ناس و سوره فلق را قرائت کند و این دعا: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوۀ الا بالله العلی العظیم» را سه بار بگوید، سپس سه بار بر پیامبر و خاندانش درود و سلام بفرستد و سه بار بگوید: «خداوندا بر محمد و آل محمد و بر هر فرشته و بر هر پیامبر درود بفرست» و سه بار بگوید: «خداوندا مردان و زنان با ایمان را ببخش» سپس چهارصد بار بگوید: «از خداوند آمرزش میطلبم و به سوی او بازمیگردم».

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سوگند به خداوندی که مرا به حق برای پیامبری مبعوث داشت، هر کس این سورهها را بخواند و این کارها را در این ماهها و شبهای آن انجام دهد، حتی اگر یک بار در عمرش آن را انجام دهد، خداوند در ازای هر حرف، هفتاد هزار نیکی به او میبخشد و هر نیکی در نزد خداوند از کوههای دنیا سنگینتر است و خداوند در هنگام جان دادنش هفتصد نیاز او را برآورده میسازد و در قبر هفتصد نیاز و در هنگام بیرون آمدن از قبر هفتصد

نیازش را برآورده میکند و به همان اندازه از نیازهای او در هنگام گشوده شدن نامه اعمال و سنجیدن اعمال در ترازوی عدل و در هنگام عبور از پل صراط رفع میشود و خداوند متعال او را در زیر سایه عرش خود میآورد و در حسابرسی او آسان میگیرد و هفتاد هزار فرشته او را تا بهشت بدرقه میکنند و خداوند متعال میفرماید: این را بگیر که به خاطر این ماهها برای توست، و به سوی بهشت برده میشود درحالی که برایش نعمتهایی مهیا شده که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده است.

8. دعائم الاسلام: از علی علیه السلام برای ما روایت شده که ایشان چون هلال ماه را رؤیت کرد، فرمود: الله اکبر، خداوندا من از تو خیر این ماه و گشایش و پیروزمندی و روشنایی و روزی آن را میخواهم و از شرّ این ماه و شرّی که پس از آن است، به تو پناه میبرم. (1)

9. فضائل الاشهر الثلاثة: و هر گاه هلال ماه رمضان را رؤیت کردی به آن اشاره نکن بلکه رو به قبله کن و دستهایت را به سوی پروردگار بالا ببر و هلال ماه را خطاب قرار بده و در مقابل آن تکبیر بگو؛ سپس میگویی: پروردگار من و پروردگار تو الله پروردگار جهانیان است، خداوندا، این ماه را همراه با امنیت و ایمان، و سلامتی و اسلام، و شتاب نمودن به سوی آنچه دوست میداری و راضی میشوی بر ما آشکار ساز (نو بگردان)، خداوندا در این ماه برای ما برکت قرار ده و یاری و نیکویی آن را روزی ما بفرما و زیان و بدی و گرفتاری و عذاب و سختی در آن را از ما دور بنما.

1- . دعائم الاسلام 1: 271

باب پنجاهم : دعا کردن در آغاز این ماه و در اولین شب آن

مؤلف: انشاء الله در بابهای اعمال سنت (مستحب) بیشتر روایتهای این باب خواهد آمد و در کتاب دعا نیز آنچه به این موضوع ارتباط داشت، ذکر کردیم.

1. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام در پایان ماه شعبان فرمود: خدایا، این ماه با برکت که تو قرآن را در آن نازل کردی و آن را مایه هدایت مردم و دارای نشانه های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل قرار دادی، فرا رسیده است. پس ما را در این ماه و برای این ماه، سالم نگهدار و آن را از ما به آسانی و عافیت دریافت کن.(1)

2. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: به هنگام فرارسیدن ماه رمضان بگو: خدایا، ماه رمضان که تو روزه هایش را بر ما واجب نمودی و قرآن را که مایه هدایت مردم و دارای نشانه های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است در آن نازل فرمودی، فرارسیده است. خدایا ما را در روزه گرفتن در این ماه یاری نما و آن را از ما بپذیر و ما را در این ماه سالم نگهدار و او را از ما راضی گردان و ما را مطیع او قرار بده، در آسانی و عافیتی از خودت. به درستی که تو بر همه چیز توانایی، ای مهربان ترین مهربانان!(2)

1- . تفسیر عیاشی 1 : 80
2- . تفسیر عیاشی 1 : 80

مؤلف: انشاء الله در باب های اعمال ماه رمضان در بابهای اعمال سنت (مستحب) بیشتر روایتهای این باب خواهد آمد، پس از آن غافل نشو.

1. کافی: امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: والیان پیش از من متصدّی کارهایی شدند که از روی عمد با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله مخالفت کردند و اگر من مردم را از آن منع و امر به ترک آن نمایم، تمام لشکرم از اطراف من پراکنده میشوند و حدیثی طولانی را بیان کرد تا اینجا که فرمود: به خدا سوگند به مردم دستور دادم که در ماه رمضان جز نماز واجب را به جماعت نخوانند و به آنها اعلام کردم که نوافل به جماعت خواندن، بدعت است. برخی از همین لشکریانم که اکنون به همراه من جنگ میکنند فریاد زدند: ای مسلمانان! سنت عمر دگرگون شد. علی ما را از نماز نافله در ماه رمضان باز میدارد و ترس آن را دارم که از یک سوی لشکر بر من شورش کنند. من چه کشیدم از دست این امت! از اختلافشان و از پیروی کردنشان از پیشوایان گمراه و خوانندگان به سوی دوزخ. ادامه روایت. (1)

الاحتجاج: جعفر ابن محمد از امیرمومنان علیه علیه السلام همین حدیث را روایت کرده است. (2)

مؤلف: در اصل کتاب سلیم همین حدیث را یافتم.

2. قرب الاسناد: امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام فرمود: در دهه آخر ماه رمضان، در هر شب بیست رکعت اضافه میشود. (3)

1- . کافی 8 : 58 - 63
2- . احتجاج : 141
3- . قرب الاسناد : 207

3. فقه الرضا: امام هادی علیه السلام فرمود: شب زندهداری ماه رمضان بدعت و روزه آن واجب است، عرض کردم: در ماه رمضان چطور نماز بگذارم؟ فرمود: ده رکعت، و نماز وتر و دو رکعت قبل از طلوع فجر. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز همین گونه نماز میگزارد و اگر فضیلتی میبود، آن را ترک نمیکرد.

4. فقه الرضا: از سنت انسانهای صالح در آنچه امر و نهی شدهاند، پیروی کنید و در ماه رمضان از شب اول آن تا وقتی که بیست شب از آن سپری میشود، در هر شب بیست رکعت نماز بر نوافلی که در غیر ماه رمضان میخوانید، اضافه کنید. هشت رکعت از آن را پس از نماز مغرب و دوازده رکعت پس از نماز عشاء خوانده شود. و در ده روز آخر ماه رمضان، در هر شب سی رکعت خوانده شود که بیست و دو رکعت پس از نماز عشاء میباشد و روایت شده که هشت رکعت پس از نماز مغرب ثابت شده است و اضافه نمیشود، و بیست و دو رکعت پس از نماز عشاء و گفته شده که دوازده رکعت پس از نماز مغرب و هجده رکعت پس از نماز عشاء میباشد.

و در شب بیست و یکم و بیست و سوم، صد رکعت بخوانید که در هر رکعت سوره فاتحه را یک مرتبه و سوره توحید را ده مرتبه میخوانید و و آن را سی رکعت از صد رکعت به شمار آورید و اگر بر این کار توانا نبودی، درحال نشسته نماز بگذار و اگر خواستی، در هر رکعتی یک مرتبه یک مرتبه سوره توحید را میخوانی و اگر توانستی، این دوشب را تا صبح شب زندهداری کنی، این کار را انجام بده.

5. تفسیر عیاشی: حریز از برخی از اصحاب ما، از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت می کند که فرمود: وقتی امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه بود، مردمان نزد وی آمدند و گفتند: ما را پیشوایی قرار ده که در ماه رمضان ما را امامت نماید. فرمود: نه، و ایشان را از جماعت خواندن نوافل نهی نمود. چون شب فرا رسید، این گونه سخن پراکندند که: به حال رمضان بگریید، وای بر رمضان. آن گاه حارث اعور به همراه عده ای نزد امام آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! مردم لابه سر گرفته اند و از سخن شما ناخرسندند. این جا بود که امام فرمود: بگذارید هر چه خواهند کنند؛ هر که را خواهند، امام ایشان گردد و آن گاه گفت: «وَيَتَّبِع غَيْرَ سَبِيلِ

الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءتْ مَصِيرًا»، (1) {و هر کس، پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد، و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم، و چه بازگشتگاه بدی است.} (2)

سرائر: از کتاب ابن قولویه از امام باقر و امام صادق علیهما السلام همین حدیث روایت شده است. (3)

1- . نساء / 115
2- . تفسیر عیاشی 1 : 275
3- . سرائر : 284

1. معانی الاخبار،(1) امالی صدوق: جابر از امام باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن ماه رمضان است. (2)

2. ثواب الاعمال: پدرم از سعدآبادی همین حدیث را روایت کرده است. (3)

مؤلف: برخی روایتها را در باب شب قدر ذکر کردیم.

3. مجالس شیخ: عمرو شامی از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: شماره ماهها نزد خدا در کتاب خدا از آن روز که آسمان ها و زمین را بیافرید، دوازده ماه مقرر گشت؛ پس نخستین آن ماهها، ماه خداست و آن ماه رمضان است و قلب ماه رمضان شب قدر است و قرآن در اولین شب از ماه رمضان نازل شده است، پس آن ماه را با قرآن استقبال کنید. (4)

4. کتاب فضائل الاشهر الثلاثة: همین حدیث روایت آمده است.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . معانی الاخبار : 228
2- . امالی صدوق : 36
3- . ثواب الاعمال : 93
4- . این حدیث در نسخه چاپی امالی یافت نشد و شیخ در کتاب تهذیب جلد 1 صفحه 406 آن را روایت کرده است و صدوق در امالی صفحه 35 آن را روایت کرده است.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109